

متن و ترجمه

کتاب نفیس

فروع کافی

جلد دوم

تألیف

محدث عالی مقام ثقة الاسلام محمد یعقوب کلینی رازی رحمته الله

ترجمه: گروه مترجمان

اشراف و ویرایش: محمد حسین رحیمیان

@tasnim_pdf

کتابخانه تسنیم، بزرگترین کتابخانه علوم
اسلامی در ایتا

فهرست موضوعات

کتاب نماز

(۱۹-۵۰۹)

بخش ششم	بخش یکم
وقت نماز مغرب و عشا..... ۴۹	فضیلت نماز..... ۲۱
بخش هفتم	بخش دوم
وقت نماز صبح..... ۵۷	کسی که از نماز خود مواظبت کند... ۲۶
بخش هشتم	بخش سوم
تعیین وقت نماز..... ۶۰	وجوب نماز..... ۳۵
بخش نهم	بخش چهارم
جمع بین دو نماز..... ۶۵	اوقات نماز..... ۴۰
بخش دهم	بخش پنجم
نمازهایی که می توان در همه اوقات خواند ۶۷	وقت نماز ظهر و عصر..... ۴۴

بخش یازدهم	بخش هیجدهم
خواندن نافله... ۶۹	آغاز اذان و اقامه... ۹۸
بخش دوازدهم	بخش نوزدهم
کسی که بخوابد و نماز نخواند... ۷۳	کلامی که به هنگام ورود و خروج در مسجد گفت... ۱۱۱
بخش سیزدهم	بخش بیستم
بنای مسجد پیامبر ﷺ... ۸۳	آغاز نماز، حدّ تکبیر... ۱۱۳
بخش چهاردهم	بخش بیست و یکم
وسیله حایل بین نمازگزار و رهگذر... ۸۶	قرائت قرآن... ۱۲۰
بخش پانزدهم	بخش بیست و دوم
زنی که در برابر مرد نماز می‌گزارد... ۸۹	سوره‌هایی که دارای سجده واجبند... ۱۳۰
بخش شانزدهم	بخش بیست و سوم
خشوع در نماز و مکروه بودن بازی کردن... ۹۱	قرائت و تسبیح در دو رکعت آخر... ۱۳۲
بخش هفدهم	بخش بیست و چهارم
گریه و دعا در نماز... ۹۶	رکوع و تسبیح و دعای رکوع و ذکر پس از آن... ۱۳۳

بخش بیست و پنجم

سجده، تسبیح، دعای سجده..... ۱۳۷

بخش سی و یکم

قنوت در نماز واجب و نافله..... ۱۷۷

بخش بیست و ششم

کمترین تسبیحی که در رکوع و سجود

کفایت می‌کند..... ۱۵۵

بخش سی و دوم

دعا و تعقیب بعد از نماز..... ۱۸۲

بخش بیست و هفتم

چیزهایی که می‌توان بر آنها سجده کرد...

..... ۱۵۸

بخش سی و سوم

کسی که پیش از سلام حدثی از او سر

زند..... ۱۹۵

سی و چهارم

سهو در آغاز نماز..... ۱۹۶

بخش بیست و هشتم

نهادن پیشانی بر زمین..... ۱۶۴

بخش سی و پنجم

سهو در قرائت..... ۱۹۷

بخش بیست و نهم

ایستادن و نشستن در نماز..... ۱۶۷

بخش سی و ششم

سهو در رکوع..... ۱۹۸

بخش سی ام

تشهد در دو رکعت اول و رکعت چهارم

و سلام دادن..... ۱۷۳

بخش سی و هفتم

سهو در سجود..... ۲۰۰

بخش سی و هشتم

سهو در دو رکعت اول ۲۰۱

بخش چهل و پنجم

باطل شدن نماز به وسیله خنده... ۲۳۵

بخش سی و نهم

سهو در نماز صبح، مغرب و جمعه . ۲۰۳

بخش چهل و ششم

سلام کردن بر نمازگزار و حکم عطسه در نماز..... ۲۳۹

بخش چهلم

سهو در رکعت سوّم و چهارم ۲۰۵

بخش چهل و هفتم

کشتن گزندگان در حال نماز..... ۲۴۱

بخش چهل و یکم

کسی که در رکعت چهار و پنجم شک کند..... ۲۱۰

بخش چهل و هشتم

بنای مساجد و احکام آن ۲۴۳

بخش چهل و دوم

کسی که در نماز سخن بگوید..... ۲۱۲

بخش چهل و نهم

فضیلت و برتری نماز جماعت..... ۲۵۰

بخش چهل و سوم

کسی که در همه نمازهایش شک می کند... ۲۱۸

بخش پنجاهم

نماز پشت سر کسی که به او اقتدا نمی شود ۲۵۵

بخش چهل و چهارم

چه مقدار از نماز سهوکننده پذیرفته می شود..... ۲۳۱

بخش پنجاه و یکم

امام جماعتی که اقتدای به او مکروه است ۲۵۹

بخش پنجاه و هفتم

شخصی که در اثنای نماز به صف جماعت می پیوندد ۲۷۸

بخش پنجاه و دوم

مردی که به زنان پیشنهادی کند ۲۶۲

بخش پنجاه و هشتم

نماز در کعبه، بالای آن ۲۸۳

بخش پنجاه و سوم

نماز در پشت سر کسی که به او اقتدا می شود ۲۶۳

بخش پنجاه و نهم

نماز خواندن در یک لباس ۲۹۵

بخش پنجاه و چهارم

کسی که برای گروهی بدون طهارت امامت نماید ۲۶۵

بخش شصتم

لباسی که نماز در آن مکروه و لباسی که مکروه نیست ۳۰۲

بخش پنجاه و پنجم

شخصی که به تنهایی نماز می خواند ۲۶۷

بخش شصت و یک

حکم نماز در لباس نجس دانسته یا ندانسته ۳۱۹

بخش پنجاه و ششم

شخصی که قسمتی از نماز خود را با امام درک می نماید ۲۷۱

بخش شصت و دوم

شخصی که در حال دهان بسته، یا خضاب کرده نماز می گزارد ۳۲۷

بخش هفتادم

مہیا شدن امام جمعہ برای نماز
جمعہ... ۳۵۴

بخش ہفتاد و یکم

قـرائت در نمازهای روز و شب
جمعہ... ۳۶۳

بخش ہفتاد و دوم

قنوت در نماز جمعہ و دعای آن ... ۳۶۶

بخش ہفتاد و سوم

کسی کہ نماز جمعہ بہ امام از او فوت شود
۳۶۷

بخش ہفتاد و چہارم

نافلہ روز جمعہ... ۳۶۸

بخش ہفتاد و پنجم

احادیثی چند دربارهٔ جمعہ... ۳۶۹

بخش شصت و سوم

نماز کودکان... ۳۲۹

بخش شصت و چہارم

چگونگی نماز پیران و بیماران... ۳۳۱

بخش شصت و پنجم

نماز شخص بی ہوش و بیمار... ۳۳۶

بخش شصت و ششم

فضیلت روز و شب جمعہ... ۳۳۸

بخش شصت و ہفتم

آرایش و آراستن در روز جمعہ... ۳۴۵

بخش شصت و ہشتم

وجوب نماز جمعہ... ۳۴۹

بخش شصت و نہم

وقت نماز جمعہ و وقت نماز عصر در روز

جمعہ... ۳۵۲

بخش های مربوط به احکام نماز در**سفر**

بخش هشتاد و یکم
مسافری که در نماز به شخص غیر مسافر
اقتدا می کند ۳۹۰

بخش هفتاد و ششم

وقت نماز در سفر و حکم جمع بین دو
نماز ۳۷۴

بخش هشتاد و دوم

نماز نافله در سفر ۳۹۱

بخش هفتاد و هفتم

مقدار مسافتی که نماز در آن قصر
می شود ۳۷۷

بخش هشتاد و سوم

نماز در کشتی ۳۹۵

بخش هشتاد و چهارم

نمازهای نافله ۳۹۷

بخش هفتاد و هشتم

کسی که می خواهد سفر کند ۳۸۰

بخش هشتاد و پنجم

تقدیم و تأخیر نمازهای نافله ۴۱۵

بخش هفتاد و نهم

مسافری که به شهری می آید تا چند روز
باید نماز را شکسته بخواند؟ ۳۸۳

بخش هشتاد و ششم

نماز خوف و ترس ۴۲۴

بخش هشتادم

نماز ناخدایان، چهارپاداران، شکارچیان ...

بخش هشتاد و هفتم

نماز در هنگام حمله دشمن ۴۲۸

..... ۳۸۵

بخش هشتاد و هشتم

نماز عید فطر و عید قربان و خطبه
آن‌ها ۴۳۱

بخش نود و پنجم

نماز حاجت ۴۶۸

بخش هشتاد و نهم

نماز طلب باران ۴۳۶

بخش نود و ششم

نماز کسی که از چیزی بترسد ۴۷۷

بخش نودم

نماز گرفتن خورشید و ماه ۴۳۹

بخش نود و هفتم

نماز کسی که اراده سفر دارد ۴۷۸

بخش نود و یکم

نماز تسبیح ۴۴۴

بخش نود و هشتم

نماز شکر و سپاسگزاری ۴۷۹

بخش نود و نهم

نماز کسی که بخواهد زن خود را به خانه
آورد ۴۸۰

بخش نود و دوم

نماز حضرت فاطمه علیها السلام و نماز ترغیب
دیگری ۴۴۹

بخش صدم

چند حدیث بی نظیر ۴۸۲

بخش نود و سوم

نماز استخاره ۴۵۴

بخش صد و یکم

مساجد کوفه ۵۰۰

بخش نود و چهارم

نماز برای درخواست روزی ۴۶۲

بخش صد و دوّم

فضیلت مسجد بزرگ کوفه..... ۵۰۲

بخش صد و سوم

فضیلت مسجد سهله..... ۵۰۸

کتاب زکات (۵۱۱-۶۷۸)

واجب ندارد..... ۵۴۷

بخش یکم

وجوب زکات و حقوق واجب... ۵۱۳

بخش هفتم

کمترین نصاب زکات محصولات . ۵۵۰

بخش دوم

عدم پرداخت زکات ۵۲۹

بخش هشتم

زکات در خرما در یک سال یک مرتبه

است..... ۵۵۵

بخش سوم

علت وضع زکات ۵۳۹

بخش نهم

زکات طلا و نقره ۵۵۶

بخش چهارم

آن چه بر خدا و اهل بیت او به عنوان

زکات مقرر کرده اند ۵۴۲

بخش دهم

زیور آلات، سکه های غیر رایج طلا،

نقره و جواهرات زکات ندارند ۵۶۱

بخش پنجم

زکات حبوبات و غلات ۵۴۴

بخش ششم

سبزیجات و گیاهانی که زکات

بخش یازدهم

زکات مال غائب، قرض و ودیعه . ۵۶۴

بخش دوازدهم

زمان پرداخت زکات ۵۷۱

بخش هیجدهم

زکات شتر..... ۵۹۴

بخش سیزدهم

شرط پرداخت زکات در ضمن
معامله..... ۵۷۶

بخش نوزدهم

زکات گاو..... ۵۹۷

بخش چهاردهم

حکم مالی که در دست صاحبش یک
سال دست نخورده می ماند..... ۵۷۷

بخش بیستم

زکات گوسفند..... ۵۹۸

بخش بیست و یکم

آدابی که مأمور دریافت زکات باید
مراعات کند ۶۰۰

بخش پانزدهم

مالی را انسان پس از پرداخت زکات آن
استفاده می کند..... ۵۸۴

بخش بیست و دوم

زکات مال یتیمان..... ۶۰۲

بخش شانزدهم

حکم کسی که کالایی را می خرد و ضرر
می کند و حکم مضاربه ۵۸۵

بخش بیست و سوم

زکات اموال برده، مکاتب و
دیوانه..... ۶۱۱

بخش هفدهم

حیواناتی که زکاتشان واجب است و
آن چه که واجب نیست ۵۹۰

بخش بیست و چهارم

حکم آن چه که سلطان به عنوان خراج
می گیرد..... ۶۱۵

بخش سی ام

پرداخت هزینه خانواده..... ۶۲۹

بخش بیست و پنجم

حکم کسی که مخارج خانواده برعهده
اوست..... ۶۱۷

بخش سی و یکم

اولویت برخی از کسانی که زکات دریافت
می کنند بر دیگران..... ۶۳۱

بخش بیست و ششم

حکم شخصی که به گمان خود به
تنگدستی زکات می پردازد..... ۶۲۰

بخش سی و دوم

رجحان خویشاوندان در پرداخت
زکات و..... ۶۳۳

بخش بیست و هفتم

زکات فقط باید به اهل ولایت پرداخت
شد..... ۶۲۱

بخش سی و سوم

چند حدیث نادر..... ۶۳۶

بخش سی و چهارم

حکم زکاتی که از شهری به شهر دیگر
ارسال می شود..... ۶۴۰

بخش بیست و هشتم

پرداخت زکات از جانب مرده... ۶۲۳

بخش سی و پنجم

حکم کسی که زکات را مأمور می دهد...
..... ۶۴۲

بخش بیست و نهم

کمترین و بیشترین مبلغ پرداختی از
زکات..... ۶۲۷

بخش سی و هشتم

وقتی به کسی زکات پرداخت شد..... ۶۴۷

بخش چهل و دوم

کسی که اخذ زکات بر او حلال است و کسی که حلال نیست و مال کمی دارد ۶۵۶

بخش سی و هفتم

انسان از زکات حج انجام می‌دهد یا برده آزاد می‌کند ۶۴۸

بخش چهل و سوم

کسی که زکات بر او حلال است... ۶۵۷

بخش سی و هشتم

قرض، به جای زکات است ۶۵۱

بخش چهل و چهارم

(حصاد و جداد) خوشه چینی و برداشت محصول ۶۶۶

بخش سی و نهم

قصاص زکات با قرض ۶۵۳

بخش چهل و پنجم

زکات کسانی که باید جزیه دهند . ۶۶۸

بخش چهل و ششم

حکم کسی که از پرداخت زکات فرار می‌کند ۶۵۴

بخش چهل و هشتم

چند حدیث کمیاب ۶۷۲

بخش چهل و یکم

کسی که از قیمت زکاتش می‌پردازد ۶۵۵

بخش چهل و هفتم

چند روایت نکته دار ۶۷۶

كِتَابُ
الصَّلَاةِ

كتاب
نماز

(۱)

بَابُ فَضْلِ الصَّلَاةِ

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَأَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا هُوَ؟
فَقَالَ: مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ. أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليها السلام قَالَ: ﴿وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾.

بخش یکم

فضیلت نماز

محمد بن یعقوب کلینی رضی الله عنه نگارنده این کتاب گوید:

۱ - محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب از معاویة بن وهب به من نقل کرد که معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:
برترین چیزی که بندگان بدان وسیله به پروردگارشان تقرب می جویند و نیز دوست داشتنی ترین آنها نزد خداوند متعال چیست؟
فرمود: من چیزی را بعد از معرفت به خدا نمی شناسم که بهتر از نماز باشد. مگر نمی بینی که بنده صالح خدا، عیسی بن مریم عليها السلام گفته است: «و (پروردگرم) مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش فرمود».

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ، وَهِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلُ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيُسَبِّحُ الْوُضُوءَ، ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَنْبِيَسُ، فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَهُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ. إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسَ: يَا وَيْلَاةَ! أَطَاعَ وَعَصَيْتُ وَسَجَدَ وَابْتَيْتُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا يَقُولُ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ سَاجِدٌ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ زَيْدِ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

۲- زید شحام گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: محبوبترین اعمال نزد خداوند تعالی نماز است، و آن آخرین سفارش پیامبران علیهم السلام است، چقدر نیکوست مرد غسل کند، یا به طور تمام و کمال وضو بگیرد، آن گاه به گوشه ای رود؛ چنان که هیچ کسی او را نبیند، پس خداوند بر او نظر افکند، در حالی که او در رکوع و یا در سجود است. همانا بنده چون به سجده رود و آن را طولانی کند، ابلیس فریاد زند: وای بر من که او فرمانبرداری کرد و من نافرمانی کردم، او سجده نمود و من از سجده خودداری کردم.

۳- وشاء گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: نزدیکترین حالات بنده به خداوند تعالی حالتی است که او در سجده است و دلیل آن، فرمایش خداوند تعالی است که می فرماید: «سجده کن و تقرّب یاب».

۴- زید بن خلیفه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

إِذَا قَامَ الْمُصَلِّي إِلَى الصَّلَاةِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ إِلَى أَعْنَانِ الْأَرْضِ، وَحَفَّتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ، وَنَادَاهُ مَلَكٌ: لَوْ يَعْلَمُ هَذَا الْمُصَلِّي مَا فِي الصَّلَاةِ مَا انْفَتَلَ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

إِذَا قَامَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فِي صَلَاتِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ - أَوْ قَالَ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ - حَتَّى يَنْصَرِفَ، وَ أَظَلَّتْهُ الرَّحْمَةُ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ، وَ الْمَلَائِكَةُ تَحْفُهُ مِنْ حَوْلِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ، وَ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا قَائِمًا عَلَى رَأْسِهِ يَقُولُ لَهُ: أَيُّهَا الْمُصَلِّي! لَوْ تَعْلَمُ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ مَنْ تُنَاجِي مَا التَفَّتْ وَ لَا زَلَّتْ مِنْ مَوْضِعِكَ أَبَدًا.

۶ - أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ

چون نماز گزار به نماز ایستد، مهر و رحمت بر او از اطراف آسمان به سوی اطراف زمین فرود آید، فرشتگان او را احاطه کنند، و فرشته‌ای او را ندا کند: اگر این نماز گزار می‌دانست چه ارزش و مقامی در نماز است، آن را به پایان نمی‌برد.

۵ - ابو حمزه گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هرگاه بنده مؤمن برای نمازش برخیزد، خداوند به او نظر کند - یا این که فرمود: خداوند به او روی آورد - تا این که از نماز فارغ شود، و رحمت خداوند از بالای سر او تا کرانه‌های آسمان بر او سایه افکند، و فرشتگان، پیرامون او را تا کرانه‌های آسمان فراگیرند، و خداوند فرشته‌ای را بر بالای سر او بگمارد که ایستاده باشد و به او گوید: ای نماز گزار! اگر می‌دانستی چه کسی به تو نظر می‌کند و چه کسی را می‌خوانی، هرگز نمازت را به پایان نمی‌بردی و همیشه در جایگاه نماز می‌ماندی.

۶ - محمد بن فضیل گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نماز وسیله تقرب هر پرهیزکار است.

۷- عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
صَلَاةَ فَرِيضَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يُنْصَدَّقُ مِنْهُ حَتَّى يَفْنَى.

۸- جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:
مَرَّ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ وَهُوَ يُعَالِجُ بَعْضَ حُجْرَاتِهِ .
فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَا أَكْفِيكَ .
فَقَالَ: شَأْنُكَ! فَلَمَّا فَرَّغَ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حَاجَتُكَ؟
قَالَ: الْجَنَّةُ.

فَاطَرَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .
ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ، فَلَمَّا وَلَّى، قَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! أَعِنَّا بِطَوْلِ السُّجُودِ.

۷- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

یک نماز فریضه از انجام بیست حج بهتر است، و یک حج بهتر از خانه‌ای پر از طلا است که انسان آن را صدقه دهد تا چیزی از آن نماند.

۸- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مردی از کنار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذر می‌کرد، حضرتش یکی از اتاق‌های خود را تعمیر می‌کرد. آن مرد گفت: ای رسول خدا! آیا کمک نمی‌خواهید؟
فرمود: باشد! هنگامی که مرد از کار فارغ شد، پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: حاجت تو چیست؟

گفت: بهشت.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سر به زیر افکند، پس از لحظه‌ای فرمود: باشد. هنگامی که آن مرد پشت کرد که برود به او فرمود: ای بنده خدا! سجدهات را طولانی کن تا مرا در استجابت دعایم - که بهشت را برای تو از خدا خواسته‌ام - یاری کنی.

۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
 مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأَطْنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالْعِشَاءُ، وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعِ طُنْبٌ وَلَا وَتْدٌ وَلَا غِشَاءٌ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ﴾.

قَالَ: صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ.

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ، وَمَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ.

۹- عبيد بن زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
 نماز همچون ستون خیمه است که هرگاه ستون پای بر جا و ثابت باشد، طناب‌ها، میخ‌ها و پرده خیمه فایده دارد، و هرگاه آن ستون بشکند، دیگر نه طناب، نه میخ و نه پرده خیمه هیچ کدام فایده‌ای ندارند.

۱۰- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد گفتار خداوند تَعَالَى که می فرماید: «الْبَتَّةَ حَسَنَاتٍ وَنِيكَوَارِيهَا، زَشْتِكَارِيهَا رَا مَحْوٌ مِي سَازِد» فرمود:
 مراد از حسنات، نماز شب مؤمن است که گناهان روز را از بین می برد.

۱۱- حفص بختری گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 خداوند از هر فردی که یک نماز را بپذیرد، او را عذاب نخواهد فرمود، و خداوند از فردی که یک حسنه قبول فرماید، او را عذاب نخواهد کرد.

- ۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا أَنْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ.
- ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّلَاةُ مِيزَانٌ، مَنْ وَفَّى اسْتَوْفَى.

(۲)

بَابُ مَنْ حَافَظَ عَلَى صَلَاتِهِ أَوْ ضَيَّعَهَا

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: كُنْتُ صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمُزْدَلِفَةِ. فَلَمَّا أَنْصَرَفَ التُّفَّتَ إِلَيَّ فَقَالَ:
- ۱۲ - سيف گوید: کسی که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیده بود به من گفت: آن حضرت می فرمود:
- هر کس دو رکعت نماز به جای آورد و بداند که در آن دو رکعت چه می گوید، از نماز فارغ شود در حالی که میان او و خدایش گناهی نباشد.
- ۱۳ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
- نماز همچون ترازوست، پس هر کس آن را تمام و کمال بپردازد و حق آن را به جای آورد، به تمام و کمال پاداش دریافت خواهد کرد.

بخش دوم

کسی که از نماز خود مواظبت کند، یا این که آن را ضایع و تباه سازد

- ۱ - ابان بن تغلب گوید: در مزدلفه (مشعر الحرام) پشت سر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز به جای آوردم. وقتی حضرتش نماز را به پایان رساند، رو به من کرد و فرمود:

يَا أَبَانَ! الصَّلَوَاتُ الْحَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ، مَنْ أَقَامَ حُدُودَهُنَّ وَحَافِظَ عَلَى مَوَاقِيتهِنَّ لِقِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدَهُ عَهْدٌ يُدْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ لَمْ يُقِمْ حُدُودَهُنَّ وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى مَوَاقِيتهِنَّ لِقِي اللَّهِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ، إِنْ شَاءَ عَذَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ بِالْمُزْدَلِفَةِ. فَلَمَّا أَنْصَرَفَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ لَمْ يَزُكَّعْ بَيْنَهُمَا. ثُمَّ صَلَّيْتُ مَعَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِسَنَةِ، فَصَلَّيْتُ الْمَغْرِبَ ثُمَّ قَامَ فَتَنَفَّلَ بِأَرْبَعِ رَكَعَاتٍ ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّيْتُ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ. ثُمَّ التَّفَّتَ إِلَيَّ فَقَالَ:

ای ابان! هر که حدود نمازهای پنجگانه واجب را بر پا دارد و مراقب اوقات آنها باشد، در روز قیامت در حالی خداوند را ملاقات خواهد کرد، که برای او در پیشگاه خدا امان نامه ای خواهد بود که او را وارد بهشت کند، و کسی که حدود آنها را بر پا ندارد و مراقب اوقات آنها نباشد، خدای را در حالی ملاقات خواهد کرد که هیچ امان نامه ای نخواهد داشت و خداوند اگر خواهد او را عذاب کند و اگر خواهد بیامرزد.

۲- ابان گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز مغرب را در مزدلفه خواندم و چون نماز را تمام نمود، اقامه نماز را گفت و نماز عشا را خواند و مابین آنها نماز دیگری نخواند. سال دیگری با حضرتش نماز مغرب را خواندم، حضرتش برخاست و چهار رکعت نماز مستحبی خواند، آن گاه اقامه نماز را گفت و نماز عشا را خواند، سپس رو به من کرد و فرمود:

يَا أَبَانَ! هَذِهِ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ مَنْ أَقَامَهُنَّ وَحَافِظَ عَلَى مَوَاقِبَتِهِنَّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدَهُ عَهْدٌ يُدْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّهِنَّ لِمَوَاقِبَتِهِنَّ وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَلِكَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ وَ إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قِيلَ لَهُ وَ أَنَا حَاضِرٌ: الرَّجُلُ يَكُونُ فِي صَلَاتِهِ خَالِيًا فَيَدْخُلُهُ الْعُجْبُ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ أَوَّلَ صَلَاتِهِ بِنَيْتِهِ يُرِيدُ بِهَا رَبَّهُ فَلَا يُضْرُّهُ مَا دَخَلَهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ وَ لِيُخْسِئِ الشَّيْطَانَ.

۴- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

ای ابان! هر که حدود نمازهای پنجگانه واجب را بر پا دارد و مراقب اوقات آنها باشد، در روز قیامت در حالی خداوند را ملاقات خواهد کرد که برای او در پیشگاه خدا امان نامه ای خواهد بود که او را وارد بهشت کند، و کسی که حدود آنها را بر پا ندارد و مراقب اوقات آنها نباشد، خدای را در حالی ملاقات خواهد کرد که هیچ امان نامه ای نخواهد داشت و خداوند اگر خواهد او را عذاب کند و اگر خواهد بیامرزد.

۳- یونس بن عمّار گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که به حضرتش گفته شد: شخصی در نماز است و ذهن او خالی از هر فکر است، ولی ناگاه عجب و خودپسندی او را فرامی گیرد.

فرمود: اگر از ابتدای نماز قصد تقرب به پروردگار در نیت او بوده است، چنین حالی به او ضرری نمی رساند، نماز خود را ادامه دهد و شیطان را از خود براند.

۴- ابوبصیر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي فَلَمْ يَتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لَا سُجُودَهُ .

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: نَقَرَ كَنْفَرِ الْعُرَابِ لَيْنٌ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَاتُهُ لَيْمُوتَنَّ عَلَيَّ غَيْرِ

دینبی.

۷ - عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ، لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَ اللَّهِ.

۸ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ.

۶- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

روزی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد و مشغول نماز گشت در حالی که رکوع و سجود آن را درست به جای نمی آورد. آن حضرت فرمود: آن مرد همانند کلاغ منقار زد. اگر او بمیرد و نمازش این گونه باشد، بر غیر دین من مرده است.

۷- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نماز خود را سبک مشمار، چرا که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هنگام وفات خویش فرمود: هر کس نماز خود را سبک شمارد، از من نیست و هر کس نوشابه مست کننده ای بنوشد، از من نیست و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. هرگز! به خدا سوگند!

۸- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

شیطان همیشه از مؤمن خائف و ترسناک است تا زمانی که به نمازهای پنجگانه خود مواظبت نماید. اگر آنهارا ضایع کند، شیطان بر او دلیر شود و او را در گناهان کبیره داخل سازد.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَاللَّهِ! إِنَّهُ لَيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَمَا قَبَلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً، فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا.

وَاللَّهِ! إِنَّكُمْ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جَيْرَانِكُمْ وَأَصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يُصَلِّي لِبَعْضِكُمْ مَا قَبَلَهَا مِنْهُ لِاسْتِخْفَافِهِ بِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُسْتَخْفَى بِهِ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قِضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِ غَيْرِي أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ قِضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِي.

۹ - عیص بن قاسم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به خدا سوگند! بسا پنجاه سال از عمر کسی می‌گذرد و خداوند یک نماز از او قبول نمی‌کند. آیا چه چیزی از این بدتر است؟!

به خدا سوگند! شما از همسایگان و دوستان خود کسانی را می‌شناسید که اگر برای بعضی از شما نماز می‌خواند، به خاطر سبک شمردن آن، از او نمی‌پذیرفت. خداوند جز (عمل) خوب قبول نمی‌کند، پس چگونه می‌پذیرد عملی را که سبک شمرده شده باشد؟!

۱۰ - هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه بنده به نماز ایستد و نماز خود را سبک به جای آورد، خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان خود می‌فرماید: آیا به بنده من نگاه نمی‌کنید؟! گویی او گمان می‌کند که بر آوردن حاجت‌های او به دست غیر من است، آیا او نمی‌داند که بر آوردن حاجت‌های او به دست من است؟!!

- ۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا مَا أَدَّى الرَّجُلُ صَلَاةً وَاحِدَةً تَامَةً قَبِلَتْ جَمِيعُ صَلَاتِهِ، وَإِنْ كُنَّ غَيْرَ تَامَاتٍ وَإِنْ أَفْسَدَهَا كُلَّهَا لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ شَيْءٌ مِنْهَا وَ لَمْ يُحَسَبْ لَهُ نَافِلَةٌ وَ لَا فَرِيضَةٌ، وَإِنَّمَا تُقْبَلُ النَّافِلَةُ بَعْدَ قَبُولِ الْفَرِيضَةِ وَ إِذَا لَمْ يُؤَدِّ الرَّجُلُ الْفَرِيضَةَ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ النَّافِلَةُ، وَ إِنَّمَا جُعِلَتْ النَّافِلَةُ لِتَيْمِّمَ بِهَا مَا أَفْسَدَ مِنَ الْفَرِيضَةِ.
- ۱۲- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ حَرِيْزٍ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾.
- قَالَ: هِيَ الْفَرِيضَةُ.
- قُلْتُ: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾.
- قَالَ: هِيَ النَّافِلَةُ.

۱۱- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه فردی یک نماز کامل به جای آورد، همه نمازهای او قبول می شود، اگر چه کامل نباشند، و اگر همه آنها را تباہ کند، چیزی از نمازهایش قبول نمی شود و هیچ نماز نافله و فریضه برای او منظور نمی گردد، و نماز نافله فقط بعد از پذیرفته شدن نماز فریضه پذیرفته می شود و اگر کسی فریضه را ادا نکند، نافله از او پذیرفته نمی شود؛ زیرا نافله فقط برای تکمیل فریضه ای است که تباہ شده است.

۱۲- فضیل گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالی که می فرماید: «کسانی که بر

نمازهای خویش مراقب و مواظبند» پرسیدم.

فرمود: منظور از آن، نماز فریضه است.

گفتم: منظور از «کسانی که بر نمازهای خود مداومت کنندگانند» چیست؟

فرمود: منظور نماز نافله است.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾. قَالَ: كِتَابًا ثَابِتًا، وَ لَيْسَ إِنْ عَجَلْتَ قَلِيلًا أَوْ أَخَّرْتَ قَلِيلًا بِالَّذِي يَضُرُّكَ مَا لَمْ تُضَيِّعْ تِلْكَ الْأِضَاعَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِقَوْمٍ: ﴿أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوَقْتِهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ.

۱۳ - داوود بن فرقد گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: منظور از فرمایش خدای تعالی که می فرماید: «همانا نماز بر مؤمنان واجب و دارای اوقات معین است» چیست؟ فرمود: یعنی نوشته ای ثابت است و این طور نیست که اگر مقدار اندکی از وقت (فضیلت) آن را پیش و پس اندازی به تو ضرری رساند، تا زمانی که آن را ضایع نکرده باشی؛ زیرا خداوند تعالی درباره گروهی می فرماید: «نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی که در وادی گمراهی خواهند افتاد.»

۱۴ - راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر مؤمنی که از نمازهای فریضه خود مراقبت کند و آنها را در وقت خود به جای آورد، از غافلان نخواهد بود.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
 قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام: إِنَّهُ لَمَّا حَضَرَ أَبِي الْوَفَاءَ قَالَ لِي:
 يَا بُنَيَّ! إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ.

۱۶ - مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام
 قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ، وَ لِكُلِّ
 شَيْءٍ أَنْفٌ، وَأَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ.

۱۵ - ابو بصیر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

هنگامی که وقت وفات پدرم فرا رسید. به من فرمود:

ای فرزندم! همانا شفاعت ما خاندان به کسی که نماز را سبک شمارد، نخواهد رسید.

۱۶ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که

حضرتش می‌فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

برای هر چیز چهره‌ای است و چهره‌ی دین شما نماز است، و نباید کسی از شما چهره‌ی دین

خود را زشت نماید، و برای هر چیز بینی است و بینی نماز (یا ابتدای آن) تکبیر است.

(۳)

بَابُ فَرَضِ الصَّلَاةِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ .

فَقَالَ: خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ .

فَقُلْتُ: فَهَلْ سَمَّاهُنَّ وَ بَيَّنَّهِنَّ فِي كِتَابِهِ .

قَالَ: نَعَمْ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ « أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ دُلُوكُهَا زَوَالُهَا » فَفِيمَا بَيْنَ دُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ سَمَّاهُنَّ اللَّهُ وَ بَيَّنَّهِنَّ وَ وَقَّتَهُنَّ وَ غَسَقُ اللَّيْلِ هُوَ انْتِصَافُهُ .

بخش سوم

وجوب نماز

۱- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره نمازهایی که خداوند عَزَّ وَ جَلَّ واجب فرموده پرسیدم. فرمود: پنج نماز در شبانه روز واجب است.

گفتم: آیا در کتاب خود آنها را نام برده و بیان فرموده است؟

فرمود: آری، خداوند تعالی به پیامبر خود صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «نماز را از ابتدا دلوک و زوال خورشید تا انتهای تاریکی شب به پادار» و دلوک خورشید زوال آن است. پس فاصله بین دلوک خورشید تا انتهای تاریکی شب، وقت چهار نماز است (نماز ظهر، عصر، مغرب و عشا) که آنها را نام برده و بیان فرموده و وقتشان را مقرر ساخته است و غسق شب، نیمه شب است.

ثُمَّ قَالَ: تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ فَهَذِهِ الْحَامِسَةُ.
 وَ قَالَ اللهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ﴾ وَ طَرَفَاهُ الْمَغْرِبُ وَ الْغَدَاةُ
 ﴿وَزُلْفَاهُ مِنَ اللَّيْلِ﴾ وَ هِيَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ.
 وَ قَالَ تَعَالَى: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ وَ هِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ، وَ هِيَ
 أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ هِيَ وَسْطُ النَّهَارِ، وَ وَسْطُ الصَّلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ
 صَلَاةُ الْغَدَاةِ وَ صَلَاةُ الْعَصْرِ.
 وَ فِي بَعْضِ الْقِرَاءَةِ: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى صَلَاةُ الْعَصْرِ
 وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ».

سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «و نماز صبح را در طلوعه صبحگاه به جای آور که نماز صبح مشهود و در دید فرشتگان شب و روز است» پس این هم پنجمین نماز و باز درباره نماز و اوقات آن خدای تعالی فرموده است: «نماز را در دو طرف روز به جای آور» و آن دو طرف، مغرب و صبح است «و در زمان نزدیکی از شب به روز» و مراد از آن نماز عشا است.
 و باز فرموده است: «پیوسته بر نمازها و ترتیب، شرایط و آداب نمازهای پنجگانه - به خصوص نماز میانی را - مواظبت نمایید» و مراد از نماز میانی، نماز ظهر است و آن نخستین نمازی است که رسول خدای ﷺ به جای آورد، و نیز از آن جهت آن را می نامند که میان دو نماز روز قرار دارد که عبارتند از نماز صبح و نماز عصر.
 حضرتش فرمود: در بعضی از قرائت‌ها چنین خوانده شده است: «پیوسته مراقب نمازهای پنجگانه - به خصوص نماز میانه - یعنی ظهر و نماز عصر - باشید و با فروتنی برای خداوند به پای ایستید».

قَالَ: وَ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي سَفَرِهِ، فَقَنَتَ فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ تَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي السَّفَرِ وَ الْحَضْرِ وَ أَضَافَ لِلْمُقِيمِ رَكْعَتَيْنِ وَ إِنَّمَا وَضَعَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا النَّبِيُّ ﷺ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمُقِيمِ، لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ. فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ فَلْيُصَلِّهَا أَرْبَعَ رَكْعَاتٍ كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ.

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ مِنَ الصَّلَاةِ عَشْرَ رَكْعَاتٍ وَ فِيهِنَّ الْقِرَاءَةُ وَ لَيْسَ فِيهِنَّ وَهْمٌ - يَعْنِي سَهْوًا - فَزَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَبْعًا وَ فِيهِنَّ الْوَهْمُ، وَ لَيْسَ فِيهِنَّ قِرَاءَةٌ.

فرمود: این آیه در روز جمعه نازل شد و رسول خدا ﷺ در سفر بود و در آن نماز، قنوت خواند و آن را در سفر و حضر به همان حال خود گذاشت، ولی برای کسی که مقیم است و در سفر نیست دو رکعت دیگر افزود، و البته آن دو رکعت که پیامبر ﷺ برای مقیم در روز جمعه اضافه فرمود، به جای آن دو خطبه‌ای است که همراه با امام خوانده می‌شود. پس هر کس در روز جمعه بخواند به تنهایی و در غیر جماعت آن را به جا آورد، باید چهار رکعت بخواند - مانند نماز ظهر در سایر روزهای هفته -

۲- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

نمازی که خداوند تعالی بر بندگان واجب فرموده، ده رکعت است که در آن‌ها حمد خوانده می‌شود و وهم - یعنی سهو - در آن راه ندارد. پس رسول خدا ﷺ هفت رکعت دیگر بر آن‌ها افزود که در آن‌ها سهو هست و در آن‌ها قرائت نیست.

- ۳- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 فَرَضَ اللهُ الصَّلَاةَ وَ سَنَّ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَشْرَةَ أَوْجُهٍ: صَلَاةَ الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ، وَ
 صَلَاةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ، وَ صَلَاةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، وَ صَلَاةَ
 الْعِيدَيْنِ وَ صَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ.
- ۴- حَمَّادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّ
 الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ أَي مَوْجُوبًا.
- ۵- حَمَّادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَرَضِ فِي الصَّلَاةِ.
 فَقَالَ: الْوَقْتُ وَ الطَّهْوُورُ وَ الْقِبْلَةُ وَ التَّوَجُّهُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدُّعَاءُ.
 قُلْتُ: مَا سِوَى ذَلِكَ.
 قَالَ: سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ.

۳- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

خداوند نماز را واجب ساخت، و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ده نوع نماز به سنت گذارد: نماز
 حضر و سفر، نماز خوف - که بر سه وجه خوانده می شود - نماز گرفتن خورشید و ماه، نماز
 عید فطر و عید قربان، نماز در خواست باران، و نماز میّت.

۴- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره فرمایش خدای تعالی که می فرماید: «همانا نماز بر
 مؤمنان نوشته ای است واجب و معین و دارای اوقات مشخص» فرمود: یعنی واجب شده
 است.

۵- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد واجبات نماز پرسیدم.

فرمود: وقت، طهارت، قبله، توجه، رکوع، سجود و دعا (یعنی قنوت).

پرسیدم: اعمال دیگر چه؟

فرمود: آن اعمال، مستحباتی هستند که در ضمن واجب آمده اند.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ حَدٌّ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ بَابٌ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

عَشْرُ رَكَعَاتٍ رَكَعَتَانِ مِنَ الظُّهْرِ وَ رَكَعَتَانِ مِنَ العَصْرِ وَ رَكَعَتَا الصُّبْحِ وَ رَكَعَتَا
المَغْرِبِ وَ رَكَعَتَا العِشَاءِ الآخِرَةَ لَا يَجُوزُ الوَهْمُ فِيهِنَّ، وَ مَنْ وَهَمَ فِي شَيْءٍ مِنْهُنَّ
اسْتَقْبَلَ الصَّلَاةَ اسْتِقْبَالًا، وَ هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي فَرَضَهَا اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
فِي الْقُرْآنِ وَ فَوَّضَ إِلَى مُحَمَّدٍ ﷺ فَرَادَ النَّبِيُّ ﷺ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ، وَ هِيَ
سُنَّةٌ لَيْسَ فِيهَا قِرَاءَةٌ، إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ دُعَاءٌ، فَالْوَهْمُ إِنَّمَا يَكُونُ
فِيهِنَّ، فَرَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي صَلَاةِ الْمُقِيمِ غَيْرِ الْمُسَافِرِ رَكَعَتَيْنِ فِي الظُّهْرِ وَ
العَصْرِ وَ العِشَاءِ الآخِرَةَ وَ رَكَعَةً فِي المَغْرِبِ لِلْمُقِيمِ وَ الْمُسَافِرِ.

۶- حمّاد بن عیسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

برای نماز چهار هزار حد و مرز است.

در روایت دیگری آمده است: برای نماز چهار هزار باب (مسأله) است.

۷- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

ده رکعت نماز - دو رکعت از ظهر، دو رکعت از عصر، دو رکعت صبح، دو رکعت مغرب
و دو رکعت از عشا - است که شکی در آنها روا نیست و هر کس در آنها شک نمود، باید
نماز را از سر گیرد، این رکعات، نمازی هستند که خداوند ﷻ در قرآن آنها را بر مؤمنان
واجب فرموده است.

آن‌گاه خداوند حکم آنها را بر حضرت محمد ﷺ واگذار کرد، و حضرتش ﷺ هفت
رکعت بر نماز افزوده که سنت است و در آنها قرائت نیست، بلکه تسبیح، تهلیل، تکبیر و
دعاست و شک در آنها راه دارد. پس رسول خدا ﷺ برای مقیم (یعنی غیر مسافر) دو
رکعت در ظهر، عصر و عشا، و یک رکعت در مغرب برای مقیم و مسافر افزود.

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
الصَّلَاةُ ثَلَاثَةٌ أَثْلَاثٌ: ثُلُثٌ طَهُورٌ، وَ ثُلُثٌ رُكُوعٌ، وَ ثُلُثٌ سُجُودٌ.

(۴)

بَابُ الْمَوَاقِيتِ أَوْلَاهَا وَ آخِرُهَا وَ أَفْضَلُهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
كُنْتُ قَاعِدًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا وَ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ. فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ: مَا تَقُولُ
فِيمَا يَقُولُ زُرَّارَةُ وَ قَدْ خَالَفْتَهُ فِيهِ؟
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هُوَ؟
قَالَ: يَزْعُمُ أَنَّ مَوَاقِيتَ الصَّلَاةِ كَانَتْ مُفَوَّضَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هُوَ الَّذِي
وَضَعَهَا.

۸ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نماز دارای سه ثلث است: یک ثلث آن، طهارت (وضو، غسل یا تیمم)، یک ثلث آن رکوع، و یک ثلث دیگر، سجود است.

بخش چهارم

اوقات نماز و نخستین و آخرین وقت آن و نیز وقت فضیلت آن

۱ - زراره گوید: من و حمران بن اعین خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودیم که حمران به حضرتش عرض کرد: نظر شما درباره سخن زراره که من با او مخالفت کرده‌ام، چیست؟
فرمود: نظر او چیست؟
گفت: گمان می‌کند که اوقات نماز به پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ واگذار شده و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن‌ها را وضع کرده است.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَمَا تَقُولُ أَنْتَ؟
 قُلْتُ: إِنَّ جَبْرَيْلَ عليه السلام أَتَاهُ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ، وَ فِي الْيَوْمِ الْآخِرِ
 بِالْوَقْتِ الْآخِرِ. ثُمَّ قَالَ جَبْرَيْلُ عليه السلام: مَا بَيْنَهُمَا وَقْتُ .
 فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا حُمْرَانُ! إِنَّ زُرَّارَةَ يَقُولُ: إِنَّ جَبْرَيْلَ عليه السلام إِذَا جَاءَ
 مُشِيرًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ صَدَقَ زُرَّارَةَ، إِذَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله
 فَوَضَعَهُ وَأَشَارَ جَبْرَيْلُ عليه السلام بِهِ عَلَيْهِ
 ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ
 عَلَّانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى؛ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ
 يَسَّارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ مِنَ الْأَشْيَاءِ أَشْيَاءَ مُوسَّعَةً وَ أَشْيَاءَ مُضَيَّعَةً، فَالصَّلَاةُ مِمَّا وَسَّعَ فِيهِ تَقَدُّمُ مَرَّةٍ
 وَ تَوَخُّرُ أُخْرَى، وَ الْجُمُعَةُ مِمَّا ضَيَّقَ فِيهَا، فَإِنَّ وَقْتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ تَزُولُ وَ
 وَقْتُ الْعَصْرِ فِيهَا وَقْتُ الظُّهْرِ فِي غَيْرِهَا.

امام صادق عليه السلام فرمود: تو چه می‌گویی؟

عرض کردم: جبرئیل عليه السلام در روز اول، وقت اول و در روز آخر، وقت آخر را نزد او آورد، سپس جبرئیل عليه السلام گفت: میان آن دو وقت نماز است.

امام صادق عليه السلام فرمود: ای حمران! زراره راست گفته است؛ زیرا خداوند آن را به پیامبر صلى الله عليه وآله واگذار و او آن را وضع کرد و جبرئیل اوقات مورد خواست خداوند را بر او اشاره کرد (و حضرت طبق خواست خدا آن را تعیین نمود).

۲ - فضیل بن یسار گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اعمالی هستند که (وقت آنها) وسیع و اعمالی هستند که (وقت آنها) تنگ است، و نماز از اعمالی است که (وقت آن) وسیع است. گاهی در وقت خود و گاهی به تأخیر می‌افتد، و وقت نماز جمعه تنگ است؛ زیرا وقت آن در روز جمعه، همان هنگام زوال خورشید، و وقت نماز عصر در روز جمعه، همان وقت نماز ظهر در غیر جمعه است.

- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ وَأَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا إِلَّا فِي عَذْرِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ - أَوْ ابْنِ وَهَبٍ - قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ، أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُمَا.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! وَقْتُ كُلِّ صَلَاةٍ أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُ أَوْ أَوْسَطُهُ أَوْ آخِرُهُ؟ فَقَالَ: أَوَّلُهُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ.

۳ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

برای هر نماز دو وقت است و نخستین وقت آن بهتر است، و کسی نباید که آخر وقت را وقت نماز قرار دهد، مگر آن که عذر موجهی داشته باشد.

۴ - معاویه بن عمار - یا وهب - گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

برای هر نماز دو وقت است، نخستین وقت، برترین وقت هاست.

۵ - زراره گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! آیا

نخستین وقت نماز بهتر است، یا وسط و یا آخر آن؟

فرمود: نخستین آن، همانا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: به راستی خدای عَلَيْهِ السَّلَامُ عمل نیکی را که

زودتر انجام شود، دوست می دارد.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.

۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

لَفُضِّلَ الْوَقْتُ الْأَوَّلُ عَلَى الْآخِرِ خَيْرٌ لِلرَّجُلِ مِنْ وَلَدِهِ وَمَالِهِ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

اعْلَمْ أَنَّ أَوَّلَ الْوَقْتِ أَبَدًا أَفْضَلُ فَعَجِّلْ بِالْخَيْرِ مَا اسْتَطَعْتَ، وَأَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ

عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: مَنْ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا.

۶- قُتَيْبَةُ گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

فضیلت اول وقت بر آخر آن، به سان فضیلت جهان آخرت بر دنیا است.

۷- بکر بن محمد ازدی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بی شک برتری و فضیلت اول وقت بر آخر وقت (برای ادای نماز) برای انسان از فرزندان و مالش بهتر است.

۸- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بدان که اول وقت همیشه بهتر است، پس بشتاب برای نیکی به اندازه‌ای که بتوانی، و دوستدارترین اعمال در نزد خداوند عز وجل آن است که بنده بر آن مداومت نماید، ولو اندک باشد.

۹- منصور بن حازم - یا راوی دیگری - گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام علی بن الحسین عليه السلام فرموده است: هر کس بر اوقات نماز اهمیّت قائل شود، لذّت دنیا را به طور کامل درک نخواهد کرد.

(۵)

بَابُ وَقْتِ الظُّهْرِ وَ العَصْرِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ عُمَرَ بْنَ حَنْظَلَةَ أَتَانَا عَنْكَ بِوَقْتِ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا لَا يَكْذِبُ عَلَيْنَا. قُلْتُ: ذَكَرَ أَنَّكَ قُلْتَ: إِنَّ أَوَّلَ صَلَاةٍ افْتَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله الظُّهْرُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ﴾ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ لَمْ يَمْنَعَكَ إِلَّا سُبْحَتُكَ، ثُمَّ لَا تَزَالُ فِي وَقْتِ إِلَى أَنْ يَصِيرَ الظُّلُّ قَامَةً وَ هُوَ آخِرُ الْوَقْتِ، فَإِذَا صَارَ الظُّلُّ قَامَةً دَخَلَ وَقْتُ العَصْرِ فَلَمْ يَزَلْ فِي وَقْتِ العَصْرِ حَتَّى يَصِيرَ الظُّلُّ قَامَتَيْنِ وَ ذَلِكَ الْمَسَاءُ. فَقَالَ: صَدَقَ.

بخش پنجم**وقت نماز ظهر و عصر**

۱ - یزید بن خلیفه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: عمر بن حنظله از جانب شما برای ما وقتی را (برای نماز) معین کرده است. فرمود: او بر ما دروغ نمی‌بندد. گفتم: او می‌گوید که شما فرموده‌اید: اولین نمازی را که خداوند بر پیامبرش صلى الله عليه وآله واجب فرمود، نماز ظهر است که این معنای فرمایش خدای تعالی است که می‌فرماید: «برپا دارید نماز را در هنگام زوال خورشید»^(۱) و چون زوال آفتاب شد، چیزی جز (هشت رکعت) نافله مانع تو نیست، و پس از آن در وقت فضیلت ظهر هستی تا این که سایه به اندازه قامت (شاخص) برسد و آن، آخر وقت فضیلت ظهر است، و چون سایه قامت (شاخص) به اندازه خود شاخص شد، وقت عصر داخل می‌شود و پس از آن در وقت فضیلت عصر می‌باشی تا آن که سایه شاخص دو برابر آن شود و آن، آخر روز است. امام عليه السلام در پاسخ فرمود: او راست گفته است.

۱ - سورة اسراء، آیه ۸۰

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ إِلَّا أَنْ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ، وَ ذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَإِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَتَى أَصَلِّي الظُّهْرَ؟

فَقَالَ: صَلَّى الزَّوَالَ ثَمَانِيَةً ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ صَلَّى سُبْحَتَكَ طَالَتْ أَوْ قَصَّرْتَ ثُمَّ صَلَّى العَصْرَ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةَ وَ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ وَ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالُوا: كُنَّا نَقِيسُ الشَّمْسَ بِالمَدِينَةِ بِالذَّرَاعِ.

۲- عمر بن حنظله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که زوال آفتاب شود (یعنی آفتاب از خط نصف النهار بگذرد) وقت نماز ظهر فرا می‌رسد، مگر وقت نافله که پیش از آن است، و این به اختیار توست که خواندن نافله را طولانی و یا کوتاه کنی.

۳- ذریح محاربی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: چه زمانی نماز ظهر را بخوانم؟

فرمود: به هنگام زوال، هشت رکعت به جای آور، سپس نماز ظهر را بخوان، و پس از آن، نافله خود را بخوان، خواه طولانی و خواه کوتاه، سپس نماز عصر را به جای آور.

۴- حارث بن مغیره، عمر بن حنظله و منصور بن حازم گویند: ما در مدینه آفتاب را با

ذراع می‌سنجیدیم.

فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا أُتْبِتُكُمْ بِأَيِّنٍ مِنْ هَذَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ إِلَّا أَنْ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ، وَ ذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَإِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ. وَ رَوَى سَعْدُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ وَ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ مَنْصُورٍ مِثْلَهُ وَ فِيهِ:

إِلَيْكَ فَإِنْ كُنْتَ خَفَّفْتَ سُبْحَتَكَ فَحِينَ تَفْرُغُ مِنْ سُبْحَتِكَ، وَإِنْ طَوَّلْتَ فَحِينَ تَفْرُغُ مِنْ سُبْحَتِكَ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا شما را به واضح تر از این آگاه نسازم؟ هنگام زوال آفتاب، وقت نماز ظهر فرا می رسد و پیش از آن، وقت نافله است، و این به اختیار توست که اگر بخواهی نافله را طولانی انجام دهی و اگر بخواهی کوتاه.

همانند این روایت را منصور نقل کرده و افزوده: به اختیار توست. پس اگر نافله خود را کوتاه انجام دادی، هر زمانی که از نافله فارغ می شوی وقت نماز داخل می شود، و اگر نافله را طولانی انجام دادی باز هم وقت نماز زمانی است که از نافله فارغ می شوی.

۵ - عبید بن زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که زوال آفتاب شد، وقت دو نماز (ظهر و عصر) فرا می رسد، جز آن که وقت یکی از آن دو، پیش از وقت دیگری است (یعنی نماز ظهر پیش از نماز عصر است).

وَ رَوَى سَعْدُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ وَ الْعَبَّاسِ بْنِ
مَعْرُوفٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ
مِثْلَهُ، وَ فِيهِ:

دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَ العَصْرِ جَمِيعاً. وَ زَادَ: ثُمَّ أَنْتَ فِي وَقْتٍ مِنْهُمَا جَمِيعاً حَتَّى
تَغِيبَ الشَّمْسُ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ
الْبَجَلِيِّ عَنِ سَالِمِ أَبِي خَدِيجَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلَهُ إِنْسَانٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ. فَقَالَ: رَبِّمَا دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ وَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُصَلُّونَ
العَصْرَ، وَ بَعْضُهُمْ يُصَلُّونَ الظُّهْرَ.
فَقَالَ: أَنَا أَمَرْتُهُمْ بِهَذَا، لَوْ صَلَّوْا عَلَيَّ وَقْتُ وَاحِدٍ عَرَفُوا فَأُخَذَ بِرِقَابِهِمْ.

همانند این روایت را قاسم نقل کرده و در آن آمده است: وقت نماز ظهر و عصر با هم
فرامی‌رسد. و این عبارت را نیز افزوده که: سپس تو در وقت هر دو نماز هستی تا این که
خورشید پنهان شود.

۶ - سالم گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که کسی از امام عليه السلام پرسید: گاهی که
وارد مسجد می‌شوم و می‌بینم اصحابمان نماز عصر را به جای می‌آورند و بعضی از آنها
نماز ظهر می‌خوانند!

فرمود: من خود ایشان را به این کار فرمان داده‌ام، چون اگر در یک وقت نماز بخوانند،
تشییع آنان آشکار می‌شود و آنها را دستگیر می‌کنند.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَمَّا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ أَنْ صَلَّى الظُّهْرَ إِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ قَامَةً وَ قَامَتَيْنِ وَ ذِرَاعًا وَ ذِرَاعَيْنِ وَ قَدَمًا وَ قَدَمَيْنِ مِنْ هَذَا وَ مِنْ هَذَا؟ فَمَتَى هَذَا؟ وَ كَيْفَ هَذَا وَ قَدْ يَكُونُ الظِّلُّ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ نِصْفَ قَدَمٍ؟
قَالَ: إِنَّمَا قَالَ: ظِلُّ الْقَامَةِ وَ لَمْ يَقُلْ: قَامَةُ الظِّلِّ، وَ ذَلِكَ أَنَّ ظِلَّ الْقَامَةِ يَخْتَلِفُ مَرَّةً يَكْثُرُ وَ مَرَّةً يَقَلُّ، وَ الْقَامَةُ قَامَةٌ أَبَدًا لَا يَخْتَلِفُ.

ثُمَّ قَالَ: ذِرَاعٌ وَ ذِرَاعَانِ وَ قَدَمٌ وَ قَدَمَانِ، فَصَارَ ذِرَاعٌ وَ ذِرَاعَانِ تَفْسِيرَ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ فِي الزَّمَانِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ ظِلُّ الْقَامَةِ ذِرَاعًا وَ ظِلُّ الْقَامَتَيْنِ ذِرَاعَيْنِ، فَيَكُونُ ظِلُّ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ وَ الذَّرَاعِ وَ الذَّرَاعَيْنِ مُتَّفِقَيْنِ فِي كُلِّ زَمَانٍ مَعْرُوفَيْنِ مُفَسَّرًا أَحَدُهُمَا بِالْآخَرِ مُسَدِّدًا بِهِ.

فَإِذَا كَانَ الزَّمَانُ يَكُونُ فِيهِ ظِلُّ الْقَامَةِ ذِرَاعًا كَانَ الْوَقْتُ ذِرَاعًا مِنْ ظِلِّ الْقَامَةِ، وَ كَانَتِ الْقَامَةُ ذِرَاعًا مِنَ الظِّلِّ. فَإِذَا كَانَ ظِلُّ الْقَامَةِ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ كَانَ الْوَقْتُ مَحْصُورًا بِالذَّرَاعِ وَ الذَّرَاعَيْنِ، فَهَذَا تَفْسِيرُ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ وَ الذَّرَاعِ وَ الذَّرَاعَيْنِ.

۷- راوی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد آن چیزی که در حدیث آمده پرسیدم که نماز ظهر را هنگامی که سایه شاخص یک قامت و دو قامت، یک ذراع و دو ذراع و یک قدم و دو قدم باشد بخوان که این (حکم اول) چیست؟ و آن (حکم دوم) چیست؟ چگونه چنین امری ممکن است در حالی که گاهی سایه (شاخص) نصف قدم می باشد؟
فرمود: در حدیث فقط فرموده: سایه قامت (یعنی شاخص) و نفرموده: قامت (یعنی قد و اندازه) سایه؛ زیرا سایه قامت در هر فصلی متفاوت است. گاهی زیاد و گاهی کم می شود، ولی قامت همیشه یک مقدار است و کم و زیاد نمی شود.

سپس فرمود: یک ذراع و دو ذراع و یک قدم و دو قدم. پس یک ذراع و دو ذراع تفسیر یک قامت و دو قامت است، در زمانی که سایه یک قامت، یک ذراع و سایه دو قامت، دو ذراع باشد، پس سایه یک قامت و دو قامت با سایه یک ذراع و دو ذراع در هر زمانی با یکدیگر متفقند و هر دو معلومند و هر کدام از آن دو به دیگری تعبیر شده و به آن استوار است.

پس هرگاه سایه شاخص یک ذراع شود، وقت زوال از سایه شاخص یک ذراع و شاخص نیز یک ذراع از سایه خواهد شد، و اگر سایه شاخص کمتر (از یک ذراع) و یا بیشتر باشد، وقت زوال محصور به یک ذراع و دو ذراع است. پس این تفسیر یک قامت و دو قامت و یک ذراع و دو ذراع است.

۸ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ:
 إِذَا صَلَّيْتَ الظُّهْرَ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ إِلَّا أَنْ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ، فَذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَإِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ.

(۶)

بَابُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
 وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا ذَهَبَتِ الْحُمْرَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَتَدْرِي كَيْفَ ذَاكَ؟
 قُلْتُ: لَا.

۸ - مسموع بن عبدالملک گوید: حضرتش فرمود:

هرگاه نماز ظهر را خواندی، وقت نماز عصر داخل شده است، جز این که پیش از آن، وقتی است مخصوص نافله، و آن هم به اختیار توست، اگر خواستی طولانی و اگر خواستی کوتاه بخوان.

بخش ششم

وقت نماز مغرب و عشا

۱ - یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
 وقت نماز مغرب هنگامی است که سرخی غروب از مشرق برود و آیا می دانی چگونه چنین می شود؟ و علتش چیست؟
 گفتم: نه.

قَالَ: لِأَنَّ الْمَشْرِقَ مُطَّلٌّ عَلَى الْمَغْرِبِ هَكَذَا وَرَفَعَ يَمِينَهُ فَوْقَ يَسَارِهِ، فَإِذَا غَابَتْ هَاهُنَا ذَهَبَتْ الْحُمْرَةُ مِنْ هَاهُنَا.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا غَابَتِ الْحُمْرَةُ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ - يَعْنِي مِنَ الْمَشْرِقِ - فَقَدْ غَابَتِ الشَّمْسُ مِنْ شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرِبَهَا.

۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَ لَادٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ حِجَابًا مِنْ ظُلْمَةٍ مِمَّا يَلِي الْمَشْرِقَ وَ وَكَّلَ بِهِ مَلَكًا، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ اعْتَرَفَ ذَلِكَ الْمَلَكُ غُرْفَةً بِيَدِهِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ بِهَا الْمَغْرِبَ يَتَّبِعُ الشَّفَقَ وَ يُخْرِجُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ قَلِيلًا قَلِيلًا وَ يَمْضِي فَيُؤَافِي الْمَغْرِبَ عِنْدَ سُقُوطِ الشَّفَقِ، فَيَسْرَحُ [فِي] الظُّلْمَةِ، ثُمَّ يَعُودُ إِلَى الْمَشْرِقِ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ نَشَرَ جَنَاحَيْهِ فَاسْتَأَقَ الظُّلْمَةَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ حَتَّى يُؤَافِي بِهَا الْمَغْرِبَ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ.

فرمود: برای این که مشرق بر مغرب بدین گونه - و دست راست خود را بر بالای دست چپ خویش برد - مشرف است، چون خورشید از اینجا (که دست چپ است) غایب شود، سرخی از اینجا (که دست راست است) برود.

۲ - برید بن معاویه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اگر سرخی از این طرف - یعنی از مشرق - برود، پس خورشید از شرق و غرب زمین پنهان شده است.

۳ - ابو ولاد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند پرده‌ای از تاریکی در آن جایی که متصل به مشرق است آفریده و فرشته‌ای را بر آن گمارده است، پس هرگاه خورشید پنهان شود، آن فرشته یک مشت از آن تاریکی را برمی‌گیرد و با آن به استقبال مغرب می‌رود و در حالی که از پیش شفق می‌رود و شفق کم کم از مقابل او خارج می‌شود و آن فرشته می‌رود تا این که هنگام فرو رفتن شفق به مغرب می‌رسد و در تاریکی سیر می‌کند، سپس به سوی مشرق باز می‌گردد، و چون فجر طلوع کرد، آن فرشته دو بال خود را پهن می‌کند و تاریکی را از مشرق به سوی مغرب می‌راند تا این که به هنگام طلوع خورشید آن را به مغرب می‌رساند.

- ۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 وَقْتُ سُقُوطِ الْقُرْصِ وَ وُجُوبِ الْإِفْطَارِ أَنْ تَقُومَ بِحِذَاءِ الْقِبْلَةِ وَ تَتَفَقَّدَ الْحُمْرَةَ
 الَّتِي تَرْتَفِعُ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَإِذَا جَاذَتْ قِمَّةَ الرَّأْسِ إِلَى نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَقَدْ وَجَبَ
 الْإِفْطَارُ وَ سَقَطَ الْقُرْصُ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ
 أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
 وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَابَ الْقُرْصُ، فَإِنْ رَأَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ صَلَّيْتَ فَأَعِدِ الصَّلَاةَ
 وَ مَضَى صَوْمُكَ وَ تَكُفُّ عَنِ الطَّعَامِ إِنْ كُنْتَ أَصَبْتَ مِنْهُ شَيْئًا.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ عُمَرَ بِنَ حَنْظَلَةَ أَتَانَا عَنْكَ بِوَقْتِ.

۴- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت غروب آفتاب و واجب شدن افطار (روزه‌دار) هنگامی است که چون مقابل قبله
 بایستی و سرخی را که از مشرق بلند می‌شود، جویا شوی، سرخی از بالای سر به سوی
 مغرب رود. در این هنگام افطار واجب شده و آفتاب فرو رفته است.

۵- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

وقت مغرب زمانی است که قرص خورشید ناپدید شود، پس اگر بعد از نماز خواندن
 دوباره خورشید را دیدی باید دوباره نماز بخوانی، ولی اگر افطار کرده بودی، روزها
 صحیح است و اگر در حال افطار، خورشید را دیدی، باید از خوردن خودداری کنی.

۶- یزید بن خلیفه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: عمر بن حنظله از جانب شما

وقت نماز را برای ما معین کرده است.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا لَا يَكْذِبُ عَلَيْنَا؟
 قُلْتُ: قَالَ: وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَابَ الْقُرْصُ إِلَّا أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا جَدَّ بِهِ
 السَّيْرُ آخَرَ الْمَغْرِبِ وَ يَجْمَعُ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْعِشَاءِ .
 فَقَالَ: صَدَقَ وَ قَالَ: وَقْتُ الْعِشَاءِ حِينَ يَغِيبُ الشَّفَقُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ، وَ وَقْتُ
 الْفَجْرِ حِينَ يَبْدُو حَتَّى يُضِيءَ .
 ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ
 سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
 وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَغَابَ قُرْصُهَا .
 ۸- الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ
 حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَقْتِ
 الْمَغْرِبِ .

امام صادق علیه السلام فرمود: او بر ما دروغ نمی‌بندد.

گفتم: او می‌گوید: وقت نماز مغرب، وقتی است که قرص خورشید ناپدید شود، ولی
 هرگاه رسول خدا ﷺ در سفر برای رفتن شتاب داشت، نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت
 و آن را با نماز عشا جمع می‌کرد.

امام فرمود: راست گفته است.

آن‌گاه فرمود: وقت نماز عشا زمانی است که سرخی مغرب پنهان شود تا یک سوم از
 شب، و وقت نماز صبح، وقتی است که فجر ظاهر شود تا هنگامی که خورشید طلوع کند.

۷- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هنگام نماز مغرب، وقتی است که خورشید غروب کند و قرص آن پنهان شود.

۸- زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام درباره وقت مغرب پرسیدم.

فَقَالَ: إِنَّ جَبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ لِكُلِّ صَلَاةٍ بِوَقْتَيْنِ غَيْرِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ، فَإِنَّ وَقْتَهَا وَاحِدٌ وَ وَقْتَهَا وَجُوبُهَا.

۹- وَ رَوَاهُ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضِيلِ قَالَا. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَ قَتَيْنِ غَيْرِ الْمَغْرِبِ، فَإِنَّ وَقْتَهَا وَاحِدٌ وَ وَقْتَهَا وَجُوبُهَا وَ وَقْتِ فَوْتِهَا سُقُوطُ الشَّفَقِ.

وَ رُوِيَ أَيْضًا: أَنَّ لَهَا وَ قَتَيْنِ آخِرُ وَقْتِهَا سُقُوطُ الشَّفَقِ.

وَ لَيْسَ هَذَا مِمَّا يُخَالِفُ الْحَدِيثَ الْأَوَّلَ «إِنَّ لَهَا وَقْتًا وَاحِدًا» لِأَنَّ الشَّفَقَ هُوَ الْحُمْرَةُ، وَ لَيْسَ بَيْنَ غَيْبُوبَةِ الشَّمْسِ وَ بَيْنَ غَيْبُوبَةِ الشَّفَقِ إِلَّا شَيْءٌ يَسِيرٌ، وَ ذَلِكَ أَنَّ عِلْمَةَ غَيْبُوبَةِ الشَّمْسِ بُلُوغُ الْحُمْرَةِ الْقِبْلَةَ، وَ لَيْسَ بَيْنَ بُلُوغِ الْحُمْرَةِ الْقِبْلَةَ وَ بَيْنَ غَيْبُوبَتِهَا إِلَّا قَدْرٌ مَا يُصَلِّي الْإِنْسَانُ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ وَ نَوَافِلَهَا إِذَا صَلَّاهَا عَلَى تُوْدَةٍ وَ سُكُونٍ، وَ قَدْ تَفَقَّهْتُ ذَلِكَ غَيْرَ مَرَّةٍ، وَ لِذَلِكَ صَارَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ ضَيِّقًا.

فرمود: جبرئیل علیه السلام برای پیامبر ﷺ برای هر نمازی دو وقت معین کرد، جز نماز مغرب که وقت آن یکی است، و وقت آن هنگام فرورفتن خورشید است.

۹- زراره و فضیل گویند: امام باقر علیه السلام فرمود:

برای هر نمازی دو وقت است، جز نماز مغرب که وقت آن یکی است و وقت آن، هنگام فرورفتن خورشید و وقت فوت آن، هنگام فرورفتن سرخی است.

هم چنین روایت شده که نماز مغرب دارای دو وقت است و وقت آخر آن، هنگام فرورفتن سرخی است.

[نگارنده گوید:] این حدیث با حدیث پیش - که می‌گفت: مغرب یک وقت دارد - مخالفتی ندارد؛ زیرا شفق، همان سرخی است و میان غایب شدن آفتاب و غایب شدن سرخی، زمان اندکی فاصله است، چرا که علامت غایب شدن آفتاب این است که سرخی به قبله برسد و میان رسیدن سرخی به قبله و میان غایب شدن آن فاصله‌ای نیست مگر به اندازه‌ای که کسی نماز مغرب و نافله‌های آن را با تأنی و به آرامی بخواند، و من بارها آن را ملاحظه کرده‌ام و به همین دلیل وقت نماز مغرب تنگ است.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ: سَأَلَ عَلِيَّ بْنَ أَسْبَاطِ أبا الْحَسَنِ عليه السلام وَ نَحْنُ نَسْمَعُ الشَّفَقُ الْحُمْرَةَ أَوِ الْبَيَاضُ .
فَقَالَ: الْحُمْرَةُ لَوْ كَانَ الْبَيَاضُ كَانَ إِلَى ثُلْثِ اللَّيْلِ.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَتَى تَجِبُ الْعَتَمَةُ؟

قَالَ: إِذَا غَابَ الشَّفَقُ وَ الشَّفَقُ الْحُمْرَةُ.

فَقَالَ عُبَيْدُ اللَّهِ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! إِنَّهُ يَبْقَى بَعْدَ ذَهَابِ الْحُمْرَةِ ضَوْءٌ شَدِيدٌ مُعْتَرِضٌ.

فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ الشَّفَقَ إِتْمَا هُوَ الْحُمْرَةُ وَ لَيْسَ الضَّوُّ مِنَ الشَّفَقِ.

۱۰ - ابن فضال گوید: ما در حضور امام رضا عليه السلام بودیم که علی بن اسباط پرسید: آیا شفق آن، سرخی است یا سفیدی؟

فرمود: سرخی است. اگر سفیدی بود تا یک سوم از شب به طول می کشید.

۱۱ - عمران بن علی حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: نماز عشا چه وقت واجب می شود؟

فرمود: هرگاه شفق پنهان شد و شفق عبارت از سرخی است.

عبیدالله گفت: خداوند کار شما را اصلاح کند! پس از فرو رفتن سرخی در عرض افق روشنایی شدیدی می ماند.

فرمود: شفق همان سرخی است و آن روشنایی، از شفق نیست.

- ۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ.
- ۱۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ
 عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:
 لَوْ لَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَخَّرْتُ الْعِشَاءَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ.
 وَ رُوِيَ أَيْضًا: إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ.
- ۱۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانَ بْنِ
 عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:
 وَقْتُ الْمَغْرِبِ فِي السَّفَرِ إِلَى رُبْعِ اللَّيْلِ.

۱۲- زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون آفتاب غروب کند، وقت دو نماز داخل شده است، جز این که یکی از آن دو، پیش از دیگری است (یعنی نماز مغرب قبل از عشا است).

۱۳- ابو بصیر گوید: امام باقر عليه السلام می فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

اگر بر ائمتّم سخت نمی شد، نماز عشا را تا یک سوم از شب به تأخیر می انداختم. هم چنین روایت شده: تا نصف شب (به تأخیر می انداختم).

۱۴- عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت نماز مغرب در سفر تا یک چهارم از شب ادامه دارد.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ قَالَ:
 كَتَبْتُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ يَكُونُ فِي الدَّارِ نَمْنَعُهُ حَيْطَانُهَا النَّظَرَ إِلَى حُمْرَةِ الْمَغْرِبِ وَ
 مَعْرِفَةَ مَغِيبِ الشَّفَقِ وَ وَقْتُ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ مَتَى يُصَلِّيَهَا؟ وَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 فَوَقَّعَ عَلَيْهِ: يُصَلِّيَهَا إِذَا كَانَ عَلَى هَذِهِ الصَّفَةِ عِنْدَ قَصْرَةِ النُّجُومِ وَ الْمَغْرِبِ عِنْدَ
 اشْتِبَاكِهَا وَ بَيَاضِ مَغِيبِ الشَّمْسِ قَصْرَةَ النُّجُومِ إِلَى بَيَانِهَا.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
 مَهْرَانَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَكَرَ أَصْحَابُنَا أَنَّهُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ
 وَ الْعَصْرِ وَ إِذَا غَرَبَتْ دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ
 فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَأَنَّ وَقْتَ الْمَغْرِبِ إِلَى رُبْعِ اللَّيْلِ.
 فَكَتَبَ: كَذَلِكَ الْوَقْتُ، غَيْرَ أَنَّ وَقْتَ الْمَغْرِبِ ضَيْقٌ وَ آخِرُ وَقْتِهَا ذَهَابُ الْحُمْرَةِ
 وَ مَصِيرُهَا إِلَى الْبَيَاضِ فِي أَفْقِ الْمَغْرِبِ.

۱۵ - علی بن ریّان گوید: به امام علیه السلام نوشتم: مردی در خانه ای است که دیوارهای خانه
 مانع از دیدن سرخی مغرب هستند و او نمی تواند غایب شدن شفق و وقت نماز عشا را در
 یابد. او کی باید نماز بخواند؟ و چه باید بکند؟

امام علیه السلام نوشت: چون چنین حالتی دارد، هنگامی که ستارگان، آسمان را فرا گرفتند،
 نماز عشا را بخواند و نماز مغرب را به هنگام نمودار شدن بعضی از ستارگان بخواند، و
 نشانه سفیدی مغرب، نمودار شدن ستارگان تا آشکار شدن آنهاست.

۱۶ - اسماعیل بن مهران گوید: به امام رضا علیه السلام نوشتم: دوستان ما (در روایات خود از
 ائمه علیهم السلام) ذکر کرده اند: هرگاه زوال آفتاب شد، وقت نماز ظهر و عصر است، و هرگاه آفتاب
 غروب کند، وقت نماز مغرب و عشا فرا رسیده است، جز آن که یکی از آن دو پیش از
 دیگری است، چه در سفر باشد و چه در حضر، و به راستی که وقت مغرب تا یک چهارم از
 شب ادامه دارد.

امام علیه السلام نوشت: درست است، مگر مغرب که وقت آن تنگ است و وقت آخر آن، فرو
 رفتن سرخی و بازگشت آن به سفیدی، در آفق مغرب است.

(۷)

بَابُ وَقْتِ الْفَجْرِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:
 كَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ بْنُ الْحُصَيْنِ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعِيَ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! قَدْ
 اخْتَلَفْتُ مَوْلُوكَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ، فَمِنْهُمْ مَنْ يُصَلِّي إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ الْأَوَّلُ
 الْمُسْتَطِيلُ فِي السَّمَاءِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَلِّي إِذَا اعْتَرَضَ فِي أَسْفَلِ الْأُفُقِ وَ اسْتَبَانَ وَ
 لَسْتُ أَعْرِفُ أَفْضَلَ الْوَقْتَيْنِ فَأُصَلِّي فِيهِ، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعَلِّمَنِي أَفْضَلَ الْوَقْتَيْنِ وَ
 تَحُدَّهُ لِي وَ كَيْفَ أَصْنَعُ مَعَ الْقَمَرِ وَ الْفَجْرِ لَا يَتَبَيَّنُ مَعَهُ حَتَّى يَحْمَرَ وَ يُصْبِحَ؟ وَ
 كَيْفَ أَصْنَعُ مَعَ الْغَيْمِ؟ وَ مَا حَدُّ ذَلِكَ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ فَعَلْتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؟

بخش هفتم

وقت نماز صبح

۱ - علی بن مهزیار گوید: ابوالحسن بن حصین نامه‌ای به امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشت و آن را
 توسط من ارسال کرد، در آن نامه نوشت.

قربانت گروم! دوستان شما در وقت نماز صبح با یکدیگر اختلاف دارند. بعضی از آنان
 به هنگام طلوع فجر اول که در آسمان مانند عمود باریک و بلند است، نماز می‌خوانند، و
 بعضی از آن‌ها وقتی که فجر در پایین افق پهن می‌شود و نمایان می‌گردد، نماز می‌خوانند و
 من نمی‌دانم کدام یک از این دو وقت بهتر است تا در آن نماز گزارم، اگر صلاح می‌دانید
 لطف بفرمایید و مرا از بهترین این دو وقت آگاه سازید و آن را برای من روشن کنید و
 بفرمایید هنگامی که شب مهتابی است، چگونه فجر را تشخیص دهم؟ زیرا با وجود ماه
 تشخیص فجر برایم امکان ندارد، مگر زمانی که افق سرخ شود و صبح گردد، و به هنگام
 ابری بودن هوا چه کنم؟ و در سفر و حضر تشخیص وقت فجر اول و دوم چگونه است؟
 ان شاء الله راهنمایی خواهید فرمود.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ بِحَطِّهِ وَ قَرَأْتُهُ: الْفَجْرُ - يَرْحَمُكَ اللَّهُ - هُوَ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ الْمُعْتَرِضُ لَيْسَ هُوَ الْأَبْيَضُ صُعْدَاءً، فَلَا تُصَلِّ فِي سَفَرٍ وَلَا حَضْرٍ حَتَّى تَتَبَيَّنَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ خَلْقَهُ فِي شُبْهَةِ مِنْ هَذَا، فَقَالَ: ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾، فَالْخَيْطُ الْأَبْيَضُ هُوَ الْمُعْتَرِضُ الَّذِي يَحْرُمُ بِهِ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ فِي الصَّوْمِ، وَ كَذَلِكَ هُوَ الَّذِي تُوجِبُ بِهِ الصَّلَاةُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِيتِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ.

فَقَالَ: مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾.

يَعْنِي: صَلَاةَ الْفَجْرِ تَشْهَدُهُ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ، فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ الصُّبْحَ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أُتْبِتَتْ لَهُ مَرَّتَيْنِ أُتْبِتَهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ.

امام علیؑ به خط مبارک خویش - که خود خوانده ام - نوشت:

خداوند به تو رحمت کند! فجر همان رشته سفید پهن است نه رشته عمود بالا رونده. پس در سفر و حضر نماز مخوان تا زمانی که آن فجر صادق برای تو آشکار شود؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی مخلوق خود را در چنین موضوعی در شک قرار نداده و فرموده است: «بخورید و بیاشامید، تا روشنی سپیده به مانند رشته ای سپید در سراسر افق پدید آید، و از رشته سیاه تاریکی باقیمانده شب جدا گردد» رشته سفید، آن رشته پهنی است که با پدیدار شدن آن، خوردن و آشامیدن در حال روزه حرام می شود، و نیز با آن، نماز صبح واجب می شود.

۲ - اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیؑ عرض کردم: مرا از بهترین اوقات نماز صبح آگاه سازید.

فرمود: با طلوع فجر، خداوند ﷻ می فرماید: «نماز صبح را به جای آور که آن مشهود است» یعنی نماز صبح مشهود فرشتگان شب و روز است و هر دو در آن وقت حاضرند، و چون بنده نماز صبح خود را با طلوع فجر (یعنی در اول وقت آن) به جای آورد، پاداش آن را برایش دو بار می نویسند: یک بار فرشتگان شب، بار دیگر فرشتگان روز.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الصُّبْحُ هُوَ الَّذِي إِذَا رَأَيْتَهُ مُعْتَرِضًا كَأَنَّهُ بَيَاضٌ سُورَى.

۴ - عَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَبْدُو حَتَّى يُضِيءَ.

۵ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَنْشَقُّ الْفَجْرُ إِلَى أَنْ يَتَجَلَّلَ الصُّبْحُ السَّمَاءَ، وَلَا يَنْبَغِي تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمْدًا، لَكِنَّهُ وَقْتُ لِمَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ نَامَ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۳ - علی بن عطیه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

صبح صادق آن است که وقتی نگاه می‌کنی، عرض آفاق روشن شده باشد و روشنی آن همچون سفیدی رودخانه سورا^(۱) است.

۴ - یزید بن خلیفه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقت نماز صبح، وقتی است که فجر ظاهر شود تا هنگامی که خورشید طلوع کند.

۵ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقت نماز صبح از زمانی است که فجر شکافته شود تا هنگامی که روشنایی آسمان را فراگیرد و شایسته نیست که کسی از روی عمد نماز صبح را به تأخیر اندازد، ولی تأخیر، برای کسی است که (به کاری ضروری) مشغول باشد، یا فراموش کند و یا بخوابد.

۶ - سلیمان بن حفص مروزی گوید: امام علی علیه السلام هادی علیه السلام فرمود:

۱ - سورا، رودخانه‌ای در کشور عراق است.

إِذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ ظَهَرَ بَيَاضٌ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ شِبْهُ عَمُودٍ مِنْ حَدِيدٍ تُضِيءُ لَهُ الدُّنْيَا فَيَكُونُ سَاعَةً ثُمَّ يَذْهَبُ وَ يُظْلِمُ فَإِذَا بَقِيَ ثُلُثُ اللَّيْلِ ظَهَرَ بَيَاضٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَأَضَاءَتْ لَهُ الدُّنْيَا فَيَكُونُ سَاعَةً ثُمَّ يَذْهَبُ وَ هُوَ وَقْتُ صَلَاةِ اللَّيْلِ، ثُمَّ يُظْلِمُ قَبْلَ الْفَجْرِ ثُمَّ يَطْلُعُ الْفَجْرُ الصَّادِقُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ.
 قَالَ: وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي نِصْفِ اللَّيْلِ فَذَلِكَ لَهُ.

(۸)

بَابُ وَقْتِ الصَّلَاةِ فِي يَوْمِ الْغَيْمِ وَالرَّيْحِ وَ مَنْ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذَا لَمْ تَرَ الشَّمْسَ وَ لَا الْقَمَرَ وَ لَا النُّجُومَ.
 قَالَ: اجْتَهِدْ رَأْيَكَ وَ تَعَمَّدِ الْقِبْلَةَ جُهْدَكَ.

آن‌گاه که نیمه شب فرا رسد، در میان آسمان رشته سفیدی همانند ستون آهنی آشکار می‌شود که دنیا را روشن می‌کند و آن روشنائی یک ساعت دوام دارد، سپس می‌رود و دنیا تاریک می‌شود، و چون یک سوم از شب می‌ماند، از ناحیه مشرق سفیدی آشکار می‌شود که زمین را روشن می‌کند و مدت آن یک ساعت است، سپس می‌رود و آن وقت هنگام نماز شب است. سپس پیش از طلوع فجر هوا تاریک می‌شود و آن‌گاه از طرف مشرق فجر صادق طلوع می‌کند،

حضرتش فرمود: هر که بخواهد نماز شب را در نیمه شب بخواند، جایز است.

بخش هشتم

تعیین وقت نماز در روز ابری و وزش باد و حکم کسی که به غیر قبله نماز خوانده است

۱ - سماعه گوید: از امام علیه السلام درباره اوقات نماز در شب و روزی که نه خورشید دیده می‌شود، نه ماه و نه ستارگان، سؤال کردم.
 فرمود: کوشش خود را به کار ببند و برای یافتن قبله نیز کوشش کن.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا: رَبِّمَا اشْتَبَهَ الْوَقْتُ عَلَيْنَا فِي يَوْمِ الْعَيْمِ. فَقَالَ: تَعْرِفُ هَذِهِ الطُّيُورَ الَّتِي عِنْدَكُمْ بِالْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا: الدِّيَكَةُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: إِذَا ارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُهَا وَتَجَاوَبَتْ فَقَدْ زَالَتْ الشَّمْسُ. أَوْ قَالَ: فَصَلُّهُ.

۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ وَأَنْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ فَاسْتَبَانَ لَكَ أَنْتَ صَلَّيْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ وَأَنْتَ فِي وَقْتٍ فَأَعِدْ، فَإِنْ فَاتَكَ الْوَقْتُ فَلَا تُعِدْ.

۴ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ فَصَّالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ صَلَّى الْعِدَاةَ بِلَيْلٍ غَرَّهُ مِنْ ذَلِكَ الْقَمَرُ وَنَامَ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَأُخْبِرَ أَنَّهُ صَلَّى بِلَيْلٍ. قَالَ: يُعِيدُ صَلَاتَهُ.

۲ - ابو عبدالله فرّاه گوید: مردی از شیعیان به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چه بسا اتفاق می افتد که در روزهای ابری، وقت نماز برای ما مشتبه می شود. فرمود: آیا پرندگانی را که خودتان در عراق دارید و به آن خروس می گویند، می شناسی؟ گفتم: آری.

فرمود: هرگاه آواز آن ها بلند شد و همگی به آواز در آمدند و به یکدیگر جواب دادند، زوال آفتاب شده است. یا این که فرمود: در آن وقت نماز بخوان.

۳ - عبد الرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بر غیر قبله نماز گزاردی و بعد برای تو روشن شد که بر غیر قبله نماز گزارده ای، اگر در وقت نماز بودی، نماز را اعاده کن، ولی اگر وقت گذشته بود، اعاده لازم نیست.

۴ - زراره گوید: امام باقر علیه السلام درباره مردی که در شب مهتابی به گمان این که صبح شده نماز می خواند، سپس می خوابد و آفتاب طلوع می کند و به او خبر می دهند که نماز خود را در شب خوانده است، فرمود: باید نماز خود را اعاده کند.

۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي رَجُلٌ مُؤَدَّنٌ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَيْمِ لَمْ أَعْرِفِ الْوَقْتَ .
 فَقَالَ: إِذَا صَاحَ الدِّيكُ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ وَلَاءَ فَقَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ وَ قَدْ دَخَلَ وَقْتُ
 الصَّلَاةِ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ
 عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 مَنْ صَلَّى فِي غَيْرِ وَقْتٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.
 ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
 قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

يُجْزِي التَّحْرِيَّ أَبَدًا إِذَا لَمْ يُعْلَمْ أَيْنَ وَجْهُ الْقِبْلَةِ.

۵- حسین بن مختار گوید: مردی به امام صادق عليه السلام عرضه داشت: من اذان گو هستم. هر
 وقت هوا ابری می شود، وقت را تشخیص نمی دهم، وظیفه من چیست؟
 فرمود: هرگاه خروس سه مرتبه پی در پی بانگ بر داشت، آفتاب از خط نصف النهار
 گذشته و وقت نماز ظهر شده است.

۶- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در خارج از وقت نماز گزارد، نمازش باطل است.

۷- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی نمی داند که قبله کدام طرف است، کوشش در تحصیل جهت آن، برای او
 کافی است.

۸- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي رَجُلٍ صَلَّى عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ فَيَعْلَمُ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ. قَالَ:

إِنْ كَانَ مُتَوَجِّهًا فِيمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَلْيُحَوِّلْ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ سَاعَةً يَعْلَمُ وَ إِنْ كَانَ مُتَوَجِّهًا إِلَى دُبُرِ الْقِبْلَةِ فَلْيَقْطَعْ الصَّلَاةَ، ثُمَّ يُحَوِّلْ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ ثُمَّ يَفْتَتِحْ الصَّلَاةَ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّجُلُ يَكُونُ فِي قَفْرِ مِنَ الْأَرْضِ فِي يَوْمٍ غَيْمٍ فَيَصَلِّي لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ ثُمَّ يُصْحِي فَيَعْلَمُ أَنَّهُ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
قَالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ فَلْيُعِدْ صَلَاتَهُ وَ إِنْ كَانَ مَضَى الْوَقْتُ فَحَسْبُهُ اجْتِهَادُهُ.

۸- عمّار ساباطی گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که بر غیر قبله نماز گزارده و در حال نماز پیش از آن که فارغ شود، می فهمد که بر غیر قبله نماز گزارده است، فرمود:
اگر روی او متوجه ما بین مشرق و مغرب باشد، بایستی صورت خود را در همان لحظه ای که متوجه می شود، به سوی قبله بگرداند، ولی اگر پشت به قبله بود، باید نماز را رها کند و صورت خود را به سوی قبله بگرداند و نماز را از سر گیرد.

۹- سلیمان بن خالد گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردی در بیابان بی آب و علف در روزی که هوا ابری است بر غیر قبله نماز می گزارد، سپس ابر برطرف می شود و می داند که بر غیر قبله نماز گزارده است، وظیفه او چیست؟
فرمود: اگر در وقت نماز است، آن را اعاده می کند، و اگر وقت گذشته است، کوشش او برای وی کفایت می کند.

- ۱۰- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قِبَلَةِ الْمُتَحَيِّرِ. فَقَالَ: يُصَلِّي حَيْثُ يَشَاءُ. وَرُوِيَ أَيْضًا: أَنَّهُ يُصَلِّي إِلَى أَرْبَعِ جَوَانِبَ.
- ۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ وَأَنْتَ تَرَى أَنَّكَ فِي وَقْتٍ وَلَمْ يَدْخُلِ الْوَقْتُ فَدَخَلِ الْوَقْتُ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقَدْ أَجْزَأَتْ عَنْكَ.
- ۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَقُلْتُ: أَكَانَ يَجْعَلُ الْكَعْبَةَ خَلْفَ ظَهْرِهِ؟

۱۰- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره کسی که نمی داند قبله کدام سمت است، پرسیدم.

فرمود: به هر طرف که بخواهد می تواند، نماز بخواند.

هم چنین روایت شده است: به هر چهار جانب نماز بخواند.

۱۱- اسماعیل بن ریاح گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه به گمان رسیدن وقت به نماز ایستادی، ولی وقت داخل نشده بود و در اثنای

نماز، وقت داخل گشت، آن نماز از تو کفایت می کند.

۱۲- حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سوی بیت المقدس

نماز می گزارد؟

فرمود: آری.

عرض کردم: آیا آن حضرت کعبه را پشت سر خود قرار می داد؟

فَقَالَ: أَمَّا إِذَا كَانَ بِمَكَّةَ فَلَا، وَ أَمَّا إِذَا هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَنَعَمْ حَتَّى حَوَّلَ إِلَى الْكَعْبَةِ.

(۹)

بَابُ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ وَ صَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ سُقُوطِ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فِي جَمَاعَةٍ، وَإِنَّمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَتَسَبَّحَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ.

فرمود: تا زمانی که حضرتش در مکه بود، چنین نمی‌کرد، ولی چون به مدینه هجرت فرمود، چنین کرد تا زمانی که روی آن حضرت به جانب کعبه گردانیده شد (یعنی قبله از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر یافت).

بخش نهم

جمع بین دو نماز

۱- زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز ظهر و عصر را هنگام زوال آفتاب، بدون علت با مردم به جماعت خواند و نماز مغرب و عشا را نیز پیش از ناپدید شدن سرخی، بدون علت با ایشان به جماعت به جای آورد، و این کار را رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام داد تا اُمت را در وسعت قرار دهد.

۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

شَهِدْتُ الْمَغْرِبَ لَيْلَةَ مَطِيرَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَحِينَ كَانَ قَرِيباً مِنْ الشَّفَقِ نَادَوْا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ، فَصَلُّوا الْمَغْرِبَ ثُمَّ أَمْهَلُوا بِالنَّاسِ حَتَّى صَلُّوا رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ قَامَ الْمُنَادِي فِي مَكَانِهِ فِي الْمَسْجِدِ فَأَقَامَ الصَّلَاةَ فَصَلُّوا الْعِشَاءَ ثُمَّ انْصَرَفَ النَّاسُ إِلَى مَنَازِلِهِمْ، فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ذَلِكَ .

فَقَالَ: نَعَمْ، قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَمِلَ بِهَذَا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَنِ الْقَوْلِ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِذَا جَمَعْتَ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فَلَا تَطْوَعُ بَيْنَهُمَا.

۴- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ حَكِيمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْقَوْلِ: الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ فَإِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ فَلَا جَمْعَ.

۲- عبدالله بن سنان گوید: در یک شب بارانی برای نماز مغرب در مسجد رسول خدا ﷺ حاضر شدم. نزدیک به شفق بود که اذان گفتند و نماز برپا شد. نماز مغرب را خواندند، آن گاه به مردم مهلت دادند تا دو رکعت نافله را نیز خواندند، سپس مؤذن برخاست و در همانجا قد «قامت الصلاة» گفت و مردم نماز عشا را به جای آوردند، سپس به خانه‌های خود باز گشتند.

از امام صادق ع درباره این ماجرا پرسیدم.

فرمود: آری، رسول خدا ﷺ نیز چنین می‌کرد.

۳- محمد بن حکیم گوید: از امام کاظم ع شنیدم که می‌فرمود:

هرگاه بین دو نماز را جمع کردی (مثلاً نماز مغرب و عشا را با هم به جای آوردی) نافله‌ای در میان آن دو نخواهد بود.

۴- محمد بن حکیم گوید: از امام کاظم ع شنیدم که می‌فرمود:

جمع بین دو نماز آن وقتی است که نافله‌ای در بین آن دو نباشد و هرگاه بین آن دو نافله‌ای باشد، جمع نخواهد شد.

- ۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي زَكَرِيَّا عَنْ أَبَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: صَلَّى بِنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ عِنْدَ مَا زَالَتِ الشَّمْسُ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَقَالَ: إِنِّي عَلَى حَاجَةٍ فَتَنَّفَلُوا.
- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبَّاسِ النَّاقِدِ قَالَ: تَفَرَّقَ مَا كَانَ فِي يَدِي وَ تَفَرَّقَ عَنِّي حُرَفَائِي، فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ لِي: اجْمَعْ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ تَرَى مَا تُحِبُّ.

(۱۰)

بَابُ الصَّلَاةِ الَّتِي تُصَلَّى فِي كُلِّ وَقْتٍ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ هَاشِمِ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۵ - صفوان جمال گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به هنگام زوال آفتاب، نماز ظهر و عصر را با ما به یک اذان و دو اقامه به جای آورد و فرمود:
من کاری فوری دارم، نافله خود را به جا آورید.

۶ - عباس ناقد گوید: تمام اموال و دارایی من از دستم رفت و شریکانم نیز از من جدا شدند. از حال خود به امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ شکوه کردم.
حضرتش به من فرمود: بین دو نماز ظهر و عصر را جمع کن، آن چه را دوست داری خواهی دید.

بخش دهم

نمازهایی که می توان در همه اوقات خواند

- ۱ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

حَمْسُ صَلَوَاتٍ تُصَلِّيَهُنَّ فِي كُلِّ وَفْتٍ صَلَاةُ الْكُسُوفِ، وَ الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ
وَ صَلَاةُ الْإِحْرَامِ، وَ الصَّلَاةُ الَّتِي تَفُوتُ، وَ صَلَاةُ الطَّوَافِ مِنَ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ
الشَّمْسِ، وَ بَعْدَ الْعَصْرِ إِلَى اللَّيْلِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ
عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

حَمْسُ صَلَوَاتٍ لَا تُتْرَكُ عَلَى كُلِّ حَالٍ: إِذَا طُفَّتْ بِالْبَيْتِ، وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُحْرِمَ،
وَ صَلَاةُ الْكُسُوفِ، وَ إِذَا نَسِيتَ فَصَلِّ إِذَا ذَكَرْتَ، وَ صَلَاةُ الْجِنَازَةِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ حَرْبِزٍ عَنِ زُرَّارَةَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيَهُنَّ الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ: صَلَاةٌ فَاتَتْكَ فَمَتَى مَا ذَكَرْتَهَا
أَدَيْتَهَا، وَ صَلَاةٌ رَكَعَتِي الطَّوَافِ الْفَرِيضَةِ، وَ صَلَاةُ الْكُسُوفِ، وَ الصَّلَاةُ عَلَى
الْمَيِّتِ. هُوَ لَاءِ تُصَلِّيَهُنَّ فِي السَّاعَاتِ كُلِّهَا.

پنج نماز است که در هر ساعتی، یا هر موقع از شب و روز می توانی آن‌ها را بخوانی:
نماز خورشید گرفتگی، نماز میّت، نماز احرام، نمازی که قضا شده است و نماز طواف که
نماز طواف را از طلوع فجر تا دمیدن آفتاب و بعد از عصر تا شب می توان خواند.

۲- معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

پنج نماز است که در هیچ حال ترک نمی شود: نماز طواف خانه خدا، نماز احرام، نماز
کسوف، نمازی که فراموش کردی، و نماز میّت.

۳- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

چهار نماز است که شخص در هر ساعتی می تواند آن‌ها را بخواند: نمازی که از دست
داده‌ای، پس هرگاه به خاطرت رسید آن را به جا می آوری؛ دو رکعت نماز طواف واجب؛
نماز خورشید گرفتگی و نماز میّت، این نمازها را در هر ساعتی می توان خواند.

(۱۱)

بَابُ التَّطَوُّعِ فِي وَقْتِ الْفَرِيضَةِ وَالسَّاعَاتِ الَّتِي لَا يُصَلِّي فِيهَا

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ لِي: أَتَدْرِي لِمَ جُعِلَ الذَّرَاعُ وَالذَّرَاعَانِ؟
قَالَ: قُلْتُ: لِمَ؟

قَالَ: لِمَكَانِ الْفَرِيضَةِ لَكَ أَنْ تَتَنَفَّلَ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ ذِرَاعًا فَإِذَا بَلَغَ ذِرَاعًا بَدَأَتْ بِالْفَرِيضَةِ وَتَرَكْتَ النَّافِلَةَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَنْهَالٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَنْبَغِي لِي [أَنْ يَتَنَفَّلَ] إِذَا جَاءَ الزَّوَالُ؟
قَالَ: ذِرَاعٌ إِلَى مِثْلِهِ.

بخش یازدهم**خواندن نماز نافله در وقت نماز فريضة و ساعاتی که در آن نماز نافله****خوانده نمی شود**

۱ - زراره گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

آیا می دانی برای چه (از اول زوال برای نافله) یک ذراع (و از اول وقت عصر برای نافله) دو ذراع قرار داده شده است؟
گفتم: برای چه؟

فرمود: برای اهمیت دادن به نماز فريضة که تو می توانی نماز نافله را از زوال خورشید تا وقتی که به یک ذراع برسد، بخوانی و چون به یک ذراع رسید، نماز واجب را شروع و نماز نافله را رها کنی.

۲ - منهال گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: وقتی که به هنگام زوال شایسته نیست نماز نافله به جای آورم کدام وقت است؟

فرمود: از وقتی که سایه شاخص به یک ذراع برسد تا وقتی که سایه به اندازه خودش شود.

- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَسْجِدَ وَ قَدْ صَلَّى أَهْلُهُ أَيْتَدِي بِالْمَكْتُوبَةِ أَوْ يَتَطَوَّعُ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتِ حَسَنِ فَلَا بَأْسَ بِالتَّطَوُّعِ قَبْلَ الْفَرِيضَةِ، وَإِنْ كَانَ خَافَ الْفُوتَ مِنْ أَجْلِ مَا مَضَى مِنَ الْوَقْتِ فَلْيَبْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ، وَهُوَ حَقُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ لِيَتَطَوَّعَ بِمَا شَاءَ أَلَا هُوَ مُوسَّعٌ أَنْ يُصَلِّيَ الْإِنْسَانُ فِي أَوَّلِ دُخُولِ وَقْتِ الْفَرِيضَةِ النَّوَافِلَ إِلَّا أَنْ يَخَافَ فُوتَ الْفَرِيضَةِ، وَ الْفَضْلُ إِذَا صَلَّى الْإِنْسَانُ وَحَدَهُ أَنْ يَبْدَأَ بِالْفَرِيضَةِ إِذَا دَخَلَ وَقْتُهَا لِيَكُونَ فَضْلُ أَوَّلِ الْوَقْتِ لِلْفَرِيضَةِ وَ لَيْسَ بِمَحْظُورٍ عَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ النَّوَافِلَ مِنْ أَوَّلِ الْوَقْتِ إِلَى قَرِيبٍ مِنْ آخِرِ الْوَقْتِ.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ: أُصَلِّي فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ نَافِلَةً؟ قَالَ: نَعَمْ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ إِذَا كُنْتَ مَعَ إِمَامٍ تَعْتَدِي بِهِ فَإِذَا كُنْتَ وَحْدَكَ فَابْدَأْ بِالْمَكْتُوبَةِ.

۳ - سماعه گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی وارد مسجد می شود و اهل مسجد نماز خوانده اند، آیا می تواند شروع به نماز فریضه کند، یا باید نافله را به جای آورد؟ فرمود: اگر وقت خوب و وسعت داشته باشد. پس عیب ندارد که پیش از نماز واجب به نماز نافله مشغول شود و اگر بیم دارد که وقت از دست برود، در این صورت باید نافله را به تأخیر اندازد و نماز فریضه را آغاز نماید که آن حق خداوند ﷻ است. آن گاه نافله را هر چه خواست به جای آورد، و انسان می تواند در اول داخل شدن وقت نماز فریضه، نماز نافله را بخواند، مگر آن که بیم دارد نماز واجب از او فوت شود و هنگامی که انسان به تنهایی نماز می خواند، بهتر است که اگر وقت فریضه داخل شده، با نماز فریضه آغاز کند تا این که فضیلت اول وقت برای نماز فریضه باشد، و بر او ممنوع نیست که از اول وقت تا نزدیک به آخر وقت، نماز نافله بخواند.

۴ - اسحاق بن عمه ارگوید: به امام علیه السلام عرض کردم: آیا در وقت نماز فریضه می توانم، نماز نافله بخوانم؟

فرمود: آری، در اول وقت، در صورتی که بخواهی نماز خود را با جماعت بخوانی، ولی اگر خواستی خود به تنهایی نماز بخوانی، ابتدا به نماز واجب کن.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا دَخَلَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ أَتَنَقَّلُ أَوْ أَبْدَأُ بِالْفَرِيضَةِ؟
فَقَالَ: إِنَّ الْفَضْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْفَرِيضَةِ وَإِنَّمَا أُخِّرَتِ الظُّهْرُ ذِرَاعًا مِنْ عِنْدِ الزَّوَالِ مِنْ أَجْلِ صَلَاةِ الْأَوَّابِينَ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا دَخَلَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ أَتَنَقَّلُ أَوْ أَبْدَأُ بِالْفَرِيضَةِ؟
قَالَ: إِنَّ الْفَضْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْفَرِيضَةِ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنَّهُمْ سَمِعُوا أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَا يُصَلِّي مِنَ النَّهَارِ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ، وَلَا مِنَ اللَّيْلِ بَعْدَ مَا يُصَلِّي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى يَنْتَصِفَ اللَّيْلُ.

۵ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: هرگاه وقت نماز فريضة فرارسید آیا می‌توانم نماز نافله بخوانم، یا ابتدا به نماز فريضة نمازم؟

فرمود: بهتر این است که ابتدا نماز فريضة را انجام دهی، و این که نماز ظهر (در غیر روز جمعه) یک ذراع از زوال تأخیر انداخته شده به خاطر نماز اوّابین (توبه کنندگان) است.

۶ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: هرگاه وقت نماز فريضة فرارسید، آیا می‌توانم نماز نافله بخوانم، یا نماز واجب را آغاز کنم؟
فرمود: بهتر آن است که نماز واجب را آغاز کنی.

۷ - عمر بن اذینه گوید: عده‌ای از یاران ما از امام باقر عليه السلام شنیدند که حضرتش فرمود:
امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه همواره در روز تا هنگام زوال آفتاب نماز نمی‌گزارد و شب را نیز بعد از نماز عشا تا نیمه شب نمازی به جای نمی‌آورد.

مَعْنَى هَذَا أَنَّهُ لَيْسَ وَقْتُ صَلَاةِ فَرِيضَةٍ وَلَا سُنَّةٍ، لِأَنَّ الْأَوْقَاتَ كُلَّهَا قَدْ بَيَّنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَمَّا الْقَضَاءُ قَضَاءُ الْفَرِيضَةِ وَتَقْدِيمُ النَّوَافِلِ وَتَأْخِيرُهَا فَلَا بَأْسَ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْحَدِيثُ الَّذِي رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: «أَنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ». قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ إِبْلِيسَ اتَّخَذَ عَرْشًا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَسَجَدَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ النَّاسُ قَالَ إِبْلِيسُ لِشَيَاطِينِهِ: إِنَّ بَنِي آدَمَ يُصَلُّونَ لِي.

۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسْلَمَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عليه السلام: أَكُونُ فِي السُّوقِ فَأَعْرِفُ الْوَقْتَ وَيَضِيقُ عَلَيَّ أَنْ أَدْخُلَ فَأُصَلِّيَ. قَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُقَارِرُ الشَّمْسَ فِي ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ: إِذَا ذَرَّتْ وَ إِذَا كَبَدَتْ، وَ إِذَا غَرَبَتْ فَصَلِّ بَعْدَ الزَّوَالِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يُرِيدُ أَنْ يُوقِعَكَ عَلَى حَدِّ يُقَطِّعُ بِكَ دُونَهُ.

[نگارنده گوید:] معنای حدیث شریف این است که این دو وقت، نه وقت نماز فریضه است و نه وقت نماز مستحبی؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله اوقات همه نمازها را بیان فرموده است، و اما نماز قضا - قضای نماز فریضه - و پیش انداختن نافله‌ها و به تأخیر انداختن آنها اشکالی ندارد.

۸- پدر علی بن ابراهیم در روایت مرفوعه‌ای گوید: مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: حدیثی از امام باقر عليه السلام روایت شده که «خورشید میان دو شاخ شیطان طلوع می‌کند» (آیا صحیح است)؟

فرمود: آری، به راستی که ابلیس میان آسمان و زمین برای خود تختی دارد و چون آفتاب طلوع کند و در آن هنگام مردم سجده کنند، ابلیس به شیاطین خود گوید: فرزندان آدم برای من نماز می‌گزارند.

۹- حسین بن اسلم گوید: به امام رضا عليه السلام عرضه داشتم: در بازار مشغول تجارت‌م و وقت نماز فرا می‌رسد، ولی بر من دشوار است که به اندرون (یا به جای نماز خود) روم و نماز بخوانم. فرمود: همانا شیطان در سه وقت با آفتاب همراه می‌شود: به هنگام بر آمدن و بلند شدن آفتاب، به هنگام رسیدن به نصف النهار، و هنگام غروب آن. پس تو نماز خود را پس از زوال آفتاب بخوان؛ زیرا شیطان می‌خواهد تو را به راهی وارد کند که از راه حق خارج شوی.

(۱۲)

بَابُ مَنْ نَامَ عَنِ الصَّلَاةِ أَوْ سَهَا عَنْهَا

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً أَوْ صَلَّيْتَهَا بِغَيْرِ وُضُوءٍ وَ كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءٌ صَلَّوَاتٍ فَابْدَأْ بِأَوَّلِهِنَّ فَأَذِّنْ لَهَا وَ أَقِمْ ثُمَّ صَلِّهَا ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ. وَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ، وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلَاةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا.

بخش دوازدهم**حکم کسی که بنخوابد و نماز نخواند یا این که آن را فراموش نماید**

۱- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه نمازی را فراموش کردی، یا بدون وضو به جای آوردی و چند نماز قضا نیز بر گردن تو بود، پس اولین آنها را شروع کن، و برایش اذان و اقامه بگو و آن را بخوان، و نمازهای بعدی را با اقامه بخوان، یعنی برای هر نماز یک اقامه.

زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

و اگر نماز ظهر را خوانده باشی و نماز صبح از تو فوت شده باشد و به یادت آمد که نماز صبح را نخوانده‌ای، هر وقت به یادت آمد، اگرچه بعد از نماز عصر باشد، آن را به جای آور، و هر زمانی که به خاطرت رسید، نمازی از تو فوت شده است، همان وقت آن را به جای آور.

وَقَالَ: إِنْ نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ العَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَغِكَ فَأَنُوهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ العَصْرَ، فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعُ مَكَانٍ أَرْبَعٌ، فَإِنْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْأُولَى وَأَنْتَ فِي صَلَاةِ العَصْرِ وَقَدْ صَلَّيْتَ مِنْهَا رَكَعَتَيْنِ فَأَنُوهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الرَّكَعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ وَ قُمْ فَصَلِّ العَصْرَ وَإِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ العَصْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ المَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْنَهَا فَصَلِّ العَصْرَ، ثُمَّ صَلِّ المَغْرِبَ.

وَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ المَغْرِبَ، فَقُمْ فَصَلِّ العَصْرَ وَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ المَغْرِبِ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرْتَ العَصْرَ فَأَنُوهَا العَصْرَ، ثُمَّ قُمْ فَأَتِمَّهَا رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ تُصَلِّ المَغْرِبَ.

فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ العِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ نَسِيتَ المَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ المَغْرِبَ وَإِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَقَدْ صَلَّيْتَ مِنَ العِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكَعَتَيْنِ أَوْ قُمْتَ فِي الثَّلَاثَةِ فَأَنُوهَا المَغْرِبَ، ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ العِشَاءَ الْآخِرَةَ.

هم چنین فرمود: هرگاه نماز ظهر را فراموش کردی و نماز عصر را خوانده‌ای یا در حین نماز عصر به خاطرت رسید، نیت خود را به ظهر برگردان و پس از آن نماز عصر را بخوان، زیرا این چهار رکعت به جای آن چهار رکعت محسوب می‌شود، و اگر به خاطرت رسید که نماز ظهر را به جای نیاورده‌ای در حالی که به نماز عصر مشغول هستی و دو رکعت از آن را خوانده‌ای نیت نماز ظهر کن، سپس دو رکعت مانده را بخوان و آن‌گاه برخیز و نماز عصر را به جای آور. و اگر به یاد آمد که نماز عصر را نخوانده‌ای در حالی که وقت مغرب نیز فرا رسیده -البته برای نماز مغرب وقت کافی باشد و از فوت آن بیم نداشتی- نماز عصر را بخوان و پس از آن نماز مغرب را به جای آور.

و اگر مغرب را خوانده بودی، برخیز و نماز عصر را به جای آور، و اگر از مغرب دو رکعت خوانده‌ای و نماز عصر به یاد تو آمد، پس به نماز عصر نیت کن و برخیزد و رکعت دیگر نیز بخوان، سپس سلام بده، آن‌گاه نماز مغرب را به جای آور.

و اگر نماز عشا را خوانده‌ای، ولی مغرب را فراموش کرده‌ای، برخیز و نماز مغرب را بخوان، اما اگر زمانی نماز مغرب به یاد تو بیاید که از نماز عشا دو رکعت خوانده‌ای، یا برای رکعت سوم برخاسته‌ای، نیت را به نماز مغرب برگردان و سلام بده، آن‌گاه برخیز و نماز عشا را به جای آور.

وَإِنْ كُنْتَ قَدْ نَسِيتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ
 إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَأَنْتَ فِي رَكْعَةِ الْأُولَى أَوْ فِي الثَّانِيَةِ مِنَ الْغَدَاةِ فَأَنُوهَا بِالْعِشَاءِ ثُمَّ قُمْ
 فَصَلِّ الْغَدَاةَ وَادُّنْ وَأَقِمْ وَإِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ قَدْ فَاتَتْكَ جَمِيعاً
 فَأَبْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ، ثُمَّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ.

فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا فَأَبْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ بِالْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ
 الْعِشَاءَ، فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ
 الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ ابْدَأْ بِأَوْلِهِمَا، لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قِضَاءً أَبَهُمَا ذَكَرْتَ فَلَا تُصَلِّهِمَا إِلَّا
 بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ.

قَالَ: قُلْتُ: لِمَ ذَلِكَ؟

قَالَ: لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فُوتَهَا.

و هرگاه نماز عشا را فراموش کردی و نماز صبح را خوانده‌ای، چون از نماز صبح فارغ
 شدی، نماز عشا را بخوان، اما اگر در رکعت اول یا در رکعت دوم نماز صبح، نماز عشا به
 یاد تو آمد، از همانجا نیت عشا کن، سپس بر خیز و نماز صبح را به جای آور و اذان و اقامه
 نیز بگو.

و اگر نماز مغرب و عشا هر دو از تو فوت شد، پیش از آن که نماز صبح را بخوانی دو
 نماز را شروع کن، ابتدا نماز مغرب سپس نماز عشا و اگر بیم داشتی که نماز صبح از تو فوت
 می‌شود و نماز مغرب و عشا را شروع کرده بودی، ابتدا نماز مغرب را بخوان، سپس نماز
 صبح و پس از آن نماز عشا را.

هرگاه بیم داشتی که اگر نماز مغرب را شروع کنی نماز صبح از تو فوت شود، نماز صبح
 را بخوان، سپس نماز مغرب و عشا را به جای آور، و نخستین آن دو را شروع کن، چون هر
 دو نماز قضا هستند، و هر کدام از نماز مغرب و عشا که به یاد تو آمد، آن‌ها را منخوان مگر
 بعد از شعاع آفتاب.

راوی گوید: پرسیدم: این تأخیر برای چیست؟

فرمود: برای این که از فوت آن‌ها بیمی نداری.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الظُّهْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ العَصْرِ. قَالَ: يَبْدَأُ بِالظُّهْرِ وَكَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ تَبْدَأُ بِالتِّي نَسِيَتْ إِلَّا أَنْ تَخَافَ أَنْ يَخْرُجَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَتَبْدَأُ بِالتِّي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا ثُمَّ تُصَلِّي التِّي نَسِيَتْ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى بِغَيْرِ طَهْوَرٍ أَوْ نَسِيَ صَلَوَاتٍ لَمْ يُصَلِّهَا أَوْ نَامَ عَنْهَا.

فَقَالَ: يَفْضِيهَا إِذَا ذَكَرَهَا فِي أَيِّ سَاعَةٍ ذَكَرَهَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ، فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَ لَمْ يَتِمَّ مَا قَدْ فَاتَهُ فَلْيَفْضِ مَا لَمْ يَتَخَوَّفْ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ هَذِهِ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدْ حَضَرَتْ وَ هَذِهِ أَحَقُّ بِوَقْتِهَا فَلْيُصَلِّهَا فَإِذَا قَضَاهَا فَلْيُصَلِّ مَا فَاتَهُ مِمَّا قَدْ مَضَى وَ لَا يَتَطَوَّعُ بِرُكْعَةٍ حَتَّى يَفْضِيَ الفَرِيضَةَ كُلَّهَا.

۲ - ابوبصیر گوید: از حضرتش سؤال کردم: کسی که نماز ظهر را فراموش کرده تا این که وقت نماز عصر فرا رسیده است (چه وظیفه‌ای دارد؟).

فرمود: باید ابتدا نماز ظهر را بخواند، هم چنین است نمازهای دیگر، که باید ابتدا آن نمازی را که فراموش کرده‌ای به جای آوری، مگر آن که بترسی که وقت نمازی که در وقت آن هستی تمام شود و در این حالت، ابتدا باید نمازی را که در وقت آن هستی بخوانی و پس از آن، نمازی را که فراموش کرده‌ای بخوانی.

۳ - زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدند: کسی که بدون طهارت نماز می‌خواند، یا چند نماز را فراموش می‌کند و آن‌ها را به جای نمی‌آورد و یا خوابش می‌برد و آن‌ها را نمی‌خواند (چه حکمی دارد؟).

فرمود: هر زمانی که به خاطرش برسد، باید در همان وقت - از شب یا روز - قضای آن را به جای آورد، اما اگر وقت نماز همان روز فرا رسید و هنوز نماز قضای خود را تمام نکرده، تا زمانی که نمی‌ترسد وقت این نماز تمام شود، باید نماز قضا را به جای آورد. زیرا این نمازی که اکنون وقت آن فرا رسیده به وقت خود سزاوارتر است که ابتدا آن را به جای آورد، سپس بقیه نمازهای قضای خود را بخواند، و تا زمانی که نماز قضا دارد، نباید حتی یک رکعت نماز نافله بخواند تا تمام نمازهای قضای خود را به جای آورد.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا فَاتَتْكَ صَلَاةٌ فَذَكَرْتَهَا فِي وَقْتِ أُخْرَى فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ كُنْتَ مِنَ الْأُخْرَى فِي وَقْتِ فَايْئِدًا بِالَّتِي فَاتَتْكَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾.

وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ فَاتَتْكَ الَّتِي بَعْدَهَا فَايْئِدًا بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا فَصَلِّهَا، ثُمَّ أَقِمِ الْأُخْرَى.

۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَائِ عَنِ ابْنِ بَنِي عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ صَلَاةً حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ صَلَاةٍ أُخْرَى.

۴- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه نمازی از تو فوت شد و در وقت نمازی دیگر به خاطرت رسید که آن نماز را نخوانده‌ای، پس اگر می‌دانی که هرگاه قضای نماز فوت شده را به جای آوری هنوز برای این نماز که در وقت آن هستی وقتی می‌ماند، ابتدا نماز قضای خود را به جای آور، زیرا که خداوند تعالی می‌فرماید: «نماز را برای یاد من برپای دار»^(۱).

و هرگاه دانستی که اگر نماز قضا را به جای آوری، این نمازی را که در وقت آن هستی، از تو فوت می‌شود، ابتدا نمازی را که در وقت آن هستی، به جای آور، سپس نماز دیگر را به جای آور.

۵ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: فردی که نماز را فراموش می‌کند، سپس وقت نمازی دیگر فرا می‌رسد (چه وظیفه‌ای دارد؟).

فَقَالَ: إِذَا نَسِيَ الصَّلَاةَ أَوْ نَامَ عَنْهَا صَلَّى حِينَ يَذْكُرُهَا فَإِذَا ذَكَرَهَا وَهُوَ فِي صَلَاةٍ
بَدَأَ بِالتَّيِّبِ نَسِيٍّ وَإِنْ ذَكَرَهَا مَعَ إِمَامٍ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ أَتَمَّهَا بِرُكْعَةٍ ثُمَّ صَلَّى
الْمَغْرِبَ ثُمَّ صَلَّى الْعَتَمَةَ بَعْدَهَا، وَإِنْ كَانَ صَلَّى الْعَتَمَةَ وَحْدَهُ فَصَلَّى مِنْهَا رُكْعَتَيْنِ
ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ نَسِيَ الْمَغْرِبَ أَتَمَّهَا بِرُكْعَةٍ فَيَكُونُ صَلَاةُ الْمَغْرِبِ ثَلَاثَ رُكْعَاتٍ ثُمَّ
يُصَلِّي الْعَتَمَةَ بَعْدَ ذَلِكَ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي
الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الظُّهْرَ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَ قَدْ كَانَ صَلَّى الْعَصْرَ.
فَقَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام - أَوْ كَانَ أَبِي عليه السلام - يَقُولُ: إِنْ أَمَكْنَهُ أَنْ يُصَلِّيَهَا قَبْلَ أَنْ
يَفُوتَهُ الْمَغْرِبُ بَدَأَ بِهَا وَإِلَّا صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ صَلَّىهَا.

فرمود: هرگاه نماز را فراموش کرد، یا خوابش برد و آن را به جای نیاورد، هر وقت به
یادش آمد، آن را به جای آورد. اگر هنگامی که مشغول نماز دیگری بود، به یادش آمد که
نمازی از او فوت شده است، آن نماز فوت شده را شروع کند، و اگر در نماز جماعت بود و
نماز مغرب می خواند و به یادش آمد (که نماز عصر را نخوانده) یک رکعت دیگر بخواند (تا
چهار رکعت شود)، سپس نماز مغرب و پس از آن نماز عشا را بخواند، و اگر به تنهایی
مشغول به نماز عشا بود و دو رکعت از آن را خوانده بود و به خاطرش رسید که مغرب را
نخوانده است، یک رکعت دیگر بخواند تا سه رکعت نماز مغرب محسوب شود، و پس از
آن، نماز عشا را به جای آورد.

۶ - صفوان بن یحیی گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد کسی پرسیدم که نماز ظهر را
فراموش کرده و آفتاب نیز غروب نموده، ولی نماز عصر خویش را خوانده است.
فرمود: همواره امام باقر - یا پدرم عليه السلام ^(۱) - فرموده است: اگر برای چنین کسی امکان
دارد قضای نماز ظهر را پیش از آن که نماز مغرب فوت شود بخواند، وگرنه اول نماز مغرب
را بخواند و بعد باید آن نماز را بخواند.

۱ - به نظر می رسد تردید از راوی باشد.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْمًا فِي الْعَصْرِ فَذَكَرَ وَهُوَ يُصَلِّي أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ
صَلَّى الْأُولَى.

قَالَ: فَلْيَجْعَلْهَا الْأُولَى الَّتِي فَاتَتْهُ وَ لَيْسْتَ تَأْتِي بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ وَ قَدْ مَضَى
الْقَوْمُ بِصَلَاتِهِمْ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ
مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الصُّبْحَ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ.

۷- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مردی که در نماز عصر، امام جماعت است و
در حال نماز به خاطرش می‌رسد که نماز ظهر را نخوانده است، پرسیدم.
فرمود: باید آن را نماز ظهر خویش قرار دهد که از او فوت شده و پس از آن، نماز عصر را
بخواند و مردم نیز نماز خود را خوانده‌اند. (ضرری به آنان وارد نیست).
۸- سماعة بن مهران گوید: از امام (صادق عليه السلام یا امام کاظم عليه السلام) پرسیدم درباره مردی که
فراموش می‌کند نماز صبح را بخواند و آفتاب طلوع کند.

قَالَ: يُصَلِّيَهَا حِينَ يَذُكُرُهَا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَقَدَ عَنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّاهَا حِينَ اسْتَيْقَظَ، وَ لَكِنَّهُ تَنَحَّى عَنْ مَكَانِهِ ذَلِكَ ثُمَّ صَلَّى.

فرمود: هر وقت به خاطرش رسید، آن را بخواند؛ زیرا رسول خدا ﷺ از نماز صبح خوابش برد و آفتاب طلوع کرد و پس از آن که بیدار شد، قضای آن را به جای آورد، ولی از آن مکان به مکان دیگر رفت، سپس آن را به جای آورد.^(۱)

۱ - علامه مجلسی رحمته الله در توضیح این روایت می نویسد: قضیه این گونه خوابیدن پیامبر صلی الله علیه و آله را که منجر به فوت نماز صبح شده خاصه و عامه نقل کرده اند و این از قبیل سهو نیست... این که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نمازی قضا شده باشد، مخالف عقل و نقل است؛ زیرا مقام آن حضرت که همواره در حال حضور بوده و حتی در خواب نیز خویش را در پیشگاه الهی حاضر می دیده است، بالاتر از آن است که نمازی به علت غلبه خواب از حضرتش قضا شود.

با توجه به سخنی که آن بزرگوار فرموده است: «چشمانم می خوابد، ولی قلبم همواره بیدار است.» چنین روایاتی قابل تأمل است که چنین نسبتی به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که معصوم علی الاطلاق بوده و حتی نماز شب نیز برایشان واجب است، وارد می کند؟ البته در روایت بعدی خواب ماندن پیامبر صلی الله علیه و آله توجیه شده و علت و سببی عقلایی برایش ذکر شده است، ولی در هر صورت چنین روایاتی قابل تأمل و تأویل است.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
 نَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الصُّبْحِ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَامَهُ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ،
 وَكَانَ ذَلِكَ رَحْمَةً مِنَ رَبِّكَ لِلنَّاسِ. أَلَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا نَامَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ
 لَعَيَّرَهُ النَّاسُ وَقَالُوا: لَا تَتَوَرَّعُ لِصَلَوَاتِكَ فَصَارَتْ أُسْوَةً وَسُنَّةً.
 فَإِنْ قَالَ رَجُلٌ لِرَجُلٍ نِمْتَ عَنِ الصَّلَاةِ.
 قَالَ: قَدْ نَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَارَتْ أُسْوَةً وَرَحْمَةً رَحِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِهَا هَذِهِ
 الْأُمَّةَ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ
 الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ اسْمُهُ: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا
 مَوْفُوتًا﴾.

۹- سعید اعرج گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

روزی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوابش برد و نماز صبح را نخواند و خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ رسول خود را به خواب برد تا آفتاب بر او طلوع کرد، این از رحمت او برای مردم بود. آیا نمی بینی که اگر مردی بخوابد و آفتاب طلوع کند، مردم او را سرزنش نموده می گویند: نسبت به نمازهای خود پرهیزکار نیستی؟ این قضا شدن نماز پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الگو و سنتی شد که اگر کسی به دیگری بگوید: خوابت برد و نماز نخواندی، در پاسخ او گوید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز خوابش برد. پس این مهر و رحمتی از سوی خداوند سبحان برای این امت است.

۱۰- زراره و فضیل گویند: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره فرمایش خدای والا نام که می فرماید:

«همانا نماز بر مؤمنان نوشته ای معین و لازم است» فرمود:

قَالَ: يَعْنِي مَفْرُوضاً، وَ لَيْسَ يَعْنِي وَقْتَ فَوْتِهَا إِذَا جَازَ ذَلِكَ الْوَقْتُ ثُمَّ صَلَّاهَا لَمْ تَكُنْ صَلَاتُهُ هَذِهِ مُؤَدَّاةً، وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَهَلَكَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ صَلَّاهَا لِغَيْرِ وَقْتِهَا، وَ لَكِنَّهُ مَتَى مَا ذَكَرَهَا صَلَّاهَا.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: وَ مَتَى اسْتَيْقَنَتْ أَوْ شَكَّكَتَ فِي وَقْتِهَا أَنْتَ لَمْ تُصَلِّهَا أَوْ فِي وَقْتِ فَوْتِهَا أَنْتَ لَمْ تُصَلِّهَا صَلَّيْتَهَا، فَإِنْ شَكَّكَتَ بَعْدَ مَا خَرَجَ وَقْتُ الْفَوْتِ فَقَدْ دَخَلَ حَائِلٌ، فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْكَ مِنْ شَكِّ حَتَّى تَسْتَيْقِنَ، فَإِنْ اسْتَيْقَنَتْ فَعَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي أَيِّ حَالٍ كُنْتَ.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ نَامَ عَنِ الْعَتَمَةِ فَلَمْ يَقُمْ إِلَّا بَعْدَ انْتِصَافِ اللَّيْلِ.
قَالَ: يُصَلِّيَهَا وَ يُصْبِحُ صَائِماً.

یعنی واجب شد. و منظور از موقوف، این نیست که اگر از آن وقت مقرر بگذرد و فوت شود، دیگر نتوان آن را تدارک کرد و اگر پس از آن وقت آن را به جا آورند، دیگر قبول نباشد که اگر چنین بود به طور حتم می بایست سلیمان بن داوود علیه السلام هلاک می شد، چون او در غیر وقت، نماز را به جای آورد، ولی او چون به یادش آمد، آن را به جای آورد.

سپس فرمود: و هرگاه در وقت نماز یقین کردی، یا شک کردی که آن را به جا نیاورده ای و یا بعد از فوت وقت آن، یقین کردی که آن را نخوانده ای، باید آن را به جای آوری، ولی اگر پس از فوت وقت، شک کردی که آیا آن را به جا آورده ای یا نه، چون مانع (که همان خارج شدن از وقت نماز است) ایجاد شده، اعاده بر تو لازم نیست، مگر آن که یقین کنی، و هرگاه یقین کردی در هر حال که باشی، بر تو لازم است آن را به جای آوری.

۱۱ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام درباره کسی که بخوابد و نماز عشا را نخواند و از

خواب برنخیزد مگر بعد از نیمه شب، فرمود:

باید آن نماز را قضا کند و آن روز را روزه بگیرد.

(۱۳)

بَابُ بِنَاءِ مَسْجِدِ النَّبِيِّ ﷺ

۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
 بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
 إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَنَى مَسْجِدَهُ بِالسَّمِيطِ، ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا: يَا
 رَسُولَ اللَّهِ! لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَزِيدَ فِيهِ .
 فَقَالَ: نَعَمْ.
 فَأَمَرَ بِهِ فَزِيدَ فِيهِ وَ بِنَاهُ بِالسَّعِيدَةِ، ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ!
 لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَزِيدَ فِيهِ؟
 فَقَالَ: نَعَمْ.

بخش سیزدهم

بنای مسجد پیامبر ﷺ

۱ - عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:
 رسول خدا ﷺ مسجد خود را با خشت پخته بنا کرد و چون مسلمانان زیاد شدند،
 گفتند: ای رسول خدا! آیا ممکن است دستور فرمایی مسجد را بزرگتر کنند؟
 فرمود: آری.
 آن گاه امر فرمود تا بنای آن را اضافه کردند و دیوار آن را با یک خشت و نیم بالا آورد، و
 چون باز هم مسلمانان زیاد شدند، آن ها خواستار توسعه مسجد شدند، و گفتند: ای رسول
 خدا! آیا ممکن است دستور فرمایی مسجد را توسعه دهند؟
 فرمود: آری.

فَأَمَرَ بِهِ فَزِيدَ فِيهِ وَبَنَى جِدَارَهُ بِالْأُنْثَى وَ الذِّكْرَ، ثُمَّ اشْتَدَّ عَلَيْهِمُ الْحَرُّ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَظَلَّلَ.

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَأَمَرَ بِهِ فَأُقِيمَتْ فِيهِ سَوَارٍ مِنْ جُدُوعِ النَّخْلِ ثُمَّ طَرِحَتْ عَلَيْهِ الْعَوَارِضُ وَ الْخَصْفُ وَ الْإِذْحِرُّ، فَعَاشُوا فِيهِ حَتَّى أَصَابَتْهُمْ الْأَمْطَارُ فَجَعَلَ الْمَسْجِدُ يَكْفُ عَلَيْهِمْ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَطَيَّنَ.

فَقَالَ: لَهُمْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: لَا، عَرِيشُ كَعَرِيشِ مُوسَى ﷺ.

امر کرد تا مسجد را بزرگتر کنند و دیوار آن را با دو خشت به صورت نر و ماده بنا کرد، و چون گرما بر مردم شدت گرفت، گفتند: ای رسول خدا! آیا می شود دستور فرمایی برای مسجد سایه بانی درست کنند؟

فرمود: آری!

سپس امر فرمود تا در مسجد ستون هایی از تنه های درخت خرما بر پای داشتند و سقف آن را با بافته هایی از برگ درخت خرما و گیاه اذخر^(۱) پوشانیدند، و در آن به سر می بردند تا این که هنگام بارندگی شد و از سقف مسجد آب می چکید، گفتند: ای رسول خدا! آیا می شود دستور دهی پشت بام مسجد را گل اندود کنند؟

رسول خدا ﷺ فرمود: نه، این خانه چوبی است مانند خانه چوبی موسی ﷺ (که محل عبادت او بود).

۱ - گیاهی است خوشبو.

فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَكَانَ جِدَارُهُ قَبْلَ أَنْ يُظَلَّلَ قَامَةً، فَكَانَ إِذَا كَانَ الْفَيْءُ ذِرَاعًا وَهُوَ قَدْرُ مَرْبُوضٍ عَنِ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَإِذَا كَانَ ضِعْفَ ذَلِكَ صَلَاةِ الْعَصْرِ.

وَ قَالَ: السَّمِيطُ لِبِنَةِ لَبْنَةٍ وَ السَّعِيدَةُ لِبِنَةِ وَ نِصْفُ وَ الذَّكْرُ وَ الْأُنْثَى لِبِتَّتَانِ مُخَالَفَتَانِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَسْجِدِ الَّذِي أُسِّسَ عَلَيَّ التَّقْوَى. قَالَ: مَسْجِدُ قُبَا.

۳ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ أَكْبِيلٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: كَمْ كَانَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ قَالَ: كَانَ ثَلَاثَةَ آلَافٍ وَ سِتِّمِائَةَ ذِرَاعٍ تَكْسِيرًا.

مسجد به همان صورت بود تا این که رسول خدا ﷺ رحلت فرمود، و پیش از آن که برای آن سایه بان بسازند، دیوار آن یک قامت بود، و عادت آن حضرت این بود که هرگاه سایه دیوار به قدر یک ذراع - که به اندازه خوابگاه بُز ماده است - می شد نماز ظهر را می خواند، و چون به قدر دو ذراع می شد، نماز عصر را به جا می آورد.

سپس امام صادق ع ادامه داد: سمیط یک خشت یک خشت قرار دادن است، و سعیده یک خشت و نیم، و نر و ماده، دو خشت مخالف یکدیگر قرار دادن است.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق ع پرسیدم: مقصود از مسجدی که بر اساس تقوا و پرهیزکاری بنا نهاده شده، کدام مسجد است؟ فرمود: مسجد قُبَاست.

۳ - عبدالاعلی گوید: به امام صادق ع عرض کردم: مساحت مسجد رسول خدا ﷺ چقدر بوده است؟

فرمود: سه هزار و ششصد ذراع مربع.

(۱۴)

بَابُ مَا يَسْتَتِرُ بِهِ الْمُصَلِّي مِمَّنْ يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجْعَلُ الْعَنْزَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِذَا صَلَّى.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ طُولُ رَحْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذِرَاعًا، وَكَانَ إِذَا صَلَّى وَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَسْتَتِرُ بِهِ مِمَّنْ يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ.
- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ هَلْ يَقْطَعُ صَلَاتَهُ شَيْءٌ مِمَّا يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ.

بخش چهاردهم**وسيله حایل بین نمازگزار و رهگذر**

- ۱- معاویة بن وهب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: همواره رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن گاه که نماز می گزارد، نیزه ای کوچک در برابر خود قرار می داد.
- ۲- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بلندی پلان شتر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک ذراع بود و هرگاه به نماز می ایستاد، آن را در برابر خود قرار می داد و میان خود و کسی که از برابرش می گذشت، حایل می نمود.
- ۳- ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا موجودی که از برابر نمازگزار می گذرد، آیا نماز او را قطع می کند؟

فَقَالَ: لَا يَقْطَعُ صَلَاةَ الْمُؤْمِنِ شَيْءٌ، وَ لَكِنْ اذْرَعُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ.
 وَ فِي رِوَايَةٍ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 لَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ شَيْءٌ لَا كَلْبٌ وَلَا حِمَارٌ وَلَا امْرَأَةٌ، وَ لَكِنْ اسْتَتَرُوا بِشَيْءٍ، فَإِنْ
 كَانَ بَيْنَ يَدَيْكَ قَدْرُ ذِرَاعٍ رَافِعًا مِنَ الْأَرْضِ فَقَدْ اسْتَتَرْتَ.
 قَالَ الْكَلْبِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: وَ الْفَضْلُ فِي هَذَا أَنْ تَسْتَتِرَ بِشَيْءٍ وَ تَضَعَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَا تَتَّقِي بِهِ
 مِنَ الْمَارِّ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ لِأَنَّ الَّذِي يُصَلِّي لَهُ الْمُصَلِّي أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِمَّنْ
 يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ لَكِنْ ذَلِكَ أَدَبُ الصَّلَاةِ وَ تَوْقِيرُهَا.
 ٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَفَعَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
 دَخَلَ أَبُو حَنِيفَةَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: رَأَيْتُ ابْنَكَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي وَ
 النَّاسُ يَمُرُّونَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَا يَنْهَاهُمْ وَ فِيهِ مَا فِيهِ .

فرمود: هیچ چیز نماز مؤمن را قطع نمی‌کند، ولی تا می‌توانید پیش روی خود را با
 فاصله انداختن چیزی حایل کنید.

در روایت ابن سکان آمده است: ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 اگر سگ یا الاغی در پیش نمازگزار باشد، نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر زنی از پیش
 نمازگزار مرد بگذرد، نمازش صحیح است و قطع نمی‌شود، ولی اگر در پیش وی زمین به
 قدر یک ذراع بلند باشد، میانشان فاصله افتاده (و این بهتر است).

کلینی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید:

در این موارد خوب است که به هنگام نماز چیزی را در برابر خویش قرار دهی که تو را
 ببوشاند و از کسی که می‌گذرد، مخفی نماید، و اگر این کار را هم انجام ندهی، اشکالی
 ندارد؛ زیرا کسی که نمازگزار برای او نماز می‌خواند از کسی که در برابر او می‌گذرد، به او
 نزدیکتر است، ولی البته این استتار و پوشش، ادب نماز و تعظیم و بزرگداشت آن است.
 ٤ - محمد بن مسلم گوید: ابوحنیفه خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید و به آن حضرت
 گفت: فرزندان موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیدم که نماز می‌گزارد و مردم از برابر او می‌گذشتند و او آنها
 را از این کار باز نمی‌داشت و این کار از جانب او قصور و کوتاهی است.

فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ادْعُوا لِي مُوسَى.

فَدُعِيَ. فَقَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ! إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ يَذْكُرُ أَنَّكَ كُنْتَ تُصَلِّي وَ النَّاسُ يَمُرُّونَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَلَمْ تَنْهَهُمْ.

فَقَالَ: نَعَمْ يَا أَبَتِ! إِنَّ الَّذِي كُنْتُ أُصَلِّي لَهُ كَانَ أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْهُمْ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾.

قَالَ: فَضَمَّهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَى نَفْسِهِ. ثُمَّ قَالَ: يَا بُنَيَّ! يَا أَبَتِ! يَا مُودَّعَ الْأَسْرَارِ!

وَ هَذَا تَأْدِيبٌ مِنْهُ عليه السلام لِأَنَّهُ تَرَكَ الْفَضْلَ.

امام صادق عليه السلام فرمود: موسی را نزد من فراخوانید.

وقتی آمد به او فرمود: ای فرزندم! ابوحنیفه می گوید: تو نماز می گزاردی و مردم از برابرت می گذشتند و تو آنها را باز نمی داشتی.

عرضه داشت: آری، ای پدر! زیرا کسی که من برای او نماز می گزاردم، از مردم به من نزدیکتر بود؛ همچنان که خداوند تعالی می فرماید: «و ما از رگ گردن به او نزدیکتریم».

راوی گوید: امام صادق عليه السلام او را به آغوش کشید سپس فرمود: ای فرزندم! پدر و مادرم به فدای تو باد! ای جایگاه امانت‌ها و رازهای الهی.

[نگارنده گوید]: این عمل امام کاظم عليه السلام برای تأدیب ابوحنیفه بود، نه این که آن

حضرت به واقع استتار را که بهتر بود، ترک کرده است (۱).

۱ - صاحب «وافی» عليه السلام می نویسد: حدیث بیانگر عدم نهی و بازدارای عبور مردم است نه ترک استتار...

(۱۵)

بَابُ الْمَرْأَةِ تُصَلِّي بِحِيَالِ الرَّجُلِ وَالرَّجُلِ يُصَلِّي وَالْمَرْأَةُ بِحِيَالِهِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ تُصَلِّي إِلَى جَنْبِ الرَّجُلِ قَرِيباً مِنْهُ .
فَقَالَ: إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا مَوْضِعٌ رَحِلٍ فَلَا بَأْسَ .
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَالْمَرْأَةُ بِجِذَاهُ يَمْنَةً أَوْ يَسْرَةً .
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَتْ لَا تُصَلِّي .
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ يُصَلِّيَانِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ الْمَرْأَةُ عَنْ يَمِينِ الرَّجُلِ بِجِذَاهُ .

بخش پانزدهم**زنی که برابر مرد نماز می‌گزارد و مردی که نماز می‌گزارد****و زن در برابر اوست**

- ۱ - حریز گوید: امام صادق عليه السلام درباره زنی که در کنار مرد و نزدیک او نماز می‌گزارد، فرمود:
اگر فاصله میان آنها به اندازه جای پالان شتر باشد، اشکالی ندارد.
- ۲ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مردی که نماز می‌خواند و زنی در برابر و در سمت راست و یا چپ اوست پرسیدم.
فرمود: اگر آن زن، در حال نماز خواندن نباشد، اشکالی ندارد.
- ۳ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام در این که آیا مرد و زن در یک زمان می‌توانند با هم نماز بخوانند به گونه‌ای که زن در سمت راست مرد و موازی او باشد؟

قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ أَوْ ذِرَاعٌ.

۴- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي زَاوِيَةِ الْحُجْرَةِ وَامْرَأَتُهُ أَوْ ابْنَتُهُ تُصَلِّي بِجِدَاهُ فِي الزَّاوِيَةِ الْأُخْرَى.

فَقَالَ: لَا يَنْبَغِي لَهُ ذَلِكَ، فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ أَوْ جِزَاءً.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يَتَرَامَلَانِ فِي الْمَحْمِلِ يُصَلِّيَانِ جَمِيعًا.

فَقَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يُصَلِّي الرَّجُلُ، فَإِذَا صَلَّى صَلَّتِ الْمَرْأَةُ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَبِحَيْالِهِ امْرَأَةً قَائِمَةً عَلَى فِرَاشِهَا جَنَّبَتْهُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ قَاعِدَةً فَلَا يَضُرُّهُ، وَإِنْ كَانَتْ تُصَلِّي فَلَا.

فرمود: نه، مگر آن که میان آنها به اندازه یک وجب، یا یک ذراع فاصله باشد.

۴- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم: مردی که در گوشه اتاق نماز می خواند و همسر یا دختر او نیز در گوشه دیگر اتاق، موازی او نماز می خواند (چگونه است).

فرمود: این کار برای او شایسته نیست. پس اگر میان آنها به اندازه یک وجب فاصله باشد، او را کفایت می کند.

محمد بن مسلم گوید: از حضرتش پرسیدم: مرد و زنی که در یک کجاوه می باشند، آیا می توانند با هم نماز بخوانند؟

فرمود: نه، ولی ابتدا مرد نماز خود را بخواند و چون تمام کرد، آن گاه، زن نماز خود را به جای آورد.

۵- ادريس بن عبدالله قمي گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی نماز می گزارد، در حالی که زنی در کنار او ایستاده است، (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر زن نشسته است ضرری به نماز نمی رساند، ولی اگر مشغول به نماز است، مرد نباید در چنین حالی نماز بخواند.

- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي وَ عَائِشَةُ نَائِمَةٌ مُعْتَرِضَةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هِيَ لَا تُصَلِّي.
۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ الْمَرْأَةُ تُصَلِّي بِحِدَاةٍ أَوْ إِلَى جَانِبِهِ.
فَقَالَ: إِذَا كَانَ سُجُودُهَا مَعَ رُكُوعِهِ فَلَا بَأْسَ.

(۱۶)

بَابُ الْخُشُوعِ فِي الصَّلَاةِ وَ كَرَاهِيَةِ الْعَبَثِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيرِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

۶- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز می خواند در حالی که عایشه نماز نمی خواند و در برابر حضرتش
به خواب رفته و بر روی زمین دراز کشیده بود.

۷- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که نماز می خواند و زنی در برابر او - یا در
کنار او- نماز می گزارد، فرمود:

در صورتی که سجده زن با رکوع مرد همراه باشد، اشکالی ندارد.

بخش شانزدهم

خشوع در نماز و مکروه بودن بازی کردن

۱- زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَعَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ، فَإِنَّمَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ وَ لَا تَعْبُثُ فِيهَا بِيَدِكَ وَ لَا بِرَأْسِكَ وَ لَا بِلِحْيَتِكَ، وَ لَا تُحَدِّثُ نَفْسَكَ وَ لَا تَتَنَاءَبَ وَ لَا تَتَمَطَّ وَ لَا تُكْفِّرْ، فَإِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ، وَ لَا تَأْتُمْ وَ لَا تَحْتَفِزْ وَ لَا تَفْرَجْ كَمَا يَتَفَرِّجُ الْبَعِيرُ وَ لَا تُفْعَ عَلَى قَدَمَيْكَ، وَ لَا تُفْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ وَ لَا تُفَرِّقَ أَصَابِعَكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ نُقْصَانٌ مِنَ الصَّلَاةِ.

وَ لَا تُقْمُ إِلَى الصَّلَاةِ مُتَكَاسِباً وَ لَا مُتَنَاعِساً وَ لَا مُتَنَاقِلاً، فَإِنَّهَا مِنْ خِلَالِ النِّفَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ نَهَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَقُومُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَ هُمْ سُكَارَى، يَعْنِي سُكْرَ النُّوْمِ وَ قَالَ لِلْمُنَافِقِينَ: ﴿وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاوُنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلاً﴾.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْفَارِسِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

هرگاه به نماز می ایستی، بر تو باد که با حضور قلب بدان متوجه باشی؛ زیرا همان مقدار که بدان متوجه باشی، برای تو منظور می گردد، و در هنگام نماز با دست، سر و محاسن خود بازی مکن، و با خود گفت و گو مکن، خمیازه مکش و دست بسته، یا دست به سینه نماز مگزار که این کار را مجوس انجام می دهند، و دهان بند مزن و بر سر دو پا منشین، و فراخ مشو، همچنان که شتر فراخ می شود، و سرین را برد دو قدم خویش مگذار، و دو بازوی خود را بر زمین مگستران، و انگشتانت را مشکن، زیرا همه اینها موجب کاستی نماز است. و از روی کسالت، تنبلی، خواب آلودگی و سنگینی برای نماز بر مخیز؛ زیرا این امور از خصلت های نفاق است و خداوند سبحان مؤمنان را نهی فرموده از این که در حال مستی - یعنی مستی خواب - به نماز ایستند و درباره منافقان می فرماید: «و هرگاه به نماز بر خیزند از روی کسالت و تنبلی بر می خیزند و عمل خود را به مردم می نمایانند و خدا را یاد نمی کنند مگر اندکی»

۲- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ أَيْتَهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَ عَشْرِينَ خَصْلَةً، وَ نَهَاكُمْ عَنْهَا كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا كُنْتَ دَخَلْتَ فِي صَلَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَ الإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ وَ أَبُو دَاوُدَ جَمِيعًا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي جَهْمَةَ عَنْ جَهْمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَهُ الرِّيحُ مِنْهُ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند بیست و چهار خصلت را برای شما - ای امت - ناخوش داشته و شما را از آن بازداشته که در نماز به خود مشغول باشید و با خود بازی کنید.

۳ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه شروع به نماز کردی، بر تو باد که با خشوع بوده و به آن متوجه باشی، زیرا که خداوند ﷻ می فرماید: «به تحقیق آن مؤمنانی رستگارند که در نماز خویش خاشع و فروتنند».

۴ - جهم بن حمید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پدر بزرگوارم علیه السلام می فرمود:

علی بن الحسین علیه السلام چنان بود که هرگاه به نماز می ایستاد، همانند تنه درختی بود که عضوی از او حرکت نمی کند، مگر آن چه باد به حرکت او می دارد.

۵ - فضیل بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ، فَإِذَا سَجَدَ لَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ حَتَّى يَرْفُضَ عَرَقًا.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ فَلَا تُقَلِّبْ وَجْهَكَ عَنِ الْقِبْلَةِ فَتَفْسُدَ صَلَاتُكَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله فِي الْفَرِيضَةِ: «قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوُكِّلُوا وَجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» وَ اخْشَعْ بِبَصْرِكَ وَ لَا تَرْفَعُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَ لِيَكُنْ حِذَاءَ وَجْهِكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ.

۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَتَتَاءَبُ وَ يَتَمَطَّى فِي الصَّلَاةِ. قَالَ: هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لَا يَمْلِكُهُ.

هرگاه علی بن الحسین عليه السلام به نماز می ایستاد رنگش تغییر می کرد و چون به سجده می رفت، سر خود را بر نمی داشت تا این که عرق از آن جاری می شد.
۶- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه روی خود را به سوی قبله کردی، از آن روی مگردان که این کار، نمازت را تباه می سازد، همانا خداوند عز وجل درباره نماز واجب به پیامبر خود صلى الله عليه وآله فرمود: «ای پیامبر! به هنگام نماز روی خود را به جانب مسجد الحرام بگردان و شما - ای امت محمد! - هر جا که هستید روی خویش را بدان جانب کنید» و چشم خود را فروانداز و آن را به جانب آسمان بلند مکن و باید نظرت به پیش و به جایگاه سجود باشد.

۷- فضیل بن یسار گوید: امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) درباره کسی که در حال نماز خمیازه می کشد، فرمود:

این کار از شیطان است و شیطان مالک مقدمات آن نمی شود.

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْوَلِيدِ قَالَ:

كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ نَاجِيَةً أَبُو حَبِيبٍ، فَقَالَ لَهُ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! إِنَّ لِي رَحَى أَطْحَنُ فِيهَا، فَرُبَّمَا قُمْتُ فِي سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ فَأَعْرِفُ مِنَ الرَّحَى أَنَّ الْغُلَامَ قَدْ نَامَ فَأَضْرِبُ الْحَائِطَ لِأَوْقِظَهُ.
قَالَ: نَعَمْ أَنْتَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَطْلُبُ رِزْقَهُ.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تَعْبَثْ بِلِحْيَتِكَ وَلَا بِرَأْسِكَ وَلَا تَعْبَثْ بِالْحَصَى وَأَنْتَ تُصَلِّي إِلَّا أَنْ تُسَوِّيَ حَيْثُ تَسْجُدُ، فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ.

۸- ابو ولید گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نشسته بودم که ناچیه ابو جیب به حضرتش عرض کرد: خداوند مرا قربانت گرداند! من آسیایی دارم که در آن گندم آرد می‌کنم. گاهی در بعضی از ساعات شب (برای نماز) بر می‌خیزم و (در حال نماز) از صدای آسیا متوجه می‌شوم که غلام خوابیده است. به دیوار می‌زنم تا او را بیدار کنم، آیا می‌توانم چنین کنم؟ فرمود: آری، تو در طاعت خدای عَلَيْهِ السَّلَامُ در پی طلب روزی او هستی.

۹- احمد بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که برای نماز برخاستی با محاسن و سر خود بازی مکن و چون در نماز هستی با سنگ ریزه بازی مکن (چون در گذشته زمین برخی از مساجد سنگریزه بود) مگر آن که بخواهی جای سجده خود را هموار کنی که در این صورت اشکالی ندارد.

(۱۷)

بَابُ الْبُكَاءِ وَ الدُّعَاءِ فِي الصَّلَاةِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 يَنْبَغِي لِمَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ إِذَا مَرَّ بِآيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ فِيهَا مَسْأَلَةٌ أَوْ تَخْوِيفٌ أَنْ يَسْأَلَ
 اللَّهَ عِنْدَ ذَلِكَ خَيْرَ مَا يَرْجُو وَيَسْأَلُهُ الْعَافِيَةَ مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْعَذَابِ.
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ
 سَعِيدِ بْنِ بِيَّاعِ السَّابِرِيِّ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّ تَبَاكِي الرَّجُلِ فِي الصَّلَاةِ؟
 فَقَالَ: بَخٌ بَخٌ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ.

بخش هفدهم**گریه و دعا در نماز**

- ۱ - سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 شایسته است کسی که قرآن می خواند، هرگاه به آیه ای می رسد که در آن آیه، سخن از
 درخواست یا و عیدی باشد از خداوند بهترین چیزی را که امید دارد بخواهد و از حضرتش
 در خواست عافیت از آتش و عذاب نماید.
- ۲ - سعید گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا کسی می تواند در نماز حال گریه
 داشته باشد؟
 فرمود به! به! اگر چه به اندازه سر مگسی اشک بریزد.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ فَيَمُرُّ بِالسَّأَلَةِ أَوْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَسْأَلَ عِنْدَ ذَلِكَ وَ يَتَعَوَّذَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ. ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ ذِكْرِ السُّورَةِ مِنَ الْكِتَابِ يَدْعُو بِهَا فِي الصَّلَاةِ مِثْلَ: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

فَقَالَ: إِذَا كُنْتَ تَدْعُو بِهَا فَلَا بَأْسَ

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ مَا كَلَّمْتَ اللَّهَ بِهِ فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَلَا بَأْسَ.

۳ - حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که با امام جماعت نماز می خواند و امام جماعت، آیه ای می خواند که در آن از خداوند چیزی خواسته شده، یا ذکری از بهشت و دوزخ آمده است (آیا می تواند از خدا درخواست کند یا به او پناه ببرد؟). فرمود: اشکالی ندارد که در آنجا از خداوند مسألت کند و از آتش دوزخ به خداوند پناه جوید و از خداوند بهشت را درخواست نماید.

۴ - زراره گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره سوره ای از قرآن مانند ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ که به عنوان دعا خوانده می شود، پرسیدم.

فرمود: اگر به عنوان دعا آن را بخوانی، اشکالی ندارد.

۵ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در نماز واجب، به هر کلامی که به واسطه آن با خداوند سخن گویی، ایرادی ندارد.

(۱۸)

بَابُ بَدْءِ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَفَضْلِهِمَا وَثَوَابِهِمَا

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَالْفَضْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى السَّمَاءِ فَبَلَغَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَأَذَّنَ جَبْرَائِيلُ وَأَقَامَ فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَفَّ الْمَلَائِكَةُ وَالنَّبِيُّونَ خَلْفَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- لَمَّا هَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْأَذَانِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ رَأْسُهُ فِي حِجْرِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَذَّنَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَقَامَ فَلَمَّا انْتَبَهَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَا عَلِيُّ! سَمِعْتَ؟

بخش هیجدهم**آغاز اذان و اقامه و فضیلت و پاداش آن دو**

- ۱ - زراره و فضل گویند: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سوی آسمان به معراج رفت، چون به بیت المعمور رسید و وقت نماز فرارسید، جبرئیل اذان و اقامه گفت. پس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جلو ایستاد و فرشتگان و پیامبران در پشت سرش صف کشیدند.
- ۲ - منصور بن حازم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- هنگامی که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ از آسمان با اذان بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرود آمد، سر مبارک آن حضرت بر دامان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بود. جبرئیل اذان و اقامه گفت، هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خواب بیدار شد، فرمود: ای علی! آیا آن چه جبرئیل گفت، شنیدی؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: حَفِظْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ ادْعُ بِلَالاً فَعَلَّمَهُ.

فَدَعَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ بِلَالاً فَعَلَّمَهُ.

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ خَمْسَةً وَ ثَلَاثُونَ حَرْفًا فَعَدَّ ذَلِكَ بِيَدِهِ وَاحِدًا، وَاحِدًا الْأَذَانَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ حَرْفًا، وَ الْإِقَامَةَ سَبْعَةَ عَشَرَ حَرْفًا.
- ۴- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
الْأَذَانَ مَثْنَى مَثْنَى وَ الْإِقَامَةَ مَثْنَى مَثْنَى.

علی علیه السلام پاسخ داد: آری.

فرمود: آیا حفظ کردی؟

عرضه داشت: آری.

فرمود: بلال را فرا خوان و اذان را به او بیاموز.

علی علیه السلام بلال را خواند و اذان را به او آموخت.

۳- اسماعیل جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

اذان و اقامه، سی و پنج حرف است. حضرتش آن را با دست مبارک خود یک به یک

برشمرد، اذان هجده و اقامه هفده حرف است.

۴- صفوان جمّال گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

اذان دو جمله، دو جمله است و اقامه نیز دو جمله دو جمله است.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

يَا زُرَّارَةُ! تَفْتِيحُ الْأَذَانِ بِأَرْبَعِ تَكْبِيرَاتٍ وَ تَحْتِمُهُ بِتَكْبِيرَتَيْنِ وَ تَهْلِيلَتَيْنِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّثْوِيبِ فِي الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ. فَقَالَ: مَا نَعْرِفُهُ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِذَا أَدْنَتْ فَأَفْصِحْ بِالْأَلْفِ وَ الْهَاءِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله كَلَّمَا ذَكَرْتَهُ أَوْ ذَكَرَهُ ذَاكِرٌ فِي أَذَانٍ وَ غَيْرِهِ.

۵- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

ای زراره! اذان را با چهار تکبیر شروع می کنی و آن را با دو تکبیر و دو تهلیل (لا اله الا الله) به پایان می بری.

۶- معاویه بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام درباره تثنویب ^(۱) در اذان و اقامه پرسیدم فرمود: آن را (از اذان و اقامه) نمی دانیم.

۷- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه مؤذن شدی، الف و های آن را نیکو بیان کن و بر پیامبر صلوات فرست هرگاه که از آن حضرت نام می بری، یا گوینده ای از نام آن بزرگوار در اذان یا غیر اذان یاد می کند.

۱ - این عمل از بدعت های عمر است، و منظور از تثنویب، همان جمله متعارف میان اهل سنت است که در اذان صبح به جای «حیی علی خیر العمل» می گویند: «الصلاة خیر من النوم»؛ یعنی نماز خواندن بهتر از خفتن است.

۸- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَدَّيْتُمْ وَاقَمْتُمْ صَلَّى خَلْفَكَ صَفَّانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَإِذَا أَقَمْتَ صَلَّى خَلْفَكَ صَفٌّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ أَيُجْزَى أَدَانٌ وَاحِدٌ؟

قَالَ: إِنْ صَلَّيْتَ جَمَاعَةً لَمْ يُجْزَى إِلَّا أَدَانٌ وَاقَامَةٌ، وَإِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ تُبَادِرُ أَمْرًا تَخَافُ أَنْ يَفُوتَكَ يُجْزِيكَ إِقَامَةٌ إِلَّا الْفَجْرَ وَالْمَغْرِبَ، فَإِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ تُؤَدَّ فِيهِمَا وَتُقِيمَ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ لَا يَقْصُرُ فِيهِمَا كَمَا يَقْصُرُ فِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ.

۱۰- أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيَتَكَلَّمُ الرَّجُلُ فِي الْأَدَانِ؟

۸- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون اذان و اقامه می‌گویی، دو صف از فرشتگان پشت سر تو به نماز می‌ایستند، و اگر فقط اقامه بگویی یک صف از فرشتگان پشت سر تو نماز می‌گزارند.

۹- ابو بصیر گوید: از امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: آیا یک اذان کفایت می‌کند؟

فرمود: اگر نماز را با جماعت بخوانی، فقط یک اذان و یک اقامه، کفایت می‌کند، ولی اگر به صورت فردی و تنهایی نماز می‌گزاری و کاری داری که می‌ترسی فوت شود، اقامه کفایت می‌کند، مگر در نماز صبح و مغرب که شایسته است در آن اذان و اقامه بگویی؛ چون این دو نماز مانند نمازهای دیگر قصر نمی‌شوند.

۱۰- عمرو بن ابی نصر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا انسان می‌تواند به هنگام اذان گفتن با دیگری سخن بگوید؟

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: فِيهِ الْإِقَامَةُ.

قَالَ: لَا.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَذَّنَ الرَّجُلُ مِنْ غَيْرِ وَضُوءٍ وَلَا يُقِيمُ إِلَّا وَهُوَ عَلَى وَضُوءٍ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ

أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَنْتَهِي إِلَى الْإِمَامِ حِينَ يُسَلِّمُ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الْأَذَانَ فَلْيَدْخُلْ مَعَهُمْ فِي أَذَانِهِمْ، فَإِنْ وَجَدَهُمْ قَدْ

تَفَرَّقُوا أَعَادَ الْأَذَانَ.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ

عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سُئِلَ عَنِ الْأَذَانِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مِنْ غَيْرِ عَارِفٍ؟

فرمود: اشکالی ندارد.

گفتم: در اقامه چطور؟

فرمود: نه.

۱۱ - حلبی (که از راویان امام صادق علیه السلام است) گوید:

اشکالی ندارد که کسی بدون وضو اذان بگوید، ولی اقامه را جز با وضو نگوید.

۱۲ - ابوبصیر گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: کسی که در نماز جماعت به هنگام سلام دادن

امام می‌رسد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: بر او لازم نیست که اذان را اعاده کند، بلکه همان اذان آنان برای او نیز محسوب

است، ولی اگر دید که آن‌ها متفرق شده‌اند، باید اذان را اعاده کند.

۱۳ - عمار ساباطی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد اذان سؤال شد که آیا از غیر شیعه

صحیح است؟

قَالَ: لَا يَسْتَقِيمُ الْأَذَانُ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُؤَدَّنَ بِهِ إِلَّا رَجُلٌ مُسْلِمٌ عَارِفٌ، فَإِنْ عَلِمَ الْأَذَانَ فَأَدَّنَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَارِفًا لَمْ يُجْزِ أَدَانُهُ وَلَا إِقَامَتُهُ وَلَا يُقْتَدَى بِهِ. وَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُؤَدَّنُ وَ يُقِيمُ لِيُصَلِّيَ وَ حَدَهُ فَيَجِيءُ رَجُلٌ آخَرَ فَيَقُولُ لَهُ: نُصَلِّيَ جَمَاعَةً فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَا بِذَلِكَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ؟ قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يُؤَدَّنُ وَ يُقِيمُ.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَنْسَى الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ حَتَّى يَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ. قَالَ: إِنْ كَانَ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَفْرَأَ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ لْيُقِيمْ وَ إِنْ كَانَ قَدْ قَرَأَ فَلْيَتِمَّ صَلَاتَهُ.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: اذان جایز نمی باشد، مگر از کسی که مسلمان و عارف به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد. پس اگر کسی اذان را بداند و بگوید، ولی عارف و شیعه نباشد، اذان و اقامه او درست نیست و به او نمی توان اقتدا کرد.

و از آن حضرت سؤال شد درباره شخصی که اذان و اقامه می گوید تا به تنهایی نماز بخواند، سپس مرد دیگری می آید و به او می گوید: نمازمان را به جماعت بخوانیم. آیا جایز است که آن دو با همان اذان و اقامه نماز بخوانند؟ فرمود: نه، بلکه اذان و اقامه دیگری باید بگوید.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَوَدِّهِ أَنَّ كَسِيًّا قَالَ فِي الرَّجُلِ يَنْسَى الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ حَتَّى يَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ قَالَ: إِنْ كَانَ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَفْرَأَ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ لْيُقِيمْ وَ إِنْ كَانَ قَدْ قَرَأَ فَلْيَتِمَّ صَلَاتَهُ. فرمود: فرمود:

اگر پیش از قرائت به یاد آورد، پس باید بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صلوات فرستد و اقامه گوید، ولی اگر شروع به قرائت کرده، باید نمازش را تمام کند. ۱۵ - زُرَّارَةَ قَالَ: إِنْ كَانَ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَفْرَأَ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ لْيُقِيمْ وَ إِنْ كَانَ قَدْ قَرَأَ فَلْيَتِمَّ صَلَاتَهُ. فرمود:

- مَنْ سَهَا فِي الْأَذَانِ فَقَدَّمَ أَوْ أَخَّرَ عَادَ عَلَى الْأَوَّلِ الَّذِي أَخَّرَهُ حَتَّى يَمْضِيَ عَلَى آخِرِهِ.
- ۱۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: يُؤَذَّنُ الرَّجُلُ وَهُوَ جَالِسٌ وَ لَا يُعْمَلُ إِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ وَ تُؤَذَّنُ وَ أَنْتَ رَاكِبٌ وَ لَا تُعْمَلُ إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يُؤَذَّنُ الرَّجُلُ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ. قَالَ: إِذَا كَانَ التَّشَهُدُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فَلَا بَأْسَ.
- ۱۸ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ عَلَيْهَا أَذَانٌ وَ إِقَامَةٌ؟ قَالَ: لَا.

- هر کس در اذان شک کند، یا بخش‌های آن را پس و پیش بگوید، باید به همان بخش اول که آن را به تأخیر انداخته، باز گردد و اذان را تا آخر ادامه دهد.
- ۱۶ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: انسان می‌تواند در حال نشسته اذان بگوید، ولی نباید اقامه بگوید، مگر به حالت ایستاده، انسان می‌تواند در حالی که سواره است، اذان گوید، ولی اقامه را نگو، مگر در حالی که روی زمین هستی.
- ۱۷ - حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا کسی می‌تواند به غیر جهت قبله اذان بگوید؟ فرمود: اگر شهادتین آن رو به قبله باشد، اشکالی ندارد.
- ۱۸ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا گفتن اذان و اقامه برای زن لازم است؟ فرمود: نه.

۱۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِقَامَةُ الْمَرْأَةِ أَنْ تُكَبِّرَ وَ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

۲۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَا أَبَا هَارُونَ! الْإِقَامَةُ مِنَ الصَّلَاةِ فَإِذَا أَقَمْتَهُ فَلَا تَتَكَلَّمْ وَلَا تُؤْم بِبَيْدِكَ.

۲۱- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يُقِيمُ أَحَدُكُمْ الصَّلَاةَ وَهُوَ مَاشٍ وَلَا رَاكِبٌ وَلَا مُضْطَجِعٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا، وَ لِيَتِمَّكَنْ فِي الْإِقَامَةِ كَمَا يَتِمَّكَنْ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهُ إِذَا أَخَذَ فِي الْإِقَامَةِ فَهُوَ فِي الصَّلَاةِ.

۱۹- ابو مریم انصاری گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

اقامه زن این است که تکبیر بگوید و بگوید: اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله.

۲۰- ابو هارون مکفوف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ای ابا هارون! اقامه از نماز است و هرگاه اقامه گفتی - یا این که قد قامت الصلاة گفتی -

دیگر سخن مگو و با دست به چیزی اشاره مکن.

۲۱- سلیمان بن صالح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ یک از شما در حال راه رفتن، سواره و خوابیده نباید اقامه بگوید، مگر آن که مریض

باشد، و باید بدن در حال گفتن اقامه آرام باشد؛ همچنان که در حال نماز آرام است؛ زیرا

هرگاه اقامه شروع می شود، گویی انسان در حال نماز است.

۲۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ الْمَسْجِدَ وَهُوَ لَا يَأْتُمُّ بِصَاحِبِهِ وَ قَدْ بَقِيَ عَلَى الْإِمَامِ آيَةٌ، أَوْ آيَتَانِ فَخَشِيَ إِنْ هُوَ أَدَّنَّ وَ أَقَامَ أَنْ يَرْكَعَ فَلْيَقُلْ: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَ لِيَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ.

۲۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْأَذَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ فِي جَمَاعَةٍ فَلَا، وَإِذَا كَانَ وَحْدَهُ فَلَا بَأْسَ.

۲۴- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْفُعُودُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ الْإِقَامَةِ صَلَاةً يُصَلِّيُهَا.

۲۲- معاذ بن كثير گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه کسی وارد مسجد شود، و هنوز به امام جماعت اقتدا نکرده، و از قرائت امام یک- یا دو- آیه مانده باشد و بترسد که اگر اذان و اقامه بگوید، امام به رکوع می رود، بایستی فقط بگوید: «قد قامت الصلاة، قد قامت الصلاة، الله اكبر، الله اكبر، لا اله الا الله» و شروع به نماز کند.

۲۳- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره اذان پیش از طلوع فجر پرسیدم.

فرمود: چنین اذانی در نماز جماعت جایز نیست، ولی در نماز فرادی اشکالی ندارد.

۲۴- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

نشستن میان اذان و اقامه در همه نمازهاست، در صورتی که پیش از اقامه، نمازی به جا نیاورده باشد.

- ۲۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ: أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَانَ يُؤذِّنُ وَ يُقِيمُ غَيْرَهُ. وَ قَالَ: كَانَ يُقِيمُ وَ قَدْ أذَّنَ غَيْرَهُ.
- ۲۶ - جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْأَذَانُ تَرْتِيلٌ وَ الْإِقَامَةُ حَذْرٌ.
- ۲۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى كُتُبَانِ الْمِسْكِ؛ أَحَدُهُمْ مُؤَذِّنٌ أذَّنَ احْتِسَابًا.
- ۲۸ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: الْمَوْذِّنُ يُعْفَرُ لَهُ مَدَى صَوْتِهِ وَ يَشْهَدُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ سَمِعَهُ.

۲۵ - اسماعیل بن جابر گوید:

امام صادق عليه السلام اذان می گفت و کسی دیگر اقامه را می گفت.

وی ادامه داد و گفت: گاهی آن حضرت اقامه می گفت و کسی دیگر پیش از آن، اذان می گفت.

۲۶ - حسن بن سری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اذان باید به آرامی و تآنی باشد ولی اقامه، با شتاب.

۲۷ - ابن ابی نجران در روایت مرفوعه ای گوید: امام عليه السلام فرمود:

سه نفرند که در روز قیامت بر بالای توده های مشکند: یکی از آنها مؤذنی است که برای پادشاه جهان آخرت اذان گفته باشد.

۲۸ - محمد بن مروان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

مؤذّن آمرزیده می شود، به همان مقداری که صدایش به اطراف می رود، و هر چیزی که صدای او را می شنود به نفع او گواهی می دهد.

- ۲۹- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ يُؤَذِّنُ قَالَ مِثْلَ مَا يَقُولُهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ.
- ۳۰- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ النَّضْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ يَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». فَقَالَ: مُصَدِّقًا مُحْتَسِبًا «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَ أَكْتَفَى بِهِمَا عَمَّنْ أَبِي وَ جَدِّ وَ أَعِينُ بِهِمَا مَنْ أَقَرَّ، وَ شَهِدَ» كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ عَدَدُ مَنْ أَنْكَرَ وَ جَحَدَ وَ مِثْلَ عَدَدِ مَنْ أَقَرَّ وَ عَرَفَ.
- ۳۱- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲۹- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صدای اذان را می شنید، هر جمله ای را که مؤذن می گفت بازگو می فرمود.

۳۰- حارث نضری گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس بشنود که مؤذن می گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» و او نیز از روی تصدیق و ثواب بگوید: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَكْتَفَى بِهِمَا، عَمَّنْ أَبِي وَ جَدِّ وَ أَعِينُ بِهِمَا مَنْ أَقَرَّ وَ شَهِدَ» بهره او از پاداش به تعداد همه کسانی است که آن را انکار و رد کنند، و به شمار آنان که به این کلام اقرار می کنند و آن را می شناسند و شهادت می دهند.

۳۱- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

كَانَ طُولُ حَائِطِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَامَةً، فَكَانَ يَقُولُ لِبِلَالٍ: إِذَا دَخَلَ
الْوَقْتُ يَا بِلَالُ! اعْلُ فَوْقَ الْجِدَارِ وَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالْأَذَانِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِالْأَذَانِ
رِيحًا تَرْفَعُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْأَذَانَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قَالُوا:
هَذِهِ أَصْوَاتُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنْ تِلْكَ الصَّلَاةِ.

۳۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزَبَانَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ
أَسَدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَقْظَانَ رَفَعَهُ إِلَيْهِمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
يَقُولُ الرَّجُلُ إِذَا فَرَّغَ مِنَ الْأَذَانِ وَ جَلَسَ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًا، وَ عَيْشِي قَارًا، وَ
رِزْقِي دَارًا، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَارًا وَ مُسْتَقْرًا».

بلندی دیوار مسجد رسول خدا ﷺ به اندازه یک قامت انسان بود. هنگامی که وقت
نماز فرا می‌رسید، آن حضرت به بلال می‌فرمود:
ای بلال! بر بالای دیوار رو و صدای خود را به اذان بلند کن؛ که خداوند بر اذان بادی
گمارده است که آن را به سوی آسمان بالا برد.
و آن‌گاه که فرشتگان صدای اذان را از اهل زمین می‌شنوند، می‌گویند: این آواز اُمّت
محمد ﷺ است که به توحید و یگانگی خداوند ﷻ دست برداشته‌اند. پس برای اُمّت
محمد ﷺ طلب آمرزش می‌کنند تا از آن نماز فارغ شوند.
۳۲- جعفر بن محمد بن یقظان در روایت مرفوعه‌ای از ائمه معصومین علیهم السلام نقل می‌کند
که حضرتش فرمود:

هرگاه کسی پس از اذان بنشیند و بگوید:
«بار خدایا! دل مرا فرمانبردار، زندگی مرا همیشگی قرار ده، به روزی من توسعه بده
و برای من در نزد قبر پیامبرت ﷺ قراری همیشگی و دایم مقرر فرما».

۳۳- عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ شَكَأَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام سُقْمَهُ، وَ أَنَّهُ لَا يُوَلِّدُ لَهُ وَ لَدَّ. فَأَمَرَهُ أَنْ يَرْفَعَ صَوْتَهُ بِالْأَذَانِ فِي مَنْزِلِهِ. قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي سُقْمِي وَ كَثُرَ وَ لَدِي. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ رَاشِدٍ: وَ كُنْتُ دَائِمَ الْعِلَّةِ مَا أَنْفَكُ مِنْهَا فِي نَفْسِي وَ جَمَاعَةِ خَدَمِي وَ عِيَالِي، فَلَمَّا سَمِعْتُ ذَلِكَ مِنْ هِشَامٍ عَمِلْتُ بِهِ، فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي وَ عَنِ عِيَالِي الْعِلَلِ.

۳۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَوْ أَنَّ مُؤَدَّنًا أَعَادَ فِي الشَّهَادَةِ وَ فِي «حَيِّ عَلَى الصَّلَاةِ» أَوْ «حَيِّ عَلَى الْفَلَاحِ» الْمَرَّتَيْنِ وَ الثَّلَاثَ، وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ إِذَا كَانَ إِنَّمَا يُرِيدُ بِهِ جَمَاعَةَ الْقَوْمِ لِيَجْمَعَهُمْ لَمْ يَكُنْ بِهِ بَأْسٌ.

۳۳- محمد بن راشد گوید: هشام بن ابراهیم برای من نقل کرد که به امام رضا عليه السلام از بیماری خود و از این که دارای فرزند نمی شود، شکوه کرد. حضرتش به او امر فرمود که در خانه خود صدایش را به اذان بلند نماید. گوید: این کار را انجام دادم و خداوند بیماری را از بدنم بیرون برد و فرزندان بسیاری به من عنایت فرمود.

محمد بن راشد گوید: من نیز همیشه بیمار بودم، و هیچ گاه بیماری از من جدا نمی شد. همین طور عده ای از خدمتکارانم و خانواده ام پیوسته بیمار بودند. وقتی این خبر را از هشام شنیدم، خود بدان عمل کردم و خداوند بیماری را از من و خانواده ام برطرف ساخت.

۳۴- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر مؤدنی شهادتین و «حی علی الصلاة» و یا «حی علی الفلاح» را باز گوید و دو سه بار و بیشتر از آن تکرار کند، در صورتی که قصدش این باشد که مردم را جمع کند، اشکالی ندارد.

۳۵- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
أَذَّنَ فِي بَيْتِكَ، فَإِنَّهُ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ يُسْتَحَبُّ مِنْ أَجْلِ الصَّبِيَّانِ.

(۱۹)

بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ دُخُولِ الْمَسْجِدِ وَالْخُرُوجِ مِنْهُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدِ الرَّاشِدِيِّ عَنْ يُونُسَ عَنَّهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ:
الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْيُمْنَى إِذَا دَخَلْتَ وَ بِالْيُسْرَى إِذَا خَرَجْتَ.
۲- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ إِذَا خَرَجْتَ فَافْعَلْ ذَلِكَ.

۳۵- سلیمان جعفری (که از راویان امام کاظم و امام رضا علیهما السلام است) گوید: از امام علیهما السلام شنیدم که می فرمود:
در خانه خود اذان بگو؛ زیرا که اذان شیطان را می راند و به خاطر این که شیطان به کودکان ضرری نرساند، گفتن اذان در خانه مستحب و پسندیده است.

بخش نوزدهم

کلامی که باید به هنگام ورود و خروج در مسجد گفت

۱- یونس بن عبدالرحمان از ائمه علیهم السلام نقل کرده که حضرتش فرمود:
بهتر است به هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شوی و برای خارج شدن با پای چپ شروع کنی.
۲- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
هرگاه وارد مسجد شدی، بر پیامبر ﷺ صلوات بفرست، و به هنگام خروج نیز چنین کن.

۳- وَ عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ فَصَّالَةَ عَنْ أَبَانَ وَ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَا: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا قُفِّمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا ﷺ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي وَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَ دُنْبِي بِهِ مَغْفُوراً وَ دُعَائِي بِهِ مُسْتَجَاباً، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ».

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَاشِمِيِّ عَنِ أَبِي حَفْصِ الْعَطَّارِ شَيْخٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ الْمَكْتُوبَةَ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَلْيَقِفْ بِبَابِ الْمَسْجِدِ ثُمَّ لِيَقُلْ: «اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَ صَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَ انْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْأَلْكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ، وَ اجْتِنَابِ سَخَطِكَ، وَ الْكَفَافِ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ».

۳- ابان و معاوية بن وهب گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که به نماز برخاستی بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا ﷺ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي وَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَ دُنْبِي بِهِ مَغْفُوراً وَ دُعَائِي بِهِ مُسْتَجَاباً، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ».

۴- ابو حفص عطّار - پیرمردی از اهل مدینه - گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما نماز واجب می خواند و از مسجد خارج می شود، خوب است بر در مسجد بایستد و بگوید: «اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَ صَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَ انْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْأَلْكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ، وَ اجْتِنَابِ سَخَطِكَ، وَ الْكَفَافِ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ».

(۲۰)

بَابُ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ وَالْحَدِّ فِي التَّكْبِيرِ وَمَا يُقَالُ عِنْدَ ذَلِكَ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

تَرْفَعُ يَدَيْكَ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ قُبَالَةَ وَجْهِكَ وَلَا تَرْفَعُهُمَا كُلَّ ذَلِكَ.

۲- وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَكَبَّرْتَ، فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَلَا تُجَاوِزْ بِكَفَيْكَ أُذُنَيْكَ. أَيْ: حِيَالَ حَدِّكَ.

۳- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: أَدْنَى مَا يُجْزَى مِنَ التَّكْبِيرِ فِي التَّوَجُّهِ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ، وَثَلَاثُ تَكْبِيرَاتٍ أَحْسَنُ وَسَبْعٌ أَفْضَلُ.

بخش بیستم**آغاز نماز، حدّ تکبیر و آن چه که به هنگام تکبیر گفته می شود**

۱- زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

هنگام شروع نماز، دست‌های خود را تارو به روی چهره خود بالا ببر و آنها را از برابر رویت بالاتر مبر.

۲- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه به نماز ایستادی و تکبیر گفتی، دست‌هایت را بالا ببر و دو کف دست خود را از گوش‌هایت - یعنی از گونه‌هایت - بالاتر مبر.

۳- زراره گوید: حضرتش فرمود یک تکبیر برای شروع نماز کافی است و سه تکبیر

نیکوتر و هفت تکبیر بهتر است.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْزَأْتِكَ تَكْبِيرَةً وَاحِدَةً، لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَ الضَّعِيفَ وَ الْكَبِيرَ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

التَّكْبِيرُ فِي صَلَاةِ الْفَرَضِ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ خَمْسٌ وَ تِسْعُونَ تَكْبِيرَةً مِنْهَا تَكْبِيرَاتُ الْقُنُوتِ خَمْسَةٌ.

۶- وَ رَوَاهُ أَيْضًا عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ:

وَ فَسَّرَهُنَّ فِي الظُّهْرِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي العَصْرِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي المَغْرَبِ سِتَّ عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي العِشَاءِ الْآخِرَةِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي الفَجْرِ إِحْدَى عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، وَ خَمْسَ تَكْبِيرَاتِ الْقُنُوتِ فِي خَمْسِ صَلَوَاتٍ.

۴- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه امام جماعت بودی یک تکبیر برای نمازت کافی است؛ زیرا کسانی با تو نماز می خوانند کار دارند، و ضعیف و ناتوان و پیر هستند.

۵- معاویة به عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

تکبیر در نماز واجب - نمازهای پنج گانه روزانه - نود و پنج تکبیر است که پنج تکبیر از آنها تکبیرهای قنوت های پنج گانه است.

۶- در روایت دیگری از عبدالله بن مغیره این گونه نقل شده است که حضرتش تکبیرها

را چنین تفسیر کرده است:

در نماز ظهر، بیست و یک تکبیر، در نماز عصر بیست و یک تکبیر، در نماز مغرب

شانزده تکبیر، در نماز عشا بیست و یک تکبیر، و در نماز صبح یازده تکبیر، و پنج تکبیر در

قنوت نمازهای پنج گانه.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ كَفَيْكَ، ثُمَّ ابْسُطْهُمَا بَسْطًا، ثُمَّ كَبِّرْ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ
 قُلْ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
 الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

ثُمَّ تَكَبَّرْ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ قُلْ: «لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَ
 الْمُهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَ حَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّ
 الْبَيْتِ».

ثُمَّ تَكَبَّرْ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ تَقُولُ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ
 وَ الشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».
 ثُمَّ تَعُودُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ.

۷- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چون نماز را شروع کردی، دستان خود را بالا ببر، سپس کف دستان خود را به طور کامل
 باز کن و سه بار تکبیر بگو و بعد این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

آن گاه دو تکبیر بگو، سپس بخوان: «لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَ
 الْمُهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَ حَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّ الْبَيْتِ».

سپس دو بار تکبیر بگو، آن گاه بگو: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ
 الشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا
 شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

سپس از شیطان رانده شده پناه ببر و سوره فاتحه را بخوان.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَوْمًا: يَا حَمَادُ! تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ؟
 قَالَ: فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! أَنَا أَحْفَظُ كِتَابَ حَرِيْزٍ فِي الصَّلَاةِ.
 فَقَالَ: لَا عَلَيْكَ يَا حَمَادُ! قُمْ فَصَلِّ.
 قَالَ: فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ فَاسْتَفْتَحْتُ الصَّلَاةَ فَرَكَعْتُ وَ سَجَدْتُ.

فَقَالَ: يَا حَمَادُ! لَا تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ مَا أَفْبَحَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ يَأْتِي عَلَيْهِ سِتُّونَ سَنَةً، أَوْ سَبْعُونَ سَنَةً فَلَا يُعِيْمُ صَلَاةً وَاحِدَةً بِحُدُودِهَا تَامَةً.
 قَالَ حَمَادُ: فَأَصَابَنِي فِي نَفْسِي الذُّلُّ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَعَلَّمَنِي الصَّلَاةَ.

۸- حماد بن عیسی گوید: روزی امام صادق عليه السلام به من فرمود: ای حماد! نماز را خوب بلدی؟

گفتم: ای سرورم! من کتاب حریر را که در باره نماز است، حفظ نموده‌ام.
 امام عليه السلام فرمود: اشکالی ندارد، ای حماد! برخیز و نماز بخوان.
 حماد گوید: من در برابر آن حضرت برخاستم و رو به قبله نمودم و آغاز به نماز کردم و رکوع و سجود به جای آوردم.
 پس از این که آن حضرت نماز مرا ملاحظه کرد، فرمود: ای حماد! تو نماز خوب نخواندی، چقدر زشت است برای شیعه‌ای شصت - یا هفتاد - سال از عمر او بگذرد و یک نماز را با رعایت همه حدود آن به جا نیاورده باشد.
 حماد گوید: از این سخن امام، احساس شرمندگی کردم و گفتم: فدایت گردم! نماز را به من بیاموز.

فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ مُتَّصِبًا، فَأَرْسَلَ يَدَيْهِ جَمِيعًا عَلَى فِخْذَيْهِ
 قَدْ ضَمَّ أَصَابِعَهُ وَقَرَّبَ بَيْنَ قَدَمَيْهِ حَتَّى كَانَ بَيْنَهُمَا قَدْرُ ثَلَاثِ أَصَابِعٍ مُنْفَرَجَاتٍ وَ
 اسْتَقْبَلَ بِأَصَابِعِ رِجْلَيْهِ جَمِيعًا الْقِبْلَةَ لَمْ يُحَرِّفْهُمَا عَنِ الْقِبْلَةِ وَقَالَ بِخُشُوعٍ: «اللَّهُ
 أَكْبَرُ» ثُمَّ قَرَأَ الْحَمْدَ بِتَرْتِيلٍ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

ثُمَّ صَبَرَ هُنَيْئَةً بِقَدْرِ مَا يَنْتَفُسُ، وَهُوَ قَائِمٌ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ وَقَالَ: «اللَّهُ
 أَكْبَرُ» وَهُوَ قَائِمٌ ثُمَّ رَكَعَ وَمَلَأَ كَفَّيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ مُنْفَرَجَاتٍ وَرَدَّ رُكْبَتَيْهِ إِلَى خَلْفِهِ
 حَتَّى اسْتَوَى ظَهْرُهُ حَتَّى لَوْ صَبَّ عَلَيْهِ قَطْرَةٌ مِنْ مَاءٍ أَوْ دُهْنٍ لَمْ تَزُلْ لِاسْتِوَاءِ ظَهْرِهِ
 وَمَدَّ عُنُقَهُ وَغَمَضَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ سَبَّحَ ثَلَاثًا بِتَرْتِيلٍ. فَقَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ
 بِحَمْدِهِ».

امام صادق عليه السلام برخاست و رو به قبله ایستاد و قامت خود را راست گرفت و دست‌های
 خود را به طور کامل بینداخت تا بر ران‌هایش قرار گرفت، و بعد انگشتان دست را به هم
 چسبانید، و دو پای خود را نزدیک به هم گذاشت، تا به اندازه سه انگشت باز میان دو پا
 فاصله ماند. آن گاه انگشتان پای را به طور کامل متوجه قبله ساخت و پای را از قبله به چپ
 و راست منحرف نکرد و با حال خشوع گفت: «اللَّهُ اكْبَرُ» سپس سوره حمد را به ترتیل
 قرائت فرمود، و به همین ترتیب سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را خواند.

سپس به اندازه یک نفس کشیدن صبر کرد و در حالی که ایستاده بود، دست‌های خود را
 تا رو به روی صورت بلند کرد و گفت: «اللَّهُ اكْبَرُ»، و همچنان ایستاده بود. سپس به رکوع
 رفت و دست‌ها را چنان بر زانوان گذاشت که گودی دو کف دست را برجستگی زانوها پر
 کرد، و انگشتانش گشوده بود، و زانوان را با فشاری به عقب زد تا پشت مبارکش صاف و
 مسطح شد، چنان که اگر قطره‌ای آب، یا روغنی بر پشت آن حضرت می‌ریختند، از جای
 خود حرکت نمی‌کرد.

حضرتش گردنش را کشید و چشمانش را بست. سپس سه بار با ترتیل و آرامی و شمرده
 تسبیح فرمود و گفت: «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ».

ثُمَّ اسْتَوَى قَائِمًا فَلَمَّا اسْتَمَكَنَ مِنَ الْقِيَامِ قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». ثُمَّ كَبَّرَ وَهُوَ قَائِمٌ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ ثُمَّ سَجَدَ وَبَسَطَ كَفَّيْهِ مَضْمُومَتَيْ الْأَصَابِعِ بَيْنَ يَدَيْ رُكْبَتَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ. فَقَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

وَ لَمْ يَضَعْ شَيْئًا مِنْ جَسَدِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ وَ سَجَدَ عَلَى تَمَانِيَةِ أَعْظَمِ الْكَفَّيْنِ وَ الرُّكْبَتَيْنِ وَ أَنْامِلِ إِبْهَامِي الرَّجْلَيْنِ وَ الْجَبْهَةِ وَ الْأَنْفِ وَ قَالَ: سَبْعَةٌ مِنْهَا فَرَضُ يُسَجَدُ عَلَيْهَا وَ هِيَ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ.

فَقَالَ: ﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ وَ هِيَ الْجَبْهَةُ وَ الْكَفَّانِ وَ الرُّكْبَتَانِ وَ الإِبْهَامَانِ وَ وَضِعُ الْأَنْفِ عَلَى الْأَرْضِ سُنَّةٌ.

و بعد حضرتش راست ایستاد، و چون به طور کامل به حالت ایستاده و مستقیم قرار گرفت، فرمود: «سمع الله لمن حمده».

آن گاه در حالی که ایستاده بود، دست‌های خود را تا نزدیک صورت خویش بلند کرد و همزمان با این حرکت، فرمود: «الله اکبر».

و بعد به سجده رفت و دو کف دست خود را در حالی که انگشتانش به هم چسبیده بود، مقابل زانوان، نزدیک صورت خویش بلند کرد و سه بار فرمود: «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و سجده را چنان به جا آورد که هیچ عضوی از اعضای خود را بر عضو دیگری تکیه نداد و هنگام سجده هشت موضع را بر زمین نهاده بود: دو کف دست، دو زانو، دو شست پا، پیشانی و بینی، و فرمود: هفت موضع از این اعضا، واجب است که با آنها سجده شود و این اعضا همان است که خدا در کتاب خود ذکر کرده و فرموده: «و به راستی سجده گاه از آن خداوند است. پس هرگز با وجود خدا کسی را فرانخوانید». سجده گاه‌ها عبارتند از: پیشانی، دو کف دست، دو زانو، دو شست پا. و بینی بر خاک نهادن سنت است.

ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، فَلَمَّا اسْتَوَى جَالِسًا قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» ثُمَّ قَعَدَ عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْسَرِ وَقَدْ وَضَعَ ظَاهِرَ قَدَمِهِ الْأَيْمَنِ عَلَى بَطْنِ قَدَمِهِ الْأَيْسَرِ وَقَالَ: «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

ثُمَّ كَبَّرَ وَهُوَ جَالِسٌ وَ سَجَدَ السَّجْدَةَ الثَّانِيَةَ وَقَالَ كَمَا قَالَ فِي الْأُولَى، وَ لَمْ يَضَعُ شَيْئًا مِنْ بَدَنِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ فِي رُكُوعٍ وَلَا سُجُودٍ وَ كَانَ مُجَنَّبًا وَ لَمْ يَضَعْ ذِرَاعِيَهُ عَلَى الْأَرْضِ.

فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ عَلَى هَذَا وَ يَدَاهُ مَضْمُومَتَا الْأَصَابِعِ وَ هُوَ جَالِسٌ فِي التَّشَهُدِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ التَّشَهُدِ سَلَّمَ. فَقَالَ: يَا حَمَادُ! هَكَذَا صَلَّ.

سپس سر از سجده برداشت و وقتی نشست فرمود: «اللَّهُ اكْبَرُ».

آن گاه بران چپ خود نشست بدین شکل که پشت پای راستش را درون پای چپ -یا کف پای چپ- قرار داد، و در این حال فرمود: «استغفرالله ربی و أتوب إليه» و در همان حال که نشسته بود، فرمود: «اللَّهُ اكْبَرُ» و به سجده دوم رفت، و همان افعال و اقوالی را که در سجده های اول انجام داده بود به جای آورد و در رکوع و سجود هر عضوی از بدنش را بر عضوی دیگر نگذارد، بلکه به صورت بال و وار بود بازوان خود را از دو طرف شانه گشوده و بالاتر از زمین نگه داشته و بر زمین نگذاشته بود.

به این ترتیب آن حضرت دو رکعت نماز خواند و انگشتان دو دستش به هم چسبیده بود و در حال تشهد نیز نشسته بود، و چون از تشهد فارغ شد، سلام داد و بعد فرمود: ای حماد! این چنین نماز بخوان.

(۲۱)

بَابُ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ مَعَ السُّورَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ ابْتَدَأَ بِـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي صَلَاتِهِ وَحَدَهُ فِي أَمِّ الْكِتَابِ، فَلَمَّا صَارَ إِلَى غَيْرِ أَمِّ الْكِتَابِ مِنَ السُّورَةِ تَرَكَهَا. فَقَالَ الْعَبَّاسِيُّ: لَيْسَ بِذَلِكَ بَأْسٌ. فَكَتَبَ بِحَطِّهِ: يُعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ عَلَى رَعْمِ أَنْفِهِ. يَعْنِي الْعَبَّاسِيَّ.

بخش بیست و یکم

قِرَاءَتِ الْقُرْآنِ

۱ - معاویة بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: هرگاه برای نماز برخاستم، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را در سوره حمد بخوانم؟ فرمود: آری.

عرض کردم: چون حمد را خواندم، آیا با سوره نیز ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را بخوانم؟ فرمود: آری.

۲ - یحیی بن ابی عمران همدانی گوید: طی نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشتم: فدایت شوم! چه می‌فرمایید درباره کسی که در نماز خود، فقط در سوره حمد ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ می‌گوید و چون به سوره می‌رسد، آن را ترک می‌کند که عباسی ^(۱) در این باره گفته است که اشکالی ندارد.

حضرت با خط مبارک خویش نوشت: بر خلاف سخن او، «بسم‌الله» در هر دو مورد خوانده شود.

۱ - عباسی، همان هشام بن ابراهیم عباسی است که با امام رضا و امام جواد علیهما السلام مخالف بوده است.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُضَعَبٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
 أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، فَإِذَا قَرَأْتَ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فَلَا تُبَالِي أَلَّا تَسْتَعِيدَ، وَإِذَا قَرَأْتَ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ سَتَرْتَنكَ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقِرَاءَةُ فِي الصَّلَاةِ فِيهَا شَيْءٌ مُوقَّتٌ؟
 قَالَ: لَا، إِلَّا الْجُمُعَةَ تَقْرَأُ فِيهَا الْجُمُعَةَ وَالْمُنَافِقِينَ.

۵- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ فَقْرَأَ الْحَمْدَ وَفَرَّغَ مِنْ قِرَاءَتِهَا فَقُلْ أَنْتَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، وَلَا تَقُلْ: آمِينَ.

۳- فرات بن احنف گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

آغاز هر کتابی که از آسمان نازل شده ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است و چون «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را خواندی، اگر استعاذه نکنی اشکالی ندارد، و هرگاه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را خواندی، از آن چه در میان آسمانها و زمین است تو را حفظ می کند.

۴- محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا در قرائت نمازهای یومیه سوره های معینی باید خوانده شود؟

فرمود: نه، مگر در نماز جمعه که در این نماز، باید سوره جمعه و منافقین خوانده شود.

۵- جمیل گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه پشت سر امام جماعت نماز می خوانی، و امام، سوره حمد را می خواند و از قرائت آن فارغ می شود، بگو: «الحمد لله رب العالمين» و «آمین» نگو.

- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ وَابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُكْتَبُ مِنَ الْقِرَاءَةِ وَالِدُعَاءِ إِلَّا مَا أَسْمَعَ نَفْسَهُ.
- ۷- أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ حَسَنِ الصَّقِيلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُجْزِي عَنِّي أَنْ أَقْرَأَ فِي الْفَرِيضَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَحَدَّهَا إِذَا كُنْتُ مُسْتَعْجِلًا، أَوْ أُعْجَلَنِي شَيْءٌ. فَقَالَ: لَا بَأْسَ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: صَلَّى بِنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ، فَقَرَأَ بِالْمَعْوِذَتَيْنِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۶- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

از قرائت و دعا هیچ چیز به حساب شخص نگاشته نمی شود مگر آن چه که خود آن را بشنود.

۷- حسن صیقیل گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا کافی است که در نماز واجب در صورتی که عجله دارم یا کاری فوری برایم پیش آمده، فقط سوره حمد را بخوانم؟ فرمود: اشکالی ندارد.

۸- صفوان جمّال گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز مغرب را با جماعت بر ما اقامه نمود و در دو رکعت (اول و دوم) معوذتین (یعنی سوره فلق و ناس) را خواند.

۹- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

يَجُوزُ لِلْمَرِيضِ أَنْ يَقْرَأَ فِي الْفَرِيضَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَحَدَهَا، وَ يَجُوزُ لِلصَّحِيحِ فِي قِصَاءِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّمَا يُكْرَهُ أَنْ يُجْمَعَ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ فِي الْفَرِيضَةِ، فَأَمَّا النَّافِلَةُ فَلَا بَأْسَ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بِإِسْنَادٍ لَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

يُكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فِي نَفْسٍ وَاحِدٍ.

۱۲- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ

سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا تَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِأَقَلِّ مِنْ سُورَةٍ وَلَا بِأَكْثَرِ.

۱۳- أَبُو دَاوُدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: سَمِعْتُ

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

بیمار می تواند در نماز واجب، فقط سوره حمد را بخواند، و برای غیر بیمار نیز جایز

است که در قضاى نمازهای نافله شبانه روز خود فقط سوره حمد را بخواند.

۱۰- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مکروه است که در نماز واجب، دو سوره با هم خوانده شود، اما در نماز نافله اشکالی

ندارد.

۱۱- محمد بن یحیی با اسناد خود گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مکروه است که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ به یک نفس در نماز خوانده شود.

۱۲- منصور بن حازم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در نماز واجب از یک سوره کمتر و یا بیشتر مخوان.

۱۳- صفوان جمّال گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

صَلَاةَ الْأَوَابِينَ الْخَمْسُونَ كُلَّهَا بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَأَنَا حَاضِرٌ - كَمْ يُقْرَأُ فِي الزَّوَالِ؟
فَقَالَ: ثَمَانِينَ آيَةً.

فَخَرَجَ الرَّجُلُ فَقَالَ: يَا أَبَا هَارُونَ! هَلْ رَأَيْتَ شَيْخًا أَعْجَبَ مِنْ هَذَا الَّذِي سَأَلَنِي عَنْ شَيْءٍ فَأَخْبَرْتُهُ وَ لَمْ يَسْأَلْنِي عَنْ تَفْسِيرِهِ؛ هَذَا الَّذِي يَزْعُمُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنَّهُ عَاقِلُهُمْ يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّ الْحَمْدَ سَبْعُ آيَاتٍ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثَلَاثُ آيَاتٍ، فَهَذِهِ عَشْرُ آيَاتٍ وَ الزَّوَالُ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ، فَهَذِهِ ثَمَانُونَ آيَةً.

۱۵ - عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ يُقْرَأُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ وَ تَوْبِهِ عَلَى فِيهِ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا أَسْمَعَ أُذُنِيهِ الْهَمَّهُمَةَ.

نماز توابین (توبه کنندگان) پنجاه رکعت است که همه آن‌ها با «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خوانده می‌شود.

۱۴ - ابوهارون مکفوف گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که شخصی از حضرتش پرسید: در نافله ظهر چند آیه باید خواند؟
فرمود: هشتاد آیه.

مرد بیرون رفت. امام عليه السلام فرمود: ای ابا هارون! آیا پیر مردی عجیبتر از این شخص دیده‌ای؟ چیزی از من پرسید و به او پاسخ دادم، اما تفسیر آن را از من نپرسید! مردم عراق گمان می‌کنند که او عاقلترین آن‌هاست.

ای ابا هارون! به راستی که سوره حمد هفت آیه و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» سه آیه است که در مجموع ده آیه می‌شوند، و نافله ظهر هشت رکعت است. پس این هشتاد آیه شد.

۱۵ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا کسی می‌تواند در حالی که لباسش روی دهانش را گرفته، نماز گزارد؟

فرمود: اشکالی ندارد، در صورتی که گوش‌هایش، صدایش را بشنوند.

- ۱۶- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُجْزِئُكَ مِنَ الْقِرَاءَةِ مَعَهُمْ مِثْلَ حَدِيثِ النَّفْسِ.
- ۱۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَلْبِيَةُ الْأَخْرَسِ وَ تَشْهُدُهُ وَ قِرَاءَتُهُ لِلْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ تَحْرِيكُ لِسَانِهِ وَ إِشَارَتُهُ بِأَصْبَعِهِ.
- ۱۸- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَنْسَى حَرْفًا مِنَ الْقُرْآنِ فَيَذْكُرُهُ وَ هُوَ رَاكِعٌ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَقْرَأَ فِي الرَّكْعَةِ؟ قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ إِذَا سَجَدَ فَلْيَقْرَأْ.

۱۶- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگام نماز خواندن با آن‌ها (سنی‌ها) صدایت برای قرائت، به همان اندازه‌ای که خودت می‌شنوی، کافی است.

۱۷- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَبَّيْكَ گفتن شخص گنگ و لال، تشهد و قرآن خواندن او در نماز، حرکت دادن زبان و اشاره با انگشتان اوست.

۱۸- عمار بن موسی گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که حرفی از قرآن را (در قرائت

نماز) فراموش می‌کند و در حال رکوع به یادش می‌آید، در این که آیا برای او جایز است که در رکوع آن را بخواند یا نه؟ فرمود:

نه، ولی چون سجده رفت، آن را بخواند.

۱۹ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ وِسِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّكَ كَتَبْتَ إِلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ تُعَلِّمُهُ أَنَّ أَفْضَلَ مَا تَقْرَأُ فِي الْفَرَائِضِ بِـ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَإِنَّ صَدْرِي لَيَضِيقُ بِقِرَاءَتَيْهِمَا فِي الْفَجْرِ.

فَقَالَ عليه السلام: لَا يَضِيقَنَّ صَدْرُكَ بِهِمَا، فَإِنَّ الْفَضْلَ - وَاللَّهِ - فِيهِمَا.

۲۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيَّامًا فَكَانَ إِذَا كَانَتْ صَلَاةٌ لَا يُجْهَرُ فِيهَا جَهْرًا بِـ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ وَ كَانَ يُجْهَرُ فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعًا.

۲۱ - وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا﴾.

قَالَ: الْمُخَافَتَةُ مَا دُونَ سَمْعِكَ، وَ الْجَهْرُ أَنْ تَرْفَعَ صَوْتَكَ شَدِيدًا.

۱۹ - ابو علی بن راشد گوید: به امام علی علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! شما به محمد بن فرج نوشته‌اید و به او تعلیم داده‌اید که بهترین سوره‌ای که در نمازهای واجب خوانده می‌شود، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ است و سینه من به هنگام خواندن این دو سوره در نماز صبح تنگ می‌شود.

فرمود: سینه تو برای خواندن این دو سوره تنگ نشود، زیرا به خدا سوگند که فضیلت در این دو سوره است.

۲۰ - صفوان جمّال گوید: مدّتی به امام صادق علیه السلام نماز گزاردم. حضرتش در نمازهایی که قرائت در آنها آهسته است، در هر دو سوره ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را بلند می‌خواند.

۲۱ - سماعه گوید: از امام علیه السلام درباره فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید: «صدای خود را به نماز بلند نکن و آهسته هم نخوان» پرسیدم.

فرمود: آهسته آن است که خود نیز نشنوی، و بلند خواندن آن است که آواز خود را سخت بلند کنی.

۲۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي مُعَاذُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

لَا تَدْعُ أَنْ تَقْرَأَ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ: فِي الرُّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَ رَكْعَتِي الزَّوَالِ، وَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَ رَكْعَتَيْنِ مِنْ أَوَّلِ صَلَاةِ اللَّيْلِ، وَ رَكْعَتِي الْإِحْرَامِ، وَ الْفَجْرِ إِذَا أَصْبَحْتَ بِهَا، وَ رَكْعَتِي الطَّوَافِ. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: أَنَّهُ يُبَدَأُ فِي هَذَا كَلِمَةٍ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِـ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ إِلَّا فِي الرُّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، فَإِنَّهُ يُبَدَأُ بِـ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ ثُمَّ يُقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

۲۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَوْمَ الْقَوْمِ فَيَغْلُطُ. قَالَ: يَفْتَحُ عَلَيْهِ مَنْ خَلْفَهُ.

۲۲ - معاذ بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در هفت موضع، خواندن ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را ترک مکن: در دو رکعت نافله صبح، دو رکعت نافله ظهر، دو رکعت نافله مغرب، دو رکعت اول نماز شب، دو رکعت احرام، دو رکعت نافله نماز صبح - اگر فجر را با آن دو آغاز کنی - و دو رکعت طواف. و در روایت دیگری آمده: تمام نمازهای مذکور با ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ آغاز شود و در رکعت دوم ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ خوانده شود، مگر در دو رکعت نافله صبح که با ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ آغاز گردد، سپس در رکعت دوم، ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ خواند شود.

۲۳ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: کسی که بر گروهی امامت می‌کند و راه قرائت بر او بسته می‌شود (یعنی فراموش می‌کند یا به غلط می‌افتد چه وظیفه‌ای دارد؟).

فرمود: کسی که پشت سر اوست، باید راه را بر او بگشاید (یعنی به یاد او بیاورد و یا غلط او را اصلاح کند).

- ۲۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي مَوْضِعٍ ثُمَّ يُرِيدُ أَنْ يَتَقَدَّمَ. قَالَ: يَكُفُّ عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي مَشْيِهِ حَتَّى يَتَقَدَّمَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُرِيدُ ثُمَّ يَقْرَأُ.
- ۲۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَقُومُ فِي الصَّلَاةِ فَيُرِيدُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ فَيَقْرَأُ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾.
- فَقَالَ: يُرْجَعُ مِنْ كُلِّ سُورَةٍ إِلَّا مِنْ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ مِنْ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾.
- ۲۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ عَنْ صَابِرِ مَوْلَى بَسَّامٍ قَالَ: أَمَّا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الصَّلَاةِ الْمَغْرِبِ. فَقَرَأَ الْمُعَوَّذَتَيْنِ. ثُمَّ قَالَ: هُمَا مِنَ الْقُرْآنِ.

- ۲۴ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که در مکانی نماز می خواند و می خواهد در همان حال نماز، اندکی به جلو حرکت کند، فرمود:
باید در هنگام راه رفتن، از قرائت دست بکشد تا آنجا که می خواهد پیش برود، سپس قرائت را ادامه دهد.
- ۲۵ - عمرو بن ابی نصر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی به نماز می ایستد و می خواهد سوره ای بخواند، ولی (از روی اشتباه) سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را می خواند.
فرمود: از هر سوره ای که از روی اشتباه آن را شروع کرده، باید باز گردد، مگر سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾.
- ۲۶ - صابر گوید: نماز مغرب را به امامت امام صادق عليه السلام خواندیم، حضرتش دو سوره معوذتین (سوره فلق و ناس) را خواند، سپس فرمود:
این دو سوره از سوره های قرآنند^(۱).

۱ - این سخن در ابطال گفتار جماعتی از عامه است که این دو سوره را از قرآن نمی دانند.

۲۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ وَإِنْ كَثُرُوا؟
فَقَالَ: لِيُقْرَأَ قِرَاءَةً وَسَطًا، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا﴾.

۲۸ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فِي صَلَاتِهِ.
قَالَ: لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَبْدَأَ بِهَا فِي جَهْرٍ أَوْ إِخْفَاتٍ.
قُلْتُ: أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ إِذَا كَانَ خَائِفًا أَوْ مُسْتَعْجِلًا يَقْرَأُ بِسُورَةٍ أَوْ فَاتِحَةَ
الْكِتَابِ؟
قَالَ: فَاتِحَةَ الْكِتَابِ.

۲۷ - عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا بر امام جماعت لازم است که صدای قرائت خود را به گوش کسانی که پشت سر او هستند برساند، گرچه بسیار باشند؟

فرمود: باید قرائت را با صدای متوسط بخواند، زیرا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «نمازت را بلند بخوان، و بسیار آهسته نیز بخوان».

۲۸ - محمد بن مسلم گوید: از آن حضرت (امام باقر یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: کسی که در نماز خود سوره حمد را نمی‌خواند (چه حکمی دارد؟)
فرمود: نمازی برای او نیست، مگر این که در نمازهای جهری و یا اخفاتی نماز را با سوره حمد شروع کند.

عرض کردم: به نظر شما اگر از چیزی بترسد، یا عجله داشته باشد، بهتر است کدام یک را بخواند: حمد یا سوره‌ای دیگر را؟
فرمود: سوره حمد را بخواند.

(۲۲)

بَابُ عَزَائِمِ السُّجُودِ

- ۱ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَرَأْتَ شَيْئًا مِنَ الْعَزَائِمِ الَّتِي يُسَجَّدُ فِيهَا فَلَا تُكَبِّرُ قَبْلَ سُجُودِكَ، وَ لَكِنْ تُكَبِّرُ حِينَ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَ الْعَزَائِمُ أَرْبَعٌ: حَمِ السَّجْدَةِ، وَ تَنْزِيلِ، وَ النَّجْمِ، وَ «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ».
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ: إِذَا قُرِئَ شَيْءٌ مِنَ الْعَزَائِمِ الْأَرْبَعِ فَسَمِعْتَهَا فَاسْجُدْ، وَإِنْ كُنْتَ عَلَى غَيْرِ وَضُوءٍ، وَإِنْ كُنْتَ جُنْبًا، وَإِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ لَا تُصَلِّي، وَ سَائِرُ الْقُرْآنِ أَنْتَ فِيهِ بِالْخِيَارِ، إِنْ شِئْتَ سَجَدْتَ، وَإِنْ شِئْتَ لَمْ تَسْجُدْ.

بخش بیست و دوم**سوره‌هایی که دارای سجده واجب هستند**

- ۱ - عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه آیه‌ای را که سجده دارد، خواندی، پیش از سجده تکبیر نگو، ولی هنگامی که سر از سجده برداشتی، تکبیر بگو، و سوره‌هایی که آیه سجده دارند، چهار سوره هستند: حم سجده، تنزیل (الم سجده)، نجم و «اقرأ باسم ربك».
- ۲ - ابو بصیر گوید: امام عليه السلام فرمود: هرگاه آیه سجده داری از سوره‌های چهارگانه خوانده شود و آن را بشنوی، سجده کن گرچه وضو نداشته باشی، اگر چه جنب باشی و هم چنین است اگر زنی (به علت حیض یا نفاس) نماز نمی‌خواند، ولی آن آیه را بشنود، و در سوره‌های دیگر قرآن اختیار داری، اگر خواستی سجده کن و اگر نخواستی سجده نکن.

- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ سَمِعَ السَّجْدَةَ تُقْرَأُ. قَالَ: لَا يَسْجُدُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُنْصِتًا لِقِرَاءَتِهِ مُسْتَمِعًا لَهَا، أَوْ يُصَلِّيَ بِصَلَاتِهِ، فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ يُصَلِّيَ فِي نَاحِيَةٍ وَأَنْتَ تُصَلِّيَ فِي نَاحِيَةٍ أُخْرَى فَلَا تَسْجُدُ لِمَا سَمِعْتَ.
- ۴ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنْ صَلَّيْتَ مَعَ قَوْمٍ فَقَرَأَ الْإِمَامُ ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ أَوْ شَيْئًا مِنَ الْعَزَائِمِ وَفَرَّغَ مِنْ قِرَاءَتِهِ وَ لَمْ يَسْجُدْ فَأَوْمِ إِيمَاءً، وَ الْحَائِضُ تَسْجُدُ إِذَا سَمِعَتْ السَّجْدَةَ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَقْرَأُ بِالسَّجْدَةِ فِي آخِرِ السُّورَةِ. قَالَ: يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثُمَّ يَرْكَعُ وَ يَسْجُدُ.

۳ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که آیه سجده را می شنود، پرسیدم.

فرمود: سجده لازم نیست، مگر این که در حال سکوت قرائت قاری را بشنود، یا این که با او (به جماعت) نماز می گزارد، اما اگر قاری در گوشه ای نماز می خواند و تو در گوشه ای دیگر، برای آن چه که شنیده ای، سجده لازم نیست.

۴ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر با گروهی نماز گزاردی و امام جماعت ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ یا آیه ای از سوره های سجده دار را خواند و از قرائت خود فارغ شد و سجده نکرد، پس تو با اشاره سجده کن، و زن حائض نیز هرگاه آیه سجده را بشنود، باید سجده کند.

۵ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که آیه سجده را در آخر سوره می خواند، سؤال شد.

فرمود: به سجده می رود، سپس بر می خیزد و حمد را می خواند و پس از آن به رکوع می رود و سجده می کند.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: لَا تَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِشَيْءٍ مِنَ الْعَزَائِمِ، فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ.

(۲۳)

بَابُ الْقِرَاءَةِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ وَ التَّسْبِيحِ فِيهِمَا

۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ .
فَقَالَ: الْإِمَامُ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ مَنْ خَلْفَهُ يُسَبِّحُ، فَإِذَا كُنْتَ وَ حُدَّكَ فَاقْرَأْ فِيهِمَا، وَ إِنْ شِئْتَ فَسَبِّحْ.

۶- زراره از امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) روایت کرده که حضرتش فرمود:
در نمازهای واجب، هیچ یک از سوره‌هایی را که سجده دارند، مخوان؛ زیرا که سجده در نمازهای واجب باعث زیاد شدن (ارکان نماز) می‌شود.

بخش بیست و سوم

قرائت و تسبیح در دو رکعت آخر

۱- معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد قرائت پشت سر امام جماعت در دو رکعت آخر پرسیدم.

فرمود: باید امام جماعت سوره حمد را بخواند و کسی که پشت سر اوست، تسبیح بگوید، اما اگر تنها و فرادا نماز بخوانی، در آن دو رکعت حمد را بخوان و اگر خواستی تسبیح بگو.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا يُجْزَى مِنَ الْقَوْلِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ. قَالَ: أَنْ تَقُولَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» وَ تُكَبِّرُ وَ تَرْكَعُ.

(۲۴)

بَابُ الرُّكُوعِ وَ مَا يُقَالُ فِيهِ مِنَ التَّسْبِيحِ وَ الدُّعَاءِ فِيهِ وَ إِذَا رَفَعَ الرَّأْسَ مِنْهُ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرْكَعَ فَقُلْ وَ أَنْتَ مُنْتَصِبٌ: «اللَّهُ أَكْبَرُ».

۲- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: در دو رکعت آخر چه ذکر کفایت می‌کند؟ فرمود: این که بگویی: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»، سپس تکبیر می‌گویی و به رکوع می‌روی.

بخش بیست و چهارم

رکوع و تسبیح و دعای رکوع و ذکر پس از آن

۱- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

چون خواستی به رکوع بروی، در حالی که راست ایستاده‌ای بگو: «الله اكبر».

ثُمَّ ارْكَعْ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي حَشَعُ لَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصْرِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مُخِّي وَ عِظَامِي وَ عَصْبِي وَ مَا أَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ». ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي تَرْتِيلٍ .

وَ تَصَفُّ فِي رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ تَجْعَلُ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرٍ وَ تُمَكِّنُ رَاحَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ وَ تَضَعُ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَى رُكْبَتِكَ الْيُمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى وَ بَلِّغْ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ وَ فَرِّجْ أَصَابِعَكَ إِذَا وَضَعْتَهَا عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَ أَقِمْ صُلْبَكَ وَ مَدِّ عُنُقَكَ، وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ.

ثُمَّ قُلْ: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمَدَهُ». وَ أَنْتَ مُنْتَصِبٌ قَائِمٌ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَهْلَ الْجَبْرُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تَجَهَّرُ بِهَا صَوْتَكَ، ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ تَخْرُ سَاجِدًا.

سپس به رکوع برو و بگو: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي حَشَعُ لَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصْرِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مُخِّي وَ عِظَامِي وَ عَصْبِي وَ مَا أَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» .

سپس سه مرتبه شمرده و با تأمل می‌گویی: «سبحان ربی العظیم و بحمده» . و میان دو قدم خود را در رکوع برابر کن و فاصله میان آنها را به اندازه یک و جب قرار ده و دو کف خود را بر زانوان خویش بگذار و دست راست پیش از دست چپ بر آن بگذار و اطراف انگشتان خود را به اطراف زانو برسان، و چون انگشتان خود را بر زانوان خود گذاری، آنها را باز کن و پشت خود را راست گردان و گردن خویش را بکش و باید نگاه و نظر تو در میان دو قدم تو باشد. سپس (در حالی که از رکوع بر می‌خیزی) بگو: «سمع الله لمن حمده» در حالی که راست ایستاده‌ای (می‌گویی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَهْلَ الْجَبْرُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» که صدای خود را به هنگام گفتن آن، بلند می‌کنی، سپس دست‌های خود را به تکبیر بلند می‌نمایی و به سجده می‌افتی.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: مَا يَقُولُ الرَّجُلُ خَلْفَ الْإِمَامِ إِذَا قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»؟

قَالَ: يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، وَ يَخْفِضُ مِنْ صَوْتِهِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرْكَعَ وَ تَسْجُدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ كَبِّرْ ثُمَّ ارْكَعْ وَ اسْجُدْ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ لَمْ يُقِمْ صَلْبَهُ فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.

۲ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: وقتی امام جماعت می گوید: «سمع

اللّٰهُ لمن حمده» مأمون باید چه بگوید؟

فرمود: آهسته می گوید: «الحمد لله رب العالمين».

۳ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستی به رکوع بروی و سجده کنی، دست های خود را بلند کن و تکبیر بگو،

سپس رکوع و سجده کن.

۴ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: هرکس در نماز پشت خود را راست نکند، او را

نماز کاملی نیست.

- ۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ:
رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَرْكَعُ رُكُوعًا أَخْفَضَ مِنْ رُكُوعِ كُلِّ مَنْ رَأَيْتُهُ يَرْكَعُ، وَكَانَ إِذَا رَكَعَ جَنَحَ بِيَدَيْهِ.
- ۶- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ رَجُلٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرَّكُوعِ فَأَقِمَّ صُلْبَكَ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُقِيمُ صُلْبَهُ.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ عَنِ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي مَنْزِلِهِ بِالْمَدِينَةِ. فَقَالَ مُبْتَدئًا:
مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَحُشَّةٌ فِي الْقَبْرِ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ هِشَامٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يُجْزئُ عَنِّي أَنْ أَقُولَ مَكَانَ التَّسْبِيحِ فِي الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»؟
قَالَ: نَعَمْ.

۵- اسماعیل بن بزیع گوید:

ابا الحسن عليه السلام را دیدم که در رکوع از همه بیشتر خم می شد و عادت آن حضرت بود که هرگاه به رکوع می رفت، بر دو کف دست خود تکیه می کرد.

۶- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون سر را از رکوع برداشتی، پشت خود را راست گردان؛ زیرا کسی که در این حال پشت خود را راست نکند، او را نمازی نیست.

۷- سعید بن جناح گوید: در مدینه در خانه امام باقر عليه السلام در خدمت آن حضرت بودم که ابتداءً فرمود:

کسی که رکوع خود را کامل کند، در قبر وحشت و ترس بر او وارد نشود.

۸- هشام گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا کفایت می کند که در رکوع و سجود به جای تسبیح «لا اله الا الله و الله اكبر» بگویم؟
فرمود: آری.

۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُمَيْرٍ قَالَ:
رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ، وَأَنَا أَصْلِي وَأَنْكُسُ بِرَأْسِي وَأَتَمَدَّدُ فِي
رُكُوعِي.
فَأُرْسَلُ إِلَيْي: لَا تَفْعَلْ.

(۲۵)

بَابُ السُّجُودِ وَالتَّسْبِيحِ وَالدُّعَاءِ فِيهِ فِي الْفَرَائِضِ وَ النَّوَافِلِ وَ مَا يُقَالُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا سَجَدْتَ فَكَبِّرْ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ
رَبِّي سَجَدَ وَ جِهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ
الْخَالِقِينَ».

۹ - علی بن عقبه گوید: امام کاظم عليه السلام مرا در مدینه دید که نماز می گزارم و سر خود را
زیر می افکنم و در رکوع خود را می کشیدم.
آن حضرت برای من پیغام فرستاد که چنین مکن.

بخش بیست و پنجم

سجده، تسبیح، دعای سجده نمازهای واجب و مستحب و آن چه میان دو سجده گفته می شود

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هرگاه سجده کردی، تکبیر بگو و این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ
وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَ جِهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ
اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

ثُمَّ قُلْ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ»، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.
 فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَقُلْ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْزِنِي وَادْفَعْ
 عَنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ».
 ۲ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ
 عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَفْصِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 كَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَجَدَ يَتَخَوَّى كَمَا يَتَخَوَّى الْبَعِيرُ الضَّامِرُ. يَعْنِي بُرُوكَهُ.
 ۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 إِسْمَاعِيلَ قَالَ:
 رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَجَدَ يُحْرِكُ ثَلَاثَ أَصَابِعٍ مِنْ أَصَابِعِهِ وَاحِدَةً بَعْدَ
 وَاحِدَةٍ تَحْرِيكًا خَفِيفًا كَأَنَّهُ يَعُدُّ التَّسْبِيحَ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ.

سپس سه بار بگو: «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و چون سر را از سجده برداشتی بگو:
 «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْزِنِي وَادْفَعْ عَنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ».

۲ - حفص اعور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
 حضرت علی صلوات الله علیه را رسم چنان بود که چون سجده می کرد، اعضای خود را از
 یکدیگر دور می داشت، همچنان که شتر لاغر به هنگام خوابیدن چنین می کند.
 ۳ - محمد بن اسماعیل گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که هرگاه به سجده می رفت، سه
 انگشت از انگشتان خویش را یکی پس از دیگری، آهسته تکان می داد، گویی تسبیح را
 می شمرد، سپس سر از سجده برمی داشت.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
 مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ:
 سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي
 حَسَنَاتٍ، وَ حَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً».

ثُمَّ قَالَ فِي الثَّانِيَةِ: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا كَفَيْتَنِي مَوْوَنَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ
 الْجَنَّةِ».

وَ قَالَ فِي الثَّلَاثَةِ: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْقَلِيلَ وَ
 قَبِلْتَ مِنِّي عَمَلِي الْيَسِيرَ».

ثُمَّ قَالَ فِي الرَّابِعَةِ: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِهَا
 وَ لَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفْعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

۴ - ابو عبیده حذاء گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که در سجده (نخست) می فرمود:
 «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ، وَ حَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً».

سپس در سجده دوم می فرمود: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا كَفَيْتَنِي مَوْوَنَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ
 دُونَ الْجَنَّةِ».

آن‌گاه در سجده سوم می فرمود: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ
 الْقَلِيلَ وَ قَبِلْتَ مِنِّي عَمَلِي الْيَسِيرَ».

سپس در سجده چهارم می فرمود: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ وَ جَعَلْتَنِي مِنْ
 سُكَّانِهَا وَ لَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفْعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

- ۵ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَذْكُرُ النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ إِمَّا رَاكِعًا وَإِمَّا سَاجِدًا، فَيُصَلِّي عَلَيْهِ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟
- فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ كَهَيْئَةِ التَّكْبِيرِ وَالتَّسْبِيحِ وَهِيَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ يَبْتَدِرُهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مَلَكًا أَيُّهُمْ يُبَلِّغُهَا إِلَيْهَا.
- ۶ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سِيَابَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَدْعُو وَأَنَا سَاجِدٌ؟
- فَقَالَ: نَعَمْ، فَادْعُ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ رَبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

- ۵ - عبدالله بن سلیمان گوید: از امام صادق ع پرسیدم: کسی که در نماز واجب، پیامبر ﷺ را یاد می‌کند و در حالی که در رکوع و یا سجده است، بر آن حضرت صلوات می‌فرستد که آیا چنین کاری جایز است؟
- فرمود: آری، همانا صلوات بر پیامبر خدا ﷺ مانند تکبیر تسبیح است و آن ده حسنه دارد و هجده فرشته بر یکدیگر پیشی می‌گیرند تا آن صلوات را نزد پیامبر ﷺ برسانند.
- ۶ - عبدالرحمان بن سیابه گوید: به امام صادق ع عرض کردم: آیا می‌توانم در حال سجده دعا بخوانم؟
- فرمود: آری، برای دنیا و جهان آخرت دعا کن؛ زیرا که خداوند، پروردگار دنیا و جهان آخرت است.
- ۷ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق ع فرمود:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا دَعَا رَبَّهُ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ إِذَا سَجَدْتَ؟

قُلْتُ: عَلَّمَنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا أَقُولُ.

قَالَ: قُلْ: «يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَيَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَيَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَيَا إِلَهَ الْإِلَهَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

ثُمَّ قُلْ: «فَإِنِّي عَبْدُكَ نَاصِيتِي فِي قَبْضَتِكَ».

ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ وَاسْأَلْهُ، فَإِنَّهُ جَوَادٌ وَلَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

صَلَّى بِنَا أَبُو بَصِيرٍ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ. فَقَالَ وَهُوَ سَاجِدٌ وَقَدْ كَانَتْ ضَلَّتْ نَافَةٌ لِحِمَالِهِمْ: اللَّهُمَّ رُدَّ عَلَيَّ فُلَانِ نَاقَتَهُ.

نزدیکترین حالات بنده به پروردگار، هنگامی است که در سجده باشد و پروردگار خویش را بخواند. تو در سجده چه می‌گویی؟

عرض کردم: فدایت شوم! مرا یاد دهید که چه بگویم.

فرمود: بگو: «يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَيَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَيَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَيَا إِلَهَ الْإِلَهَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و حاجت مراروا کن.

سپس بگو: «فَإِنِّي عَبْدُكَ نَاصِيتِي فِي قَبْضَتِكَ»

پس از آن برای هرچه می‌خواهی دعا کن و آن را از خداوند بخواه، زیرا که او بخشنده است و هیچ حاجتی را بزرگ نشمارد.

۸- محمد بن مسلم گوید: در راه مکه ابوبصیر در نماز بر ما امامت کرد. شتری از ساریان

گم شده بود. ابوبصیر در سجده نماز گفت: «بار خدایا! شتر فلانی را به او باز گردان».

قَالَ مُحَمَّدٌ: فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهُ.

قَالَ: وَفَعَل؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: وَفَعَل؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فَسَكَتَ.

قُلْتُ: فَأَعِيدُ الصَّلَاةَ؟

قَالَ: لَا.

۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ

قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

من خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف ياب شدم و جریان را باز گفتم.

فرمود: ابو بصیر چنین کرد؟!

گفتم: آری.

باز پرسید: و چنین کرد؟!

گفتم: آری.

آن حضرت ساکت شد، عرض کردم: آیا باید نماز را اعاده کنم؟

فرمود: نه.

۹- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

إِنِّي كُنْتُ أَمَّهْدُ لِأَبِي فِرَاشَهُ فَأَنْتَظِرُهُ حَتَّى يَأْتِي، فَإِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ وَنَامَ قُمْتُ إِلَى فِرَاشِي، وَإِنَّهُ أَبْطَأَ عَلَيَّ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَأَتَيْتُ الْمَسْجِدَ فِي طَلَبِهِ، وَذَلِكَ بَعْدَ مَا هَدَأَ النَّاسُ، فَإِذَا هُوَ فِي الْمَسْجِدِ سَاجِدٌ وَ لَيْسَ فِي الْمَسْجِدِ غَيْرُهُ، فَسَمِعْتُ حَيْنَهُ وَهُوَ يَقُولُ:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبَّ تَعَبُّدًا وَرَقًّا.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ وَتُبُّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

۱۰ - أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الرَّوَّاسِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ» يُرَدِّدُهَا.

بستر پدر بزرگوارم را می گسترانیدم و منتظر می شدم تا باز گردد، و چون آن حضرت باز می گشت و در بستر خود می آرمید، من نیز به بستر خویش می رفتم تا این که شبی آمدنش دیر شد. به دنبالش به سوی مسجد شتافتم و این در زمانی بود که همه مردم در منزل خود استراحت می کردند. آن حضرت را دیدم که در مسجد به سجده افتاده و جز او کسی در مسجد نبود و ناله اش را شنیدم در حالی که می گفت:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبَّ تَعَبُّدًا وَرَقًّا.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ وَتُبُّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

۱۰ - ابو جریر روای گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ» واین دعا را تکرار می فرمود:

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:
 شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَفَرَّقَ أَمْوَالُنَا وَ مَا دَخَلَ عَلَيْنَا .
 فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالِدُّعَاءِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ، فَإِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ.

قَالَ: قُلْتُ: فَأَدْعُو فِي الْفَرِيضَةِ وَ أَسْمِي حَاجَتِي؟
 فَقَالَ: نَعَمْ، قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَدَعَا عَلَى قَوْمٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ فَعَلَهُ عَلِيُّ عليه السلام بَعْدَهُ.
 ۱۲ - جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

۱۱ - عبدالله بن هلال گوید: به امام صادق عليه السلام از پراکنده شدن و از بین رفتن اموالمان و سختی و شدتی که بر ما وارد شده بود، شکایت کردم.
 فرمود: بر تو باد به دعا کردن در حالی که در سجده ای، زیرا نزدیکترین حالات بنده به خداوند، سجده است.

عرض کردم: آیا در نماز واجب هم می توانم دعا کنم و حاجت خود را نام ببرم؟
 فرمود: آری، رسول خدا صلى الله عليه وآله چنین کرد و گروهی را نفرین نمود و آنها و پدرانشان را نام برد، و علی عليه السلام نیز پس از آن حضرت چنین کرد.

۱۲ - ابو بصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَامَ يَتَنَقَّلُ، فَاسْتَيْقَظَتْ عَائِشَةُ فَضَرَبَتْ بِيَدِهَا فَلَمْ تَجِدْهُ، فَظَنَّتْ أَنَّهُ قَدْ قَامَ إِلَى جَارِيَّتِهَا، فَقَامَتْ تَطُوفُ عَلَيْهِ، فَوَطِئَتْ عُنُقَهُ ﷺ وَهُوَ سَاجِدٌ بَالٍ يَقُولُ:

«سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخَيَالِي وَآمَنَ بِكَ فُوَادِي أَبُوءُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ وَاعْتَرَفُ لَكَ بِالذَّنْبِ الْعَظِيمِ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ وَاعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ وَاعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُبْلُغُ مَذْحَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَنْتَ عَلَى نَفْسِكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ».

فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ: يَا عَائِشَةُ! لَقَدْ أَوْجَعْتَ عُنُقِي، أَيَّ شَيْءٍ حَشِيتِ أَنْ أَقُومَ إِلَى جَارِيَّتِكَ؟

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد عایشه بود. حضرتش برای نافله بر خاست و عایشه از خواب بیدار شد به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله دست زد و آن حضرت را نیافت. گمان کرد که آن حضرت نزد کنیز او رفته است. پس برخاست و به دنبالش گشت که پایش به گردن آن حضرت اصابت کرد. حضرتش در سجده گریان بود و می فرمود:

«سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخَيَالِي وَآمَنَ بِكَ فُوَادِي أَبُوءُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ وَاعْتَرَفُ لَكَ بِالذَّنْبِ الْعَظِيمِ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ وَاعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ وَاعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُبْلُغُ مَذْحَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَنْتَ عَلَى نَفْسِكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ».

و چون فارغ شد، فرمود: ای عایشه! گردن مرا به درد آوردی! از چه چیزی ترسیدی؟ آیا

از این که نزد کنیز تو بروم؟!

۱۳ - ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

مَنْ قَالَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قِيَامِهِ: «صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» كَتَبَ اللهُ لَهُ بِمِثْلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ الْقِيَامِ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام وَ قَدْ سَجَدَ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَبَسَطَ ذِرَاعَيْهِ عَلَيَّ الْأَرْضِ وَ أَلْصَقَ جُجُوهَهُ بِالْأَرْضِ فِي دُعَائِهِ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ خَاقَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَافْتَرَشَ ذِرَاعَيْهِ فَأَلْصَقَ جُجُوهَهُ وَ بَطْنَهُ بِالْأَرْضِ، فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ . فَقَالَ: كَذَا نُجِبُ.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام الْأَوَّلُ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ آخِرِ رَكْعَةِ الْوُتْرِ قَالَ:

هر کس در رکوع، سجود و قیامش بگوید: «صلی الله علی محمد و آل محمد» خداوند پاداشی مانند پاداش همان رکوع، سجود و قیام برای او بنویسد.

۱۴ - جعفر بن علی گوید: امام کاظم عليه السلام را دیدم که بعد از نماز، سجده نمود و بازوان و سینه خویش را بر زمین پهن کرد و دعا نمود.

۱۵ - عبدالرحمان بن خاقان گوید: امام هادی عليه السلام را دیدم که سجده شکر به جای آورد و بازوان خود را گسترده و سینه و شکم خویش را بر زمین چسباند. من از حضرتش درباره آن حالت پرسیدم.

فرمود: ما چنین (سجده‌ای را) دوست می‌داریم.

۱۶ - یکی از اصحاب ما گوید: رسم امام کاظم عليه السلام چنین بود که هرگاه سر از رکوع آخر نماز وتر بر می‌داشت، می‌گفت:

«هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ شُكْرُهُ ضَعِيفٌ وَ ذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّا دَفْعُكَ وَ رَحْمَتُكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ ﷺ: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ طَالَ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي وَ هَذَا السَّحَرُ وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي اسْتِغْفَارَ مَنْ لَمْ يَجِدْ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا.»
 ثُمَّ يَخْرُ سَاجِدًا ﷻ.

۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِي ﷻ عَمَّا أَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ، فَقَدِ اخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فِيهِ. فَقَالَ: قُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللَّهُ رَبِّي وَ الْإِسْلَامَ دِينِي وَ مُحَمَّدًا نَبِيِّي وَ عَلِيًّا...» وَ سَهْ مَرْتَبَةً بگو: وَ فَلَانًا وَ فَلَانًا إِلَى آخِرِهِمْ أَيْمَتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَنْتَبِرُ». «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ» - ثَلَاثًا -

«هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ شُكْرُهُ ضَعِيفٌ وَ ذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّا دَفْعُكَ وَ رَحْمَتُكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ ﷺ: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ طَالَ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي وَ هَذَا السَّحَرُ وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي اسْتِغْفَارَ مَنْ لَمْ يَجِدْ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا.»

سپس حضرتش به سجده می افتاد، درود خدا بر او باد.

۱۷ - عبدالله بن جندب گوید: از امام کاظم ﷻ پرسیدم: در سجده شکر چه بگویم؛ زیرا یاران ما در آن اختلاف نظر دارند؟

فرمود: در حالی که در سجده ای سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللَّهُ رَبِّي وَ الْإِسْلَامَ دِينِي وَ مُحَمَّدًا نَبِيِّي وَ عَلِيًّا...» وائمه ﷻ را تا آخرین فرد نام ببر و بگو «أَيْمَتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَنْتَبِرُ». و سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشُدُكَ بِإِيوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَانِكَ لِتُظْفِرَ نَهْمَ بَعْدُوكَ وَ عَدُوَّهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ» - ثلاثاً - ثُمَّ صَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ: «يَا كَهْفِي حِينَ تُغَيِّنِي الْمَذَاهِبُ وَ تُضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبْتُ وَ يَا بَارِيَّ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ».

ثُمَّ صَعَّ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ وَ تَقُولُ: «يَا مُدِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي» - ثلاثاً - .

ثُمَّ تَقُولُ: «يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ» - ثلاثاً - ثُمَّ تَعُودُ لِلسُّجُودِ فَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ: «شُكْرًا شُكْرًا»، ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

۱۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ. فَكَتَبَ إِلَيَّ مِائَةَ مَرَّةٍ: «شُكْرًا شُكْرًا»، وَ إِنْ شِئْتَ: «عَفْوًا عَفْوًا».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشُدُكَ بِإِيوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَانِكَ لِتُظْفِرَ نَهْمَ بَعْدُوكَ وَ عَدُوَّهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ» - سه مرتبه - سپس گونه راست خویش بر زمین گذار و بگو: «يَا كَهْفِي حِينَ تُغَيِّنِي الْمَذَاهِبُ وَ تُضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبْتُ وَ يَا بَارِيَّ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ».

سپس گونه چپ خود را بر خاک می گذاری و سه مرتبه می گویی: «يَا مُدِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي» سپس سه مرتبه می گویی: «يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ» .

آن گاه به سجده بازگشته و صد بار می گویی: «شُكْرًا شُكْرًا»، سپس حاجت خویش را می طلبی، ان شاء الله تعالی.

۱۸ - سلیمان بن حفص مروزی گوید: به امام کاظم عليه السلام درباره سجدۀ شکر نامه ای نوشتم. حضرتش در پاسخ نوشت: صد بار «شُكْرًا شُكْرًا» و اگر خواستی «عَفْوًا عَفْوًا» بگو.

۱۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

خَرَجْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ، فَقَامَ إِلَى صَلَاةِ الظُّهْرِ، فَلَمَّا فَرَغَ خَرَّ لِلَّهِ سَاجِدًا فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ بِصَوْتِ حَزِينٍ وَ تَعَزَّرُ دُمُوعُهُ:

«رَبِّ عَصِيَّتِكَ بِلِسَانِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِأُحْرَسْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِبَصَرِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِأَكْمَهْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِسَمْعِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِأَصْمَمْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِيَدِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لَكَنَعْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِرِجْلِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِجَذَمْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِفَرْجِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاءَكَ مِنِّي».

قَالَ: ثُمَّ أَحْصَيْتُ لَهُ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ هُوَ يَقُولُ: «الْعَفْوُ الْعَفْوُ».

قَالَ: ثُمَّ أَلْصَقَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ بِصَوْتِ حَزِينٍ: «بُؤْتُ إِلَيْكَ بِدُنْبِي عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَعْفُرُ الذُّنُوبَ غَيْرَكَ يَا مَوْلَايَ» - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -

۱۹ - محمد بن سلیمان از پدرش روایت کرده که گوید: با امام کاظم عليه السلام به یکی از باغ‌هایش رفتیم، هنگام ظهر برای نماز ظهر برخاست و چون فارغ شد در پیشگاه خداوند به سجده افتاد. شنیدم که با ناله‌ای اندوهگین و با اشکی که همراه با گرفتگی گلویش بود، عرضه می‌داشت: «رَبِّ عَصِيَّتِكَ بِلِسَانِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِأُحْرَسْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِبَصَرِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِأَكْمَهْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِسَمْعِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِأَصْمَمْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِيَدِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لَكَنَعْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِرِجْلِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لِجَذَمْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِفَرْجِي وَ لَوْ شِئْتُ وَ عِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَ عَصِيَّتِكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاءَكَ مِنِّي».

شمردم، حضرتش هزار مرتبه فرمود: «الْعَفْوُ الْعَفْوُ».

سپس گونه‌ی راست خود را بر زمین نهاد و شنیدم که با ناله‌ای اندوهگین سه مرتبه گفت: «بُؤْتُ إِلَيْكَ بِدُنْبِي عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَعْفُرُ الذُّنُوبَ غَيْرَكَ يَا مَوْلَايَ».

ثُمَّ أَلْصَقَ خَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «ارْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اعْتَرَفْ وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ» - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ.

۲۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَذَا الَّذِي ظَهَرَ بِوَجْهِهِ يَزْعُمُ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْتَلِ بِهِ عَبْدًا لَهُ فِيهِ حَاجَةٌ.

فَقَالَ: لَا، قَدْ كَانَ مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ مُكْتَبِعَ الْأَصَابِعِ، فَكَانَ يَقُولُ هَكَذَا وَ يَمُدُّ يَدَهُ وَ يَقُولُ: «يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ».

قَالَ: ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا كَانَ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِهِ فَتَوَضَّأْ ثُمَّ قُمْ إِلَى صَلَاتِكَ الَّتِي تُصَلِّيُهَا، فَإِذَا كُنْتَ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ فَقُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ: «يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ اعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ

سپس گونه چپ خود را بر زمین گذارد و شنیدم که سه مرتبه گفت: «ارْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اعْتَرَفَ وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ»، سپس سر مبارکش را از زمین برداشت.
۲۰ - یونس بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! این بیماری که در صورت من پیدا شده، مردم می‌پندارند که خدای هر که از بندگانش را که دوست دارد، بدان گرفتار نمی‌کند.

فرمود: نه، چنین نیست. مؤمن آل فرعون ^(۱)، سرانگشتانش ریخته بود و چنین می‌کرد - و دستش را دراز می‌کرد - و می‌گفت: «ای قوم! از پیامبران پیروی کنید».

یونس گوید: سپس به من فرمود: چون یک سوم پایانی شب فرا رسید، در ساعت اول آن برخیز و وضو بساز و به نمازی که می‌خوانی بپرداز (مقصود نماز شب است). وقتی به سجده آخر از دو رکعت اول (از هشت رکعت نماز شب) رسیدی، در حال سجده بگو:
«يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ اعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ

۱ - با توجه به روایتی که در جلد دوم اصول کافی: ص ۲۵۴ ح ۱۲ گذشت. او صاحب یاسین بود، نه مؤمن آل فرعون و طبق روایتی، مؤمن آل فرعون از پیشی گیرندگان به ایمان بوده است...

شَرُّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ أَذْهَبَ عَنِّي هَذَا الْوَجَعُ وَ تُسَمِّيهِ، فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَخْرَنَنِي». وَ
أَلْحَ فِي الدُّعَاءِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ فَمَا وَصَلْتُ إِلَى الْكُوفَةِ حَتَّى أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي كُلَّهُ.

۲۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ
سَعْدَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: «سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي لَوْجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ الْعَظِيمِ سَجَدَ وَجْهِي
الدَّلِيلِ لَوْجْهِكَ الْعَزِيزِ سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرِ لَوْجْهِ رَبِّي الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، رَبِّ اسْتَغْفِرْكَ
مِمَّا كَانَ وَ اسْتَغْفِرْكَ مِمَّا يَكُونُ رَبِّ لَا تُجْهِدْ بِلَايِي، رَبِّ لَا تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، رَبِّ لَا تُسَيِّ قَضَائِي،
رَبِّ إِنَّهُ لَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ وَ
سَخَطِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

شَرُّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ أَذْهَبَ عَنِّي هَذَا الْوَجَعُ وَ تُسَمِّيهِ، فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَخْرَنَنِي»، وَ در
دعا پافشاری کن.

یونس گوید: من طبق فرمایش مولایم انجام دادم، هنوز به کوفه نرسیده بودم که خداوند
تمام آن بیماری را از من بر طرف فرمود.

۲۱ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام در سجده خود می گفت:

«سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي لَوْجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ الْعَظِيمِ سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلِ لَوْجْهِكَ الْعَزِيزِ سَجَدَ وَجْهِي
الْفَقِيرِ لَوْجْهِ رَبِّي الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، رَبِّ اسْتَغْفِرْكَ مِمَّا كَانَ وَ اسْتَغْفِرْكَ مِمَّا يَكُونُ رَبِّ لَا تُجْهِدْ
بِلَايِي، رَبِّ لَا تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، رَبِّ لَا تُسَيِّ قَضَائِي، رَبِّ إِنَّهُ لَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِكَ
وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ وَ سَخَطِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ:

«ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَ آئِسْنِي بِكَ يَا كَرِيمٌ وَ كَانَ يَقُولُ أَيْضاً وَ عَظَمْتَنِي فَلَمْ أَنْعِظْ وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ عَمَّرْتَنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمٌ أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ».

وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُدًا وَ رِقًّا يَا عَظِيمٌ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي يَا كَرِيمٌ يَا حَنَّانُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ جُرْمِي وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي يَا كَرِيمٌ يَا جَبَّارُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَخِيبَ أَوْ أُحْمَلَ ظُلْمًا اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَ أَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا وَ عَلَيْكَ يَكُونُ ثَوَابُ مَا تَفَضَّلْتَ بِهِ مِنْ ثَوَابِهَا بِفَضْلِ طَوْلِكَ وَ بِكَرِيمِ عَائِدَتِكَ».

۲۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ

قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ:

امیر مؤمنان علی علیه السلام همواره در سجده می فرمود: «ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَ آئِسْنِي بِكَ يَا كَرِيمٌ وَ كَانَ يَقُولُ أَيْضاً وَ عَظَمْتَنِي فَلَمْ أَنْعِظْ وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ عَمَّرْتَنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمٌ أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ».

و امام باقر علیه السلام در سجده می گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُدًا وَ رِقًّا يَا عَظِيمٌ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي يَا كَرِيمٌ يَا حَنَّانُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ جُرْمِي وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي يَا كَرِيمٌ يَا جَبَّارُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَخِيبَ أَوْ أُحْمَلَ ظُلْمًا اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَ أَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا وَ عَلَيْكَ يَكُونُ ثَوَابُ مَا تَفَضَّلْتَ بِهِ مِنْ ثَوَابِهَا بِفَضْلِ طَوْلِكَ وَ بِكَرِيمِ عَائِدَتِكَ».

۲۲ - زیاد بن مروان گوید: امام کاظم علیه السلام همواره در سجده خود می گفت:

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبُلَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطِشَانُهَا لَا يَزْوَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى».

۲۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَرَأَ أَحَدُكُمْ السَّجْدَةَ مِنَ الْعَزَائِمِ فَلْيَقُلْ فِي سُجُودِهِ: «سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُدًا وَرِقًا لِمُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا مُسْتَنْكِفًا وَ لَا مُتَعَزِّمًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

۲۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: شَكَّوْتُ إِلَيْهِ عِلَّةَ أُمَّ وَ لَدِّ لِي أَخَذْتُهَا . فَقَالَ: قُلْ لَهَا: تَقُولُ فِي السُّجُودِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: «يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا فَبِهَا نَجَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ مِنَ النَّارِ».

قَالَ: فَعَرَضْتُ هَذَا الْحَدِيثَ عَلَيَّ بَعْضِ أَصْحَابِنَا . فَقَالَ: أَعْرِفُ فِيهِ: «يَا رَعُوفُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي أَفْعَلْ بِي...» كَذَا وَ كَذَا.

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبُلَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطِشَانُهَا لَا يَزْوَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى».

۲۳ - ابو عبیده حدّا گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه یکی از شما از آیات سجده را تلاوت کرد، باید در سجده خود بگوید: «سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُدًا وَ رِقًا لِمُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا مُسْتَنْكِفًا وَ لَا مُتَعَزِّمًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

۲۴ - علی بن ریّان گوید: یکی از یاران ما گوید: خدمت امام صادق عليه السلام از بیماری کنیز خود شکایت کردم.

فرمود: به او بگو که بعد از هر نماز واجب، در سجده بگوید: «يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا فَبِهَا نَجَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ مِنَ النَّارِ».

و با همین دعا جعفر بن سلیمان از آتش نجات یافت.

راوی گوید: این حدیث را به یکی از یاران عرضه کردم.

او گفت: این را شنیده‌ام که در آن، این دعا نیز آمده است: «يَا رَعُوفُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي أَفْعَلْ بِي...» و حاجت خود را بیان کند.

۲۵- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ قَالَ:
 كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: عَلَّمَنِي دُعَاءً، فَإِنِّي قَدْ بُلِيتُ بِشَيْءٍ، وَكَانَ قَدْ
 حُسِسَ بِبُعْدَادَ حَيْثُ أَتَيْتُهُمْ بِأَمْوَالِهِمْ.
 فَكَتَبَ إِلَيْهِ: إِذَا صَلَّيْتَ فَأَطِلِ السُّجُودَ ثُمَّ قُلْ: «يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ» حَتَّى تَنْقَطِعَ
 النَّفْسُ.

ثُمَّ قُلْ: «يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا» حَتَّى تَنْقَطِعَ نَفْسُكَ.
 ثُمَّ قُلْ: «يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٌ».
 قَالَ زِيَادٌ: فَدَعَوْتُ بِهِ، فَفَرَّجَ اللَّهُ عَنِّي وَخَلَّى سَبِيلِي.

۲۵- زیاد قندی گوید: طی نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشتم که دعایی به من بیاموزید،
 زیرا به بلایم گرفتار شده‌ام.
 البته او به اتهام برداشت از بیت المال در زندان بود.
 آن حضرت برای او نوشت: چون نماز خواندی، سجده خود را طولانی کن، سپس
 بگو: «يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ» تا این که نفس تو تمام شود. پس از آن بگو: «يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ
 إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا».

سپس بگو: «يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٌ».
 زیاد گوید: من آن دعا را خواندم، خداوند گره کار مرا گشود و از زندان رها شدم.

(۲۶)

بَابُ أَدْنَىٰ مَا يُجْزَىٰ مِنَ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَ أَكْثَرِهِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ:
 قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ حَدُّ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ؟
 قُلْتُ: لَا.
 قَالَ: تُسَبِّحُ فِي الرُّكُوعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»، وَ فِي السُّجُودِ: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَىٰ وَ بِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.
 فَمَنْ نَقَصَ وَاحِدَةً نَقَصَ ثَلَاثَ صَلَاتِهِ، وَ مَنْ نَقَصَ ثَلَاثِينَ نَقَصَ ثُلَاثِي صَلَاتِهِ، وَ مَنْ لَمْ يُسَبِّحْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.

بخش بیست و ششم**کمتترین تسبیحی که در رکوع و سجود کفایت می کند**

۱ - ابوبکر خضرمی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: آیا می دانی حد و اندازه رکوع و سجود چه قدر است؟
 عرض کردم: نه.
 فرمود: در رکوع سه مرتبه می گویی: «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و در سجده سه مرتبه می گویی: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَىٰ وَ بِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ».
 پس هر کس یک تسبیح کم کند، یک سوم از ثواب نمازش را کم کرده و هر کس دو تسبیح کم کند، دو سوم از ثواب نماز را کم کرده است و هر کس تسبیح نگوید، نماز (کاملی) برای او نیست.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يُصَلِّي، فَعَدَدْتُ لَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سِتِّينَ تَسْبِيحَةً.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ وَالحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ قَالَا: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ فَصَلَّى بِهِمُ الْعَصْرَ وَ قَدْ كُنَّا صَلَّيْنَا فَعَدَدْنَا لَهُ فِي رُكُوعِهِ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ أَوْ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً. وَ قَالَ أَحَدُهُمَا فِي حَدِيثِهِ: «وَ بِحَمْدِهِ» فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ سَوَاءً هَذَا، لِأَنَّهُ عَلِمَ عليه السلام احْتِمَالَ الْقَوْمِ لِطُولِ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ رُوِيَ: «أَنَّ الْفَضْلَ لِلْإِمَامِ أَنْ يُخَفِّفَ وَ يُصَلِّيَ بِأَضْعَفِ الْقَوْمِ».

۲- ابان بن تغلب گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدم، حضرتش نماز می گزارد. در رکوع و سجودش شمردم، شصت تسبیح گفت.

۳- حمزه بن حمران و حسن بن زیاد گویند: خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدیم و گروهی در نزد آن حضرت بودند.

حضرت با ایشان نماز عصر را به جای آورد، و ما نماز عصر خود را خوانده بودیم. ما شمردیم، حضرتش در رکوع خود سی و چهار - یا سی و سه - مرتبه گفت: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ».

یکی از آن دو راوی در حدیث خود گوید: حضرتش «و بحمده» (یعنی «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ») را در رکوع و سجود به یک تعداد گفت؛ زیرا آن حضرت می دانست که این گروه توانایی طول رکوع و سجود را ندارند، و گرنه روایت شده است که امام جماعت باید نماز خود را سبک کند و حال افراد ضعیف و ناتوان را مراعات نماید.

- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَذْنَى مَا يُجْزَى الْمَرِيضَ مِنَ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ. قَالَ: تَسْبِيحَةٌ وَاحِدَةٌ.
- ۵ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا مِنْ كَلِمَةٍ أَحَفَّ عَلَى اللِّسَانِ مِنْهَا وَلَا أْبْلَغَ مِنْ «سُبْحَانَ اللَّهِ». قَالَ: قُلْتُ: يُجْزِيْنِي فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ أَنْ أَقُولَ مَكَانَ التَّسْبِيحِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»؟ قَالَ: نَعَمْ، كُلُّ ذَا ذِكْرُ اللَّهِ. قَالَ: قُلْتُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» قَدْ عَرَفْنَاهُمَا، فَمَا تَفْسِيرُ «سُبْحَانَ اللَّهِ»؟ قَالَ: أَنْفَعَةٌ لِلَّهِ، أَمَا تَرَى الرَّجُلَ إِذَا عَجِبَ مِنَ الشَّيْءِ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ!؟

- ۴ - معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کمترین تعداد تسبیح در رکوع و سجود که برای شخص بیمار کفایت می کند، چه تعداد است؟ فرمود: یک تسبیح.
- ۵ - هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ کلمه ای بر زبان انسان، سبک تر و رساتر از «سبحان الله» نیست. عرض کردم: آیا کفایت می کند که در رکوع و سجود به جای «سبحان الله» بگویم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»؟ فرمود: آری، همه آنها ذکر خداوند است.
- گفتم: معنای «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را دانستیم، تفسیر «سُبْحَانَ اللَّهِ» چیست؟ فرمود: به معنای کمال تنزیه و پاک دانستن خداوند متعال از هر نقص و عیب است، آیا نمی بینی هنگامی که شخصی از چیزی به شگفت می آید، می گوید: «سبحان الله»!؟

۶- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عَبْدِ عَن بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنِّي إِمَامٌ مَسْجِدِ الْحَيِّ فَأَزْكَعُ بِهِمْ فَأَسْمَعُ خَفَقَانَ نِعَالِهِمْ وَأَنَا رَاكِعٌ. فَقَالَ: اصْبِرْ رُكُوعَكَ وَ مِثْلَ رُكُوعِكَ، فَإِنْ انْقَطَعَ وَإِلَّا فَانْتَصِبْ قَائِمًا.

(۲۷)

بَابُ مَا يُسْجَدُ عَلَيْهِ وَ مَا يُكْرَهُ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَزْوَةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَسْجُدْ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ، أَوْ مَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا الْقُطْنُ وَ الْكِتَّانَ.

۶- یکی از یاران عبید گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: من امام مسجد قبیله ام هستم. هنگام نماز در حال رکوع، صدای پای اهل قبیله را می شنوم (که به نماز می آیند) در این حال باید چه کنم (صبر نمایم)؟
فرمود: به اندازه ذکر رکوع همیشگی صبر کن، اگر به نماز رسید، چه بهتر و گر نه بلند شو.

بخش بیست و هفتم

چیزهایی که می توان بر آنها سجده کرد و چیزهایی که سجده بر آنها مکروه است

۱- فضل بن عبدالملک گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

فقط بر زمین یا بر چیزی که از زمین رویده است - جز پنبه و کتان - سجده بکن.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَسْجُدُ عَلَى الزُّفْتِ - يَعْنِي الْقَيْرَ - ؟

فَقَالَ: لَا، وَ لَا عَلَى الثُّوبِ الْكُرْسُفِ، وَ لَا عَلَى الصُّوفِ، وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنْ الْحَيَوَانَ، وَ لَا عَلَى طَعَامٍ، وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنْ ثَمَارِ الْأَرْضِ، وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنْ الرِّيَاشِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْجِصِّ يُوقَدُ عَلَيْهِ بِالْعَذْرَةِ وَ عِظَامِ الْمَوْتَى ثُمَّ يُجَصَّصُ بِهِ الْمَسْجِدُ أَيْسَجَدُ عَلَيْهِ؟ فَكَتَبَ عليه السلام إِلَيَّ بِخَطِّهِ: إِنَّ الْمَاءَ وَ النَّارَ قَدْ طَهَّرَاهُ.

۲- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: آیا می توانم به قیر سجده کنم؟ فرمود: نه، و بر لباس پنبه ای و پشمی، بر چیزی از حیوان، بر خوراکی، بر چیزی از میوه های زمین و بر لباس های فاخر و زینتی نمی توان سجده کرد.

۳- حسن بن محبوب گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: گچی که با نجاست آدمی و استخوان مردگان پخته می شود و به آنها آلوده می گردد، آن گاه مسجد را با آن گچ کاری می کنند، آیا بر آن می توان سجده کرد؟

آن حضرت عليه السلام با خط خویش در پاسخم نوشت: همانا آتش و آب آن را پاک کرده اند.

- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام دَعَا أَبِي بِالْخُمْرَةِ. فَأَبْطَأَتْ عَلَيْهِ، فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ حَصَى، فَجَعَلَهُ عَلَى الْبِسَاطِ ثُمَّ سَجَدَ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ وَبُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْقِيَامِ عَلَى الْمُصَلِّي مِنَ الشَّعْرِ وَالصُّوفِ إِذَا كَانَ يَسْجُدُ عَلَى الْأَرْضِ، فَإِنْ كَانَ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ فَلَا بَأْسَ بِالْقِيَامِ عَلَيْهِ وَالسُّجُودِ عَلَيْهِ.
- ۶ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: لَا تَسْجُدُ عَلَى الْقَبْرِ، وَلَا عَلَى الصَّارُوجِ.

۴ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پدرم سجاده حصیری خواست. ولی دیر برایش آوردند، آن حضرت مشتی سنگریزه برگرفت و آن را بر فرش گذارد، سپس سجده کرد.

۵ - فضیل بن یسار و برید بن معاویه از (امام باقر یا امام صادق عليه السلام) روایت می‌کنند که حضرتش فرمود:

ایستادن بر سجاده‌ای که از مو و از پشم باشد، اشکالی ندارد، در صورتی که بر زمین سجده کند، و اگر سجاده از گیاهان زمین باشد، ایستادن و سجده کردن بر آن ایرادی ندارد.

۶ - عمرو بن سعید گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

بر قبر و نوره سجده نکن.

- ۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ قَالَ: كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَيْهِ بِيَدِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ يَسْأَلُهُ - يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الْخُمْرَةِ الْمَدَنِيَّةِ.
- فَكَتَبَ: صَلَّ فِيهَا مَا كَانَ مَعْمُولًا بِخِيُوطَةٍ، وَلَا تُصَلُّ عَلَى مَا كَانَ مَعْمُولًا بِسُيُورَةٍ.
- قَالَ: فَتَوَقَّفَ أَصْحَابُنَا، فَأَنشَدُتُهُمْ بَيْتَ شِعْرِ لِنَابِطٍ شَرًّا الْعَدَوَانِيِّ: كَأَنَّهَا خِيُوطَةٌ مَارِيٌّ تُعَارُ وَ تُفْتَلُ.
- وَمَارِيٌّ: كَانَ رَجُلًا حَبَالًا، كَانَ يَعْمَلُ الْخِيُوطَ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ فَرِيضَةٌ وَعَلَى الْخُمْرَةِ سُنَّةٌ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَسْجُدْ عَلَى الذَّهَبِ وَلَا عَلَى الْفِضَّةِ.

- ۷- علی بن ریّان گوید: یکی از دوستان ما نامه‌ای به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشت و آن را به دست ابراهیم بن عقبه برای آن حضرت فرستاد. در آن نامه از نماز بر سجاده مدنی پرسیده بود. حضرت در پاسخ نوشت: در صورتی که با نخ بافته شده باشد، بر آن نماز بخوان، ولی اگر از پوست، بافته شده باشد بر آن نماز نخوان
- گوید: بیشتر یاران ما در به کار بردن سجاده توقّف کردند، به سبب این که استعمال «خیوط و سیور» بدون حرف «تاء» می‌باشد. من برای ایشان شعر تأبط شرّاً عدوانی را خواندم که واژه «خیوط» با «تاء» به کار رفته است. مضمون آن این است: «گویا آن‌ها ریسمان‌های ماری‌اند که سخت و محکم بافته می‌شود» و ماری مردی ریسمان فروش بود که کار او تافتن ریسمان‌ها بود.
- ۸- محمد بن یحیی با سند خود نقل کند و گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سجده کردن بر زمین واجب است و بر سجاده مستحب است.
- ۹- یونس بن یعقوب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بر طلا و نقره سجده نکن.

- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَيَّ شَيْءٌ لَيْسَ عَلَيْهِ سَائِرُ جَسَدِهِ.
- ۱۱ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي عَلَى الْخُمْرَةِ يَجْعَلُهَا عَلَى الطُّنْفِيسَةِ، وَ يَسْجُدُ عَلَيْهَا، فَإِذَا لَمْ تَكُنْ خُمْرَةً جُعِلَ حَصِي عَلَى الطُّنْفِيسَةِ حَيْثُ يَسْجُدُ.
- ۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يُسْجَدَ عَلَى قِرْطَاسٍ عَلَيْهِ كِتَابَةٌ.
- ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي عَلَى الرَّطْبَةِ النَّائِبَةِ.

- ۱۰ - غياث بن ابراهيم گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام از اميرمؤمنان علي عليه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:
انسان نباید بر چیزی سجده کند که باقی بدنش بر آن نباشد^(۱).
- ۱۱ - حمران از (امام باقر یا امام صادق عليه السلام) روایت کرده که فرمود:
پدر بزرگوارم بر روی سجاده نماز می گزارد. سجاده را بر روی فرش پهن می کرد و بر آن سجده می کرد، و اگر سجاده نبود، در محل سجده، سنگریزه می نهاد.
- ۱۲ - جمیل بن دراج گوید:
امام صادق عليه السلام سجده کردن بر کاغذی را که بر آن چیزی نوشته باشد، مکروه می دانست.
- ۱۳ - علی بن جعفر گوید: از برادر خود، امام کاظم عليه السلام پرسیدم: می توان بر گیاهی که تازه روییده، نماز گزارد؟

۱ - طبق نقل شیخ طوسی رحمه الله در «تهذیب الأحکام» این روایت از روی تقیه صادر شده است.

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا أَلْصَقَ جَبْهَتَهُ بِالْأَرْضِ فَلَا بَأْسَ.

وَ عَنِ الْحَشِيشِ النَّابِتِ الثَّيْلِ وَ هُوَ يُصِيبُ أَرْضاً جَدِداً.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا كَتَبَ إِلَيَّ

أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الزُّجَاجِ.

قَالَ: فَلَمَّا نَعَدَ كِتَابِي إِلَيْهِ تَفَكَّرْتُ وَ قُلْتُ: هُوَ مِمَّا أُبَيِّنُ الْأَرْضُ وَ مَا كَانَ لِي أَنْ

أَسْأَلَهُ عَنْهُ.

قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيَّ: لَا تُصَلِّ عَلَى الزُّجَاجِ، وَ إِنْ حَدَّثَتْكَ نَفْسُكَ أَنَّهُ مِمَّا أُبَيِّنُ

الْأَرْضُ، وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْمِلْحِ وَ الرَّمْلِ وَ هُمَا مَمْسُوحَانِ.

فرمود: چنانچه پیشانی به زمین بچسبد، اشکالی ندارد.

پرسیدم: آیا می‌توان بر علف و گیاه تازه یا چمن مرغزار نماز گزارد با وجود این که به

زمین بدون آن نیز دسترسی داشت؟

فرمود: اشکالی ندارد.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ حُسَيْنٍ گوید: یکی از دوستان ما نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشت و از آن

حضرت در مورد نماز بر شیشه پرسید.

گوید: چون نامه‌ام به سوی آن حضرت فرستاده شد، با خود فکر کردم و گفتم: شیشه از

چیزهایی است که از زمین است و حکم سنگ را دارد و سجده بر آن جایز است و لازم نبود

از آن حضرت بپرسم.

حضرتش در پاسخ نامه من نوشت: بر شیشه نماز مگزار، گرچه پیش خود فکر کرده‌ای

که از اجزای زمین است، چنین نیست، بلکه شیشه مانند نمک و ریگ است که مسخ شده و

صورت اصلی خود را از دست داده‌اند.

(۲۸)

بَابُ وَضْعِ الْجَبْهَةِ عَلَى الْأَرْضِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْجَبْهَةُ كُلُّهَا مِنْ قُصَاصِ شَعْرِ الرَّأْسِ إِلَى الْحَاجِبَيْنِ مَوْضِعِ السُّجُودِ، فَأَيُّمَا سَقَطَ مِنْ ذَلِكَ إِلَى الْأَرْضِ أَجْزَأَكَ مِقْدَارُ الدَّرْهَمِ وَ مِقْدَارُ طَرْفِ الْأَنْمَلَةِ.

۲ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ: أَخْبَرَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُصِْبْ أَنْفُهُ مَا يُصِيبُ جَبِيئَهُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

بخش بیست و هشتم

نهادن پیشانی بر زمین

۱ - زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

تمام پیشانی از رستنگاه موی سر تا دو ابرو، جای سجده است. پس هر قسمت از آن که با زمین برخورد کند، اگر به اندازه یک درهم یا به اندازه یک بند انگشت باشد، کافی است.

۲ - عبدالله بن مغیره گوید: یکی از راویانی که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیده بود به من گفت:

آن حضرت فرموده است:

نماز (کامل) ندارد کسی که (به هنگام سجده) بینی اش به آنجا که پیشانی اش می رسد،

نرسد.

۳ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِذَا وَضَعْتَ جَبْهَتَكَ عَلَى نَبْكَةٍ فَلَا تَرْفَعْهَا، وَ لَكِنْ جُرِّهَا عَلَى الْأَرْضِ.
 ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَوْضِعِ جَبْهَةِ السَّاجِدِ يَكُونُ أَرْفَعَ مِنْ قِيَامَةٍ.
 قَالَ: لَا وَ لَكِنْ يَكُونُ مُسْتَوِيًّا.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: فِي السُّجُودِ عَلَى الْأَرْضِ الْمُرْتَفِعَةِ.
 قَالَ: قَالَ: إِذَا كَانَ مَوْضِعُ جَبْهَتِكَ مُرْتَفِعًا عَنْ رِجْلَيْكَ قَدَّرَ لَبِنَةٍ فَلَا بَأْسَ.
 ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ
 يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُصَادِفٍ قَالَ: خَرَجَ بِي دُمْلٌ
 فَكُنْتُ أَسْجُدُ عَلَى جَانِبٍ.

فَرَأَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَثَرَهُ. فَقَالَ: مَا هَذَا؟
 فَقُلْتُ: لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَسْجُدَ مِنْ أَجْلِ الدُّمْلِ، فَإِنَّمَا أَسْجُدُ مُنْحَرِفًا.

هرگاه پیشانی خود را بر زمینی که بلند و مرتفع باشد نهاده، پیشانی را بلند مکن، بلکه
 آن را بر زمین بکش (تا به جایی که هموار باشد برسد).

۴ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا می شود جای پیشانی سجده
 کننده، از جای ایستادن او بلندتر باشد؟
 فرمود: نه، باید برابر باشد.

و در روایت دیگر آمده است: از حضرتش در مورد سجده بر زمین بلند پرسیدند.
 فرمود: هرگاه جای پیشانی تو به اندازه یک خشت از جای دو پای تو بلندتر باشد، اشکالی
 ندارد.

۵ - مصادف گوید: بر پیشانی من دملی پدید آمد، از این رو بر یک سمت پیشانی سجده
 می کردم.

امام صادق عليه السلام مرا دید و فرمود: این چیست؟
 گفتم: به خاطر دمل نمی توانم سجده کنم، ناچار چنین سجده می کنم.

فَقَالَ لِي: لَا تَفْعَلْ، وَ لَكِنْ احْفَظْ حُقْفِيرَةً فَاجْعَلِ الدَّمْلَ فِي الْحُقْفِرَةِ حَتَّى تَنْفَعَ جَبْهَتَكَ عَلَى الْأَرْضِ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادٍ لَهُ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّنْ بِجَبْهَتِهِ عِلَّةٌ لَا يَفْدِرُ عَلَى السُّجُودِ عَلَيْهَا.

قَالَ: يَضَعُ ذَقْنَهُ عَلَى الْأَرْضِ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «يَحْرِثُونَ لِلْأَذْفَانِ سُجْدًا».

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام سَوَى الْحَصَى حِينَ أَرَادَ السُّجُودَ.

۸ - مُحَمَّدٌ عَنِ الْفَضْلِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَنْفُخُ فِي الصَّلَاةِ مَوْضِعَ جَبْهَتِهِ .
فَقَالَ: لَا.

فرمود: چنین نکن، بلکه گودال کوچکی حفر کن و دمل را در آن قرار ده تا پیشانی ات به زمین برسد.

۶ - علی بن محمد با سند خود گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که در پیشانی او عارضه ای است که نمی تواند بر آن سجده کند، پرسیدند.

فرمود: چانه خود را بر زمین بگذارد؛ زیرا خداوند تعالی می فرماید: «يَحْرِثُونَ لِلْأَذْفَانِ سُجْدًا».

۷ - عبدالملک بن عمرو گوید: امام صادق عليه السلام را دیدم که به هنگام سجده، سنگریزه های سجده گاه را هموار می کرد.

۸ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا کسی می تواند در نماز،

جای پیشانی خود را فوت کند؟

فرمود: نه.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَسْجُدُ وَعَلَيْهِ الْعِمَامَةُ لَا يُصِيبُ وَجْهَهُ الْأَرْضَ.
قَالَ: لَا يُجْزئُهُ ذَلِكَ حَتَّى تَصِلَ جَبْهَتُهُ إِلَى الْأَرْضِ.

(۲۹)

بَابُ الْقِيَامِ وَالْقُعُودِ فِي الصَّلَاةِ

۱- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تُلْصِقْ قَدَمَكَ بِالْأُخْرَى دَعْ بَيْنَهُمَا فَضلاً إضْبَعاً أَقْلُ ذَلِكَ إِلَى شِبْرِ أَكْثَرِهِ وَ اسْدِلْ مَنْكَبَيْكَ وَ أَرْسِلْ يَدَيْكَ وَ لَا تُشَبِّكْ أَصَابِعَكَ

۹- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که سجده می‌کند و عمامه به سر دارد و بدین سبب پیشانی او به زمین نمی‌رسد (چه حکمی دارد؟). فرمود: تا پیشانی او به زمین نرسیده، سجده او درست نیست.

بخش بیست و نهم

ایستادن و نشستن در نماز

۱- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

چون به نماز ایستادی پای خود را به پای دیگر نچسبان و کمترین فاصله میان دو پا به اندازه یک انگشت و بیشترین آن به اندازه یک وجب است و کتف‌های خود را پایین بینداز و دست‌های خود را بیاویز و انگشتان خود را درهم مکن

وَلْتَكُونَا عَلَىٰ فِخْذَيْكَ قُبَالَةَ رُكْبَتَيْكَ، وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ إِلَىٰ مَوْضِعِ سُجُودِكَ.
 فَإِذَا رَكَعْتَ فَصَفَّ فِي رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ تَجْعَلُ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرٍ وَ تُمْكِنُ
 رَاحَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ وَ تَضَعُ يَدَكَ الْيُمْنَىٰ عَلَىٰ رُكْبَتِكَ الْيُمْنَىٰ قَبْلَ الْيُسْرَىٰ وَ بَلِّغْ
 أَطْرَافَ أَصَابِعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ وَ فَرِّجْ أَصَابِعَكَ إِذَا وَصَعْتَهَا عَلَىٰ رُكْبَتَيْكَ، فَإِذَا
 وَصَلْتَ أَطْرَافَ أَصَابِعِكَ فِي رُكُوعِكَ إِلَىٰ رُكْبَتَيْكَ أَجْزَأَكَ ذَلِكَ.
 وَ أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ تُمْكِنَ كَفَّيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ فَتَجْعَلَ أَصَابِعَكَ فِي عَيْنِ الرُّكْبَةِ وَ
 تُفَرِّجَ بَيْنَهُمَا وَ أَقِمَّ صُلْبَكَ وَ مَدَّ عُنُقَكَ وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ إِلَىٰ مَا بَيْنَ قَدَمَيْكَ.
 فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَسْجُدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ خِرَّ سَاجِدًا وَ اِبْدَأْ بِيَدَيْكَ فَصَعْهُمَا
 عَلَىٰ الْأَرْضِ قَبْلَ رُكْبَتَيْكَ تَضَعْهُمَا مَعًا وَ لَا تَفْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ افْتِرَاشَ السَّبْعِ ذِرَاعِيهِ
 وَ لَا تَضَعَنَّ ذِرَاعَيْكَ عَلَىٰ رُكْبَتَيْكَ.

و دستان خود را بر روی ران از جلو و امتداد زانوان قرار ده، و بایستی نگاهت به سجده گاهت باشد.

آن گاه که رکوع کردی، میان دو قدم خود را برابر کن و فاصله میان آنها را به اندازه یک و جب قرار ده، و دو کف دست خود را به زانوان متصل نما، و دست خود را بر -پیش از زانوی چپ- زانوی راست گذار، و اطراف انگشتان خود را به اطراف زانوان برسان، و چون انگشتان خود را بر زانوان نهادی آنها را باز کن، و چون اطراف انگشتان خود را در رکوع به زانوان خویش برسانی، برای تو کافی است.

نزد من بهتر این است که دو کف دست را بر دو زانوی خود بگذاری و انگشتان خود را به اطراف زانو برسانی و میان دو زانو را باز کنی، و پشت خود را راست گردانی و گردن خود را بکشی و نگاهت در میان دو قدمت باشد.

چون خواستی سجده کنی، دست های خود را به تکبیر بلند کن و سجده کنان بر زمین رو، و به دو دست خود شروع کن و آنها را با هم پیش از زانو بر زمین گذار، و بازوان خود را مانند درندگان بر زمین نگستران، و دو بازوی خود را بر زانوان و ران خود مگذار.

وَ فَخِذَيْكَ، وَ لَكِنْ تَجَنَّحْ بِمِرْفَقَيْكَ وَ لَا تُلْصِقْ كَفَيْكَ بِرُكْبَتَيْكَ وَ لَا تُدْنِهِمَا مِنْ وَجْهِكَ بَيْنَ ذَلِكَ حِيَالَ مَنْكِبَيْكَ وَ لَا تَجْعَلُهُمَا بَيْنَ يَدَيْ رُكْبَتَيْكَ، وَ لَكِنْ تُحَرِّفُهُمَا عَنْ ذَلِكَ شَيْئاً وَ ابْسُطْهُمَا عَلَى الْأَرْضِ بَسْطاً وَ اقْبِضْهُمَا إِلَيْكَ قَبْضاً. وَ إِنْ كَانَ نَحْتَهُمَا تَوْبٌ فَلَا يَضُرُّكَ وَ إِنْ أَفْضَيْتَ بِهِمَا إِلَى الْأَرْضِ فَهُوَ أَفْضَلُ وَ لَا تُفَرِّجَنَّ بَيْنَ أَصَابِعِكَ فِي سُجُودِكَ وَ لَكِنْ ضُمَّهُنَّ جَمِيعاً. قَالَ: وَ إِذَا قَعَدْتَ فِي تَشْهُدِكَ فَالْصِقْ رُكْبَتَيْكَ بِالْأَرْضِ وَ فَرِّجْ بَيْنَهُمَا شَيْئاً وَ لِيَكُنْ ظَاهِرُ قَدَمِكَ الْيُسْرَى عَلَى الْأَرْضِ وَ ظَاهِرُ قَدَمِكَ الْيُمْنَى عَلَى بَاطِنِ قَدَمِكَ الْيُسْرَى وَ أَلْيَتَاكَ عَلَى الْأَرْضِ وَ طَرَفُ إِبْهَامِكَ الْيُمْنَى عَلَى الْأَرْضِ. وَ إِيَّاكَ وَ الْقَعُودَ عَلَى قَدَمَيْكَ فَتَتَأَذَى بِذَلِكَ وَ لَا تُكُنْ قَاعِداً عَلَى الْأَرْضِ فَتَكُونَ إِثْمًا قَعَدَ بَعْضُكَ عَلَى بَعْضٍ فَلَا تَصْبِرَ لِلتَّشْهُدِ وَ الدُّعَاءِ.

و لکن دو آرنج خود را گشاده دار و دو کف دست خود را به دو زانو بچسبان و آنها را نزدیک صورت مگذار (بلکه) در جنب شانهایت بگذار و آنها را در جلوی زانو مگذار، ولی آنها را اندکی از این، عقب تر بیاور و کف دستان را بر زمین پهن کن و در حال سجده آنها را اندکی به خود نزدیک گردان.

و اگر در زیر دستان، جامه ای باشد، ضرری نمی رساند. ولی اگر دو دست را بر زمین رسانی بهتر است. در هنگام سجده انگشتان خود را باز مکن و آنها را به یکدیگر بچسبان. حضرتش فرمود: و چون برای تشهد می نشینی، دو زانو را بر زمین بچسبان و میان آنها را اندکی باز کن، ولی پشت پای چپ بر زمین باشد و پشت پای راست بر درون پای چپ قرار بگیرد، و دو سرین تو و کنار انگشت شست پای راست نیز بر زمین باشد.

بپرهیز از نشستن بر روی دو پای؛ زیرا اذیت می شوی، و بر زمین نیز منشین و باید که بخشی از اعضای تو بر بخش دیگری باشد (یعنی دو سرین تو بر دو قدم تو باشد) که در غیر این صورت نمی توانی برای تشهد و دعا صبر کنی.

۲- وَبِهَذِهِ الْأَسَانِيدِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ:
 إِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ فِي الصَّلَاةِ جَمَعَتْ بَيْنَ قَدَمَيْهَا وَ لَا تُفَرِّجُ بَيْنَهُمَا، وَ تَضُمُّ
 يَدَيْهَا إِلَى صَدْرِهَا لِمَكَانٍ تَدِييْهَا، فَإِذَا رَكَعَتْ وَضَعَتْ يَدَيْهَا فَوْقَ رُكْبَتَيْهَا عَلَى
 فَخْذَيْهَا، لِئَلَّا تُطَاطِي كَثِيرًا فَتَرْتَفِعَ عَجِيزَتُهَا، فَإِذَا جَلَسَتْ فَعَلَى أَلْيَتَيْهَا لَيْسَ كَمَا
 يَقْعُدُ الرَّجُلُ.

وَ إِذَا سَقَطَتْ لِلسُّجُودِ بَدَأَتْ بِالْقُعُودِ بِالرُّكْبَتَيْنِ قَبْلَ الْيَدَيْنِ، ثُمَّ تَسْجُدُ لَا طِيَّةً
 بِالْأَرْضِ، فَإِذَا كَانَتْ فِي جُلُوسِهَا ضَمَّتْ فَخْذَيْهَا وَ رَفَعَتْ رُكْبَتَيْهَا مِنَ الْأَرْضِ، وَ
 إِذَا نَهَضَتْ أُنْسَلَّتْ أُنْسِلًا لَا تَرْفَعُ عَجِيزَتَهَا أَوْلًا.

۳- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنْتِ
 أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 لَا تُفْعَ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ إِقْعَاءً.

۲- زراره گوید: حضرتش فرمود: هنگامی که زن به نماز می ایستد، پایش را نزدیک
 یکدیگر گذارد و میان آنها فاصله نیندازد و دستانش را بر سینه خود بر روی پستان هایش
 بچسباند، و چون به رکوع می رود، دست هایش را بالای زانوان، بر روی ران های خود
 گذارد تا زیاد خم نشود که نشیمنگاه او بالا بیاید، و چون خواست بنشیند، باید بر نشیمنگاه
 نشیند، ولی نه چنان که مردان می نشینند.

و چون به سجده می رود، باید در نشستن به دوزانو پیش از دو دست شروع کند، آن گاه
 به سجده رود به گونه ای که خود را به زمین بچسباند و به هنگام نشستن، ران هایش را به
 یکدیگر بچسباند و دوزانوی خود را از زمین بلند کند، و چون می خواهد برخیزد، بدون آن
 که خم شود سرین خود را بلند کند و برخیزد.

۳- ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: میان دو سجده، بر روی دو پنجه پا منشین.

- ۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا سَجَدَتِ الْمَرْأَةُ بَسَطَتْ ذِرَاعَيْهَا.
- ۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَلَّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا هَوَى سَاجِدًا انْكَبَّ وَهُوَ يُكَبِّرُ.
- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا سَجَدَ الرَّجُلُ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَنْهَضَ فَلَا يَعْجِنُ بِيَدَيْهِ فِي الْأَرْضِ، وَ لَكِنْ يَبْسُطُ كَفَّيْهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَضَعَ مَقْعَدَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ جُلُوسِ الْمَرْأَةِ فِي الصَّلَاةِ. قَالَ: تَضُمُّ فَخْذَيْهَا.

۴- ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که زن سجده می‌کند، باید دو بازوی خود را بر زمین پهن کند.

۵- معلی بن خنیس گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که آن حضرت می‌فرمود:

علی بن الحسین عليه السلام همواره آن‌گاه که به سجده می‌رفت، تکبیر می‌گفت.

۶- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی به سجده می‌رود، چون بر می‌خیزد نباید به دستان خویش تکیه کند، ولی

دو کف دست خود را بر زمین بگستراند، بدون آن که نشیمنگاه را بر زمین گذارد.

۷- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از آن حضرت (امام صادق عليه السلام) در مورد

چگونگی نشستن زن در نماز پرسیدم.

فرمود: باید دو ران خود را به یکدیگر بچسباند.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

الْمَرْأَةُ إِذَا سَجَدَتْ تَضَمَّتْ، وَ الرَّجُلُ إِذَا سَجَدَ تَفَتَّحَ.

۹- عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ».

قَالَ: «النَّحْرُ»: الْإِعْتِدَالُ فِي الْقِيَامِ أَنْ يُقِيمَ صُلْبَهُ وَ نَحْرَهُ.

وَ قَالَ: لَا تُكْفِّرْ، فَإِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ، وَ لَا تَلْتَمَّ وَ لَا تَحْتَفِزْ، وَ لَا تُفْعِ عَلَى قَدَمَيْكَ، وَ لَا تَفْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ.

۸- یکی از اصحاب ما گوید: حضرتش فرمود:

هنگامی که زن سجده می کند، باید اعضای خود را به یکدیگر بچسباند و مرد به هنگام سجده باید اعضای خود را از یکدیگر باز نگاه دارد.

۹- راوی گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: منظور از گفتار خدا که می فرماید: «پس به پروردگارت نماز خوان و نحر کن» چیست؟

فرمود: منظور از «نحر»، اعتدال و راست شدن در هنگام ایستادن است که باید پشت خود را راست و مستقیم گیرد.

حضرتش فرمود: (در نماز) دست بر دست (یا دست بر سینه) مگذار؛ زیرا این، عملی است که مجوس انجام می دهند. دهان بند بر دهان خود مگذار، اعضای خود را به یکدیگر متصل مکن، بر دو پاشنه پا منشین و بازوان خویش را بر زمین نگستران.

(۳۰)

بَابُ التَّشْهُدِ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ وَ الرَّابِعَةِ وَ التَّسْلِيمِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّشْهُدِ .

فَقَالَ: لَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ وَاجِبًا عَلَى النَّاسِ هَلَكُوا، إِنَّمَا كَانَ الْقَوْمُ يَقُولُونَ أَيْسَرَ مَا يَعْلَمُونَ إِذَا حَمَدَتَ اللَّهُ أَجْرًا عَنْكَ.

۲ - وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ فِي التَّشْهُدِ وَ الْقُنُوتِ؟ قَالَ: قُلْ بِأَحْسَنِ مَا عَلِمْتَ، فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ مُوقَّتًا لَهَلَكَ النَّاسُ.

بخش سیام**تشهد در دو رکعت اول و رکعت چهارم و سلام دادن**

۱ - بکر بن حبیب گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد تشهد پرسیدم.

فرمود: اگر آن چنان که مردم می‌گویند، بر مردم واجب بود، همه به هلاکت می‌افتادند، بلکه مردم باید آسان‌ترین آن چه را که می‌دانند بگویند و همین اندازه که خداوند را حمد و ثنا گویی کفایت می‌کند.

۲ - و در روایت دیگر، بکر بن حبیب گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: در تشهد و قنوت چه بگویم؟

فرمود: بهترین چیزی را که می‌دانی بگو؛ زیرا اگر دعایی معین داشت مردم هلاک می‌شدند.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ طَلْحَةَ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ أَدْنَى مَا يُجْزَى مِنَ التَّشْهُدِ.

فَقَالَ: الشَّهَادَتَانِ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَقْرَأُ فِي التَّشْهُدِ مَا طَابَ فَلِلَّهِ وَ مَا خَبِثَ فَلِغَيْرِهِ.

فَقَالَ: هَكَذَا كَانَ يَقُولُ عَلِيُّ عليه السلام.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ التَّشْهُدَ وَ لَا يُسْمِعُونَهُ هُمْ شَيْئاً.

۳- سورة بن کلیب گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم کمترین چیزی که در تشهد باید گفت،

چیست؟

فرمود: شهادتین.

۴- یعقوب بن شعیب گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: آیا در تشهد بخوانم: «ما طاب

فَلِلَّهِ وَ مَا خَبِثَ فَلِغَيْرِهِ»؟

فرمود: علی عليه السلام نیز چنین می فرمود.

۵- حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای امام جماعت شایسته است که تشهد را به گوش مأمومین برساند، و مأمومین نباید

چیزی را به گوش او برسانند.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كُلُّ مَا ذَكَرْتَ اللَّهُ بِهِ وَ النَّبِيِّ ﷺ فَهُوَ مِنَ الصَّلَاةِ وَإِنْ قُلْتَ: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» فَقَدْ أَنْصَرَفْتَ.

۷- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كُنْتَ فِي صَفِّ فَسَلِّمْ تَسْلِيمَةً عَنْ يَمِينِكَ وَ تَسْلِيمَةً عَنْ يَسَارِكَ، لِأَنَّ عَنْ يَسَارِكَ مَنْ يُسَلِّمُ عَلَيْكَ، وَإِذَا كُنْتَ إِمَامًا فَسَلِّمْ تَسْلِيمَةً وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَنْصَرَفْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَانصَرِفْ عَنْ يَمِينِكَ.

۶- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

هر چه (پس از تشهد) خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد کنی جزو نماز محسوب می شود، و چون گفتمی: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» از نماز خارج می شوی.

۷- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چون در میان صف نماز جماعت هستی، به سمت راست خود یک سلام گوی و یک سلام نیز به سمت چپ خود؛ زیرا که سمت چپت، کسی است که به تو سلام می کند، و اگر امام جماعت بودی در حالی که رو به قبله هستی، فقط یک سلام کافی است.

۸- سماعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: چون نماز را به پایان رساندی، از سمت راست

خود به پایان ببر.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَنبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّفِّ خَلْفَ الْإِمَامِ وَ لَيْسَ عَلَى يَسَارِهِ أَحَدٌ كَيْفَ يُسَلِّمُ. قَالَ: يُسَلِّمُ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهِ.

۱۰- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا قُمْتَ مِنَ الرَّكْعَةِ فَأَعْتَمِدْ عَلَى كَتِفِكَ وَ قُلْ: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ»، فَإِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا جَلَسْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ فَتَشَهَّدْتَ ثُمَّ قُمْتَ فَقُلْ: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ».

۹- عنبسة بن مصعب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در صف نماز جماعت پشت سر امام ایستاده و در سمت چپ او کسی نیست، چگونه باید سلام گوید؟ فرمود: یک سلام به سمت راست خود بگوید.

۱۰- ابو بکر حضرمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه از رکعتی که تمام شده برخاستی به دو کف دست خود تکیه کن و برخیز و بگو: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ»، زیرا علی عليه السلام این چنین می کرد.

۱۱- محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه در دو رکعت آغازین نماز نشستی و تشهد گفتی، سپس برخاستی بگو: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ».

(۳۱)

بَابُ الْقُنُوتِ فِي الْفَرِيضَةِ وَالنَّافِلَةِ وَ مَتَى هُوَ؟ وَ مَا يُجْزِي فِيهِ؟

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ .
فَقَالَ: أَقْنَتْ فِيهِنَّ جَمِيعاً .
قَالَ: وَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ ذَلِكَ عَنِ الْقُنُوتِ .
فَقَالَ لِي: أَمَّا مَا جَهَرْتَ فَلَا تَشُكَّ .
- ۲ - أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّاماً، فَكَانَ يَقْنُتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ يَجْهَرُ فِيهَا وَ لَا يَجْهَرُ فِيهَا .

بخش سی و یکم**قنوت در نماز واجب و نافله، قنوت در کجا لازم است؟
و در آن چه باید گفت؟**

- ۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد قنوت نمازهای پنجگانه پرسیدم. فرمود: در تمام آنها قنوت لازم است.
- محمد بن مسلم گوید: بعد از این، باز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد قنوت پرسیدم. فرمود: در نمازهای جهری، تردیدی در لازم بودن آن نیست.
- ۲ - صفوان جمّال گوید: چند روزی پشت سر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز می‌خواندم، آن حضرت در هر نمازی قنوت می‌خواند، هم در نمازهایی که بلند می‌خواند و هم در نمازهایی آهسته می‌خواند.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقُنُوتِ .

فَقَالَ: فِيمَا يُجْهَرُ فِيهِ بِالْقِرَاءَةِ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي سَأَلْتُ أَبَاكَ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: فِي الْخَمْسِ كُلِّهَا .

فَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ أَبِي! إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي أَتَوْهُ فَسَأَلُوهُ فَأَخْبَرَهُمْ بِالْحَقِّ ثُمَّ أَتُونِي شُكَاكًا فَأَفْتِيْتَهُمْ بِالتَّقِيَّةِ.

۴- عَلِيُّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

الْفَضِيلِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع:

أَقْنَتْ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فَرِيضَةً أَوْ نَافِلَةً قَبْلَ الرُّكُوعِ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ

الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقُنُوتِ .

فَقَالَ: فِي كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةً وَ نَافِلَةً.

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق ع در مورد قنوت پرسیدم.

فرمود: قنوت را باید در نماز جهری خواند.

به آن حضرت عرض کردم: روزی از پدر شما (امام باقر ع) درباره آن پرسیدم.

ایشان چنین فرمود: در تمام نمازهای پنجگانه باید قنوت خواند.

فرمود: خداوند پدرم را رحمت کند! اصحاب پدرم نزد حضرتش آمدند و در این مورد

پرسیدند، آن حضرت آن چه را که حق و واقع بود، به آنان پاسخ داد، ولی من سؤال

کنندگان را مشکوک یافتم و از روی تقیه به آنان فتوی دادم.

۴- حارث بن مغیره گوید: امام صادق ع فرمود:

در هر نماز دو رکعتی - چه در نماز واجب و چه در نماز نافله - پیش از رکوع قنوت بخوان.

۵- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق ع در مورد قنوت پرسیدم.

فرمود: در هر نماز - چه واجب و چه نافله - لازم است.

- ۶- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ يُونُسَ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ تَرَكَ الْقُنُوتَ رَغْبَةً عَنْهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.
- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْقُنُوتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقُنُوتِ وَ مَا يُقَالُ فِيهِ. فَقَالَ: مَا قَضَى اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ، وَ لَا أَعْلَمُ لَهُ شَيْئًا مَوْقَاتًا.
- ۹- بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعُنُوتُ فِي الْفَرِيضَةِ الدُّعَاءُ وَ فِي الْوَتْرِ الْإِسْتِغْفَارُ.

- ۶- وهب بن عبدربه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که قنوت را به خاطر بی رغبتی ترک کند، نمازی ندارد.
- ۷- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: قنوت در هر نماز در رکعت دوم و پیش از رکوع است.
- ۸- اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد قنوت و آنچه بایستی در آن خواند، پرسیدم.
- فرمود: هرچه که خداوند بر زبان جاری کرد، بگو و برای آن چیز معینی را سراغ ندارم.
- ۹- عبدالرحمان بن ابی عبد الله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: قنوت در نماز واجب، دعاست و در نماز وتر استغفار.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ نَسِيَ الْقُنُوتَ فَذَكَرَهُ وَهُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ. فَقَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ ثُمَّ لِيَقُلَّهُ.

ثُمَّ قَالَ: إِنِّي لَا أَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَرْغَبَ عَنْ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَوْ يَدَعَهَا.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَدْنَى الْقُنُوتِ.

فَقَالَ: خَمْسُ تَسْبِيحَاتٍ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُجْزِيكَ فِي الْقُنُوتِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۱۰ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: شخصی قنوت را فراموش می‌کند و در بین راه به یادش می‌افتد (وظیفه او چیست؟).

فرمود: رو به قبله کند و آن را به جای آورد.

سپس فرمود: دوست ندارم کسی نسبت به سنت رسول خدا صلى الله عليه وآله بی‌میل شود، یا آن را ترک کند.

۱۱ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام درباره کمترین مقدار قنوت پرسیدم.

فرمود: پنج تسبیح است.

۱۲ - سعد بن ابی خلف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در قنوت کافی است که بخوانی:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛

«بارخدایا! ما را بیامرز، بر ما رحمت فرما، ما را سلامت دار و از ما، در دنیا و جهان

آخرت در گذر؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی».

- ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا أَعْرِفُ قُنُوتًا إِلَّا قَبْلَ الرُّكُوعِ.
- ۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَفْطِينَ قَالَ:
- سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا عليه السلام عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْوَتْرِ وَالْفَجْرِ وَمَا يُجْهَرُ فِيهِ قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ.
- فَقَالَ: قَبْلَ الرُّكُوعِ حِينَ تَفْرُغُ مِنْ قِرَاءَتِكَ.
- ۱۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ:
- الْقُنُوتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ فِي الْفَرِيضَةِ وَالتَّطَوُّعِ.

۱۳ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

من قنوتی را سراغ ندارم، مگر آن که پیش از رکوع باشد.

۱۴ - یعقوب بن یقظین گوید: از عبد صالح عليه السلام در مورد قنوت در نماز وتر، نماز صبح و

هر نماز جهری پرسیدم که آیا پیش از رکوع است، یا بعد از آن؟

فرمود: پیش از رکوع است، هنگامی که از قرائت فارغ می شوی.

۱۵ - محمد بن مسلم گوید: امام عليه السلام فرمود:

قنوت در همه نمازهای واجب و نمازهای نافله وارد است.

(۳۲)

بَابُ التَّعْقِيبِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالدُّعَاءِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَنْتَقِلَ إِذَا سَلَّمَ حَتَّى يُتِمَّ مَنْ خَلْفَهُ الصَّلَاةَ. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَوْمٌ فِي الصَّلَاةِ هَلْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُعَقَّبَ بِأَصْحَابِهِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ؟

فَقَالَ: يُسَبِّحُ وَيَذْهَبُ مَنْ شَاءَ لِحَاجَتِهِ وَلَا يُعَقَّبُ رَجُلٌ لِتَعْقِيبِ الْإِمَامِ. ۲ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

بخش سی و دوم

دعا و تعقیب بعد از نماز

۱ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

برای امام جماعت شایسته نیست که چون سلام دهد از جای خود حرکت کند تا آن کسی که پشت سر اوست، نماز را تمام نماید.

حلبی گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا برای پیشنماز شایسته است که یاران خود را امر به تعقیب نماز کند؟

فرمود: تسبیح بگوید و هر که خواست برود و لازم نیست مأموم، همانند امام تعقیبات را انجام دهد.

۲ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

أَيُّمَا رَجُلٍ أَمْ قَوْمًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَفْعَدَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَلَا يَخْرُجَ مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ حَتَّى يُتِمَّ الَّذِينَ خَلْفَهُ الَّذِينَ سَبَقُوا صَلَاتَهُمْ ذَلِكَ عَلَى كُلِّ إِمَامٍ وَاجِبٌ إِذَا عَلِمَ أَنَّ فِيهِمْ مَسْبُوقًا، وَإِنْ عَلِمَ أَنْ لَيْسَ فِيهِمْ مَسْبُوقٌ بِالصَّلَاةِ فَلْيَذْهَبْ حَيْثُ شَاءَ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ صَلَّى صَلَاةً فَرِيضَةً وَعَقَّبَ إِلَى أُخْرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي بَانٍ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُغِيرَةَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

إِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ عَلَى الدُّعَاءِ بَعْدَ النَّافِلَةِ كَفَضْلِ الْفَرِيضَةِ عَلَى النَّافِلَةِ.

هر که بر گروهی در نماز، امامت می‌کند، بر او لازم است که پس از سلام بنشیند و از جای خود بر نخیزد تا کسانی که بعداً رسیده‌اند نماز خود را تمام نمایند، این کار برای هر پیشنهادی واجب است در صورتی که بدانند کسانی هستند که پس از او رسیده‌اند، ولی اگر بدانند که چنین کسانی در میان نمازگزاران نیستند، می‌تواند برخیزد و هر جا خواست برود.

۳- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس نماز واجبی بخواند و تا وقت نماز بعدی تعقیب بخواند، مهمان خداست، و بر خداوند لازم است که مهمان خود را گرامی بدارد.

۴- حسن بن مغیره گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

فضیلت دعای پس از نماز واجب، بر دعای پس از نماز نافله، مانند فضیلت نماز واجب بر نافله است.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: ادْعُهُ وَلَا تَقُلْ قَدْ فُرِعَ مِنَ الْأَمْرِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾.

وَقَالَ: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾.

وَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ فَمَجِّدْهُ وَاحْمَدْهُ وَسَبِّحْهُ وَهَلِّلْهُ وَأُثْنِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ سَلِّ تَعْطَ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ:

الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ تَنْقُلًا.

۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ﷺ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِيَبْدَأَ بِالتَّكْبِيرِ.

راوی گوید: سپس حضرتش فرمود: دعا بخوان و نگو نماز پایان یافت، چرا که دعا، همان عبادت است، به راستی خداوند ﷻ می فرماید: «کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی با خواری وارد دوزخ خواهند شد».

و فرمود: «مرا بخوانید تا شما را استجابت نمایم».

و فرمود: هرگاه خواستی دعا کنی خدا را با عظمت یاد کن و ستایش نما و او را تسبیح کن و تهلیل بگو و بر او ثناگو و بر پیامبر ﷺ درود فرست، آن گاه حاجت خود را بخواه تا روا شود.

۵- زراره گوید: امام باقر ﷺ فرمود:

دعای پس از نماز واجب، بهتر از نماز نافله است.

۶- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

هر کس خدا را با تسبیحات حضرت فاطمه زهرا ﷺ تسبیح گوید، پیش از آن که از نماز واجب بر خیزد، خداوند او را بیامرزد، و بایستی با تکبیر شروع کند.

۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ الْمِائَةَ مَرَّةً وَاتَّبَعَهَا بِ«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.

۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِذَّافِرٍ قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ أَبِي عَنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. فَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» حَتَّى أَحْصَاهَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً.

ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» حَتَّى بَلَغَ سَبْعًا وَسِتِّينَ.

ثُمَّ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» حَتَّى بَلَغَ مِائَةً يُحْصِيهَا بِيَدِهِ جُمْلَةً وَاحِدَةً.

۹ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۷- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس در پی هر نماز واجب خدا را با تسبیحات حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ - که صد مرتبه است - تسبیح گوید، سپس «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، خداوند او را بیمارزد.

۸- محمد بن عذافر گوید: همراه پدرم خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف یاب شدم. پدرم از آن حضرت در مورد تسبیحات حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ پرسید.

فرمود: «اللَّهُ اكْبَرُ» و سی و چهار مرتبه شمرد.

سپس فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» تا این که به شصت و هفت رسید (یعنی سی و سه مرتبه الحمد لله گفت) پس از آن فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ» تا به صد رسید (یعنی آن را نیز سی و سه مرتبه گفت) و همه آنها را به دست خود می شمرد.

۹- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

فِي تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يُبْدَأُ بِالتَّكْبِيرِ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ، ثُمَّ التَّحْمِيدِ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ، ثُمَّ التَّسْبِيحِ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الْخَبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نُؤَيْرٍ وَ أَبِي سَلَمَةَ السَّرَّاجِ قَالَا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي ذُبْرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ، وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ مُعَاوِيَةُ، وَ يُسَمِّيهِمْ وَ فُلَانَةٌ وَ فُلَانَةٌ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتُ مُعَاوِيَةَ.

۱۱ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. إِذَا شَكَّكَتَ فِي تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَعِدْ.

۱۲ - عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيَصِلُهُ وَ لَا يَقْطَعُهُ.

تسبیحات حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ با سی و چهار تکبیر شروع می شود، سپس سی و سه بار «الحمد لله»، و پس از آن سی و سه بار «سبحان الله».

۱۰ - حسین بن ثویر و ابوسلمه سراج گویند: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدیم که پس از هر نماز واجب، چهار نفر از مردان و چهار نفر از زنان را لعن می فرمود: فلان، فلان، فلان و معاویة و آنها را نام می برد، و فلانه، فلانه، هند و امّ حکم خواهر معاویة.

۱۱ - محمد بن احمد در روایت مرفوعه ای می گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه در تسبیحات حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ شک کردی آن را اعاده کن.

۱۲ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به تسبیحات حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ تسبیح می گفت و آنها را به یکدیگر متصل می خواند و در میانشان فاصله نمی انداخت.

- ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ فَأَلْزِمُهُ، فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزِمُهُ عَبْدٌ فَشَقِي.
- ۱۴ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ مِنْ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَاطِمَةَ عليها السلام.
- ۱۵ - وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عليها السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.
- ۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

۱۳ - ابو هارون مكفوف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ای ابا هارون! ما فرزندان خود را به تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام فرمان می دهیم؛ همان گونه که آنان را به نماز فرمان می دهیم، و تو بر آن مداومت کن؛ زیرا بنده ای که به آن مداومت کند، شقی و بدبخت نخواهد شد.

۱۴ - عقبه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند متعال با هیچ تسبیحی از حمد و ستایش عبادت نشده که از تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام بهتر باشد؛ زیرا اگر چیزی بهتر از آن بود، رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را به حضرت فاطمه عليها السلام عطا می کرد.

۱۵ - ابو خالد قمّاط گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام در هر روز پس از هر نماز، نزد من بهتر از هزار رکعت نماز در هر روز است.

۱۶ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

أَقْلُ مَا يُجْزِيكَ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَنْ تَقُولَ:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ».

۱۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ
 عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.
 يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فِي الوُتْرِ وَ بَعْدَ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ بَعْدَ
 الْمَغْرِبِ.

۱۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
 أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
 لَا تَدْعُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ: «أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِإِلَهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى
 تَخْتِمَهَا وَ أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي
 بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا».

کمترین و کوثاترین دعایی که کافی است پس از نماز واجب بخوانی این که بگویی:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ».

۱۷ - فضل بن عبدالمکک گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 دعا در چهار موضع به اجابت می رسد: نماز وتر، بعد از سپیده دم، بعد از ظهر و بعد از
 مغرب.

۱۸ - محمد واسطی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
 هیچگاه پس از نماز این دعا را ترک مکن: «أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِإِلَهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ» تا
 به پایان برسانی. «وَأُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ» تا به پایان برسانی. «وَأُعِيدُ نَفْسِي وَ
 مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ» تا به پایان برسانی.

- ۱۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَنْسُوا الْمُوجِبَتَيْنِ - أَوْ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالْمُوجِبَتَيْنِ - فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ. قُلْتُ: وَمَا الْمُوجِبَتَانِ؟ قَالَ: تَسْأَلُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.
- ۲۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ الرَّجُلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةَ مَرَّةٍ «شُكْرًا شُكْرًا» وَإِنْ شِئْتَ «عَفْوًا عَفْوًا».
- ۲۱ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ سَبَقَتْ أَصَابِعُهُ لِسَانَهُ حُسِبَ لَهُ.

۱۹ - زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

فراموش نکنید - یا این که فرمود: بر شما باد - پس از هر نماز آن دو چیزی را که موجب می شوند.

عرض کردم: آن دو چیز چیستند؟

فرمود: از خداوند بهشت را درخواست کنید و از آتش دوزخ به او پناه ببرید.

۲۰ - سلیمان بن حفص مروزی گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره سجدۀ شکر نامه‌ای نوشتم.

حضرتش در پاسخ نوشت: صد بار «شُكْرًا شُكْرًا» و اگر خواستی «عَفْوًا عَفْوًا» بگو.

۲۱ - سماعة بن مهران گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

انگشتان هر فردی بر زبانش پیشی گیرد (یعنی آن تسبیح را به اشتباه بشمارد) آن تسبیح

برای او حساب می شود.

۲۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ الْعِجْلِيِّ مَوْلَى أَبِي الْمَعْرَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ثَلَاثٌ أُعْطِينَ سَمْعَ الْخَلَائِقِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ وَالْحُورُ الْعِينُ. فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ.

قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ! إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ سَأَلَكَ أَنْ تُعْتِقَهُ مِنِّي فَأَعْتِقْهُ.
 وَ قَالَتِ الْجَنَّةُ: يَا رَبِّ! إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ سَأَلَكَ إِيَّايَ فَأَسْكِنُهُ فِيَّ.
 وَ قَالَتِ الْحُورُ الْعِينُ: يَا رَبِّ! إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ حَظَبَنَا إِلَيْكَ فَزَوِّجْهُ مِنَّا.
 فَإِنَّ هُوَ أَنْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا مِنْ هَذِهِ.
 قُلْنَ الْحُورُ الْعِينُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِينَا لَزَاهِدٌ.
 وَ قَالَتِ الْجَنَّةُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِيَّ لَزَاهِدٌ.
 وَ قَالَتِ النَّارُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِيَّ لَجَاهِلٌ.

۲۲ - داوود عجلی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
 سه چیز است که شنوایی آفریدگان به آنان عطا شده است (و آنان سخن آفریدگان را می شنوند): بهشت، آتش و حوریان بهشتی.
 هنگامی که بنده نمازگزار بگوید: «خدایا! مرا از آتش آزاد کن، وارد بهشت کن و حوریان بهشتی را به ازدواج من بیاور»؛
 آتش گوید: پروردگارا! به راستی که بنده ات از تو خواست که او را از من آزاد کنی، پس او را آزاد فرما.
 بهشت گوید: پروردگارا! به راستی که بنده ات از تو مرا در خواست نمود، پس او را در من ساکن گردان.
 و حوریان بهشتی گویند: پروردگارا! بنده ات ما را از تو خواستگاری کرد، پس ما را به عقد او در آور.
 ولی اگر از نماز خود فارغ شود و آنها را در خواست نکند، حوریان بهشتی گویند: این بنده به ما رغبتی ندارد، بهشت گوید: این بنده به من میلی ندارد و آتش گوید: این بنده از من بی خبر است.

۲۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :

دُعَاءٌ يُدْعَى بِهِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تُصَلِّيْهَا، فَإِنْ كَانَ بِكَ دَاءٌ مِنْ سَقَمٍ وَ وَجَعٍ، فَإِذَا قَضَيْتَ صَلَاتَكَ فَأَمْسَحْ بِبَيْدِكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ مِنَ الْأَرْضِ، وَ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَ أَمِّرْ بِبَيْدِكَ عَلَى مَوْضِعِ وَجَعِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ تَقُولُ:

«يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ ارزُقْنِي كَذَا وَ كَذَا وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا».

۲۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجْرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

تَمْسَحُ بِبَيْدِكَ الْيَمْنَى عَلَى جَبْهَتِكَ وَ وَجْهِكَ فِي دُبُرِ الْمَغْرِبِ وَ الصَّلَوَاتِ وَ تَقُولُ:

۲۳- احمد بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: از امام صادق عليه السلام دعایی روایت شده که پس از هر نماز خوانده می‌شود. هرگاه از بیماری و دردی شکوه‌ای داری، چون نماز خود را تمام کردی، دست خود را بر سجده‌گاہت بکش و این دعا را هفت بار بخوان:

«يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ ارزُقْنِي كَذَا وَ كَذَا وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا».

۲۴- محمد بن مروان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پس از نماز مغرب و همه نمازها دست راست خود را به پیشانی و روی خود می‌کشی و می‌گویی:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ
 الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالسُّقْمِ وَالْعُدْمِ وَالصَّغَارِ وَالذُّلِّ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ».

۲۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّسْبِيحِ .
 فَقَالَ: مَا عَلِمْتُ شَيْئًا مَوْقُوفًا غَيْرَ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ بَعْدَ الْعِدَاةِ
 تَقُولُ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّ وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُخَيِّ بِيَدِهِ
 الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

وَ لَكِنَّ الْإِنْسَانَ يُسْبِحُ مَا شَاءَ نَطْوَعًا.

۲۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ
 الْقُمِّيِّ عَنْ إِدْرِيسَ أَخِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ
 الْحَزَنِ وَالسُّقْمِ وَالْعُدْمِ وَالصَّغَارِ وَالذُّلِّ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ».

۲۵ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد تسبیح پرسیدم.
 فرمود: من از تسبیح چیز مقرر جز تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها سراغ ندارم و
 این که ده بار پس از طلوع فجر بگویی: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّ وَ
 يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُخَيِّ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» .
 ولی انسان هر چه خواست می تواند تسبیح گوید.

۲۶ - ادريس گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

إِذَا فَرَعْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ رَسُولِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَوْلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ» وَتَسْمِيهِمْ.

ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِهِمْ وَالرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَ مَا لَمْ يَأْتِنَا مِنْ مُقَرَّرٍ مُسَلَّمٍ بِذَلِكَ رَاضٍ بِمَا رَضِيَتْ بِهِ يَا رَبُّ أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ فِيهِ فَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمِتْنِي عَلَى ذَلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مَعْصِيكَ وَ لَا تَكِلَنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً مَا أَحْيَيْتَنِي لِأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثُرَ إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي عَلَيْهَا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تَحْتَمَّ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ لَا تَحْوِلَنِي عَنْهَا أَبَداً وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ».

هرگاه از نماز خود فارغ شدی، بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ رَسُولِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَوْلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ» وَأَنْهَا رَانَام مِی بَرِی.

سپس بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِهِمْ وَالرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَ مَا لَمْ يَأْتِنَا مِنْ مُقَرَّرٍ مُسَلَّمٍ بِذَلِكَ رَاضٍ بِمَا رَضِيَتْ بِهِ يَا رَبُّ أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ فِيهِ فَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمِتْنِي عَلَى ذَلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مَعْصِيكَ وَ لَا تَكِلَنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً مَا أَحْيَيْتَنِي لِأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثُرَ إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي عَلَيْهَا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تَحْتَمَّ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ لَا تَحْوِلَنِي عَنْهَا أَبَداً وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ».

۲۷ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ ابْنِ عَمْرِو بْنِ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَا تَدْعُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ:

«أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا».

۲۸ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام إِنْ رَأَيْتَ يَا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبُرِ صَلَوَاتِي يَجْمَعُ اللَّهُ لِي بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. فَكَتَبَ عليه السلام تَقُولُ:

«أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا».

۲۷ - محمد واسطی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هیچگاه پس از نماز این دعا را ترک مکن «أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيدُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا».

۲۸ - علی بن مهزیار گوید: محمد بن ابراهیم در نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشت:

ای سرور من! دعایی به من تعلیم فرما که پس از همه نمازهایم بخوانم تا خداوند خیر دنیا و جهان آخرت را برای من جمع فرماید.

آن حضرت عليه السلام نوشت: بگو:

«أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا».

(۳۳)

بَابُ مَنْ أَحَدَّثَ قَبْلَ التَّسْلِيمِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى الْفَرِيضَةَ، فَلَمَّا فَرَّغَ وَرَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الرَّكْعَةِ الرَّابِعَةِ أَحَدَّثَ .
- فَقَالَ: أَمَّا صَلَاتُهُ فَقَدْ مَضَتْ وَبَقِيَ التَّشَهُدُ، وَإِنَّمَا التَّشَهُدُ سُنَّةٌ فِي الصَّلَاةِ فَلَيْتَوَضَّأَ وَلْيَعُدَّ إِلَى مَجْلِسِهِ أَوْ مَكَانٍ نَظِيفٍ فَيَتَشَهَّدَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُحَدِّثُ بَعْدَ مَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ قَبْلَ أَنْ يَتَشَهَّدَ قَالَ:

بخش سی و سوم

کسی که پیش از سلام حدثی از او سرزند

- ۱ - عبید بن زرارہ گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که نماز واجب می خواند و هنگامی که سر خود را از سجده دوم رکعت چهارم بر می دارد، حدثی از او سر می زند (چه وظیفه ای دارد؟)
- فرمود: نماز چنین کسی تمام شده است، و تشهد باقی مانده سنت است. پس بایستی وضو بگیرد و به جای خود یا مکانی دیگر - که پاکیزه باشد - بازگردد و تشهد خود را بخواند.
- ۲ - زرارہ گوید: امام باقر عليه السلام درباره شخصی که پس از آن که سر خود را از سجده آخر برمی دارد، پیش از خواندن تشهد حدثی از او سر می زند، فرمود:

يَنْصَرِفُ فَيَتَوَضَّأُ فَإِنْ شَاءَ رَجَعَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَإِنْ شَاءَ فَبِيَّتِهِ وَإِنْ شَاءَ حَيْثُ شَاءَ يُفْعَدُ فَيَتَشَهَّدُ ثُمَّ يُسَلِّمُ، وَإِنْ كَانَ الْحَدَثُ بَعْدَ التَّشَهُدِ فَقَدْ مَضَتْ صَلَاتُهُ.

(۳۴)

بَابُ السَّهْوِ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِتَاحِ. قَالَ: يُعِيدُ.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ أَوْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي فَلَمْ يَفْتَتِحْ بِالتَّكْبِيرِ هَلْ تُجْزِئُهُ تَكْبِيرَةُ الرَّكُوعِ؟

باید بر خیزد و وضو سازد. پس اگر خواست به مسجد بازگردد، یا در خانه و یا جایی دیگر بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد، و اگر حدث بعد از تشهد باشد، نمازش تمام شده و اشکالی بدان وارد نمی‌کند.

سی و چهارم

سهو در آغاز نماز

۱ - زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد شخصی که تکبیرة الاحرام را فراموش کرده پرسیدم.

فرمود: باید نماز را اعاده کند.

۲ - فضل یا ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره کسی که نماز می‌خواند و بعد متوجه می‌شود که تکبیرة الاحرام را نگفته است، پرسیدند که آیا آن تکبیری که با آن به رکوع می‌رود، او را کفایت می‌کند؟

قَالَ: لَا، بَلْ يُعِيدُ صَلَاتَهُ إِذَا حَفِظَ أَنَّهُ لَمْ يُكَبِّرْ.
 ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 الْإِمَامُ يَحْمِلُ أَوْهَامَ مَنْ خَلْفَهُ إِلَّا تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِتَاحِ.

(۳۵)

بَابُ السَّهْوِ فِي الْقِرَاءَةِ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:
 إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ وَ الْقِرَاءَةَ سُنَّةً، فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّدًا أَعَادَ الصَّلَاةَ، وَ مَنْ نَسِيَ الْقِرَاءَةَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أُمَّ الْقُرْآنِ.

فرمود: نه. بلکه در صورتی که بداند تکبیرة الاحرام را نگفته است، باید نماز خود را اعاده کند.

۳- محمد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 امام جماعت، همه سهوهای مأمومین را برطرف می‌کند مگر سهو در تکبیرة الاحرام را.

بخش سی و پنجم

سهو در قرائت

- ۱- محمد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فرمود:
 به راستی که خداوند، رکوع و سجود را واجب فرموده، ولی قرائت سنت است. پس هر کس قرائت را از روی عمد ترک نماید، باید نمازش را اعاده کند و هرکه قرائت را فراموش کند، نمازش تمام است و چیزی بر او واجب نیست.
- ۲- ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد کسی که سوره حمد را فراموش می‌کند، پرسیدم.

قَالَ: إِنْ كَانَ لَمْ يَزَكَّ فَلْيَعِدْ أُمَّ الْقُرْآنِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَةَ فَنَسِيتُ أَنْ أَقْرَأَ فِي صَلَاتِي كُلَّهَا.

فَقَالَ: أَلَيْسَ قَدْ أَتَمَمْتَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ؟
قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: قَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ إِذَا كَانَ نِسْيَانًا.

(۳۶)

بَابُ السَّهْوِ فِي الرُّكُوعِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَشُكُّ وَ هُوَ قَائِمٌ لَا يَدْرِي رَكَعَ أَمْ لَمْ يَزَكَّ؟

فرمود: اگر به رکوع نرفته، باید آن را بخواند.

۳- منصور بن حازم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من نماز واجبی خواندم و در تمام آن، قرائت را فراموش کردم.

فرمود: آیا رکوع و سجود آن را درست به جای نیاوردی؟

گفتم: آری، درست به جای آوردم.

فرمود: هرگاه قرائت را فراموش کنی و به جای نیاوری، نمازت درست است.

بخش سی و ششم

سهو در رکوع

۱- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در حال قیام است، شک می‌کند

که آیا رکوع را به جا آورده یا نه؟ (حکمش چیست؟)

قَالَ: يَرْكَعُ وَ يَسْجُدُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ حَتَّى يَسْجُدَ وَ يَقُومَ.
قَالَ: يَسْتَقْبِلُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
إِذَا اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ قَدْ زَادَ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ رَكْعَةً لَمْ يَعْتَدَّ بِهَا وَ اسْتَقْبَلَ الصَّلَاةَ
اسْتِقْبَالاً إِذَا كَانَ قَدْ اسْتَيْقَنَ يَقِيناً.

فرمود: باید به رکوع برود، سپس سجده کند.

۲- رفاعه گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که رکوع را فراموش می‌کند و به سجده
می‌رود و برمی‌خیزد. (چه حکمی دارد؟)

فرمود: باید نماز از سر گیرد.

۳- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه کسی یقین کند که در نماز واجب یک رکوع زیاد انجام داده است، نباید بدان اعتنا

کند، ولی در صورتی که یقین کامل کند، باید نماز را از سر گیرد.

(۳۷)

بَابُ السُّهُوِّ فِي السُّجُودِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ سَهَا فَلَمْ يَدْرِ سَجْدَةً سَجَدَ أَمْ ثِنْتَيْنِ. قَالَ: يَسْجُدُ أُخْرَى وَ لَيْسَ عَلَيْهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ الصَّلَاةِ سَجْدَتَا السُّهُوِّ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ سَجْدَةً سَجَدَ أَمْ سَجْدَتَيْنِ؟ قَالَ: يَسْجُدُ حَتَّى يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُمَا سَجْدَتَانِ.
- ۳ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ

بخش سی و هفتم**سهو در سجود**

- ۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره کسی که سجده را فراموش می کند و نمی داند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده پرسیدند. فرمود: باید سجده دیگری به جا آورد و پس از تمام شدن نماز، سجده سهو نیز بر او لازم نیست.
- ۲ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که شک کند و نداند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده پرسیدم. فرمود: باید به سجده رود، تا یقین نماید که دو سجده به جا آورده است.
- ۳ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم:

عَنْ رَجُلٍ صَلَّى رَكْعَةً ثُمَّ ذَكَرَ وَهُوَ فِي الثَّانِيَةِ وَهُوَ رَاكِعٌ أَنَّهُ تَرَكَ سَجْدَةً مِنْ الْأُولَى، فَقَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

إِذَا تَرَكَتِ السَّجْدَةَ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى وَ لَمْ تَدْرِ وَاحِدَةً أَمْ ثِنْتَيْنِ اسْتَقْبَلَتْ الصَّلَاةَ حَتَّى يَصِحَّ لَكَ أَنْهُمَا اثْنَتَانِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ شُبِّهَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَدْرِ وَاحِدَةً سَجْدَةً أَمْ ثِنْتَيْنِ. قَالَ: فَلْيَسْجُدْ أُخْرَى.

(۳۸)

بَابُ السَّهُوِ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَنبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

شخصی یک رکعت از نماز را خوانده و در رکعت دوم در حال رکوع به خاطرش می‌رسد که یک سجده از رکعت اول را فراموش کرده است.

فرمود: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمود: هرگاه یک سجده از رکعت اول را ترک کردی و ندانستی که یک سجده به جای آورده‌ای یا دو سجده، نماز خود را از سرگیر تا برای تو یقین حاصل شود که دو سجده به جا آورده‌ای.

۴ - زید شحّام گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد شخصی که بر او مشتبه می‌شود و نمی‌داند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده، فرمود: بایستی یک سجده دیگر نیز به جا آورد.

بخش سی و هشتم

سهو در دو رکعت اول

۱ - عنبسة بن مصعب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

إِذَا شَكَّكَتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ فَأَعِدْ.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ:

إِذَا سَهَا الرَّجُلُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْعَتَمَةِ وَلَمْ يَدْرِ أَوَّاحِدَةً صَلَّى أَمْ ثِنْتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصَّلَاةَ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ لَا يَدْرِي وَاحِدَةً صَلَّى أَمْ ثِنْتَيْنِ. قَالَ: يُعِيدُ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ لَمْ يَدْرِ أَمْ ثِنْتَيْنِ صَلَّى أَمْ ثَلَاثًا.

فَقَالَ: إِنْ دَخَلَهُ الشُّكُّ بَعْدَ دُخُولِهِ فِي الثَّلَاثَةِ مَضَى فِي الثَّلَاثَةِ ثُمَّ صَلَّى الْأُخْرَى وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ يُسَلِّمُ.

هرگاه در دو رکعت اول شک نمودی، نماز را اعاده کن.

۲- سماعه (که از راویان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است) گوید: امام علیه السلام فرمود:

هرگاه کسی در دو رکعت اول نماز ظهر، عصر و عشا شک کند و نداند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، بر او واجب است که نماز را اعاده نماید.

۳- زراره گوید: به امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) عرض کردم: کسی که نمی‌داند آیا یک

رکعت نماز خوانده است یا دو رکعت (چه حکمی دارد؟)

فرمود: باید نماز را اعاده کن.

گفتم: شخصی است که نمی‌داند دو رکعت به جا آورده یا سه رکعت (چه کند؟)

فرمود: اگر پس از آن که وارد رکعت سوم می‌شود شک بر او عارض شود، باید سه

رکعت را تمام کند، سپس یک رکعت دیگر بخواند و چیز دیگر بر او لازم نیست و سلام دهد.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمْ يَدْرِ فِي ثِنْتَيْنِ هُوَ أَمْ فِي أَرْبَعٍ.
 قَالَ: يُسَلِّمُ وَ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ يُسَلِّمُ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.
 ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ وَ الْحُسَيْنِ
 بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ
 الرِّضَا عليه السلام:
 الإِعَادَةُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ وَ السَّهْوُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْآخِيرَتَيْنِ.

(۳۹)

بَابُ السَّهْوِ فِي الْفَجْرِ وَ الْمَغْرِبِ وَ الْجُمُعَةِ

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
 عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِذَا شَكَّكَتَ فِي الْمَغْرِبِ فَأَعِدْ، وَإِذَا شَكَّكَتَ فِي الْفَجْرِ فَأَعِدْ.

گفتم: نمی داند در رکعت دوم است یا در رکعت چهارم.

فرمود: باید سلام دهد و برخیزد، سپس دو رکعت نماز بخواند و سلام دهد و دیگر
 چیزی بر او لازم نیست.

٤- حسن بن علی و شاکوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

اعاده نماز، در دو رکعت اول است، و شک در دو رکعت پایانی.

بخش سی و نهم

سهو در نمازهای صبح، مغرب و جمعه

١- حفص بن بختری و راوی دیگر گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در نماز مغرب شک کردی، آن را اعاده کن، و هرگاه در نماز صبح شک کردی، آن
 را اعاده کن.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ لَا يَدْرِي وَاحِدَةً صَلَّى أَمْ ثِنْتَيْنِ. قَالَ: يَسْتَقْبَلُ حَتَّى يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُ قَدْ أَتَمَّ، وَ فِي الْجُمُعَةِ وَ فِي الْمَغْرِبِ وَ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ بِأَصْحَابِي الْمَغْرِبَ، فَلَمَّا أَنْ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ سَلَّمْتُ. فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ.

فَأَعَدْتُ فَأَخْبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع.

فَقَالَ: لَعَلَّكَ أَعَدْتَ.

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فَصَحِّحْكَ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يُجْزِئُكَ أَنْ تُتَوَمَّ فَتُرْكَعَ رَكَعَةً.

۲- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که نماز می خواند و نمی داند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت پرسیدم.

فرمود: باید نماز خود را از سر گیرد تا یقین کند که آن را کامل خوانده است، و در نماز جمعه، نماز مغرب و نماز در سفر نیز در چنین حالتی نماز را از سر گیرد.

۳- ابوبکر حضرمی گوید: با دوستان خود نماز مغرب را (به جماعت) به جای آوردم و چون دو رکعت خواندم، سلام دادم.

یکی از آنان گفت: نماز را دو رکعت خواندی. من نماز را اعاده کردم. سپس جریان را برای امام صادق علیه السلام باز گفتم.

حضرتش فرمود: مگر نماز را اعاده کردی؟

عرض کردم: آری.

حضرتش خندید، سپس فرمود: برای تو کفایت می کرد که یک رکعت دیگر به جا می آوردی.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ فِي الْمَغْرِبِ وَالْفَجْرِ سَهْوٌ.

(۴۰)

بَابُ السَّهْوِ فِي الثَّلَاثِ وَالْأَرْبَعِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى فَلَمْ يَدْرَ فِي الثَّلَاثَةِ هُوَ أَمْ فِي الرَّابِعَةِ. قَالَ: فَمَا ذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَيْهِ إِنْ رَأَى أَنَّهُ فِي الثَّلَاثَةِ، وَفِي قَلْبِهِ مِنَ الرَّابِعَةِ شَيْءٌ سَلَّمَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ يَفْرَأُ فِيهِمَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ.

۴ - راوی گوید امام صادق عليه السلام فرمود:

در نماز مغرب و صبح، سهو (شک) وجود ندارد.

بخش چهلم

سهو در رکعت سوم و چهارم

۱ - ابوبصیر (که از راویان امام باقر و امام صادق عليه السلام است) گوید: از امام عليه السلام در مورد شخصی که نماز می خواند، ولی نمی داند که آیا در رکعت سوم است در رکعت چهارم پرسیدم. فرمود: بنا را بر طرفی که احتمال می دهد بگذارد، اگر احتمال می دهد که در رکعت سوم است و در دلش به چهار رکعت شک دارد، سلام دهد، سپس دو رکعت نماز (نشسته) به جا آورد که در آن دو رکعت سوره حمد می خواند.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ لَا يَدْرِي رَكْعَتَيْنِ صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا؟ قَالَ: يَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ يَقْرَأُ فِيهِمَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ، وَإِنْ كَانَ صَلَّى أَرْبَعًا كَانَتْ هَاتَانِ نَافِلَةً وَإِنْ كَانَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ هَاتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعِ وَإِنْ تَكَلَّمَ فَلَيْسَ جُذُ سَجَدَاتِي السَّهْوِ.

۵ - حَمَّادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

إِنَّمَا السَّهْوُ مَا بَيْنَ الثَّلَاثِ وَ الْأَرْبَعِ وَ فِي الْاِثْنَتَيْنِ وَ فِي الْأَرْبَعِ بَيْتُكَ الْمَنْزِلَةِ وَ مَنْ سَهَا وَ لَمْ يَدْرِ ثَلَاثًا صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا وَ اعْتَدَلَ شَكُّهُ، يَقُومُ فَيَتِمُّ ثُمَّ يَجْلِسُ فَيَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ وَ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ وَ هُوَ جَالِسٌ، فَإِنْ كَانَ أَكْثَرَ وَ هَمِهِ إِلَى الْأَرْبَعِ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ ثُمَّ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ رَكَعَ وَ سَجَدَ ثُمَّ قَرَأَ وَ سَجَدَ سَجَدَتَيْنِ وَ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ، وَإِنْ كَانَ أَكْثَرَ وَ هَمِهِ إِلَى الثُّنْتَيْنِ نَهَضَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ.

۴ - ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که نمی داند آیا دو رکعت به جای آورده یا چهار رکعت پرسیدم.

فرمود: باید تشهد را بخواند و سلام دهد، سپس بر خیزد و دو رکعت نماز با حمد و چهار سجده به جا آورد و تشهد را بخواند و سلام دهد.

حال اگر در واقع، نماز خود را چهار رکعت خوانده باشد آن دو رکعت برای او به عنوان نافله منظور می گردد و اگر در واقع، دو رکعت خوانده باشد، با این دو رکعت چهار رکعت می شود، و اگر در نماز سخنی گفته باشد، باید دو سجده سهو به جا آورد.

۵ - محمد بن مسلم (که از راویان امام باقر و امام صادق عليه السلام) است گوید:

شک بین رکعت سوم و چهارم همانند شک بین رکعت دوم و چهارم است، و هر که شک کند و نداند که آیا سه رکعت خوانده یا چهار رکعت و شک او نسبت به هر طرف مساوی باشد، باید بر خیزد نماز خود را تمام کند، سپس بنشیند و تشهد را بخواند و سلام دهد و دو رکعت نماز نشسته با چهار سجده به جا آورد. اما اگر گمان او بیشتر به چهار رکعت مایل باشد، باید تشهد را بخواند و سلام دهد، سپس سوره حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده کند، و پس از آن (حمد را) قرائت کند و دو سجده به جا آورد و تشهد را بخواند و سلام دهد و اگر گمانش بیشتر به دو رکعت مایل باشد، باید بر خیزد و دو رکعت نماز به جا آورد و تشهد را بخواند و سلام دهد.

- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى فَلَمْ يَدْرِ أَثْنَتَيْنِ صَلَّى أَمْ ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا. قَالَ: يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ مِنْ قِيَامٍ وَ يُسَلِّمُ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ مِنْ جُلُوسٍ وَيُسَلِّمُ، فَإِنْ كَانَتْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَانَتِ الرَّكَعَتَانِ نَافِلَةً وَإِلَّا تَمَّتِ الْأَرْبَعُ.
- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سَيَابَةَ وَ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا لَمْ تَدْرِ ثَلَاثًا صَلَّيْتَ أَوْ أَرْبَعًا وَ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الثَّلَاثِ فَأَبْنِ عَلَى الثَّلَاثِ، وَإِنْ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الْأَرْبَعِ فَسَلِّمْ وَ انْصَرِفْ، وَ إِنْ اعْتَدَلَ وَ هُمُكَ فَأَنْصَرِفْ وَ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ أَنْتَ جَالِسٌ.
- ۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- ۶ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که نماز می خواند و نمی داند که دو رکعت نماز خوانده است، یا سه و یا چهار رکعت، فرمود:
- باید خیزد و دو رکعت نماز ایستاده به جا آورد و سلام دهد، سپس دو رکعت در حال نشسته بخواند. پس در این صورت اگر در واقع نماز خود را چهار رکعت خوانده باشد، این دو رکعت به عنوان نافله محسوب می شود، وگرنه چهار رکعت تمام می شود.
- ۷ - عبد الرحمان بن سیابه و ابوالعباس گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:
- هرگاه ندانستی که سه رکعت نماز خوانده ای یا چهار رکعت، ولی نظر به سه رکعت داشتی، بنا را بر سه بگذار، و اگر به چهار رکعت مایل بودی، سلام را بگو و از نماز فارغ شو، و اگر نظرت نسبت به هر دو طرف مساوی باشد، از نماز فارغ شو و دو رکعت نماز در حال نشسته بخوان.
- ۸ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا لَمْ تَدْرِ ثِنْتَيْنِ صَلَّىتَ أَمْ أَرْبَعًا وَلَمْ يَذْهَبْ وَهَمُّكَ إِلَى شَيْءٍ فَتَشْهَدُ وَ سَلِّمْ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَأَرْبَعَ سَجَدَاتٍ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ ثُمَّ تَشْهَدُ وَ سَلِّمْ، فَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا صَلَّىتَ رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ هَاتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعِ، وَإِنْ كُنْتَ صَلَّىتَ أَرْبَعًا كَانَتْ هَاتَانِ نَافِلَةً. وَإِنْ كُنْتَ لَا تَدْرِ ثَلَاثًا صَلَّىتَ أَمْ أَرْبَعًا وَلَمْ يَذْهَبْ وَهَمُّكَ إِلَى شَيْءٍ فَسَلِّمْ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَأَنْتَ جَالِسٌ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِأَمِّ الْكِتَابِ، وَإِنْ ذَهَبَ وَهَمُّكَ إِلَى الثَّلَاثِ فَقُمْ فَصَلِّ الرَّكْعَةَ الرَّابِعَةَ وَلَا تَسْجُدْ سَجْدَتِي السَّهْوِ، فَإِنْ ذَهَبَ وَهَمُّكَ إِلَى الْأَرْبَعِ فَتَشْهَدُ وَ سَلِّمْ ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَتِي السَّهْوِ.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي مَنْ لَا يَدْرِ أَوْ ثَلَاثًا صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا وَوَهْمُهُ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ.

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا اعْتَدَلَ الْوَهْمُ فِي الثَّلَاثِ وَالْأَرْبَعِ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَلَّى رَكْعَةً وَهُوَ قَائِمٌ، وَإِنْ شَاءَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَأَرْبَعَ سَجَدَاتٍ وَهُوَ جَالِسٌ.

هرگاه شک کردی که دو رکعت نماز خوانده‌ای یا چهار رکعت و گمان به هیچ طرف ندادی، پس تشهد بگو و سلام بده و بر خیز دو رکعت دیگر با دو رکوع و چهار سجود به جای آور و در آن‌ها سوره حمد را بخوان. سپس تشهد بگو و سلام بده. اگر در واقع دو رکعت نماز خوانده‌ای، با این دو رکعت چهار رکعت می‌شود، و اگر چهار رکعت خوانده‌ای، این دو رکعت، نافله محسوب خواهد شد.

و هرگاه شک کردی که سه رکعت نماز خوانده‌ای یا چهار رکعت و گمانت به جایی نرفت، سلام بده، سپس دو رکعت نماز در حال نشسته به جای آور و در آن‌ها سوره حمد را بخوان، و اگر گمانت به سه رکعت مایل بود، بر خیز و رکعت چهارم را به جای آور و دیگر سجده سهو لازم نیست، ولی اگر گمان به چهار رکعت دادی، تشهد بگو و سلام بده، سپس دو سجده سهو به جای آور.

۹ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که نمی‌داند سه رکعت نماز خوانده است یا چهار رکعت و نظرش به هر دو طرف مساوی است، فرمود: اگر نظرش نسبت به سه و چهار رکعت مساوی باشد، به اختیار اوست اگر بخواهد می‌تواند یک رکعت ایستاده بخواند و اگر بخواهد می‌تواند دو رکعت به چهار سجده در حال نشسته به جا می‌آورد.

وَ قَالَ فِي رَجُلٍ لَمْ يَدْرِ أَيْ ثِنْتَيْنِ صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا وَ وَهْمُهُ يَذْهَبُ إِلَى الْأَرْبَعِ أَوْ إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ .
 فَقَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ .
 وَ قَالَ: إِنْ ذَهَبَ وَهْمُكَ إِلَى رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعٍ فَهُوَ سَوَاءٌ وَ لَيْسَ الْوَهْمُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ مِثْلَهُ فِي الثَّلَاثِ وَ الْأَرْبَعِ .

(۴۱)

بَابُ مَنْ سَهَا فِي الْأَرْبَعِ وَ الْخَمْسِ وَ لَمْ يَدْرِ زَادَ أَوْ نَقَصَ أَوْ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ زَادَ
 ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
 سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ فَلْيَسْجُدْ
 سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ . وَ سَمَّاهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمُرْغَمَتَيْنِ .

حضرتش درباره کسی که دو رکعت خوانده یا چهار رکعت و نظرش به چهار رکعت یا به دو رکعت مایل باشد، فرمود:
 باید دو رکعت نماز به چهار سجده به جا آورد.
 و فرمود: اگر نظرت نسبت به دو و چهار رکعت مساوی باشد، حکمش یکی است و شک در اینجا مانند شک در رکعت سوم و چهارم نیست.

بخش چهل و یکم

کسی که در رکعت چهار و پنجم شک کند و نداند که بیشتر خوانده یا کمتر، یا یقین کند که بیشتر خوانده است

۱ - زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که فرمود:
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه یکی از شما در نماز خود شک کرد و ندانست که بیشتر خوانده یا کمتر، باید دو سجده سهو در حال نشسته به جا آورد. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این دو سجده را خوار کننده شیطان نامیده است.

- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرِ ابْنَيْ أُعَيْنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 إِذَا اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ زَادَ فِي صَلَاتِهِ الْمَكْتُوبَةَ لَمْ يَعْتَدَّ بِهَا وَاسْتَقْبَلَ صَلَاتَهُ اسْتِقْبَالًا
 إِذَا كَانَ قَدْ اسْتَيْقَنَ يَقِينًا.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 إِذَا كُنْتَ لَا تَدْرِي أَرْبَعًا صَلَّيْتَ أَوْ خَمْسًا فَاسْجُدْ سَجْدَتَيْ السَّهْوِ بَعْدَ
 تَسْلِيمِكَ ثُمَّ سَلِّمْ بَعْدَهُمَا.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ
 سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ:
 مَنْ حَفِظَ سَهْوَهُ وَاتَّمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ، إِنَّمَا السَّهْوُ عَلَى مَنْ لَمْ يَدْرِ
 زَادَ أَمْ نَقَصَ مِنْهَا.

۲- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه کسی یقین کند که در نماز واجب یک رکوع زیاد انجام داده است، نباید بدان اعتنا کند، ولی در صورتی که یقین کامل کند، باید نماز را از سر گیرد.

۳- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده‌ای یا پنج رکعت بعد از سلام دو سجده سهو به جای آور و پس از آن سلام گوی.

۴- سماعه (که از راویان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ است) گوید: حضرتش فرمود:

هر کس متوجه شود که در نماز، اشتباه می‌کرده و آن را تدارک و تصحیح کند، سجده سهو بر او لازم نیست. سجده سهو بر کسی لازم است که نمی‌داند رکعتی زیاد انجام داده یا کم.

- ۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.
- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا لَمْ تَدْرِ خَمْسًا صَلَّيْتَ أَمْ أَرْبَعًا فَاسْجُدْ سَجْدَتِي السَّهْوِ بَعْدَ تَسْلِيمِكَ وَ أَنْتَ جَالِسٌ ثُمَّ سَلِّمْ بَعْدَهُمَا.

(۴۲)

بَابُ مَنْ تَكَلَّمَ فِي صَلَاتِهِ، أَوْ انْصَرَفَ قَبْلَ أَنْ يُتِمَّهَا،
أَوْ يَقُومُ فِي مَوْضِعِ الْجُلُوسِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

۵- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در نماز خود رکعتی را زیاد انجام دهد، اعاده نماز بر او لازم است.

۶- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده‌ای یا پنج رکعت بعد از سلام، دو سجده سهو به جای آور و پس از آن سلام گوی.

بخش چهل و دوم

کسی که در نماز سخن بگوید، یا پیش از پایان آن، سلام بدهد و یا بایستد

در آنجا که باید بنشیند

۱ - سماعة بن مهران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ حَفِظَ سَهْوَهُ فَأَتَمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى
 بِالنَّاسِ الظُّهَرَ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ سَهَا فَسَلَّمَ.
 فَقَالَ لَهُ ذُو الشُّمَالَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنْزَلَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟
 فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ؟
 قَالَ: إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ.
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَتَقُولُونَ مِثْلَ قَوْلِهِ؟
 قَالُوا: نَعَمْ.
 فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَتَمَّ بِهِمُ الصَّلَاةَ وَسَجَدَ بِهِمْ سَجْدَتِي السَّهْوِ.
 قَالَ: قُلْتُ: أَرَأَيْتَ مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَظَنَّ أَنَّهُمَا أَرْبَعٌ فَسَلَّمَ وَانْصَرَفَ ثُمَّ ذَكَرَ
 بَعْدَ مَا ذَهَبَ أَنَّهُ إِنَّمَا صَلَّى رَكَعَتَيْنِ.
 قَالَ: يَسْتَقْبِلُ الصَّلَاةَ مِنْ أَوْلَاهَا.

هر کس متوجه اشتباهش شود و آن را تدارک کند، سجده سهو بر او لازم نیست.
 رسول خدا ﷺ نماز ظهر را با مردم دو رکعت به جا آورد و فراموش کرد و سلام داد.
 ذوالشمالین به آن حضرت گفت: ای رسول خدا! آیا در نماز حکم تازه‌ای نازل شده است؟
 فرمود: چرا این سخن را می‌گویی؟
 گفت: نماز را دو رکعت به جا آوردید.
 رسول خدا ﷺ (رو به یگران کرد) و فرمود: آیا شما هم، چون او می‌گویید؟
 گفتند: آری.
 آن‌گاه رسول خدا ﷺ برخواست و نماز را با ایشان تمام کرد و دو سجده سهو با آنها به
 جا آورد.
 راوی گوید: عرض کردم: چه می‌فرمایید درباره شخصی که دو رکعت نماز می‌خواند و
 گمان می‌کند که چهار رکعت به جا آورده است و سلام می‌دهد و از نماز فارغ می‌شود و پس
 از آن که بلند می‌شود و می‌رود، به یادش می‌آید که دو رکعت خوانده است؟
 فرمود: باید نماز را از سر گیرد.

قَالَ: قُلْتُ: فَمَا بَالُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَسْتَقْبِلِ الصَّلَاةَ وَإِنَّمَا أَتَمَّ بِهِمْ مَا بَقِيَ مِنْ صَلَاتِهِ؟

فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَجْلِسِهِ، فَإِنْ كَانَ لَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَجْلِسِهِ فَلَيْتَمَّ مَا نَقَصَ مِنْ صَلَاتِهِ إِذَا كَانَ قَدْ حَفِظَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ ثُمَّ يَنْسَى فَيَقُومُ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ بَيْنَهُمَا.

قَالَ: فَلْيَجْلِسْ مَا لَمْ يَرْكَعْ وَ قَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ فَإِنْ لَمْ يَذْكُرْ حَتَّى يَرْكَعَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ، فَإِذَا سَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: أَسَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ؟

عرض کردم: پس چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز را از سر نگرفت و بلکه مانده آن را با آنان تمام کرد؟

فرمود: برای این که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکان خود دور نشده بود، و اگر آن شخص هم از مکان خود دور نشده باشد، آن چه را که از نمازش کم کرده باید همان را تمام کند، در صورتی که دو رکعت اول را حفظ کرده باشد ^(۱).

۲ - فضیل بن یسار گوید: امام باقر علیه السلام درباره شخصی که دو رکعت از نماز واجب را خوانده سپس فراموش می کند پیش از آن که (برای تشهد) بنشیند بر می خیزد، فرمود: تا زمانی که به رکوع نرفته، باید بنشیند (و تشهد را بخواند) و نماز او درست است، و اگر متوجه نشد و به رکوع رفت، باید نماز را ادامه دهد و چون سلام داد، در حال نشسته دو سجده سهو به جا آورد.

۳ - حسن بن صدقه گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: آیا اتفاق افتاده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دو رکعت نخست (به اشتباه) سلام دهد؟

۱ - شارحان کتاب شریف «کافی» و علمای اعلام پیرامون این حدیث اختلاف نظر دارند و بیشتر آن ها صدور این روایت را تقیه ای دانسته اند..

فَقَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَ حَالُهُ حَالُهُ؟

قَالَ: إِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُفَقِّهَهُمْ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَكَلَّمُ نَاسِياً فِي الصَّلَاةِ يَقُولُ: أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ.

فَقَالَ: يُتِمُّ صَلَاتَهُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ.

فَقُلْتُ: سَجَدَتَا السَّهُوِ قَبْلَ التَّسْلِيمِ هُمَا أَوْ بَعْدُ؟

قَالَ: بَعْدُ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تَقُولُ فِي سَجْدَتَيْ السَّهُوِ: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

فرمود: آری.

عرض کردم: آیا به اشتباه سلام داده در حالی که مرتبه نبوت و عصمت را دارا بود؟

فرمود: خداوند تعالی اراده فرمود که با این عمل مردم را در دینشان دانا کند.

۴ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که از روی فراموشی

در نماز سخن می گوید؛ (مثلاً) می گوید: صف‌های خود را مرتب کنید (چه حکمی دارد؟).

حضرت فرمود: نماز خود را تمام کند، سپس دو سجده سهو به جا آورد.

عرض کردم: آیا دو سجده پیش از سلام است یا پس از آن؟

فرمود: پس از سلام.

۵ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در دو سجده سهو می گویی: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

قَالَ الْحَلَبِيُّ: وَ سَمِعْتُهُ مَرَّةً أُخْرَى يَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ سَلَّمَ فِي رَكْعَتَيْنِ. فَسَأَلَهُ مَنْ خَلْفَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَدَتْ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟ قَالَ: وَ مَا ذَلِكَ؟ قَالُوا: إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ. فَقَالَ: أَ كَذَلِكَ يَا ذَا الْيَدَيْنِ؟ وَ كَانَ يُدْعَى ذَا الشُّمَالَيْنِ. فَقَالَ: نَعَمْ.

حلبی گوید: یک بار دیگر شنیدم که حضرتش می فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

۶ - سعید اعرج گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نماز گزارد و در انتهای دو رکعت سلام داد. کسی که پشت سر آن حضرت بود، پرسید: ای رسول خدا! آیا در نماز حکم تازه ای نازل شده است؟ فرمود: مقصودت چیست؟ عرض کرد: نماز را دو رکعت به جا آوردید! فرمود: ای ذوالیدین! آیا چنین است؟ و آن شخص که ذوالشمالین ^(۱) خوانده می شد. گفت: آری.

۱ - ابو محمد عمیر بن عبد عمرو، مشهور به ذوالیدین و ذوالشمالین است.

فَبَنَى عَلَى صَلَاتِهِ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ أَرْبَعًا وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَنْسَاهُ رَحْمَةً لِلْأُمَّةِ. أَلَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَنَعَ هَذَا لَعَيَّرَ وَقِيلَ: مَا تُقْبَلُ صَلَاتُكَ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمَ ذَلِكَ قَالَ: قَدْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَصَارَتْ أُسْوَةً وَ سَجَدَ سَجَدَتَيْنِ لِمَكَانِ الْكَلَامِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا قُمْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ وَ لَمْ تَتَشَهَّدْ فَذَكَرْتَ قَبْلَ أَنْ تَرْكَعَ فَاقْعُدْ فَتَشَهَّدْ، وَإِنْ لَمْ تَذْكُرْ حَتَّى تَرْكَعَ فَاْمُضِ فِي صَلَاتِكَ كَمَا أَنْتَ، فَإِذَا أَنْصَرَفْتَ سَجَدْتَ سَجَدَتَيْنِ لَا رُكُوعَ فِيهِمَا ثُمَّ تَشَهَّدَ التَّشَهُدَ الَّذِي فَاتَكَ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

پس رسول خدا ﷺ نماز خود را ادامه داد و چهار رکعت را تمام کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند آن حضرت را از روی رحمت برای اُمت دچار فراموشی ساخت^(۱)، مگر نمی‌بینی اگر کسی چنین کاری می‌کرد سرزنش می‌شد و به او می‌گفتند: نماز تو قبول نیست. اما اگر امروز کسی دچار فراموشی گردد، گوید: رسول خدا ﷺ این را سنت قرار داد و او الگو و اسوه ماست و آن حضرت به خاطر سخن گفتن، دو سجده سهو به جا آورد.

۷- علی بن حمزه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه در دو رکعت نخست نماز بر خاستی و تشهد را نخواندی و پیش از رکوع به یادت آمد، پس بنشین و تشهد را بخوان، و اگر به یادت نیامد، تا این که به رکوع رفتی، همان طوری که هستی، نمازت را ادامه بده، و چون فارغ شدی، دو سجده سهو به جا آور که رکوع در میان آنها نباشد، سپس تشهد را که از تو فوت شده است بخوان.

۸- حلبی نیز نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

۱ - گفتنی است که چنین روایاتی به اندیشه و تأمل بسیاری نیاز دارند و بایستی از عارفان و آگاهان از فقهای شیعه پرسید، چرا که دو مقوله فراموش کردن و دچار فراموشی شدن در منظر آنان متفاوت است...

إِذَا قُمْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ أَوْ غَيْرِهِمَا وَ لَمْ تَتَشَهَّدْ فِيهِمَا فَذَكَرْتَ ذَلِكَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّلَاثَةِ قَبْلَ أَنْ تَرْكَعَ فَاجْلِسْ فَتَشَهَّدْ وَ قُمْ فَأَتِمَّ صَلَاتَكَ، فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَذْكُرْ حَتَّى تَرْكَعَ فَاْمُضِ فِي صَلَاتِكَ حَتَّى تَفْرُغَ فَإِذَا فَرَعْتَ فَاسْجُدْ سَجْدَتِي السَّهْوِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ قَبْلَ أَنْ تَتَكَلَّمَ.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَسْهُو فَيَقُومُ فِي حَالِ قُعُودٍ أَوْ يَتَعَدُّ فِي حَالِ قِيَامٍ. قَالَ: يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ، وَ هُمَا الْمُرْغَمَتَانِ تُرْغَمَانِ الشَّيْطَانِ.

(۴۳)

بَابُ مَنْ شَكَّ فِي صَلَاتِهِ كُلِّهَا وَ لَمْ يَدْرِ زَادَ أَوْ نَقَصَ وَ مَنْ كَثُرَ عَلَيْهِ السَّهْوُ وَ السَّهْوُ فِي النَّافِلَةِ وَ سَهْوِ الْإِمَامِ وَ مَنْ خَلَفَهُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

۹ - معاوية بن عمّار گوید: از امام عليه السلام درباره شخصی که فراموش می کند و در حالی که باید بنشیند، می ایستد و در جایی که باید بایستد، می نشیند پرسیدم. فرمود: پس از سلام، دو سجده سهو به جا آورد که آن دو سجده، بینی شیطان را به خاک می مالد و او را ذلیل می کند.

بخش چهل و سوم

کسی که در همه نمازهایش شک می کند و نمی داند که زیاد انجام داده

یا کم، و کسی که سهو و فراموشی بر او زیاد می شود،

و حکم شک در نماز نافله، و شک امام و مأموم

۱ - صفوان گوید: امام ابوالحسن عليه السلام فرمود:

إِنْ كُنْتَ لَا تَدْرِي كَمْ صَلَّيْتَ وَ لَمْ يَقَعْ وَ هُمْكَ عَلَى شَيْءٍ فَأَعِدِ الصَّلَاةَ.
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ
 الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ قَالَا:
 قُلْنَا لَهُ: الرَّجُلُ يَشُكُّ كَثِيرًا فِي صَلَاتِهِ حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى وَ لَا مَا بَقِيَ
 عَلَيْهِ.

قَالَ: يُعِيدُ.

قُلْنَا لَهُ: فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كُلَّمَا عَادَ شَكَّ.

قَالَ: يَمْضِي فِي شَكِّهِ.

ثُمَّ قَالَ: لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بِتَقْضِ الصَّلَاةِ فَتَطْمَعُوهُ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ
 خَبِيثٌ يَعْتَادُ لِمَا عُوِّدَ فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ، وَ لَا يُكْثِرَنَّ تَقْضِ الصَّلَاةِ، فَإِنَّهُ
 إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ.
 قَالَ زُرَّارَةُ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ، فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَيَّ أَحَدِكُمْ.

هرگاه ندانستی که چند رکعت نماز خوانده‌ای و ذهن تو نیز بر هیچ طرفی مایل نشد، نماز خود را اعاده کن.

۲- زراره و ابوبصیر (که از راویان امام باقر و امام صادق علیهما السلام هستند) گویند: به امام علیه السلام عرض کردیم: شخصی در نماز خود بسیار شک می‌کند تا جایی که نمی‌داند چند رکعت نماز خوانده و چند رکعت مانده است. فرمود: باید نماز خود را اعاده کند.

عرض کردیم: شک او بسیار زیاد است و هرگاه اعاده کند باز هم شک می‌کند! فرمود: نباید به شک خود اعتنا کند.

سپس فرمود: نگذارید پلید با شکستن نماز با شما خو گیرد تا در شما طمع کند، زیرا شیطان، پلید است و به این کار عادت می‌کند، هر کدام از شما به آن طرفی که ذهنش مایل شد، نماز را ادامه دهد و چون بارها چنین نماید (یعنی به شک اعتنا نکند) شک به او باز نخواهد گشت.

زراره گوید: سپس حضرتش فرمود: شیطان پلید فقط می‌خواهد که از او اطاعت شود و هرگاه مخالفت شد، دیگر به سوی شما باز نخواهد گشت.

- ۳- حَمَّادٌ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: إِذَا شَكَّكَتَ فَلَمْ تَدْرِ أَمْ فِي ثَلَاثٍ أَنْتَ أَمْ فِي اثْنَتَيْنِ أَمْ فِي وَاحِدَةٍ أَمْ فِي أَرْبَعٍ، فَأَعِدْ وَلَا تَمُضْ عَلَى الشَّكِّ.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَشْكُو إِلَيْكَ مَا أَلْقَى مِنَ الْوَسْوَاسَةِ فِي صَلَاتِي حَتَّى لَا أَدْرِي مَا صَلَّيْتُ مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ. فَقَالَ: إِذَا دَخَلْتَ فِي صَلَاتِكَ فَاطْعُنْ فَحِذْكَ الْأَيْسَرَ بِأَصْبِعِكَ الْيُمْنَى الْمُسَبِّحَةَ، ثُمَّ قُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» فَإِنَّكَ تَنْحَرُهُ وَتَطْرُدُهُ.

۳- ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه شک کردی و ندانستی که آیا در رکعت سوم هستی یا در رکعت دوم و یا در رکعت اول و یا در رکعت چهارم، نماز را اعاده کن و با شک، نماز را ادامه نده.

۴- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مردی خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرف یاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! از وسوسه ای که در نماز بدان گرفتار گشته ام به شما شکوه و شکایت می کنم. وسوسه تا آنجاست که بیشتر اوقات نمی دانم چند رکعت خوانده ام، زیاد خوانده ام یا کم؟

فرمود: هرگاه خواستی نماز بخوانی، نخست انگشت سبابه دست راست خود را بران چپ خود بگذار و فشار ده و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» «به نام خدا و از خداوند و از نام او یاری می جویم، و به خداوند توکل می کنم و به خدایی که شنوا و دانا است از شر شیطان رانده شده پناه می برم».

پس (چون این کلمات را بگویی) شیطان را رد می کنی و او را می رانی.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِمَامِ يُصَلِّي بِأَرْبَعَةِ أَنْفُسٍ أَوْ خَمْسَةِ أَنْفُسٍ وَ يُسَبِّحُ اثْنَانِ عَلَى أَنْتَهُمْ صَلَّوْا ثَلَاثًا وَ يُسَبِّحُ ثَلَاثَةً عَلَى أَنْتَهُمْ صَلَّوْا أَرْبَعًا وَ يَقُولُ هَوْلًا قَوْمُوا وَ يَقُولُ هَوْلًا أَقْعُدُوا وَ الْإِمَامُ مَا نِلَّ مَعَ أَحَدِهِمَا، أَوْ مُعْتَدِلُ الْوَهْمِ فَمَا يَجِبُ عَلَيْهِ.
قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ سَهْوٌ إِذَا حَفِظَ عَلَيْهِ مَنْ خَلَفَهُ سَهْوَهُ بِإِيقَانٍ مِنْهُمْ وَ لَيْسَ عَلَى مَنْ خَلَفَ الْإِمَامَ سَهْوٌ إِذَا لَمْ يَسْهُهُ الْإِمَامُ وَ لَا سَهْوٌ فِي سَهْوٍ وَ لَيْسَ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْفَجْرِ سَهْوٌ وَ لَا فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ وَ لَا فِي نَافِلَةٍ، فَإِذَا اخْتَلَفَ عَلَى الْإِمَامِ مَنْ خَلَفَهُ فَعَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ فِي الْإِحْتِيَاظِ الْإِعَادَةُ وَ الْأَخْذُ بِالْجَزْمِ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّهْوِ فِي النَّافِلَةِ.

۵- راوی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:

امامی که بر چهار یا پنج نفر نماز می خواند آن گاه شکی بروز می کند و دو تن از مأمومین به عنوان اشاره سه مرتبه «سبحان الله» می گویند، بدین معنا که امام سه رکعت نماز خوانده است، و سه نفر دیگر چهار بار «سبحان الله» می گویند، یعنی امام چهار رکعت خوانده است، دو نفر اول با ذکر تسبیح و اشاره می گویند: برخیزید (چون سه رکعت خوانده اید) و دسته دیگر به اشاره می گویند: بنشینید (که چهار رکعت تمام شده است)، و پیشنماز نظرش با یکی از این دو دسته موافق است، یا احتمال هر دو طرف نزد او مساوی است، در این صورت چه وظیفه ای دارند؟

فرمود: اگر همه مأمومین یقین داشته باشند، یا گمان آنان بر یک طرف باشد، سهو امام اعتبار ندارد، و اگر امام خود یقین داشته باشد، سهو مأمومین بی اعتبار است و باید به اعتقاد امام عمل کنند، و سهو در سهو وجود ندارد و حکمی هم ندارد، و در نماز مغرب و نماز صبح شک یا سهو وجود ندارد و هم چنین در دو رکعت اول از هر نماز، شکی وجود ندارد. و هرگاه نظر امام و مأمومین مختلف باشد، بر ایشان است که رعایت احتیاط کرده و نماز را اعاده کنند و به مورد یقین عمل نمایند.

۶- محمد بن مسلم از امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) روایت کرده و گوید: از آن حضرت در مورد شک در نافله پرسیدم.

فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ سَهْوٌ وَلَا عَلَى مَنْ خَلَفَ الْإِمَامَ سَهْوٌ، وَلَا عَلَى السَّهْوِ سَهْوٌ وَلَا عَلَى الْإِعَادَةِ إِعَادَةٌ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهْوُ فَاْمُضِ فِي صَلَاتِكَ، فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَدْعَكَ إِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ السَّهْوِ، فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيَّ.

فرمود: چیزی بر نمازگزار لازم نیست. (یعنی بنا را به هرچه خواست می گذارد).

۷- حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

بر امام جماعت سهو وجود ندارد^(۱)، و کسی که پشت سر امام جماعت نماز می گزارد، سهوی بر او نیست^(۲)، و سهو بر سهو وجود ندارد، و بر اعاده نماز نیز اعاده ای نیست.

۸- محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه در نماز بسیار شک می کنی، نمازت را تمام کن که به زودی آن را نیز (شیطان) از دست تو بریاید؛ زیرا که شک از شیطان است.

۹- عبیدالله حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره علاج شک پرسیدم، چون بسیار شک

می کردم.

۱ - یعنی اگر همه مأمومین یقین داشته باشند، یا گمان آنان بر یک طرف باشد سهو امام اعتبار ندارد.

۲ - یعنی اگر امام جماعت خود یقین داشته باشد، سهو مأمومین بی اعتبار است و باید به اعتقاد امام عمل کنند.

فَقَالَ: أَدْرَجُ صَلَاتَكَ إِدْرَاجًا.
 قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ الْإِدْرَاجُ؟
 قَالَ: ثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ فِي الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ.
 وَ رَوَى أَنَّهُ إِذَا سَهَا فِي النَّافِلَةِ بَنَى عَلَى الْأَقْلِ.
 فَجَمِيعُ مَوَاضِعِ السُّهُوِ الَّتِي قَدْ ذَكَرْنَا فِيهَا الْأَثَرُ سَبْعَةٌ عَشَرَ مَوْضِعًا سَبْعَةٌ مِنْهَا
 يَجِبُ عَلَى السَّاهِي فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلَاةِ:
 الَّذِي يَنْسَى تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِتَاحِ وَ لَا يَذْكُرُهَا حَتَّى يَرْكَعَ.
 وَ الَّذِي يَنْسَى رُكُوعَهُ وَ سُجُودَهُ.
 وَ الَّذِي لَا يَدْرِي رَكْعَةً صَلَّى أَمْ رَكْعَتَيْنِ.
 وَ الَّذِي يَسْهُو فِي الْمَغْرِبِ وَ الْفَجْرِ.
 وَ الَّذِي يَزِيدُ فِي صَلَاتِهِ.
 وَ الَّذِي لَا يَدْرِي زَادًا أَوْ نَقْصًا وَ لَا يَقَعُ وَهُمْهُ عَلَى شَيْءٍ.

فرمود: نماز خود را چند پایه کن.

عرض کردم: چند پایه کردن نماز چیست؟

فرمود: سه تسبیح در رکوع و سه تسبیح در سجود بگو.

و روایت شده: هرگاه نمازگزار در نماز نافله شک کرد، باید بنا را بر کمتر بگذارد.

[نگارنده گوید:]

بنا بر آن چه که ذکر شد، تمام موارد سهو هفده مورد می شود که در هفت مورد آن بر

شخص فراموش کننده، اعاده نماز واجب است:

۱- کسی که تکبیرة الاحرام را فراموش می کند و بعد از رکوع به یادش می آید.

۲- کسی که رکوع و سجود خود را فراموش می کند.

۳- کسی که نمی داند یک رکعت خوانده است یا دو رکعت.

۴- کسی که در نماز مغرب و یا نماز صبح شک می کند.

۵- کسی که (رکعتی را) در نماز خود زیاد می کند.

۶- کسی که نمی داند رکعتی زیاد انجام داده است یا کم و ذهن او به هیچ طرفی نمی رود.

وَ الَّذِي يَنْصَرِفُ عَنِ الصَّلَاةِ بِكُلِّيَّتِهِ قَبْلَ أَنْ يُتِمَّهَا.
 وَ مِنْهَا مَوَاضِعٌ لَا يَجِبُ فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلَاةِ وَ يَجِبُ فِيهَا سَجْدَتَا السَّهْوِ:
 الَّذِي يَسْهُو فَيَسْلُمُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَتَكَلَّمُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحَوَّلَ وَ جَهَهُ وَ يَنْصَرِفُ
 عَنِ الْقِبْلَةِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُتِمَّ صَلَاتَهُ ثُمَّ يَسْجُدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ.
 وَ الَّذِي يَنْسَى تَشَهُدَهُ وَ لَا يَجْلِسُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ وَ فَاتَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَزْكَعَ فِي
 الثَّلَاثَةِ فَعَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ وَ قَضَاءُ تَشَهُدِهِ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ.
 وَ الَّذِي لَا يَدْرِي أَرْبَعًا صَلَّى أَوْ خَمْسًا عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ.
 وَ الَّذِي يَسْهُو فِي بَعْضِ صَلَاتِهِ فَيَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ لَا يَنْبَغِي لَهُ مِثْلُ أَمْرٍ وَ نَهْيٍ مِنْ
 غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَعَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ.
 فَهَذِهِ أَرْبَعَةُ مَوَاضِعَ يَجِبُ فِيهَا سَجْدَتَا السَّهْوِ.

-
- ۷- کسی که پیش از تمام کردن نماز، تمام بدن خود را از قبله بر گرداند.
 و مواردی است که در آنها اعاده نماز واجب نمی‌شود، بلکه دو سجده سهو واجب است:
 ۱- کسی که فراموش می‌کند و انتهای دو رکعت سلام می‌دهد، سپس سخن می‌گوید،
 ولی روی خود را از قبله بر نمی‌گرداند. بر او لازم است که نماز خود را تمام کند، سپس دو
 سجده سهو به جا آورد.
 ۲- کسی که تشهد را فراموش می‌کند و در رکعت دوم نمی‌نشیند تا این که به رکوع رکعت
 سوم می‌رود، چون از نماز خود فارغ می‌شود، قضای تشهد و دو سجده سهو بر او واجب
 می‌شود.
 ۳- کسی که نمی‌داند چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت. دو سجده سهو بر او لازم
 می‌شود.
 ۴- کسی که در بخشی از نماز خود سهو می‌کند و بدون عمد به سخنی که شایسته او
 نیست -مانند امر و نهی نمودن- سخن می‌گوید؛ بر او دو سجده سهو لازم می‌شود.
 پس این، موارد چهارگانه‌ای بود که در آنها سجده سهو واجب می‌شود.

وَ مِنْهَا مَوَاضِعٌ لَا يَجِبُ فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلَاةِ وَلَا سَجْدَتَا السَّهْوِ:
الَّذِي يُدْرِكُ سَهْوَهُ قَبْلَ أَنْ يُقَوِّتَهُ مِثْلَ الَّذِي يَحْتَاجُ أَنْ يَقُومَ فَيَجْلِسَ، أَوْ يَحْتَاجُ
أَنْ يَجْلِسَ فَيَقُومَ ثُمَّ يَذْكُرُ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ فِي حَالَةٍ أُخْرَى فَيَقْضِيهِ لَا سَهْوَ
عَلَيْهِ.

وَ الَّذِي يُسَلِّمُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ ثُمَّ يَذْكُرُ فَيَتِمُّ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ فَلَا سَهْوَ عَلَيْهِ.
وَ لَا سَهْوَ عَلَى الْإِمَامِ إِذَا حَفِظَ عَلَيْهِ مَنْ خَلْفَهُ.
وَ لَا سَهْوَ عَلَى مَنْ خَلْفَ الْإِمَامِ.
وَ لَا سَهْوَ فِي سَهْوٍ.
وَ لَا سَهْوَ فِي نَافِلَةٍ، وَ لَا إِعَادَةَ فِي نَافِلَةٍ.
فَهَذِهِ سِنَّةٌ مَوَاضِعٌ لَا يَجِبُ فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلَاةِ، وَ لَا سَجْدَتَا السَّهْوِ.
وَ أَمَّا الَّذِي يَشُكُّ فِي تَكْبِيرَةِ الْإِفْتِتَاحِ وَ لَا يَدْرِي كَبْرَ أَمْ لَمْ يُكَبِّرْ، فَعَلَيْهِ أَنْ يُكَبِّرَ
مَتَى مَا ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ ثُمَّ يَقْرَأَ ثُمَّ يَرْكَعَ.

و مواردی است که در آنها نه اعاده نماز واجب است و نه سجده سهو:
۱- کسی که پیش از آن که فرصت را از دست بدهد، آن را تدارک می‌کند؛ مانند کسی که
می‌خواهد برخیزد، می‌نشیند و یا می‌خواهد بنشیند و بر می‌خیزد و پیش از آن که وارد
حالتی دیگر شود، به یادش می‌آید و آن را تلافی می‌کند و سهوی بر او نیست.
۲- کسی که در دو رکعت اول سلام می‌دهد، آن‌گاه به یادش می‌آید و پیش از سخن
گفتن نماز را تمام می‌کند.
۳- بر امام جماعت سهوی نیست در صورتی که مأمومین یقین داشته باشند.
۴- بر کسی که پشت سر امام جماعت است، سهوی نیست.
۵- سهو در سهو نیست.
۶- در نماز نافله سهو و اعاده نیست.
پس این شش مورد از مواردی است که در آنها اعاده نماز و دو سجده سهو واجب نیست.
و اما کسی که در تکبیره الاحرام شک می‌کند و نمی‌داند که آن را گفته است یا نه، بر او
واجب است که هرگاه تا پیش از رکوع به یادش بیاید، تکبیره الاحرام را بگوید و حمد و
سوره را بخواند و به رکوع رود.

وَإِنْ شَكَّ وَهُوَ رَاكِعٌ فَلَمْ يَدْرِ كَبَّرَ أَوْ لَمْ يُكَبِّرْ تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِتَاحِ مَضَى فِي صَلَاتِهِ
وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

فَإِنْ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ لَمْ يُكَبِّرْ أَعَادَ الصَّلَاةَ حِينَئِذٍ.

فَإِنْ شَكَّ وَهُوَ قَائِمٌ فَلَمْ يَدْرِ أَرَاكَعَ أَمْ لَمْ يَزَكِعْ فَلْيَزَكِعْ حَتَّى يَكُونَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ
رُكُوعِهِ، فَإِنْ رَكَعَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ كَانَ رَكَعَ فَلْيُرْسِلْ نَفْسَهُ إِلَى السُّجُودِ مِنْ غَيْرِ أَنْ
يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ فِي الرُّكُوعِ، فَإِنْ مَضَى وَرَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ
كَانَ رَكَعَ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصَّلَاةَ، لِأَنَّهُ قَدْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ رُكْعَةً.

فَإِنْ سَجَدَ ثُمَّ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ أَرَاكَعَ أَمْ لَمْ يَزَكِعْ فَعَلَيْهِ أَنْ يَمْضِيَ فِي صَلَاتِهِ وَلَا
شَيْءَ عَلَيْهِ فِي شَكِّهِ إِلَّا أَنْ يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ رَكَعَ فَإِنْ اسْتَيْقَنَ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ أَنْ
يَسْتَقْبِلَ الصَّلَاةَ، فَإِنْ سَجَدَ وَ لَمْ يَدْرِ أَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ أَمْ سَجَدَةً فَعَلَيْهِ أَنْ يَسْجُدَ
أُخْرَى حَتَّى يَكُونَ عَلَى يَقِينٍ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ.

اما اگر در حالت رکوع شک کند که تکبیرة الاحرام را گفته است یا نه، باید نماز خود را
ادامه دهد و چیزی بر او واجب نیست.

و اگر یقین کند که تکبیرة الاحرام را نگفته است، باید نماز خود را اعاده کند، و اگر در
حالی که ایستاده، شک کند که آیا به رکوع رفته است، یا نه؟ باید به رکوع برود تا یقین کند.
اما اگر در رکوع به یادش بیاید که پیشتر رکوع را انجام داده است بدون آن که سر از رکوع
بر دارد، باید به سجده رود، ولی اگر پس از سر بر داشتن از رکوع متوجه شود که قبلاً رکوع را
انجام داده است، باید نماز خود را اعاده کند، زیرا یک رکعت زیاد انجام داده است.

هرگاه به سجده رود و شک کند و نداند که به رکوع رفته است یا نه، باید نماز خود را
ادامه دهد و چیزی بر او واجب نیست، مگر آن که یقین کند که به رکوع نرفته است. پس اگر
یقین کند، بر اوست که نماز را از سر گیرد، و اگر سجده کند و نداند که آیا دو سجده انجام داده
است یا یک سجده، بر او لازم است که یک سجده دیگر انجام دهد تا به دو سجده یقین کند.

فَإِنْ سَجَدَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ كَانَ سَجَدَ سَجَدَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصَّلَاةَ، لِأَنَّهُ قَدْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ سَجْدَةً، فَإِنْ شَكَّ بَعْدَ مَا قَامَ فَلَمْ يَدْرِ أَمْ كَانَ سَجَدَ سَجْدَةً أَوْ سَجَدَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَمْضِيَ فِي صَلَاتِهِ، وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ. وَإِنْ اشْتَبَهَ أَنَّهُ لَمْ يَسْجُدْ إِلَّا وَاحِدَةً، فَعَلَيْهِ أَنْ يَنْحَطَّ فَيَسْجُدَ أُخْرَى، وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ قَدْ قَرَأَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ سَجَدَ إِلَّا وَاحِدَةً، فَعَلَيْهِ أَنْ يَسْجُدَ أُخْرَى، ثُمَّ يَقُومَ فَيَقْرَأَ وَيَرْكَعَ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ رَكَعَ فَاسْتَبَقَنَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ سَجَدَ إِلَّا سَجْدَةً أَوْ لَمْ يَسْجُدْ شَيْئًا فَعَلَيْهِ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ.

اما اگر سجده کند و پس از آن متوجه شود که بیشتر دو سجده را انجام داده است، بر او لازم است که نماز را اعاده کند؛ زیرا در نماز، سجده‌ای را زیاد کرده است. ولی اگر پس از برخاستن، شک کند و نداند که آیا یک سجده انجام داده است، یا دو سجده، بر او لازم است که نماز خود را ادامه دهد و دیگر چیزی بر او لازم نیست. اما اگر یقین کند که فقط یک سجده کرده است، باید فرود آید و سجده دیگری انجام دهد و دیگر چیزی بر او لازم نیست، و اگر پس از قرائت متوجه شود که فقط یک سجده انجام داده است، بر او است که یک سجده دیگر انجام دهد، سپس باید برخیزد و حمد را قرائت کند و به رکوع برود و دیگر چیزی بر او واجب نیست. اما اگر به رکوع رود و یقین کند که فقط یک سجده، یا هر دو سجده را انجام نداده است، بر او است که نماز خود را اعاده کند.

السَّهُوُ فِي التَّشَهُدِ

وَإِنْ سَهَا فَقَامَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَشَهَّدَ فِي الرَّكَعَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَجْلِسَ وَ يَتَشَهَّدَ مَا لَمْ يَرْكَعْ ثُمَّ يَقُومَ فَيَمْضِي فِي صَلَاتِهِ، وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ وَ عَلِمَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ تَشَهَّدَ مَضَى فِي صَلَاتِهِ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا سَجَدَ سَجْدَتِي السَّهُوِ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ فِي حَالِ الشُّكِّ شَيْءٌ مَا لَمْ يَسْتَيْقِنَ.

السَّهُوُ فِي اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعٍ

إِنْ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ اثْنَتَيْنِ صَلَّى أَوْ أَرْبَعًا، فَإِنْ ذَهَبَ وَ هَمُّهُ إِلَى الْأَرْبَعِ سَلَّمَ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ ذَهَبَ وَ هَمُّهُ إِلَى أَنَّهُ قَدْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ صَلَّى أُخْرَيَيْنِ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ

شک در تشهد

و اگر فراموش کند و پیش از آن که در انتهای دو رکعت، تشهد را بخواند بر خیزد، بر اوست که تا زمانی که به رکوع نرفته، بنشیند و تشهد را بخواند، سپس بر خیزد و نماز خود را ادامه دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست.

اما اگر به رکوع رفته و بداند که تشهد را نخوانده است، باید نمازش را ادامه دهد و چون از نماز فارغ شد، دو سجده سهو به جا آورد و تا زمانی که یقین نکرده است، در حال شک چیزی بر او لازم نیست.

شک در میان رکعت دو و چهار

اگر شک کند و نداند که دو رکعت خوانده است یا چهار رکعت، چنانچه ذهن او به طرف چهار رکعت مایل شود، باید سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به طرف دو رکعت مایل شود، باید دو رکعت دیگر بخواند و دیگر چیزی بر او واجب نیست.

فَإِنْ اسْتَوَى وَهَمُّهُ سَلَّمَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ قَائِمًا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَإِنْ كَانَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعَةِ وَإِنْ كَانَ صَلَّى أَرْبَعًا كَانَتْ هَاتَانِ نَافِلَةً.

السَّهْوُ فِي اثْنَتَيْنِ وَثَلَاثٍ

فَإِنْ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ أَمْ رَكْعَتَيْنِ صَلَّى أَمْ ثَلَاثًا فَذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ أُخْرَيَيْنِ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَإِنْ ذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَى الثَّلَاثِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَةً وَاحِدَةً وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَإِنْ اسْتَوَى وَهَمُّهُ وَهُوَ مُسْتَيْقِنٌ فِي الرَّكْعَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَةً وَهُوَ قَائِمٌ ثُمَّ يُسَلِّمُ وَيُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ قَاعِدٌ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَإِنْ كَانَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَالَّتِي قَامَ فِيهَا قَبْلَ تَسْلِيمِهِ تَمَامَ الْأَرْبَعَةِ وَالثَّلَاثِ اللَّتَانِ صَلَّاهُمَا وَهُوَ قَاعِدٌ مَكَانَ رَكْعَةٍ وَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ.

اما اگر هر دو طرف در نظر او مساوی باشد، باید سلام دهد، سپس دو رکعت نماز با حمد ایستاده بخواند.

پس چنانچه در واقع دو رکعت نماز خوانده باشد، با این دو رکعت چهار رکعت می‌شود، و اگر در واقع چهار رکعت خوانده باشد، این دو رکعت نافله محسوب خواهد شد.

شک میان رکعت دو و سه

اگر شک کند و نداند که آیا دو رکعت نماز خوانده است یا سه رکعت و ذهن او به طرف دو رکعت مایل باشد، بر او لازم است که دو رکعت دیگر بخواند و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به سوی سه رکعت مایل شود، بر او لازم است که یک رکعت دیگر بخواند و دیگر چیزی بر او واجب نیست.

اما اگر هر دو طرف در نظر او مساوی باشد و او به دو رکعت یقین دارد، بر اوست که در حالی که ایستاده است، یک رکعت به جا آورد و سلام دهد، سپس دو رکعت در حال نشسته به حمد تنها بخواند.

چنانچه در واقع دو رکعت نماز خوانده باشد، با این دو رکعت که در حال نشسته به جا آورده و به قدر یک رکعت ایستاده محسوب می‌شود چهار رکعت تمام می‌شود، و دو رکعتی که نشسته به جای یک رکعت خوانده به جای یک رکعت و نمازش تمام می‌شود.

وَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى ثَلَاثًا فَآتَيْ قَامَ فِيهَا تَمَامُ الْأَرْبَعِ وَكَانَتْ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ صَلَّاهُمَا وَهُوَ جَالِسٌ نَافِلَةً.

السَّهُوُ فِي ثَلَاثٍ وَأَرْبَعٍ

فَإِنْ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ أَمْ ثَلَاثًا صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا، فَإِنْ ذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَى الثَّلَاثِ، فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ أُخْرَى ثُمَّ يُسَلِّمَ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ ذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَى الْأَرْبَعِ سَلَّمَ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَإِنْ اسْتَوَى وَهَمُّهُ فِي الثَّلَاثِ وَالْأَرْبَعِ سَلَّمَ عَلَى حَالِ شَكِّهِ وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ مِنْ جُلُوسٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، فَإِنْ كَانَ صَلَّى ثَلَاثًا كَانَتْ هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ بَرَكْعَةٍ تَمَامَ الْأَرْبَعِ، وَإِنْ كَانَ صَلَّى أَرْبَعًا كَانَتْ هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ نَافِلَةً لَهُ.

اگر سه رکعت خوانده باشد، آن ایستاده به جا آورده، چهار رکعت تمام می شود و دو رکعت نشسته محسوب می شوند.

شک میان رکعت سه و چهار

اگر نمازگزار شک کند و نداند که سه رکعت خوانده است یا چهار رکعت، چنانچه ذهن او به سه رکعت مایل شود، بر او لازم است که یک رکعت دیگر بخواند، سپس سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهن او به چهار رکعت مایل شود، باید سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به هر دو طرف مساوی باشد، باید بر همان شک خود سلام دهد و دو رکعت نماز در حال نشسته به حمد بخواند.

چنانچه در واقع سه رکعت خوانده باشد با این دو رکعت نشسته که یک رکعت به حساب می آید، چهار رکعت تمام می شود، و اگر چهار رکعت خوانده باشد، این دو رکعت، نافله محسوب خواهد شد.

السَّهْوُ فِي أَرْبَعٍ وَخَمْسٍ

فَإِنْ شَكَ فَلَمْ يَدْرِ أَرْبَعًا صَلَّى أَوْ خَمْسًا، فَإِنْ ذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَى الْأَرْبَعِ سَلَّمَ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ ذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَى الْخَمْسِ أَعَادَ الصَّلَاةَ، وَإِنْ اسْتَوَى وَهَمُّهُ سَلَّمَ وَسَجَدَ سَجْدَتَيْ السَّهْوِ وَهُمَا الْمُرْغَمَتَانِ.

(۴۴)

بَابُ مَا يُقْبَلُ مِنْ صَلَاةِ السَّاهِي

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ عَمَّارًا السَّابَاطِيَّ رَوَى عَنْكَ رِوَايَةً.

شک میان رکعت چهار و پنج

اگر شک کند و نداند که چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت، حال چنانچه ذهن او به چهار رکعت مایل است، باید سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به پنج رکعت مایل شود، باید نماز را اعاده کند.
اما اگر ذهن او به هر دو طرف مساوی باشد، باید سلام دهد و دو سجده سهو به جا آورد؛ زیرا سجده سهو، بینی شیطان را به خاک می‌مالد.

بخش چهل و چهارم

آن چه از نماز سهوکننده پذیرفته می‌شود

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: عمّار ساباطی حدیثی از شما روایت کرده است.

قَالَ: وَ مَا هِيَ؟

قُلْتُ: رَوَى: أَنَّ السُّنَّةَ فَرِيضَةٌ.

فَقَالَ: أَيُّنَ يَذْهَبُ؟ أَيُّنَ يَذْهَبُ؟ لَيْسَ هَكَذَا حَدِيثُهُ، إِنَّمَا قُلْتُ لَهُ: مَنْ صَلَّى فَأَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ لَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ فِيهَا أَوْ لَمْ يَسْئَلْ فِيهَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ، فَرُبَّمَا رُفِعَ نِصْفُهَا أَوْ رُبْعُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ خُمُسُهَا، وَإِنَّمَا أَمَرْنَا بِالسُّنَّةِ لِيَكْمَلَ بِهَا مَا ذَهَبَ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نِصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبْعُهَا أَوْ خُمُسُهَا فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ، وَإِنَّمَا أَمَرْنَا بِالنَّافِلَةِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ.

فرمود: آن چیست؟

عرض کردم: روایت کرده که نماز نافله، واجب است.

فرمود: (عمار) به کجا می رود؟ به کجا می رود؟ من چنین نگفتم، بلکه گفته ام: هر که نماز بخواند و در نماز خود متوجه باشد و در دل خود سخن نگوید، یا در آن اشتباهی نکند، به آن اندازه که به نماز روی آورده و ملازم آن شده، خداوند به او روی می آورد. پس چه بسا که نصف نمازش یا یک چهارم آن، یا یک سوم آن و یا یک پنجم آن قبول شود و به راستی که ما به نماز نافله مأمور شده ایم تا آن چه که از نماز واجب از دست می رود، با آن کامل شود.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نِصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبْعُهَا أَوْ خُمُسُهَا فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ، وَإِنَّمَا أَمَرْنَا بِالنَّافِلَةِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ.

از نماز بنده، نصف آن، یا یک سوم، یا یک چهارم و یا یک پنجم آن، قبول می شود. پس چیزی از آن قبول نمی شود مگر به اندازه ای که دل او به آن روی آورده، و ما به نماز نافله مأمور شده ایم تا نواقص نماز به واسطه آن، کامل گردد.

۳- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَأَنَا أَسْمَعُ -: جَعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي كَثِيرُ السَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ.

فَقَالَ: وَ هَلْ يَسْلَمُ مِنْهُ أَحَدٌ؟

فَقُلْتُ: مَا أَظُنُّ أَحَدًا أَكْثَرَ سَهْوًا مِنِّي.

فَقَالَ: لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ الْعَبْدَ يُرْفَعُ لَهُ ثَلَاثُ صَلَاتِهِ وَ نِصْفُهَا وَ ثَلَاثَةُ أَرْبَاعِهَا وَ أَقَلُّ وَ أَكْثَرُ عَلَى قَدْرِ سَهْوِهِ فِيهَا، لَكِنَّهُ يَتَمُّ لَهُ مِنَ النَّوَافِلِ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ أَبُو بصيرٍ: مَا أَرَى النَّوَافِلَ يَنْبَغِي أَنْ تُتْرَكَ عَلَى حَالٍ.

فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَجَلٌ لَا.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُمَا قَالَا:

۳- ابو بصير گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که مردی گفت: فدایت شوم! من در نماز بسیار اشتباه می‌کنم.

فرمود: آیا کسی هست که اشتباه نکند؟!

من عرض کردم: گمان نمی‌کنم کسی از من بیشتر اشتباه کند.

امام صادق عليه السلام فرمود: ای ابا محمد! همانا برای بنده یک سوم از نمازش، یا نصف آن، یا سه چهارم آن و کمتر و بیشتر، به میزان غفلتش، مورد قبول واقع می‌گردد، ولی به وسیله نافلة نماز او کامل می‌شود.

راوی گوید: ابوبصیر به حضرت عرض کرد: به نظر من ترک نمازهای نافلة نباید در هیچ حال سزاوار باشد.

فرمود: آری، ترک نوافل سزاوار نیست.

۴- فضیل بن یسار گوید: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

إِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا فَإِنْ أُوْهَمَهَا كُلَّهَا أَوْ غَفَلَ عَنْ أَدَائِهَا
لَفَتَّ فَضْرَبَ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ فِي كِتَابِ حَرِيْزٍ أَنَّهُ قَالَ:
إِنِّي نَسِيتُ أَنِّي فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ حَتَّى رَكَعْتُ وَأَنَا أُنْوِيهَا تَطَوُّعًا.
قَالَ: فَقَالَ: هِيَ الَّتِي قُمْتَ فِيهَا إِنْ كُنْتَ قُمْتَ وَأَنْتَ تَنْوِي فَرِيضَةً ثُمَّ دَخَلْتَ
الشُّكَّ فَأَنْتَ فِي الْفَرِيضَةِ وَإِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ فِي نَافِلَةٍ فَنَوَيْتَهَا فَرِيضَةً فَأَنْتَ فِي
النَّافِلَةِ، وَإِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ فِي فَرِيضَةٍ ثُمَّ ذَكَرْتَ نَافِلَةً كَانَتْ عَلَيْكَ فَاْمُضِ فِي
الْفَرِيضَةِ.

به همان قدری که در نماز بدان روی آوری و دلت متوجه باشد، برای تو منظور می‌گردد.
پس اگر در تمام نماز، دل متوجه نباشد و از به جا آوردن آن غافل باشد، آن نماز پیچیده
شده و به صورت صاحبش زده می‌شود.

۵ - عبد الله بن مغیره گوید: حریز در کتاب خود گفته است: من فراموش کردم که در نماز
واجب هستم، تا این که به رکوع رفتم و همان طور به نیت نافله بودم، تکلیف چیست؟
امام علیه السلام فرمود: آن نماز همان نماز واجب است؛ زیرا از اول نیت تو بر فریضه بوده و
پس از آن شک بر تو عارض شده است. پس تو در نماز فریضه بوده‌ای و هرگاه در نماز نافله
باشی و در اثنای آن، نیت نماز واجب کنی، تو در همان نافله‌ای، و همین طور اگر مشغول
نماز واجب باشی و در اثنای آن، نیت نافله نمایی، این همان نماز واجب است و به عنوان
همان نماز واجب آن را تمام کن.

(۴۵)

بَابُ مَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ مِنَ الضَّحِكِ وَالْحَدَثِ وَالْإِشَارَةِ وَالنُّسْيَانِ وَغَيْرِ ذَلِكَ

- ۱ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الضَّحِكِ هَلْ يَقْطَعُ الصَّلَاةَ؟ قَالَ أَمَّا التَّبَسُّمُ فَلَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ، وَ أَمَّا الْفَهْقَهُةُ فَهِيَ تَقْطَعُ الصَّلَاةَ. وَ رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الرَّعَافُ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ. فَقَالَ: إِنْ قَدَرَ عَلَى مَاءٍ عِنْدَهُ يَمِينًا أَوْ شِمَالًا أَوْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ فَلْيَغْسِلْهُ عَنْهُ ثُمَّ لِيَصِلْ مَا بَقِيَ مِنْ صَلَاتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَاءٍ حَتَّى يَنْصَرِفَ بَوَّجْهِهِ أَوْ يَتَكَلَّمَ فَقَدْ قَطَعَ صَلَاتَهُ.

بخش چهل و پنجم

باطل شدن نماز به وسیله خنده، حدث، اشاره، فراموشی و موارد دیگر

- ۱ - سماعه گوید: از امام علی (ع) پرسیدم: آیا خنده نماز را باطل می‌کند؟ فرمود: تبسم (لبخند زدن) نماز را باطل نمی‌کند، ولی قهقهه، آری. این روایت را احمد بن محمد بن عثمان بن عیسی از سماعه نقل کرده است.
- ۲ - حلبی گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: شخصی که مشغول نماز است و خون دماغ می‌شود (چه حکمی دارد؟). فرمود: اگر از سمت راست یا چپ یا در مقابلش که روی او به قبله باشد می‌تواند آب تهیه دارد، باید آن را بشوید و بقیه نمازش را بخواند، اما اگر نمی‌تواند آب تهیه کند مگر آن که روی از قبله برگرداند، یا سخن بگوید، نمازش باطل شده است.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الْعَمَزُ فِي بَطْنِهِ وَهُوَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَصْبِرَ عَلَيْهِ أَوْ لَا يَصْبِرَ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِنْ احْتَمَلَ الصَّبْرَ وَ لَمْ يَخَفْ إِعْجَالاً عَنِ الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ وَ لْيُصْبِرْ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا كَانَا يَقُولَانِ:

لَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ إِلَّا أَرْبَعَةٌ: الْخَلَاءُ وَ الْبَوْلُ وَ الرِّيحُ وَ الصَّوْتُ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُوسُفَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام فِي الرَّجُلِ يَمَسُّ أَنْفَهُ فِي الصَّلَاةِ، فَيَرَى دَمًا كَيْفَ يَصْنَعُ؟ أَيْنَصِرْفُ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ يَابِسًا فَلْيُرْمِ بِهِ وَ لَا بَأْسَ.

۳ - عبدالرحمان بن حجاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: هرگاه فردی احساس کند که دل پیچه دارد، ولی می تواند تحمل کند، آیا می تواند با همان حال نماز بخواند؟ فرمود: اگر می تواند خویشتن داری کند و بیم آن نداشته باشد که موجب شتاب و تعجیل در نماز شود، باید نماز بخواند و خودداری کند.

۴ - ابوبکر حضرمی گوید: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: نماز را قطع نمی کند مگر چهار چیز: به مستراح برای قضای حاجت رفتن، ادرار کردن، خروج باد و صدا.

۵ - محمد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) درباره شخصی که در نماز، بینی خود را می مالد و خونی می بیند، در این که چه باید کند؟ آیا نماز را رها کند؟ فرمود: اگر خون خشک باشد، آن را ببندازد و نمازش ایرادی ندارد.

- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَقْفَهَقَهُ لَا تَنْقُضُ الْوُضُوءَ وَتَنْقُضُ الصَّلَاةَ.
- ۷- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ الْحَاجَةَ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ. فَقَالَ: يَوْمِي بِرَأْسِهِ وَ يُشِيرُ بِيَدِهِ وَ يُسَبِّحُ، وَ الْمَرْأَةُ إِذَا أَرَادَتْ الْحَاجَةَ وَ هِيَ تُصَلِّي تَصَفَّقُ بِيَدَيْهَا.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ خَلْفَهُ فَرْقَعَةً فَرَقَعَ رَجُلٌ أَصَابِعَهُ فِي صَلَاتِهِ. فَلَمَّا أَنْصَرَفَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَمَا إِنَّهُ حَظُّهُ مِنْ صَلَاتِهِ.

۶- زراره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

قهقهه (خنده صدا دار) وضو را باطل نمی‌کند، ولی نماز را باطل می‌کند.

۷- حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره کسی که مشغول نماز باشد و کاری برایش پیش آید و بخواهد دیگری را آگاه کند فرمود:

با سر و دست اشاره کند و تسبیح گوید، و اگر زن در نماز کاری دارد، باید دست‌هایش را به هم زند.

۸- مسمع ابوسیار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نماز بود که پشت سر خود صدای شکستن انگشتان کسی را شنید که مردی در نماز خود انگشتان خویش را می‌شکاند، وقتی آن مرد رفت، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بهره او از نمازش همان بود.

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَصَالَةَ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُهُ الرَّعَافُ وَالْقَيْءُ فِي الصَّلَاةِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 قَالَ: يَنْقَبِلُ فَيَغْسِلُ أَنْفَهُ وَيَعُودُ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنْ تَكَلَّمَ فَلْيُعِدْ صَلَاتَهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ وُضُوءٌ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَدَّادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ أَيْقَطَعُ صَلَاتَهُ شَيْءٌ مِمَّا يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ؟
 فَقَالَ: لَا يَقْطَعُ صَلَاةَ الْمُسْلِمِ شَيْءٌ وَ لَكِنْ اذْرَأْ مَا اسْتَطَعْتَ.
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ فَلَمْ يَرِقْ رُعَافُهُ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ.
 قَالَ: يَحْشُو أَنْفَهُ بِشَيْءٍ ثُمَّ يَصَلِّي وَ لَا يُطِيلُ إِنْ خَشِيَ أَنْ يَسْبِقَهُ الدَّمُ.
 قَالَ: وَ قَالَ: إِذَا التَفَّتْ فِي صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ مِنْ غَيْرِ فَرَاحٍ فَأَعِدِ الصَّلَاةَ إِذَا كَانَ الْإِلْتِفَاتُ فَاحِشًا، وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ تَشَهَّدْتَ فَلَا تُعِدْ.

۹- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: کسی که در میان نماز از بینی او خون جاری می‌شود و یا استفراغ می‌کند، چه باید کند؟

فرمود: باید به مکانی رود و بینی خود را بشوید و به نماز باز گردد. پس اگر سخن بگوید، باید نماز خود را اعاده کند، ولی وضو بر او لازم نیست.

۱۰- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا اگر کسی از پیش روی نمازگزار عبور کند، نمازش باطل می‌شود؟

فرمود: هیچ چیز نماز مسلمان را باطل نمی‌کند، ولی به اندازه‌ای که می‌توانی پیش روی خویش حایلی قرار ده.

حلبی گوید: از حضرتش در مورد شخصی که از بینی او خون جاری می‌شود و جریان آن قطع نمی‌شود تا این که وقت نماز فرا می‌رسد، سؤال کردم.

فرمود: بینی خود را با چیزی پر می‌کند، سپس نماز می‌خواند و در صورتی که بترسد خون جاری شود، نماز را طولانی نکند.

راوی گوید: هم‌چنین فرمود: اگر پیش از تمام شدن نماز روی خود را بر گرداندی، در صورتی که زیاده از حد باشد، باید نماز را اعاده کنی، اما اگر تشهد را خوانده بودی، نماز را اعاده مکن.

- ۱۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ أَبِي حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.
 أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَقُولُ: لَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ الرَّعَافُ وَلَا الْقَيْءُ وَلَا الدَّمُ، فَمَنْ وَجَدَ
 أَرْزًا فَلْيَأْخُذْ بِبِدِّ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ مِنَ الصَّفِّ فَلْيَقْدِّمْهُ. يَعْنِي إِذَا كَانَ إِمَامًا.
- ۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَلْتَفِتُ فِي الصَّلَاةِ.
 قَالَ: لَا، وَلَا يَنْقُضُ أَصَابِعَهُ.

(۴۶)

بَابُ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُصَلِّيِّ وَالْعُطَاسِ فِي الصَّلَاةِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ.

- ۱۱ - سلمه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود:
 خون بینی، استفراغ و خون دیگر نماز را باطل نمی‌کند. پس هر کس احساس ناراحتی و
 درد کند - در صورتی که خود او امام جماعت باشد - دست یکی از مأمومین را بگیرد و او را
 پیش بدارد.
- ۱۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا کسی در نماز می‌تواند روی خود
 را به سوی دیگر برگرداند؟
 فرمود: نه و نباید انگشتان خود را بشکند.

بخش چهل و ششم

سلام کردن بر نمازگزار و حکم عطسه در نماز

- ۱ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شخصی که در حال نماز است و بر او سلام
 می‌کنند، سؤال کردم.

قَالَ: يَرُدُّ سَلَامَ عَلَيْنُكُمْ وَ لَا يَقُولُ: وَ عَلَيْنُكُمْ السَّلَامُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ قَائِمًا يُصَلِّي، فَمَرَّ بِهِ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ عَمَّارٌ، فَرَدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ هَكَذَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا عَطَسَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ مُعَلَّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أَسْمَعُ الْعَطْسَةَ وَ أَنَا فِي الصَّلَاةِ، فَأَحْمَدُ اللَّهَ وَ أَصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ﷺ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَ إِذَا عَطَسَ أَخُوكَ وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ، وَ إِنْ كَانَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ صَاحِبِكَ الْيَمُّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

فرمود: باید در پاسخ آنان بگوید: سلام عليكم، نباید بگوید: وعليكم السلام؛ زیرا رسول خدا ﷺ در حال نماز بود که عمار یاسر از کنار آن حضرت می‌گذشت و سلام کرد و رسول خدا ﷺ این گونه پاسخ داد.

۲ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه کسی در نماز خود عطسه می‌کند، بایستی خداوند را حمد و سپاس گوید.

۳ - ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاهی در حال نماز می‌شنوم که کسی عطسه می‌کند و من خداوند را حمد و سپاس می‌گویم و بر پیامبر ﷺ صلوات می‌فرستم. آن حضرت فرمود: آری، خوب است و هرگاه برادر (دینی) تو عطسه کرد و تو در حال نماز بودی بگو: «الحمد لله»، و بر پیامبر درود فرست و اگر میان تو و عطسه کننده دریایی فاصله بود، باز هم بر محمد و خاندان او درود فرست.

(۴۷)

بَابُ الْمُصَلِّيِّ يَعْزِضُ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْهَوَامِّ فَيَقْتُلُهُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الصَّلَاةِ فَيَرَى الْحَيَّةَ أَوْ الْعَقْرَبَ يَقْتُلُهُمَا إِنْ آذِيَاهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَقْتُلُ الْبَقَّةَ وَ الْبُرْعُوثَ وَ الْقَمْلَةَ وَ الذُّبَابَ فِي الصَّلَاةِ أَيْنُقْضُ صَلَاتُهُ وَ وَضُوءُهُ؟

قَالَ: لَا.

بخش چهل و هفتم**کشتن گزندگان در حال نماز**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: اگر شخصی مشغول نماز باشد و مار، يا عقربی ببيند، اگر او را اذيت کنند، می تواند آن ها را بکشد؟
فرمود: آری.

۲ - حلبی گويد: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که مشغول نماز است و پشه، کک، شپش و مگس را در آن حال می کشد، آیا نماز يا وضویش را باطل می سازد؟
فرمود: نه.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ قَائِمًا فِي الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَيَنْسَى كَيْسَهُ أَوْ مَتَاعًا يَتَخَوَّفُ ضَيْعَتَهُ، أَوْ هَلَاقَهُ.

قَالَ: يَفْطَعُ صَلَاتَهُ وَ يُحْرِزُ مَتَاعَهُ، ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الصَّلَاةَ. قُلْتُ: فَيَكُونُ فِي الْفَرِيضَةِ، فَتَقَلَّتْ عَلَيْهِ دَابَّةٌ أَوْ تَقَلَّتْ دَابَّتُهُ فَيَخَافُ أَنْ تَذْهَبَ أَوْ يُصِيبَ مِنْهَا عَنَتًا.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَفْطَعُ صَلَاتَهُ.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ قَالَ:

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا وَجَدَ قَمَلَةً فِي الْمَسْجِدِ دَفَنَهَا فِي الْحَصَى.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۳ - سماعه گوید: از آن حضرت (یعنی امام صادق عليه السلام) پرسیدم: هرگاه شخصی که به نماز واجب ایستاده، به خاطرش برسد که کیسه خود را جایی گذاشته، یا کالایش را فراموش کرده است و می ترسد از بین برود، چه باید بکند؟

فرمود: نمازش را قطع کرده و کالای خود را بر دارد، سپس نماز خود را از سر گیرد.

راوی گوید: عرض کردم: انسان در حال خواندن نماز واجب است که چهار پای او را رم می کنند - یا خود چهار پا رم می کند - و می ترسد که حیوان برود و نتواند پس از نماز به آن برسد، یا در گرفتنش دچار زحمت بسیار شود، باید چه کند؟

فرمود: اشکالی ندارد که نمازش را قطع کند.

۴ - محمد گوید: امام باقر عليه السلام را رسم چنان بود که چون در مسجد شپشی می دید، آن را

در میان سنگریزه های مسجد پنهان می کرد.

۵ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَرَأَيْتَ غُلَامًا لَكَ قَدْ أَبَقَ أَوْ غَرِيمًا لَكَ عَلَيْهِ مَالٌ أَوْ حَيَّةٌ تَخَافُهَا عَلَى نَفْسِكَ، فَاقْطَعْ الصَّلَاةَ وَاتَّبِعِ الْغُلَامَ أَوْ غَرِيمًا لَكَ وَاقْتُلِ الْحَيَّةَ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنْ وَجَدْتَ قَمَلَةً وَأَنْتَ تُصَلِّي فَادْفِنْهَا فِي الْحَصَى.

(۴۸)

بَابُ بِنَاءِ الْمَسَاجِدِ وَ مَا يُؤْخَذُ مِنْهَا وَ الْحَدِيثُ فِيهَا مِنَ النَّوْمِ وَ غَيْرِهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.

هرگاه در نماز واجب هستی و می بینی که غلامت گریخت، یا بدهکاری را می بینی که مالی از او طلب داری و یا ماری را می بینی که می ترسی به تو آسیب رساند، در این صورت، نماز را قطع کن و به دنبال غلامت، یا از پی بدهکارت برو و مار را بکش.

۶ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در حال نماز شپشی یافتی، آن را در میان سنگریزه ها پنهان کن.

بخش چهل و هشتم

بنای مساجد و احکام آن

۱ - ابو عبیده حذاء گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هر که مسجدی بسازد، خداوند برای او در بهشت خانه ای خواهد ساخت.

قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ فَمَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَ قَدْ سَوَّيْتُ بِأَحْجَارٍ مَسْجِدًا فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! نَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا مِنْ ذَلِكَ؟
فَقَالَ: نَعَمْ.

۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَسْجِدِ يَكُونُ فِي الْبَيْتِ فَيُرِيدُ أَهْلُ الْبَيْتِ أَنْ يَتَوَسَّعُوا بِطَائِفَةٍ مِنْهُ، أَوْ يُحَوِّلُوهُ إِلَى غَيْرِ مَكَانِهِ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَكَانِ يَكُونُ حَبِيبًا ثُمَّ يَنْظَفُ وَ يُجْعَلُ مَسْجِدًا.
قَالَ: يُطْرَحُ عَلَيْهِ مِنَ التُّرَابِ حَتَّى يُوَارِيَهُ فَهُوَ أَطْهَرُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَيْصِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْبَيْعِ وَ الْكِنَائِسِ هَلْ يَصْلِحُ نَفْضُهُمَا لِبِنَاءِ الْمَسَاجِدِ؟
فَقَالَ: نَعَمْ.

و هم چنین ابو عبیده گوید: در راه مکه به نیت مسجد، مکانی سنگ چینی کرده بودم. امام صادق عليه السلام بر من گذشت. عرض کردم: فدایت شوم! امیدی هست که این مکان، مسجدی محسوب شود؟
فرمود: آری.

۲- ابو الجارود گوید: از امام باقر عليه السلام سؤال کردم: مسجدی در خانه واقع است. اهل خانه می خواهند با اضافه بخشی از خانه به مسجد، آن را توسعه دهند یا محل آن مسجد را از آنجا تغییر داده، به جای دیگر ببرند، آیا می توانند؟
فرمود: اشکال ندارد.

گفتم: آیا مکانی که مدتی آبریزگاه بوده است، می توانند تمیز کنند و مسجد بسازند؟
فرمود: مقداری خاک بر آن بریزند که همه جای آن را فرا گیرد. در این صورت، آن مکان پاکیزه تر است.

۳- عیص گوید: از امام صادق عليه السلام درباره عبادتخانه های یهودیان و مسیحیان (کنیسه ها و کلیساها) پرسیدم که می توان آن ها را خراب کرد و در جای شان مسجد ساخت؟
فرمود: آری.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَسَاجِدِ الْمُظَلَّلَةِ أَيْ كَرَهُ الصَّلَاةَ فِيهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ الْيَوْمَ وَ لَوْ قَدْ كَانَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ أَيْعَلَّقُ الرَّجُلُ السَّلَاحَ فِي الْمَسْجِدِ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَ أَمَّا فِي الْمَسْجِدِ الْأَكْبَرِ فَلَا، فَإِنَّ جَدِّي نَهَى رَجُلًا يَبْرِي مَشَقَصًا فِي الْمَسْجِدِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ سَمِعْتُمُوهُ يُنْشِدُ الشُّعْرَ فِي الْمَسَاجِدِ فَقُولُوا: فَضَّ اللَّهُ فَاكَ، إِنَّمَا نُصِبَتْ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ.

۴ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: آیا نماز خواندن در مساجدی که سقف دارند مکروه است؟

فرمود: آری، ولی امروز ضروری به حال شما ندارد، و اگر عدالتی برپا بود، (یعنی دوران شکوهمند ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الیه می دیدید که درباره آن چگونه رفتار می شد. راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدیم: آیا می توان سلاح جنگی را در مسجد آویخت؟

فرمود: آری، اما در مسجد بزرگ، این کار را نکنید، زیرا جدم (امام سجّاد عليه السلام) مردی را که در مسجد تیر می تراشید، نهی فرمود.

۵ - جعفر بن ابراهیم گوید: امام سجّاد عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرگاه شنیدید که کسی در مسجد شعر می خواند بگوئید: خداوند دهانت را بشکند! مساجد تنها برای خواندن قرآن، ساخته شده اند.

۶- الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَلَوِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ جَمْهُورٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعُرَنِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جَمَيْعٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ الْمُصَوَّرَةِ. فَقَالَ: أَكْرَهُ ذَلِكَ، وَ لَكِنَّ لَا يَضُرُّكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَ لَوْ قَدْ قَامَ الْعَدْلُ رَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مِسْمَعِ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنِ رَطَانَةِ الْأَعَاجِمِ فِي الْمَسَاجِدِ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنِ سَلِّ السَّيْفِ فِي الْمَسْجِدِ وَ عَنِ بَرِي النَّبْلِ فِي الْمَسْجِدِ. قَالَ: إِنَّمَا بُنِيَ لِغَيْرِ ذَلِكَ.

۶- عمرو بن جمیع گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد نماز خواندن در مساجدی که عکس و تصویر دارند، سؤال کردم.

فرمود: من آن را مکروه می‌دانم، ولی امروز ضرری به حال شما ندارد، ولی آن روز که عدالت برپا شود، خواهید دید که با آن‌ها چه خواهد شد.

۷- مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله نهی فرموده است که در مساجد به زبانی سخن گفته شود که دیگران متوجه نشوند.

۸- محمد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله از کشیدن شمشیر و از تراشیدن تیر در مسجد نهی کرد و فرمود: مسجد برای کاری جز این ساخته شده است.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْوُضُوءِ فِي الْمَسْجِدِ. فَكَرِهَهُ مِنَ الْغَائِطِ وَالْبَوْلِ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّوْمِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: نَعَمْ، فَأَيْنَ يَنَامُ النَّاسُ؟

۱۱- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيرِ بْنِ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي النَّوْمِ فِي الْمَسَاجِدِ؟

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدَيْنِ: مَسْجِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. قَالَ: وَ كَانَ يَأْخُذُ بِيَدِي فِي بَعْضِ اللَّيْلِ فَيَتَّحِي نَاحِيَةً ثُمَّ يَجْلِسُ فَيَتَحَدَّثُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَرَبِّمَا نَامَ وَ نِمْتُ، فَقُلْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ. فَقَالَ: إِنَّمَا يُكْرَهُ أَنْ يَنَامَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَمَّا النَّوْمُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.

۹- رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد شست و شو در مسجد سؤال کردم.

آن حضرت شست و شویی را که به سبب مدفوع و ادرار باشد، مکروه داشت.

۱۰- معاویه بن وهب گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد خوابیدن در مسجد الحرام و

مسجد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال کردم، آیا جایز است؟

فرمود: آری، پس مردم در کجا بنوابند؟!

۱۱- زرارة بن اعین گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: خوابیدن در مساجد چه حکمی

دارد؟

فرمود: اشکالی ندارد، مگر در دو مسجد: مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسجد الحرام.

زراره گوید: آن حضرت در بعضی از شبها دست مرا می گرفت و به گوشه ای از مسجد

می برد و می نشست و در مسجد الحرام سخن می گفت و گاهی حضرتش در آنجا

می خوابید، من نیز می خوابیدم. من در مورد خوابیدن در آنجا از حضرتش پرسیدم.

فرمود: تا آن حدی که در زمان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسجد بوده، خوابیدن کراهت دارد و اما

در اینجا (چون بعداً توسعه داده شده است) اشکال ندارد.

۱۲ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَانَ الْكَرْخِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ فِي الصَّلَاةِ فَيُرِيدُ أَنْ يَبْزُقَ .
فَقَالَ: عَنْ يَسَارِهِ وَإِنْ كَانَ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ فَلَا يَبْزُقُ حِذَاءَ الْقِبْلَةِ وَ يَبْزُقُ عَنْ يَمِينِهِ وَ يَسَارِهِ.

۱۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:
رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام يَتَقَلُّ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فِيمَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ لَمْ يَدْفِنُهُ.
۱۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي لَأَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ.

۱۲ - عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کسی در مسجد مشغول نماز است و می خواهد در آن جا آب دهان بیندازد (چه حکمی دارد؟)
فرمود: باید در سمت چپ خود بیندازد، ولی اگر مشغول نماز نیست به جهت قبله بیندازد، بلکه به سمت راست و یا چپ خویش بیندازد.
۱۳ - علی بن مهزیار گوید: امام جواد عليه السلام را دیدم که در مسجد الحرام، در بین رکن یمانی و حجرالاسود آب دهان مبارک خویش را بینداخت و آن را پنهان نکرد^(۱).
۱۴ - راوی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

۱ - به نظر می رسد در مکانی بوده که مشکلی برای کسی نداشته است.

فَقَالَ: لَا تَكْرَهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَّةٌ مِنْ دَمِهِ، فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا، فَأَدَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ النَّوَافِلَ وَ أَقْضَى فِيهَا مَا فَاتَكَ.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾. فَقَالَ: سُكْرُ النَّوْمِ.

۱۶ - جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ يُرَخَّصُ فِي النَّوْمِ فِي شَيْءٍ مِنَ الصَّلَاةِ.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافله خود را در آنجا به جای آور و آن چه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

۱۵ - زید شحام گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: خداوند تعالی می فرماید: «در حال مستی به نماز نزدیک نشوید»، مقصود از مستی چیست؟

فرمود: منظور مستی خواب است.

۱۶ - عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

این گونه نیست به کسی که خوابیده، در نمازش رخصتی داده شود.

(۴۹)

بَابُ فَضْلِ الصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا يَزُوِي النَّاسُ أَنَّ الصَّلَاةَ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الرَّجُلِ وَحْدَهُ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ صَلَاةً.

فَقَالَ: صَدَقُوا.

فَقُلْتُ: الرَّجُلَانِ يَكُونَانِ جَمَاعَةً.

فَقَالَ: نَعَمْ، وَ يَقُومُ الرَّجُلُ عَنْ يَمِينِ الْإِمَامِ.

۲ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

بخش چهل و نهم**فضیلت و برتری نماز جماعت**

۱ - زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا آن چه را که مردم روایت می کنند که نماز انسان در حال جماعت، از بیست و پنج نمازی که به تنهایی بخواند، بهتر است، درست است؟

فرمود: راست گفته اند.

عرض کردم: آیا دو مرد که با هم نماز بخوانند، نماز جماعت خواهد بود؟

فرمود: آری، و یکی از آن دو، باید در طرف راست امام بایستد.

۲ - یوسف گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

إِنَّ الْجُهَنِيَّ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي أَكُونُ فِي الْبَادِيَةِ وَمَعِيَ أَهْلِي
وَوُلْدِي وَغُلْمَتِي، فَأُوذُّنُ وَأُقِيمُ وَأُصَلِّي بِهِمْ أَفَجَمَاعَةٌ نَحْنُ؟
فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ الْغُلَمَةَ يَتَّبِعُونَ قَطْرَ السَّحَابِ وَأَبْقَى أَنَا وَاهْلِي وَوُلْدِي
فَأُوذُّنُ وَأُقِيمُ وَأُصَلِّي بِهِمْ فَجَمَاعَةٌ نَحْنُ؟
فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَإِنَّ وُلْدِي يَتَفَرَّقُونَ فِي الْمَاشِيَةِ، وَأَبْقَى أَنَا وَاهْلِي فَأُوذُّنُ
وَأُقِيمُ وَأُصَلِّي بِهِمْ أَفَجَمَاعَةٌ أَنَا؟
فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ الْمَرْأَةَ تَذْهَبُ فِي مَصْلَحَتِهَا فَأَبْقَى أَنَا وَحَدِي فَأُوذُّنُ
وَأُقِيمُ فَأُصَلِّي أَفَجَمَاعَةٌ أَنَا؟
فَقَالَ: نَعَمْ، الْمُؤْمِنُ وَحَدَهُ جَمَاعَةٌ.

جهنی خدمت پیامبر ﷺ شرف یاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! من صحرانشینم
و با همسر، فرزندان و غلامان خود به سر می‌برم. اذان و اقامه می‌گویم و با ایشان نماز
می‌گزارم، آیا ما جماعت محسوب می‌شویم؟
فرمود: آری.

عرض کرد: ای رسول خدا! غلامان از پی آب باران می‌روند و من با زن و فرزندانم
می‌مانم. اذان و اقامه می‌گویم و با آنان نماز می‌خوانم، آیا ما جماعت هستیم؟
فرمود: آری.

عرض کرد: ای رسول خدا! فرزندانم برای چرانیدن گوسفندان می‌روند و من با زنم
می‌مانم. اذان و اقامه می‌گویم و با او نماز می‌گزارم، آیا ما هم جماعت محسوب می‌شویم؟
فرمود: آری.

عرض کرد: ای رسول خدا! گاهی همسرم در پی کاری می‌رود و من تنها می‌مانم. اذان و
اقامه می‌گویم و نماز می‌خوانم، آیا من هم جماعت هستم؟
فرمود: آری. مؤمن خود به تنهایی جماعت است.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظُنُّوا بِهِ خَيْرًا.

۴ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَمَّا يَسْتَحِبِّي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ الْجَارِيَةُ فَيَبِيعَهَا فَتَقُولَ: لَمْ يَكُنْ يَحْضِرُ الصَّلَاةَ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي رَجُلٌ جَارٌ مَسْجِدٍ لِقَوْمِي، فَإِذَا أَنَا لَمْ أُصَلِّ مَعَهُمْ وَقَعُوا فِيَّ وَ قَالُوا: هُوَ هَكَذَا وَ هَكَذَا.

۳ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می کند که حضرتش فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس نمازهای پنج گانه اش را با جماعت به جا آورد، به او گمان خوب داشته باشید.

۴ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

آیا یکی از شما (شیعیان) شرم نمی کند که کنیزی داشته باشد و آن را بفروشد و بعدها آن کنیز بگوید: صاحب من به نماز جماعت حاضر نمی شد؟!

۵ - زراره گوید: روزی در خدمت امام باقر علیه السلام نشسته بودم که ناگاه مردی وارد شد و به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! من در همسایگی مسجد قبیله ام خانه دارم. اگر با آنان نماز نگزارم پشت سر من حرف می زنند و می گویند: او چنین و چنان است.

فَقَالَ: أَمَا لَئِنْ قُلْتَ ذَلِكَ لَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.

فَخَرَجَ الرَّجُلُ. فَقَالَ لَهُ: لَا تَدَعِ الصَّلَاةَ مَعَهُمْ وَخَلْفَ كُلِّ إِمَامٍ. فَلَمَّا خَرَجَ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَبَّرَ عَلَيَّ قَوْلُكَ لِهَذَا الرَّجُلِ حِينَ اسْتَفْتَاكَ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ.

قَالَ: فَضَحِكَ عليه السلام ثُمَّ قَالَ: مَا أَرَاكَ بَعْدُ إِلَّا هَاهُنَا يَا زُرَّارَةُ! فَأَيَّةَ عِلَّةٍ تُرِيدُ أَعْظَمَ مِنْ أَنَّهُ لَا يَأْتُمُّ بِهِ؟

ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ! أَمَا تَرَانِي قُلْتُ: صَلُّوا فِي مَسَاجِدِكُمْ وَ صَلُّوا مَعَ أُمَّتِكُمْ؟!
 ۶ - حَمَادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضِيلِ قَالَا: قُلْنَا لَهُ: الصَّلَوَاتُ فِي جَمَاعَةٍ فَرِيضَةٌ هِيَ؟

فرمود: تو چنین می‌گویی در حالی که امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرموده است: هر کس صدای اذان را بشنود و بدون علت به نماز حاضر نشود، نماز (کاملی) برای او نیست. مرد خارج شد و آن حضرت به او فرمود: نماز گزاردن با آنان در پشت سر هر امام جماعتی را رها مکن.

چون مرد خارج شد، من عرض کردم: قربانت گردم! فرمایش شما به این مرد بر من گران آمد! حال اگر آنان مؤمن (شیعه) نبودند چطور؟

راوی گوید: آن حضرت خندید و فرمود: ای زراره! دیگر - جز این مورد - این گونه نبینم، کدام علت را می‌خواهی که بزرگتر از این باشد که به چنین امام جماعتی اقتدا نشود؟ سپس فرمود: ای زراره! آیا نمی‌بینی که در حدیث دیگری گفته‌ام: در مسجدهای خودتان نماز گزارید و با ائمه جماعت خود نماز بخوانید.

۶ - زراره و فضیل گویند: به امام عليه السلام عرض کردیم: آیا نمازها را به جماعت خواندن واجب است؟

- فَقَالَ: الصَّلَوَاتُ فَرِيضَةٌ، وَ لَيْسَ الْاجْتِمَاعُ بِمَقْرُوضٍ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا، وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ، وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.
- ۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ:
- لِيَكُنَّ الَّذِينَ يَلُونُ الْإِمَامَ أَوْلِيَّ الْأَحْلَامِ مِنْكُمْ وَ النَّهْيِ، فَإِنْ نَسِيَ الْإِمَامُ أَوْ تَعَايَا قَوْمُوهُ وَ أَفْضَلَ الصُّفُوفِ أَوْلَهَا وَ أَفْضَلَ أَوْلَهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ، وَ فَضْلُ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ فَذَا حَمْسٌ وَ عِشْرُونَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ:
- فَضْلُ مِيَامِنِ الصُّفُوفِ عَلَى مِيَامِسِرِهَا كَفَضْلِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الْفَرْدِ.
- ۹- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: نمازها، واجب هستند، ولی اجتماع در همه آنها واجب نیست، لکن سنت است و هر کس آن را به سبب روی گرداندن از آن، یا از روی بی‌علاقگی به جماعت مؤمنان بدون علت ترک کند، نماز (کامل یا پذیرفته شده‌ای) برای او نیست.

۷- جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

کسانی که در نماز جماعت نزدیک به امام می‌ایستند، باید عاقل و خردمند باشند. تا اگر امام دچار سهوی شد، یا در موردی درماند، یا نتوانست آنچه را فراموش کرده به خاطر آورد، او را یاری کنند و با فضیلت‌ترین صف‌ها، صف اول است و با فضیلت‌ترین مکان‌ها در صف اول، جای کسی است که به امام نزدیکتر است، و فضیلت و برتری نماز جماعت از نماز فردی به میزان بیست و پنج درجه در بهشت است.

۸- سهل بن زیاد با سلسله سند خود گوید: امام عليه السلام فرمود:

فضیلت و برتری صف‌های راست جماعت، بر صف‌های چپ، مانند فضیلت و برتری نماز جماعت بر نماز فردی است.

۹- حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

يُحَسِبُ لَكَ إِذَا دَخَلْتَ مَعَهُمْ وَإِنْ لَمْ تَقْتَدِ بِهِمْ مِثْلَ مَا يُحَسِبُ لَكَ إِذَا كُنْتَ مَعَ مَنْ تَقْتَدِي بِهِ.

(۵۰)

بَابُ الصَّلَاةِ خَلْفَ مَنْ لَا يُقْتَدَى بِهِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ فَأَفْرُغُ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ.
- قَالَ: أَبْقِ آيَةَ وَ مَجْدِ اللَّهِ وَ أَتْنِ عَلَيْهِ، فَإِذَا فَرَّغَ فَأَقْرَأِ الْآيَةَ وَ ارْكَعْ.
- ۲ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ الْمُخَالَفِينَ .

هرگاه در نماز جماعت اهل سنت داخل می شوی، اگرچه به ایشان اقتدا نمی کنی، برای تو پاداش کسی است که در جماعت، اقتدا کرده است.

بخش پنجاهم

نماز پشت سر کسی که به او اقتدا نمی شود

- ۱ - زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: با امام جماعتی در حال نماز هستم، پیش از آن که او از قرائت فارغ شود، من فارغ می شوم.
- فرمود: یک آیه باقی گذار و خدا را تمجید کن و ثناگوی و چون امام جماعت از قرائت فارغ شد، آن یک آیه را بخوان و به رکوع برو.
- ۲ - زراره گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد نماز در پشت مخالفان (مخالفان شیعیان) پرسیدم.

فَقَالَ: مَا هُمْ عِنْدِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْجُدْرِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ
عَمَّنْ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أُصَلِّي خَلْفَ مَنْ لَا أَقْتَدِي بِهِ، فَإِذَا فَرَعْتُ مِنْ قِرَاءَتِي وَ لَمْ يَفْرُغْ هُوَ.
قَالَ: فَسَبِّحْ حَتَّى يَفْرُغَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ لَا تَقْتَدِي بِهِ فَاقْرَأْ خَلْفَهُ سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ.

۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ
قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنْ مَوَالِيكَ قَدِ اخْتَلَفُوا فَأُصَلِّي خَلْفَهُمْ جَمِيعًا؟

فرمود: آنان در نظر من، همانند دیوار هستند (یعنی به نماز و قرائت آنان اعتنا نمی‌شود).

۳- اسحاق بن عمار گوید: فردی از امام صادق عليه السلام پرسید: در پشت سر کسی که به او اقتدا نمی‌کنم، نماز می‌گزارم، از قرائت خود فارغ می‌شوم در حالی که او هنوز فارغ نشده است (باید چه کنم؟)

فرمود: تسبیح بگو تا این که از قرائت فارغ شود.

۴- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه پشت سر کسی که به او اقتدا نمی‌کنی، نماز گزاردی، خود برای نمازت قرائت کن، خواه قرائت او را بشنوی و خواه نشنوی.

۵- ابو علی بن راشد گوید: به امام جواد عليه السلام عرض کردم: به راستی که دوستان شما با

یکدیگر اختلاف نظر دارند، آیا در پشت سر همه آنها می‌توانم نماز بگزارم؟

فَقَالَ: لَا تُصَلِّ إِلَّا خَلْفَ مَنْ تَثِقُ بِهِ بَيْنَهُ .

ثُمَّ قَالَ: وَ لِي مَوَالٍ .

فَقُلْتُ: أَصْحَابٌ .

فَقَالَ مُبَادِرًا قَبْلَ أَنْ أَسْتَتِمَّ ذِكْرَهُمْ: لَا يَا مُرَّكَ عَلِيُّ بْنُ حَدِيدٍ بِهَذَا، أَوْ هَذَا مِمَّا

يَا مُرَّكَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ حَدِيدٍ؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ .

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ

لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَنَسًا رَوَوْا عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بَعْدَ

الْجُمُعَةِ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهُنَّ بِتَسْلِيمٍ .

فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ! إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى خَلْفَ فَاسِقٍ، فَلَمَّا سَلَّمَ وَ انْصَرَفَ

قَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهُنَّ بِتَسْلِيمٍ .

فرمود: نماز مخوان مگر در پشت سر کسی که به دین او اعتماد داشته باشی.

سپس فرمود: آیا برای من دوستانی است؟

عرض کردم: شما را اصحابی است.

حضرتش پیش از آن که نام آنها را بگویم، فرمود: نه، آیا علی بن حدید تو را به این

فرمان داده است؟ یا این حکمی است که علی بن حدید تو را به آن فرمان داده است؟

عرض کردم: آری.

۶ - زراره گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: به راستی که مردم از امیر مؤمنان علی

صلوات الله علیه روایت کرده اند که آن حضرت بعد از نماز جمعه چهار رکعت نماز خواند که با

سلام میان چهار رکعت فاصله قرار نداد؟

فرمود: ای زراره! امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در پشت سر فاسقی نماز گزارد و چون سلام داد

و تمام کرد، امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه برخاست و چهار رکعت نماز گزارد و با سلام

میان آنها فاصله قرار نداد.

فَقَالَ: لَهُ رَجُلٌ إِلَى جَنْبِهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ! صَلَّيْتَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ لَمْ تَفْصِلْ بَيْنَهُنَّ .
 فَقَالَ: إِنَّهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مُشَبَّهَاتٍ .
 وَ سَكَتَ فَوَاللَّهِ! مَا عَقَلُ مَا قَالَ لَهُ .

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ
 عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّا نُصَلِّي مَعَ هَؤُلَاءِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ هُمْ
 يُصَلُّونَ فِي الْوَقْتِ فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟
 فَقَالَ: صَلُّوا مَعَهُمْ .
 فَخَرَجَ حُمْرَانُ إِلَى زُرَّارَةَ فَقَالَ: لَهُ قَدْ أَمَرْنَا أَنْ نُصَلِّيَ مَعَهُمْ بِصَلَاتِهِمْ .
 فَقَالَ زُرَّارَةُ: مَا يَكُونُ هَذَا إِلَّا بِتَأْوِيلٍ .
 فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ: قُمْ حَتَّى تَسْمَعَ مِنْهُ .

شخصی که در کنارش بود به آن حضرت عرض کرد: ای ابوالحسن! چهار رکعت نماز گزاردی و میان آن فاصله قرار ندادی؟
 فرمود: همانا این چهار رکعت مشبّهاتند^(۱).
 آن مرد ساکت شد. به خدا سوگند! ندانست که آن حضرت چه فرمود.
 ۷- حمران بن اعین گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: قربانت گردم! با این جماعت در روز جمعه نماز می‌گزاریم و آن‌ها در وقت (فضیلت ظهر روز جمعه که اول زوال است) نماز می‌گزارند، وظیفه ما چیست؟
 فرمود: با آنان نماز بگزارید.
 حمران نزد زراره رفت و به او گفت: به ما دستور داده شده است که با آنان نماز بگزاریم.
 زراره گفت: به طور حتم این سخن تأویل دارد.
 حمران به او گفت: بر خیز تا از خود آن حضرت بشنویم.

۱ - علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: یعنی نمازی است که مردم را در عدالت امام جماعت به شبهه می‌اندازد.

قَالَ: فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ. فَقَالَ لَهُ زُرَّارَةٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ حُمْرَانَ زَعَمَ أَنَّكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ مَعَهُمْ، فَأَنْكَرْتُ ذَلِكَ .
 فَقَالَ لَنَا: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يُصَلِّي مَعَهُمُ الرَّكْعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغُوا قَامَ فَأَصَافَ إِلَيْهِمَا رَكْعَتَيْنِ.

(۵۱)

بَابُ مَنْ تَكَرَّرَ الصَّلَاةَ خَلْفَهُ وَ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقَوْمِ وَمَنْ أَحَقُّ أَنْ يُؤْمَّ

۱ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَمْسَةٌ لَا يُؤْمُونَ النَّاسَ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْمَجْدُومُ وَالْأَبْرَصُ وَالْمَجْنُونُ وَوَلَدُ الزَّانَا وَالْأَعْرَابِيُّ.

گوید: خدمت حضرتش شرفیاب شدیم، زراره به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! حمران گمان می کند که شما امر فرموده اید که ما با آنان نماز بگذاریم. پس من آن را انکار کردم.
 حضرتش به ما فرمود: امام سجّاد عليه السلام همواره با آنان (ائمه جور) دو رکعت نماز می گزارد و چون آن ها فارغ می شدند، برمی خاست و دو رکعت به آن می افزود.

بخش پنجاه و یکم

امام جماعتی که اقتدای به او مکروه است، حکم بنده ای که امام جماعت گروهی شود و حکم کسی برای امامت جماعت شایسته تر است

۱ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پنج تن هستند که در هر حالی نمی توانند امامت مردم را به عهده بگیرند: کسی که بیماری جذام داشته باشد، کسی که بیماری پیسی دارد، دیوانه، آن که از زنا متولد شده و فرد بیابانی و بادیه نشین (بی سواد و بی فرهنگ).

- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
- لَا يَوْمُ الْمُقَيَّدِ الْمُطْلَقِينَ وَلَا يَوْمُ صَاحِبِ الْفَالِجِ الْأَصْحَاءِ، وَلَا صَاحِبِ التَّيْمَمِ الْمُتَوَضِّئِينَ، وَلَا يَوْمُ الْأَعْمَى فِي الصَّحْرَاءِ إِلَّا أَنْ يُوجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ.
- ۳ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ فِي رَجُلَيْنِ اخْتَلَفَا، فَقَالَ أَحَدُهُمَا: كُنْتُ إِمَامًا. وَقَالَ الْآخَرُ: أَنَا كُنْتُ إِمَامًا.
- فَقَالَ: صَلَاةُكُمَا تَامَةٌ.
- قُلْتُ: فَإِنْ قَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا كُنْتُ أَنْتُمْ بِكَ.
- قَالَ: صَلَاةُكُمَا فَاسِدَةٌ وَ لَيْسَتْ أَنْفَاءً.
- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الصَّلَاةُ خَلْفَ الْعَبْدِ.

۲ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: کسی که گرفتار بند و زنجیر است نمی تواند برای آنان که آزادند پیش نمازی کند.

کسی که مبتلا به رعشه و سکنه ناقص است، نمی تواند برای افراد تندرست امامت نماید. کسی که تیمم گرفته بر کسانی که وضو دارند، نمی تواند امامت کند. و شخصی که کور است نمی تواند در صحرا و بیابان پیشنمازی کند، مگر آن که روی او به سوی قبله برگردانده شود.

۳ - با همین سند نقل شده است: دو نفر با هم در نماز جماعت اختلاف کردند، یکی از آن دو به دیگری گفت: من امامت کردم، و دیگری نیز گفت: من امام تو بودم. فرمود: نماز آن دو نفر صحیح است.

راوی گوید: عرض کردم: حال اگر یکی از آن دو به دیگری بگوید: من به تو اقتدا کرده‌ام، و دیگری نیز بگوید: من به تو اقتدا کرده‌ام (حکم نماز آن‌ها چگونه است؟) فرمود: نماز هر دو باطل است و هر دو نفر باید نماز را دوباره بخوانند.

۴ - زراره گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: نماز خواندن در پشت سر بنده (چگونه است؟)

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَ فَعِيهَاً وَ لَمْ يَكُنْ هُنَاكَ أَفْقَهُ مِنْهُ.

قَالَ: قُلْتُ: أَصَلِّي خَلْفَ الْأَعْمَى؟

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَ لَهُ مَنْ يُسَدُّهُ وَ كَانَ أَفْضَلَهُمْ.

قَالَ: وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدُكُمْ خَلْفَ الْمَجْدُومِ وَ الْأَبْرَصِ وَ الْمَجْنُونِ وَ الْمَحْدُودِ وَ وَلَدِ الزُّنَا وَ الْأَعْرَابِيِّ لَا يَوْمُ الْمُهَاجِرِينَ.

۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْقَوْمِ مِنْ أَصْحَابِنَا يَجْتَمِعُونَ فَتَحْضُرُ الصَّلَاةَ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: تَقَدَّمَ يَا فُلَانُ!

فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: يَتَقَدَّمُ الْقَوْمَ أَقْرَبُهُمْ لِلْقُرْآنِ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهَجْرَةِ سَوَاءً فَأَكْبَرُهُمْ سِنًّا، فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَلْيَوْمُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ وَ أَفْقَهُهُمْ فِي الدِّينِ، وَ لَا يَتَقَدَّمَنَّ أَحَدُكُمْ الرَّجُلَ فِي مَنْزِلِهِ، وَ لَا صَاحِبَ السُّلْطَانِ فِي سُلْطَانِهِ.

فرمود: در صورتی که به دین آگاه باشد و در آنجا کسی از او آگاهتر نباشد، اشکالی ندارد. عرض کردم: آیا در پشت سر شخص کور می توانم نماز بگذارم؟ فرمود: آری، اگر کسی باشد که روی او را به سمت قبله نماید و او از آنان در دین آگاه تر باشد. امام باقر عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

نباید کسی از شما در پشت سر بیمار جذام، بیمار پیسی، دیوانه، کسی که حد بر او جاری شده است و آن که از زنا متولد شده، نماز گزارد و هم چنین کسی که بیابانی و بادیه نشین است نمی تواند بر مهاجران امامت نماید.

۵- ابو عبیده گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: گروهی از دوستان ما وقتی جمع می شوند به هنگام نماز یکی از آنها می گوید: فلانی! جلو بایست (تا نماز جماعت بخوانیم).

فرمود: همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی بر مردم نماز می خواند که قرآن را بهتر بتواند قرائت کند. و اگر چند تن همه در قرائت مساوی باشند، هر کدام که زودتر هجرت کرده، امام شود، و اگر از حیث هجرت همه برابر بودند، پس سالمندترین آنان، و اگر در سن همه مساوی هستند، آن که داناترین آنان به سنت و آگاه ترین آنان به مسایل دین است، امامت کند، نباید کسی از شما در منزل دیگری بر او امامت نماید و نباید بر صاحب سلطنت در دوران سلطنتش امامت کرد.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْعُلَامِ الَّذِي لَمْ يَبْلُغِ الْحُلْمَ أَنْ يَوْمَ الْقَوْمِ وَأَنْ يُؤَدِّنَ.

(۵۲)

بَابُ الرَّجُلِ يَوْمَ النِّسَاءِ وَالْمَرْأَةِ تَوْمَ النِّسَاءِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَوْمَ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهِ . فَقَالَ: نَعَمْ، تَقَوْمٌ وَرَاءَهُ.
- ۲ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَوْمَ النِّسَاءِ .

۶ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اشکالی ندارد نوجوانی که هنوز به حد بلوغ نرسیده، به گروهی پیشنمازی کند و اذان بگوید.

بخش پنجاه و دوم

مردی که به زنان پیشنمازی کند و زنی که برای زنان پیشنمازی نماید

۱ - ابوالعباس گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مرد می تواند در خانه اش برای زن

امامت نماید؟

فرمود: آری می تواند، ولی زن باید در پشت سر او بایستد.

۲ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که برای زنان امامت می کند،

پرسیدم.

فَقَالَ: إِذَا كُنَّ جَمِيعًا أُمَّتُهُنَّ فِي النَّافِلَةِ، فَأَمَّا الْمَكْتُوبَةُ فَلَا وَ لَا تَقَدَّمُهُنَّ، وَ لَكِنَّ تَقُومُ وَ سَطَأَ مِنْهُنَّ.

۳- أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ فَضَالَةَ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَوْمَ النِّسَاءِ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ فِي الْفَرِيضَةِ. قَالَ: نَعَمْ، وَ إِنْ كَانَ مَعَهُ صَبِيٌّ فَلْيَقُمْ إِلَى جَانِبِهِ.

(۵۳)

بَابُ الصَّلَاةِ خَلْفَ مَنْ يُقْتَدَى بِهِ وَ الْقِرَاءَةِ خَلْفَهُ وَ ضَمَانِهِ الصَّلَاةَ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ الْإِمَامِ أَقْرَأُ خَلْفَهُ؟

فرمود: هرگاه همه زن باشند، در نمازهای نافله ^(۱) می‌تواند برای آنان امامت نماید، ولی در نماز واجب نمی‌تواند، و نباید بیشتر از زنان بایستد، بلکه باید در میان آنان بایستد.
۳- ابراهیم بن میمون گوید: امام صادق عليه السلام در مورد مردی که برای زنان پیشنمازی کند، در حالی که مرد دیگری در نماز فریضه با آنان همراه نباشد، فرمود: آری، چنین نمازی جایز است، اگر همراه آن مرد، پسر بچه‌ای باشد، باید در کنار امام بایستد.

بخش پنجاه و سوم

نماز در پشت سر کسی که به او اقتدا می‌شود، حکم قرائت در پشت سر او و ضامن بودن امام نماز مأمومین را

۱- عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد نماز در پشت سر امام جماعت پرسیدم که آیا در آن قرائت کنم یا نه؟

۱- به نظر می‌رسد، منظور حضرت نمازهای نافله‌ای است که خواندن آنها به جماعت مستحب است، مانند نماز استسقاء و نماز عید فطر و عید قربان در صورتی که در زمان غیبت امام عليه السلام مستحب باشند.

فَقَالَ: أَمَّا الصَّلَاةُ الَّتِي لَا يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ جُعِلَ إِلَيْهِ فَلَا تَقْرَأُ خَلْفَهُ. وَ أَمَّا الصَّلَاةُ الَّتِي يُجْهَرُ فِيهَا، فَإِنَّمَا أَمِيرٌ بِالْجَهْرِ لِيُنْصِتَ مَنْ خَلْفَهُ، فَإِنَّ سَمِعْتَ فَأَنْصِتْ وَإِنْ لَمْ تَسْمَعْ فَأَقْرَأْ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَأْتُمُ بِهِ فَلَا تَقْرَأُ خَلْفَهُ سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَلَاةً يُجْهَرُ فِيهَا وَ لَمْ تَسْمَعْ فَأَقْرَأْ.

۳ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَادِ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَأْتُمُ بِهِ فَأَنْصِتْ وَ سَبِّحْ فِي نَفْسِكَ.

۴ - وَ عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ قُتَيْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَرْضِي بِهِ فِي صَلَاةٍ يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَلَمْ تَسْمَعْ قِرَاءَتَهُ فَأَقْرَأْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ، وَإِنْ كُنْتَ تَسْمَعُ الِهِمْمَةَ فَلَا تَقْرَأْ.

فرمود: در نمازها، چون قرائت به عهده امام است، قرائت مکن، و اما در نمازهایی که بلند خوانده نمی شود باید امام جماعت، بلند قرائت کند تا کسانی که پشت سر او هستند، ساکت باشند و قرائت را بشنوند. پس اگر قرائت را شنیدی ساکت باش و اگر نشنیدی، قرائت کن.

۲ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه پشت سر امامی که به او اقتدا کرده ای نماز می خوانی، خود قرائت مکن، خواه قرائت امام را بشنوی یا نشنوی، مگر آن که نمازی باشد که باید بلند خوانده شود و صدای امام را نشنوی، در این صورت قرائت کن.

۳ - زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

هرگاه پشت سر امامی بودی که به او اقتدا کرده ای، ساکت باش و در دلت تسبیح بگو.

۴ - قتیبه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه پشت سر امامی بودی که به امامت او راضی هستی و در نمازی است که باید بلند خوانده شود، اگر قرائت او را نمی شنوی، تو برای خودت قرائت کن، اما اگر همهمه امام را می شنوی، قرائت مکن.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليه السلام عَنِ الْإِمَامِ يَضْمَنُ صَلَاةَ الْقَوْمِ؟ قَالَ: لَا.

۶ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ خَلْفَ إِمَامٍ يَأْتُمُّ بِهِ فَمَاتَ بُعِثَ عَلَى غَيْرِ الْفِطْرَةِ.

(۵۴)

بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي بِالْقَوْمِ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ أَوْ لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ أَمْ قَوْمًا وَهُوَ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ فَأَعْلَمَهُمْ بَعْدَ مَا صَلَّوْا. فَقَالَ: يُعِيدُ هُوَ وَ لَا يُعِيدُونَ.

۵- زراره گوید: از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام پرسیدم: آیا امام جماعت نماز مأمومین را ضامن است؟ فرمود: نه.

۶- زراره و محمد بن مسلم گویند: امام باقر عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه همواره می فرمود: هر کس پشت سر امامی که به او اقتدا می کند، قرائت را خود بخواند، چون بمیرد، بر غیر فطرت اسلام مرده است^(۱).

بخش پنجاه و چهارم

کسی که برای گروهی بدون طهارت امامت نماید و یا به غیر قبله نماز بخواند
۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که برای گروهی بدون طهارت امامت نماید و بعد از نماز به آنان باز گوید (چه حکمی دارد؟). فرمود: امام جماعت باید نمازش را اعاده کند، ولی مأمومین لازم نیست اعاده کنند.

۱ - علامه مجلسی رحمته الله در ذیل این روایت احتمالاتی بیان کرده از جمله این که: احتمال دارد فردی پشت سر صفها به فردی به نماز ایستاده و از روی تکبر یا روی گردانی از نماز جماعت، خود قرائتش را بخواند.

- ۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْأَعْمَى يَوْمَ الْقَوْمِ وَهُوَ عَلِيٌّ غَيْرِ الْقِبْلَةِ.
قَالَ: يُعِيدُ وَلَا يُعِيدُونَ، فَأَنْتَهُمْ قَدْ تَحَرَّوْا.
- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليه السلام عَنْ رَجُلٍ صَلَّى بِقَوْمٍ رَكَعَتَيْنِ فَأَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيًّا
وَصُوءًا.
قَالَ: يُتِمُّ الْقَوْمُ صَلَاتَهُمْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ الْإِمَامَ ضَمَانًا.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْمٍ خَرَجُوا مِنْ خُرَاسَانَ أَوْ بَعْضِ الْجِبَالِ وَكَانَ يَوْمُهُمْ رَجُلًا، فَلَمَّا صَارُوا إِلَى الْكُوفَةِ عَلِمُوا أَنَّهُ يَهُودِيٌّ.
قَالَ: لَا يُعِيدُونَ.

- ۲- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخص کوری که بر گروهی پیشنمازی نماید، در حالی که به غیر قبله باشد، فرمود:
خود آن شخص باید نماز را اعاده کند، اما مأمومین اعاده نمی‌کنند؛ زیرا آنان وظیفه خود را (در شناسایی قبله) انجام داده‌اند.
- ۳- زراره گوید: از امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: مردی که (به قصد نماز چهار رکعتی) دو رکعت نماز با مردم بخواند (و بعد از دو رکعت) به مردم اطلاع دهد که وضو نداشته است (چه حکمی دارد؟).
فرمود: آن گروه باید نمازشان را تکمیل کنند که همانا ضمانتی بر عهده امام نیست.
- ۴- راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره گروهی که از خراسان یا از برخی از مناطق کوهستانی خارج شده بودند و مردی بر آنان امامت می‌کرد، وقتی به کوفه رسیدند، متوجه شدند که آن شخص یهودی است، فرمود:
لازم نیست نماز را اعاده کنند.

(۵۵)

بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَحْدَهُ ثُمَّ يُعِيدُ فِي الْجَمَاعَةِ أَوْ يُصَلِّي بِقَوْمٍ وَقَدْ كَانَ
صَلَّى قَبْلَ ذَلِكَ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي
الصَّلَاةَ وَحْدَهُ ثُمَّ يَجِدُ جَمَاعَةً.
قَالَ: يُصَلِّي مَعَهُمْ وَ يَجْعَلُهَا الْفَرِيضَةَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَصَلِّي ثُمَّ أَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَتَقَامُ الصَّلَاةُ وَ
قَدْ صَلَّيْتُ.
فَقَالَ: صَلِّ مَعَهُمْ يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ.

بخش پنجاه و پنجم

- شخصی که به تنهایی نماز می خواند، سپس در نماز جماعت آن را اعاده
می کند، یا برای گروهی نماز می خواند، با آن که پیشتر، نمازش را خوانده است
- ۱ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که خود به تنهایی نماز
می خواند، سپس به نماز جماعتی برمی خورد، فرمود:
می تواند با آنان نیز نماز بخواند و آن را نماز واجبش قرار دهد.
- ۲ - ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی نماز می گزارم، سپس به مسجد
می روم و در آن جا نماز جماعت برقرار است، در حالی که من نماز خود را خوانده ام.
فرمود: با آنان نماز بگزار، خداوند بهترین آن دو را بر می گزیند.

- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَافْتَتَحَ الصَّلَاةَ فَبَيْنَا هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي إِذَا أَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ.
- قَالَ: فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ لِيَسْتَأْنِفِ الصَّلَاةَ مَعَ الْإِمَامِ، وَلِتَكُنِ الرَّكَعَتَانِ نَطْوُعًا.
- ۴- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَاقُوتَ قَالَ:
- قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع: جُعِلْتُ فِدَاكَ! تَحْضُرُ صَلَاةَ الظُّهْرِ فَلَا تَقْدِرُ أَنْ تَنْزِلَ فِي الْوَقْتِ حَتَّى يَنْزِلُوا وَتَنْزِلَ مَعَهُمْ فَتُصَلِّي ثُمَّ يَقُومُونَ فَيُسْرِعُونَ فَتَقُومُ فَتُصَلِّي الْعَصْرَ وَتُرِيهِمْ كَأَنَّا نَزَعْنَا ثُمَّ يَنْزِلُونَ لِلْعَصْرِ فَيَقْدُمُونَ فَتُصَلِّي بِهِمْ؟
- فَقَالَ: صَلِّ بِهِمْ، لَا صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع:

- ۳- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق ع پرسیدم: شخصی که وارد مسجد می شود و نماز را شروع می کند. در این هنگام اذان می گویند و نماز جماعت برپا می شود (چه وظیفه ای دارد؟)
- فرمود: می تواند دو رکعت نماز بخواند. آن گاه دوباره نمازش را به جماعت از سر گیرد، و آن دو رکعت پیشین نافله محسوب می شود.
- ۴- یعقوب بن یقطين گوید: به امام ابوالحسن ع عرض کردم: قربانت گردم! (در سفر با مخالفان) وقت نماز ظهر فرا می رسد و در وقت فضیلت آن نمی توانیم فرود آییم، تا زمانی که آنان فرود آیند و ما با آنان فرود می آییم، و نماز را می خوانیم، سپس آنان با شتاب برمی خیزند و ما نیز برمی خیزیم و نماز عصر را به جا می آوریم و به ایشان وانمود می کنیم که نافله را انجام می دهیم. آن گاه، آنان برای نماز عصر فرود می آیند و ما را پیش می دارند. آیا برای آنها امامت کنیم؟
- فرمود: برای آنها امامت کن. خداوند بر آنان درود نفرستد!
- ۵- محمد بن اسماعیل گوید: طی نامه ای به امام کاظم ع نوشتم:

أَنِّي أَحْضَرُ الْمَسَاجِدَ مَعَ جِيرَتِي وَ غَيْرِهِمْ فَيَأْمُرُونِي بِالصَّلَاةِ بِهِمْ وَ قَدْ صَلَّيْتُ قَبْلَ أَنْ آتِيَهُمْ، وَ رَبَّمَا صَلَّى خَلْفِي مَنْ يَفْتَدِي بِصَلَاتِي وَ الْمُسْتَضْعَفُ وَ الْجَاهِلُ وَ أَكْرَهُ أَنْ أَتَقَدَّمَ وَ قَدْ صَلَّيْتُ بِحَالٍ مَنْ يُصَلِّي بِصَلَاتِي مِمَّنْ سَمَّيْتُ لَكَ فَمُرْنِي فِي ذَلِكَ بِأَمْرِكَ أَنْتَهِيَ إِلَيْهِ وَ أَعْمَلُ بِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلِّ بِهِمْ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ يُصَلِّي فَخَرَجَ الْإِمَامُ وَ قَدْ صَلَّى الرَّجُلُ رُكْعَةً مِنْ صَلَاةٍ

فَرِيضَةٍ .

گاهی با همسایگانم و افراد دیگری به مسجد می‌روم و از من می‌خواهند که برای آنها امامت کنم، در حالی که پیشتر، نمازم را خوانده‌ام و گاهی در پشت سر من کسی (مؤمنی) است که نماز گزارده و مستضعف و جاهل است و من دوست ندارم که پیشنماز باشم در حالی که نمازم را خوانده‌ام، به خاطر کسانی که برای نام بردم (یعنی مؤمنان) پس مرا به امر خویش راهنمایی کنید و -ان شاء الله- به آن عمل نمایم.

امام علیه السلام در پاسخ نوشت: با ایشان نماز بگزار.

۶ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس با ایشان (یعنی عامه و از روی تقیه) در صف اول نماز گزارد، همانند کسی است

که پشت سر رسول خدا ﷺ نماز گزارده است.

۷ - سماعه گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: شخصی نماز می‌گزارد، سپس امام جماعت

حاضر می‌شود، در حالی که او یک رکعت از نماز واجب خود را خوانده است (چه

وظیفه‌ای دارد؟)

فَقَالَ: إِنْ كَانَ إِمَامًا عَدْلًا فَلْيُصَلِّ أُخْرَى وَ يَنْصَرِفْ وَ يَجْعَلُهُمَا تَطَوُّعًا وَ لَيْدُ خُلِّ
 مَعَ الْإِمَامِ فِي صَلَاتِهِ كَمَا هُوَ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ إِمَامًا عَدْلًا فَلْيَبْنِ عَلَى صَلَاتِهِ كَمَا هُوَ وَ
 يُصَلِّي رَكْعَةً أُخْرَى مَعَهُ يَجْلِسُ قَدْرَ مَا يَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ﷺ». ثُمَّ لَبَّيْتُمْ صَلَاتَهُ مَعَهُ عَلَى مَا اسْتَطَاعَ، فَإِنَّ التَّقِيَّةَ
 وَاسِعَةٌ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ التَّقِيَّةِ إِلَّا وَ صَاحِبِهَا مَا جُوزَ عَلَيْهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۸- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَرَجَانِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 مَنْ صَلَّى فِي مَنْزِلِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدًا مِنْ مَسَاجِدِهِمْ فَصَلَّى مَعَهُمْ خَرَجَ
 بِحَسَنَاتِهِمْ.

فرمود: اگر امام، عادل باشد، یک رکعت دیگر بخواند و سلام دهد و آن را نافله قرار دهد
 و با آن پیشنماز به جماعت وارد شود، و اگر امام عادل نبود، نماز خود را ادامه دهد و یک
 رکعت دیگر با او به جا آورد و به اندازه‌ای که بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ﷺ» بنشیند، آن‌گاه به اندازه‌ای که می‌تواند، نماز خود را با او
 تمام کند؛ زیرا باب تقیّه گسترده است و انسان هر مقدار از تقیّه انجام دهد، به همان مقدار
 -ان شاء الله- پاداش خواهد برد.

۸- حسین ارجانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس در خانه خود نماز گزارده سپس به مسجدی از مساجد ایشان (اهل عامّه) در آید
 و با آنها (از روی تقیّه) نماز گزارد، وقتی از مسجد بیرون آید، همه حسنات آنها به او
 نوشته شود.

(۵۶)

بَابُ الرَّجُلِ يُدْرِكُ مَعَ الْإِمَامِ بَعْضَ صَلَاتِهِ وَ يُحَدِّثُ الْإِمَامَ فَيُقَدِّمُهُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُدْرِكُ الرَّكْعَةَ الثَّانِيَةَ مِنَ الصَّلَاةِ مَعَ الْإِمَامِ، وَ هِيَ لَهُ الْأُولَى كَيْفَ يَصْنَعُ إِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ.

قَالَ: يَتَجَافَى وَ لَا يَتَمَكَّنُ مِنَ الْقُعُودِ، فَإِذَا كَانَتْ الثَّلَاثَةُ لِلْإِمَامِ وَ هِيَ لَهُ الثَّانِيَةُ فَلْيَلْبِثْ قَلِيلًا إِذَا قَامَ الْإِمَامُ بِقَدْرِ مَا يَتَشَهَّدُ ثُمَّ يَلْحَقْ بِالْإِمَامِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الَّذِي يُدْرِكُ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الصَّلَاةِ كَيْفَ يَصْنَعُ بِالْقِرَاءَةِ؟

فَقَالَ: أَقْرَأْ فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَكَ الْأَوْلَيَانِ وَ لَا تَجْعَلْ أَوَّلَ صَلَاتِكَ آخِرَهَا.

بخش پنجاه و ششم**شخصی که قسمتی از نماز خود را با امام درک می نماید و برای****امام عارضه ای رخ می دهد و او را به پیش می دارد**

۱ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی به رکعت دوم امام جماعت می رسد، درحالی که برای او رکعت اول است، وقتی امام می نشیند، وظیفه او چیست؟ فرمود: با فاصله ای از زمین بنشیند^(۱) و سنگینی خود را بر دو پاشنه کم می کند، چون رکعت سوم امام جماعت شود، رکعت دوم اوست. چون امام برمی خیزد، به اندازه تشهد اندکی درنگ می کند و تشهد را می خواند، سپس به امام ملحق می شود. راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: شخصی دو رکعت آخر را درک می کند، او با قرائت باید چه کند؟

فرمود: در آن دو رکعت قرائت کن؛ زیرا آن دو برای تو، دو رکعت اول محسوب می شوند و اول نماز خود را آخر آن قرار مده.

۱ - تجافی نوعی نشستن است به این گونه که سر دو پنجه پا و سر دو کنده زانو را بر زمین می گذارد تا ساق های او بر زمین نباشد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِذَا لَمْ تُدْرِكْ تَكْبِيرَةَ الرَّكُوعِ فَلَا تَدْخُلْ فِي تِلْكَ الرَّكْعَةِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْمِثْمِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَسْبِقُنِي الْإِمَامُ بِالرَّكْعَةِ فَتَكُونُ لِي وَاحِدَةً وَ لَهُ ثِنْتَانِ فَأَتَشْهَدُ كُلَّمَا قَعَدْتُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَإِنَّمَا التَّشَهُدُ بَرَكَةٌ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا سَبَقَكَ الْإِمَامُ بِرَكْعَةٍ فَأَدْرَكَتِ الْقِرَاءَةَ الْأَخْيَرَةَ قَرَأْتَ فِي الثَّلَاثَةِ مِنْ صَلَاتِهِ وَ هِيَ ثِنْتَانِ لَكَ، وَ إِنْ لَمْ تُدْرِكْ مَعَهُ إِلَّا رَكْعَةً وَاحِدَةً قَرَأْتَ فِيهَا وَ فِي الَّتِي تَلِيهَا وَ إِنْ سَبَقَكَ بِرَكْعَةٍ جَلَسْتَ فِي الثَّانِيَةِ لَكَ وَ الثَّلَاثَةَ لَهُ حَتَّى تَعْتَدِلَ الصُّفُوفَ قِيَامًا.

۲- محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به تکبیر رکوع نرسیدی، در آن رکعت داخل مشو.

۳- اسحاق بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: قربانت گردم! امام یک رکعت از من پیش است و برای من رکعت اول و برای او رکعت دوم است، آیا اگر بنشینم باید تشهد را بخوانم؟

فرمود: آری، زیرا تشهد سبب برکت است.

۴- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه امام، یک رکعت از تو جلوتر باشد و قرائت رکعت دوم را درمی یابی، در رکعت سوم او - که رکعت دوم توست - قرائت کن (و حمد و سوره را بخوان) و اگر جماعت را، جز یک رکعت را درک نکردی، در آن رکعت و در رکعت بعد از آن، قرائت کن، و اگر امام یک رکعت از تو جلوتر بود، در رکعت دوم خود - که رکعت سوم اوست - بنشین تا صفها راست شوند. (و تو تشهد بخوان و زود ملحق شو).

قَالَ: وَ قَالَ: إِذَا وَجَدْتَ الْإِمَامَ سَاجِدًا فَاتَّبِعْ مَكَانَكَ حَتَّى يَرْفَعَ رَأْسَهُ، وَإِنْ كَانَ قَاعِدًا قَعَدْتَ وَإِنْ كَانَ قَائِمًا قُمْتَ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَدْرَكَتَ الْإِمَامَ قَدْ رَكَعَ فَكَبَّرْتَ وَ رَكَعْتَ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَقَدْ أَدْرَكَتَ الرَّكْعَةَ، فَإِنْ رَفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ تَرَكَعَ فَقَدْ فَاتَتْكَ الرَّكْعَةُ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ إِذَا أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ رَاكِعٌ فَكَبَّرَ وَ هُوَ مُقِيمٌ صَلْبُهُ ثُمَّ رَكَعَ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ الْإِمَامَ رَأْسَهُ، فَقَدْ أَدْرَكَ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَسْجِدَ وَ هُمْ فِي الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَبَقَهُ الْإِمَامُ بِرَكْعَةٍ أَوْ أَكْثَرَ فَيَعْتَلُّ الْإِمَامُ فَيَأْخُذُ بِيَدِهِ فَيَكُونُ أَدْنَى الْقَوْمِ إِلَيْهِ فَيَقْدُمُهُ.

راوی گوید: هم چنین فرمود: هرگاه نماز امام جماعت را در سجده درک کردی، اندکی در جای خود درنگ کن تا امام سر از سجده بردارد، و اگر نشسته بود، می‌نشینی و اگر ایستاده بود، می‌ایستی.

۵ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون به نماز جماعت برسی و امام در رکوع باشد، اگر پیش از آن که امام سر از رکوع بردارد، تکبیر بگویی و به رکوع بروی، آن رکعت را درک کرده‌ای، ولی اگر پیش از آن که به رکوع روی و امام سر از رکوع بردارد، آن رکعت از تو فوت شده است.

۶ - سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شخصی که به نماز جماعت می‌رسد و امام در رکوع است، پس تکبیر الاحرام را بگوید در حالی که ایستاده است، آن‌گاه پیش از آن که امام سر از رکوع بردارد به رکوع برود به آن رکعت از نماز رسیده است.

۷ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: هرگاه فردی وارد مسجد شود که مردم در نماز جماعت باشند و امام یک رکعت، یا بیشتر از نماز را خوانده و از او جلو باشد، آن‌گاه امام را مشکلی پدید آید که نتواند نماز را ادامه دهد و چون او نزدیکتر از دیگران به امام است، امام دست او را بگیرد و او را برای امامت به جای خود پیش بدارد (چه حکمی دارد؟)

فَقَالَ: يُتِمُّ صَلَاةَ الْقَوْمِ ثُمَّ يَجْلِسُ حَتَّى إِذَا فَرَعُوا مِنَ التَّشَهُّدِ، أَوْ مَا إِلَيْهِمْ بِيَدِهِ
عَنِ الْيَمِينِ وَالشُّمَالِ، فَكَانَ الَّذِي أَوْ مَا إِلَيْهِمْ بِيَدِهِ التَّسْلِيمَ وَانْقِضَاءَ صَلَاتِهِمْ وَآتَمَّ
هُوَ مَا كَانَ فَاتَهُ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهِ.

۸- عَنْهُ عَنِ الْفَضْلِ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ
حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ دَخَلَ مَعَ قَوْمٍ فِي صَلَاتِهِمْ وَ هُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلَاةً
فَأَحَدَتْ إِمَامَهُمْ، فَأَخَذَ بِيَدِ ذَلِكَ الرَّجُلِ فَقَدَّمَهُ فَصَلَّى بِهِمْ أُيْجِزُهُمْ صَلَاتَهُمْ
بِصَلَاتِهِ وَ هُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلَاةً؟

فَقَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْخُلَ مَعَ قَوْمٍ فِي صَلَاتِهِمْ وَ هُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلَاةً،
بَلْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنْوِيهَا صَلَاةً، فَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى فَإِنَّ لَهُ صَلَاةً أُخْرَى وَ إِلَّا فَلَا
يَدْخُلُ مَعَهُمْ قَدْ يُجْزَى عَنِ الْقَوْمِ صَلَاتَهُمْ وَ إِنْ لَمْ يَنْوِهَا.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْماً فَصَلَّى بِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ مَاتَ.

فرمود: باید نماز را با مأمومین تمام کند، آن گاه بنشیند تا وقتی که آنان تشهد گفته و از
نماز فارغ شوند و با دست راست و چپ به مأمومین اشاره کند که نماز را سلام دهید، یا
نماز شما تمام شده است (تا ایشان سلام را بگویند). آن گاه خود برخیزد و آن یک رکعت را
که از او فوت شده، یا مانده است به جا آورد.

۸- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: شخصی داخل در نماز گروهی شد و قصد
نماز نداشت و امام آن قوم را مشکلی پیش آمد. از این رو، آن مرد را پیش انداخت، و او با
مردم نماز خواند، آیا نمازی که با او به جماعت خوانده‌اند، صحیح است در حالی که او
قصد نماز نداشته است؟

فرمود: شایسته نیست کسی که قصد نماز ندارد، داخل در نماز جماعت شود، بلکه
شایسته آن است که قصد نماز کند، اگرچه بیشتر نماز گزارده، که البته نماز دیگری برای او
منظور می‌شود. در غیر این صورت، هرگز با ایشان داخل نماز نشود، ولی نماز آن جماعت
درست است، هر چند امام قصد نماز نکرده باشد.

۹- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که گروهی را امامت می‌کند و یک
رکعت نیز با ایشان خوانده، آن گاه می‌میرد (نماز آن‌ها چه حکمی دارد؟)

قَالَ: يُقَدِّمُونَ رَجُلًا آخَرَ وَ يَعْتَدُونَ بِالرَّكْعَةِ وَ يَطْرَحُونَ الْمِيَّتَ خَلْفَهُمْ
وَ يَغْتَسِلُ مَنْ مَسَّهُ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عَبِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
النَّضْرِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُ هَؤُلَاءِ فِي الرَّجُلِ الَّذِي يَفُوتُهُ مَعَ الْإِمَامِ رَكْعَتَانِ؟
قُلْتُ: يَقُولُونَ: يَقْرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَ سُورَةَ .

فَقَالَ: هَذَا يُقَلِّبُ صَلَاتَهُ يَجْعَلُ أَوَّلَهَا آخِرَهَا.

قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ.

فرمود: باید شخص دیگری از مأمومین را پیش اندازند و بنا را بر آن رکعت خوانده
شده، می گذارند و جنازه امام متوفی را پشت سرشان قرار دهند، و هر که به جسد (هنگامی
که سرد شده) دست بزنند، باید غسل مس میت کند.

۱۰ - راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اینان (عامه) در مورد کسی که در نماز جماعت به امام ملحق می شود در حالی که دو
رکعت اول نماز او فوت شده باشد، چه می گویند؟

گفتم: آنان می گویند: در دو رکعتی که به امام رسیده، باید حمد و سوره را بخواند.

آن حضرت فرمود: چنین شخصی نمازش را وارونه ساخته و اول نماز را آخر آن قرار
داده است.

گفتم: پس وظیفه او چیست؟

فرمود: در هر رکعت فقط سوره حمد را می خواند.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ: أَجِيءُ إِلَى الْإِمَامِ وَ قَدْ سَبَقَنِي بِرُكْعَةٍ فِي الْفَجْرِ فَلَمَّا سَلَّمَ وَقَعَ فِي قَلْبِي أَنِّي أَنْمَمْتُ فَلَمْ أَزَلْ ذَاكِرًا لِلَّهِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَلَمَّا طَلَعَتْ نَهَضْتُ، فَذَكَرْتُ أَنَّ الْإِمَامَ كَانَ سَبَقَنِي بِرُكْعَةٍ .

فَقَالَ: إِنْ كُنْتَ فِي مَقَامِكَ فَأَتِمَّ بِرُكْعَةٍ، وَإِنْ كُنْتَ قَدْ انْصَرَفْتَ فَعَلَيْكَ الْإِعَادَةُ.

۱۲ - جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ صَلَّى مَعَ قَوْمٍ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهَا الْأُولَى وَ كَانَتْ الْعَصْرَ. قَالَ: فَلْيَجْعَلْهَا الْأُولَى وَ لِيُصَلِّ الْعَصْرَ.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: فَإِنْ عَلِمَ أَنَّهُمْ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ وَ لَمْ يَكُنْ صَلَّى الْأُولَى فَلَا يَدْخُلُ مَعَهُمْ.

۱۱ - حسین بن ابی العلاء گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: به سوی امام جماعت می آیم، در حالی که امام در نماز صبح، یک رکعت از من پیش است و چون سلام می دهد، به دلم می افتد که نماز را تمام کرده ام و مشغول به ذکر می شوم تا این که آفتاب طلوع می کند و پس از طلوع، برمی خیزم به یاد می آید که امام یک رکعت پیش از من خوانده بود (حکمش چیست؟)

فرمود: اگر در جایگاه نماز بودی، با یک رکعت دیگر آن را تمام کن، و اگر در جای دیگری بودی (یعنی از حال نمازگزار خارج شده ای) بر تو لازم است آن را اعاده کنی.

۱۲ - ابو بصیر گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: کسی با گروهی نماز می خواند و گمان می کند که نماز ظهر است (و نیت نماز ظهر می کند)، در حالی که نماز عصر بوده است (وظیفه او چیست؟) فرمود: آن را ظهر قرار می دهد، سپس نماز عصر را به جا می آورد.

در حدیث دیگر فرمود: اگر بداند که آن ها در نماز عصرند و او نماز ظهر را نخوانده باشد، نباید با آنان به نماز جماعت وارد شود.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ:

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليه السلام عَنْ إِمَامٍ أَمَّ قَوْمًا فَذَكَرَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَلَى وُضوءٍ فَأَنْصَرَفَ وَأَخَذَ بِيَدِ رَجُلٍ وَأَدْخَلَهُ فَقَدَّمَهُ وَلَمْ يَعْلَمْ الَّذِي قَدَّمَ مَا صَلَّى الْقَوْمُ.

قَالَ: يُصَلِّي بِهِمْ، فَإِنْ أَخْطَأَ سَبَّحَ الْقَوْمُ بِهِ وَبَنَى عَلَى صَلَاةِ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ أَيْعُودُ فَيَرْكَعُ إِذَا أَبْطَأَ

الْإِمَامُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ؟

قَالَ: لَا.

۱۳ - زراره گوید: از امام (باقر - یا امام صادق علیه السلام) پرسیدم: پیشنمازی که به گروهی امامت می‌کند، به یادش می‌آید که وضو ندارد و از نماز خارج می‌شود و دست مرد دیگری را می‌گیرد و او را به جای خود پیش می‌اندازد در حالی که این شخص نمی‌داند چقدر از نماز را خوانده‌اند (تکلیف او چیست؟)

فرمود: با آنان نماز می‌گزارد و اگر اشتباه کند، آن گروه تسبیح بگویند تا او را متوجه سازند و بنا را بر همان نماز قبلی می‌گذارد.

۱۴ - غیاث بن ابراهیم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: شخصی پیش از امام، سر از رکوع بر می‌دارد، آیا اگر امام دیرتر سر از رکوع بردارد، باید به رکوع باز گردد؟

فرمود: نه.

(۵۷)

بَابُ الرَّجُلِ يَخْطُو إِلَى الصَّفِّ أَوْ يَقُومُ خَلْفَ الصَّفِّ وَحَدَّهُ أَوْ يَكُونُ بَيْنَهُ
وَ بَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يَتَخَطَّى

- ۱ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ
مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:
رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ فَلَمَّا كَانَ دُونَ
الصُّفُوفِ رَكَعُوا فَرَكَعَ وَحَدَّهُ وَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ قَامَ فَمَضَى حَتَّى لَجِقَ
الصُّفُوفَ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِيِّ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَتَأَخَّرُ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ؟
قَالَ: لَا.

بخش پنجاه و هفتم

- شخصی که در اثنای نماز به صف جماعت می پیوندد، یا به تنهایی در پشت
صف می ایستد، یا فاصله میان او و امام چندان باشد که یک گام را پر نکند
- ۱ - معاویه بن وهب گوید: امام صادق عليه السلام را دیدم که به هنگام نماز عصر وارد مسجد
الحرام شد. وقتی نزدیک صفوف قرار گرفت، به رکوع رفتند و آن حضرت نیز به تنهایی به
رکوع رفت و دو سجده را به جا آورد، سپس برخاست و به پیش رفت تا به صفها رسید.
- ۲ - محمد بن مسلم (که از راویان امام باقر و امام صادق عليه السلام است) گوید: به امام عليه السلام
عرض کردم: آیا شخص در حال نماز می تواند به عقب برگردد؟
فرمود: نه.

قُلْتُ: فَيَتَقَدَّمُ؟

قَالَ: نَعَمْ مَا شَاءَ إِلَى الْقِبْلَةِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الصَّلَاةَ فَلَا يَجِدُ فِي الصَّفِّ مَقَامًا أَيْقُومُ وَحَدَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ؟
قَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ أَنْ يَقُومَ بِحِذَاءِ الْإِمَامِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيرِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنْ صَلَّى قَوْمٌ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يَتَخَطَّى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ لَهُمْ بِإِمَامٍ وَأَيُّ صَفِّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ إِمَامٍ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ قَدْرَ مَا لَا يَتَخَطَّى، فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمْ سُتْرَةٌ أَوْ جِدَارٌ فَلَيْسَتْ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْ حِيَالِ الْبَابِ.

عرض کردم: آیا می‌تواند به پیش برود؟

فرمود: آری، تا آنجا که بخواهد به سوی قبله (می‌تواند به پیش رود).

۳ - سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که به نماز جماعت حاضر می‌شود، اما در صف، جایی نمی‌یابد که بایستد، آیا می‌تواند به تنهایی بایستد تا از نماز خود فارغ شود؟

فرمود: آری، اشکالی ندارد که با امام برابر بایستد.

۴ - زرارة گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه گروهی نماز بخوانند و میان آنان و امام بیش از یک گام فاصله باشد، آن امام برای آنان امام جماعت نیست، و هر صف گروهی که با پیشنمازی نماز می‌خوانند و فاصله میان آنان با نمازگزاران صف جلو بیش از یک گام باشد، آن نماز بر آنها حساب نمی‌شود و اگر در میان آنها، پرده - یا دیواری - باشد آن نماز برای آنان به حساب نمی‌آید، مگر نماز کسی که محاذی در باشد.

قَالَ: وَقَالَ: هَذِهِ الْمَقَاصِيرُ لَمْ يَكُنْ فِي زَمَانِ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَإِنَّمَا أَحَدَتْهَا
 الْجَبَّارُونَ، لَيْسَتْ لِمَنْ صَلَّى خَلْفَهَا مُقْتَدِيًا بِصَلَاةٍ مَنْ فِيهَا صَلَاةٌ.
 قَالَ: وَقَالَ: أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الصُّفُوفُ تَامَةً مُتَوَاصِلَةً بَعْضُهَا إِلَى
 بَعْضٍ لَا يَكُونُ بَيْنَ صَفَّيْنِ مَا لَا يُتَخَطَّى يَكُونُ قَدْرُ ذَلِكَ مَسْقَطَ جَسَدِ الْإِنْسَانِ.
 ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ
 عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ رَاكِعٌ فَظَنَنْتَ أَنَّكَ إِذَا مَشَيْتَ إِلَيْهِ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنْ
 قَبْلِ أَنْ تُدْرِكَهُ فَكَبِّرْ وَارْكَعْ وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ فَاسْجُدْ مَكَانَكَ، فَإِنْ قَامَ فَالْحَقْ
 بِالصَّفِّ، وَإِنْ جَلَسَ فَاجْلِسْ مَكَانَكَ فَإِذَا قَامَ فَالْحَقْ بِالصَّفِّ.

راوی گوید: آن حضرت افزود: این محراب‌های موجود (که امام در آن قرار گرفته و از
 نظر مأمومین دور و غیر قابل رؤیت می‌شود) در هیچ زمانی نبوده است و آن را ستمکاران
 احداث نموده‌اند و هر کسی به امامی اقتدا کند که در چنین محراب‌هایی باشد، نمازش
 صحیح نیست.

راوی می‌گوید: هم چنین امام باقر عليه السلام فرمود:

شایسته است که صف‌ها جماعت کامل و بدون کاستی و متصل به یکدیگر باشند، و در
 میان دو صف، چندان فاصله نباشد که بیش از یک گام شود و اندازه آن فاصله، مقداری
 است که جسد انسان را اشتغال می‌نماید.

۵- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه داخل مسجد شدی و امام جماعت در رکوع بود و به نظرت رسید که اگر بخواهی
 به طرف او بروی و اقتدا کنی، امام سر از رکوع برخواید داشت، پس همان‌جا که هستی
 تکبیرة الاحرام را بگو و به رکوع برو و چون امام سر برداشت، همان‌جا سجده را به جا آور،
 و وقتی امام برخاست، آن‌گاه پیش برو و به صف ملحق شو، و اگر امام نشست، تو نیز
 همان‌جا بنشین و وقتی برخاست تو نیز بر خیز و به صف نمازگزاران ملحق شو.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا أَرَى بِالصُّفُوفِ بَيْنَ الْأَسَاطِينِ بَأْسًا.

۷ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُدْرِكُ الْإِمَامَ وَ هُوَ قَاعِدٌ يَتَشَهَّدُ وَ لَيْسَ خَلْفَهُ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ عَنْ يَمِينِهِ.

قَالَ: لَا يَتَقَدَّمُ الْإِمَامَ وَ لَا يَتَأَخَّرُ الرَّجُلُ، وَ لَكِنْ يَفْعَدُ الَّذِي يَدْخُلُ مَعَهُ خَلْفَ الْإِمَامِ، فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَامَ الرَّجُلُ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ.

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يُصَلِّي بِقَوْمٍ وَ هُوَ إِلَى زَاوِيَةٍ فِي بَيْتِهِ يَغْرُبُ الْحَائِطُ، وَ كُلُّهُمْ عَنْ يَمِينِهِ وَ لَيْسَ عَلَى يَسَارِهِ أَحَدٌ.

۶ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در مورد صف‌هایی که میان ستون‌ها قرار دارند، اشکالی نمی‌بینم.

۷ - عمار سباطی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی امام جماعت را به هنگام تشهد درک می‌کند، ولی در سمت راست او فقط یک نفر نماز می‌خواند (چه وظیفه‌ای دارد؟)

حضرتش فرمود: او نباید از امام جماعت جلو بیفتد، و از آن مرد عقب نیفتد، بلکه با آن یک نفر بنشیند، وقتی امام سلام نماز را داد برخیزد و نماز را تمام کند.

۸ - علی بن ابراهیم هاشمی در روایت مرفوعه‌ای گوید:

امام صادق عليه السلام را دیدم که با گروهی نماز می‌خواند، حضرتش در خانه خود نزدیک دیوار ایستاده بود و مأمومین همگی در سمت راست حضرتش بودند و کسی سمت چپش نبود.

۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي بِقَوْمٍ وَ هُمْ فِي مَوْضِعٍ أَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعِهِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ .

فَقَالَ: إِنْ كَانَ الْإِمَامُ عَلَى شِبْهِ الدُّكَانِ، أَوْ عَلَى مَوْضِعٍ أَرْفَعَ مِنْ مَوْضِعِهِمْ لَمْ يَجْزُ صَلَاتُهُمْ، وَإِنْ كَانَ أَرْفَعَ مِنْهُمْ بِقَدَرِ إِبْصَاعٍ أَوْ أَكْثَرَ أَوْ أَقَلَّ إِذَا كَانَ الْإِرْتِفَاعُ بِيْطْنِ مَسِيلٍ .

فَإِنْ كَانَ أَرْضًا مَبْسُوطَةً، أَوْ كَانَ فِي مَوْضِعٍ مِنْهَا ارْتِفَاعٌ فَقَامَ الْإِمَامُ فِي الْمَوْضِعِ الْمُرْتَفِعِ وَ قَامَ مَنْ خَلْفَهُ أَسْفَلَ مِنْهُ وَ الْأَرْضُ مَبْسُوطَةٌ إِلَّا أَنَّهُمْ فِي مَوْضِعٍ مُنْحَدِرٍ . قَالَ: لَا بَأْسَ .

قَالَ: وَ سُئِلَ فَإِنْ قَامَ الْإِمَامُ أَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعٍ مَنْ يُصَلِّي خَلْفَهُ؟

۹- عمّار ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی با گروهی نماز جماعت

می‌خواند جایگاه مأمومین پایین‌تر از جایگاه امام است (آیا نماز آنها صحیح است؟)

فرمود: اگر امام جماعت در جایگاهی همانند دکان یا جایی بلندتر باشد، نماز مأمومین

کفایت نمی‌کند و هرگاه به اندازه یک انگشت - یا بیشتر یا کمتر - بلندتر باشد، اگر ارتفاع در

داخل سیل‌گاه باشد، [اشکال ندارد].

[پرسید:] و اگر در زمین هموار یا در جای بلندی و امام جماعت در جای بلندی بایستد

و مأمومین در سطح پایین‌تر بایستند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اشکالی ندارد.

راوی گوید: پرسیدم: اگر امام در جایگاه پایین‌تر از مأمومین بایستد (چه حکمی دارد؟)

قَالَ: لَا بَأْسَ وَ قَالَ: إِنْ كَانَ رَجُلٌ فَوْقَ بَيْتٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ دُكَّانًا كَانَ أَوْ غَيْرَهُ وَ كَانَ
 الْإِمَامُ يُصَلِّي عَلَى الْأَرْضِ أَسْفَلَ مِنْهُ جَازَ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَ يَقْتَدِيَ
 بِصَلَاتِهِ، وَ إِنْ كَانَ أَرْفَعَ مِنْهُ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ.
 ۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: ذَكَرَ الْحُسَيْنُ أَنَّهُ أَمَرَ مَنْ يَسْأَلُهُ
 عَنْ رَجُلٍ صَلَّى إِلَى جَانِبِ رَجُلٍ فَقَامَ عَنْ يَسَارِهِ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ ثُمَّ عَلِمَ وَ هُوَ فِي
 صَلَاتِهِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 قَالَ: يُحَوِّلُهُ عَنْ يَمِينِهِ.

(۵۸)

بَابُ الصَّلَاةِ فِي الْكُعْبَةِ وَ فَوْقَهَا وَ فِي الْبَيْعِ وَ الْكِنَائِسِ وَ الْمَوَاضِعِ الَّتِي تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِيهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْبَيْعِ وَ الْكِنَائِسِ .

فرمود: اشکالی ندارد. و فرمود: اگر انسان بالای خانه یا جای دیگری - دکان باشد یا غیر
 آن باشد - و امام در جایگاه پایین تر از او نماز بخواند، جایز است انسان پشت سر او نماز
 بخواند و به او اقتدا کند، گرچه در جایگاه بلندتر از امام باشد.
 ۱۰ - احمد بن محمد گوید: حسین [بن یسار] به فردی دستور داد تا از حضرتش بپرسد:
 شخصی کنار فردی نماز می خواند و سمت چپ او می ایستد و بی آن که او بداند (به او
 اقتدا می کند) سپس او مطلع می شود. او در حال نماز چه وظیفه ای دارد؟
 فرمود: باید او را به جانب راست خود هدایت کند.

بخش پنجاه و هشتم

نماز در کعبه، بالای آن، در کلیساها و کنیسه ها و مکان هایی که نماز در آنها کراهت دارد

۱ - عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد نماز در کلیساها و کنیسه ها پرسیدم؟

فَقَالَ: رُشَّ وَ صَلَّى.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ بُيُوتِ الْمَجُوسِ .

فَقَالَ: رُشَّهَا وَ صَلَّى.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي أَعْطَانِ الْإِبِلِ .

فَقَالَ: إِنْ تَخَوَّفْتَ الصَّبِيْعَةَ عَلَى مَتَاعِكَ فَارْكُنْهُ وَ انْضِحْهُ، وَ لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِي مَرَابِضِ الْعَنَمِ.

۳ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

لَا تُصَلِّ فِي مَرَابِطِ الْخَيْلِ وَ الْبَعَالِ وَ الْحَمِيرِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَمَّنْ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَسْجِدِ يَنْزُ حَائِطُ قِبْلَتِهِ مِنْ بَالُوعَةٍ يُبَالُ فِيهَا .

فرمود: آب پباش و نماز بخوان.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت درباره نماز در خانه‌های مجوس (زرتشتیان) پرسیدم؟

فرمود: در آنجا آب پباش و نماز بخوان.

۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام درباره نماز در آغل شتران پرسیدم؟

فرمود: اگر ترسیدی (که اگر از کنار شتران دور شوی) کلایت از بین می‌رود، در این صورت آنجا را بروب و آبی بر آنجا پباش و نماز بخوان، و نماز خواندن در آغل گوسفندان اشکال ندارد.

۳ - سماعه گوید: امام عليه السلام فرمود:

در جای بستن اسب، قاطر و الاغ نماز مگذار.

۴ - محمد بن ابی نصر از کسی که از امام صادق عليه السلام پرسیده، نقل می‌کند که حضرتش درباره نماز خواندن در مسجدی که دیوار قبله آن از چاهی که در آن بول می‌کنند، مرطوب و خیس شده است، پرسید:

فَقَالَ: إِنْ كَانَ نَزُهُ مِنَ الْبَالُوَعَةِ فَلَا تُصَلِّ فِيهِ، وَإِنْ كَانَ نَزُهُ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَرَابِضِ الْغَنَمِ .

فَقَالَ: صَلِّ فِيهَا وَ لَا تُصَلِّ فِي أَعْطَانِ الْإِبِلِ إِلَّا أَنْ تَخَافَ عَلَى مَتَاعِكَ الضَّيْعَةَ فَاكْتَسَهُ وَ رُشَهُ بِالْمَاءِ وَ صَلِّ فِيهِ .

وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي ظَهْرِ الطَّرِيقِ .

فَقَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ تُصَلِّيَ فِي الظَّوَاهِرِ الَّتِي بَيْنَ الْجَوَادِ فَأَمَّا عَلَى الْجَوَادِ فَلَا تُصَلِّ

فِيهَا.

قَالَ: وَ كُرِهَ الصَّلَاةُ فِي السَّبْحَةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَكَانًا لَيْنًا تَقَعُ عَلَيْهِ الْجَبْهَةُ مُسْتَوِيَةً.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْبَيْعَةِ .

فَقَالَ: إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

فرمود: اگر خیسی آن، از چاه مستراح است، در آن مکان نماز نگزار، ولی اگر از چیز دیگری است، اشکال ندارد.

۵ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره نماز خواندن در آغل گوسفندان پرسیدم؟

فرمود: در آنجا نماز بگذار، ولی در آغل شتران نماز مگذار، مگر آن که بررسی که کالایت از بین برود، که در این صورت، آنجا را بروب و آبی بر آن جا بریز و نماز بگذار.

و از آن حضرت درباره نماز خواندن بر روی بلندی‌هایی که در راه‌هاست پرسیدم؟

فرمود: ایرادی ندارد که بر روی بلندی‌های راه‌های اصلی نماز بخوانی، ولی در خود راه اصلی، نمی‌توان نماز گزارد.

سپس فرمود: هم چنین از حضرتش نماز در زمین شوره‌زار کراحت دارد، مگر در جای

نرمی که جایگاه پیشانی هموار باشد.

راوی گوید: هم چنین از حضرتش درباره نماز در معابد یهود و نصارا پرسیدم؟

فرمود: اگر رو به قبله باشی، اشکالی ندارد.

قَالَ وَ رَأَيْتُهُ فِي الْمَنَازِلِ الَّتِي فِي طَرِيقِ مَكَّةَ يَرُشُّ أَحْيَانًا مَوْضِعَ جَبْهَتِهِ ثُمَّ
يَسْجُدُ عَلَيْهِ رَطْبًا كَمَا هُوَ وَ رَبَّمَا لَمْ يَرُشَّ الَّذِي يَرَى أَنَّهُ طَيِّبٌ.
قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْوِضُ الْمَاءَ فَتَدْرِكُهُ الصَّلَاةُ.
فَقَالَ: إِنْ كَانَ فِي حَرْبٍ، فَإِنَّهُ يُجْزِئُهُ الْإِيْمَاءُ وَ إِنْ كَانَ تَاجِرًا فَلْيَقُمْ وَ لَا يَدْخُلْهُ
حَتَّى يُصَلِّيَ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي
جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
لَا تُصَلِّ فِي بَيْتٍ فِيهِ مَجُوسِيٌّ، وَ لَا بَأْسَ بِأَنْ تُصَلِّيَ وَ فِيهِ يَهُودِيٌّ أَوْ نَصْرَانِيٌّ.
۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّا كُنَّا فِي الْبَيْدَاءِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَتَوَضَّأْتُ وَ اسْتَكْتَمْتُ وَ أَنَا
أَهْمُ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ كَانَتْ دَخَلَ قَلْبِي شَيْءٌ فَهَلْ يُصَلِّي فِي الْبَيْدَاءِ فِي الْمَحْمِلِ؟

راوی می گوید: گاهی دیدم که امام صادق عليه السلام را در راه مکه جایگاه سجده خود را آب
می پاشید، و بعد بر آن موضع که هنوز رطوبت داشت، سجده می فرمود، و گاه نیز آب
نمی پاشید، چون مشاهده می فرمود که آن موضع پاکیزه است.
راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: شخصی که در آب فرو می رود در حالی
که وقت نماز او فرا می رسد (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: اگر در حال جهاد باشد، نمازش به اشاره کفایت می کند، اما اگر در حال تجارت
باشد، بایستی در کنار ساحل بایستد و تا نماز خود را نخوانده است، وارد آب نشود.
۶ - ابی اسامه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در خانه ای که در آن مجوسی باشد، نماز نخوان؛ ولی نماز خواندن در خانه ای که در آن
یهودی، یا نصرانی است، اشکالی ندارد.

۷ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: در پایان شب در صحرای
بیداء ^(۱) بودیم، وضو ساختم و مسواک زدم، قصد نماز نمودم، گویا در دلم خطور کرد که آیا
می شود در بیداء و آن هم در کجاوه نماز گزارد؟

۱ - صحرايي است میان مکه و مدینه.

فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِي الْبَيْدَاءِ.

قُلْتُ وَ أَيْنَ حَدُّ الْبَيْدَاءِ؟

فَقَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بَلَغَ ذَاتَ الْجَيْشِ جَدًّا فِي السَّيْرِ ثُمَّ لَا يُصَلِّي حَتَّى يَأْتِيَ مُعَرَّسَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

قُلْتُ: وَ أَيْنَ ذَاتُ الْجَيْشِ؟

فَقَالَ: دُونَ الْحَفِيرَةِ بِثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ.

۸ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كُلُّ طَرِيقٍ يُوطَأُ وَ يُتَطَرَّقُ كَانَتْ فِيهِ جَادَةٌ أَوْ لَمْ تَكُنْ لَا يَنْبَغِي الصَّلَاةُ فِيهِ.

قُلْتُ: فَأَيْنَ أَصَلِّي؟

قَالَ: يَمَنَةً وَ يَسْرَةَ.

فرمود: در بیداء نماز مگزار.

عرض کردم: حدود بیداء تا کجاست؟

فرمود: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ را همیشه که آن گاه به ذات الجیش ^(۱) می رسید، در رفتن شتاب می کرد و نماز نمی خواند تا به معرّس النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می رسید.

عرض کردم: ذات الجیش کجاست؟

فرمود: سه میل پایین تر از حفیره ^(۲).

۸ - محمد بن فضل گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر راهی که مردم در آن رفت و آمد می کنند، خواه جاده اصلی باشد، یا نباشد، نماز خواندن در آن شایسته نیست.

راوی گوید: عرض کردم: پس کجا نماز بخوانم؟

فرمود: در سمت راست و چپ آن.

۱ - ذات الجیش: سرزمینی است که خداوند سفیانی و لشکر او را در آن فرو خواهد برد.

۲ - حفیره: مکانی پایین تر از مسجد شجره است.

- ۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَخِيرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: تَحْضُرُ الصَّلَاةَ وَالرَّجُلُ بِالْبَيْدَاءِ .
فَقَالَ: يَتَنَحَّى عَنِ الْجَوَادِّ يَمَنَةً وَ يَسْرَةً وَ يُصَلِّي .
- ۱۰ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَصَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:
الصَّلَاةُ تُكْرَهُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ مِنَ الطَّرِيقِ: الْبَيْدَاءِ وَ هِيَ ذَاتُ الْجَيْشِ وَ ذَاتُ الصَّلَاصِلِ وَ ضَجْنَانَ .
- قَالَ: وَ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يُصَلَّى بَيْنَ الطَّوَاهِرِ، وَ هِيَ الْجَوَادُّ جَوَادُّ الطَّرِيقِ وَ يُكْرَهُ أَنْ يُصَلَّى فِي الْجَوَادِّ .
- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا يُصَلَّى فِي وَادِي الشُّقْرَةِ .

۹- ایوب بن نوح گوید: به امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: وقت نماز فرا می‌رسد و شخص در بیداء است (چه کند؟)

فرمود: از میان جاده به کناری می‌رود و در سمت راست و یا چپ آن، نماز می‌خواند.

۱۰ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در سه جا از راه، نماز کراهت دارد: بیداء که ذات الجیش است، ذات الصلاصل و ضجنان (که کوهی است در مکه).

راوی گوید: هم چنین فرمود: در بلندی‌هایی که در میان بزرگراه‌ها یا راه‌های اصلی است؛ اشکالی ندارد که نماز خوانده شود، ولی نمازگزاردن در میان راه‌های اصلی مکروه است.

۱۱ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نمی‌توان در وادی شقره نماز خواند.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ الْبَرَقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: عَشْرَةٌ مَوَاضِعٌ لَا يُصَلِّي فِيهَا الطَّيْنُ وَالْمَاءُ وَالْحَمَامُ وَالْقُبُورُ وَمَسَانُ الطَّرِيقِ وَقَرَى النَّمْلِ وَمَعَاظِنُ الْإِبِلِ، وَمَجْرَى الْمَاءِ وَالسَّبْحُ وَالْتَّلْجُ.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّاباطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الطَّيْنِ الَّذِي لَا يُسَجَدُ فِيهِ مَا هُوَ؟ قَالَ: إِذَا غَرِقَ الْجَبْهَةُ وَلَمْ تَثْبُتْ عَلَى الْأَرْضِ. وَعَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي بَيْنَ الْقُبُورِ. قَالَ: لَا يَجُوزُ ذَلِكَ، إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقُبُورِ إِذَا صَلَّى عَشْرَةَ أَذْرُعٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ عَشْرَةَ أَذْرُعٍ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَشْرَةَ أَذْرُعٍ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَشْرَةَ أَذْرُعٍ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يُصَلِّي إِنْ شَاءَ.

۱۲ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ده موضع است که نمی‌توان در آن نماز خواند: زمین گل‌آلود، جایی که آب وجود دارد، حمام، گورستان، میان شاه‌راه، بر روی لانه مورچگان، خوابگاه شتران، محل جریان آب، شوره‌زار، و بر روی برف و یخ.

۱۳ - عمار ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مقدار و چگونگی گلی که سجده بر آن نمی‌توان کرد، پرسیدم.

فرمود: هرگاه پیشانی در آن فرو رود و روی زمین بند نشود (نمی‌توان بر آن سجده کرد).

پرسیدم: آیا انسان می‌تواند در قبرستان نماز بخواند؟

فرمود: جایز نیست، مگر این که به هنگام نماز میان خود و قبرها از پیش رو، پشت سر،

سمت راست و چپ، ده ذراع فاصله قرار دهد، سپس اگر خواست نماز بخواند.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام قُلْتُ: إِنِّي أَخْرُجُ فِي هَذَا الْوَجْهِ وَرَبِّمَا لَمْ يَكُنْ مَوْضِعٌ أُصَلِّي فِيهِ مِنَ التَّلَجِ. فَقَالَ: إِنَّ أَمَكَّنَكَ أَنْ لَا تَسْجُدَ عَلَى التَّلَجِ فَلَا تَسْجُدْ، وَإِنْ لَمْ يُمَكِّنِكَ فَسُوِّهِ وَاسْجُدْ عَلَيْهِ.

و فِي حَدِيثٍ آخَرَ: اسْجُدْ عَلَى نَوْبِكَ.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ بَيْنَ يَدَيْهِ مُصْحَفٌ مَفْتُوحٌ فِي قِبَلَتِهِ؟ قَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ فِي غِلَافٍ.

قَالَ: نَعَمْ.

۱۴ - داوود صرمی گوید: از امام هادی عليه السلام پرسیدم: گاهی من از کوفه بدین سوی بیرون می‌روم و چه بسا اتفاق می‌افتد که جایی بدون برف پیدا نمی‌شود که در آن نماز بخوانم، در این حال چه باید بکنم؟ فرمود: اگر برایت امکان دارد که بر برف سجده نکنی حتی المقدور سجده نکن، ولی اگر برایت امکان دیگری نیست و ناگزیر هستی، در این صورت همان زمین برفی را هموار ساز و روی آن سجده کن.

و در حدیث دیگری آمده است: بر لباس سجده کن.

۱۵ - عمار ساباطی گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که نماز می‌گزارد و در جهت قبله و رو به روی او قرآنی گشوده شده است. فرمود: جایز نیست.

عرض کردم: اگر چه قرآن در جلد باشد می‌تواند؟

فرمود: آری.

وَقَالَ: لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ وَفِي قِبَلْتِهِ نَارٌ أَوْ حَدِيدٌ.
 وَعَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَبَيْنَ يَدَيْهِ قَنْدِيلٌ مُعَلَّقٌ وَفِيهِ نَارٌ إِلَّا أَنَّهُ بِحَيَالِهِ.
 قَالَ: إِذَا ارْتَفَعَ كَانَ شَرًّا لَا يُصَلِّي بِحَيَالِهِ.

۱۶ - مُحَمَّدٌ عَنِ الْعَمْرِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ
 الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ السَّرَاحُ مَوْضُوعٌ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الْقِبْلَةِ .
 فَقَالَ: لَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَسْتَقْبَلَ النَّارَ .
 وَ رُوِيَ أَيْضًا: أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ لِأَنَّ الَّذِي يُصَلِّي لَهُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ .

۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ
 عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنِ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتُؤْمُ فِي الصَّلَاةِ فَأَرَى قَدَامِي فِي الْقِبْلَةِ الْعَدِرَةَ .
 فَقَالَ: تَنَحَّ عَنْهَا مَا اسْتَطَعْتَ وَ لَا تُصَلِّ عَلَى الْجَوَادِّ .

هم چنین فرمود: شخص در حالی که در جهت قبله و رو به روی او آتش یا آهن است،
 نباید نماز بخواند.
 و نیز سؤال کردم از کسی که نماز می‌گزارد و در پیش او قندیلی آویخته شده که در آن
 آتش است و در برابر اوست؟
 فرمود: اگر آن قندیل بالا باشد، بدتر است و در برابر آن نباید نماز بخواند.
 ۱۶ - علی بن جعفر گوید: از برادر خود امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: شخصی نماز می‌خواند،
 در حالی که چراغی در برابر او در جهت قبله روشن است؟
 فرمود: روا نیست رو به سوی آتش نماز بخواند.
 هم چنین روایت شده است: چنین نمازی اشکالی ندارد، زیرا آن کسی (خدایی) که
 نماز را به خاطر او به جا می‌آورد، به او نزدیک‌تر از آن است.
 ۱۷ - فضیل بن یسار گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: می‌خواهم نماز بخوانم،
 می‌بینم در سمت قبله پیش رویم، مدفوع انسان است؟
 فرمود: هر چه می‌توانی از آن دور شو، و در شاه‌راه‌ها نماز نخوان.

- ۱۸ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَا تُصَلِّي الْمَكْتُوبَةَ فِي الْكَعْبَةِ.
وَ رُوِيَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: يُصَلِّي فِي أَرْبَعِ جَوَانِبِهَا إِذَا اضْطُرَّ إِلَى ذَلِكَ.
- ۱۹ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ خَالِدِ بْنِ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يُصَلِّي عَلَى أَبِي قُبَيْسٍ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ . فَقَالَ: لَا بَأْسَ .
- ۲۰ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ التَّمَاثِيلِ فِي الْبَيْتِ . فَقَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا كَانَتْ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ شِمَالِكَ وَ عَنْ خَلْفِكَ أَوْ تَحْتَ رِجْلَيْكَ وَ إِنْ كَانَتْ فِي الْقِبْلَةِ فَالْتَقِ عَلَيْهَا تَوْبًا .

۱۸ - محمد بن مسلم گوید: امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود:

نماز واجب (شبانہ روزی) را در داخل کعبه مخوان.

در حدیث دیگری روایت شده است: اگر کسی ناچار به این عمل شود، باید در چهار جانب آن نماز بگذارد.

۱۹ - ابو اسماعیل گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا می‌توان بر بالای کوه

ابوقبیس، رو به قبله نماز خواند؟

فرمود: اشکالی ندارد.

۲۰ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) درباره عکس‌ها و

تمثال‌هایی که در خانه است، پرسیدم؟

فرمود: در صورتی که در سمت راست، یا سمت چپ، یا پشت سر و یا زیر پایت باشد

اشکالی ندارد، اما اگر در سمت قبله باشد، پارچه‌ای روی آن بینداز.

۲۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الرُّضَا عليه السلام فِي الَّذِي تُدْرِكُهُ الصَّلَاةُ وَهُوَ فَوْقَ الْكَعْبَةِ.
 قَالَ: إِنْ قَامَ لَمْ يَكُنْ لَهُ قِبَلَةٌ وَ لَكِنَّهُ يَسْتَلْقِي عَلَى قَفَاهُ، وَ يَفْتَحُ عَيْنَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ يَعْقِدُ بَقَلْبِهِ الْقِبْلَةَ الَّتِي فِي السَّمَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ يَقْرَأُ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ فَتَحَ عَيْنَيْهِ وَ السُّجُودَ عَلَى نَحْوِ ذَلِكَ.

۲۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي التَّمْتَالِ يَكُونُ فِي الْبَسَاطِ فَتَقَعُ عَيْنُكَ عَلَيْهِ وَ أَنْتَ تُصَلِّي.
 قَالَ: إِنْ كَانَ بِعَيْنٍ وَاحِدَةٍ فَلَا بَأْسَ، وَ إِنْ كَانَ لَهُ عَيْنَانِ فَلَا.
 ۲۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ حَدِيدٍ قَالَا: قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: السُّطْحُ يُصِيبُهُ الْبَوْلُ أَوْ يُبَالُ عَلَيْهِ أَيْصَلِّي فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ؟

۲۱ - عبدالسلام بن صالح گوید: امام رضا عليه السلام درباره شخصی که به هنگام نماز بر بالای کعبه است، فرمود:

اگر بایستد، برای او قبله‌ای نخواهد بود، ولی او بر پشت می‌افتد و چشمان خود را به سوی آسمان باز می‌کند و در دل خود، آن قبله‌ای را که در آسمان است و بیت المعمور نام دارد، تبت می‌نماید و قرائت می‌کند و چون بخواهد به رکوع برود، دو چشم خود را می‌بندد و هنگامی که می‌خواهد از رکوع سر بردارد، دو چشم خود را باز می‌کند و در سجده نیز همین عمل را انجام می‌دهد.

۲۲ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره تصویر روی فرش که در هنگام نماز چشم انسان به آن می‌افتد، فرمود:

اگر تصویر دارای یک چشم (نیم رخ) باشد اشکالی ندارد، ولی اگر دارای دو چشم (صورتی کامل) باشد، جایز نیست.

۲۳ - زراره و حدید گویند: به امام صادق عليه السلام گفتیم: پشت بامی که در مسیر ادرار است یا بر بالای آن بول می‌کنند، آیا می‌توان روی آن نماز خواند؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ تُصِيبُهُ الشَّمْسُ وَ الرِّيحُ وَ كَانَ جَافًا فَلَا بَأْسَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ يُتَّخَذُ مَبَالًا.

۲۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُصَلِّي فِي بَيْتٍ فِيهِ خَمْرٌ أَوْ مُسْكِرٌ.

۲۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ نَعِيمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الْمَنَازِلِ الَّتِي يَنْزِلُهَا النَّاسُ فِيهَا أَبْوَالُ الدَّوَابِّ وَ السُّرَجِينُ وَ يَدْخُلُهَا الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى كَيْفَ يُصَلِّي فِيهَا؟ قَالَ: صَلِّ عَلَى تَوْبِكَ.

۲۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ التُّوشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: اگر آفتاب بر آن بتابد، یا باد بوزد و خشک باشد، اشکال ندارد، مگر آن که آن جا را مبال نمایند.

۲۴ - عمّار ساباطی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در خانه ای که در آن شراب یا مواد مستکننده باشد، نمی توان نماز خواند.

۲۵ - عامر بن نعیم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: در مکان ها (و مهمان خانه ها) ای بین راه که مردم در آن جا منزل می کنند و در آن مکان ها بول و سرگین چهار پایان به چشم می خورد، و یهود و نصاری وارد آنها می شوند، چگونه می توان نماز خواند؟ فرمود: بر روی لباس خود نماز بخوان.

۲۶ - عمرو بن خالد گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

قَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَلَا بَيْتًا يُبَالُ فِيهِ وَلَا بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ.

۲۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مَسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي، فَقَالَ: إِنَّا مَعْشَرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ، وَلَا تَمَثَالُ جَسَدٍ، وَلَا إِنَاءً يُبَالُ فِيهِ.

(۵۹)

بَابُ الصَّلَاةِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ وَالْمَرْأَةِ فِي كَمِّ تَصَلِّي

وَصَلَاةِ الْعُرَاةِ وَالتَّوَشُّحِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! ما فرشتگان در خانه‌ای که تصویر انسانی باشد، مکانی که در آن ادرار می‌کنند و خانه‌ای که در آن سگی باشد، داخل نمی‌شویم.

۲۷- محمد بن مروان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ فرموده است: جبرئیل نزد من آمد و گفت:

ما گروه فرشتگان، در خانه‌ای که در آن سگی باشد، یا در آن عکس انسان و ظرف بول می‌باشد، وارد نمی‌شویم.

بخش پنجاه و نهم

نماز خواندن در یک لباس، تعداد لباس‌های زنان در نماز،

نماز برهنگان و آویختن لباس برگردن

۱- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) پرسیدم:

عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي قَمِيصٍ وَاحِدٍ أَوْ فِي قَبَاءٍ طَاقٍ أَوْ فِي قَبَاءٍ مَحْشُوٍّ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِزَارٌ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ سَفِيْقٌ أَوْ قَبَاءٌ لَيْسَ بِطَوِيلِ الْفُرْجِ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَ الثَّوْبُ الْوَاحِدُ يُتَوَشَّحُ بِهِ وَ سَرَائِيلُ كُلُّ ذَلِكَ لَا بَأْسَ بِهِ.

وَ قَالَ: إِذَا لَبَسَ السَّرَائِيلَ فَلْيَجْعَلْ عَلَى عَاتِقِهِ شَيْئاً وَ لَوْ حَبْلاً.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى فِي إِزَارٍ وَاحِدٍ لَيْسَ بِوَاسِعٍ قَدْ عَقَدَهُ عَلَى عُنُقِهِ. فَقُلْتُ

لَهُ: مَا تَرَى لِلرَّجُلِ يُصَلِّي فِي قَمِيصٍ وَاحِدٍ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ كَثِيفاً فَلَا بَأْسَ بِهِ، وَ الْمَرْأَةُ تُصَلِّي فِي الدُّرْعِ وَ الْمِقْنَعَةِ إِذَا كَانَ

الدُّرْعُ كَثِيفاً. يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيْرًا.

مردی در یک پیراهن، یا در قبای بدون آستر، یا در قبای پنبه‌ای در حالی که لنگ نبسته

نماز می‌خواند، (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر پیراهنش ضخیم باشد، یا قیابش زیاد پاره نباشد، اشکالی ندارد، و کسی که

به هنگام نماز یک طرف لباسش را به گردن می‌آویزد و شلوار می‌پوشد، تمام آن‌ها اشکالی ندارد.

و فرمود: هم چنین است کسی که به هنگام نماز هرگاه شلوار بپوشد، چیزی بر گردن

خود بیندازد، اگر چه ریسمانی باشد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیدیم که در یک لنگ نماز می‌گزارد، در حالی

که آن لنگ فراخ نبود و آن را به گردن خود گره زده بود، به آن حضرت عرض کردم: نظر شما

درباره مردی که در یک پیراهن نماز می‌خواند، چیست؟

فرمود: اگر ضخیم باشد، اشکالی ندارد، اما زن باید در پیراهن و مقنعه نماز بخواند، در

صورتی که پیراهن ضخیم باشد و او را بپوشاند.

قُلْتُ: رَحِمَكَ اللهُ! الأَمَةُ تُعْطَى رَأْسَهَا إِذَا صَلَّتْ .
فَقَالَ: لَيْسَ عَلَى الأَمَةِ قِنَاعٌ.

۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أُمَّ قَوْمًا فِي قَمِيصٍ عَلَيْهِ رِدَاءٌ .

فَقَالَ: لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ رِدَاءٌ أَوْ عِمَامَةٌ يَرْتَدِي بِهَا.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

إِيَّاكَ وَالتَّحَافَ الصَّمَاءِ؟

قُلْتُ: وَمَا التَّحَافُ الصَّمَاءِ؟

قَالَ: أَنْ تُدْخَلَ التَّوْبَ مِنْ تَحْتِ جَنَاحِكَ فَتَجْعَلَهُ عَلَى مَنْكِبٍ وَاحِدٍ.

عرض کردم: خداوند به شما رحمت کند! آیا کنیز باید به هنگام نماز سر خود را بپوشاند؟

فرمود: برای کنیز پوشش سر لازم نیست.

۳ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مردی که با یک پیراهن، بر گروهی امامت می‌کند، بی‌آن که ردایی داشته باشد، سؤال کردم؟

فرمود: شایسته نیست، مگر آن که بر او ردایی باشد، یا عمامه‌ای که آن را ردای خود قرار دهد.

۴ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

مبادا رداء را بر خویشان به گونه‌ای صماء بیچی.

راوی گوید: عرض کردم: بیچیدن صماء چگونه است؟

فرمود: آن که رداء را از زیر بغل خود درآوری و بر یک دوش بیندازی.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ يُصَلِّي فِي سَرَاوِيلَ لَيْسَ مَعَهُ غَيْرُهُ.

قَالَ: يَجْعَلُ التُّكَّةَ عَلَى عَاتِقِهِ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ قَالَ: سَأَلَ مُرَازِمٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا مَعَهُ حَاضِرٌ عَنِ الرَّجُلِ الْحَاضِرِ يُصَلِّي فِي إِزَارٍ مُرْتَدِيًا بِهِ.

قَالَ: يَجْعَلُ عَلَى رَقَبَتِهِ مِنْدِيلًا، أَوْ عِمَامَةً يَتَرَدَّى بِهِ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَنْبَغِي أَنْ تَتَوَشَّحَ بِإِزَارٍ فَوْقَ الْقَمِيصِ وَأَنْتَ تُصَلِّي، وَلَا تَتَزَرَّ بِإِزَارٍ فَوْقَ الْقَمِيصِ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ، فَإِنَّهُ مِنْ زِيِّ الْجَاهِلِيَّةِ.

۵ - علی بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که در شلواری نماز می‌گزارد و جز آن، چیز دیگری به همراه ندارد، فرمود: بند آن را بر دوش خود قرار دهد.

۶ - جمیل گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که مرزم پرسید: آیا مرد در حضر می‌تواند لنگ به کمر بسته و نماز بخواند؟ فرمود: باید دستمالی بر گردن خود گذارد، یا عمامه‌ای داشته باشد که آن را ردای خویش قرار دهد.

۷ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: شایسته نیست که در حال نماز از روی پیراهن، لنگی به خود بپیچی، یا در حال نماز، لنگی روی پیراهن ببندی، زیرا این کار از عادت دوران جاهلیت است.

- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يُصَلِّيَ أَحَدُكُمْ فِي التَّوْبِ الْوَاحِدِ وَإِزَارُهُ مُحَلَّلَةٌ، إِنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَنِيفٌ.
- ۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يُحْيَى عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي تَوْبٍ وَاحِدٍ مُتَزَرًّا بِهِ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا رَفَعَهُ إِلَى التُّنْدُوتَيْنِ.
- ۱۰- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي فَيَدْخُلُ يَدَيْهِ تَحْتَ تَوْبِهِ. قَالَ: إِذَا كَانَ عَلَيْهِ تَوْبٌ آخَرَ إِزَارًا أَوْ سَرَاوِيلَ فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَلَا يَجُوزُ لَهُ ذَلِكَ، وَإِنْ أَدْخَلَ يَدًا وَاحِدَةً وَلَمْ يَدْخُلِ الْأُخْرَى فَلَا بَأْسَ.

۸- زیاد بن سوقه گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اشکال ندارد که کسی از شما در یک لباس نماز گزارد که دکمه‌های آن باز است، همانا دین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دین حنیف (کامل و آسان) است.

۹- رفاعه گوید: یکی از افرادی که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیده بود به من گفت: آن حضرت درباره مردی که لباسی را به صورت لنگ بر خود بسته و نماز می‌گزارد، فرمود:

اگر لباس سینه‌هایش را بپوشاند، اشکالی ندارد که آن را برای خود لنگ کرده است.

۱۰- عمار ساباطی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که نماز می‌گزارد و دو دست خود را زیر لباس خود قرار می‌دهد، فرمود:

اگر لباس دیگر - خواه لنگ و خواه شلوار- برتن او باشد، اشکالی ندارد، اما اگر لباس دیگر نداشته باشد، این کار برای او جایز نیست، ولی اگر فقط یک دست خود را به زیر پیراهن نموده، ایرادی ندارد؟

- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 تُصَلِّي الْمَرْأَةُ فِي ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ إِزَارٍ وَ دِرْعٍ وَ خِمَارٍ وَ لَا يَضُرُّهَا بَأْسٌ تُقَنَّعُ
 بِالْخِمَارِ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَتَوَيَّنِ تَتَرَزُّ بِأَحَدِهِمَا وَ تُقَنَّعُ بِالْآخَرِ.
 قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ دِرْعٌ وَ مَلْحَفَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا مِقْنَعَةٌ .
 فَقَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا تَقَنَّعْتَ بِالْمَلْحَفَةِ، فَإِنْ لَمْ تَكْفُهَا فَلْتَلْبَسْهَا طَوَلًا.
- ۱۲ - الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 لَا بَأْسَ بَأْسٌ يُصَلِّي الرَّجُلُ وَ تَوْبُهُ عَلَى ظَهْرِهِ وَ مَنْكَبِيهِ فَيُسَبِّلُهُ إِلَى الْأَرْضِ وَ لَا
 يَلْتَجِفُ بِهِ، وَ أَخْبَرَنِي مَنْ رَأَاهُ يَفْعَلُ ذَلِكَ.
- ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ
 قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَمِلُ فِي صَلَاةٍ بِتَوْبٍ وَاحِدٍ.

۱۱ - ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زن باید در سه لباس نماز گزارد: لنگ، مقنعه و چادر، و ضرری ندارد که خود را با چادر بپوشاند، و اگر چادر نداشته باشد پس دو لباس تهیه می کند، یکی را لنگ قرار داده و با دیگری خود را می پوشاند.

راوی گوید: عرض کردم: اگر پیراهن و چادر داشته باشد، ولی مقنعه نداشته باشد چه؟ فرمود: اشکالی ندارد، در صورتی که با همان چادر برای خویش مقنعه ای درست کند و خود را بپوشاند و اگر اندازه تن او نباشد، آن را از درازا بپوشد.

۱۲ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اشکالی ندارد که مرد نماز بخواند در حالی که لباسش بر پشت و دو شانه اوست و آن را به پایین بیاویزد و سینه خود را به آن نپوشاند.

(راوی گوید:) و شخصی برایم حکایت کرد که آن حضرت را به همین گونه در حال نماز دیده است.

۱۳ - سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مردی در حال نماز خود را با یک لباس می پوشاند.

قَالَ: لَا يَشْتَمَلُ بِتَوْبٍ وَاحِدٍ، فَأَمَّا أَنْ يَتَوَشَّحَ فَيُعْطَى مَنْكَبَيْهِ فَلَا بَأْسَ.
 ۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَصْلِحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمْرِ وَالدَّرُوعِ مَا لَا يُؤَارِي شَيْئًا.
 ۱۵ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ
 زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا تَوْبٌ وَاحِدٌ وَ أَجْنَبَ
 فِيهِ وَ لَيْسَ عِنْدَهُ مَاءٌ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 قَالَ: يَتَيَمَّمُ وَ يُصَلِّي عُرْيَانًا قَاعِدًا يَوْمِيَّ إِيْمَاءً.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ
 لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ خَرَجَ مِنْ سَفِينَةِ عُرْيَانًا، أَوْ سَلَبَ ثِيَابَهُ وَ لَمْ يَجِدْ شَيْئًا يُصَلِّي
 فِيهِ.

فرمود: نمی تواند با یک لباس خود را بپوشاند، اما اگر لنگ، یا میان بند بزرگ را به خود
 بپیچد که دو شانهاش را بپوشاند، اشکال ندارد.

۱۴ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای زن مسلمان خوب نیست که چادر یا پیراهنی بپوشد که بدنش را بپوشاند.

۱۵ - سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: شخصی که در صحرای وسیعی است و فقط

یک لباس دارد که در آن جنب شده است و آب هم نیست، او باید چه کند؟

فرمود: تیمم کند و برهنه و به صورت نشسته، نماز بخواند و (برای رکوع و سجود)

اشاره کند.

۱۶ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: مردی برهنه از کشتی خارج می شود، یا دزدان

لباس او را می دزدند و چیزی نمی یابد که در آن نماز بخواند (چگونه نماز گزارد؟)

فَقَالَ: يُصَلِّي إِيْمَاءً، فَإِنْ كَانَتْ امْرَأَةً جَعَلَتْ يَدَهَا عَلَى فَرْجِهَا، وَإِنْ كَانَ رَجُلًا
وَضَعَ يَدَهُ عَلَى سَوَاتِيهِ ثُمَّ يَجْلِسَانِ فَيَوْمِئِذٍ إِيْمَاءً، وَلَا يَسْجُدَانِ وَلَا يَزْكَعَانِ
فَيَبْدُو مَا خَلَفَهُمَا، تَكُونُ صَلَاتُهُمَا إِيْمَاءً بَرُّءٌ وَسِيْهُمَا.
قَالَ: وَإِنْ كَانَا فِي مَاءٍ أَوْ بَحْرٍ لُجِّي لَمْ يَسْجُدَا عَلَيْهِ وَ مَوْضُوعٌ عَنْهُمَا التَّوَجُّهُ
فِيهِ يَوْمِئِذٍ فِي ذَلِكَ إِيْمَاءً رَفَعَهُمَا تَوَجُّهُ وَ وَضَعَهُمَا.

(۶۰)

بَابُ اللَّبَاسِ الَّذِي تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِيهِ وَ مَا لَا تُكْرَهُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلَ زُرَّارَةَ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الثَّعَالِبِ وَ الْفَنَكِ وَ السُّنَجَابِ وَ غَيْرِهِ مِنَ الْوَبْرِ.

فرمود: باید با اشاره نماز گزارد و اگر زن باشد، دستش را بر شرمگاه خود بگذارد و اگر
مرد است، دست خود را بر شرمگاهش بگذارد، چنین افرادی باید بنشینند و با اشاره نماز
گزارند و نباید به رکوع و سجود بروند، که مبدا عورتشان از پشت نمایان گردد، بلکه نماز
آنها اشاره با سر می باشد.
حضرتش فرمود: اگر آنها داخل برکه، یا دریایی باشند که نمی توانند بر آب سجده
کنند، توجّه (یعنی اعتدال و برابر یکدیگر گذاردن اعضای بدن در حالت قیام) از آنان
ساقط است (زیرا نشسته اند) و دست گذاردن آنها و دست برداشتن آنها از آن برای آنان
توجّه محسوب می شود.

بخش شصتم

لباسی که نماز در آن مکروه و لباسی که مکروه نیست

۱ - ابن بکیر گوید: زراره از امام صادق عليه السلام در مورد نماز در پوست روباه، دَکَه^(۱)،
سنجاب و غیر آن که پوست پشمی دارند، سؤال کرد؟

۱ - دَکَه: حیوانی است کوچک تر از روباه که پوستی قیمتی دارد.

فَأَخْرَجَ كِتَابًا زَعَمَ أَنَّهُ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَنَّ الصَّلَاةَ فِي وَبَرِ كُلِّ شَيْءٍ حَرَامٍ أَكَلُهُ، فَالصَّلَاةُ فِي وَبَرِهِ وَ شَعْرِهِ وَ جِلْدِهِ وَ بَوْلِهِ وَ رَوْثِهِ وَ اللَّبَانِهِ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ لَا تُقْبَلُ تِلْكَ الصَّلَاةُ حَتَّى تُصَلِّيَ فِي غَيْرِهِ مِمَّا أَحَلَّ اللَّهُ أَكْلَهُ .

ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ! هَذَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاحْفَظْ ذَلِكَ يَا زُرَّارَةُ! فَإِنْ كَانَ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ فَالصَّلَاةُ فِي وَبَرِهِ وَ بَوْلِهِ، وَ شَعْرِهِ وَ رَوْثِهِ وَ اللَّبَانِهِ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ جَائِزَةٌ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ ذَكِيٌّ قَدْ ذَكَاهُ الذَّبْحُ، فَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا قَدْ نُهِيتَ عَنْ أَكْلِهِ وَ حَرَّمَ عَلَيْكَ أَكْلَهُ فَالصَّلَاةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ ذَكَاهُ الذَّبْحُ أَوْ لَمْ يُذَكَّهِ .

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ عَيْثِمِ بْنِ أَسْلَمَ النَّجَاشِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْفِرَاءِ .

آن حضرت نوشته ای بیرون آورد که زرارہ فهمید کہ بہ املائی رسول خدا ﷺ است. در آن نوشته شدہ بود:

همانا نماز در پشم، مو، پوست حیوان حرام گوشت و در لباسی کہ بہ ادرار و سرگین و شیر آن حیوان آلودہ است، و ہر چیز دیگر از حیوان حرام گوشت، باطل است و چنین نمازی قبول نمی شود، تا زمانی کہ در غیر آن از حیوان حلال گوشت، نماز بخواند.

سپس فرمود: ای زرارہ! این سخن از رسول خدا ﷺ است. آن را حفظ کن!

ای زرارہ! اگر لباس نمازگزار از حیوان حلال گوشت باشد، پس نماز در پشم و موی آن و لباسی کہ بہ ادرار و سرگین و شیر آن حیوان آلودہ است و ہر چیزی از آن، جایز است، در صورتی کہ ذبح شرعی شدہ باشد، اما اگر لباس نمازگزار از حیوان حرام گوشت باشد، نماز در ہر چیزی از آن باطل است، خواه ذبح شرعی شدہ باشد و خواه نشدہ باشد.

۲- ابو بصیر گوید: از امام صادق ع درباره نماز در پوستین ہا پرسیدم؟

قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا صَرِدًا لَا تُدْفِئُهُ فِرَاءُ الْحِجَازِ، لِأَنَّ دِبَاغَتَهَا بِالْقَرْظِ، فَكَانَ يَبْعَثُ إِلَى الْعِرَاقِ فَيُؤْتِي مِمَّا قَبْلَهُمْ بِالْقَرْوِ فَيَلْبَسُهُ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ أَلْقَاهُ وَ أَلْقَى الْقَمِيصَ الَّذِي تَحْتَهُ الَّذِي يَلِيهِ، فَكَانَ يُسْأَلُ عَنْ ذَلِكَ. فَقَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ يَسْتَحِلُّونَ لِبَاسَ الْجُلُودِ الْمَمِيَّةِ وَ يَزْعُمُونَ أَنَّ دِبَاغَهُ ذَكَائَةٌ.

۳- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ لِبَاسِ الْفِرَاءِ وَ الصَّلَاةِ فِيهَا. فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا إِلَّا فِيمَا كَانَ مِنْهُ ذَكِيًّا. قَالَ: قُلْتُ: أَوْ لَيْسَ الذَّكِيُّ مِمَّا ذُكِّي بِالْحَدِيدِ؟ فَقَالَ: بَلَى إِذَا كَانَ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ. قُلْتُ: وَ مَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ مِنْ غَيْرِ الْعَنَمِ؟

فرمود: علی بن الحسین صلوات الله علیهما همواره در برابر سرما ناتوان و ضعیف بود و پوستین های حجاز به علت این که با برگ گیاه سلّم آن را دبّاغی می کنند، آن حضرت را گرم نمی کرد. از این رو، سفارش می داد تا از عراق، برایش پوستین می آوردند و چون هنگام نماز می شد، آن لباس و لباس زیرین آن را از تن در می آورد، از سبب آن سؤال کردند؟ فرمود: چون اهل عراق، لباس پوست مردار را حلال می شمارند، زیرا گمان می کنند پوست مردار با دبّاغی پاک می شود.

۳- علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام درباره نماز خواندن در پوستین ها پرسیدم؟

فرمود: در پوستین نماز مگزار، مگر آن که ذبح شرعی شده باشد.

عرض کردم: مگر ذبح شرعی، آن نیست که با آهن (چاقو یا کارد) ذبح شده باشد؟

فرمود: آری، در صورتی که حیوان حلال گوشت باشد.

عرض کردم: اگر حیوان حلال گوشت غیر از گوسفند باشد چه؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِالسَّنَجَابِ، فَإِنَّهُ دَابَّةٌ لَا تَأْكُلُ اللَّحْمَ وَ لَيْسَ هُوَ مِمَّا نَهَى عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذْ نَهَى عَنْ كُلِّ ذِي نَابٍ وَ مِخْلَبٍ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِي الْفِرَاءِ إِلَّا مَا صُنِعَ فِي أَرْضِ الْحِجَازِ، أَوْ مِمَّا عَلِمْتَ مِنْهُ ذَكَاةً.
 ۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَدْخُلُ سُوقَ الْمُسْلِمِينَ - أُعْنِي هَذَا الْخَلْقَ الَّذِينَ يَدْعُونَ الْإِسْلَامَ - فَأَشْتَرِي مِنْهُمْ الْفِرَاءَ لِلتَّجَارَةِ، فَأَقُولُ لِصَاحِبِهَا: أَلَيْسَ هِيَ ذَكِيَّةٌ؟

فَيَقُولُ: بَلَى.

فَهَلْ يَصْلُحُ لِي أَنْ أُبِيعَهَا عَلَيَّ أَنَّهَا ذَكِيَّةٌ؟

فرمود: سنجاب، ایرادی ندارد؛ زیرا گوشت خوار نیست، و آن جا که رسول خدا ﷺ از خوردن گوشت هر حیوان صاحب نیش و چنگال نهی فرموده، سنجاب از آنها نیست.

۴ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نماز در هر پوستینی مکروه است، مگر پوستینی که در سرزمین حجاز درست شده باشد، و یا در سرزمینی که بدانی حیوان را به صورت شرعی ذبح می نماید.

۵ - عبد الرحمان بن حججاج گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من وارد بازار مسلمانها می شوم - منظورم همین مردمی هستند که مدعی اسلام هستند - از آنها برای تجارت، پوستین می خرم و به فروشنده می گویم: مگر این پوستینها تذکیه شده نیستند؟ می گوید: آری. آیا برای من درست است که آنها را به این شرط که تذکیه شده اند، بفروشم؟

فَقَالَ: لَا، وَ لَكِنْ لَا بَأْسَ أَنْ تَبِيعَهَا وَ تَقُولَ: قَدْ شَرَطَ لِي الَّذِي اشْتَرَيْتَهَا مِنْهُ أَنَّهَا ذَكِيَّةٌ.

قُلْتُ: وَ مَا أَفْسَدَ ذَلِكَ؟

قَالَ: اسْتَحْلَالُ أَهْلِ الْعِرَاقِ لِلْمَيْتَةِ، وَ زَعَمُوا أَنَّ دِبَاغَ جِلْدِ الْمَيْتَةِ ذَكَائُهُ، ثُمَّ لَمْ يَرْضَوْا أَنْ يَكْذِبُوا فِي ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْمَيْتَةُ يُتَفَعُّ بِشَيْءٍ مِنْهَا؟
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَرَّ بِشَاةٍ مَيْتَةٍ .

فَقَالَ: مَا كَانَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الشَّاةِ إِذْ لَمْ يَنْتَفِعُوا بِلَحْمِهَا أَنْ يَنْتَفِعُوا بِأَهَابِهَا؟!!

حضرت فرمود: نه، ولی اشکالی ندارد که آن‌ها را بفروشی و بگویی: آن کسی که من از او خریدم، به من گفته است که تذکیه شده‌اند.

عرض کردم: چه چیزی آن را فاسد می‌کند؟

فرمود: حلال شمردن اهل عراق مردار را؛ زیرا آنان گمان می‌کنند که دباغی کردن پوست مردار، همان تذکیه آن است، آنان راضی نشدند که در این امر، بر کسی - جز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله - دروغ ببندند.

۶- علی بن مغیره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم! آیا می‌توان از عضوی از مردار، استفاده کرد؟
فرمود: نه.

عرض کردم: به ما روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار گوسفند مرده‌ای گذشت و فرمود: صاحبان این گوسفند را چه شده است آن‌گاه که از گوشت آن استفاده نکرده‌اند، ولی از پوست آن می‌توانسته‌اند، استفاده کنند؟!!

قَالَ: تِلْكَ شَاةٌ لِسُودَةَ بِنْتِ زَمْعَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ وَكَانَتْ شَاةً مَهْزُولَةً لَا يُنْتَفَعُ بِلَحْمِهَا فَتَرَكَوْهَا حَتَّى مَاتَتْ .

فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا كَانَ عَلَى أَهْلِهَا إِذْ لَمْ يَنْتَفِعُوا بِلَحْمِهَا أَنْ يَنْتَفِعُوا بِإِهَابِهَا أَنْ تُذَكَّى .

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ:

كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ﷺ مَا تَقُولُ فِي الْفَرْوِ يُشْتَرَى مِنَ السُّوقِ؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ مَضْمُونًا فَلَا بَأْسَ .

۸- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ رَجُلٍ سَأَلَ الْمَاضِي ﷺ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الثَّعَالِبِ فَنَهَى عَنِ الصَّلَاةِ فِيهَا وَفِي الثُّوبِ الَّذِي يَلِيهَا فَلَمْ أَدْرِ أَيُّ الثُّوبَيْنِ الَّذِي يَلْصِقُ بِالْوَبْرِ، أَوِ الَّذِي يَلْصِقُ بِالْجِلْدِ؟

امام صادق ﷺ فرمود: آن گوسفند متعلق به سوده، دختر زمععه، همسر پیامبر ﷺ بود که به علت لاغری، گوشت آن مورد استفاده نبود و آن را رها کردند، تا این که مرد.

از این رو رسول خدا ﷺ فرمود: چه می شد که صاحبش در صورتی که از گوشتش استفاده نکرده، آن را سر می برد و از پوستش بهره می برد؟!

۷- اشعری گوید: یکی از دوستان ما طی نامه ای خدمت امام جواد ﷺ نوشت: نظر شما در مورد پوستی که از بازار خریده می شود چیست؟

فرمود: اگر (تذکیه آن) تضمین شده باشد، اشکال ندارد.

۸- علی بن مهزیار طی نامه ای به امام ﷺ نوشت: شخصی که از امام کاظم ﷺ درباره نماز در پوستین های روباه سؤال کرد و حضرت از نماز در آنها نهی فرمود و در لباسی که زیر آن است، و من ندانستم مراد کدام یک از دو لباس است، آیا لباسی که به پشم متصل است، یا آن که به پوست متصل است؟

فَوَقَّعَ عَلَيْهِ بِخَطِّهِ الَّذِي يَلصَقُ بِالْجِلْدِ.

قَالَ: وَذَكَرَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ .

فَقَالَ: لَا تُصَلُّ فِي الثُّوبِ الَّذِي فَوْقَهُ، وَلَا فِي الَّذِي تَحْتَهُ.

۹- عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَقْبَةَ:

عِنْدَنَا جَوَارِبُ وَتِكَكٌ تُعْمَلُ مِنْ وَبَرِ الْأَرَانِبِ فَهَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي وَبَرِ

الْأَرَانِبِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَلَا تَقِيَّةٍ.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ: لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا.

۱۰- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

أَسْأَلُهُ هَلْ يُصَلِّي فِي قَلَنْسُوءَةٍ حَرِيرٍ مَخْضٍ أَوْ قَلَنْسُوءَةٍ دِيْبَاجٍ.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ: لَا تَحِلُّ الصَّلَاةُ فِي حَرِيرٍ مَخْضٍ.

آن حضرت عَلَيْهِ با خط مبارکش نوشت: آن لباسی که به پوست متصل است.

راوی گوید: امام رضا عَلَيْهِ نقل فرمود که این مسأله را از آن حضرت پرسید.

در پاسخ فرمود: در لباسی که روی پوستین است و لباسی که در زیر آن است نماز مگزار.

۹- علی بن مهزیار گوید: ابراهیم بن عقبه طی نامه‌ای به امام جواد عَلَيْهِ نوشت: نزد ما،

جوارب‌ها و بندهای شلواری است که که از پشم خرگوش بافته می‌شود. آیا نماز در پشم

خرگوش بدون ضرورت و بدون تقیّه جایز است؟

حضرتش در پاسخ نوشت: نماز در آن جایز نیست.

۱۰- محمد بن عبد الجبار گوید: به امام حسن عسکری عَلَيْهِ طی نامه‌ای نوشتم و

پرسیدم: آیا با کلاهی که از ابریشم خالص، یا از دیبا است، می‌توان نماز خواند؟

آن حضرت عَلَيْهِ در پاسخ نوشت: نماز در ابریشم خالص جایز نیست.

۱۱ - عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ فُرَيْتٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْخَزَّازِينَ. فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي الْخَزْرِ. فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِيهِ. فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُ مَيِّتٌ وَهُوَ عِلَاجِي وَ أَنَا أَعْرِفُهُ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَا أَعْرِفُ بِهِ مِنْكَ. فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: إِنَّهُ عِلَاجِي وَ لَيْسَ أَحَدٌ أَعْرِفُ بِهِ مِنِّي. فَتَبَسَّمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام. ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَنْتَ قَوْلُ: إِنَّهُ دَابَّةٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَاءِ، أَوْ تُصَادُ مِنَ الْمَاءِ فَتَخْرُجُ فَإِذَا فُقِدَ الْمَاءُ مَاتَ. فَقَالَ الرَّجُلُ: صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَكَذَا هُوَ.

۱۱- ابن ابی یعفور گوید: خدمت امام صادق عليه السلام بودم که یکی از خز فروشان وارد شد و عرض کرد: قربانت گردم! نظر شما درباره نماز در پوست خز چیست؟ فرمود: نماز در آن اشکالی ندارد. آن مرد عرض کرد: قربانت گردم! این پوست، مردار است و این حرفه من است که من به نیکی با آن آشنا هستم. امام صادق عليه السلام فرمود: من درباره آن از تو آگاهترم. خز فروش گفت: این حرفه من است و کسی در این مورد از من آگاهتر نیست. امام صادق عليه السلام تبسم نمود، سپس فرمود: مگر این حیوان، همان حیوانی نیست که از آب می گیرند، یا از آب شکارش می کنند و چون به بیرون آب آورده می شود، می میرد؟ عرض کرد: راست فرمودید، قربانت گردم! همان حیوان است.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَإِنَّكَ تَقُولُ: إِنَّهُ دَابَّةٌ تَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ، وَ لَيْسَ هُوَ عَلَى حَدِّ الْحَيْتَانِ، فَيَكُونُ ذَكَاتُهُ خُرُوجَهُ مِنَ الْمَاءِ .
 فَقَالَ الرَّجُلُ: إِي وَ اللَّهِ، هَكَذَا أَقُولُ .
 فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَحَلَّهُ وَ جَعَلَ ذَكَاتَهُ مَوْتَهُ، كَمَا أَحَلَّ الْحَيْتَانَ وَ جَعَلَ ذَكَاتَهَا مَوْتَهَا.
 ۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدِ الْأَحْوَصِ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي جُلُودِ السَّبَاعِ .
 فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا .
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ هَلْ يُصَلِّي الرَّجُلُ فِي ثَوْبٍ إِبْرِيْشِمٍ؟
 فَقَالَ: لَا .

امام صادق عليه السلام فرمود: مگر منظور تو آن حیوانی نیست که بر چهار دست و پا راه می رود و مانند ماهی ها نیست که خارج شدنش از آب، تذکیه آن باشد؟
 گفت: آری به خدا سوگند که منظورم همان حیوان است.
 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی آن را حلال کرده و تذکیه آن را مردنش قرار داده است، همان طوری که ماهی ها را حلال فرموده و تذکیه آن ها را مردنشان قرار داده است.
 ۱۲ - اسماعیل بن سعد احوص گوید: از امام رضا عليه السلام در مورد نماز در پوست درندگان پرسیدم.

فرمود: در آن ها نماز مگزار.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: آیا مرد می تواند در لباس ابریشم نماز بخواند؟
 فرمود: نه.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلِ
النَّمِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَمَعَهُ السُّكَّيْنُ فِي حُفِّهِ لَا يَسْتَعِينِي عَنْهَا أَوْ
فِي سَرَائِيلِهِ مَشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ الضَّيْعَةَ، أَوْ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ فِيهَا
حَدِيدٌ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِالسُّكَّيْنِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمَسَافِرِ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ، وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ
يَخَافُ عَلَيْهِ، أَوْ فِي النَّسِيَانِ، وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كَذَلِكَ آلَةُ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ،
وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ، فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ
أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْفِرَاءِ أَيُّ شَيْءٍ يَصَلِّي فِيهِ؟
فَقَالَ: أَيُّ الْفِرَاءِ؟
قُلْتُ: الْفَعْنَكُ وَ السُّنْجَابُ وَ السَّمُورُ.

۱۳ - موسی بن اکیل نمیری گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی در سفر و (در
حال نماز) کاردی به همراه دارد که در کفش اوست و بدان نیاز دارد، یا آن را به شلوار خود
بسته است، کلیدی همراه اوست که می ترسد، گم شود، یا کمربندی دارد که آهن در آن به
کار رفته است (حکمش چیست؟)

فرمود: به همراه داشتن کارد و کمربند برای مسافر از روی ضرورت، یا کلیدی که از گم
شدنش می ترسد، یا از روی فراموشی چنین چیزهایی همراه اوست، اشکال ندارد. هم
چنین به همراه داشتن شمشیر و هر سلاح جنگی ایرادی ندارد، اما در غیر این موارد، نماز
خواندن با هر چیز آهنی (که به همراه نمازگزار باشد) جایز نیست؛ زیرا آهن نجس است که
مسخ شده و از صورت اصلی خود بیرون آمده است.

۱۴ - ابو علی بن راشد گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: در مورد پوستین ها چه
می فرمایید؟ در کدام یک از آنها می توان نماز خواند؟
فرمود: مراد تو کدام یک از آنهاست؟
عرض کردم: پوست دله، سنجاب و سمور.

قَالَ: فَصَلِّ فِي الْفَنَكِ وَ السَّنَجَابِ فَأَمَّا السَّمُورُ فَلَا تُصَلِّ فِيهِ.
 قُلْتُ: فَالتَّعَالِبُ نُصَلِّي فِيهَا؟
 قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ تَلْبَسُ بَعْدَ الصَّلَاةِ.
 قُلْتُ: أَصَلِّي فِي الثَّوْبِ الَّذِي يَلِيهِ؟
 قَالَ: لَا.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ يَلِّ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ
 عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 الرَّجُلُ إِذَا اتَّزَرَ بِنُوبٍ وَاحِدٍ إِلَى تُوْدَتِهِ صَلَّى فِيهِ.
 قَالَ: وَ قَرَأْتُ فِي كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْفَنَكِ
 يُصَلِّي فِيهِ.
 فَكَتَبَ: لَا بَأْسَ بِهِ.
 وَ كَتَبَ يَسْأَلُهُ عَنْ جُلُودِ الْأَرَانِبِ.

فرمود: در پوستین دله و سنجاب نماز بگزار؛ ولی در پوستین سمور نماز نخوان.

گفتم: آیا در پوستین روباه می توانم نماز بگزارم؟

فرمود: نه، ولی بعد از نماز می توانی آن را بپوشی.

عرض کردم: آیا در لباسی که موقع پوشیدن با آن در تماس بوده می توانم، نماز بخوانم؟

فرمود: نه.

۱۵ - سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه مردی با یک پوشش، تا سینه خود را بپوشاند، می تواند در آن نماز بگزارد.

راوی گوید: من نامه محمد بن ابراهیم به امام کاظم عليه السلام را خواندم. در آن نامه از

حضرتش پرسیده بود: آیا در پوستین دله می توان نماز خواند؟

امام عليه السلام در پاسخ نوشته بود: اشکالی ندارد.

هم چنین از آن حضرت طی نامه ای از پوستین خرگوش پرسید.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ: مَكْرُوهٌ.

وَ كَتَبَ يَسْأَلُهُ عَنِ تَوْبِ حَشْوِهِ قَزُّ يُصَلِّي فِيهِ.

فَكَتَبَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ مُقَاتِلٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّمُورِ وَ السَّنَجَابِ وَ الثَّعْلَبِ .

فَقَالَ: لَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ مَا خَلَا السَّنَجَابَ، فَإِنَّهُ دَابَّةٌ لَا تَأْكُلُ اللَّحْمَ.

۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يُصَلِّيَ وَ عَلَيْهِ تَوْبٌ فِيهِ تَمَاتِيلٌ.

۱۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ

عِيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الطَّيْلَسَانُ يَعْمَلُهُ

الْمَجُوسُ أَصْلِي فِيهِ؟

قَالَ: أَلَيْسَ يُغَسَّلُ بِالْمَاءِ؟

حضرت عليه السلام در پاسخ نوشت: نماز در آن مکروه است.

هم چنین از آن حضرت پرسید: آیا در لباسی که درون آن از ابریشم است می توان نماز خواند؟

امام عليه السلام نوشت: ایرادی ندارد.

۱۶ - مقاتل بن مقاتل گوید: از امام رضا عليه السلام درباره نماز در پوست سمور، سنجاب و

روباه پرسیدم.

فرمود: در آنها خیری نیست، مگر سنجاب که حیوان گوشتخواری نیست.

۱۷ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام خوش نداشت در لباسی نماز بخواند که در

آن تصویری نقش بسته است.

۱۸ - ابو بصیر گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: آیا در طیلسانی^(۱) که مجوسان می دوزند،

می توانم نماز بخوانم؟

فرمود: آیا این لباس با آب شسته نمی شود؟

۱ - طیلستان، نوعی لباس گشاد و بلندی است که خطیبان، قاضیان و کشیشان مسیحی بر دوش اندازند.

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: التَّوْبُ الْجَدِيدُ يَعْمَلُهُ الْحَائِكُ أَصْلِي فِيهِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۱۹ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِيصِ

بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي تَوْبِ الْمَرْأَةِ وَفِي إِزَارِهَا وَيَعْتَمُّ بِخِمَارِهَا.

قَالَ: نَعَمْ إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً.

۲۰ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ

أَيُّوبَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الدَّرَاهِمِ السُّودِ الَّتِي فِيهَا التَّمَاثِيلُ أَوْ يُصَلِّي الرَّجُلُ وَ

هِيَ مَعَهُ؟

فَقَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا كَانَتْ مُوَارَاةً.

عرض كردم: آری.

فرمود: اشکالی ندارد.

پرسیدم: آیا با لباس نوی که بافنده می بافد، می توانم نماز بخوانم؟

فرمود: آری.

۱۹ - عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا مرد می تواند در لباس زن و یا

لنگ او نماز بخواند، یا مقنعه او را عمامه خود سازد؟

فرمود: آری، اگر آن زن امین باشد (و از نجاسات اجتناب ورزد).

۲۰ - حماد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند با همراه

داشتن درهم هایی که در آنها عکس اشکالی نقش بسته نماز گزارد؟

فرمود: اگر پوشیده باشند، اشکالی ندارد.

- ۲۱- وَ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْهُ قَالَ: قَالَ: لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ حِفْظِ بَضَائِعِهِمْ، فَإِنْ صَلَّى وَ هِيَ مَعَهُ فَلْتَكُنْ مِنْ خَلْفِهِ، وَ لَا يَجْعَلْ شَيْئاً مِنْهَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقِبْلَةِ.
- ۲۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِي الثَّوْبِ الْمَصْبُوغِ الْمَشْبُوعِ الْمُقَدَّمِ.
- ۲۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- صَلِّ فِي مَنْدِيلِكَ الَّذِي تَتَمَنَّدُ بِهِ، وَ لَا تُصَلِّ فِي مَنْدِيلٍ يَتَمَنَّدُ بِهِ غَيْرُكَ.
- ۲۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
- لَا تُصَلِّ فِيمَا شَفَّ أَوْ سَفَّ. يَعْنِي الثَّوْبَ الْمَصَيَّقَلَ.
- وَ رُوِيَ: لَا تُصَلِّ فِي ثَوْبٍ أَسْوَدَ، فَأَمَّا الْخُفُّ أَوْ الْكِسَاءُ أَوْ الْعِمَامَةُ فَلَا بَأْسَ.

- ۲۱- و در روایت عبدالرحمان بن حججاج آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: مردم از حفظ و نگه داری سرمایه‌های خود ناگزیرند. پس آن‌گاه که می‌خواهند نماز بخوانند و آن را به همراه دارند، باید کاری کنند که در پشت ایشان قرار گیرد (یا به پشت خود ببندند) و نباید آن وسایل میان نمازگزار و قبله حایل شود.
- ۲۲- حماد بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
- خواندن نماز در لباسی که به رنگ سرخ سیر است، مکروه است.
- ۲۳- محمد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
- در حوله‌ای که بدن خود را با آن پاک می‌کنی، می‌توانی نماز بخوانی؛ ولی در حوله‌ای که دیگری بدن خود را با آن پاک می‌کند، نماز مخوان.
- ۲۴- محمد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
- در لباس نازک یا رنگارنگ و براق نماز مگزار.
- و روایت شده است: در لباس سیاه نماز مگزار، اما خواندن نماز با کفش (مخصوص عربی که انگشتان پا بیرون است) یا کساء یا عمامه سیاه، اشکالی ندارد.

۲۵- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَبِي يَزِيدَ الْقَسَمِيِّ - وَ قَسَمٌ حَيٌّ مِنَ الْيَمَنِ - بِالْبَصْرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ جُلُودِ الدَّارِشِ التِّي يُتَّخَذُ مِنْهَا الْخِفَافُ.

قَالَ: فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا، فَإِنَّهَا تُدْبَعُ بِخُرِّ الْكِلَابِ.

۲۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْخَزِّ الْخَالِصِ أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ، فَأَمَّا الَّذِي يُخْلَطُ فِيهِ وَبِرُّ الْأَرَانِبِ، أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ مِمَّا يُشْبَهُ هَذَا فَلَا تُصَلِّ فِيهِ.

۲۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جِرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَلْبَسَ الْقَمِيصَ الْمَكْفُوفَ بِالْدِّيبَاجِ وَ يَكْرَهُ لِبَاسَ الْحَرِيرِ وَ لِبَاسَ الْوُشِيِّ وَ يَكْرَهُ الْمَيْثِرَةَ الْحَمْرَاءَ، فَإِنَّهَا مَيْثِرَةٌ إِبْلِيسَ.

۲۵- ابو یزید قسمی (قسم قبیله‌ای از مردم یمن است که در شهر بصره ساکن هستند) گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ دربارهٔ پوستین‌های دارش^(۱) که از آن کفش سازند پرسیدم. فرمود: در آن پوستین‌ها نماز مگزار، چرا که با فضلۀ سگ‌ها دباغی می‌شوند.

۲۶- احمد بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره نماز در پارچه ابریشم خالص فرمود:

اشکالی ندارد. ولی در ابریشمی که مخلوط با پشم خرگوش یا چیزی مانند آن باشد، نمی‌توان نماز گزارد.

۲۷- جرّاح مدائنی گوید:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ کراحت داشت پیراهنی را که حاشیه دیبا داشت بپوشد، و لباس حریر و لباس نگارین را (نیز) مکروه می‌داشت، هم چنین زین سرخ رنگ را نیز مکروه می‌داشت؛ زیرا این نمد، زین ابلیس است.

۱ - پوست سیاه معروفی است.

۲۸ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْخِفَافُ عِنْدَنَا فِي السُّوقِ نَشْتَرِيهَا فَمَا تَرَى فِي الصَّلَاةِ فِيهَا؟

فَقَالَ: صَلِّ فِيهَا حَتَّى يُقَالَ لَكَ: إِنَّهَا مَيْتَةٌ بَعَيْنِهَا.

۲۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
يُكْرَهُ الصَّلَاةُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ الْخُفِّ وَ الْعِمَامَةِ وَ الْكِسَاءِ.

۳۰ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَصَلِّي فِي الْقَلَنْسُوءَةِ السُّودَاءِ؟
فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا، فَإِنَّهَا لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ.

۳۱ - عَلِيُّ بْنُ سَهْلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ
لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَعْتَرِضُ السُّوقَ فَأَشْتَرِي خُفًّا لَا أَذْرِي أَذْكِي هُوَ أَمْ لَا؟
قَالَ: صَلِّ فِيهِ.

۲۸ - حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: در منطقه ما نوعی کفش در بازار است که ما آن‌ها را می‌خریم. نماز در آن‌ها را چگونه می‌بینید؟
فرمود: می‌توانی در آن‌ها نماز بگزاری که تا وقتی که به تو گفته شود: آن‌ها از پوست مردار است.

۲۹ - احمد بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نماز در (لباس سیاه) مکروه است، مگر در سه چیز: کفش، عمامه و عبا.

۳۰ - راوی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا می‌توانم با کلاه سیاه نماز بخوانم؟

فرمود: با کلاه سیاه نماز مگزار که پوشش دوزخیان است.

۳۱ - حسن بن جهم گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: وارد بازار می‌شوم و کفشی می‌خرم،

نمی‌دانم که پوست آن تذکیه شده است یا نه؟

فرمود: با آن نماز بگزار.

قُلْتُ: فَالْتَعَلُّ؟

قَالَ: مِثْلُ ذَلِكَ.

قُلْتُ: إِنِّي أَضِيقُ مِنْ هَذَا.

قَالَ: أَتَزَعَبُ عَمَّا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَفْعَلُهُ.

۳۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ

الصَّلَاةِ فِي جُرْمُوقٍ، وَآتَيْتُهُ بِجُرْمُوقٍ فَبَعَثْتُ بِهِ إِلَيْهِ.

فَقَالَ: يُصَلِّي فِيهِ.

۳۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى وَفِي كُمَّهِ طَيْرٌ.

قَالَ: إِنْ خَافَ الذُّهَابَ عَلَيْهِ فَلَا بَأْسَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَلَاخِلِ هَلْ يَصْلِحُ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ لُبْسُهَا؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ صَمَاءَ فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ كَانَتْ لَهَا صَوْتٌ فَلَا.

عرض کردم: نعلین چطور؟

فرمود: حکمش مانند آن است.

گفتم: نسبت به این حکم سینه‌ام تنگ می‌شود.

فرمود: آیا از آن چه که امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ انجام می‌داد، دوری می‌کنی؟!

۳۲- ابراهیم بن مهزیار گوید: از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره خواندن نماز در جرموق (که نوعی از

موزه است) پرسیدم و آن را برای آن حضرت فرستادم.

فرمود: می‌توان در آن نماز خواند.

۳۳- علی بن جعفر گوید: از برادر امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی نماز می‌خواند

پرنده‌ای در آستین یا جیب لباس خود دارد، حکمش چیست؟

فرمود: اگر می‌ترسد که رها شود و پرواز نماید، همراه داشتن آن اشکالی ندارد.

گوید: هم چنین از آن حضرت درباره خلخال پرسیدم که آیا برای زنان و اطفال پوشیدن

آن (درحال نماز) درست است؟

فرمود: اگر خلخال بی‌صدا باشد، اشکالی ندارد. اما اگر صدا دار است، نمی‌تواند با آن

نماز بخواند.

۳۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي الْفَضْلِ الْمَدَائِنِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يُصَلُّ الرَّجُلُ وَفِي تَكْبِيهِ مِفْتَاحَ حَدِيدٍ.

۳۵- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يُصَلُّ الرَّجُلُ وَفِي يَدِهِ خَاتَمَ حَدِيدٍ. وَرُوي: إِذَا كَانَ الْمِفْتَاحُ فِي غِلَافٍ فَلَا بَأْسَ.

(۶۱)

بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي الثَّوْبِ وَهُوَ غَيْرُ طَاهِرٍ عَالِمًا أَوْ جَاهِلًا

۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى فِي ثَوْبٍ رَجُلٍ أَيَّامًا ثُمَّ إِنَّ صَاحِبَ الثَّوْبِ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ لَا يُصَلِّي فِيهِ. قَالَ: لَا يُعِيدُ شَيْئًا مِنْ صَلَاتِهِ.

۳۴- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شخص نباید در حالی که کلید آهنی در بند شلوار دارد، نماز بخواند.

۳۵- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: انسان نباید در حالی که انگشتر آهنی به انگشت دارد، نماز بخواند. و روایت شده است که اگر کلید در غلاف و پوششی باشد، اشکال ندارد.

بخش شصت و یکم

حکم کسی که در لباس نجس - دانسته یا ندانسته - نماز می خواند

۱- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی در لباس دیگری چند روز نماز می خواند، سپس صاحب لباس به او خبر می دهد که در این لباس (به جهت نجس بودن) نمی توان نماز خواند. فرمود: لازم نیست هیچ یک از نمازهای خود را اعاده کند.

۲- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَفِي ثَوْبِهِ عَذْرَةٌ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ سِنُورٍ أَوْ كَلْبٍ أَوْ يُعِيدُ صَلَاتَهُ؟
فَقَالَ: إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلَا يُعِيدُ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تُعَادُ الصَّلَاةَ مِنْ دَمٍ لَمْ تُبْصِرْهُ غَيْرَ دَمِ الْحَيْضِ، فَإِنَّ قَلِيلَهُ وَكَثِيرَهُ فِي الثَّوْبِ إِنْ رَأَهُ أَوْ لَمْ يَرَهُ سَوَاءٌ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: شخصی نماز می خواند و لباس او آلوده به نجاست آدمی، گربه یا سگ بود، آیا باید نماز خود را اعاده کند؟
فرمود: اگر نمی دانسته، لازم نیست اعاده کند.

۳- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، یا امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
اعاده نماز برای خونی که به چشم نمی آید، لازم نیست، مگر خون حیض که کم و زیاد آن در لباس چه آن را ببیند یا نبیند یکسان است.

۴- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ خَمْرٌ أَوْ نَبِيذٌ مُسْكِرٌ فَأَغْسِلْهُ إِنْ عَرَفْتَ مَوْضِعَهُ فَإِنْ لَمْ تَعْرِفْ مَوْضِعَهُ فَأَغْسِلْهُ كُلَّهُ، وَإِنْ صَلَّيْتَ فِيهِ فَأَعِدْ صَلَاتَكَ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ خَيْرَانَ الْخَادِمِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّجُلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الثَّوْبِ يُصِيبُهُ الْخَمْرُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ أَوْ يُصَلِّي فِيهِ أَمْ لَا؟ فَإِنَّ أَصْحَابَنَا قَدِ اخْتَلَفُوا فِيهِ.

فَقَالَ بَعْضُهُمْ: صَلِّ فِيهِ، فَإِنَّ اللَّهَ إِنَّمَا حَرَّمَ شُرْبَهَا.

وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: لَا تُصَلِّ فِيهِ.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُصَلِّ فِيهِ فَإِنَّهُ رِجْسٌ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الَّذِي يُعِيرُ ثَوْبَهُ لِمَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَأْكُلُ الْجَرِيَّ، أَوْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ فَيَرُدُّهُ أَوْ يُصَلِّي فِيهِ قَبْلَ أَنْ يَغْسِلَهُ.

قَالَ: لَا يُصَلِّ فِيهِ حَتَّى يَغْسِلَهُ؟

هرگاه خمر یا شراب مست کننده به لباس تو برسد، اگر جای آن را می دانی همان جا را بشوی، و در صورتی که جای آن را نمی دانی، تمام آن را بشوی، و اگر در آن نماز خوانده ای، نمازت را اعاده کن.

۵ - خیران خادم (از اصحاب امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ) گوید: به امام صلوات الله علیه طی نامه ای نوشتم و از آن حضرت سؤال کردم: آیا در لباسی که شراب یا گوشت خوک با آن بر خورد می کند، می توان نماز خواند؟ زیرا یاران ما در این مسأله اختلاف نظر دارند. بعضی از آنها گویند: می توان در این لباس نماز خواند، زیرا خداوند نوشیدن آن را احرام کرده است، و بعضی دیگر گویند: در آن نماز مگزار.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشت: در آن لباس نماز مگزار؛ زیرا آن لباس، نجس است.

راوی گوید: هم چنین از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم: شخصی که لباس خود را به کسی عاریه می دهد و می داند که او ماهی جری ^(۱) می خورد و شراب می نوشد، سپس لباس را به او برمی گرداند، آیا می تواند پیش از شستن، در آن لباس نماز بخواند؟ فرمود: نه، در آن لباس نماز نخواند، تا این که آن را بشوید.

۱ - نوعی، ماهی که پولک ندارد و خوردن آن حرام است.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى فِي تَوْبٍ فِيهِ جَنَابَةٌ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ عَلِمَ بِهِ.
 قَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يَبْتَدِيَ الصَّلَاةَ.
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى وَ فِي تَوْبِهِ جَنَابَةٌ أَوْ دَمٌ حَتَّى فَرَعَ مِنْ صَلَاتِهِ ثُمَّ عَلِمَ.

قَالَ: قَدْ مَضَتْ صَلَاتُهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ مَنْصُورِ الصَّقَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ بِاللَّيْلِ فَأَعْتَسَلَ فَلَمَّا أَصْبَحَ نَظَرَ فَإِذَا فِي تَوْبِهِ جَنَابَةٌ. فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا وَ لَهُ حُدٌّ إِنْ كَانَ حِينَ قَامَ نَظَرَ فَلَمْ يَرَ شَيْئًا فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ حِينَ قَامَ لَمْ يَنْظُرْ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.

۶ - ابو بصير گوید: از امام صادق عليه السلام درباره شخصی که دو رکعت نماز در لباسی می خواند که در آن جنب شده است، سپس متوجه می شود، فرمود: باید نماز را از سر بگیرد.
 راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: شخصی در لباس خود نماز می گزارد، در حالی که لباسش به منی یا خون آلوده بود و بعد از نماز متوجه می شود (چه حکمی دارد؟) فرمود: نماز او درست است و چیزی بر او لازم نیست.

۷ - منصور صیقل گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مردی شب جنب می شود و غسل می کند. چون صبح می شود نگاه می کند و در لباس خود منی می بیند (وظیفه او چیست؟)

فرمود: حمد و سپاس خداوندی را سزااست که برای هر چیزی حدی قرار داده است. اگر هنگامی که از خواب برخاسته به لباسش نگاه کرده و چیزی را ندیده است، اعاده نماز بر او لازم نیست. ولی اگر وقتی که از خواب برخاسته، به لباس خود نگاه نکرده باشد، اعاده نماز بر او لازم است.

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرَى فِي ثَوْبِ أَخِيهِ دَمًا وَهُوَ يُصَلِّي.

قَالَ: لَا يُؤْذِنُهُ حَتَّى يَنْصَرِفَ.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ ثَوْبَهُ جَنَابَةٌ أَوْ دَمٌ.

قَالَ: إِنْ كَانَ عَلِمَ أَنَّهُ أَصَابَ ثَوْبَهُ جَنَابَةٌ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ ثُمَّ صَلَّى فِيهِ وَ لَمْ يَغْسِلْهُ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ مَا صَلَّى وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةٌ، وَ إِنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ أَصَابَهُ شَيْءٌ فَنَظَرَ فَلَمْ يَرَ شَيْئًا أَجْزَأَهُ أَنْ يَنْصَحَهُ بِالْمَاءِ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ:

بَعَثْتُ بِمَسْأَلَةٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَعَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قُلْتُ: سَلُّهُ عَنِ الرَّجُلِ يَبُولُ فَيَصِيبُ فَخِذَهُ قَدْرُ نُكْتَةٍ مِنْ بَوْلِهِ، فَيُصَلِّي وَ يَذْكُرُ بَعْدَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَغْسِلْهَا.

۸ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: شخصی در لباس برادر (دینی) خود که در حال نماز است، خونی می بیند (وظیفه او چیست؟) فرمود: نباید به او خبر دهد تا این که نمازش را تمام نماید.

۹ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شخصی که لباسش به منی یا خون آلوده است، پرسیدم.

فرمود: اگر پیش از نماز بداند که لباسش آلوده به منی است و آن را نشوید و در همان لباس نماز بخواند، بر او لازم است که نماز خود را اعاده کند، ولی اگر از آن خبر نداشته، اعاده نماز بر او لازم نیست.

هم چنین اگر گمان کند که لباسش به نجاستی آلوده است و چون نگاه کند، چیزی نبیند، همین که مقداری آب بر آن بریزد، او را کفایت می کند.

۱۰ - ابن مسکان گوید: توسط ابراهیم بن میمون مسأله ای را حضور امام صادق عليه السلام فرستادم و گفتم که از آن حضرت بپرس: شخصی به هنگام بول به اندازه نقطه ای رانش آلوده می شود و با آن حال نماز می خواند و بعد از نماز متوجه می شود که آنجا را نشسته است (چه وظیفه ای دارد؟)

قَالَ: يَغْسِلُهَا وَ يُعِيدُ صَلَاتَهُ.

۱۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ فِي ثَوْبِهِ عَذْرَةٌ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ سِنُورٍ أَوْ كَلْبٍ أ يُعِيدُ صَلَاتَهُ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلَا يُعِيدُ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: اغْسِلْ ثَوْبَكَ مِنْ بَوْلِ كُلِّ مَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ.

۱۳ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَّقِي فِي ثَوْبِهِ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ وَ لَا يَغْسِلَهُ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

فرمود: باید آنجا را بشوید و نماز خود را اعاده کند.

۱۱ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی با لباس آلوده به نجاست آدمی، گربه یا سگ نماز می خواند، آیا باید نمازش را اعاده کند؟ فرمود: اگر نمی دانسته، لازم نیست اعاده کند.

۱۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: لباس خود را (برای نماز) از آلودگی بول هر حیوان حرام گوشت بشوی.

۱۳ - عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی در لباس خود قی می کند، آیا می تواند نشسته با آن نماز بخواند؟ فرمود: اشکالی ندارد.

۱۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:

قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ! رَوَى زُرَّارَةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْخَمْرِ يُصِيبُ ثَوْبَ الرَّجُلِ أَنَّهُمَا قَالَا: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلَّى فِيهِ إِنَّمَا حُرِّمَ شَرْبُهَا.

وَ رَوَى غَيْرُ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

إِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ خَمْرٌ أَوْ نَبِيذٌ يَعْنِي الْمُسْكِرَ فَاغْسِلْهُ إِنْ عَرَفْتَ مَوْضِعَهُ، وَإِنْ لَمْ تَعْرِفْ مَوْضِعَهُ فَاغْسِلْهُ كُلَّهُ، وَإِنْ صَلَّيْتَ فِيهِ فَأَعِدْ صَلَاتَكَ فَأَعْلِمْنِي مَا آخِذُ بِهِ.

فَوْقَ بَخَطِهِ عليه السلام: خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَمِيلٍ الْبَصْرِيِّ قَالَ:

۱۴ - علی بن مهزیار گوید: در نامه‌ای که عبدالله بن محمد به امام ابی الحسن عليه السلام نوشته بود، این‌گونه خواندم: قربانت گردم! زراره از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده که حضرتش فرمود: شخصی که لباسش آلوده به شراب است، می‌تواند در آن نماز بخواند؛ زیرا خداوند تنها نوشیدن آن را حرام فرموده است.

و فرد دیگری، غیر زراره از امام صادق عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: هرگاه لباس آلوده به شراب یا نبیذ - یعنی مست‌کننده - باشد، در صورتی که جای آن را می‌دانی، آن را بشوی، و اگر جای آن را نمی‌دانی، تمام آن را بشوی، و چنانچه در آن لباس نماز گزارده‌ای، نماز خود را اعاده کن. حال، من به کدام دستور عمل کنم؟

آن حضرت به خط مبارک خود نوشت: طبق فرمایش امام صادق عليه السلام را انجام بده.

۱۵ - ابو جمیل بصری گوید:

كُنْتُ مَعَ يُونُسَ بَبْغَدَادَ وَ أَنَا أَمْشِي مَعَهُ فِي السُّوقِ، فَفَتَحَ صَاحِبُ الْفُقَّاعِ فُقَّاعَهُ
فَقَفَرَ فَأَصَابَ ثَوْبَ يُونُسَ، فَرَأَيْتُهُ قَدْ اعْتَمَّ بِذَلِكَ حَتَّى زَالَتْ الشَّمْسُ.

فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَلَا تُصَلِّي؟

قَالَ: فَقَالَ: لَيْسَ أُرِيدُ أَنْ أُصَلِّيَ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَى الْبَيْتِ وَ أَغْسِلَ هَذَا الْحَمْرَ مِنْ نَوْبِي.

فَقُلْتُ لَهُ: هَذَا رَأْيِي رَأَيْتَهُ، أَوْ شَيْءٌ تَرَوِيهِ؟

فَقَالَ: أَخْبَرَنِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْفُقَّاعِ.

فَقَالَ: لَا تَشْرَبْهُ، فَإِنَّهُ حَمْرٌ مَجْهُولٌ، فَإِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ فَاعْسِلْهُ.

۱۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيِّ

عَنْ قَاسِمِ الصَّيْقَلِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عليه السلام أَنِّي أَعْمَلُ أَعْمَادَ السُّيُوفِ مِنْ جُلُودِ الْحُمُرِ الْمَمِيَّةِ،

فِيصِيبُ ثِيَابِي فَأُصَلِّي فِيهَا؟

فَكَتَبَ عليه السلام إِلَيَّ: اتَّخِذْ ثَوْبًا لِصَلَاتِكَ.

با یونس (بن عبدالرحمان) در بازار بغداد راه می رفتیم، آبجو فروشی در ظرف آبجو خود
راگشود و مقداری از آن به لباس یونس رسید. یونس از این حادثه ناراحت و غمگین شد، تا
این که ظهر فرا رسید.

به او گفتم: ای ابا محمد! آیا نماز نمی خوانی؟

گفت: نمی خواهم نماز بخوانم تا به خانه برگردم و این آلودگی را از لباس خود شست
و شو دهم.

به او گفتم: آیا این نظر خود توست، یا روایتی را نقل می کنی؟

گفت: هشام بن حکم به من خبر داده است که او از امام صادق عليه السلام درباره آبجو پرسیده
است.

حضرتش فرمود: آن را نیشام؛ زیرا آن شرابی است که مردم از شراب بودنش ناآگاه
هستند. و هرگاه لباس آلوده به آن شد، آن را بشوی.

۱۶ - قاسم صیقل گوید: طی نامه ای به امام رضا عليه السلام نوشتم: من از پوست الاغ های مرده

غلاف شمشیر می سازم و لباس آلوده می شود، آیا می توانم در آن لباس نماز بخوانم؟

آن حضرت عليه السلام برایم نوشت: برای نماز لباس دیگری برگزین.

فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ۚ كُنْتُ كَتَبْتُ إِلَى أَبِيكَ ۚ بِكَذَا وَ كَذَا فَصَعَبَ عَلَيَّ ذَلِكَ فَصِرْتُ أَعْمَلُهَا مِنْ جُلُودِ الْحُمْرِ أَوْ حَشِيَّةِ الذِّكْيَةِ .
فَكَتَبَ ۚ إِلَيَّ: كُلُّ أَعْمَالِ الْبِرِّ بِالصَّبْرِ - يَرْحَمُكَ اللَّهُ! - فَإِنْ كَانَ مَا تَعْمَلُ وَ حَشِيًّا ذَكِيًّا فَلَا بَأْسَ .

(۶۲)

**بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ هُوَ مُتَلَثَّمٌ أَوْ مُخْتَضِبٌ أَوْ لَا يُخْرِجُ يَدَيْهِ مِنْ تَحْتِ
النُّؤْبِ فِي صَلَاتِهِ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ۚ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَيْصَلِّي الرَّجُلُ وَ هُوَ مُتَلَثَّمٌ؟ فَقَالَ: أَمَّا عَلَيَّ الْأَرْضِ فَلَا، وَ أَمَّا عَلَيَّ الدَّابَّةِ فَلَا بَأْسَ .

سپس خدمت امام جواد ۚ نوشتم: خدمت پدرت چنین و چنان نوشتم و کار بر من مشکل شد. اکنون آن را از پوست الاغ‌های وحشی - که تذکیه شده‌اند - می‌سازم. آن حضرت ۚ برایم نوشت: خداوند تو را رحمت کند! اعمال نیک را به صبر و اگذار (یعنی اگر از پوست مردار است زحمت عوض کردن لباس را بر خود هموار نموده و شکیباش) اما اگر آن چه را که می‌سازی از پوست تذکیه شده الاغ وحشی باشد، اشکالی ندارد.

بخش شصت و دوم

حکم شخصی که با دهان بند، یا خضاب کرده نماز می‌گزارد،

یا در حال نماز دست خود را از زیر لباسش بیرون نمی‌آورد

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ۚ قَالَ: قَالَ: أَيْصَلِّي الرَّجُلُ وَ هُوَ مُتَلَثَّمٌ؟ فَقَالَ: أَمَّا عَلَيَّ الْأَرْضِ فَلَا، وَ أَمَّا عَلَيَّ الدَّابَّةِ فَلَا بَأْسَ .
روی دهان خود را بسته است، نماز گزارد؟
فرمود: اگر روی زمین باشد، جایز نیست، ولی اگر سوار بر مرکب باشد، اشکالی ندارد.

- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ عَلَيْهِ خِضَابُهُ. قَالَ: لَا يُصَلِّي وَ هُوَ عَلَيْهِ، وَ لَكِنْ يَنْزِعُهُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ. قُلْتُ: إِنَّ حِنَاءَهُ وَ خِرْقَتَهُ نَظِيفَةٌ. فَقَالَ: لَا يُصَلِّي وَ هُوَ عَلَيْهِ، وَ الْمَرْأَةُ أَيْضًا لَا تُصَلِّي وَ عَلَيْهَا خِضَابُهَا.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ عَبْدُ الْمَلِكِ الْقَمِّيُّ. فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! أَسْجُدُ وَ يَدِي فِي نَوْبِي. فَقَالَ: إِنَّ شِئْتُمْ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنِّي وَ اللَّهُ! مَا مِنْ هَذَا وَ شِبْهِهِ أَحَافُ عَلَيْكُمْ.

- ۲ - ابوبکر حضرمی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی خضاب کرده و هنوز به خضاب آلوده است، آیا می تواند نماز بخواند؟ فرمود: نمی تواند با حالت خضاب نماز بخواند، ولی هر گاه بخواهد نماز بخواند، باید آن را از خود برطرف کند. عرض کردم: اگر به حنا خضاب کرده باشد و پارچه آن پاک باشد چه وظیفه ای دارد؟ فرمود: در حالی که خضاب بر اوست، نمی تواند نماز بخواند. هم چنین است زن در حالی که خضاب بر اوست، نباید نماز بخواند.
- ۳ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: خدمت امام صادق عليه السلام بودم که عبدالملک قمی حضور آن حضرت شرف یاب شد و عرض کرد: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! آیا می توانم در حالی که دستم در جامه ام است، سجده کنم؟ فرمود: اگر بخواهی ایرادی ندارد. راوی گوید: سپس آن حضرت فرمود: به خدا سوگند! من از این مسایل و مانند این بر شما نمی ترسم!

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي وَهُوَ يُومِئُ عَلَى دَائِبَتِهِ. قَالَ: يَكْشِفُ مَوْضِعَ السُّجُودِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُصَادِقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى فَرِيضَةً وَهُوَ مُعَقَّضُ الشَّعْرِ. قَالَ: يُعِيدُ صَلَاتَهُ.

(۶۳)

بَابُ صَلَاةِ الصَّبِيَّانِ وَ مَتَى يُؤْخَذُونَ بِهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

۴ - راوی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره شخصی که با اشاره روی چهارپا نماز می خواند، پرسیدم.

فرمود: باید جایی برای سجده خود (در همان بالا) فراهم کند.

۵ - مصادف گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که با موهای بافته و جمع کرده خود نماز واجب را می خواند. فرمود: باید نماز خود را اعاده کند.

بخش شصت و سوم

حکم نماز کودکان و آنان چه وقتی باید شروع به نماز خواندن کنند؟

۱ - حلبی گوید: امام صادق از پدر بزرگوارش امام باقر عليه السلام روایت کرده که حضرتش فرمود:

إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمَرُّوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ، وَنَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْعَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيُطِيقُوهُ، فَمَرُّوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَأْمُرُ الصَّبِيَانَ يَجْمَعُونَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَيَقُولُ: هُوَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَنَامُوا عَنْهَا.

۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ. قَالَ: لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ.

ما کودکان خود را در سن پنج سالگی به نماز فرا می خوانیم و شما کودکان خود را در هفت سالگی به نماز دستور دهید.

هم چنین ما کودکان خود را در هفت سالگی به گرفتن روزه امر می کنیم، همان مقداری که از یک روز می توانند روزه بگیرند، هر چند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد، و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می کنند، تا به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند به گرفتن روزه وادارید هر قدر از روزه را که می توانند، روزه بگیرند، و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، روزه خود را افطار نمایند.

۲ - فضیل بن یسار گوید: علی بن الحسین صلوات الله علیهما به کودکان امر می کرد تا بین نماز مغرب و عشا را جمع کنند و می فرمود: این جمع، بهتر از آن است که بخوابند و نماز خود را نخوانند.

۳ - جابر گوید: از امام باقر عليه السلام درباره کودکان آن گاه که در صف نماز جماعت می ایستند، سؤال کردم.

فرمود: آنهارا از نماز جماعت به صورت فریضه بازندارید، اما در میان آنان فاصله قرار دهید.

(۶۴)

بَابُ صَلَاةِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَ الْمَرِيضِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أ تُصَلِّي النَّوَافِلَ وَأَنْتَ قَاعِدٌ؟
فَقَالَ: مَا أَصَلِّيَهَا إِلَّا وَأَنَا قَاعِدٌ مُنْذُ حَمَلْتُ هَذَا اللَّحْمَ وَ بَلَغْتُ هَذَا السِّنِّ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّا نَتَحَدَّثُ نَقُولُ مَنْ صَلَّى وَ هُوَ جَالِسٌ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ كَانَتْ صَلَاتُهُ رَكْعَتَيْنِ بَرَكَةً وَ سَجْدَتَيْنِ بِسَجْدَةٍ.
فَقَالَ: لَيْسَ هُوَ هَكَذَا، هِيَ تَامَةٌ لَكُمْ.

بخش شصت و چهارم

چگونگی نماز پیران و بیماران

- ۱ - سدير گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: آیا نمازهای نافله را در حال نشسته می توان خواند؟
فرمود: از زمانی که فربه شده و به این سن رسیده ام، نمازهای نافله ها را نشسته می خوانم.
- ۲ - ابو بصير گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: ما با یکدیگر گفت و گوی می کنیم و می گوئیم: هر که بدون علت، نشسته نماز خواند، هر دو رکعت نماز او یک رکعت و هر دو سجده او یک سجده به شمار می آید.
فرمود: چنین نیست، بلکه برای شما به صورت کامل محسوب می شود.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَدُّ الْمَرِيضِ الَّذِي يُصَلِّي قَاعِدًا؟
فَقَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُوعَكُ وَ يَخْرُجُ، وَ لَكِنَّهُ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ، وَ لَكِنْ إِذَا قَوِيَ فَلْيَقُمْ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يَذْهَبُ بَصْرُهُ فَيَأْتِيهِ الْأَطِبَّاءُ فَيَقُولُونَ:
نُدَاوِيكَ شَهْرًا أَوْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مُسْتَلْقِيًا كَذَلِكَ يُصَلِّي.

فَرَخَّصَ فِي ذَلِكَ وَ قَالَ: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا غَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ».
۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ إِذَا لَمْ يَسْتَطِعِ الْقِيَامَ وَ السُّجُودَ.
قَالَ: يُومئ برأسه إيماءً، وَ أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ.

۳ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق سؤال کردند: بیمار چند وقت می تواند نمازش را نشسته بخواند؟

فرمود: گاهی انسان اندک تبی می کند و احساس ناراحتی می نماید، ولی بیمار به حال خود داناتر است و اگر در اثنای نماز، نیرویی پیدا کرد، باید برخیزد.

۴ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مرد و زنی که بینایی چشم هایشان دچار مشکل شده و پزشکان می گویند: ما تو را درمان می کنیم، ولی باید یک ماه یا چهل شبانه روز بر پشت بخوابی. آیا این شخص می تواند همان طور که بر پشت خوابیده، نماز بخواند؟
امام عليه السلام رخصت داد و این آیه را تلاوت فرمود: «هر که ناگزیر شود، در حالی که ستمگر و تجاوزکننده نباشد، گناهی بر او نیست».

۵ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد بیماری که توانایی ایستادن و سجده کردن را ندارد، سؤال کردم.

فرمود: باید با سر خود اشاره کند و اگر پیشانی خود را بر زمین بگذارد، نزد من بهتر است.

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ رَفَعَهُ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمَرِيضُ يُومِيئُ إِيمَاءً.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَبْطُونِ. فَقَالَ: يَنْبِي عَلَى صَلَاتِهِ.

۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَصَّالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ الرَّجُلُ يُصَلِّي وَهُوَ قَاعِدٌ فَيَقْرَأُ السُّورَةَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَهَا قَامَ فَرَكَعَ بِأَخْرِهَا.

قَالَ: صَلَاتُهُ صَلَاةُ الْقَائِمِ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ: أَنَّ سِنَانًا سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُدُّ فِي الصَّلَاةِ إِحْدَى رِجْلَيْهِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ جَالِسٌ.

۶- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

بیمار باید به اشاره سجده (یا رکوع) کند.

۷- محمد مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد شخصی که مبتلا به اسهال است، سؤال کردم.

فرمود: باید نماز خود را ادامه دهد (یعنی در صورتی که در اثنای نماز این علت بر او غالب شود، وضو می‌سازد و باز می‌گردد و نماز را از همان جا که قطع شده ادامه می‌دهد).
۸- زراره گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: انسان در حال نشسته نماز می‌گزارد و سوره‌ای را می‌خواند، وقتی می‌خواهد سوره را تمام کند برمی‌خیزد و پس از تمام کردن سوره، به رکوع می‌رود.

فرمود: نماز او، نماز ایستاده است.

۹- معاویه بن میسره گوید: سنان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: شخصی در حال نشسته یکی از دو پایش را در حال نماز در پیش روی خود دراز می‌کند (آیا ایرادی دارد؟)

قَالَ: لَا بَأْسَ، وَلَا أَرَاهُ إِلَّا قَالَ فِي الْمُعْتَلِّ وَالْمَرِيضِ.
 وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: يُصَلِّي مُتْرَبِعًا وَ مَا دَأَّ رِجْلَيْهِ كُلَّ ذَلِكَ وَاسِعًا.
 ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سُئِلَ عَنْ
 الْأَسِيرِ يَأْسِرُهُ الْمُشْرِكُونَ فَتَحَضَّرَ الصَّلَاةَ وَ يَمْنَعُهُ الَّذِي أَسْرَهُ مِنْهَا.
 قَالَ: يُومئُ إِيْمَاءً.

۱۱ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ
 عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ﴾.
 قَالَ: الصَّحِيحُ يُصَلِّي قَائِمًا وَ قُعُودًا، الْمَرِيضُ يُصَلِّي جَالِسًا، ﴿وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ﴾
 الَّذِي يَكُونُ أَضْعَفَ مِنَ الْمَرِيضِ الَّذِي يُصَلِّي جَالِسًا.
 ۱۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: اشکالی ندارد. به نظرم این حکم را برای فرد معلول و بیمار فرموده است.
 و در حدیث دیگری فرمود: می تواند نماز بخواند در حالی که چهار زانو است و یا دو
 پای خود را دراز کرده است که همه این امور جایز است.
 ۱۰ - سماعه گوید: از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیده شد: فردی در دست مشرکان اسیر است و وقت
 نماز فرا می رسد و مشرکان از خواندن نماز جلوگیری می کنند (چه وظیفه ای دارد؟)
 فرمود: با اشاره نماز بگزارد.

۱۱ - ابو حمزه گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خدای تَعَالَى که می فرماید: «کسانی که خدا
 را در حال ایستاده، نشسته و بر پهلوهایشان یاد می کنند» فرمود:
 شخص سالم، باید ایستاده و نشسته نماز بخواند، و شخص بیمار، باید نشسته نماز
 بخواند و کسانی که خداوند درباره آنان فرموده: «و بر پهلوهایشان» کسی است که از بیماری
 که نشسته نماز می گزارد، ناتوان تر است (و بر پهلو نماز می خواند).
 ۱۲ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

يُصَلِّي الْمَرِيضُ قَاعِدًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ صَلَّى مُسْتَلْقِيًا يُكَبِّرُ ثُمَّ يَقْرَأُ فَإِذَا أَرَادَ الرُّكُوعَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ سَبَّحَ ثُمَّ يَفْتَحُ عَيْنَيْهِ فَيَكُونُ فَتَحَ عَيْنَيْهِ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ الرُّكُوعِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْجُدَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ سَبَّحَ، فَإِذَا سَبَّحَ فَتَحَ عَيْنَيْهِ فَيَكُونُ فَتَحَ عَيْنَيْهِ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَ يَنْصَرِفُ.

۱۳- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ أَيْحِلُّ لَهُ أَنْ يَقُومَ عَلَى فِرَاشِهِ وَ يَسْجُدَ عَلَى الْأَرْضِ؟
قَالَ: فَقَالَ: إِذَا كَانَ الْفِرَاشُ غَلِيظًا قَدَرَ آجْرَةً أَوْ أَقَلَّ اسْتَقَامَ لَهُ أَنْ يَقُومَ عَلَيْهِ وَ يَسْجُدَ عَلَى الْأَرْضِ، وَإِنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَلَا.

بیمار باید نشسته نماز بخواند، و اگر نتواند، دراز کشیده، نماز بخواند. به این شکل که تکبیر الاحرام را بگوید، آن گاه به قرائت پردازد، و هنگام رکوع چشمانش را بر هم گذاشته، آن گاه تسبیح رکوع را بگوید، و چون تسبیح گفت، چشم‌هایش را بگشاید. در این حال، گشودن چشمان به منزله سر برداشتن از رکوع است، و چون می‌خواهد سجده کند، چشمانش را بر هم نهد و بعد تسبیح سجده را بگوید، و وقتی تسبیح گفت، چشم‌ها را بگشاید. در این صورت باز کردن چشمانش، به منزله سر برداشتن از سجود است. آن گاه تشهد می‌گوید و نمازش را تمام می‌کند.

۱۳- مصدق بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: آیا بیمار می‌تواند در رختخواب خود برخیزد و بر زمین سجده نماید؟

فرمود: چنانچه ضخامت رختخواب به اندازه یک آجر یا کمتر باشد، ایرادی ندارد که بر آن برخیزد و بر زمین سجده کند، ولی اگر بیشتر از آن باشد، جایز نیست.

(۶۵)

بَابُ صَلَاةِ الْمُعْمَى عَلَيْهِ وَ الْمَرِيضِ الَّذِي تَفُوتُهُ الصَّلَاةُ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرِيضِ لَا يَقْدِرُ عَلَى الصَّلَاةِ. قَالَ: فَقَالَ: كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَرِيضِ يَقْضِي الصَّلَاةَ إِذَا أُغْمِيَ عَلَيْهِ. فَقَالَ: لَا.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْخَزَّازِ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنْ رَجُلٍ أُغْمِيَ عَلَيْهِ أَيَّامًا لَمْ يُصَلِّ ثُمَّ أَفَاقَ أَيُّصَلِّي مَا فَاتَهُ؟ قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

بخش شصت و پنجم

حکم نماز شخص بی هوش و بیماری که نماز او فوت می شود

- ۱ - مرآزم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد بیماری که توانایی نماز خواندن را ندارد سؤال کردم. فرمود: هر فردی که خداوند حال او را به گونه ای می کند که دیگر نمی تواند نماز بخواند، خود از هر کس بهتر می داند که او معذور بوده و گناهی نداشته است.
- ۲ - معمر بن عمر گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا بیمار بی هوش باید نمازهایش را قضا کند؟ فرمود: نه.
- ۳ - ابراهیم خزّاز گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که چند روز است بی هوش شده، اینک به هوش آمده است، آیا باید نمازهایش را قضا کند؟ فرمود: نه، چیزی بر عهده او نیست.

- ۴- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رَبَائِبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ يُعْمَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُفِيقُ كَيْفَ يُفْضِي صَلَاتَهُ؟ قَالَ: يُفْضِي الصَّلَاةَ الَّتِي أُدْرِكَ وَفَتْهَا.
- ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ مَرَضٌ فَتَرَكَ النَّافِلَةَ . فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! لَيْسَتْ بِفَرِيضَةٍ إِنْ قَضَاهَا فَهُوَ خَيْرٌ يَفْعَلُهُ، وَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.
- ۶- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ صَلَاةُ السَّنَةِ مِنْ مَرَضٍ. قَالَ: لَا يُفْضِي.

- ۴- ابو بصير گوید: از امام (باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) سؤال کردم: بیماری که بی هوش می شود، سپس به هوش می آید، نماز خود را باید چگونه قضا کند؟ فرمود: باید نمازی را که وقتش را درک کرده است (یعنی در وقت آن به هوش آمده است) قضا کند.
- ۵- محمد بن مسلم گوید: به آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: شخصی بیمار شده و نافله اش را ترک کرده، حکمش چیست؟ فرمود: ای محمد! نافله، واجب نیست. اگر آن را قضا کند، کار نیکی است که انجام داده، و اگر قضا نکند بر او چیزی نیست.
- ۶- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم: شخصی که نماز سال بسیاری به خاطر بیماری از او فوت شده است (چه وظیفه ای دارد؟) فرمود: قضای آن ها لازم نیست.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي
الْمُعَمَى عَلَيْهِ قَالَ:
مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ.

(۶۶)

بَابُ فَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ لَيْلَتِهِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ بِيَوْمِ أَفْضَلٍ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ.
۲- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۷- حفص بن بختری گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که حضرتش درباره شخصی که در
حالت بی هوشی به سر برده فرمود:
هر فردی که خداوند حال او را به گونه ای می کند که دیگر نمی تواند نماز بخواند،
خداوند بهتر می داند که او معذور بوده و گناهی نداشته است.

بخش شصت و ششم

فضیلت روز و شب جمعه

۱- ابو بصیر گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: آفتاب در هیچ روزی طلوع نکرده
است که بهتر از روز جمعه باشد.
۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ مَعَهُمْ قَرَأَ طَيْسٌ مِنْ فَصَّةٍ وَ أَقْلَامٌ مِنْ ذَهَبٍ فَيَجْلِسُونَ عَلَى أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ عَلَى كَرَّاسِيٍّ مِنْ نُورٍ فَيَكْتُبُونَ النَّاسَ عَلَى مَنَازِلِهِمْ الْأَوَّلَ وَ الثَّانِيَّ حَتَّى يَخْرُجَ الْإِمَامُ، فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ طَوَّأُوا صُحُفَهُمْ وَ لَا يَهْبِطُونَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَيَّامِ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ يَعْنِي الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ.

۳- أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْتَحِبُّ إِذَا دَخَلَ وَ إِذَا خَرَجَ فِي الشِّتَاءِ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا، فَاخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

۴- وَ عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

چون روز جمعه فرا رسد، فرشتگان مقرب الهی به زمین فرود می آیند و همراه خود صحیفه های سیمین و زرین می آورند و کنار در مسجد بر روی تخت هایی از نور می نشینند و نام مردم را بر اساس رتبه های آنان از اول، دوم و... به ترتیب می نویسند تا زمانی که امام جمعه نماز را به پایان رسانده و از مسجد خارج شود، و چون امام خارج شود، صحیفه های خود را می پیچند. اینان در هیچ روزی دیگر در ایام هفته فرود نمی آیند مگر در روز جمعه.

۳- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ چون اوایل زمستان هنگام شروع سرما داخل خانه می شد و در زمستان هنگام شروع گرما از خانه بیرون می آمد، دوست می داشت که این نقل مکان در شب جمعه باشد.

و امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند از هر چیز، چیزی را برگزید و از روزها، روز جمعه را برگزید.

۴- عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

السَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: مَا بَيْنَ فَرَاحِ الْإِمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَى أَنْ يَسْتَوِيَ النَّاسُ فِي الصُّفُوفِ، وَ سَاعَةٌ أُخْرَى مِنْ آخِرِ النَّهَارِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ يُضَاعَفُ فِيهِ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَ يَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ، وَ يَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ، وَ يَكْشِفُ فِيهِ الْكُرْبَاتِ، وَ يَقْضِي فِيهِ الْحَوَائِجَ الْعِظَامَ، وَ هُوَ يَوْمُ الْمَزِيدِ لِلَّهِ فِيهِ عِتْقَاءُ وَ طَلْقَاءُ مِنَ النَّارِ مَا دَعَا بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ، وَ قَدْ عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عِتْقَائِهِ وَ طَلْقَائِهِ مِنَ النَّارِ، فَإِنْ مَاتَ فِي يَوْمِهِ وَ لَيْلَتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ بُعِثَ آمِناً، وَ مَا اسْتَحَفَّ أَحَدٌ بِحُرْمَتِهِ وَ ضَيَّعَ حَقَّهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُصَلِّيَهُ نَارَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

ساعتی که در روز جمعه دعا در آن مستجاب می شود (دو ساعت است): یکی زمان پایان خطبه توسط امام جمعه تا وقتی که مردم در صف های نماز بایستند و ساعت دیگر از آخر روز تا هنگام غروب آفتاب است.

۵- ابن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است:

همانا روز جمعه، سرور روزهاست که خداوند در این روز، به پاداش اعمال بندگان می افزاید، گناهان را محو می کند، درجات را بالا می برد، دعاها را مستجاب می کند، اندوهها را برطرف می سازد و حاجت های بزرگ را بر می آورد. این روز، روزی است که خداوند بر آزادگان و رهاشدگان از آتش دوزخ می افزاید. و هر فردی که در این روز با شناخت حق و حرمت دعا، خدا را فراخواند بر خداوند لازم است که او را از آزادگان و رهاشدگان از آتش دوزخ قرار دهد، و اگر در روز و شب جمعه بمیرد، شهید مرده است و در روز رستاخیز از عذاب دوزخ ایمن محشور خواهد شد، و هر که حرمت آن را سبک شمارد و حقوق آن را ضایع کند بر خداوند عز وجل لازم است که او را در آتش اندازد، مگر آن که توبه کند.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ لِلْجُمُعَةِ حَقًّا وَحُرْمَةً فَإِيَّاكَ أَنْ تُضَيِّعَ أَوْ تُقْصِرَ فِي شَيْءٍ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ، وَالتَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَتَرْكِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا، فَإِنَّ اللَّهَ يُضَاعِفُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ.

قَالَ: وَ ذَكَرَ أَنَّ يَوْمَهُ مِثْلُ لَيْلَتِهِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُحَيِّبَهَا بِالصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ فَأَفْعَلْ، فَإِنَّ رَبَّكَ يَنْزِلُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا فَيُضَاعِفُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَإِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ: كَيْفَ سُمِّيَتْ الْجُمُعَةُ؟

۶ - ابان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای جمعه، حق و حرمتی است. پس، بر حذر باش از این که آن را ضایع کنی، یا در چیزی از عبادت خداوند و تقرب و نزدیکی به او با عمل صالح و ترک همه گناهان، کوتاهی کنی؛ زیرا خداوند در این روز، به پاداش اعمال می افزاید، گناهان را محو و نابود می کند و درجات را بالا می برد.

راوی گوید: هم چنین حضرتش یادآوری فرمود: فضیلت روز جمعه، به سان شب آن است و اگر بتوانی شب آن را با نماز و دعا زنده داری، چنین کن؛ زیرا که مشیت خداوندی در اول شب جمعه به آسمان دنیا فرود می آید و به پاداش اعمال را می افزاید، گناهان را در آن محو و نابود می سازد و به راستی خداوند عطا کننده فراگیر کریم است.

۷ - ابو حمزه گوید: شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: چگونه این روز، جمعه نامیده شد؟

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَمَعَ فِيهَا خَلْقَهُ لَوْلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَوَصِيَّهِ فِي الْمِيثَاقِ، فَسَمَّاهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، لِجَمْعِهِ فِيهِ خَلْقَهُ.

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَلَيْلَتِهَا.

فَقَالَ: لَيْلَتُهَا عَرَاءٌ، وَ يَوْمُهَا يَوْمٌ زَاهِرٌ، وَ لَيْسَ عَلَى الْأَرْضِ يَوْمٌ تَغْرُبُ فِيهِ الشَّمْسُ أَكْثَرَ مُعَافَى مِنَ النَّارِ مِنْهُ، مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَارِفًا بِحَقِّ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَ بَرَاءَةً مِنَ الْعَذَابِ، وَ مَنْ مَاتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أُعْتِقَ مِنَ النَّارِ.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فَضَّلَ اللَّهُ الْجُمُعَةَ عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ، وَإِنَّ الْجِنَانَ لَتَنْزَخِرْفُ وَ تُزَيِّنُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِمَنْ أَتَاهَا، وَإِنَّكُمْ تَتَسَابِقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ سَبَقِكُمْ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتُفْتَحَ لِصُغُودِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ.

فرمود: همانا خداوند عزوجل در روز پیمان همه مخلوقات را برای تصدیق ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصی بزرگوارش صلوات الله علیه جمع کرد، و به خاطر همین جمع کردن مخلوقات در آن روز، آن را جمعه نامید.

۸ - جابر گوید: از امام باقر عليه السلام درباره روز جمعه و شب آن سؤال کردند؟

فرمود: شب جمعه، شبی است نورانی و روز جمعه، روزی درخشان است و بر روی زمین، روزی نیست که آفتاب در آن غروب کند و بیش از جمعه انسان‌ها از آتش بخشوده شوند، و هر کس در روز جمعه وفات یابد در حالی که حق این اهل بیت عليهم السلام را بشناسد، خداوند برایش برائت از دوزخ خواهد نوشت، و هر کس در شب جمعه بمیرد، از آتش دوزخ آزاد خواهد شد.

۹ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند روز جمعه را بر روزهای دیگر فضیلت و برتری بخشید، همانا بهشت در روز جمعه برای کسی که به نماز جمعه می‌آید، زینت و آراسته می‌شود، و شما به هر اندازه‌ای که برای نماز جمعه از یکدیگر پیشی می‌گیرید، همان اندازه در رسیدن به بهشت پیشی خواهید گرفت، و (در آن روز) درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان گشوده می‌شود.

- ۱۰- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: قَوْلُ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ﴾.
قَالَ: اَعْمَلُوا وَ عَجِّلُوا، فَإِنَّهُ يَوْمٌ مُضَيَّقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فِيهِ، وَ ثَوَابُ أَعْمَالِ
الْمُسْلِمِينَ فِيهِ عَلَى قَدَرِ مَا ضُيِّقَ عَلَيْهِمْ وَ الْحَسَنَةُ وَ السَّيِّئَةُ تُضَاعَفُ فِيهِ.
قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اللَّهُ! لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ كَانُوا
يَتَجَهَّزُونَ لِلْجُمُعَةِ يَوْمَ الْخَمِيسِ، لِأَنَّهُ يَوْمٌ مُضَيَّقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ.
۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
أَبِي الْبَلَادِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ:
مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ بِيَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَ إِنَّ كَلَامَ الطَّيْرِ فِيهِ إِذَا التَّمَى
بَعْضُهَا بَعْضًا: سَلَامٌ سَلَامٌ، يَوْمٌ صَالِحٌ.

۱۰- جابر بن یزید گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خداوند تَعَالَى که می فرماید: «بشتابید
به سوی ذکر خدا» پرسیدم. فرمود:
عمل کنید و شتاب نمایید؛ زیرا جمعه، روزی است که بر مسلمانان تنگ گرفته شده
است، و پاداش اعمال مسلمانان در روز جمعه به اندازه‌ای که برایشان تنگ گرفته شده
است، و پاداش کار خوب و بد در این روز چند برابر محسوب می شود.
راوی گوید: هم چنین حضرتش فرمود: به خدا سوگند! به من خبر رسیده که اصحاب
پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ از روز پنجشنبه برای جمعه مهیا می شدند؛ زیرا جمعه، روزی است که بر
مسلمانان تنگ گرفته می شود.

۱۱- راوی گوید: امام باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فرمود:
آفتاب در هیچ روزی طلوع نکرده است که بهتر از روز جمعه باشد.
همانا سخن پرندگان در این روز به هنگام دیدار با یکدیگر «سلام بر شما باد، سلام بر
شما باد» است، که روزی نیک است.

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: السَّاعَةُ الَّتِي فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ الَّتِي لَا يَدْعُو فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ.

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ.
قُلْتُ: إِنَّ الْإِمَامَ يُعَجَّلُ وَيُؤَخَّرُ.
قَالَ: إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ يَزِيدٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَا عُمَرُ! إِنَّهُ إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ بَعَدَدِ الذَّرِّ فِي أَيْدِيهِمْ أَقْلَامُ الذَّهَبِ وَ قَرَاطِيسُ الْفِضَّةِ لَا تَكْتُبُونَ إِلَى لَيْلَةِ السَّبْتِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام فَأَكْثِرْ مِنْهَا.

وَ قَالَ: يَا عُمَرُ! إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ مِائَةَ مَرَّةٍ.

۱۲ - معاویة بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا ساعتی در روز جمعه هست که مؤمن دعا نکند مگر آن که دعای او مستجاب شود؟

فرمود: آری، آن گاه که امام جمعه (از خانه خود به سوی مسجد) خارج می شود.

عرض کردم: امام جمعه گاهی زود و گاهی دیر خارج می شود.

فرمود: وقتی که ظهر شود.

۱۳ - عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

ای عمر! آن گاه که روز جمعه فرا رسد، فرشتگان به شمار مورچگان از آسمان فرود می آیند و در دست های آنان قلم های زرین و کاغذ های سیمین است و تا شب شنبه چیزی جز صلوات بر محمد و آل محمد - صلی الله علیه و علیهم - نمی نویسند. پس بسیار صلوات بفرست.

هم چنین فرمود: ای عمر! سنت است که در روز جمعه بر محمد و خاندان او هزار بار و در روزهای دیگر صد بار صلوات بفرستی.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَخِيهِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: بَلَّغْنِي أَلَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَقْصَرَ الْأَيَّامِ. قَالَ: كَذَلِكَ هُوَ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَيْفَ ذَاكَ؟

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَجْمَعُ أَرْوَاحَ الْمُشْرِكِينَ تَحْتَ عَيْنِ الشَّمْسِ، فَإِذَا رَكَدَتِ الشَّمْسُ عَذَّبَ اللَّهُ أَرْوَاحَ الْمُشْرِكِينَ بِرُكُودِ الشَّمْسِ سَاعَةً، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَا يَكُونُ لِلشَّمْسِ رُكُودٌ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ لِفَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَلَا يَكُونُ لِلشَّمْسِ رُكُودٌ.

(۶۷)

بَابُ التَّرْتِيبِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ هِشَامِ ابْنِ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ غَوِيْدٌ: بِهِ إِمَامُ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرَضَ كَرْدَمَ: بِهِ مِنْ رَسِيدِهِ اسْتِ كِه رُوْزِ جَمْعِهِ، كُوْتَاهَتْرِيْنَ رُوْزِهَاسْتِ. فَرَمُوْدٌ: هَمِيْنَ طُوْر اسْتِ.

عرض کردم: قربانت کردم! چگونه؟

فرمود: خداوند تبارک و تعالی تمام ارواح شرک ورزان را در زیر چشمه آفتاب جمع می‌کند، هنگامی که آفتاب به نصف النهار برسد، به درنگ کردن آفتاب یک ساعت آن ارواح را عذاب می‌نماید، و چون روز جمعه شود، برای آفتاب درنگی نخواهد بود و به سبب فضیلت روز جمعه، عذاب را از آنان برطرف می‌سازد. پس در این روز، برای آفتاب درنگی نخواهد بود.

بخش شصت و هفتم

آراستن در روز جمعه

۱ - هشام بن حکم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَغْتَسِلُ وَ يَتَطَيَّبُ وَ يَسْرُحُ لِحَيْتِهِ وَ يَلْبَسُ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَ لِيَتَهَيَّأَ لِلْجُمُعَةِ، وَ لِيَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، وَ لِيُحْسِنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ، وَ لِيَفْعَلَ الْخَيْرَ مَا اسْتَطَاعَ، فَإِنَّ اللَّهَ يَطَّلِعُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِيُضَاعِفَ الْحَسَنَاتِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ قَلَمٍ مِنْ أَظْفَارِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ . ثُمَّ قَالَ: « بِسْمِ اللَّهِ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ » كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ وَ كُلِّ قَلَامَةٍ عِتْقَ رَقَبَةٍ، وَ لَمْ يَمْرُضْ مَرَضًا يُصِيبُهُ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

هر کدام از شما بایستی در روز جمعه خود را بیاراید، غسل جمعه کند، بوی خوش استعمال نماید و محاسن را شانه زند، پاکیزه‌ترین لباس‌های خود را بر تن نماید و با چنین آراستگی خود را برای برگزاری نماز جمعه آماده سازد. باید در آن روز آرامش و متانت بر حرکات او، و اطمینان خاطر سکون بر اندیشه و روانش حکم فرما باشد و عبادت پروردگارش را نیکو به جای آورد و تا آن جا که در توان دارد، اعمال خیر انجام دهد، چرا که خداوند نظر (لطف) خویش را بر زمینیان می‌افکند تا حسنات را دو چندان سازد.

۲- محمد بن علاء گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

هر که در هر جمعه سبیل خویش را کوتاه کند و ناخن‌های خود را بگیرد، سپس بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خداوند به تعداد موها و ریزه‌های ناخن، برای او پاداش رهایی بنده را بنویسد، و به هیچ بیماری، جز آن بیماری در آن از دنیا برود، مبتلا نمی‌شود.

۳- منصور بن حازم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ فِي الْحَضَرِ، وَعَلَى الرَّجَالِ فِي السَّفَرِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

لَا تَدْعِ الْغُسْلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَإِنَّهُ سُنَّةٌ وَشَمُّ الطُّيْبِ، وَالْبَسُّ صَالِحٌ ثِيَابِكَ، وَلَيْكُنْ فَرَاغَكَ مِنَ الْغُسْلِ قَبْلَ الزَّوَالِ، فَإِذَا زَالَتْ فَقُمْ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ. وَقَالَ: الْغُسْلُ وَاجِبٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

۵ - عَلِيُّ عَنْ أَخِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَخِذْ الشَّارِبِ وَالْأَظْفَارِ وَغَسِّلِ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

غسل روز جمعه بر مردان و زنان در حضر و در سفر فقط بر مردان واجب است.

۴ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

غسل روز جمعه را ترک مکن؛ زیرا سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در آن روز بوی خوش استشمام کن و بهترین لباس هایت را بپوش. بایستی پیش از ظهر غسل را به پایان برسانی، و چون ظهر فرا رسید (برای رفتن به نماز جمعه) برخیز و با آرامش، وقار و بردباری حرکت کن. هم چنین فرمود: غسل روز جمعه واجب است.

۵ - محمد بن طلحه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کوتاه کردن شارب و ناخن ها و شستن سر با (برگ یا گل) خطمی در روز جمعه، فقر و ناداری را برطرف و روزی را زیادی می نماید.

- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ قَلَمٍ مِنْ أَظْفَارِهِ وَ غَسَلَ رَأْسَهُ بِالْخِطْمِيِّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَخَذُ الشَّارِبِ وَ الْأَظْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضِيلِ قَالَا: قُلْنَا لَهُ: أَيْ جَرِي إِذَا اغْتَسَلْتُ بَعْدَ الْفَجْرِ لِلْجُمُعَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.
- ۹- حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

۶- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در روز جمعه شارب خود را کوتاه کند و ناخن های خود را برگیرد و سر خود را با خطمی شست و شو دهد، همانند کسی است که بنده آزاد کند.

۷- حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کوتاه کردن شارب و ناخن ها از جمعه تا جمعه دیگر موجب ایمنی از بیماری جذام می شود.

۸- زراره و فضیل گویند: به امام عليه السلام عرض کردیم: هرگاه بعد از طلوع فجر غسل کنم، آیا برای جمعه کفایت می کند؟ فرمود: آری.

۹- یکی از اصحاب ما گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

لَا بُدَّ مِنْ غُسْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ، فَمَنْ نَسِيَ فَلْيَعِدْ مِنَ الْعَدِ.
 وَ رُوِيَ: فِيهِ رُخْصَةٌ لِلْعَلِيلِ.
 ۱۰ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُنُونِ.

(۶۸)

بَابُ وُجُوبِ الْجُمُعَةِ وَ عَلَى كَمْ تَجِبُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ
 سُؤَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
 قَالَ:

غسل روز جمعه در سفر و حضر ضروری است، هر که فراموش کرد باید فردایش اعاده کند.

روایت شده است: برای بیمار از این غسل رخصتی داده شده است.

۱۰ - ابن بکیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شستن سر با (برگ یا گل) خطمی موجب ایمنی از پیسی و دیوانگی است.

بخش شصت و هشتم

وجوب نماز جمعه و این که با چند نفر نماز جمعه واجب می شود؟

۱ - ابو بصیر و محمد بن مسلم گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ حَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَشْهَدَهَا إِلَّا حَمْسَةً: الْمَرِيضَ وَالْمَمْلُوكَ وَالْمُسَافِرَ وَالْمَرْأَةَ وَالصَّبِيَّ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَزُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ كَانَ مِنْهَا عَلَى فَرَسَخَيْنِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزِ بْنِ ابْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجُمُعَةِ .

فَقَالَ: تَجِبُ عَلَى مَنْ كَانَ مِنْهَا عَلَى رَأْسِ فَرَسَخَيْنِ، فَإِذَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۴- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

همانا خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ در هر هفت شبانه روز، سی و پنج نماز، واجب کرده است. از میان آنها یک نماز است (جمعه) که بر هر مسلمانی واجب است که در هنگام برگزاری آن حضور داشته باشد، مگر پنج نفر (که از آنان ساقط شده است): بیمار، بنده، مسافر، زن و کودک.

۲- ابو بصیر و محمد بن مسلم گویند: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نماز جمعه بر هر کسی که تا دو فرسخی از محل اقامه نماز سکونت داشته باشد، واجب است.

۳- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره وجوب نماز جمعه سؤال کردم.

فرمود: بر هر کسی که در دو فرسخی از محل اقامه نماز سکونت داشته باشد، واجب است، و اگر بیشتر از آن باشد، چیزی بر عهده او نیست.

۴- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

- لَا تَكُونُ الْخُطْبَةُ وَالْجُمُعَةُ وَصَلَاةُ رَكْعَتَيْنِ عَلَى أَقَلِّ مِنْ خَمْسَةِ رَهْطِ الْإِمَامِ وَأَرْبَعَةٍ.
- ۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَدْنَى مَا يُجْزَى فِي الْجُمُعَةِ سَبْعَةٌ، أَوْ خَمْسَةٌ أَدْنَاهُ.
- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ وَ هِيَ الْجُمُعَةُ وَ وَضَعَهَا عَنْ تِسْعَةٍ عَنِ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ الْمَجْنُونِ وَ الْمَسَافِرِ وَ الْعَبْدِ وَ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرِيضِ وَ الْأَعْمَى وَ مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرْسَيْنِ.
- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

خطبه نماز جمعه و دو رکعت نماز بر کمتر از پنج نفر صحیح نیست که یکی از آنها امام و چهار نفر دیگر مأوم باشند.

۵- ابو العباس گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کمترین تعدادی که در نماز جمعه کفایت می‌کند، هفت - یا پنج - نفر است که این، کمترین آن است.

۶- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

خداوند از هر جمعه تا جمعه دیگر، سی و پنج نماز بر مردم واجب فرموده است و از میان نمازها، تنها یک نماز است که خداوند واجب گردانیده که به جماعت برگزار می‌شود و آن، نماز جمعه است و آن را از نه گروه ساقط فرموده که عبارتند از: کودک، سالخورده، دیوانه، مسافر، بنده، زن، بیمار، نابینا و کسی که در دو فرسخی محل اقامه آن باشد.

۷- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

يَكُونُ بَيْنَ الْجَمَاعَتَيْنِ ثَلَاثَةُ أَمْيَالٍ يَعْنِي لَا يَكُونُ جُمُعَةً إِلَّا فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ ثَلَاثَةِ
 أَمْيَالٍ وَ لَيْسَ تَكُونُ جُمُعَةً إِلَّا بِخُطْبَةٍ .
 قَالَ : فَإِذَا كَانَ بَيْنَ الْجَمَاعَتَيْنِ فِي الْجُمُعَةِ ثَلَاثَةُ أَمْيَالٍ ، فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُجْمَعَ
 هُوَ لَاءِ وَ يُجْمَعَ هُوَ لَاءِ .

(۶۹)

بَابُ وَقْتِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ وَ وَقْتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِ
 وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ جَمِيعاً
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :
 وَقْتُ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ .
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ
 اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

میان دو نماز جمعه باید سه میل (یک فرسخ) فاصله باشد، یعنی نماز درست نیست
 مگر در مسافتی که میان دو نماز، سه میل فاصله باشد، و نماز جمعه جز با خطبه برگزار
 نمی شود.

حضرتش فرمود: پس بنابر این، اگر در میان دو جماعت در جمعه، سه میل فاصله
 باشد، اشکالی ندارد که آن جماعت در نماز جمعه خود حضور یابند و جماعت دیگر نیز
 در نماز جمعه خود حاضر شوند.

بخش شصت و نهم

وقت نماز جمعه و وقت نماز عصر در روز جمعه

- ۱ - سماعه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: وقت ظهر در روز جمعه، هنگام زوال آفتاب
 است.
- ۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَبْدَأُ بِالْمَكْتُوبَةِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَقْتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

فَقَالَ: فِي مِثْلِ وَقْتِ الظُّهْرِ فِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

فَقَالَ: نَزَلَ بِهَا جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُصَيِّقَةً إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَصَلَّاهَا.

قَالَ: قُلْتُ: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ صَلَّيْتُهَا.

فَقَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا أَنَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ لَمْ أَبْدَأُ بِشَيْءٍ قَبْلَ الْمَكْتُوبَةِ.

قَالَ الْقَاسِمُ: وَكَانَ ابْنُ بَكِيرٍ يُصَلِّي الرِّكَعَتَيْنِ وَهُوَ شَاكٌّ فِي الزَّوَالِ، فَإِذَا اسْتَيْقَنَ الزَّوَالَ بَدَأَ بِالْمَكْتُوبَةِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

هرگاه در روز جمعه، زوال آفتاب شد، نماز واجب را آغاز کن.

۳ - سفیان بن سمط گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره وقت نماز عصر در روز جمعه سؤال کردم.

فرمود: همانند وقت نماز ظهر در روزهای دیگر است.

۴ - محمد بن ابی عمیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره نماز روز جمعه پرسیدم.

فرمود: جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ آن را فرود آورده است در حالی که وقت آن تنگ است، و چون زوال آفتاب شود، آن را به جا آور.

راوی گوید: عرض کردم: چون زوال آفتاب شود، دو رکعت نافله می خوانم، سپس آن را به جا می آورم.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ولی من به هنگام زوال آفتاب، پیش از نماز واجب چیزی شروع نمی کنم.

قاسم گوید: ابن بکیر چون در زوال آفتاب شک داشت، دو رکعت نافله می گزارد و وقتی که در روز جمعه به زوال یقین می کرد، شروع به انجام فریضه می نمود.

(۷۰)

بَابُ تَهْيِئَةِ الْإِمَامِ لِلْجُمُعَةِ وَخُطْبَتِهِ وَالْإِنْصَاتِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ
عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ الَّذِي يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ يَلْبَسَ عِمَامَةً فِي الشِّتَاءِ
وَالصَّيْفِ وَ يَتَرَدَّى بِرِدِّ يَمَنِيٍّ أَوْ عَدَنِيٍّ وَ يَخْطُبُ وَ هُوَ قَائِمٌ يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُثْنِي
عَلَيْهِ، ثُمَّ يُوصِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ يَقْرَأُ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ صَغِيرَةً ثُمَّ يَجْلِسُ، ثُمَّ يَقُومُ
فَيَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ عَلَى أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ
وَ يَسْتَغْفِرُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.
فَإِذَا فَرَغَ مِنْ هَذَا أَقَامَ الْمُؤَذِّنُ فَصَلَّى بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِسُورَةِ
الْجُمُعَةِ، وَ فِي الثَّانِيَةِ بِسُورَةِ الْمَنَافِقِينَ.

بخش هفتادم**مهیا شدن امام جمعه برای نماز جمعه، خطبه جمعه****و سکوت مردم برای شنیدن آن**۱ - سماعه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

شایسته است امام جمعه به هنگام ایراد خطبه در زمستان و تابستان عمامه بر سر نهد و
برد یمنی یا عدنی را ردای خود سازد، و ایستاده خطبه بخواند، خدا را حمد و سپاس گوید
و بر او ثنا گوید، سپس مردم را به تقوا و پرهیزگاری سفارش نماید و سوره کوچکی از قرآن
کریم بخواند، آن گاه بنشیند، سپس برخیزد و حمد خدا و ثنای او گوید و بر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و بر
پیشوایان مسلمانان درود فرستد و بر زن و مرد مؤمن طلب بخشش و آمرزش کند.
وقتی خطبه به پایان رسید، مؤذن اقامه گوید، و امام جمعه با مردم دو رکعت نماز به جا
می آورد که در رکعت نخست سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین را بخواند.

- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَتَكَلَّمَ حَتَّى يَفْرَغَ الْإِمَامُ مِنْ خُطْبَتِهِ، وَإِذَا فَرَعَ الْإِمَامُ مِنَ الْخُطْبَتَيْنِ تَكَلَّمَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ تُقَامَ الصَّلَاةُ، فَإِنْ سَمِعَ الْقِرَاءَةَ أَوْ لَمْ يَسْمَعْ أَجْزَأَهُ.
- ۳ - الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ خُطْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوَّلَ الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدُ؟ فَقَالَ: قَبْلَ الصَّلَاةِ، يَخْطُبُ ثُمَّ يُصَلِّي.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ .

۲ - محمد بن مسلم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

آن‌گاه که امام جمعه در روز جمعه خطبه می‌خواند، برای هیچ‌کس شایسته نیست که سخن بگوید، تا این‌که خطبه امام پایان پذیرد، وقتی دو خطبه پایان یافت، تا زمانی که اقامه نماز می‌شود، می‌توان سخن گفت و اگر مأموم در حال نماز، قرائت را بشنود یا نشنود، برای نمازگزار کفایت می‌کند.

۳ - ابو مریم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد خطبه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (در نماز جمعه) پرسیدم که آیا پیش از نماز بوده یا بعد آن؟

فرمود: حضرتش پیش از نماز خطبه می‌خواند، سپس نماز می‌گزارد.

۴ - سماعه گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره نماز روز جمعه سؤال کردم.

فَقَالَ: أَمَّا مَعَ الْإِمَامِ فَرَكَعَتَانِ، وَأَمَّا مَنْ يُصَلِّي وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ يَعْنِي إِذَا كَانَ إِمَامٌ يَخْطُبُ، فَأَمَّا إِذَا لَمْ يَكُنْ إِمَامٌ يَخْطُبُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَإِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْأَذَانُ الثَّلَاثُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَدْعَةٌ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُطْبَةِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ: الْخُطْبَةُ الْأُولَى: الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ.

فرمود: اگر نماز جمعه با امام جمعه اقامه شود، دو رکعت است؛ ولی اگر کسی به تنهایی نماز بخواند، همان نیز چهار رکعت به منزله نماز ظهر است؛ یعنی اگر امامی باشد که خطبه بخواند (دو رکعت است)، ولی اگر امامی نباشد که خطبه بخواند، چهار رکعت است، هر چند که نماز را با جماعت به جا آورد.

۵- حفص بن غیاث گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرد که فرمود: اذان سوم در روز جمعه، بدعت است.

۶- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ خطبه روز جمعه؛ خطبه نخست چنین بیان فرمود: تمام ستایش‌ها از آن خداست که او را حمد و ثنا می‌گوییم و از او کمک خواسته و آمرزش می‌طلبیم و هدایت می‌خواهیم و از بدی‌های نفس و خطاهای اعمال به خداوند پناه می‌بریم. هر کسی را که خداوند هدایت فرماید گمراه کننده‌ای برایش نخواهد بود، و هر کسی را که گمراه فرماید، او را هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
 أَنْتَجَبَهُ لَوْلَا يَتِيهِ وَ اخْتَصَّهُ بِرِسَالَتِهِ وَ أَكْرَمَهُ بِالنَّبُوءَةِ أَمِينًا عَلَى غَيْبِهِ وَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
 وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَخْوَفِكُمْ مِنْ عِقَابِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ يُنْجِي مَنْ اتَّقَاهُ
 بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَ يُكْرِمُ مَنْ خَافَهُ يَقِيهِمْ سَرًّا مَا خَافُوا
 وَ يُلْقِيهِمْ نَصْرَةً وَ سُرُورًا وَ أُرْعَبُكُمْ فِي كَرَامَةِ اللَّهِ الدَّائِمَةِ، وَ أَخْوَفُكُمْ عِقَابَهُ الَّذِي
 لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا نَجَاةَ لِمَنْ اسْتَوْجَبَهُ، فَلَا تُعْرَنُّكُمْ الدُّنْيَا وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَيْهَا، فَإِنَّهَا دَارُ
 غُرُورٍ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ.

فَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ، فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ
 إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَ لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ، وَ قَدْ
 أَخْبَرَكُمُ اللَّهُ عَنْ مَنَازِلِ مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ عَنْ مَنَازِلِ مَنْ كَفَرَ وَ عَمِلَ فِي غَيْرِ
 سَبِيلِهِ. وَ قَالَ:

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست، بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم
 که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست که او را برای ولایت خود برگزید، بر رسالت خود
 مخصوص ساخت (و سرفراز کرد) و با نبوت گرامی داشت، در حالی که امین بر غیب او و
 رحمتی برای جهانیان بود و خداوند بر محمد و خاندان او درود فرستد و برایشان سلام باد.
 ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و از عذاب او می‌ترسانم، زیرا
 خداوند نجات دهنده کسانی است که از او می‌ترسند، و هیچ چیز بدی به آنان نمی‌رسد و
 محزون نخواهند بود و کسی که از او می‌ترسد، او را گرامی می‌دارد، و از شر آن چه که
 می‌ترسند نگره می‌دارد و با گشاده‌رویی و خوشحالی، آنان را ملاقات می‌کند.
 و شما را به گرامی بودن همیشگی نزد خدا فرا می‌خوانم و از آن عذابی که قطع نشدنی
 است؛ می‌ترسانم و کسی که مستحق آن شود، نجاتی نخواهد داشت.
 پس مبادا دنیا شما را فریب دهد، خداوند بر دنیا و اهل او فنا و نابودی نوشته است.
 پس، از دنیا توشه بگیرید به آن چیزی که خداوند شما را به آن گرامی داشته که همان
 پرهیزگاری و عمل صالح است؛ زیرا چیزی از اعمال بندگان مقبول خداوند نمی‌شود مگر
 عملی که خالص و بی‌غش باشد. خداوند به جز از پرهیزکاران نمی‌پذیرد و به راستی که
 خداوند شما را از مقام و مرتبه کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام داده‌اند و کسانی که
 کافر شده‌اند و به راه غیر خدا رفته‌اند، خبر داده. و فرموده است:

﴿ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ وَ مَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ * يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٍ﴾.

نَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي جَمَعَنَا لِهَذَا الْجَمْعِ أَنْ يُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ أَنْ يَرْحَمَنَا جَمِيعاً إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ أَصْدَقُ الْحَدِيثِ وَ أَحْسَنُ الْقِصَصِ، وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

فَاسْمَعُوا طَاعَةَ اللَّهِ وَ أَنْصِتُوا ابْتِغَاءَ رَحْمَتِهِ.

ثُمَّ اقْرَأْ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ وَ ادْعُ رَبَّكَ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ ادْعُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، ثُمَّ تَجَلَّسْ قَدْرَ مَا تَمَكَّنَ هُنَيْهَةً ثُمَّ تَقَوَّمْ فَتَقَوَّلْ:

﴿ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ وَ مَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ * يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٍ﴾.

از آن خداوندی که ما را در این جهان گرد آورده است، می خواهم که این روزمان را بر ما مبارک گرداند و همه ما را ببخشد، زیرا او بر هر چیزی قادر و تواناست.

به راستی که کتاب خداوند (قرآن کریم) راست ترین سخن و بهترین نقل است و خداوند ﷻ فرموده است: «و چون قرآن خوانده شود (برای شنیدن آن) گوش باز دارید و خاموش باشید شاید که شما مورد رحمت قرار گیرید».

پس به فرمان خدا گوش فرا دهید و ساکت باشید تا رحمت او را به دست آورید.

سپس سوره ای از قرآن قرائت کن و پروردگار خود را بخوان و بر پیامبر ﷺ درود فرست و برای مؤمنان و مؤمنات دعا کن. آن گاه کمی می نشینی، سپس برمی خیزی و می گویی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنُسْتَهْدِيهِ وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ
وَنُعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ
يُضِلِّ فَلَا هَادِيَ لَهُ.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَ جَعَلَهُ
رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ
وَ رَسُولَهُ فَقَدْ رَشَدَ وَ مَنْ يَعْصِيهِمَا فَقَدْ غَوَى.

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ! بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي يُنْفَعُ بِطَاعَتِهِ مَنْ أَطَاعَهُ، وَ الَّذِي يَضُرُّ
بِمَعْصِيَتِهِ، مَنْ عَصَاهُ الَّذِي إِلَيْهِ مَعَادُكُمْ وَ عَلَيْهِ حِسَابُكُمْ، فَإِنَّ التَّقْوَى وَصِيَّةُ اللَّهِ
فِيكُمْ وَ فِي الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ:

تمام سپاس‌ها خدایی را سزااست که او را حمد و ثنا می‌گوییم، از او کمک خواسته و
آمزش می‌طلبیم، و هدایت می‌خواهیم و به او ایمان آورده، بر او توکل می‌کنیم، و از
بدی‌های نفس و خطاهای اعمالمان به خداوند پناه می‌بریم، و کسی را که خداوند هدایت
فرماید گمراه‌کننده‌ای نباشد، کسی را که گمراه می‌کند، هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود.
و شهادت می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، یکتا و بی‌شریک است، و شهادت
می‌دهم که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده‌ اوست که او را با هدایت و دینی حق فرستاده است تا بر
همهٔ ادیان چیره گرداند، هر چند که شرک‌ورزان خوش‌نادرند، و او را رحمت بر جهانیان قرار
داد، در حالی که مژده دهنده به ثواب و ترساننده از عذاب بود، و مردم را به اجازه و رخصت
خداوند به سوی او دعوت می‌کرد و چراغی تابان بود. هر کس از فرمان خدا و پیامبرش اطاعت
کند، راه یافته و هر که از فرمان ایشان سرپیچی کند، به راستی که گمراه شده است.

ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ آن خداوندی که هر کس از او پیروی
کند، به پیروی‌اش سود می‌برد، و هر کس نافرمانی کند، به نافرمانی‌اش زیان می‌بیند؛ آن
خداوندی که بازگشت شما به سوی او و حسابرسی از شما به دست اوست؛ زیرا تقوا وصیئت و
سفارش خداوند بر شما و بر کسانی است که پیش از شما بوده‌اند، و خداوند عَلَيْكُمْ فرموده است:

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا﴾.

اَنْتَفِعُوا بِمَوْعِظَةِ اللَّهِ وَ الزَّمُوا كِتَابَهُ، فَإِنَّهُ أَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ خَيْرُ الْأُمُورِ فِي الْمَعَادِ عَاقِبَةٌ وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ الْحُجَّةَ فَلَا يَهْلِكُ مَنْ هَلَكَ إِلَّا عَنْ بَيِّنَةٍ، وَ لَا يَحْيَى مَنْ حَيَّ إِلَّا عَنْ بَيِّنَةٍ وَ قَدْ بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الَّذِي أُرْسِلَ بِهِ.

فَالزَّمُوا وَصِيَّتَهُ وَ مَا تَرَكَ فِيكُمْ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ لَا يَضِلُّ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِمَا وَ لَا يَهْتَدِي مَنْ تَرَكَهُمَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

ثُمَّ تَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا﴾.

از موعظه خداوند بهره برید و ملازم و همراه کتاب او باشید، زیرا دارای رساترین موعظه و بهترین امور برای فرجام نیک در روز رستاخیز است، به طور حتم خداوند حاجتی گرفته است (یعنی راه حق و وجوب پیروی از امام معصوم علیه السلام را در هر زمانی برای مردم روشن ساخته است) پس کسی گمراه و هلاک نمی‌شود و در دوزخ قرار نمی‌گیرد مگر به برهانی آشکار، و کسی زنده نمی‌شود مگر آن که به برهان آشکار زنده شود، و به تحقیق آن چه که فرستاده شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برای مردم رسانید.

از این رو، وصیت و سفارش او لازم دارید و از آن چه بعد از خود در میان شما گذارد، جدا نشوید. آن چیز بزرگ و گران بها که عبارتند از: کتاب خدا و اهل بیت او؛ کسانی که هر کس به آنان تمسک جوید، گمراه نشود و هر که آن‌ها را ترک کند، هدایت نیابد.

بار خدایا! بر محمد درود فرست که بنده و رسول تو و سرور رسولان و پیشوای پرهیزکاران و فرستاده پروردگار جهانیان است.

سپس می‌گویی: خداوندا! بر امیر مؤمنان که وصی و جانشین رسول پروردگار جهانیان است. درود فرست.

ثُمَّ تُسَمِّي الْأِيْمَةَ ﷺ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِكَ.
 ثُمَّ تَقُولُ: افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَانْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِيْنَكَ وَ سُنَّةَ
 نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.
 اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ
 أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ
 الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ مَا حَمَلْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَعَرَّفْنَاهُ وَ مَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَعَلَّمْنَاهُ.
 ثُمَّ يَدْعُو اللَّهَ عَلَى عَدُوِّهِ وَ يَسْأَلُ لِنَفْسِهِ وَ أَصْحَابِهِ، ثُمَّ يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فَيَسْأَلُونَ
 اللَّهَ حَوَائِجَهُمْ كُلَّهَا حَتَّى إِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ:
 اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ يَكُونُ آخِرَ كَلَامِهِ أَنْ يَقُولَ: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ
 إِبْتِئَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.

آن گاه ائمه ﷺ را یکی از پس از دیگری نام می‌بری، تا به امام زمانت برسی. سپس می‌گویی: و به آسانی جهان را به دست او فتح کن و او را نصرت کامل با عزت و اقتدار بخش. بار خدایا! به دست او دینت را و سنت پیامبرت را آشکار ساز تا دیگر چیزی از حق و حقیقت از ترس احدی از خلق مخفی نماند. خداوندا! ما به تو امید و اشتیاق داریم که دولت با کرامت آن امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را به او عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن دولت حقه اهل دعوت به طاعت و از پیشوایان راه هدایت قرار دهی، و به واسطه آن بزرگوار به ما عزت و کرامت دنیا و آخرت عطا فرمایی. بار خدایا! حق را - که ما را به عمل به آن فرخوانده‌ای - به ما بشناسان، و آن چه را که نشناخته‌ایم، به مقام و معرفتش ما را دانا کن. سپس بر دشمن امام زمان نفرین کند و برای خود و یاران آن حضرت طلب حاجت نماید. آن گاه مردم دست‌های خود را بالا می‌برند و تمامی حوایج خود را از خداوند در خواست می‌کنند، و چون امام جمعه از آن فارغ شد می‌گوید: بار خدایا! دعاهای ما را مستجاب کن - و آخرین سخن او این باشد که بگوید (که این آیه را بخواند): «همانا خداوند به عدالت و نیکوکاری و دادن حق خویشان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکرات و ظلم و ستم شما را باز می‌دارد و شما را پند و موعظه می‌دهد؛ شاید که پند گیرید».

ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرَ فَتَنْفَعُهُ الذُّكْرَى. ثُمَّ يَنْزِلُ.
 ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ
 قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُمُعَةِ .

فَقَالَ: بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ يَخْرُجُ الْإِمَامُ بَعْدَ الْأَذَانِ فَيَصْعَدُ الْمِنْبَرَ وَ يَخْطُبُ لَا يُصَلِّي
 النَّاسُ مَا دَامَ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ، ثُمَّ يَقْعُدُ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ قَدَرًا مَا يَقْرَأُ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ
 أَحَدٌ﴾ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْتَتِحُ خُطْبَتَهُ ثُمَّ يَنْزِلُ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ ثُمَّ يَقْرَأُ بِهِمْ فِي الرَّكْعَةِ
 الْأُولَى بِالْجُمُعَةِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بِالْمُنَافِقِينَ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ
 فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿خُذُوا
 زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾.
 قَالَ: فِي الْعِيدَيْنِ وَ الْجُمُعَةِ.

سپس می گوید: خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که تذکر و یادآوری حق می کنند. و از آن
 بهره برده و سودمند می شوند. آن گاه از (منبر) فرود می آید.

۷- محمد بن مسلم گوید: از امام عليه السلام در مورد نماز جمعه پرسیدم.
 فرمود: نماز جمعه با یک اذان و یک اقامه برپا می شود که امام بعد از اذان خارج شده و
 بر فراز منبر می رود و خطبه می خواند، و تا زمانی که امام بر فراز منبر است، مردم نماز
 نمی خوانند. سپس امام به اندازه ای که سوره ﴿قل هو الله احد﴾ را بخواند بر فراز منبر
 می نشیند. پس از آن برمی خیزد و خطبه (دوم) را آغاز می کند، آن گاه فرود می آید و با مردم
 نماز می گزارد و در رکعت نخست، سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین را می خواند.
 ۸- ابن سنان گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدا که می فرماید: «زینت خود را در هر
 مسجد بگیرید» فرمود: زینت در نماز عید فطر و قربان و نماز جمعه است.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
 كُلُّ وَاَعِظُ قَبْلَهُ يَعْنِي إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَنْبَغِي لِلنَّاسِ أَنْ يَسْتَقْبِلُوهُ.

(۷۱)

بَابُ الْقِرَاءَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ لَيْلَتَهَا فِي الصَّلَوَاتِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 لَيْسَ فِي الْقِرَاءَةِ شَيْءٌ مَوْقَّتٌ إِلَّا الْجُمُعَةُ تُقْرَأُ بِالْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ.
 ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۹ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: هر خطیبی برای مستمعین و شنوندگان قبله است؛ یعنی هنگامی که در روز جمعه، امام خطبه می خواند، شایسته است که مردم رو به سوی او کنند.

بخش هفتاد و یکم

قرائت در نمازهای روز و شب جمعه

۱ - منصور بن حازم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در قرائت نماز، سوره ویژه ای نیست مگر در (ظهر) جمعه که سوره جمعه و منافقین خوانده می شود.

۲ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

أَقْرَأَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بِالْجُمُعَةِ وَ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ وَ فِي الْفَجْرِ بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ فِي الْجُمُعَةِ بِالْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ.

۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بِمَا أَقْرَأُ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ؟

فَقَالَ: أَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بِ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ثُمَّ أَقْنَتَ حَتَّى تَكُونَا سَوَاءً.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمَ بِالْجُمُعَةِ الْمُؤْمِنِينَ، فَسَنِّهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِشَارَةِ لَهُمْ وَ الْمُنَافِقِينَ، تَوْبِيخًا لِلْمُنَافِقِينَ وَ لَا يَنْبَغِي تَرْكُهَا فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَلَا صَلَاةَ لَهُ.

در شب جمعه، سوره (جمعه) و ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾، و در نماز صبح سوره (جمعه) و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، و در ظهر جمعه، سوره (جمعه) و (منافقین) را بخوان.

۳ - حسین بن ابی حمزه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: در نماز صبح روز جمعه، چه سوره‌ای بخوانم؟

فرمود: در رکعت نخست، سوره (جمعه) و در رکعت دوم ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخوان، سپس (به اندازه تفاوت دو سوره) قنوت بخوان تا دو رکعت برابر شوند.

۴ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند مؤمنان را با سوره (جمعه) گرامی داشت و رسول خدا صلى الله عليه وآله برای مژده دادن به مؤمنان قرائتش را سنت قرار داد، و هم چنین سوره (منافقین) را سرزنی برای منافقان قرار داد و ترک آن سزاوار نیست و هر کس از روی عمد آن را ترک نماید، او را نماز (کاملی) نخواهد بود.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَدِيثِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي الْجُمُعَةِ إِذَا صَلَّيْتُ وَحَدِي أَرْبَعًا أَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ.

فَقَالَ: نَعَمْ، وَقَالَ أَفْرَأُ بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَقْرَأَ بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ فِي الْجُمُعَةِ فَيَقْرَأُ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى سُورَةِ الْجُمُعَةِ.

وَرُوِيَ أَيْضًا: يُتَمُّهَا رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْتَأْنِفُ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع.

مَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ بغيرِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ أَعَادَ الصَّلَاةَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرَ. وَ رُوِيَ: لَا بَأْسَ فِي السَّفَرِ أَنْ يَقْرَأَ بِهِ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

۵ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قرائت در روز جمعه پرسیدم که هرگاه خود به تنهایی چهار رکعت نماز را می گزارم، آیا قرائت را بلند بخوانم؟ فرمود: آری.

هم چنین فرمود: در روز جمعه، سوره «جمعه» و «منافقین» را بخوان.

۶ - محمد بن مسلم گوید: از امام (صادق یا امام باقر علیه السلام) پرسیدم: شخصی می خواهد در روز جمعه سوره «جمعه» بخواند، ولی از روی فراموشی و اشتباه سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را می خواند (چه وظیفه ای دارد؟) فرمود: باید به سوره «جمعه» باز گردد.

و هم چنین روایت شده است: آن دو رکعت را به نیت نماز نافله به شمار آورد و تمام نماید، سپس نماز را از سر گیرد.

۷ - عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که نماز ظهر روز جمعه را به غیر سوره «جمعه» و «منافقین» بخواند، باید نماز خود را اعاده کند؛ خواه در سفر باشد یا در حضر. و روایت شده است: در سفر اشکالی ندارد که انسان سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخواند.

(۷۲)

بَابُ الْقُنُوتِ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ وَالدُّعَاءِ فِيهِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 الْقُنُوتُ قُنُوتٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى بَعْدَ الْقِرَاءَةِ تَقُولُ فِي الْقُنُوتِ:
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ اخْتَرْتَهُ لِدِينِكَ وَ خَلَقْتَهُ لِحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ لَا تَزُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ».

بخش هفتاد و دوم

قنوت در نماز جمعه و دعای آن

۱ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

جای قنوت - در نماز جمعه - در رکعت اولی بعد از قرائت است که در آن می‌گویی:
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ اخْتَرْتَهُ لِدِينِكَ وَ خَلَقْتَهُ لِحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ لَا تَزُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ».

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ فِي قُنُوتِ الْجُمُعَةِ: إِذَا كَانَ إِمَامًا قَدَّتْ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى وَإِنْ كَانَ يُصَلِّي أَرْبَعًا فَبِالرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرَّكُوعِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْقُنُوتُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ. فَقَالَ: أَنْتَ رَسُولِي إِلَيْهِمْ فِي هَذَا إِذَا صَلَّيْتُمْ فِي جَمَاعَةٍ فَبِالرَّكْعَةِ الْأُولَى وَإِذَا صَلَّيْتُمْ وَحَدَانَا فَبِالرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرَّكُوعِ.

(۷۳)

بَابُ مَنْ قَاتَتْهُ الْجُمُعَةُ مَعَ الْإِمَامِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّنْ لَمْ يُدْرِكِ الْخُطْبَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

۲ - معاوية بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: در قنوت نماز جمعه اگر به امامت برگزار می شود، باید در رکعت اول قنوت بخواند، و اگر به صورت فرادی نماز را چهار رکعتی به جا می آورد، قنوت در رکعت دوم، پیش از رکوع است.

۳ - عمر بن حنظله گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: قنوت در روز جمعه چگونه است؟ فرمود: تو فرستاده من در بین شیعیان در این خصوص هستی. هر گاه نماز را (در روز جمعه) به جماعت گزار دید، قنوت در رکعت اول است، و اگر به تنهایی خواند، در رکعت دوم پیش از رکوع است.

بخش هفتاد و سوم

کسی که نماز جمعه به صورت جماعت از او فوت شود

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که در روز جمعه به خطبه نماز نمی رسد، پرسیدم.

قَالَ: يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، فَإِنْ فَاتَتْهُ الصَّلَاةُ فَلَمْ يُدْرِكْهَا فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا.
وَقَالَ: إِذَا أَدْرَكَتَ الْإِمَامَ قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ الرَّكَعَةَ الْأَخِيرَةَ فَقَدْ أَدْرَكَتَ الصَّلَاةَ، وَإِنْ
كُنْتَ أَدْرَكَتَهُ بَعْدَ مَا رَكَعَ فِيهِ الظُّهْرُ أَرْبَعٌ.

(۷۴)

بَابُ التَّطَوُّعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ
قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:
الصَّلَاةُ النَّافِلَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سِتُّ رَكَعَاتٍ بُكْرَةً وَ سِتُّ رَكَعَاتٍ صَدَرَ النَّهَارِ
وَرَكَعَتَانِ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى الْفَرِيضَةَ وَ صَلَّى بَعْدَهَا سِتُّ رَكَعَاتٍ.
- ۲ - جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ
عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ مُرَادِ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فرمود: دو رکعت نماز بخواند، و اگر به نماز جمعه هم نرسید، پس چهار رکعت نماز به
جا آورد.

هم چنین فرمود: هرگاه پیش از رکوع رکعت آخر به امام رسیدی، نمازت درست است،
و اگر پس از رکوع رسیدی، این نماز، باید نماز ظهر محسوب شود که چهار رکعت است.

بخش هفتاد و چهارم

نافله روز جمعه

- ۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:
نماز نافله در روز جمعه، شش رکعت در بامداد، شش رکعت در اوّل روز، دو رکعت
هنگام ظهر می باشد. سپس نماز واجب را بخوان و بعد از آن، شش رکعت دیگر به جا آور.
۲ - مراد بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَمَّا أَنَا فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَكَانَتِ الشَّمْسُ مِنَ الْمَشْرِقِ بِمَقْدَارِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فِي وَفْتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ صَلَّيْتُ سِتَّ رَكَعَاتٍ، فَإِذَا انْتَفَحَ النَّهَارُ صَلَّيْتُ سِتًّا، فَإِذَا زَاعَتِ الشَّمْسُ أَوْ زَالَتْ صَلَّيْتُ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ صَلَّيْتُ الظُّهْرَ ثُمَّ صَلَّيْتُ بَعْدَهَا سِتًّا.

۳- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ أَوْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا كُنْتَ شَاكًّا فِي الزَّوَالِ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا اسْتَيْقَنْتَ فَأَبْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ.

(۷۵)

بَابُ نَوَادِرِ الْجُمُعَةِ

۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنَ النَّوَافِلِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ:

هرگاه روز جمعه فرا رسد من به هنگام ارتفاع آفتاب در سمت مشرق به اندازه ارتفاعش در سمت مغرب در وقت نماز عصر، شش رکعت نماز می خوانم و چون روز بلند شود، شش رکعت دیگر به جا می آورم، و هنگامی که آفتاب به سمت مغرب رود، یا از جانب مشرق زایل شود، دو رکعت نماز می گزارم، سپس نماز ظهر را می خوانم و پس از انجام فریضه ظهر، شش رکعت دیگر به جا می آورم.

۳- عبدالله بن عجلان گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: چون در زوال آفتاب شک کردی، دو رکعت نماز (نافله) بخوان و چون یقین به زوال کردی، نماز فریضه را آغاز کن.

بخش هفتاد و پنج

احادیثی نکته دار درباره جمعه

۱- عبدالله بن سنان گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي الْعَظِيمَةَ» سَبْعًا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ فِي اللَّيْلَةِ الْغَرَاءِ وَالْيَوْمِ الْأَزْهَرِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

فَسُئِلَ إِلَى كَمْ الْكَثِيرِ؟

قَالَ: إِلَى مِائَةٍ وَ مَا زَادَتْ فَهُوَ أَفْضَلُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ يُعْبَدُ اللَّهُ بِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

در سجده آخر نافله های بعد از نماز مغرب شب جمعه، هفت بار این دعا را بخوان:
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي الْعَظِيمَةَ».

۲ - قَدَّاحِ گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: در شب نورانی و روز درخشان که همان شب و روز جمعه است، بر من صلوات بسیار بفرستید.

از آن حضرت پرسیدند: چقدر صلوات بفرستیم؟

فرمود: تا صد بار و هر چه بیشتر، بهتر.

۳ - مَفْضَلِ گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در روز جمعه چیزی نیست که خداوند با آن پرستش شود که از صلوات بر محمد و آل محمد در نزد من محبوب تر باشد.

۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا فِي دُبْرِ الْعَصْرِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَ مَحَا عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَ قَضَى لَهُ بِهَا مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ، وَ رَفَعَ لَهُ بِهَا مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ.

۵ - وَ رُوِيَ: أَنَّ مَنْ قَالَهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ عَبْدٍ حَسَنَةً وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَقْبُولًا وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ نُورٌ.

۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

يُسْتَحَبُّ أَنْ تُقْرَأَ فِي دُبْرِ الْعِدَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الرَّحْمَنَ كُلَّهَا ثُمَّ تَقُولَ كُلَّمَا قُلْتَ: ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾: «لَا بِشَيْءٍ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ».

۴ - سهل بن زیاد در روایت مرفوعه ای گوید: حضرتش فرمود:

چون روز جمعه، نماز گزاردی بگو: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

چرا که هر کس بعد از نماز عصر این دعا را بخواند، خداوند برای او صد هزار حسنه می نویسد، صد هزار گناه از نامه اعمال او پاک می نماید، صد هزار حاجت او را روا سازد و صد هزار درجه او را بالا می برد.

۵ - روایت شده است: هر کس این صلوات را هفت بار بخواند، خداوند از هر بنده ای حسنه ای به او باز می گرداند و عمل او در آن روز مقبول و پذیرفته می شود و روز رستاخیز در حالی می آید که از میان دو چشم او نور می تابد.

۶ - حماد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

مستحب است که در روز جمعه پس از نماز صبح سوره «الرحمان» را به طور کامل بخوانی و هر گاه این آیه را خواندی که ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ می گویی: «لا بشيءٍ من آلائك ربُّ أكذب».

۷- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ قَرَأَ الْكَهْفَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ كَانَتْ كَفَّارَةً مَا بَيْنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ.
 قَالَ: وَرَوَى غَيْرُهُ أَيْضاً فَيَمَنْ قَرَأَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ مِثْلَ ذَلِكَ.
 ۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يُبَكِّرُ إِلَى الْمَسْجِدِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَكُونُ الشَّمْسُ قَدَرِ رُمْحٍ، فَإِذَا كَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ يَكُونُ قَبْلَ ذَلِكَ وَكَانَ يَقُولُ:
 إِنَّ لِجُمْعِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى جُمْعِ سَائِرِ الشُّهُورِ فَضْلاً كَفَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ.

۷- محمد بن ابی حمزه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در هر شب جمعه سوره «کهف» را بخواند، کفاره گناهان او تا جمعه دیگر خواهد بود.

راوی گوید: هم چنین دیگری روایت کرده است:

هر کس در روز جمعه، بعد از نماز ظهر و عصر، سوره «کهف» را بخواند، همان ثواب را خواهد داشت.

۸- جابر گوید: امام باقر عليه السلام همواره بامداد روز جمعه، آن گاه که شاخص آفتاب به اندازه نيزه ای می رسيد، زود به مسجد می رفت و چون ماه رمضان می شد، پیش از آن وقت می آمد و می فرمود:

همانا جمعه های ماه رمضان بر جمعه های ماه های دیگر همانند ماه رمضان بر ماه های دیگر فضیلت و برتری دارد.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي رَجُلٍ أَذْرَكَ الْجُمُعَةَ وَقَدْ أَزْدَحَمَ النَّاسُ فَكَبَّرَ مَعَ الْإِمَامِ وَ رَكَعَ وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى السُّجُودِ وَ قَامَ الْإِمَامُ وَ النَّاسُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ وَ قَامَ هَذَا مَعَهُمْ فَرَكَعَ الْإِمَامُ وَ لَمْ يَقْدِرْ هَذَا عَلَى الرَّكُوعِ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الزُّحَامِ وَ قَدَرَ عَلَى السُّجُودِ كَيْفَ يَصْنَعُ .

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَمَا الرَّكْعَةُ الْأُولَى فَهِيَ إِلَى عِنْدِ الرَّكُوعِ تَامَةٌ، فَلَمَّا لَمْ يَسْجُدْ لَهَا حَتَّى دَخَلَ فِي الثَّانِيَةِ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ فَلَمَّا سَجَدَ فِي الثَّانِيَةِ إِنْ كَانَ نَوَى هَذِهِ السَّجْدَةَ الَّتِي هِيَ الرَّكْعَةُ الْأُولَى فَقَدْ تَمَّتْ لَهُ الْأُولَى، وَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَامَ فَصَلَّى رَكْعَةً ثُمَّ يَسْجُدُ فِيهَا ثُمَّ يَتَشَهُدُ وَ يُسَلِّمُ وَإِنْ كَانَ لَمْ يَنْوِ أَنْ تَكُونَ تِلْكَ السَّجْدَةُ لِلرَّكْعَةِ الْأُولَى لَمْ تُجْزِ عَنْهُ الْأُولَى وَ لَا الثَّانِيَةَ.

۹- حفص بن غیاث گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که درباره شخصی که نماز جمعه را با مردم بسیار انبوه درک می کند و او با امام تکبیر می گوید و به رکوع می رود، ولی به جهت ازدحام نتواند به سجده رود، و امام و مأمومین برخیزند و مشغول رکعت دوم نماز شوند و او نیز با آنان بایستند، سپس امام به رکوع رکعت دوم رود و این شخص به سبب ازدحام و انبوهی نمازگزاران نتواند به رکوع رود، ولی بتواند به سجده رود که در این صورت باید چه کند؟
فرمود: رکعت اول این شخص تا رکوع تمام بوده است و چون در رکعت اول به سجده نرفته، آن رکعت از نمازش ناقص مانده و تمام نشده است و هنگامی که به رکوع دوم امام رسیده و آن را به جا نیاورده، آن رکعت نیز تمام نیست. حال وقتی در رکعت دوم، سجده را به جا می آورد، اگر این سجده را برای رکعت اول قصد کند، یک رکعت از نمازش تمام می شود. در این صورت هنگامی که امام، نماز را سلام می دهد، او برمی خیزد و یک رکعت نماز می گزارد و سجده و تشهد را به جا می آورد و سلام می دهد، و اگر آن سجده را قصد کند و نیت رکعت اول نکند، نه رکعت اول او درست و تمام است و نه رکعت دوم او.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَزْعُمُ بَعْضُ النَّاسِ أَنَّ النُّورَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَكْرُوهَةٌ. فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبَ، أَيُّ طَهُورٍ أَطْهَرَ مِنَ النُّورَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؟

أَبْوَابُ السَّفَرِ

(۷۶)

بَابُ وَقْتِ الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ وَ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِنْدَ الزَّوَالِ فَقُلْتُ: يَا أَبِي وَأُمِّي! وَقْتُ الْعَصْرِ؟ فَقَالَ: وَقْتُ مَا تَسْتَقِيلُ إِيَّاكَ. فَقُلْتُ: إِذَا كُنْتُ فِي غَيْرِ سَفَرٍ؟ فَقَالَ: عَلَى أَقَلِّ مِنْ قَدَمِ ثُلْثِي قَدَمٍ وَقْتُ الْعَصْرِ.

۱۰ - احمد بن محمد در روایت مرفوعه ای گوید: به امام صادق عليه السلام گفتند: بعضی از مردم گمان می کنند که استفاده از نوره در روز جمعه مکروه است. فرمود: چنین نیست، کدام پاک کننده ای در روز جمعه پاک کننده تر از نوره است؟!

بخش های مربوط به احکام نماز در سفر

بخش هفتاد و ششم

وقت نماز در سفر و حکم جمع بین دو نماز

۱ - صفوان جمالی گوید: هنگام زوال، پشت سر امام صادق عليه السلام نماز خواندم و عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت! وقت نماز عصر چه وقتی است؟ فرمود: وقتی که شترهای خود را از چراگاه به منزل می آوری. عرض کردم: اگر در غیر سفر باشم چه؟ فرمود: یک قدم کمتر از دو سوم قدم وقت نماز عصر.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مِسْمَعِ أَبِي سَيَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي السَّفَرِ.

فَقَالَ: عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَ ذَلِكَ وَقْتُهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ السَّفَرِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ أَوْ عَجَلَتْ بِهِ حَاجَةٌ يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ.
قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تُعَجَّلَ عِشَاءَ الْآخِرَةِ فِي السَّفَرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيبَ الشَّفَقُ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مُتَرَفِّقِينَ فِيهِمْ مَيْسِرٌ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ فَارْتَحَلْنَا وَ نَحْنُ نَشُكُّ فِي الزَّوَالِ.

۲ - مسموع ابو سیار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره وقت نماز ظهر روز جمعه در سفر سؤال کردم.

فرمود: هنگام زوال آفتاب و همان، وقت نماز ظهر روز جمعه، در غیر سفر است.

۳ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: همواره رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن گاه که در سفر بود، یا کاری ضروری داشت، نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را یکجا می خواند.
هم چنین فرمود: اشکالی ندارد که در سفر، نماز عشا را پیش از فرو رفتن سرخی مغرب به جا آوری.

۴ - عبید بن زراره گوید: با چند تن از دوستان هم سفر بودم - که از جمله آنان میسر بود - بین مکه و مدینه بودیم که در زوال آفتاب شک کردیم.

فَقَالَ بَعْضُنَا لِبَعْضٍ: فَاْمَشُوا بِنَا قَلِيلاً حَتَّى نَتَيَقَّنَ الزَّوَالَ ثُمَّ نُصَلِّيْ. فَفَعَلْنَا فَمَا مَشَيْنَا إِلَّا قَلِيلاً حَتَّى عَرَضَ لَنَا قِطَارٌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: أَتَى الْقِطَارُ.

فَرَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ، فَقُلْتُ لَهُ: صَلَّيْتُمْ؟ فَقَالَ لِي: أَمَرْنَا جَدِّي فَصَلَّيْنَا الظُّهْرَ وَالعَصْرَ جَمِيعاً، ثُمَّ ازْتَحَلْنَا فَذَهَبْتُ إِلَى أَصْحَابِي فَأَعْلَمْتُهُمْ ذَلِكَ.

۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام. وَقْتُ الْمَغْرِبِ فِي السَّفَرِ إِلَى ثُلْثِ اللَّيْلِ. وَرُوي أَيْضاً: إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ.

بعضی گفتند: اندکی راه برویم تا به زوال یقین کنیم، سپس نماز خود را بخوانیم. همین کار را کردیم، مقدار کمی راه رفتیم و به قافله امام صادق عليه السلام رسیدیم. با خود گفتم: نزد آن حضرت بروم که ناگاه محمد بن اسماعیل را دیدم. به او گفتم: آیا شما نماز خوانده‌اید؟

گفت: جدم (امام صادق عليه السلام) به ما امر فرموده که نماز ظهر و عصر را با هم به جا آوریم. ما سپس کوچ کردیم. من نزد یاران خویش رفتم و آن سخن را به آنان باز گفتم.

۵ - عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت نماز مغرب در سفر تا یک سوم از شب است.

روایت شده است: تا نصف شب نیز می‌توان خواند.

(۷۷)

بَابُ حَدِّ الْمَسِيرِ الَّذِي تُقْصَرُ فِيهِ الصَّلَاةُ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- التَّقْصِيرُ فِي بَرِيدٍ وَ الْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِيخَ.
- ۲ - وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْنَى مَا يَقْصَرُ فِيهِ الْمُسَافِرُ؟
- فَقَالَ: بَرِيدٌ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ وَ أَبِي عِنْدَ وَالِّ لِبَنِي أُمِّيَّةَ عَلَى الْمَدِينَةِ إِذْ جَاءَ أَبِي فَجَلَسَ ، فَقَالَ:

بخش هفتاد و هفتم**مقدار مسافتی که نماز در آن قصر می شود**

- ۱ - زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نماز در مسافت یک برید قصر است و برید چهار فرسخ است.
- ۲ - ابو ایوب گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: کمترین مسافتی که مسافر نماز را در آن قصر می خواند، چه مقدار است؟
- فرمود: یک برید.
- ۳ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- (با جمعی) نشسته بودیم و پدرم (امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ) نزد حاکم أموی مدینه بود، ناگاه پدرم آمد و نشست. آن گاه فرمود:

كُنْتُ عِنْدَ هَذَا قَبِيلُ فَسَأَلَهُمْ عَنِ التَّقْصِيرِ .
 فَقَالَ: قَائِلٌ مِنْهُمْ فِي ثَلَاثٍ وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ: يَوْمٌ وَ لَيْلَةٌ، وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ:
 رَوْحَةٌ .

فَسَأَلَنِي فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالتَّقْصِيرِ .
 قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: فِي كَمْ ذَاكَ؟
 فَقَالَ: فِي بَرِيدٍ .

قَالَ: وَ أَيُّ شَيْءٍ الْبَرِيدُ؟
 قَالَ: مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فِيءٍ وَ عَيْرٍ .
 قَالَ: ثُمَّ عَيْرُنَا زَمَانًا ثُمَّ رُؤْيُ بَنُو أُمَيَّةٍ يَعْمَلُونَ أَعْلَامًا عَلَى الطَّرِيقِ وَ أَنَّهُمْ ذَكَرُوا
 مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَرَعُوا مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فِيءٍ وَ عَيْرٌ ثُمَّ جَزَّوهُ إِلَى اثْنَيْ
 عَشَرَ مِيلاً، فَكَانَ ثَلَاثَةَ آلَافٍ وَ خَمْسَمِائَةَ ذِرَاعٍ كُلُّ مِيلٍ، فَوَضَعُوا الْأَعْلَامَ فَلَمَّا
 ظَهَرَ بَنُو هَاشِمٍ غَيَّرُوا أَمْرَ بَنِي أُمَيَّةَ غَيْرَةً، لِأَنَّ الْحَدِيثَ هَاشِمِيٌّ فَوَضَعُوا إِلَى جَنْبِ
 كُلِّ عِلْمٍ عِلْمًا .

لحظاتی پیش نزد این حاکم بودم (و او از فقها) درباره حد قصر نماز سؤال کرد.
 یکی از آنها گفت: سه شب (سیر کردن) موجب قصر نماز است.
 دیگری گفت: یک شبانه روز.
 دیگری گفت: بعد از زوال تا هنگام شب.

وقتی حاکم از من پرسید، به او گفتم: هنگامی که جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا ﷺ نازل شد
 و حکم قصر نماز را آورد، پیامبر ﷺ به او فرمود: در چه مسافتی باید نماز را قصر خواند؟
 عرض کرد: فاصله میان سایه کوه عیر تا سایه کوه و عیر.
 امام صادق علیه السلام فرمود: سپس زمانی گذشت تا این که بنی امیه مصلحت دیدند که بر سر
 راه مکه علم‌هایی نصب کنند و آن چه را که امام باقر علیه السلام فرموده بود، به یاد آورند و این
 فاصله میان سایه کوه عیر تا سایه کوه و عیر را اندازه‌گیری کردند و آن را به دوازده میل بخش
 و علامت‌گذاری نمودند که هر میل معادل سه هزار و پانصد ذراع بود، و نشانه‌هایی
 گذاردند، و هنگامی که بنی هاشم (بنی عباس) غالب شدند، کارهای بنی امیه را به جهت
 رشک تغییر دادند، چرا که این حدیث (مقدار مسافت در قصر شدن نماز) هاشمی است.
 پس در کنار هر علم و نشانه‌ای از آنها، علم و نشانه‌ای گذاردند.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنْ حَدِّ الْأَمْثَالِ الَّتِي يَجِبُ فِيهَا التَّقْصِيرُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله جَعَلَ حَدَّ الْأَمْثَالِ مِنْ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى ظِلِّ وَعَيْرٍ وَهُمَا جَبَلَانِ بِالْمَدِينَةِ، فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَقَعَ ظِلُّ عَيْرٍ إِلَى ظِلِّ وَعَيْرٍ وَهُوَ الْمَيْلُ الَّذِي وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَيْهِ التَّقْصِيرَ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِيِّ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْمٍ خَرَجُوا فِي سَفَرٍ فَلَمَّا انْتَهَوْا إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ فِيهِ التَّقْصِيرُ قَصَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَمَّا صَارُوا عَلَى فَرَسَخَيْنِ أَوْ عَلَى ثَلَاثَةِ فَرَسَخٍ أَوْ أَرْبَعَةٍ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ رَجُلٌ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمْ سَفَرُهُمْ إِلَّا بِهِ فَأَقَامُوا يَنْتَظِرُونَ مَجِيئَهُ إِلَيْهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمْ السَّفَرُ إِلَّا بِمَجِيئِهِ إِلَيْهِمْ، فَأَقَامُوا عَلَى ذَلِكَ أَيَّامًا لَا يَذُرُونَ هَلْ يَمْضُونَ فِي سَفَرِهِمْ أَوْ يَنْصَرِفُونَ هَلْ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُتِمُّوا الصَّلَاةَ أَوْ يُقِيمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ؟

۴ - راوی گوید: از امام صادق عليه السلام از حدّ و اندازه میل‌هایی که در آن قصر شدن نماز واجب می‌شود، سؤال کردند.

فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله حدّ میل‌ها را از سایه کوه عَیْر تا سایه کوه وَعَیْر - که دو کوه در مدینه‌اند - قرار داد و چون خورشید طلوع کند، سایه عَیْر بر زمین می‌افتد تا آن وقتی که سایه وَعَیْر بر زمین می‌افتد و این همان میلی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله قصر شدن نماز را بر آن بنا گذاشت، (که چهار فرسخ می‌شود).

۵ - اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: گروهی عازم مسافرت شدند و چون به جایی رسیدند که نماز قصر بر آنان واجب می‌شود، نماز را شکسته خواندند و چون به دو - یا سه و یا چهار - فرسخی رسیدند، یکی از آنان از رفتن منصرف شد و بازگشت و سفر آن‌ها نیز جز با آمدن او صورت نمی‌پذیرد. مدتی ماندند و انتظار آمدن او را کشیدند؛ زیرا سفرشان بدون آمدن او ممکن نبود. چند روزی ماندند و نمی‌دانستند که آیا سفر خود را ادامه می‌دهند، یا باز می‌گردند. آیا برای آنان سزاوار است که نماز خود را تمام بخوانند، یا این که باید همچنان نمازشان را قصر بخوانند؟

قَالَ: إِنْ كَانُوا بَلَغُوا مَسِيرَةَ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ فَلْيُتَيَّمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ أَقَامُوا أَمْ أَنْصَرَفُوا، وَإِنْ كَانُوا سَارُوا أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ فَلْيُتَيَّمُوا الصَّلَاةَ أَقَامُوا أَوْ أَنْصَرَفُوا، فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصُرُوا.

(۷۸)

بَابُ مَنْ يُرِيدُ السَّفَرَ أَوْ يَقْدُمُ مِنْ سَفَرٍ مَتَى يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ أَوْ التَّمَامُ؟

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ مَتَى يُقْصَرُ؟

قَالَ: إِذَا تَوَارَى مِنَ الْبَيْتِ.

قَالَ: قُلْتُ: الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ فَيَخْرُجُ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ.

قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ.

وَ رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ فَصَالَه عَنِ الْعَلَاءِ مِثْلَهُ

فرمود: نمازشان را همچنان قصر بخوانند چه منتظر بمانند و چه باز گردند، و اگر به کمتر از چهار فرسخ رسیده‌اند، نماز را تمام بخوانند، خواه منتظر بمانند و خواه باز گردند. ولی اگر بخوانند سفر خود را ادامه دهند، باید نماز را قصر بخوانند.

بخش هفتاد و هشتم

کسی که می‌خواهد سفر کند، یا از سفر باز می‌گردد چه هنگامی باید نماز را شکسته یا تمام بخواند؟

۱- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که می‌خواهد مسافرت کند از چه زمانی باید نماز را قصر بخواند؟

فرمود: آن‌گاه که خانه‌ها پنهان شوند.

راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: هر گاه کسی اراده سفر کند و بعد از زوال

خورشید، از خانه بیرون رود وظیفه او چیست؟

فرمود: هر گاه به قصد سفر بیرون رفتی، نماز را دو رکعت بخوان.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَأَنْتَ فِي الْمِصْرِ وَأَنْتَ تُرِيدُ السَّفَرَ فَأْتِمَّ، فَإِذَا خَرَجْتَ بَعْدَ الزَّوَالِ فَصِرِ الْعَصْرَ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَتَّى أَتَيْنَا الشَّجْرَةَ.

فَقَالَ: لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا نَبَالَ!

قُلْتُ: لَبَّيْكَ.

قَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَجِبْ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ هَذَا الْعَسْكَرِ أَنْ يُصَلِّيَ أَرْبَعًا غَيْرِي وَغَيْرِكَ، وَذَلِكَ أَنَّهُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ نَخْرُجَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مِنْ سَفَرِهِ وَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ.

قَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا خَرَجَ إِلَى سَفَرٍ وَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا.

۲ - حسن بن علی و شَاء گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هر گاه زوال آفتاب شود و تو در شهر خود هستی و اراده سفر داری، نماز خود را تمام بخوان، و هر گاه بعد از زوال آفتاب خارج شدی، نماز عصر را شکسته بخوان.

۳ - بشیر نبال گوید: با امام صادق عليه السلام حرکت کردیم تا این که تا به مسجد شجره رسیدیم. آن حضرت به من فرمود: ای نبال!

عرض کردم: لبیک.

فرمود: بر هیچ کدام از اهل این قافله نماز چهار رکعتی و تمام واجب نیست، مگر بر من و تو و این بدین خاطر است که پیش از آن که ما خارج شویم، وقت نماز داخل شده بود.

۴ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که از سفر باز می گردد

و وقت نماز فرا رسیده است، چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: باید نماز را دو رکعت بخواند، و اگر اراده سفر دارد و وقت نماز نیز فرارسیده،

باید نماز را چهار رکعت بخواند.

۵ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مُسَافِراً ثُمَّ يَقْدَمُ فَيَدْخُلُ بُيُوتَ الْكُوفَةِ أَيَّتِمُّ الصَّلَاةَ أَمْ يَكُونُ مُقْصِراً حَتَّى يَدْخُلَ أَهْلَهُ؟
قَالَ: بَلَى يَكُونُ مُقْصِراً حَتَّى يَدْخُلَ أَهْلَهُ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ صَلَّى وَ هُوَ مُسَافِرٌ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ؟
قَالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ فَلْيُعِدْ، وَإِنْ كَانَ الْوَقْتُ قَدْ مَضَى فَلَا.
۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ فَأَتَمَّ صَلَاةً مِنْ صَلَاةِ السَّفَرِ فَذَكَرَهَا فِي الْحَضَرِ.
قَالَ: يَفْضِي مَا فَاتَهُ كَمَا فَاتَهُ إِنْ كَانَتْ صَلَاةُ السَّفَرِ أَذَاهَا فِي الْحَضَرِ مِثْلَهَا، وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْحَضَرِ فَلْيَفْضِ فِي السَّفَرِ صَلَاةَ الْحَضَرِ كَمَا فَاتَتْهُ.

۵ - اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: هر گاه مسافری از سفر بیاید و داخل در محدوده خانه‌های کوفه شود، آیا باید نماز را تمام بخواند، یا هم چنان شکسته بخواند تا داخل خانه یا محله خویش شود؟

فرمود: البته باید نماز را شکسته بخواند تا زمانی که به خانه خود وارد شود.

۶ - عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در سفر، نماز را چهار رکعت خوانده است (اینک چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: اگر وقت داشته باشد، باید آن را اعاده کند، اما اگر وقت گذشته باشد، اعاده لازم نیست.

۷ - زراره گوید: به امام عليه السلام گفتم: شخصی در سفر، نماز دو رکعتی از او فوت می‌شود و در حضر یادش می‌آید (وظیفه او چیست)

فرمود: باید آن چه از او فوت شده، همان طوری که فوت شده، قضا کند، یعنی در حضر نماز فوت شده در سفر را شکسته ادا کند و در سفر نماز فوت شده در حضر را تمام به جا آورد.

۸- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَظْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ فِي سَفَرٍ ثُمَّ تَبَدُّو لَهُ الْإِقَامَةَ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ. قَالَ: يُتِمُّ إِذَا بَدَتْ لَهُ الْإِقَامَةُ.

(۷۹)

بَابُ الْمُسَافِرِ يَقْدُمُ الْبَلَدَةَ كَمَا يُقْصِرُ الصَّلَاةَ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ مَنْ قَدِمَ بَلَدَةً إِلَى مَتَى يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَكُونَ مُقْصِراً وَ مَتَى يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُتِمَّ؟ قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ أَرْضاً فَأَيُّقَنْتَ أَنَّ لَكَ بِهَا مَقَاماً عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَاتِمَّ الصَّلَاةَ، وَإِنْ لَمْ تَدْرِ مَا مَقَامُكَ بِهَا تَقُولُ: عَدَاً أَخْرَجُ، أَوْ بَعْدَ عَدٍ، فَقْصِرْ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَنْ يَمْضِيَ شَهْرٌ، فَإِذَا نَمَّ لَكَ شَهْرٌ فَاتِمَّ الصَّلَاةَ، وَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ سَاعَتِكَ.

۸- علی بن یقطین گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که به سفر رفته در اثنای نماز پیشامد می‌کند که توقف و اقامت نماید؟ فرمود: نماز را تمام می‌خواند.

بخش هفتاد و نهم

مسافری که به شهری می‌آید تا چند روز باید نماز را شکسته بخواند؟

۱- زراره گوید: امام باقر عليه السلام عرض کردم: بفرمایید کسی که به شهری وارد می‌شود تا چه زمانی شایسته است که نماز خود را قصر و تا چه زمانی تمام بخواند؟ فرمود: هرگاه وارد سرزمینی شدی و یقین داشتی که ده روز می‌مانی، نماز خود را تمام به جای آور. اما اگر نمی‌دانی که چند روز می‌مانی و می‌گویی که فردا می‌روم یا پس فردا، در چنین حالی تا یک ماه که چنین وضعی داری، نماز خود را شکسته بخوان، و چون یک ماه سپری شد، اگر چه یک ساعت دیگر خارج شوی، باید نماز را تمام بخوانی.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ بِالْبَصْرَةِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ لَهُ بِهَا دَارٌ وَ مَنْزِلٌ فَيَمُرُّ بِالْكُوفَةِ وَإِنَّمَا هُوَ مُجْتَازٌ لَا يُرِيدُ الْمَقَامَ إِلَّا بِقَدْرِ مَا يَتَجَهَّزُ يَوْمًا أَوْ يَوْمَيْنِ.

قَالَ: يُقِيمُ فِي جَانِبِ الْمِصْرِ وَيَقْصُرُ.

قُلْتُ: فَإِنْ دَخَلَ أَهْلَهُ.

قَالَ: عَلَيْهِ التَّمَامُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا أَسْمَعُ عَنِ الْمُسَافِرِ إِنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِإِقَامَةِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ. قَالَ: فَلَيْتِمَ الصَّلَاةَ وَإِنْ لَمْ يَدْرِ مَا يُقِيمُ يَوْمًا أَوْ أَكْثَرَ فَلْيَعُدَّ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، ثُمَّ لَيْتِمَ وَإِنْ كَانَ أَقَامَ يَوْمًا أَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً.

۲- عبدالله بن بکیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: یکی از مردم کوفه در بصره ساکن است، وی در آن جا خانه و منزلی دارد، او از کوفه می گذرد و رهگذر است و نمی خواهد که در کوفه بماند و فقط برای تهیه لوازم، یک - یا دو- روز می ماند، نماز خود را چگونه باید بخواند؟

فرمود: در گوشه ای از شهر می ماند و نماز را شکسته می خواند.

عرض کردم: اگر داخل خانه خویش گردد چه؟

فرمود: نماز را تمام بخواند.

۳- ابو ایوب گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که محمد بن مسلم از حضرتش درباره مسافری که در قصد خود اراده ماندن ده روز را داشته باشد، پرسید.

حضرت فرمود: باید نماز را تمام بخواند، اما اگر نمی داند که چند روز می ماند، یک روز یا بیشتر تا سی روز بشمارد (و نماز خود را شکسته بخواند) و پس از آن، اگر چه یک روز و یا به اندازه یک نماز بماند، باید نماز را تمام به جا آورد.

فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ قُلْتَ: حَمْسًا.
فَقَالَ: قَدْ قُلْتُ ذَاكَ.
قَالَ أَبُو أَيُّوبَ: فَقُلْتُ أَنَا: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَكُونُ أَقَلَّ مِنْ حَمْسٍ.
فَقَالَ: لَا.

(۸۰)

بَابُ صَلَاةِ الْمَلَّاحِينَ وَالْمُكَارِبِينَ وَأَصْحَابِ الصَّيْدِ وَالرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى ضَيْعَتِهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ
حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
أَرْبَعَةٌ قَدْ يَجِبُ عَلَيْهِمُ التَّمَامُ فِي السَّفَرِ كَانُوا أَوْ الْحَضَرِ، الْمُكَارِبِيُّ وَالْكَرِيُّ
وَالرَّاعِي وَالْإِسْتِقَانُ، لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ.

محمد بن مسلم عرض کرد: به من خبر رسیده که شما فرموده‌اید: پنج روز؟
فرمود: آن را نیز گفته‌ام.
ابو ایوب گوید: عرض کردم: قربانت گردم! آیا در کمتر از پنج روز هم قصد اقامه محقق
می‌شود؟
فرمود: نه.

بخش هشتماد

**نماز ناخدايان، چهارپاداران، شکارچيان و کسی که برای سرکشی
املاک و مزرعه‌های خود می‌رود**

۱ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
چهار گروه هستند که بر آنان واجب است در سفر و حضر نماز را تمام بخوانند که
عبارتند از: کسی که چارپایان خود را کرایه می‌دهد، کسی که خود را اجیر دیگری می‌سازد
که پیامی به جایی ببرد، چوپان و پیک؛ زیرا سفر، کار و حرفه آنان است.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الْمَلَّاحِينَ فِي سَفِيَّتِهِمْ تَقْصِيرٌ وَلَا عَلَى الْمُكَارِي وَالْجَمَّالِ.
وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: الْمُكَارِي إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ فَلْيَقْصُرْ.
قَالَ: وَ مَعْنَى: «جَدَّ بِهِ السَّيْرُ» يَجْعَلُ مَنْزِلَيْنِ مَنْزِلًا.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى ضَيْعَتِهِ وَ يُقِيمُ الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ وَ الثَّلَاثَةَ أَيَقْصُرُ أَمْ يُتِمُّ؟

قَالَ: يُتِمُّ الصَّلَاةَ كُلَّمَا أَتَى ضَيْعَةً مِنْ ضَيْعَاةِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَصَيَّدُ الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ وَ الثَّلَاثَةَ أَيَقْصُرُ الصَّلَاةَ؟

۲ - محمد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

ناخدا و خدمه کشتی که در کشتی خود در حال حرکت هستند، نباید نماز را قصر بخوانند، هم چنین است حکم چارپادار و شتریان.

در روایت دیگری آمده است: اگر چارپادار در رفتن شتاب کند، باید نماز را شکسته بخواند. فرمود: معنای «با شتاب رفتن» این است که دو منزل را به مسافت یک منزل حرکت کند.

۳ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: کسی که برای سرکشی املاک و مزرعه‌های خود می‌رود و یک - یا دو و یا سه - روز در آن جا می‌ماند، آیا نماز خود را باید شکسته بخواند؟

فرمود: هرگاه به ملکی از املاک و یا به مزرعه‌ای از مزرعه‌های خود برود، باید نماز را تمام به جا آورد.

۴ - ابن بکیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی که یک - یا دو و یا سه - روز برای شکار می‌رود، آیا نمازش را شکسته بخواند؟

قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ أَخَاهُ فِي الدِّينِ وَإِنَّ التَّصِيدَ مَسِيرٌ بَاطِلٌ لَا تُقْصَرُ الصَّلَاةُ فِيهِ.

وَقَالَ: يُقْصَرُ إِذَا شَيَّعَ أَخَاهُ.

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ مِثْلَهُ.

۵- عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْأَعْرَابُ لَا يُقْصَرُونَ، وَذَلِكَ أَنَّ مَنَازِلَهُمْ مَعَهُمْ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الضِّيَاعُ بَعْضُهَا قَرِيبٌ مِنْ بَعْضٍ يَخْرُجُ فَيَقِيمُ فِيهَا يَتِيمٌ أَوْ يُقْصَرُ؟ قَالَ: يَتِيمٌ.

فرمود: نه، مگر آن که برادر دینی خود را مشایعت و بدرقه کند؛ زیرا رفتن به شکار مسیر باطلی است که نماز در آن قصر نمی شود.

هم چنین فرمود: هرگاه انسان برادر دینی خود را مشایعت کند، باید نماز را قصر به جا آورد.

۵- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بادیه نشینان نباید نماز را شکسته بخوانند؛ برای این که خانه هایشان با آنان است.

۶- عبدالرحمان بن حججاج گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: شخصی دارای املاک و مزرعه هایی است که نزدیک یکدیگر هستند و بدان جا می رود و می ماند. آیا باید نماز را تمام بخواند؟

فرمود: باید تمام بخواند.

- ۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ﴾.
 قَالَ: الْبَاغِي؛ بَاغِي الصَّيْدِ وَالْعَادِي؛ السَّارِقُ لَيْسَ لَهُمَا أَنْ يَأْكُلَا الْمَيْتَةَ إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهَا، هِيَ حَرَامٌ عَلَيْهِمَا لَيْسَ هِيَ عَلَيْهِمَا كَمَا هِيَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَ لَيْسَ لَهُمَا أَنْ يُقْصِرَا فِي الصَّلَاةِ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى الصَّيْدِ أَيَقْصِرُ أَمْ يُتِمُّ؟
 قَالَ: يُتِمُّ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بِمَسِيرٍ حَقٍّ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَلَا حِينَ وَالْأَعْرَابِ هَلْ عَلَيْهِمْ تَقْصِيرٌ؟
 قَالَ: لَا، بِيُونُثُهُمْ مَعَهُمْ.

- ۷- حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند تعالى که می فرماید: «هر که ناگزیر شد بی آن ستمگر و تجاوزگر باشد» فرمود:
 مراد از ستمگر، کسی است که برای تفریح - نه برای کسب معاش - به شکار می رود، و مراد از تجاوزگر، دزد است، که این دو اگر چه مضطرّ و ناچار شوند، خوردن گوشت میته برای آن‌ها حرام است، و حلیّت گوشت میته همچون دیگر مسلمانان، شامل این دو نمی شود، و هم چنین نمی توانند نماز خود را شکسته بخوانند.
- ۸- عبید بن زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که به شکار می رود آیا نماز خود را شکسته یا تمام بخواند؟
 فرمود: تمام بخواند. بدین دلیل که رفتن به شکار مسیر حق نیست.
- ۹- اسحاق بن عمّار گوید: از امام عليه السلام در مورد ناخدایان و بادیه نشینان پرسیدم که آیا نمازشان باید شکسته باشد؟
 فرمود: نه، برای این که خانه هایشان، همراه آن‌ها است.

۱۰ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ الْقُمِّيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَخْرُجُ إِلَى الصَّيْدِ مَسِيرَةَ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ يُقَصِّرُ أَوْ يُتِمُّ؟ فَقَالَ: إِنْ خَرَجَ لِقَوْتِهِ وَ قُوتِ عِيَالِهِ فَلْيُفِطِرْ وَ لْيَقَصِّرْ، وَإِنْ خَرَجَ لِطَلَبِ الْفُضُولِ فَلَا وَ لَا كَرَامَةَ.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَزْكَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنْ لِي جِمَالًا وَ لِي قَوَّامٌ عَلَيْهَا وَ قَدْ أَخْرَجُ فِيهَا إِلَى طَرِيقِ مَكَّةَ لِرَغْبَةٍ فِي الْحَجِّ، أَوْ فِي النَّدْرَةِ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاضِعِ، فَهَلْ يَجِبُ عَلَيَّ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ؟ فَوَقَعَ عليه السلام: إِنْ كُنْتَ لَا تَلْزِمُهَا وَ لَا تَخْرُجُ مَعَهَا فِي كُلِّ سَفَرٍ إِلَّا إِلَى مَكَّةَ، فَعَلَيْكَ تَقْصِيرٌ وَ فُطُورٌ.

۱۰ - یکی از اصحاب ما گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کسی که یک - یا دو - روز راه به شکار می‌رود، آیا نمازش را باید شکسته بخواند؟

فرمود: اگر برای به دست آوردن غذای خود و خانواده‌اش به شکار رفته، باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند، اما اگر برای چیزی افزون بر این به شکار رفته، نمازش تمام است و خیری در آن نیست.

۱۱ - محمد بن جزک گوید: به آن حضرت (امام هادی عليه السلام) طی نامه‌ای نوشتم: قربانت گردم! مرا شترانی است و شتردارانی دارم که همراه شترانند و گاهی با شتران به سفر مکه می‌روم به خاطر رغبت و میل فراوانی که به حج دارم و گاهی نیز به مکان‌های دیگر می‌روم. آیا نماز را باید قصر بخوانم و روزه را باید افطار نمایم؟

امام عليه السلام نوشت: اگر تو در همه سفرها همراه آن‌ها نیستی و با آن‌ها بیرون نمی‌روی مگر در سفر مکه، باید نماز را شکسته بخوانی و روزه را نیز افطار کنی.

(۸۱)

بَابُ الْمُسَافِرِ يَدْخُلُ فِي صَلَاةِ الْمُقِيمِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُسَافِرِ يُصَلِّي خَلْفَ الْمُقِيمِ. قَالَ: يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ يَمْضِي حَيْثُ شَاءَ.
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُسَافِرِ يُصَلِّي مَعَ الْإِمَامِ فَيَدْرِكُ مِنَ الصَّلَاةِ رَكَعَتَيْنِ أَوْ يُجْزِي ذَلِكَ عَنْهُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ.

بخش هشتاد و یکم**مسافری که در نماز به شخص غیر مسافر اقتدا می کند**

- ۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مسافری که پشت سر شخص مقیم نماز می خواند، فرمود:
دو رکعت نماز می خواند، سپس می تواند هر جا که خواست برود.
- ۲ - عمر بن یزید گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مسافری در نماز جماعت شرکت می کند، آیا وقتی امام جماعتی به دو رکعت از نماز می رسد، برای او کفایت می کند؟ فرمود: آری.

(۸۲)

بَابُ التَّطَوُّعِ فِي السَّفَرِ

- ۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ. قَالَ: رَكَعَتَيْنِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا أَنَّهُ يَنْبَغِي لِلْمُسَافِرِ أَنْ يُصَلِّيَ بَعْدَ الْمَغْرَبِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ لِيَتَطَوَّعَ بِاللَّيْلِ مَا شَاءَ إِنْ كَانَ نَازِلًا، وَ إِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيُصَلِّ عَلَى دَابَّتِهِ وَ هُوَ رَاكِبٌ وَ لَتَكُنْ صَلَاتُهُ إِيمَاءً وَ لِيَكُنْ رَأْسُهُ حَيْثُ يُرِيدُ السُّجُودَ أَحْفَظَ مِنْ رُكُوعِهِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرَبِ لَا تَدْعُهُنَّ فِي حَضَرٍ وَ لَا سَفَرٍ.

بخش هشتاد و دوم**نماز نافله در سفر**

- ۱ - سماعه گوید: از امام عليه السلام در مورد نماز در سفر پرسیدم. فرمود: دو رکعت است و پیش از آن دو رکعت و بعد از آن چیزی (از نافله) نیست، ولی برای مسافر شایسته است که پس از نماز مغرب چهار رکعت نماز به جا آورد و چون در منزلی (در میان راه) فرود آمد، هر قدر که بخواهد در شب می تواند نافله بخواند، و اگر سوار بر مرکب باشد، در حالت سواره نماز بخواند و نماز او باید به صورت اشاره باشد و هنگامی که به سجده می رود، سر او پایین تر از هنگام رکوع باشد.
- ۲ - حارث بن مغیره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: چهار رکعت نماز پس از مغرب است که در هیچ حال - چه در حضر و چه در سفر - نباید ترک شوند.

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
- الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رَكْعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا الْمَغْرِبَ، فَإِنَّ بَعْدَهَا أَرْبَعَ رَكْعَاتٍ لَا تَدْعُهُنَّ فِي حَضْرٍ وَلَا سَفَرٍ، وَ لَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَاةِ النَّهَارِ، وَ صَلَّ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ أَفْضِهِ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ:
- قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَاتْتَنِي صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ فَأَقْضِيهَا فِي النَّهَارِ؟
- فَقَالَ: نَعَمْ، إِنْ أَطَقْتَ ذَلِكَ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ الْحَلْبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ عَلَى الْبَعِيرِ وَ الدَّابَّةِ.
- فَقَالَ: نَعَمْ، حَيْثُمَا كُنْتَ مُتَوَجِّهًا.
- قَالَ: فَقُلْتُ: عَلَى الْبَعِيرِ وَ الدَّابَّةِ؟

۳- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نماز در سفر دو رکعت است که پیش از آنها و بعد از آنها چیزی نیست، مگر نماز مغرب که بعد از آن چهار رکعت است و آن را چه در حضر و چه در سفر ترک مکن، و قضای نافله روز بر تو لازم نیست، اما نماز نافله شب را (در سفر) بخوان و قضای آن را به جا آور. ۴- ذریح گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: در سفری، نماز شب از من فوت شد آیا در روز قضای آن را به جا آورم؟

فرمود: آری، اگر توانایی آن را داشته باشی می توانی چنین کنی.

۵- ابن مسکان گوید: حلبی از امام صادق عليه السلام درباره نماز نافله بر شتر و چارپا پرسید (که می توانم بخوانم؟)

حضرتش فرمود: آری، در هر جانب که رو کنی.

راوی گوید: عرض کردم: در حالی که بر شتر و چارپا باشم؟

قَالَ: نَعَمْ حَيْثَمَا كُنْتَ مُتَوَجِّهًا.

قُلْتُ: أَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ إِذَا أَرَدْتُ التَّكْبِيرَ.

قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ تُكَبِّرُ حَيْثَمَا كُنْتَ مُتَوَجِّهًا، وَ كَذَلِكَ فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ

بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

حَرَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ، فَكَانَ يَقُولُ: أَمَّا أَنْتُمْ

فَشَبَابُ ثَوَّخَرُونَ، وَ أَمَّا أَنَا فَشَيْخٌ أُعْجِلُ فَكَانَ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ أَوَّلَ اللَّيْلِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ

شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ.

قَالَ: يَوْمِيَّ إِيْمَاءٌ يَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ.

قُلْتُ: يُصَلِّي وَ هُوَ يَمْشِي.

قَالَ: نَعَمْ يَوْمِيَّ إِيْمَاءٌ وَ لِيَجْعَلَ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ.

فرمود: آری، هر سمتی که باشی متوجه به آن سمت باش.

عرض کردم: آیا هر گاه بخواهم باید تکبیر بگویم، روی خود را به قبله بگردانم؟

فرمود: نه، به هر جانبی که هستی تکبیر بگو و رسول خدا ﷺ نیز چنین می کرد.

۶- ابان بن تغلب گوید: در مسیر میان مکه و مدینه با امام صادق ﷺ همسفر بودم که

حضرتش فرمود:

شما جوانید می توانید نماز شب را به تأخیر بیندازید و چون من سالمندم در انجام آن

شتاب می کنم. به همین دلیل آن حضرت نماز شب را در اول شب به جا می آورد.

۷- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق ﷺ در مورد کسی که بخواهد بر مرکب

سواری خود نماز بخواند، پرسیدم.

فرمود: باید به اشاره نماز بخواند و برای سجود سرش را بایستی پایین تر از رکوع قرار دهد.

عرض کردم: آیا می تواند در حالی که راه می رود، نماز بخواند؟

فرمود: آری، باید ایماء و اشاره کند و سجود خود را پایین تر از رکوع قرار دهد.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي النَّوَافِلَ فِي الْأَمْصَارِ وَهُوَ عَلَى دَابَّتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيْزٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَرَى بَأْسًا أَنْ يُصَلِّيَ الْمَاشِيَّ وَهُوَ يَمْشِي، وَ لَكِنْ لَا يَسُوقُ الْإِبِلَ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالْوَتْرِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ إِذَا تَخَوَّفْتَ الْبُرْدَ وَكَانَتْ عِلَّةٌ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ أَنَا أَفْعَلُ ذَلِكَ.

۸- عبد الرحمن بن حججاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند نمازهای نافله را بر روی چارپا در حین سفر و حرکت میان شهرهای مختلف بخواند و به هر جانب که چارپا رو می کند، روی او نیز به همان سمت باشد؟
فرمود: آری، اشکالی ندارد.

۹- راوی گوید: امام باقر عليه السلام در این که شخص پیاده در حال راه رفتن نماز بخواند، اشکالی نمی دید، ولی نباید شتر براند.

۱۰- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا می توانم در سفر نماز شب و نماز وتر را در صورتی که از سرما بترسم و یا عذری داشته باشم، در اول شب به جا آورم؟
فرمود: آری، من نیز چنین می کنم.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ مُقَاتِلٍ عَنْ أَبِي الْحَارِثِ قَالَ: سَأَلْتُهُ - يَعْنِي الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنِ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ فِي السَّفَرِ يُعْجِلُنِي الْجَمَالَ، وَلَا يُمَكِّنُنِي الصَّلَاةَ عَلَى الْأَرْضِ هَلْ أَصْلِيهَا فِي الْمَحْمِلِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، صَلَّهَا فِي الْمَحْمِلِ.

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلِّ رَكَعَتِي الْفَجْرِ فِي الْمَحْمِلِ.

(۸۳)

بَابُ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُسْأَلُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَيَقُولُ:

۱۱ - ابو الحارث گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: آیا چهار رکعت بعد از نماز مغرب را - در صورتی که شتردار شتاب دارد و نتوانم بر زمین نماز بگذارم - می توانم در کجاوه به جا آورم؟ فرمود: آری، آن را در کجاوه به جا آور.

۱۲ - صفوان گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: دو رکعت (نافله) نماز صبح را در کجاوه به جا آور.

بخش هشتاد و سوم

نماز در کشتی

۱ - حماد بن عیسی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم آن گاه که از چگونگی نماز در کشتی از آن حضرت پرسیدند، فرمود:

إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَخْرُجُوا إِلَى الْجَدَدِ فَاخْرُجُوا، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَصَلُّوا قِيَامًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَصَلُّوا قُعُودًا وَتَحَرَّوْا الْقِبْلَةَ.

۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ. فَقَالَ: يَسْتَقْبَلُ الْقِبْلَةَ، فَإِذَا دَارَتْ وَ اسْتَطَاعَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ فَلْيَفْعَلْ وَ إِلَّا فَلْيُصَلِّ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ.

قَالَ: فَإِنْ أَمَكَّنَهُ الْقِيَامُ فَلْيُصَلِّ قَائِمًا وَ إِلَّا فَلْيَقْعُدْ ثُمَّ لْيُصَلِّ.

۳ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفِينَةِ فَلَا يَدْرِي أَيْنَ الْقِبْلَةَ. قَالَ: يَتَحَرَّى، فَإِنْ لَمْ يَدْرِ صَلَّى نَحْوَ رَأْسِهَا.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْعَنْوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ.

اگر بتوانید به ساحل بروید، چنین کنید، ولی اگر نتوانستید، در حالی که ایستاده‌اید، نماز بخوانید، و اگر در حال ایستاده هم نتوانستید، نشسته نماز را به جا آورید، و در به دست آوردن قبله کوشش نمایید.

۲ - حماد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام از چگونگی نماز در کشتی پرسیدند. فرمود: نماز گزار باید رو به قبله کند و هر گاه کشتی از جهت خود بگردد و روی او از قبله منحرف شود، چنان چه توانست جهت خود را رو به قبله کند، وگرنه به هر سمتی که کشتی می‌رود او نیز رو کند. و اگر می‌تواند نماز را ایستاده به جا آورد وگرنه باید بنشیند، سپس نماز بخواند.

۳ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که در کشتی است و جهت قبله را نمی‌داند، فرمود:

برای پیدا کردن قبله تلاش می‌کند و اگر نتوانست به طرف دماغه و سر کشتی نماز بگزارد.

۴ - هارون بن حمزه غنوی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره نماز در کشتی پرسیدم.

فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ مُحَمَّلَةً ثَقِيلَةً إِذَا قُمْتَ فِيهَا لَمْ تَحْرُكْ فَصَلِّ قَائِمًا، وَإِنْ كَانَتْ خَفِيفَةً تَكَفُّاً فَصَلِّ قَاعِدًا.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي السَّفِينَةِ فِي دِجْلَةَ فَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! نُصَلِّي فِي جَمَاعَةٍ؟
قَالَ: فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِي بَطْنِ وَاِدِ جَمَاعَةٍ.

(۸۴)

بَابُ صَلَاةِ النَّوَافِلِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَأَنَا شَابٌّ فَوَصَفَ لِي التَّطَوُّعَ وَالصَّوْمَ فَرَأَى ثِقَلًا ذَلِكَ فِي وَجْهِ فَقَالَ لِي:

فرمود: اگر کشتی پر بار و سنگین باشد، به گونه‌ای که وقتی در آن به نماز می‌ایستی، حرکت نکند و تورا تکان ندهد، ایستاده نماز بخوان و اگر سبک باشد و احتمال تکان دارد، نماز را نشسته به جا آور.

۵ - ابو هاشم جعفری گوید: با امام هادی عليه السلام در کشتی در رود دجله همراه بودم، وقت نماز فرا رسید، عرض کردم: قربانت گردم! می‌شود نماز را به جماعت به جای آوریم؟ فرمود: در میان رودخانه نماز را به جماعت به جا نیاور.

بخش هشتاد و چهارم

نمازهای نافله

۱ - زراره گوید: در دوران جوانی خدمت امام باقر عليه السلام شرف‌یاب شدم. آن حضرت برای من نمازهای نافله و روزه‌های مستحب را بیان فرمود. سپس سنگینی انجام آن را در چهره من مشاهده کرد، به من فرمود:

إِنَّ هَذَا لَيْسَ كَالْفَرِيضَةِ مَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ، إِنَّمَا هُوَ التَّطَوُّعُ إِنْ شُغِلَتْ عَنْهُ أَوْ تَرَكَتَهُ قَضَيْتَهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا يَكْرَهُونَ أَنْ تُرْفَعَ أَعْمَالُهُمْ يَوْمًا تَامًا وَ يَوْمًا نَاقِصًا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ وَ كَانُوا يَكْرَهُونَ أَنْ يُصَلُّوا حَتَّى يَزُولَ النَّهَارُ إِنْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ إِذَا زَالَ النَّهَارُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْفَرِيضَةُ وَ النَّافِلَةُ أَحَدٌ وَ حَمْسُونَ رَكْعَةً مِنْهَا رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ جَالِسًا تُعَدَّانِ بَرَكْعَةً وَ هُوَ قَائِمٌ الْفَرِيضَةُ مِنْهَا سَبْعَةٌ عَشَرَ رَكْعَةً وَ النَّافِلَةُ أَرْبَعٌ وَ ثَلَاثُونَ رَكْعَةً.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ وَ الْفُضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ بُكَيْرٍ قَالُوا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ وَ يَصُومُ مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةَ.

این نماز مانند نماز فریضه نیست که اگر کسی آن را ترک کند، هلاک شود؛ زیرا که این، نماز نافله است و هرگاه کاری داشتی و نتوانستی آن را به جا آوری یا آن را ترک کردی، آن را قضا می‌کنی؛ زیرا مؤمنان همواره کراهت داشته‌اند که یک روز اعمالشان کامل بالا رود و روزی دیگر ناقص، چرا که خداوند ﷻ می‌فرماید: «کسانی که همواره در نماز هستند» و هم چنین خوش نمی‌داشتند که پیش از زوال، نماز نافله بخوانند؛ زیرا درهای آسمان به هنگام زوال آفتاب گشوده می‌شود.

۲ - فضیل بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نمازهای فریضه و نافله پنجاه و یک رکعت است. از این نوافل، دو رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشا می‌باشد که یک رکعت ایستاده به حساب می‌آید. نمازهای فریضه، هفده رکعت و نافله سی و چهار رکعت است.

۳ - فضیل بن یسار، فضل بن عبدالملک و بکیر گویند: از امام صادق علیه السلام شنیدیم که می‌فرمود:

رسول خدا ﷺ را همواره نمازهای نافله را دو برابر فریضه می‌گزارد و روزه نافله را نیز دو برابر روزه فریضه می‌گرفت.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ مِنَ الصَّلَاةِ؟

فَقَالَ: تَمَامُ الْخَمْسِينَ.

وَ رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ مِثْلَهُ.

۵ - مُحَمَّدٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: سَأَلَ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا جَالِسٌ . فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخْبِرْنِي عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

فَقَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُصَلِّي ثَمَانِي رَكَعَاتِ الزَّوَالِ وَأَرْبَعًا الْأُولَى وَ ثَمَانِي بَعْدَهَا وَأَرْبَعًا الْعَصْرَ وَ ثَلَاثًا الْمَغْرِبَ وَأَرْبَعًا بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ أَرْبَعًا وَ ثَمَانِي صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ ثَلَاثًا الْوُتْرَ وَ رَكَعَتِي الْفَجْرِ وَ صَلَاةَ الْعِدَاةِ رَكَعَتَيْنِ.

۴ - محمد بن ابی عمید گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: بهترین نمازهایی که در سنت آمده است کدام نماز است؟
فرمود: پنجاه رکعت نماز است.

۵ - حنان گوید: روزی در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم، عمرو بن حرث از حضرتش پرسید: قربانت گردم! مرا از چگونگی نماز رسول خدا صلى الله عليه وآله خبر دهید.
فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله همواره هشت رکعت نافله (نماز ظهر) زوال آفتاب، چهار رکعت فریضه آن و پس از آن هشت رکعت نافله (نماز عصر) بعد از فریضه ظهر و چهار رکعت فریضه عصر، و سه رکعت نماز مغرب و چهار رکعت نافله پس از آن، و چهار رکعت نماز عشا و هشت رکعت نافله شب و سه رکعت نماز وتر، و دو رکعت نافله صبح و دو رکعت فریضه صبح به جا می آورد.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَإِنْ كُنْتُ أَقْوَى عَلَى أَكْثَرِ مِنْ هَذَا يُعَذِّبُنِي اللَّهُ عَلَى كَثْرَةِ الصَّلَاةِ.

فَقَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يُعَذِّبُ عَلَى تَرْكِ السُّنَّةِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ وَ بَعْدَهَا شَيْءٌ؟

قَالَ: لَا، غَيْرَ أَنِّي أَصَلِّي بَعْدَهَا رَكَعَتَيْنِ، وَ لَسْتُ أَحْسِبُهُمَا مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَجَّاجِ الْخَشَّابِ عَنْ أَبِي الْفَوَارِسِ قَالَ:

نَهَانِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْ أَتَكَلَّمَ بَيْنَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتِ الَّتِي بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَنَا يَخْتَلِفُونَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، بَعْضُهُمْ يُصَلِّي أَرْبَعًا وَ أَرْبَعِينَ، وَ بَعْضُهُمْ يُصَلِّي خَمْسِينَ فَأَخْبِرْنِي بِالَّذِي تَعْمَلُ بِهِ أَنْتَ كَيْفَ هُوَ حَتَّى أَعْمَلَ بِمِثْلِهِ.

عرض کردم: قربانت گردم! در صورتی که توانایی انجام بیش از این (پنجاه رکعت) را داشته باشم، آیا اگر بیشتر بخوانم، خداوند برای این جهت مرا عذاب خواهد کرد؟
فرمود: نه، ولی به خاطر ترک سنت عذاب می‌کند.

۶- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا پیش از نماز عشا و بعد از آن، نافله‌ای هست؟
فرمود: نه، ولی من بعد از فریضه عشا، دو رکعت نماز می‌خوانم و آن دو رکعت را جزو نماز شب حساب نمی‌کنم.

۷- ابو الفوارس گوید: امام صادق عليه السلام مرا از این که در میان چهار رکعت نافله پس از مغرب سخن بگویم، نهی فرمود.

۸- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: دوستان ما، در نماز نافله بر خلاف یکدیگر عمل می‌کنند. بعضی چهل و چهار رکعت و برخی دیگر پنجاه رکعت نماز می‌خواند. مرا از آن چه که خود به آن عمل می‌کنید، آگاه سازید تا من نیز همان گونه عمل کنم.

فَقَالَ: أَصَلِّي وَاحِدَةً وَخَمْسِينَ .

ثُمَّ قَالَ: أَمْسِكْ، وَعَقِدْ بِيَدِهِ الزَّوَالَ ثَمَانِيَةَ وَارْبَعًا بَعْدَ الظُّهْرِ وَارْبَعًا قَبْلَ العَصْرِ وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ المَغْرِبِ وَرَكَعَتَيْنِ قَبْلَ عِشَاءِ الآخِرَةِ وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ العِشَاءِ مِنْ قُعودِ نُعْدَانِ بَرَكْعَةٍ مِنْ قِيَامِ وَثَمَانِيَةَ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالْوَتْرَ ثَلَاثًا وَرَكَعَتِي الفَجْرِ وَالفَرَايِضَ سَبْعَ عَشْرَةَ فَذَلِكَ أَحَدٌ وَخَمْسُونَ.

۹- الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ بِالنَّهَارِ.

فَذَكَرَ أَنَّهُ يُصَلِّي ثَمَانَ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَثَمَانٍ بَعْدَهَا.

۱۰- عَنْهُ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الوُشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ

يَحْيَى بْنِ أَبِي العَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: صَلَاةُ الزَّوَالِ، صَلَاةُ الأَوَّابِينَ.

فرمود: من پنجاه و یک رکعت نماز می خوانم.

سپس فرمود: حفظ کن - و با دست مبارک شمرد - نافله ظهر هشت رکعت و چهار رکعت بعد از ظهر، چهار رکعت پیش از عصر، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت پیش از عشا، دو رکعت پس از عشا به صورت نشسته - که یک رکعت ایستاده محسوب می شود - هشت رکعت نافله شب، سه رکعت وتر، دو رکعت نافله صبح و هفده رکعت فریضه که تمام آنها پنجاه و یک رکعت است.

۹- حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ گوید: از امام عليه السلام درباره نماز نافله روز پرسیدم.

حضرتش فرمود که هشت رکعت پیش از ظهر و هشت رکعت بعد از آن به جا می آورد.

۱۰- یحیی بن ابو علا گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: نماز نافله زوال، نماز توبه کنندگان است.

- ۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ». قَالَ: يَعْنِي صَلَاةَ اللَّيْلِ.
- قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى». قَالَ: يَعْنِي تَطَوُّعَ بِالنَّهَارِ.
- قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «وَأَذْبَارَ الشُّجُومِ». قَالَ: رَكْعَتَانِ قَبْلَ الصُّبْحِ.
- قُلْتُ: «وَأَذْبَارَ الشُّجُودِ». قَالَ: رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ.
- ۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

- ۱۱ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: مقصود خداوند از این آیه که می فرماید: «لحظه های شب را سجده کنان و ایستاده از جهان آخرت می هراسد و به رحمت پروردگارش امید دارد» چیست؟
- فرمود: مقصود، نماز شب است.
- گوید: به آن حضرت عرض کردم: مقصود از «و طرف های روز، شاید خشنود گردی» چیست؟
- فرمود: منظور، نافله روز است.
- گوید: عرض کردم: مقصود از «رفتن ستارگان» چیست؟
- فرمود: منظور، دو رکعت نافله پیش از فریضه صبح است.
- عرض کردم: مقصود از «بعد از سجده ها» چیست؟
- فرمود: منظور دو رکعت نافله بعد از فریضه مغرب است.
- ۱۲ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

إِذَا قُمْتَ بِاللَّيْلِ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبُدَهُ». فَإِذَا سَمِعْتَ صَوْتَ الدُّيُوكِ فَقُلْ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

فَإِذَا قُمْتَ فَانظُرْ فِي آفَاقِ السَّمَاءِ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُؤَارِي عَنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أُبْرَاجٍ وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تَدْجِيٌّ بَيْنَ يَدَيْ الْمُدْجِيِّ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَهَ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ثُمَّ اقْرَأِ الْحَمْسَ الْآيَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... إِلَى قَوْلِهِ: إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ». ثُمَّ اسْتَكْ وَتَوَضَّأْ، فَإِذَا وَضَعْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

هر گاه شب از خواب برخاستی، بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبُدَهُ». آن گاه که بانگ خروس را شنیدی بگو: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و چون برخاستی به اطراف آسمان نگاه کن و بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُؤَارِي عَنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أُبْرَاجٍ وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تَدْجِيٌّ بَيْنَ يَدَيْ الْمُدْجِيِّ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَهَ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

آن گاه پنج آیه آخر سوره آل عمران را از «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... تا: إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» بخوان. سپس مسواک بزن و وضو ساز، و چون دست خود را در آب نهادی بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

فَإِذَا فَرَغْتَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

فَإِذَا قُمْتَ إِلَى صَلَاتِكَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُؤَارِ بَيْتِكَ وَ عُمَارِ مَسَاجِدِكَ وَ افْتَحْ لِي بَابَ تَوْبَتِكَ وَ اغْلِقْ عَلَيَّ بَابَ مَعْصِيَتِكَ وَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ جَلِّ ثَنَائُكَ».

ثُمَّ افْتَتِحِ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَدَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ أَمَرَ بِوَضُوءِهِ وَ سِوَاكِهِ يُوضَعُ عِنْدَ رَأْسِهِ مُحَمَّرًا فَيَرُقُّدُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَسْتَأْذِنُ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ يَرُقُّدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَسْتَأْذِنُ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ يَرُقُّدُ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي وَجْهِ الصُّبْحِ قَامَ فَأَوْتَرَ، ثُمَّ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ.

و چون از وضو فارغ شدی بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و چون برای نماز برخاستی بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُؤَارِ بَيْتِكَ وَ عُمَارِ مَسَاجِدِكَ وَ افْتَحْ لِي بَابَ تَوْبَتِكَ وَ اغْلِقْ عَلَيَّ بَابَ مَعْصِيَتِكَ وَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ جَلِّ ثَنَائُكَ».

آن گاه نماز را با تکبیر آغاز کن.

۱۳ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله همواره آن گاه که نماز عشا را می خواند، امر می فرمود تا آب وضو و مسواک او را سرپوشیده بر بالین سرش بگذارند پس آن چه که خداوند می خواست می خوابید، آن گاه برمی خاست، مسواک می کرد، وضو می ساخت و چهار رکعت نماز می خواند، سپس می خوابید، آن گاه برمی خاست، مسواک می کرد، وضو می ساخت و چهار رکعت نماز می خواند پس از آن می خوابید تا نزدیک صبح می شد و آن گاه برمی خاست و نماز وتر را به جای می آورد، سپس دو رکعت نافله صبح را می خواند.

ثُمَّ قَالَ: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾.

قُلْتُ: مَتَى كَانَ يَقُومُ؟

قَالَ: بَعْدَ ثُلُثِ اللَّيْلِ.

وَ قَالَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يَكُونُ قِيَامُهُ وَ رُكُوعُهُ وَ سُجُودُهُ سَوَاءً، وَ يَسْتَأْذِنُ فِي كُلِّ

مَرَّةٍ قَامَ مِنْ نَوْمِهِ وَ يَقْرَأُ الْآيَاتِ مِنْ آلِ عِمْرَانَ: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ... إِلَى

قَوْلِهِ ﴿إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً مِنْهَا الْوُتْرُ وَ رُكْعَتَا الْفَجْرِ

فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ.

آن گاه فرمود: «به حقیقت برای شما در رفتار پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الگوی نیکویی است».

عرض کردم: آن حضرت در چه وقت از شب برای عبادت برمی‌خاست؟

فرمود: بعد از سپری شدن یک سوم از شب.

در حدیث دیگری آمده است: حضرتش بعد از نیمه شب برای عبادت برمی‌خاست.

در روایت دیگری آمده است: زمان قیام و رکوع و سجودش با یکدیگر برابر بود، و در

هر باری که برمی‌خاست، مسواک می‌زد و آیات سوره آل عمران را از ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ

وَ الْأَرْضِ﴾ ... تا ﴿إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ می‌خواند.

۱۴ - زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره در سفر و در حضر سیزده رکعت نماز در شب به جا آورد که از

جمله آن‌ها سه رکعت نماز وتر و دو رکعت نافله صبح بود.

۱۵ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صَلَاةُ النَّهَارِ سِتَّ عَشْرَةَ رُكْعَةً إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَ تَمَانٌ بَعْدَ الظُّهْرِ وَأَرْبَعُ رُكْعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

يَا حَارِثُ! لَا تَدْعُهُنَّ فِي سَفَرٍ وَلَا حَضْرٍ وَ رُكْعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ كَانَ أَبِي يُصَلِّيهِمَا وَ هُوَ قَاعِدٌ وَ أَنَا أُصَلِّيهِمَا وَ أَنَا قَائِمٌ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً مِنَ اللَّيْلِ.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ سَعْدِ الْأَحْوَصِ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ الصَّلَاةُ مِنْ رُكْعَةٍ؟ فَقَالَ: إِحْدَى وَ خَمْسُونَ رُكْعَةً. مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى مِثْلَهُ.

۱۵ - حارث بن مغیره نصری گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: نافله روز شانزده رکعت است: هشت رکعت هنگام زوال آفتاب، هشت رکعت بعد از فريضة ظهر و چهار رکعت بعد از مغرب.

ای حارث! هیچ گاه -چه در سفر و چه در حضر- این چهار رکعت نماز را ترک مکن! و دو رکعت بعد از فريضة عشا را ترک مکن! پدرم آن دو رکعت را در حال نشسته به جا می آورد و من ایستاده می خوانم، و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را همواره در شب، سیزده رکعت نماز می گزارد.

۱۶ - اسماعیل بن سعد احوص گوید: به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: نماز چند رکعت

است؟

فرمود: پنجاه و یک رکعت.

۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾. قَالَ: يَعْنِي بِقَوْلِهِ: «وَأَقْوَمُ قِيلاً» قِيَامَ الرَّجُلِ عَنْ فِرَاشِهِ يُرِيدُ بِهِ اللَّهُ لَا يُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ.

۱۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ الْعَبْدَ يُوقِظُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنَ اللَّيْلِ، فَإِنْ لَمْ يَقُمْ أَتَاهُ الشَّيْطَانُ فَبَالَ فِي أُذُنِهِ. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾. قَالَ: كَانُوا أَقَلَّ اللَّيَالِي تَقُومُهُمْ لَا يَقُومُونَ فِيهَا.

۱۹ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

۱۷ - هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام درباره این آیه که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ فرمود: مراد از «و أقوم قیلاً» - که به جز خدا دیگری را اراده ننماید - برخاستن انسان از بستر خواب است.

۱۸ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: همانا بنده در شب، سه بار بیدار می شود و اگر برنخیزد، شیطان نزد او می آید و درگوش او ادرار می کند.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت در مورد گفتار خداوند تبارک و تعالی که می فرماید: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ سؤال کردم.

فرمود: شب های بسیار کمی بود که نماز شب از آنان فوت می شد و بر نمی خاستند.

۱۹ - عمر بن اذینه گوید: عمر بن یزید از امام صادق عليه السلام شنیده است که حضرتش فرمود:

إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً مَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يُصَلِّي وَ يَدْعُو اللَّهَ فِيهَا إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ.

قُلْتُ: أَصَلَحَكَ اللَّهُ! فَأَيُّ سَاعَةٍ هِيَ مِنَ اللَّيْلِ؟

قَالَ: إِذَا مَضَى نِصْفُ اللَّيْلِ فِي السُّدُسِ الْأَوَّلِ مِنَ النُّصْفِ الْبَاقِي.

۲۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ

عَيْسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ مِنْ صَلَحَائِهِمْ شَكَا إِلَيَّ مَا يَلْقَى مِنَ النَّوْمِ وَقَالَ:

إِنِّي أُرِيدُ الْقِيَامَ إِلَى الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ، فَيُعَلِّبُنِي النَّوْمَ حَتَّى أَصْبِحَ، وَ رَبَّمَا قَضَيْتُ

صَلَاتِي الشَّهْرَ مُتَتَابِعًا وَ الشَّهْرَيْنِ أَصْبِرُ عَلَى ثِقَلِهِ.

فَقَالَ: قَرَّةٌ عَيْنٍ لَهُ، وَ اللَّهُ!

قَالَ: وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُ فِي الصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ. وَ قَالَ: الْقَضَاءُ بِالنَّهَارِ أَفْضَلُ؟

شب هنگام ساعتی است که هر بنده مسلمان که آن را درک کند و در آن ساعت نماز گزارد و خدا را فرا خواند و به درگاهش دعا کند، در تمام شبها اجابت شود و دعایش مستجاب گردد.

عرض کردم: خدایت خیر دهد! بفرمایید آن، چه ساعتی از شب است؟

فرمود: هنگامی که شب از نیمه بگذرد، در یک ششم آغازین نیمه دوم شب.

۲۰- معاویه بن وهب گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: یکی از شیعیان شما - که از

صالحان است - به من از خواب سنگینی که دارد، شکایت کرده، می گوید: من قصد می کنم

که برای نماز شب برخیزم، ولی خواب بر من غلبه می کند تا صبح می شود و چه بسیار ائفاق

می افتد که نماز یک ماه پی در پی، یا دو ماه را قضا می کنم که به سختی آن را تحمل می کنم.

فرمود: به خدا سوگند! برای او چشم روشنی است.

راوی گوید: حضرت رخصت خواندن نماز شب در اول شب را به او نداد و فرمود: قضا

کردن آن در روز بهتر است.

قُلْتُ: فَإِنَّ مِنْ نِسَائِنَا أَبْكَاراً الْجَارِيَةَ تُحِبُّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ تَحْرِصُ عَلَى الصَّلَاةِ،
فَيُعَلِّبُهَا النَّوْمَ حَتَّى رُبَّمَا قَضَتْ وَ رُبَّمَا ضَعُفَتْ عَنْ قَضَائِهِ وَ هِيَ تَقْوَى عَلَيْهِ أَوَّلَ
اللَّيْلِ، فَرَخَّصَ لَهِنَّ فِي الصَّلَاةِ أَوَّلَ اللَّيْلِ إِذَا ضَعُفْنَ وَ ضَيَّعْنَ الْقَضَاءَ.
۲۱- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَا كَانَ يُحْمَدُ الرَّجُلُ أَنْ يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَيُصَلِّيَ صَلَاتَهُ ضَرْبَةً وَاحِدَةً ثُمَّ
يَنَامَ وَ يَذْهَبَ.

۲۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ
الصَّقِيقْلِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ مِنَ الْوَتْرِ ثُمَّ يَقُومُ فَيَنْسَى التَّشَهُدَ حَتَّى يَرْكَعَ وَ
يَذْكُرُ وَ هُوَ رَاكِعٌ.
قَالَ: يَجْلِسُ مِنْ رُكُوعِهِ فَيَتَشَهَّدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَتِمُّ.

عرض کردم: یکی از دختران و دوشیزگان جوان ما که خیر و اهل آن را دوست دارد،
برای خواندن نماز شب حریص است، ولی خواب بر او چیره می شود و چه بسا که نماز
شب او قضا می شود و توانایی قضای آن را نیز ندارد، اما توانایی این را دارد که در اول شب
آن را به جا آورد.

امام عليه السلام به آن دخترها به خاطر این که توانایی قضای آن را ندارند، رخصت داد و اجازه
فرمود که در اول شب، نماز شب را بخوانند.

۲۱- ابن بکیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

همواره شخصی که در آخر شب برمی خاست و نماز شب خود را یک باره می خواند،
سپس می رفت و می خوابید، مورد ستایش قرار نمی گرفت.

۲۲- حسن صیقل گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی دو رکعت نماز وتر
می خواند، سپس برمی خیزد و تشهد را فراموش می کند تا به رکوع می رود و در رکوع به
یادش می آید (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: باید بنشیند و تشهد را بخواند، پس از آن برخیزد و مانده رکوع و نماز خود را به
جا آورد و نماز را به پایان برساند.

قَالَ: قُلْتُ: أَلَيْسَ قُلْتُ فِي الْفَرِيضَةِ إِذَا ذَكَرَهُ بَعْدَ مَا رَكَعَ مَضَى ثُمَّ سَجَدَ
سَجْدَتِي السَّهْوِ بَعْدَ مَا يَنْصَرِفُ وَ يَتَشَهَّدُ فِيهِمَا؟
قَالَ: لَيْسَ النَّافِلَةُ مِثْلَ الْفَرِيضَةِ.

۲۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ
فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ وَ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَنْ أَفْضَلِ سَاعَاتِ الْوُتْرِ.
فَقَالَ: الْفَجْرُ أَوْلُ ذَلِكَ.

۲۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ
أَبِي سَارَةَ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيَّةَ سَاعَةٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتِرُ؟
فَقَالَ: عَلَى مِثْلِ مَغِيبِ الشَّمْسِ إِلَى صَلَاةِ الْمَغْرِبِ.

راوی گوید: عرض کردم: مگر در نماز فريضة نفرمودید که هر گاه بعد از رکوع به یاد
آورد، باید نماز را ادامه دهد، سپس بعد از تمام شدن نماز دو سجده سهو به جا آورد و
تشهد را بخواند؟
فرمود: نماز نافله همانند نماز فريضة نیست.

۲۳ - معاوية بن وهب گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از بهترین ساعات خواندن نماز وتر سؤال
کردم.

فرمود: طلوع فجر (فجر کاذب) آغازین وقت فضیلت آن است.

۲۴ - اسماعیل بن ابی ساره گوید: ابان بن تغلب به من گفت: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض
کردم: در چه ساعتی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سه رکعت نماز وتر را به جا می آورد؟
فرمود: (پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقت نماز وتر را) به اندازه فرورفتن آفتاب تا پایان سه رکعت
فريضة مغرب انتظار می کشید.

۲۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ قَبْلَ الْعَدَاةِ أَيْنَ مَوْضِعُهُمَا؟
فَقَالَ: قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْعَدَاةِ.

۲۶- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ قَالَ:

صَلَّيْتُ خَلْفَ الرُّضَا عليه السلام فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ صَلَاةَ اللَّيْلِ، فَلَمَّا فَرَغَ جَعَلَ مَكَانَ الصُّجْعَةِ سَجْدَةً.

۲۷- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْكِنْدِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ - أَوْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ - قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي أَقُومُ آخِرَ اللَّيْلِ وَأَخَافُ الصُّبْحَ.
قَالَ: اقْرَأِ الْحَمْدَ وَ اعْجَلْ! وَ اعْجَلْ!

۲۵- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: دو رکعت (نافله) پیش از صبح را در چه وقت باید خواند؟

فرمود: وقت آن، پیش از طلوع فجر است، و چون فجر طلوع کند، وقت نماز صبح داخل شده است.

۲۶- ابراهیم بن ابی البلاد گوید: نماز شب را در پشت سر امام صادق عليه السلام (البته نه به جماعت) در مسجدالحرام به جا آوردم و چون حضرتش از نماز فارغ شد به جای آن که بر پهلو بخوابد، سجده کرد (زیرا مستحب است میان دو رکعت نافله صبح و فریضه صبح با دراز کشیدن، یا به پهلو خوابیدن فاصله انداخت و می توان به جای آن سجده کرد، چنان که آن حضرت سجده کرده است).

۲۷- اسماعیل بن جابر - یا عبدالله بن سنان - گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آخر شب برمی خیزم و می ترسم (پیش از پایان یافتن نماز شب و وتر) صبح شود.
فرمود: فقط سوره حمد را بخوان و شتاب کن! شتاب کن!

۲۸ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ وَهُوَ يَخْشَى أَنْ يَفْجَأَهُ الصُّبْحُ أَوْ يَبْدَأُ بِالْوُتْرِ أَوْ يُصَلِّيَ الصَّلَاةَ عَلَى وَجْهِهَا حَتَّى يَكُونَ الْوُتْرُ آخِرَ ذَلِكَ؟ قَالَ: بَلَى يَبْدَأُ بِالْوُتْرِ. وَ قَالَ: أَنَا كُنْتُ فَأَعْلَى ذَلِكَ.

۲۹ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلاَدٍ حَفْصِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّسْلِيمِ فِي رَكْعَتِي الْوُتْرِ. فَقَالَ: نَعَمْ، وَإِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاخْرُجْ وَاقْضِهَا ثُمَّ عُدْ وَارْكَعْ رَكْعَةً.

۳۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْوُتْرِ مَا يُقْرَأُ فِيهِنَّ جَمِيعاً.

۲۸ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که آخر شب برمی خیزد و می ترسد که ناگاه صبح فرا رسد، آیا ابتدا سه رکعت نماز وتر را بخواند یا به ترتیب، اول نماز شب را به جا آورد یا به همان ترتیب نماز شب را بخواند تا آن که سه رکعت نماز وتر در آخر آن خوانده شود؟

فرمود: بلکه باید ابتدا، نماز وتر را بخواند.

سپس فرمود: من نیز چنین می نمایم.

۲۹ - حفص بن سالم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد سلام در دو رکعت نماز وتر پرسیدم (که آیا خوب است یا نه؟)

فرمود: آری، در صورتی که کاری داشته باشی، بیرون رو و کار خود را انجام ده، سپس باز گرد و یک رکعت دیگر را به جا آور.

۳۰ - ابن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از سه رکعت نماز وتر پرسیدم که چه سوره‌ای را باید در آن خواند؟

قَالَ: بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

قُلْتُ: فِي ثَلَاثِهِنَّ.

قَالَ: نَعَمْ.

۳۱- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْوُتْرِ هَلْ فِيهِ شَيْءٌ مُوقَّتٌ يُتَّبَعُ وَيُقَالُ؟ فَقَالَ: لَا أَتْنِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلَّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ الْعَظِيمِ. ثُمَّ قَالَ: كُلُّ ذَنْبٍ عَظِيمٌ.

۳۲- الْحَسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْقُنُوتُ فِي الْوُتْرِ الْإِسْتِغْفَارُ وَفِي الْفَرِيضَةِ الدُّعَاءُ.

۳۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ فِي الْوُتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً.

فرمود: سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را.

عرض کردم: در تمام سه رکعت؟

فرمود: آری.

۳۱- حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: آیا در قنوت نماز وتر دعایی معین هست که خوانده شود؟

فرمود: نه، خدای عَلَيْهِ السَّلَامُ را ستایش کن، بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود فرست و از گناه بزرگ خود طلب آمرزش نما.

سپس فرمود: و هر گناهی بزرگ است.

۳۲- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

قنوت در نماز وتر استغفار، و در نماز فريضة، دعاست.

۳۳- منصور بن حازم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در نماز وتر، هفتاد بار استغفار کن.

۳۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ.

۳۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:

قَرَأْتُ فِي كِتَابِ رَجُلٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ هِيَ أَمْ مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ وَفِي أَيِّ وَقْتٍ أُصَلِّيَهَا؟ فَكَتَبَ بِخَطِّهِ: أَحْشُهَا فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ حَشْوًا.

۳۴- راوی گوید: شخصی خدمت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! من از نماز شب محروم شده‌ام.

امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود: تو شخصی هستی که گناهانت تو را به بند کشیده‌اند.

۳۵- علی بن مهزیار گوید: در نامه شخصی که به امام صادق عليه السلام ^(۱) نوشته بود، این گونه خواندم:

آیا دو رکعت نافله پیش از نماز صبح، جزو نماز شب است، یا جزو نماز روز و در چه وقتی باید آن‌ها را بخوانم؟

آن حضرت به خط مبارک خود نوشته بود: آن دو رکعت نماز را در نماز شب داخل نموده و از آن قرار ده.

۱ - برخی از نسخه‌ها آمده است: امام باقر عليه السلام.

(۸۵)

بَابُ تَقْدِيمِ النَّوَافِلِ وَ تَأْخِيرِهَا وَ قَضَائِهَا وَ صَلَاةِ الضُّحَى

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ بُرَيْدِ بْنِ ضَمْرَةَ اللَّيْثِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَغِلُ عَنِ الزَّوَالِ أَوْ يُعَجِّلُ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ. فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ يَشْتَغِلُ فَيُعَجِّلُهَا فِي صَدْرِ النَّهَارِ كُلِّهَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:

لَمَّا كَانَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ ضُرِبَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله خِيَمَةٌ سَوْدَاءُ مِنْ شَعْرِ بِالْأَبْطَحِ ثُمَّ أَفَاضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ مِنْ جَفْنَةٍ يُرَى فِيهَا أَثَرُ الْعَجِينِ ثُمَّ تَحَرَّى الْقِبْلَةَ صُحَى فَرَكَعَ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ لَمْ يَزِ كَعُهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَبْلَ ذَلِكَ وَلَا بَعْدُ.

بخش هشتاد و پنجم

تقديم و تأخير نمازهای نافله و قضای آنها و حکم نماز چاشتگاه

۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام سؤال کردم: شخصی که گرفتار کاری شود (و نتواند نافله ظهر را در وقتش بخواند) آیا می تواند در آغاز روز زودتر آن را به جا آورد؟ فرمود: آری، اگر بداند که برای او کاری پیش خواهد آمد، می تواند زودتر تمام نافله ها را در آغاز روز بخواند.

۲ - معاویه بن وهب گوید: امام عليه السلام فرمود:

در روز فتح مکه برای رسول خدا صلى الله عليه وآله خیمه موین سیاهی در ابطح برپا شد. آن حضرت با کاسه ای چوبین - که اثر خمیر در آن دیده می شد - بر خود آب ریخت (و غسل کرد) آن گاه به هنگام چاشت، روی به جانب قبله کرد و هشت رکعت نماز به جای آورد که آن بزرگوار نه پیش از آن چنین نمازی را به جا آورده بود و نه پس از آن به جا آورد.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَفْضِلْ مَا فَاتَكَ مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ بِالنَّهَارِ وَ مَا فَاتَكَ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ بِاللَّيْلِ.

قُلْتُ: أَفْضِلِي وَتَرَيْنِ فِي لَيْلَةٍ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، أَفْضِلْ وَتُرّاً أَبَدًا.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَّازِمٍ قَالَ:

سَأَلَ إِسْمَاعِيلَ بْنَ جَابِرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! إِنَّ عَلِيَّ نَوَافِلَ كَثِيرَةً

فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟

فَقَالَ: أَفْضِلِهَا.

فَقَالَ لَهُ: إِنَّهَا أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ.

قَالَ: أَفْضِلِهَا.

قُلْتُ: لَا أَحْصِيهَا.

قَالَ: تَوَخَّ.

۳ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن چه از نافله روز از تو فوت شده، در روز قضا کن، و آن چه از نافله شب از تو فوت شده، قضای آن را در شب به جا آور.

عرض کردم: آیا می توانم قضای دو نماز و تر را در یک شب به جا آورم؟

فرمود: آری، قضا کن آن را در حالی که همیشه وتر باشد.

۴ - مرّازم گوید: اسماعیل بن جابر به امام صادق عليه السلام عرض کرد: خداوند شما را حفظ

کند! بر ذمه من نافله های بسیاری است، چه کنم؟

فرمود: قضای آن ها را به جا آور.

عرض کردم: بیش از شمارش است.

فرمود: قضای آن ها را به جا آور.

عرض کردم: شماره آن ها را نمی دانم.

فرمود: سعی کن و عددی را در نظر بیاور.

قَالَ: مُرَازِمٌ: وَ كُنْتُ مَرِيضًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أَتَنَقَّلْ فِيهَا.
 قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! وَ جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَرِيضًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أُصَلِّ نَافِلَةً.
 فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءٌ، إِنَّ الْمَرِيضَ لَيْسَ كَالصَّحِيحِ، كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ
 فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ فِيهِ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ
 عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
 أَفْضَلُ قَضَاءِ النَّوَافِلِ قَضَاءُ صَلَاةِ اللَّيْلِ بِاللَّيْلِ، وَ صَلَاةِ النَّهَارِ بِالنَّهَارِ.
 قُلْتُ: فَيَكُونُ وَتُرَانِ فِي لَيْلَةٍ؟
 قَالَ: لَا.

قُلْتُ: وَ لِمَ تَأْمُرُنِي أَنْ أُوتِرَ وَتُرَيْنِ فِي لَيْلَةٍ؟
 فَقَالَ عليه السلام: أَحَدُهُمَا قَضَاءٌ.

مرازم گفتم: من مدت چهار ماه بیمار بودم و در این مدت نماز نافله نخوانده بودم. عرض کردم: خداوند شما را نگهدارد! فدایت شوم! من چهار ماه بیمار شدم و نماز نافله نخواندم. فرمود: قضا، بر تو لازم نیست؛ زیرا بیمار مانند شخص تندرست نیست، خداوند هر چه را که بر بنده چیره کرده و اختیار بنده را از آن سلب نموده، خود خداوند در آن مورد سزاوارتر است که عذر او را بپذیرد.

۵- اسماعیل جعفی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بهترین قضا نافله‌ها، قضا نافله شب در شب و قضا نافله روز در روز است.

عرض کردم: آیا دو نماز و تر را می‌توان در یک شب خواند؟

فرمود: نه.

عرض کردم: پس چرا به من امر می‌کنید که دو نماز و تر را در یک شب به جا آورم؟

حضرتش فرمود: یکی از آن دو، قضاست.

- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَدَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَجُلٍ فَاتَتْهُ صَلَاةُ النَّهَارِ مَتَى يَفْضِيهَا؟
قَالَ: مَتَى مَا شَاءَ إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَإِنْ شَاءَ بَعْدَ الْعِشَاءِ.
- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ نَفُوْتُهُ صَلَاةَ النَّهَارِ؟
قَالَ: يُصَلِّيهَا إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَإِنْ شَاءَ بَعْدَ الْعِشَاءِ.
- ۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْقُمِّيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ رَفَعَهُ قَالَ:
مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَجُلٍ يُصَلِّي الصُّحَى فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَعَمَزَ جَنْبَهُ بِالدَّرَّةِ وَ قَالَ: نَحَرْتَ صَلَاةَ الْأَوَائِينَ نَحْرَكَ اللَّهُ.
قَالَ: فَأَثَرُ كُفَّهَا؟
قَالَ: فَقَالَ: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى».
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ كَفَى بِإِنْكَارِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهْيًا.

- ۶ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: شخصی که نماز روز از او فوت شده، چه وقت باید آن را قضا نماید؟
فرمود: هر وقت که بخواهد. اگر خواست بعد از مغرب و اگر خواست بعد از عشا.
- ۷ - نظیر همین روایت را محمد بن مسلم نیز به صورت مرسل نقل می نماید.
- ۸ - سیف بن عمیره در روایت مرفوعه ای گوید:
امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه از کنار مردی گذشت که در مسجد کوفه نماز چاشتگاه را می گزارد. حضرت با تازیانه به پهلوی او اشاره کرد و فرمود: نماز توبه کنندگان (یعنی نافله روز) را ضایع کردی، خداوند تو را ضایع کند.
آن مرد عرض کرد: آیا از این پس آن را رها کنم (و دیگر نماز چاشتگاه را نخوانم)؟
حضرت علی علیه السلام این آیه را قرائت فرمود: «آیا بنده ای را دیده ای که به هنگام نماز نهی می کند؟»
امام صادق علیه السلام فرمود: همین انکار امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهی از نماز چاشتگاه، کافی است.

- ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
- أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: صَلَاةُ الصُّحَى بَدْعَةٌ.
- ۱۰- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَضَاءِ الْوُتْرِ بَعْدَ الظُّهْرِ. فَقَالَ: أَفْضِهِ وَتُرّاً أَبَدًا، كَمَا فَاتَكَ.
- قُلْتُ: وَتُرَانِ فِي لَيْلَةٍ؟
- قَالَ: نَعَمْ، أَلَيْسَ إِنَّمَا أَحَدُهُمَا قَضَاءٌ؟
- ۱۱- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الْقَمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَفْضِي عَشْرِينَ وَتُرّاً فِي لَيْلَةٍ.
- ۱۲- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

- ۹- فضیل گوید: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: نماز صبحی (چاشت - هنگامی است آفتاب در سطح زمین فراگیر شود) بدعت است.
- ۱۰- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیهما السلام سؤال کردم: آیا قضای نماز وتر را می توان بعد از ظهر انجام داد؟
- فرمود: نماز وتر را همیشه قضا کن، آن سان که از تو فوت شده است.
- عرض کردم: آیا دو نماز وتر را می توان در یک شب خواند؟
- فرمود: آری، مگر نه این که یکی از آن دو قضاست؟!
- ۱۱- ابو جریر قمی گوید: امام صادق علیهما السلام فرمود:
- گاهی پدرم امام باقر علیهما السلام تا بیست نماز وتر را در یک شب قضا می کرد.
- ۱۲- زراره گوید: امام باقر علیهما السلام فرمود:

إِذَا اجْتَمَعَ عَلَيْكَ وَتَرَانٍ أَوْ ثَلَاثَةٌ أَوْ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ، فَأَقْضِ ذَلِكَ كَمَا فَاتَكَ تَفْصِيلاً
بَيْنَ كُلِّ وَتْرَيْنِ بِصَلَاةٍ، لِأَنَّ الْوَتْرَ الْآخِرَ لَا تُقَدِّمَنَّ شَيْئاً قَبْلَ أَوَّلِهِ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ تَبْدَأُ
إِذَا أَنْتَ قَضَيْتَ صَلَاةَ لَيْلَتِكَ ثُمَّ الْوَتْرَ.

قَالَ: وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَا يَكُونُ وَتْرَانٍ فِي لَيْلَةٍ إِلَّا وَاحِدُهُمَا قَضَاءً.
وَقَالَ: إِنْ أَوْتَرْتَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَقَمْتَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَوَتْرَكَ الْأَوَّلَ قَضَاءً، وَمَا
صَلَّيْتَ مِنْ صَلَاةٍ فِي لَيْلَتِكَ كُلَّهَا فَلْيَكُنْ قَضَاءً إِلَى آخِرِ صَلَاتِكَ، فَإِنَّهَا لَللَّيْلَتِكَ،
وَلْيَكُنْ آخِرُ صَلَاتِكَ الْوَتْرَ وَتْرَ لَيْلَتِكَ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ عَلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ النَّوَافِلِ مَا لَا يَدْرِي مَا هُوَ مِنْ كَثْرَتِهِ
كَيْفَ يَصْنَعُ؟

هرگاه دو، یا سه نماز وتر - و یا بیشتر - بر عهده تو جمع شد، همان طوری که از تو فوت شده،
آن‌ها را قضاکن و میان هر نماز وتری به یک نماز شب، فاصله بینداز؛ زیرا نماز وتر بعد از نماز
شب و مؤخر از آن است، و چیزی را مقدم مکن بر چیزی که بر حسب شروع مقدم بر آن است.
نماز پیشین را قضاکن و پس از آن، نماز بعد از آن را، و هرگاه خواستی قضا کنی، ابتدا
قضای نماز شب سپس قضای نماز وتر را به جا آور.

راوی گوید: هم چنین امام باقر عليه السلام فرمود:

دو نماز وتر در یک شب نمی‌شود، مگر آن که یکی از آن دو قضاست.

هم چنین حضرتش فرمود:

اگر در اول شب نماز وتر را خواندی و در پایان شب نیز بر خاستی، آن وتر اول، به جای
قضا به شمار می‌آید، و هر چه در آن شب (از اول شب تا پایان آن) نماز بگزاری، همه آن‌ها
باید به عنوان قضا باشد و آخرین نمازی که به جا می‌آوری، نماز آن شب و آخرین نماز وتر
تو نیز، نماز وتر آن شب خواهد بود.

۱۳ - عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی نماز نافله‌های

بسیاری از او قضا شده است، به گونه‌ای که شمار آن‌ها را نمی‌داند، چه باید بکند؟

قَالَ: فَلْيَصِلْ حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى مِنْ كَثْرَتِهِ فَيَكُونُ قَدْ قَضَى بِقَدْرِ عِلْمِهِ.
 قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ مِنْ كَثْرَةِ شُغْلِهِ.
 فَقَالَ: إِنْ كَانَ شُغْلُهُ فِي طَلَبِ مَعِيشَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا أَوْ حَاجَةٍ لِأَخٍ مُؤْمِنٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ شُغْلُهُ لِدُنْيَا تَشَاغَلَ بِهَا عَنِ الصَّلَاةِ، فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَإِلَّا لَقِيَ اللَّهُ مُسْتَحْفَافًا مَتَهَاوِنًا مُضَيِّعًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.
 قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ فَهَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَتَصَدَّقَ؟
 فَسَكَتَ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ، فَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ.
 قُلْتُ: وَمَا يَتَصَدَّقُ؟
 فَقَالَ: بِقَدْرِ طَوْلِهِ وَادْتِنِي ذَلِكَ مُدًّا لِكُلِّ مِسْكِينٍ مَكَانَ كُلِّ صَلَاةٍ.
 قُلْتُ: وَكَمْ الصَّلَاةُ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ فِيهَا مُدٌّ لِكُلِّ مِسْكِينٍ؟

فرمود: باید چندان نماز بگزارد که از بسیاری آنها نداند چقدر نماز خوانده است، تا مقداری که قضا کرده با آن چه در علم پیشینش بوده، برابر شود.
 عرض کردم: او به خاطر زیادی اشتغال، نمی تواند همه را قضا نماید.
 فرمود: اگر اشتغال او برای کسب روزی بوده که ناگزیر از انجام آن است، یا در جهت برآوردن حاجت برادر مؤمنی است، در این صورت قضای آنها بر عهده او نیست، و اگر شغل او برای دنیاست و او را از ادای نافله باز داشته است، قضا بر عهده اوست و گرنه روز قیامت در پیشگاه خداوند در حالی ظاهر می شود که نماز را کوچک شمرده، در انجام آن سستی ورزیده و سنت رسول خدا ﷺ را زیر پا نهاده و تباه ساخته است.
 عرض کردم: به راستی او توانایی قضای آنها را ندارد، آیا می تواند به جای آن صدقه دهد؟
 حضرتش مدتی طولانی خاموش ماند. آن گاه فرمود: آری، باید چیزی صدقه دهد.
 عرض کردم: چقدر صدقه دهد؟
 فرمود: به اندازه توانایی کمترین مقدار این است که به هر مسکینی یک مد طعام در ازای هر نمازی بدهد.
 عرض کردم: یک مد در ازای چند نماز باشد؟

فَقَالَ: لِكُلِّ رَكَعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ، وَكُلِّ رَكَعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ.
فَقُلْتُ: لَا يَقْدَرُ.

فَقَالَ: مُدٌّ لِكُلِّ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ.

فَقُلْتُ: لَا يَقْدَرُ.

فَقَالَ: مُدٌّ لِكُلِّ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ مُدٌّ لِكُلِّ صَلَاةِ النَّهَارِ وَ الصَّلَاةُ أَفْضَلُ وَ الصَّلَاةُ أَفْضَلُ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ

عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

اعْلَمْ! أَنَّ النَّافِلَةَ بِمَنْزِلَةِ الْهَدِيَّةِ مَتَى مَا أُتِيَ بِهَا قُبِلَتْ.

۱۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ

أَصْحَابِنَا أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام كَانَ إِذَا اهْتَمَّ تَرَكَ النَّافِلَةَ.

۱۶ - وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَ إِدْبَاراً، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَتَنْقَلُوا، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ.

فرمود: در ازای هر دو رکعت از نماز شب یک مد، و برای هر دو رکعت از نماز روز هم یک مد.

گفتم: توان چنین صدقه‌ای را ندارد.

فرمود: در این صورت برای هر چهار رکعت یک مد (غذا) بدهد.

عرض کردم: باز هم نمی‌تواند.

فرمود: یک مد برای همه نمازهای شب یک مد برای تمام نوافل روز بدهد، اما با این

همه، نماز بهتر است، نماز بهتر است.

۱۴ - عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هان بدان که نماز نافله، مانند هدیه است. هر وقت که انجام شود، مقبول است.

۱۵ - عده‌ای از یاران ما گویند: امام کاظم عليه السلام هر گاه کاری ضروری پیش می‌آمد، نماز

نافله را ترک می‌کرد.

۱۶ - علی بن معبد و راوی دیگری گویند: امام (باقر، یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود:

همانا برای دل‌ها روی آوردنی و روی گردانیدنی است. پس هر گاه دلتان روی آورد،

نماز نافله را به جا آوردید، و هر گاه روی گردانید، بر شما باد به انجام نماز فریضه.

- ۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام يَكُونُ عَلَيَّ الصَّلَاةُ النَّافِلَةُ مَتَى أَفْضِيهَا؟ فَكَتَبَ عليه السلام: أَيْةَ سَاعَةٍ شِئْتَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ.
- ۱۸ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ السَّرَادِ قَالَ: سَأَلَ أَبُو كَهْمَسٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام. فَقَالَ: يُصَلِّي الرَّجُلُ نَوَافِلَهُ فِي مَوْضِعٍ أَوْ يُفَرِّقُهَا. فَقَالَ: لَا، بَلْ يُفَرِّقُهَا هَاهُنَا وَهَاهُنَا، فَإِنَّهَا تَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
- ۱۹ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرِّيَّانِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ يُفْضِي شَيْئًا مِنْ صَلَاتِهِ الْخَمْسِينَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، أَوْ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله، أَوْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ أَتُحْسَبُ لَهُ الرَّكْعَةُ عَلَى تَضَاعُفٍ مَا جَاءَ عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام فِي هَذِهِ الْمَسَاجِدِ حَتَّى يُجْزئَهُ إِذَا كَانَتْ عَلَيْهِ عَشْرَةُ آلَافٍ رَكْعَةٍ أَنْ يُصَلِّيَ مِائَةَ رَكْعَةٍ أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ وَكَيْفَ يَكُونُ حَالُهُ؟

- ۱۷ - محمد بن یحیی بن حبیب گوید: طی نامه‌ای خدمت امام رضا عليه السلام نوشتم: نماز نافله‌ای بر عهده من می‌باشد، چه وقت قضای آن را به جا آورم؟ حضرتش عليه السلام نوشت: هر ساعتی از شب و روز که خواستی (به جای آور).
 ۱۸ - عبدالله بن علی سراد گوید: ابو کهمس از امام صادق عليه السلام پرسید و به حضرتش عرض کرد: آیا انسان می‌تواند نافله‌های خود را در یک مکان، یا در مکان‌های مختلف بخواند؟ فرمود: نه، بلکه در مکان‌های مختلف (بخواند)، در این جا و آن جا بخواند؛ زیرا هر مکانی برای او در روز رستاخیز گواهی خواهد داد.
 ۱۹ - محمد بن ریّان گوید: طی نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشتم: شخصی قضای نمازهای (نافله) از پنجاه رکعت خود را در مسجد الحرام یا در مسجد پیامبر صلى الله عليه وآله و یا در مسجد کوفه به جا می‌آورد، آیا بر حسب آن چه از پدران گرامی شما عليهم السلام رسیده از فضیلت نماز در این مساجد - که یک رکعت آن از نظر پاداش چند برابر می‌شود - او را از قضای بقیه نمازها بی‌نیاز می‌کند، که اگر ده‌هزار رکعت بر عهده او باشد و او صد رکعت - یا کمتر و یا بیشتر - بخواند، به جای آن ده‌هزار رکعت حساب می‌شود و دیگر بر عهده او چیزی نیست؟ آیا حال او چگونه خواهد بود؟

فَوَقَعَ عَلَيْهِ: يُحْسَبُ لَهُ بِالضَّعْفِ، فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ تَقْصِيرًا مِنَ الصَّلَاةِ بِحَالِهَا فَلَا يَفْعَلُ هُوَ إِلَى الزِّيَادَةِ أَقْرَبُ مِنْهُ إِلَى النُّقْصَانِ.

۲۰- أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ عَنْ الرَّجُلِ الْمُسْتَعَجِلِ مَا الَّذِي يُجْزئُهُ فِي النَّافِلَةِ؟
قَالَ: ثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ فِي الْقِرَاءَةِ وَ تَسْبِيحَةٌ فِي الرُّكُوعِ وَ تَسْبِيحَةٌ فِي السُّجُودِ.

(۸۶)

بَابُ صَلَاةِ الْخَوْفِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ صَلَاةِ الْخَوْفِ.

حضرتش عليه نوشت: فزونی پاداش برا او نوشته می شود، ولی اگر آن گونه حساب کردن به سبب فضیلت آن مساجد، باعث کوتاه کردن و انداختن چیزی از نماز شود، این کار را نکند، چون آن گونه مکانها برای زیادی نماز نزدیکتر است تا به کمی آن.

۲۰- ابو حمزه گوید: از امام کاظم عليه پرسیدم: شخصی که (برای انجام کاری) شتاب دارد، در نماز نافله چه چیزی او را کفایت می کند؟

فرمود: سه تسبیح (سبحان الله) در قرائت، یک تسبیح در رکوع و یک تسبیح در سجده.

بخش هشتاد و ششم

نماز خوف و ترس

۱- حلبی گوید: از امام صادق عليه درباره کیفیت نماز خوف پرسیدم.

قَالَ: يَقُومُ الْإِمَامُ وَ تَجِيءُ طَائِفَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُومُونَ خَلْفَهُ وَ طَائِفَةٌ بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ فَيُصَلِّي بِهَمَّ الْإِمَامِ رَكْعَةً ثُمَّ يَقُومُ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ فَيَمْتَلُ قَائِمًا وَ يُصَلُّونَ هُمْ الرَّكْعَةَ الثَّانِيَةَ. ثُمَّ يُسَلِّمُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ يَنْصَرِفُونَ فَيَقُومُونَ فِي مَقَامِ أَصْحَابِهِمْ وَ يَجِيءُ الْآخَرُونَ فَيَقُومُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ فَيُصَلِّي بِهَمَّ الرَّكْعَةَ الثَّانِيَةَ ثُمَّ يَجْلِسُ الْإِمَامُ فَيَقُومُونَ هُمْ فَيُصَلُّونَ رَكْعَةً أُخْرَى ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ فَيَنْصَرِفُونَ بِتَسْلِيمِهِ.

قَالَ: وَ فِي الْمَغْرِبِ مِثْلَ ذَلِكَ يَقُومُ الْإِمَامُ وَ تَجِيءُ طَائِفَةٌ فَيَقُومُونَ خَلْفَهُ ثُمَّ يُصَلِّي بِهَمَّ رَكْعَةً ثُمَّ يَقُومُ وَ يَقُومُونَ فَيَمْتَلُ الْإِمَامُ قَائِمًا وَ يُصَلُّونَ الرَّكْعَتَيْنِ فَيَتَشَهَّدُونَ وَ يُسَلِّمُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ يَنْصَرِفُونَ فَيَقُومُونَ فِي مَوْقِفِ أَصْحَابِهِمْ وَ يَجِيءُ الْآخَرُونَ وَ يَقُومُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ فَيُصَلِّي بِهَمَّ رَكْعَةً يقرأ فِيهَا ثُمَّ يَجْلِسُ فَيَتَشَهَّدُ، ثُمَّ يَقُومُ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يُصَلِّي بِهَمَّ رَكْعَةً أُخْرَى ثُمَّ يَجْلِسُ وَ يَقُومُونَ هُمْ فَيَتِمُّونَ رَكْعَةً أُخْرَى ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ.

فرمود: امام جماعت می ایستد و دسته ای از لشکر پشت سر او می ایستند و دسته ای دیگر در برابر دشمن می ایستند. امام، با ایشان یک رکعت می خواند، سپس بر می خیزد و آنها نیز با او بر می خیزند و امام، هم چنان می ایستد و آنها رکعت دوم خود را می خوانند و آن گاه عده ای از ایشان بر جمعی دیگر سلام می دهند و بعد از نماز، برای جایگزینی به سوی یاران خود می روند و به جای آنان، در مقابل دشمن قرار می گیرند و دسته دیگر می آیند و پشت سر امام جماعت می ایستند و رکعت دوم را با ایشان به جا می آورد، سپس امام می نشیند و آنها بر می خیزند و یک رکعت دیگر می خوانند، سپس امام جماعت سلام می دهد و با سلام دادن او آنها به جای خود باز می گردند.

امام علیه السلام فرمود: نماز مغرب نیز همین طور است؛ امام جماعت می ایستد و دسته ای می آیند و پشت سر او می ایستند و یک رکعت با ایشان می گزارد و بر می خیزد و ایشان نیز بر می خیزند و او هم چنان می ایستد، آنها دو رکعت دیگر می خوانند و تشهد می گویند و جمعی از آنها سلام می دهند و بعد از نماز برای جایگزینی به سوی یاران خود می روند، و دسته دیگری می آیند و پشت سر امام می ایستند و با ایشان نیز یک رکعت می خوانند که در آن قرائت می کند و می نشیند و تشهد می گوید، سپس بر می خیزد و آنها نیز با او بر می خیزند و یک رکعت دیگر با آنان می گزارد و پس از آن می نشیند، و آنها بر می خیزند و رکعت دیگر را تمام می کنند و آن گاه امام بر ایشان سلام می دهد.

- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:
- صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَصْحَابِهِ فِي غَزْوَةِ ذَاتِ الرِّقَاعِ صَلَاةَ الْخَوْفِ، فَفَرَّقَ أَصْحَابَهُ فِرْقَتَيْنِ أَقَامَ فِرْقَةً بِإِزَاءِ الْعُدُوِّ وَفِرْقَةً خَلْفَهُ فَكَبَّرَ وَكَبَّرُوا فَقَرَأُوا وَفَرَّقُوا وَأَنْصَتُوا وَرَكَعَ فَرَكَعُوا وَسَجَدَ فَسَجَدُوا، ثُمَّ اسْتَتَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَائِمًا وَصَلُّوا لِأَنْفُسِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ سَلَّمَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ خَرَجُوا إِلَى أَصْحَابِهِمْ، فَقَامُوا بِإِزَاءِ الْعُدُوِّ وَجَاءَ أَصْحَابُهُمْ.
- فَقَامُوا خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَصَلَّى بِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ تَشَهَّدَ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَقَامُوا فَصَلُّوا لِأَنْفُسِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ سَلَّمَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ.
- ۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

- ۲- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق ﷺ فرمود:
- رسول خدا ﷺ در جنگ (غزوه) ذات الرقاع^(۱) با اصحاب خود نماز خوف به جا آورد. آن نماز به این ترتیب بود که رسول خدا ﷺ اصحابش را به دو دسته تقسیم فرمود. یک دسته را برای رویارویی با دشمن قرار داد، و دسته دیگر را به نماز در پشت سر خود نگه داشت. آن گاه حضرتش تکبیر گفت و آنها نیز تکبیر گفتند، و به قرائت پرداخت و آنان ساکت ماندند. پس به رکوع رفت و آنان نیز به رکوع رفتند، به سجده رفت و آنان نیز به سجده رفتند، آن گاه رسول خدا ﷺ برخاست، و مأمومین برای خود یک رکعت نماز گزاردند. آن گاه عده‌ای از آنان سلام دادند و بعد از نماز، جهت جایگزینی به سوی یاران خود رفته و به جای آنان در مقابل دشمن قرار گرفتند. یاران دیگر آمدند و پشت سر رسول خدا ﷺ به نماز ایستادند، و آن حضرت با آنان یک رکعت نماز گزارد، سپس تشهد را خواند و سلام داد. بعد آنان برخاسته و (جداگانه) یک رکعت نماز به جا آوردند و سلام دادند.
- ۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود:

۱- یکی از غزوه‌های معروف است که در سال چهارم - یا پنجم - هجری در غطفان از سر زمین نجد به وقوع پیوست.

إِنْ كُنْتَ فِي أَرْضٍ مَخَافَةٍ فَخَشِيَتْ لِيصًّا أَوْ سَبْعًا فَصَلِّ عَلَيَّ دَائِبَتِكَ.
 ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ
 قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَسِيرِ يَأْسِرُهُ الْمُشْرِكُونَ فَتَحْضِرُهُ الصَّلَاةَ فَيَمْنَعُهُ الَّذِي أَسْرَهُ
 مِنْهَا.

قَالَ: يُومِيءُ إِيمَاءً.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:
 سَأَلْتُهُ قُلْتُ: أَكُونُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَنَنْزِلُ لِلصَّلَاةِ فِي مَوَاضِعَ فِيهَا الْأَعْرَابُ
 أَنْصَلِي الْمَكْتُوبَةَ عَلَيَّ الْأَرْضِ، فَنَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَحَدَّهَا أُمَّ نُصَلِّي عَلَيَّ الرَّاحِلَةَ
 فَنَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ السُّورَةَ؟
 فَقَالَ: إِذَا خِفْتَ فَصَلِّ عَلَيَّ الرَّاحِلَةَ الْمَكْتُوبَةَ وَ غَيْرَهَا وَإِذَا قَرَأْتَ الْحَمْدَ
 وَ سُورَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ لَا أَرَى بِالَّذِي فَعَلْتَ بِأَسَاءً.

اگر در سرزمینی قرار گرفتی که خوفناک بود و از دزد یا درندگان ترس داشتی بر روی
 چهار پایت نماز بخوان.

۴- سماعه گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: اسیری است که مشرکان و او را به اسارت
 گرفته‌اند و وقت نماز فرا می‌رسد و مشرکان از خواندن نماز جلوگیری می‌کنند (چه
 وظیفه‌ای دارد؟)
 فرمود: با اشاره نماز بگزارد.

۵- محمد بن اسماعیل گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: در مسیر راه مکه، در برخی
 مکان‌هایی که عرب‌های بادیه‌نشین هستند، فرود می‌آیم (و می‌ترسیم که ما را غارت
 کنند) آیا نماز فریضه را بر روی زمین به یک حمد تنها بخوانیم، یا این که بر بالای مرکب
 سواری آن را با حمد و سوره به جای آوریم (کدام بهتر است؟)
 فرمود: هرگاه ترسیدی، نماز فریضه و غیر فریضه را بر بالای مرکب سواری بگزار، و اگر
 حمد و سوره را بخوانی نزد من بهتر است و در آن چه که تو انجام داده‌ای، اشکالی نمی‌بینم.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا﴾ كَيْفَ يُصَلِّي؟ وَ مَا يَقُولُ إِذَا خَافَ مِنْ سَبْعٍ، أَوْ لِيَصَّ كَيْفَ يُصَلِّي؟ قَالَ: يُكَبِّرُ وَ يُؤَمِّي إِيمَاءً بِرَأْسِهِ.

(۸۷)

بَابُ صَلَاةِ الْمَطَارِدَةِ وَ الْمُوَاقِفَةِ وَ الْمُسَايِفَةِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمِ الثَّمَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا جَالَتِ الْحَيْلُ تَضَطَّرَبُ السُّيُوفُ أَجْزَاهُ تَكْبِيرَتَانِ، فَهَذَا تَقْصِيرٌ آخَرٌ.

۲- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ فَضِيلٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ فِي صَلَاةِ الْخَوْفِ عِنْدَ الْمَطَارِدَةِ وَ الْمُنَاوَشَةِ:

۶- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام درباره آیه کریمه ای که خداوند تعالی می فرماید: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا﴾ سؤال کردم که چگونه شخص باید نماز بخواند، در صورتی که از درنده یا دزد بترسد؟ فرمود: تکبیر گوید و با سر خود اشاره نماید.

بخش هشتاد و هفتم

نماز در هنگام حمله دشمن، مقابله با او و جنگ تن به تن

۱- محمد بن عذافر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه سواران بر یکدیگر حمله کنند و شمشیرها به حرکت در آیند، برای نماز گزار، دو تکبیر کافی است و این، تقصیر (کوتاه شدن نماز) دیگری است.

۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام در مورد نماز خوف به هنگام حمله دشمن و هنگامی که رزمندگان در کارزار به جنگ تن به تن پردازند فرمود:

يُصَلِّي كُلُّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ بِالْإِيمَاءِ حَيْثُ كَانَ وَجْهُهُ، وَإِنْ كَانَتْ الْمُسَايِفَةُ وَالْمُعَانَقَةُ وَتَلَا حُمُ الْقِتَالِ، فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَلَّى لَيْلَةَ صَفِّينَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْهَرِيرِ لَمْ تَكُنْ صَلَاتُهُمْ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ وَالْمَغْرِبُ وَالْعِشَاءُ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ إِلَّا التَّكْبِيرَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّسْبِيحَ وَ التَّحْمِيدَ وَ الدُّعَاءَ فَكَانَتْ تِلْكَ صَلَاتَهُمْ لَمْ يَأْمُرْهُمْ بِإِعَادَةِ الصَّلَاةِ.

۳- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَمِعْتُ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَذْكَرُ: أَنَّ أَقَلَّ مَا يُجْزِي فِي حَدِّ الْمُسَايِفَةِ مِنَ التَّكْبِيرِ تَكْبِيرَتَانِ لِكُلِّ صَلَاةٍ إِلَّا الْمَغْرِبَ، فَإِنَّ لَهَا ثَلَاثًا.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَأَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾. قَالَ: فِي الرَّكْعَتَيْنِ تُنْقِصُ مِنْهُمَا وَاحِدَةً.

در نماز خوف به هنگام حمله دشمن و هنگامی که هر کدام از رزمندگان باید با اشاره به هر طرف که روی او باشد نماز بخواند، و اگر جنگ تن به تن باشد و دست به گریبان یکدیگر باشند و جنگ شدت گیرد (به جای هر رکعت، ذکر یا تکبیری است)، زیرا امیر مؤمنان علی عليه السلام در جنگ صفین - که شب هریر بود - نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء آنان تکبیر، تهلیل، تسبیح، حمد و دعا بود و همین، نماز آنان بود و آن حضرت به سپاهیانش امر فرمود که بعد از پایان جنگ، نماز خود را اعاده کنند.

۳- عبدالله بن مغیره گوید: از بعضی یاران شنیدم که (از امام عليه السلام) نقل می‌کرد: کمترین مقدار تکبیر در هنگام شمشیر کشیدن و در آویختن در کارزار برای هر نماز دو تکبیر است، مگر نماز مغرب که آن سه تکبیر است.

۴- حریر گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند تعالى که می‌فرماید: ﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ فرمود: دو رکعت را (که خود کوتاه شده چهار رکعت است) به یک رکعت کوتاه کنید.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْقِتَالِ .

فَقَالَ: إِذَا التَّقَوَّا فَاقْتَتَلُوا، فَإِنَّ الصَّلَاةَ حِينَئِذٍ التَّكْبِيرُ وَإِنْ كَانُوا وَقُوفًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الْجَمَاعَةِ فَالصَّلَاةُ إِيمَاءٌ.

۶- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْمَوَاقِفُ عَلَى وُضُوءٍ كَيْفَ يَصْنَعُ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى النَّزُولِ؟

قَالَ: يَتِيَمُّ مِنْ لِيَدِهِ أَوْ سَرِّجِهِ أَوْ مَعْرِفَةِ دَابَّتِهِ، فَإِنَّ فِيهَا عُبَارًا وَ يُصَلِّي وَ يَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ وَلَا يَدُورُ إِلَى الْقِبْلَةِ، وَ لَكِنْ أَيْنَمَا دَارَتْ دَابَّتُهُ غَيْرَ أَنَّهُ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِأَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ حِينَ يَتَوَجَّهُ.

۵- سماعه گوید: از آن حضرت (امام صادق عليه السلام) درباره چگونگی نماز به هنگام کارزار پرسیدم.

فرمود: وقتی دو سپاه در برابر هم قرار گیرند و به پیکار پردازند، در چنین حالی نماز فقط تکبیر است، و چون با دشمن رو در رو بایستند و نتوانند نماز را به جماعت به جای آورند، در این صورت نماز با اشاره انجام می شود.

۶- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: اگر کسی وضو نداشته و از بیم دشمن نتواند از چهار پایش فرود آید، باید چه کند؟

فرمود: بر نمد چهارپای خود، یا نمد زین، یا یال اسبش - که همواره در آن غباری است - تیمم کرده و نماز می خواند، به گونه ای که سجده را فروتر از رکوع به جا آورده، و رو به قبله نمی گردد و به هر طرف که چهارپا می گردد، او برمی گردد، و فقط هنگامی که متوجه نماز می شود و شروع به نماز می کند رو به قبله تکبیره الاحرام می گوید.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَلْقَى السَّبْعَ وَ قَدْ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَ لَا يَسْتَطِيعُ الْمَشْيَ مَخَافَةَ السَّبْعِ، فَإِنْ قَامَ يُصَلِّي خَافَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ السَّبْعَ وَ السَّبْعُ أَمَامَهُ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ، فَإِنْ تَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ خَافَ أَنْ يَثْبَ عَلَيْهِ الْأَسَدُ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 قَالَ: فَقَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْأَسَدَ وَ يُصَلِّي وَ يَوْمِي بِرَأْسِهِ إِيْمَاءً وَ هُوَ قَائِمٌ، وَ إِنْ كَانَ الْأَسَدُ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ.

(۸۸)

بَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ وَ الْخُطْبَةِ فِيهِمَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
 قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۷ - علی بن جعفر گوید: از برادر امام کاظم علیه السلام سؤال کردم: کسی که با درنده ای روبه رو شود و وقت نماز فرارسد و او از ترس درنده نتواند حرکت کند و اگر برخیزد و نماز بخواند در رکوع و سجود خود از آن درنده می ترسد و آن درنده در مقابل او در جهتی غیر از قبله قرار گرفته است و اگر بخواهد روی خود را به جانب قبله کند، می ترسد که شیر حمله کند و بر او بجهد که او چه باید بکند؟
 گوید: آن حضرت فرمود: رو به شیر درنده کرده و هم چنان ایستاده با اشاره سر خود، نماز گزارد، هر چند شیر درنده در جهتی غیر از قبله قرار گرفته باشد.

بخش هشتاد و هشتم

نماز عید فطر و عید قربان و خطبه آنها

۱ - زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

لَيْسَ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَىٰ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ، أَذَانُهُمَا طُلُوعُ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ خَرَجُوا وَ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا صَلَاةٌ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ مَعَ إِمَامٍ فِي جَمَاعَةٍ، فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَلَا قِضَاءَ عَلَيْهِ.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا صَلَاةَ يَوْمَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَىٰ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ.

۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَىٰ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ.

فَقَالَ: رَكَعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ، وَ لَيْسَ فِيهِمَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ يُكَبَّرُ فِيهِمَا اثْنَتَيْ عَشَرَ تَكْبِيرَةً يَبْدَأُ فَيُكَبِّرُ وَ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ ثُمَّ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثُمَّ يَقْرَأُ وَ الشَّمْسِ وَ ضَحِيهَا ثُمَّ يُكَبِّرُ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ يُكَبِّرُ وَ يَرْكَعُ فَيَكُونُ يَرْكَعُ بِالسَّابِعَةِ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ «هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ وَ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ وَ يَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ.

نماز عید فطر و عید قربان اذان و اقامه ندارند. اذان آن‌ها طلوع خورشید است که هر گاه خورشید طلوع کند، مردم خارج می‌شوند و پیش از آن دو و بعد از آن دو نمازی نیست و هر کس آن نمازها را با جماعت به جا نیاورد، نماز (کاملی) بر عهده او نیست و آن دو نماز قضا ندارند.

۲- معمر بن یحیی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

نماز روز عید فطر و عید قربان فقط با امام جماعت است.

۳- معاویه (بن عمّار) گوید: از امام عليه السلام درباره نماز عید فطر و قربان پرسیدم.

فرمود: دو رکعت است. پیش از آن دو رکعت و بعد از آن دو چیزی (نافله‌ای) نیست. این دو نماز اذان و اقامه ندارند و نماز گزار، در آن دو رکعت دوازده تکبیر می‌گوید، با تکبیر نماز را شروع می‌کند، سپس سوره حمد و پس از آن سوره «والشمس و ضحیها» را می‌خواند، سپس پنج تکبیر می‌گوید. آن گاه تکبیر هفتم را گفته و به رکوع می‌رود، و پس از آن، دو سجده به جا می‌آورد. آن گاه برمی‌خیزد و سوره حمد و «هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» را می‌خواند، سپس چهار تکبیر می‌گوید و دو سجده انجام می‌دهد و تشهد را می‌گوید و سلام می‌دهد.

قَالَ: وَ كَذَلِكَ صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْخُطْبَةُ بَعْدَ الصَّلَاةِ، إِنَّمَا أَحَدَتْ الْخُطْبَةُ قَبْلَ الصَّلَاةِ عُمَانًا، وَإِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ فَلْيَقْعُدْ بَيْنَ الْخُطْبَتَيْنِ قَلِيلًا وَ يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَلْبَسَ يَوْمَ الْعِيدَيْنِ بُرْدًا وَ يِعْتَمَّ شَاتِيًا كَانَ أَوْ قَائِظًا وَ يَخْرُجُ إِلَى الْبَرِّ حَيْثُ يَنْظُرُ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ، وَ لَا يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ وَ لَا يَسْجُدُ عَلَيْهِ، وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ إِلَى الْبَقِيعِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ فِطْرٍ أَوْ يَوْمَ أَضْحَى: لَوْ صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِكَ؟ فَقَالَ: إِنِّي لَا حُبُّ أَنْ أُبْرَزَ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ.

فرمود: رسول خدا ﷺ نیز چنین انجام می داد. خطبه این نماز بعد از نماز است و خطبه پیش از نماز را عثمان بدعت نهاد. هنگامی که امام خطبه (اول) را خواند، باید میان دو خطبه اندکی بنشیند. شایسته است امام در روز عید فطر و قربان ردا بپوشد، عمامه بر سر نهد - چه زمستان باشد و چه تابستان - و برای خواندن نماز به صحرا برود و کران تا کران آسمان را بنگرد و بر روی حصیر نماز نخواند و به آن سجده نکند. سنت رسول خدا ﷺ چنین بود که به سوی بقیع می رفت و در آن جا با مردم نماز می گزارد.

۴ - لیث مرادی گوید: امام صادق ع فرمود:

به رسول خدا ﷺ گفتند: ای کاش! در روز فطر، یا قربان در مسجد خود نماز می گزاریدی؟ فرمود: من دوست می دارم که کران تا کران آسمان نمایان باشد.

۵ - علی بن ابی حمزه گوید: امام صادق ع درباره نماز عید فطر و عید قربان فرمود:

قَالَ: يُكَبِّرُ ثُمَّ يَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ خَمْسًا وَ يَفْتَتُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ ثُمَّ يُكَبِّرُ السَّابِعَةَ وَ يَرْكَعُ بِهَا ثُمَّ يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فِي الثَّانِيَةِ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا فَيَفْتَتُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ ثُمَّ يُكَبِّرُ وَ يَرْكَعُ بِهَا.

۶- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُخْرَجَ السَّلَاحُ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَدُوًّا حَاضِرًا.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَّارَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَيْتُ أَبِي بِالْحُمْرَةِ يَوْمَ الْفِطْرِ فَأَمَرَ بِرَدِّهَا.

ثُمَّ قَالَ: هَذَا يَوْمٌ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُجِبُّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ وَ يَضَعُ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ.

۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عُثْمَانَ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

نماز گزار، تکبیر می گوید، قرائت می کند، سپس پنج تکبیر می گوید و میان هر دو تکبیر قنوت می خواند و آن گاه تکبیر هفتم را می گوید و به رکوع می رود و پس از آن سجده می کند، سپس برای رکعت دوم برمی خیزد، قرائت می کند و چهار تکبیر می گوید و در میان هر دو تکبیر قنوت می خواند و آن گاه تکبیر گفته و به رکوع می رود.

۶- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که آن حضرت فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهی فرمود که در نماز عید فطر و عید قربان سلاح حمل شود، مگر آن که دشمن حضور داشته باشد.

۷- فضل بن یسار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در روز عید فطر برای پدر بزرگوارم سجاده حصیری آورده شد، ولی حضرتش، دستور داد آن را برگردانند، سپس فرمود: این روزی است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوست می داشت به کران تا کران آسمان نگاه کند و پیشانی خود را بر زمین گذارد.

۸- سلمه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اجْتَمَعَ عِيدَانِ عَلَيَّ عَهْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَطَبَ النَّاسَ.
ثُمَّ قَالَ: هَذَا يَوْمٌ اجْتَمَعَ فِيهِ عِيدَانِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَجْمَعَ مَعَنَا فَلْيَفْعَلْ وَ مَنْ لَمْ
يَفْعَلْ فَإِنَّ لَهُ رُحْصَةً. يَعْنِي مَنْ كَانَ مُتَنَحِيًّا.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ فَاتَتْهُ رُكْعَةٌ مَعَ الْإِمَامِ مِنَ الصَّلَاةِ أَيَّامَ
التَّشْرِيقِ.

قَالَ: يَتِمُّ الصَّلَاةَ وَ يُكَبِّرُ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
السُّنَّةُ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ أَنْ يَبْرُزُوا مِنْ أَمْصَارِهِمْ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا أَهْلَ مَكَّةَ،
فَأَيْتُهُمْ يُصَلُّونَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

۱۱ - مُحَمَّدٌ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِي بَانَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

در زمان امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه دو عید (روز جمعه و عید فطر یا قربان) در یک
روز اتفاق افتاد، آن حضرت برای مردم خطبه خواند، سپس فرمود: امروز، روزی است که
دو عید در آن جمع شده است، هر کس دوست دارد که با ما در نماز جمعه نیز شرکت کند،
چنین نماید و هر کس که نمی تواند برای او رخصت و اجازه هست. یعنی کسانی که
خانه هایشان دور بود.

۹ - محمد بن مسلم گوید: از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: شخصی در ایام تشریق (سه روز از ایام
حج که بعد از عید قربان است). یک رکعت از نماز او با امام فوت می شود (وظیفه او چیست؟)
فرمود: نماز را تمام می کند و تکبیر می گوید.

۱۰ - محمد بن یحیی در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
بر ساکنان و اهالی شهرها سنت است که در روزهای عید قربان و عید فطر برای اقامه
نماز عید از شهرها بیرون روند جز مردم مکه، که نماز را در مسجد الحرام به جا می آورند.

۱۱ - محمد بن فضل هاشمی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رَكَعَتَانِ مِنَ السُّنَّةِ لَيْسَ تُصَلِّيَانِ فِي مَوْضِعٍ إِلَّا بِالْمَدِينَةِ.
 قَالَ: يُصَلِّي فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْعِيدِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْمُصَلِّي
 لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا بِالْمَدِينَةِ، لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَعَلَهُ.

(۸۹)

بَابُ صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ
 وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ جَمِيعاً عَنْ مَرَّةَ مَوْلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: صَاحَ أَهْلُ
 الْمَدِينَةِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ .
 فَقَالَ لِي: انْطَلِقْ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّهِ مَا رَأَيْتَ، فَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ صَاحُوا إِلَيَّ
 فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ .

دو رکعت نماز سنت است که در هیچ جا خوانده نمی شود مگر در مدینه.
 فرمود: آن دو رکعت را در روز عید فطر و عید قربان در مسجد رسول خدا ﷺ پیش از
 رفتن به مصلاً می خوانند و مخصوص شهر مدینه است؛ زیرا رسول خدا ﷺ این دو رکعت
 را پیش از رفتن به مصلاً در مدینه به جا می آورد.

بخش هشتاد و نهم

نماز طلب باران

۱ - مره - خدمتکار محمد بن خالد، والی مدینه - گوید: مردم مدینه فریادکنان برای طلب
 باران نزد محمد بن خالد آمدند.
 والی به من گفت: حضور امام صادق علیه السلام برو و از آن حضرت سؤال کن که نظر شما در
 این باره چیست؛ زیرا مردم فریادکنان به سوی من آمده اند.
 من به خدمت آن حضرت رفتم و ماجرا را به عرض حضرتش رسانیدم.

فَقَالَ لِي: قُلْ لَهُ: فَلْيُخْرِجْ.
 قُلْتُ لَهُ: مَتَى يُخْرِجُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟
 قَالَ: يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ؟
 قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: يُخْرِجُ الْمُنْبَرُ ثُمَّ يُخْرِجُ يَمْشِي كَمَا يَمْشِي يَوْمَ الْعِيدَيْنِ وَبَيْنَ يَدَيْهِ
 الْمُؤَذِّنُونَ فِي أَيْدِيهِمْ عَنزُهُمْ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى الْمُصَلِّي يُصَلِّي بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ
 بَعِيرِ أَذَانٍ وَ لَا إِقَامَةٍ ثُمَّ يَصْعَدُ الْمُنْبَرُ فَيَقْلِبُ رِذَاءَهُ فَيَجْعَلُ الَّذِي عَلَى يَمِينِهِ عَلَى
 يَسَارِهِ وَ الَّذِي عَلَى يَسَارِهِ، عَلَى يَمِينِهِ ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيَكْبِرُ اللَّهُ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ
 رَافِعًا بِهَا صَوْتَهُ ثُمَّ يَلْتَفِتُ إِلَى النَّاسِ عَنِ يَمِينِهِ فَيُسَبِّحُ اللَّهُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ رَافِعًا بِهَا
 صَوْتَهُ ثُمَّ يَلْتَفِتُ إِلَى النَّاسِ عَنِ يَسَارِهِ فَيَهْلِلُ اللَّهُ مِائَةَ تَهْلِيلَةٍ رَافِعًا بِهَا صَوْتَهُ ثُمَّ
 يَسْتَقْبِلُ النَّاسَ فَيَحْمَدُ اللَّهُ مِائَةَ تَحْمِيدَةٍ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فَيَدْعُو ثُمَّ يَدْعُونَ، فَإِنِّي
 لَأَرْجُو أَنْ لَا يَخِيْبُوا.

فرمود: به او بگو: از شهر خارج شود.

به آن حضرت عرض کردم: قربانت گردم! کی خارج شود؟

فرمود: روز دوشنبه.

عرض کردم: چه باید بکند؟

فرمود: منبر را به بیرون می‌فرستد، سپس خارج می‌شود آن سان که در نماز عیدین
 بیرون می‌رفت، مؤذنان نیزه‌ها در دست پیشاپیش او حرکت کنند تا به مصلاً برسند. آن‌گاه
 دو رکعت نماز بدون اذان و اقامه با مردم به جا می‌آورد. بعد بر فراز منبر قرار گیرد و رداى
 خود را برگرداند به گونه‌ای که شانه راست ردا به شانه چپش قرار گیرد و شانه چپش بر شانه
 راستش قرار گیرد. آن‌گاه رو به قبله نموده و با صدای بلند صدبار تکبیر بگوید. سپس از
 طرف راست خود رو به مردم نماید و با صدای بلند صد مرتبه «سبحان الله» بگوید،
 و آن‌گاه از سمت چپ خود رو به مردم کند و با صدای بلند صد مرتبه «لا إله إلا الله»
 بگوید، آن‌گاه رو به مردم کرده و صد مرتبه «الحمد لله» بگوید، سپس دست‌هایش را به
 طرف بالا برداشته دعا کند و مردم نیز دعا کنند. من امیدوارم که بی‌بهره و بی‌نصیب
 نخواهند شد.

قَالَ: فَفَعَلَ فَلَمَّا رَجَعْنَا جَاءَ الْمَطْرُ.

قَالُوا: هَذَا مِنْ تَعْلِيمِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

وَ فِي رِوَايَةِ يُونُسَ: فَمَا رَجَعْنَا حَتَّى أَهَمَّتْنَا أَنْفُسُنَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ .

فَقَالَ: مِثْلُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ يَفْرَأُ فِيهَا وَ يُكَبِّرُ فِيهَا كَمَا يَفْرَأُ وَ يُكَبِّرُ فِيهَا يَخْرُجُ الْإِمَامُ وَ يَبْرُزُ إِلَى مَكَانٍ نَظِيفٍ فِي سَكِينَةٍ وَ وَقَارٍ وَ خُشُوعٍ وَ مَسْكَنَةٍ وَ يَبْرُزُ مَعَهُ النَّاسُ، فَيَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُمَجِّدُهُ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ يَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ وَ يُكْثِرُ مِنَ التَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ وَ يُصَلِّي مِثْلَ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ رَكَعَتَيْنِ فِي دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ وَ اجْتِهَادٍ، فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَلْبَ نَوْبِهِ وَ جَعَلَ الْجَانِبَ الَّذِي عَلَى الْمَنْكِبِ الْأَيْمَنِ عَلَى الْأَيْسَرِ وَ الَّذِي عَلَى الْأَيْسَرِ عَلَى الْأَيْمَنِ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَذَلِكَ صَنَعَ.

راوی گوید: والی دستور حضرتش را انجام داد، و چون از بیرون شهر بازگشتیم باران آمد. مردم گفتند: این از آموزه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده است. و در (پایان) روایت یونس چنین آمده است: هنوز به شهر باز نگشته بودیم که (از زیادی باران) بر جان خود ترسیدیم.

۲ - هشام بن حکم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره طلب نماز باران و کیفیت آن پرسیدم. فرمود: نماز طلب باران همانند نماز عید فطر و عید قربان است که نماز گزار در آن قرائت می کند و تکبیر می گوید؛ آن سان که در نماز عید قرائت می کند و تکبیر می گوید. در این نماز امام جماعت، از خانه خارج می شود و در بیرون شهر در مکان پاکیزه ای با آرامش و وقار و فروتنی و شکستگی ظاهر می شود و مردم نیز با او بیرون می روند. آن گاه خداوند را حمد و سپاس گوید، تعظیم و ستایش نماید و در دعا می کوشد و بسیار تسبیح، تهلیل، تکبیر می گوید، و دو رکعت نماز مانند نماز عید با دعا و طلب حاجت و کوشش می گزارد، و چون امام سلام می دهد، لباس خود را برمی گرداند؛ به گونه ای که شانه راست ردای او به شانه چپش افتد و شانه چپ ردایش بر شانه راستش قرار گیرد؛ زیرا پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز این گونه عمل می نمود.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ تَحْوِيلِ النَّبِيِّ ﷺ رِدَاءَهُ إِذَا اسْتَسْقَى .

فَقَالَ: عَلَامَةٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَصْحَابِهِ يُحَوَّلُ الْجَدْبُ خِصْبًا.

۴- وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ: يُكَبَّرُ فِي صَلَاةِ الْاسْتِسْقَاءِ كَمَا يُكَبَّرُ فِي الْعِيدَيْنِ فِي الْأُولَى سَبْعًا وَ فِي الثَّانِيَةِ خَمْسًا وَ يُصَلِّي قَبْلَ الْخُطْبَةِ وَ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ وَ يَسْتَسْقَى وَ هُوَ قَاعِدٌ.

(۹۰)

بَابُ صَلَاةِ الْكُسُوفِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

إِنَّهُ لَمَّا قُبِضَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ جَرَتْ فِيهِ ثَلَاثُ سُنَنِ أَمَّا وَاحِدَةٌ، فَإِنَّهُ لَمَّا مَاتَ انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ .

فَقَالَ النَّاسُ: انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ لِفَقْدِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى فِي رِوَايَتِهِ مَرْفُوعَةً أَيْ كَمَا قَالَ: أَنَّ امَامَ صَادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَلَتِ بَرَكْرَدَانِيدِنِ رَسُولِ خَدَا ﷺ عِبَايَ خُودَا رَا دَرِ هِنَاكَمِ نَمَازِ اسْتِسْقَاةٍ پَرَسِيدِنِدِنِ .

فَرَمُودُ: اَزِ اَيْنِ جِهَتِ كِهْ عَلَامَتِي مِيَاَنِ اُو وَ اَصْحَابِشِ بَاشِدِ، كِهْ خَشَكْسَالِي بِهْ فِرَاخِي وَ سِرْسَبِزِي دِگَرگُونِ شُدِ.

۴- وَ دَرِ رِوَايَتِ ابْنِ مُغِيرَةَ اَمَدِهْ اَسْتِ (اَمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودُ): اَمَامِ جَمَاعَتِ، دَرِ نَمَازِ اسْتِسْقَاةٍ مَانِنْدِ نَمَازِ دُوْ عِيدِ دَرِ رَكْعَتِ اَوَّلِ هَفْتِ مَرْتَبِهْ وَ دَرِ رَكْعَتِ دُوْمِ پَنَجِ مَرْتَبِهْ تَكْبِيرِ مِيْ گُويِدِ وَ نَمَازِ رَا پِيَشِ اَزِ خُطْبِهْ بِهْ جَا مِيْ اُورِدِ وَ قِرَاةَتِ رَا بَلِنْدِ مِيْ خُوانِدِ وَ دَرِ حَالِي كِهْ نَشِستِهْ اَسْتِ، طَلَبِ بَارَانِ مِيْ كِنْدِ.

بخش نودم

نماز خورشید و ماه گرفتگی

۱- عَلِيٌّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ گُويِدُ: اَزِ اَمَامِ كَاظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَنِيدِمِ كِهْ مِيْ فَرَمُودُ:

هِنَاكَمِي كِهْ اِبْرَاهِيمِ، فَرَزَنْدِ رَسُولِ خَدَا ﷺ وَ فَاةَتِ يَافَتِ، سِهْ سَنَّتِ دَرِ اُو جَارِي شُدِ .

نَخِستِ اَنِ كِهْ وَ قَتِي اُو وَ فَاةَتِ يَافَتِ، اَفْتَابِ گَرَفَتِ .

مَرْدَمِ گُفْتِنْدِ: اَفْتَابِ بَرَايِ وَ فَاةَتِ فَرَزَنْدِ رَسُولِ خَدَا ﷺ گَرَفْتِهْ اَسْتِ!

فَصَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ .
 ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ تَجْرِيَانِ بِأَمْرِهِ
 مُطِيعَانِ لَهُ لَا تَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ، فَإِذَا انْكَسَفَتَا أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُمَا
 فَصَلُّوا ثُمَّ نَزَلَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ صَلَاةَ الْكُسُوفِ.

۲- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ
 بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا: سَأَلْنَا أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ صَلَاةِ
 الْكُسُوفِ كَمْ هِيَ رَكْعَةٌ وَ كَيْفَ تُصَلِّيْهَا؟

فَقَالَ: عَشْرُ رَكْعَاتٍ وَ أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ تَفْتِيحُ الصَّلَاةِ بِتَكْبِيرَةٍ وَ تَرْكُوعٌ بِتَكْبِيرَةٍ وَ
 تَرْفَعُ رَأْسَكَ بِتَكْبِيرَةٍ إِلَّا فِي الْخَامِسَةِ الَّتِي تَسْجُدُ فِيهَا وَ تَقُولُ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ
 حَمِدَهُ» وَ تَقْنُتُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الرَّكُوعِ وَ تُطِيلُ الْقُنُوتَ وَ الرَّكُوعَ عَلَى قَدْرِ
 الْقِرَاءَةِ وَ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ، فَإِنْ فَرَعْتَ قَبْلَ أَنْ يَنْجَلِيَ فَاقْعُدْ وَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
 حَتَّى يَنْجَلِيَ وَ إِنْ أَنْجَلَى قَبْلَ أَنْ تَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِكَ فَاتِمِّ مَا بَقِيَ وَ تَجَهَّرْ بِالْقِرَاءَةِ.

رسول خدا ﷺ بالای منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت، سپس فرمود: ای مردم!
 خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های خدا هستند که به فرمان او در رفت و آمدند و
 فرمان‌بردار او هستند که به مرگ و زندگی کسی گرفته نمی‌شوند و هرگاه هر دو، یا یکی از
 آن‌ها گرفته شود، نماز (آیات) بخوانید، سپس از منبر فرود آمد و با مردم نماز کسوف خواند.
 ۲- زراره و محمد بن مسلم گویند: از امام باقر عليه السلام درباره نماز کسوف پرسیدم که چند
 رکعت است؟ و چگونه آن را بخوانیم؟

فرمود: این نماز ده رکوع و چهار سجده دارد. نماز را با یک تکبیر شروع می‌کنی، با یک
 تکبیر به رکوع می‌روی و با یک تکبیر سر از رکوع برمی‌داری؛ مگر در رکوع پنجم که پس از
 آن به سجده می‌روی و می‌گویی: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» و در هر دو رکوع پیش از رکوع قنوت
 می‌خوانی و قنوت ^(۱) را به اندازه قرائت، رکوع و سجود طولانی کن، و اگر پیش از آن که
 خورشید - یا ماه - به طور کامل آشکار شود، نمازت به پایان رسید، بنشین و خدا را فراخوان
 تا آشکار شود و اگر پیش از پایان یافتن نماز آشکار شود، مانده نمازت را تمام کن و قرائت را
 بلند بخوان.

۱ - در متن آمده است: و قنوت و رکوع را، به نظر می‌رسد. واژه رکوع را ناسخ از روی اشتباه افزوده است.

قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ الْقِرَاءَةُ فِيهَا؟

فَقَالَ: إِنْ قَرَأْتَ سُورَةً فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَأَقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَإِنْ نَقَصْتَ مِنَ السُّورَةِ شَيْئًا فَأَقْرَأْ مِنْ حَيْثُ نَقَصْتَ وَلَا تَقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ.

قَالَ: وَكَانَ يَسْتَحِبُّ أَنْ يَقْرَأَ فِيهَا بِالْكَهْفِ وَ الْحَجْرِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ إِمَامًا يَشُقُّ عَلَى مَنْ خَلْفَهُ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ صَلَاتُكَ بَارِزًا لَا يَجُتُّكَ بَيْتٌ فافْعَلْ وَ صَلَاةُ كُسُوفِ الشَّمْسِ أَطْوَلُ مِنْ صَلَاةِ كُسُوفِ الْقَمَرِ، وَ هُمَا سَوَاءٌ فِي الْقِرَاءَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ.

۳- حَمَادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا: قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذِهِ الرِّيَّاحُ وَ الظُّلْمُ الَّتِي تَكُونُ هَلْ يُصَلِّي لَهَا.

فَقَالَ: كُلُّ أَحَاوِيْفِ السَّمَاءِ مِنْ ظُلْمَةٍ، أَوْ رِيحٍ أَوْ فَرْعٍ فَصَلِّ لَهُ صَلَاةَ الْكُسُوفِ حَتَّى يَسْكُنَ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ:

راوی گوید: عرض کردم: قرائت در این نماز، چگونه است؟

فرمود: اگر در هر رکعت یک سوره کامل بخوانی، سوره حمد را نیز بخوان، و اگر سوره را (تقسیم نمودی و) کم کردی از آن جا که کم کرده‌ای بخوان و سوره حمد را مخوان.

فرمود: مستحب است که در نماز کسوف سوره کهف و سوره حجر خوانده شود، مگر آن که نمازگزار امام جماعت باشد که قرائت آن دو سوره برای مأمومین سخت باشد، و چنان چه بتوانی نمازت را به صورت علنی بخوانی که خانه‌ای تو را نپوشاند، چنین بخوان و نماز خورشید گرفتگی از نماز ماه گرفتگی طولانی‌تر است؛ ولی هر دو نماز در قرائت، رکوع و سجود برابرند.

۳- زراره و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتیم: آیا برای این تندبادهایی که می‌وزند و تاریکی‌هایی که پیش می‌آیند باید نماز خواند؟

فرمود: هر واقعه ترسناک آسمانی که از تاریکی یا از تندبادها باشد، برای آن باید نماز کسوف (آیات) خواند، تا آرام گیرد.

۴- جمیل بن دراج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

وَقْتُ صَلَاةِ الْكُسُوفِ فِي السَّاعَةِ الَّتِي تَنْكَسِفُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هِيَ فَرِيضَةٌ.

۵ - عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ فِي وَقْتِ الْفَرِيضَةِ .

فَقَالَ: ابْتَدَأْ بِالْفَرِيضَةِ .

فَقِيلَ لَهُ: فِي وَقْتِ صَلَاةِ اللَّيْلِ .

فَقَالَ: صَلِّ صَلَاةَ الْكُسُوفِ قَبْلَ صَلَاةِ اللَّيْلِ .

۶ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

وقت نماز کسوف از ساعتی است که خورشید گرفته می شود، خواه هنگام طلوع آفتاب باشد یا هنگام غروب آن.

راوی گوید: هم چنین حضرتش فرمود: نماز کسوف، واجب است.

۵ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) در مورد نماز کسوف در

وقت نماز فريضة پرسیدم.

فرمود: ابتدا، فريضة را به جا آور.

به آن حضرت گفته شد: اگر در وقت نماز شب باشد چه؟

فرمود: نماز کسوف را پیش از نماز شب بخوان.

۶ - زراره و محمد بن مسلم گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ كُلُّهَا وَ احْتَرَقَتْ وَ لَمْ تَعْلَمْ ثُمَّ عَلِمْتَ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَيْكَ الْقَضَاءُ، وَ إِنْ لَمْ تَحْتَرِقْ كُلُّهَا فَلَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءٌ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: إِذَا عَلِمَ بِالْكَسُوفِ وَ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَ إِنْ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ فَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ هَذَا إِذَا لَمْ يَحْتَرِقْ كُلَّهُ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَلِيِّ

بْنِ الْفَضْلِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ: إِذَا انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ أَوْ الْقَمَرُ وَأَنَا رَاكِبٌ لَا أَقْدِرُ عَلَى النُّزُولِ.

قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيَّ: صَلِّ عَلَيَّ مَرْكَبَكَ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ.

اگر تمام قرص خورشید گرفته باشد و از این موضوع خبر نداشته باشی و پس از آن باخبر شوی، قضای نماز آیات بر عهده توست و اگر تمام قرص نگرفته باشد (و پس از آن آگاه شدی) قضای آن نماز لازم نیست.

در روایت دیگری آمده است: اگر کسی از کسوف آگاه باشد، ولی نماز را فراموش نماید، باید قضای نماز را بخواند، ولی اگر از کسوف آگاهی نداشته باشد، قضای آن لازم نیست، در صورتی که تمام قرص خورشید نگرفته باشد.

۷- علی بن فضل واسطی گوید: طی نامه‌ای به آن حضرت (امام رضا علیه السلام) نوشتم و سؤال کردم: هرگاه خورشید، یا ماه بگیرد و من بر مرکب سواره باشم و نتوانم پیاده شوم، چه باید بکنم؟

گوید: آن حضرت در پاسخ من نوشت: بر روی همان مرکبی که سوار هستی نماز بگذار.

(۹۱)

بَابُ صَلَاةِ التَّسْبِيحِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَجَعْفَرٍ: يَا جَعْفَرُ! أَلَا أَمْنُحُكَ؟ أَلَا أُعْطِيكَ؟ أَلَا أَحْبُوكَ؟
 فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ!
 قَالَ: فَظَنَّ النَّاسُ أَنَّهُ يُعْطِيهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً فَتَشَرَّفَ النَّاسُ لِذَلِكَ .
 فَقَالَ لَهُ: إِنِّي أُعْطِيكَ شَيْئًا إِنْ أَنْتَ صَنَعْتَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ كَانَ خَيْرًا لَكَ مِنَ الدُّنْيَا
 وَمَا فِيهَا وَإِنْ صَنَعْتَهُ بَيْنَ يَوْمَيْنِ غُفِرَ لَكَ مَا بَيْنَهُمَا أَوْ كُلِّ جُمُعَةٍ أَوْ كُلِّ شَهْرٍ أَوْ كُلِّ
 سَنَةٍ غُفِرَ لَكَ مَا بَيْنَهُمَا.

بخش نود و یکم
نماز تسبیح^(۱)

۱ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جعفر بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای جعفر! آیا چیزی به تو عطا نکنم؟
 آیا عطیه ای به تو ندهم؟ آیا چیزی به تو بخشم؟
 جعفر به آن حضرت عرض کرد: بلی، ای رسول خدا!
 مردم گمان کردند آن حضرت می خواهد طلا، یا نقره به او عطا کند، به همین دلیل برای
 تماشای آن گرد آمدند.
 پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من چیزی را به تو می بخشم که اگر هر روز آن را انجام دهی، برای تو از
 دنیا و آن چه در آن است، بهتر خواهد بود، و اگر آن را هر دو روز یک بار انجام دهی، هر گناهی
 بین این دو عمل مرتکب شده ای، بخشیده خواهد شد، و اگر در هر جمعه، یا در هر ماه و یا در
 هر سال یک بار این نماز را بخوانی هر گناهی میان آن ها مرتکب شده ای آمرزیده خواهد شد.

۱ - نماز تسبیح؛ همان نماز جعفر بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ - که مشهور به جعفر طیار است - می باشد.

تُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَبْتَدِئُ فَتَقْرَأُ وَتَقُولُ إِذَا فَرَغْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» تَقُولُ ذَلِكَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً بَعْدَ الْقِرَاءَةِ، فَإِذَا رَكَعْتَ قُلْتَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ قُلْتَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ. فَإِذَا سَجَدْتَ قُلْتَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَقُلْ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا سَجَدْتَ الثَّانِيَةَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ قُلْتَ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَأَنْتَ قَاعِدٌ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ. فَذَلِكَ خَمْسٌ وَسَبْعُونَ تَسْبِيحَةً فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ثَلَاثُمِائَةٍ تَسْبِيحَةً فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ أَلْفٌ وَمِائَتَا تَسْبِيحَةٍ وَتَهْلِيلَةٌ وَتَكْبِيرَةٌ وَتَحْمِيدَةٌ إِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَهَا بِالنَّهَارِ وَإِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَهَا بِاللَّيْلِ.

(نماز بدین گونه است که) چهار رکعت نماز می‌گزارى. پس از پایان قرائت، پانزده مرتبه می‌گویی: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». این ذکر را در رکوع ده مرتبه، هنگامی که سر از رکوع برمی‌داری ده مرتبه. به هنگام سجده ده مرتبه، هنگامی که سر از سجده برداشتی در میان دو سجده ده مرتبه، و در سجده دوم ده مرتبه و چون سر از سجده برداشتی در حالی که نشسته‌ای پیش از آن که برخیزی ده مرتبه بخوان. پس در هر رکعت، هفتاد و پنج تسبیح و در چهار رکعت سیصد تسبیح می‌شود که مجموع تسبیح، تهلیل، تکبیر و تحمید هزار و دویست می‌شود و چنانچه خواهی می‌توانی این چهار رکعت نماز را در روز بخوانی، یا اگر خواهی می‌توانی آن را در شب به جا آوری.

وَ فِي رِوَايَةِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: تَقْرَأُ فِي الْأُولَى ﴿إِذَا زُلْزِلَتْ﴾ وَ فِي الثَّانِيَةِ ﴿وَ الْعَادِيَاتِ﴾ وَ فِي الثَّلَاثَةِ ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ﴾ وَ فِي الرَّابِعَةِ بِ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾.

قُلْتُ: فَمَا ثَوَابُهَا؟

قَالَ: لَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ ذُنُوبًا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ .
فَقَالَ: إِنَّمَا ذَلِكَ لَكَ وَ لِأَصْحَابِكَ.

۲- وَ رُوِيَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلْبِيِّ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تُصَلِّيَهَا بِاللَّيْلِ وَ تُصَلِّيَهَا فِي السَّفَرِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَإِنْ شِئْتَ فَاجْعَلْهَا مِنْ ثَوَابِكَ.
۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

در روایت ابراهیم بن عبدالحمید آمده که گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
در رکعت اول (بعد از حمد) سوره ﴿اذا زلزلت﴾ و در رکعت دوم ﴿والعاديات﴾، و در رکعت سوم ﴿اذا جاء نصر الله﴾، و در رکعت چهارم ﴿قل هو الله احد﴾ را می خوانی.
عرض کردم: پاداش آن چیست؟
فرمود: اگر گناه او به اندازه ریگ های انباشته و متراکم باشد، خداوند همه را می آمرزد.
آن گاه حضرتش به من نگاه کرد و فرمود: آن پاداش فقط برای تو و دوستان تو (یعنی خاص شیعیان) است.

۲- ذریح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نماز جعفر را می توانی در شب بخوانی، و در سفر هم در شب و هم در روز می توانی آن را به جا آوری، و اگر بخواهی آن را از نافله های خود قرار ده.

۳- ابان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

مَنْ كَانَ مُسْتَعْجِلًا يُصَلِّي صَلَاةَ جَعْفَرٍ مُجَرَّدَةً ثُمَّ يَقْضِي التَّسْبِيحَ وَهُوَ ذَاهِبٌ فِي حَوَائِجِهِ.

۴- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّجُلِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي صَلَاةِ التَّسْبِيحِ فِي الْمَحْمِلِ؟
فَكَتَبَ عليه السلام: إِذَا كُنْتَ مُسَافِرًا فَصَلِّ.

۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ: تَقُولُ فِي

آخِرِ رَكْعَةٍ مِنْ صَلَاةِ جَعْفَرٍ عليه السلام:

«يَا مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ يَا مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ، يَا مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا ذَا النُّعْمَةِ وَالطُّوْلِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَبِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ النَّامَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي...» كَذَا وَكَذَا.

هر گاه کسی عجله داشته باشد، می تواند نماز جعفر را بدون تسبیح بخواند، سپس

تسبیحات را در حالی که کارهای خود را انجام می دهد، قضا کند.

۴- علی بن سلیمان گوید: طی نامه ای خدمت امام (کاظم عليه السلام) نوشتیم: نظر شما درباره

انجام نماز تسبیح (جعفر عليه السلام) در داخل کجاوه چیست؟

آن حضرت عليه السلام نوشت: هر گاه مسافر باشی، می توانی این نماز را داخل کجاوه به جا آوری.

۵- حسن بن محبوب گوید: امام عليه السلام فرمود: در سجده آخر نماز جعفر عليه السلام این دعا را بخوان:

«يَا مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ يَا مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ، يَا مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا ذَا النُّعْمَةِ وَالطُّوْلِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَبِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ النَّامَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي...» و حاجت خود را بیان کن.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ ذَكَرَهُ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ:
 قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَلَا أَعْلَمُكَ شَيْئًا تَقُولُهُ فِي صَلَاةِ جَعْفَرٍ؟
 فَقُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: إِذَا كُنْتَ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتٍ، فَقُلْ إِذَا فَرَعْتَ مِنْ تَسْبِيحِكَ:
 «سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي
 التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعْمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ
 وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ
 كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَ عَدْلًا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَفْعَلْ بِي...» كَذَا وَ كَذَا.

۶- ابو سعید مدائنی گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: آیا می خواهی چیزی یادت
 دهم که در نماز جعفر بخوانی؟
 عرض کردم: آری.

فرمود: در سجده آخر رکعت چهارم پس از پایان تسبیح بگو:
 «سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ
 إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعْمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ
 صِدْقًا وَ عَدْلًا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَفْعَلْ بِي...» و حاجت خود را بیان کن.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ صَلَّى صَلَاةَ جَعْفَرٍ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَجَعْفَرٍ؟ قَالَ: إِي وَ اللَّهِ.

(۹۲)

بَابُ صَلَاةِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ غَيْرَهَا مِنْ صَلَاةِ التَّرْغِيبِ

۱- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِمِائَتِي مَرَّةً ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ خَمْسُونَ مَرَّةً لَمْ يَنْفَتِلْ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ إِلَّا عُفِرَ لَهُ.

۷- اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: هر کس نماز جعفر را بخواند، آیا همانند آن پاداشی را که رسول خدا صلى الله عليه وآله به جعفر فرمود، برایش می نویسد؟ فرمود: آری، به خدا سوگند!

بخش نود و دوم

نماز حضرت فاطمه سلام الله عليها و نماز ترغیب

۱- ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس چهار رکعت نماز با دویست مرتبه ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾؛ در هر رکعتی پنجاه مرتبه بخواند، هنوز نماز پایان نیافته، هر گناهی میان او و خداوند باشد، همه آمرزیده شود.

- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَفْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ خَمْسِينَ مَرَّةً لَمْ يَنْفِتِلْ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ بِ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ سِتِّينَ مَرَّةً انْفَتَلَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ.
- ۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَ بَعْدَهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يُصَلِّيَ عَشْرَ رَكَعَاتٍ يَفْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِالْحَمْدِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ كَانَتْ عِدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ.
- ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَرْدُوسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت آن، پنجاه مرتبه ﴿قل هو الله أحد﴾ بخواند، هنوز نماز پایان نیافته، بین او و خداوند هیچ گناهی نخواهد ماند.

۳ - محمد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت شصت بار سوره ﴿قل هو الله أحد﴾ را بخواند، در حالی از نماز فارغ شود که هیچ گناهی میان او و خداوند نماند.

۴ - یکی از اصحاب ما گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس نماز مغرب را به جا آورد و پس از آن چهار رکعت (نافله) گزارد و سخنی نگوید تا این که ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت حمد و سوره ﴿قل هو الله أحد﴾ را قرائت کند، پاداش آن برابر با آزاد کردن ده بنده است.

۵ - محمد بن کردوس گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَفِرَاشُهُ كَمَسَجِدِهِ، فَإِنْ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَذَكَرَ اللَّهَ
تَذَاثَرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ فَإِنْ قَامَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَتَطَهَّرَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَحَمِدَ اللَّهَ
وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ﷺ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِمَّا أَنْ يُعْطِيَهُ الَّذِي
يَسْأَلُهُ بِعَيْنِهِ، وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَ لَهُ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ مِنْهُ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ بَعْضِهِمْ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ
اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ قَالَ:

کسی که وضو سازد و آن گاه به رختخواب خود رود، رختخواب او به سان سجده گاه
اوست، و چون شب برخیزد و خدا را یاد کند، گناهان او بریزد، و هر گاه در آخر شب
برخیزد و وضو سازد و دو رکعت نماز گزارد و خدا را حمد گوید و او را ستایش نماید و بر
پیامبر ﷺ درود فرستد، هر چه از خداوند درخواست کند به او عطا کند، که یا همان را به
او عطا می کند، یا این که برای او آن چه را که برایش از آن بهتر است، ذخیره می کند.

۶ - علی بن محمد با سلسله سند خود گوید: امام علیه السلام درباره گفتار خداوند عز و جل که

می فرماید: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ فرمود:

هِيَ رَكَعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ تَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكَعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ عَشْرٍ مِنْ أَوَّلِ
 الْبَقَرَةِ وَ آيَةِ السُّحْرَةِ وَ مِنْ قَوْلِهِ: ﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... إِلَى قَوْلِهِ: ﴿لَا يَأْتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ وَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ
 أَحَدٌ﴾ وَ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آخِرَ الْبَقَرَةِ مِنْ قَوْلِهِ: ﴿لِلَّهِ
 مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ إِلَى أَنْ تَخْتِمَ السُّورَةَ، وَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ
 أَحَدٌ﴾ ثُمَّ ادْعُ بَعْدَ هَذَا بِمَا شِئْتَ.

قَالَ: وَ مَنْ وَاطَبَ عَلَيْهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سِتُّمِائَةِ أَلْفِ حَجَّةٍ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

دو رکعت بعد از مغرب است که در رکعت اول سورة حمد، ده آیه از اول سورة بقره و آیه سخره^(۱) و آیه های شریفه: ﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ تا آن جا که می فرماید: ﴿لَا يَأْتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^(۲) و پانزده مرتبه ﴿قُلْ هُوَ
 اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را می خوانی، و در رکعت دوم سورة حمد، آیه الكرسي و آخر سورة بقره از
 فرمایش خداوند متعال ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾... تا آخر سورة و پانزده مرتبه
 ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را می خوانی و پس از آن هر چه خواستی دعا کن.

امام علیه السلام فرمود: کسی که بر این نماز مواظبت کند (و همیشه آن را بخواند) به هر نمازی
 برای او پاداش ششصد هزار حج نوشته شود.

۷ - علی بن محمد در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

۱ - سورة اعراف: آیه های ۵۳ - ۵۵.

۲ - سورة بقره آیه ۱۵۹.

إِذَا كَانَ النُّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ فَصَلِّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ الْحَمْدَ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ مِائَةَ مَرَّةٍ، فَإِذَا فَرَغْتَ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي عَائِدٌ بِكَ وَ مِنْكَ خَائِفٌ وَ بِكَ مُسْتَجِيرٌ رَبِّ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي رَبِّ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِي رَبِّ لَا تُجْهِدْ بِلَانِي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَنْتَ كَمَا أُثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ».

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَوْمُ سَبْعَةِ وَ عَشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ نُبِيَّ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله. مَنْ صَلَّى فِيهِ - أَيَّ وَقْتٍ شَاءَ - اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكَعَةً يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِأَمِّ الْقُرْآنِ وَ سُورَةَ مَا تَيْسَّرَ، فَإِذَا فَرَغَ وَ سَلَّمَ جَلَسَ مَكَانَهُ ثُمَّ قَرَأَ أَمَّ الْقُرْآنِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ وَ الْمَعْوِذَاتِ الثَّلَاثَ كُلَّ وَاحِدَةٍ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا فَرَغَ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» أَرْبَعَ مَرَّاتٍ.

هنگامی که شب نیمه شعبان فرا رسد، چهار رکعت نماز بگزار و در هر رکعت یک مرتبه حمد و صد مرتبه ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخوان و چون فارغ شدی بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي عَائِدٌ بِكَ وَ مِنْكَ خَائِفٌ وَ بِكَ مُسْتَجِيرٌ، رَبِّ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي رَبِّ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، رَبِّ لَا تُجْهِدْ بِلَانِي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَنْتَ كَمَا أُثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ».

راوی گوید: هم چنین امام صادق عليه السلام فرمود:

روز بیست و هفتم رجب، روزی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله به پیامبری برگزیده شد. هر که در هر وقتی از آن روز که بخواهد دوازده رکعت نماز گزارد و در هر رکعتی حمد و هر سوره‌ای را که برای او ممکن باشد، بخواند و چون پایان یافت، سلام دهد و در همان جا بنشیند و سوره حمد و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْقَلْقُلِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، هر کدام را چهار مرتبه بخواند، و چون فارغ شد، در همان مکان، چهار مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» أَرْبَعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَدْعُو فَلَا يَدْعُو بِشَيْءٍ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ فِي كُلِّ حَاجَةٍ إِلَّا أَنْ يَدْعُو فِي جَائِحَةٍ قَوْمٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ.

(۹۳)

بَابُ صَلَاةِ الْإِسْتِخَارَةِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: صَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَاسْتَخِرِ اللَّهَ، فَوَاللَّهِ! مَا اسْتَخَارَ اللَّهُ مُسْلِمٌ إِلَّا خَارَ لَهُ الْبَيْتَةُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

و پس از آن چهار بار بخواند: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» آن گاه دعا کند. پس برای هر چیزی دعا کند، دعای او مستجاب شود، مگر این که حاجت او نابودی قومی و گسستن پیوند خویشاوندی باشد.

بخش نود و سوم

نماز استخاره

- ۱ - عمرو بن حرith گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: دو رکعت نماز بگزار و از خداوند استخاره (طلب خیر) کن. به خدا سوگند! هر مسلمانی که خیر خود را از خداوند بخواهد، به طور حتم خداوند به او خیر دهد.
- ۲ - جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا هَمَّ بِأَمْرِ حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ أَوْ بَيْعٍ أَوْ شِرَاءٍ أَوْ عِتْقٍ تَطَهَّرَ
 ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيِ الْإِسْتِخَارَةِ فَقَرَأَ فِيهِمَا بِسُورَةِ الْحَشْرِ وَ بِسُورَةِ الرَّحْمَانِ ثُمَّ يَقْرَأُ
 الْمَعْوِذَتَيْنِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ إِذَا فَرَغَ وَ هُوَ جَالِسٌ فِي دُبُرِ الرَّكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُولُ:
 «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
 آلِهِ وَ يَسِّرْهُ لِي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ وَ أَجْمَلِهَا اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا شَرًّا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ
 وَ آخِرَتِي وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اصْرِفْهُ عَنِّي رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
 وَ اعْزِمْ لِي عَلَى رُشْدِي وَ إِنْ كَرِهْتَ ذَلِكَ أَوْ أَبْتَهُ نَفْسِي».

۳ - غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ
 عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

علی بن الحسین صلوات الله علیهما همواره و هرگاه اراده کاری -مانند حج، عمره، خرید و
 فروش و آزاد کردن بنده- داشت، وضو می ساخت و دو رکعت نماز استخاره می گزارد و در
 آن دو رکعت (در رکعت اول) سوره حشر و (در رکعت دوم) سوره الرحمان می خواند، پس
 از پایان دو رکعت می نشست و سوره ﴿قل أعوذ برب الفلق﴾، ﴿قل أعوذ برب الناس﴾ و
 ﴿قل هو الله أحد﴾ را می خواند، سپس می گفت:

«اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ
 يَسِّرْهُ لِي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ وَ أَجْمَلِهَا اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا شَرًّا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ
 عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اصْرِفْهُ عَنِّي رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اعْزِمْ لِي عَلَى
 رُشْدِي وَ إِنْ كَرِهْتَ ذَلِكَ أَوْ أَبْتَهُ نَفْسِي».

۳ - هارون بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ أَمْرًا فَخُذْ سِتَّ رِقَاعٍ فَكَتُبْ فِي ثَلَاثٍ مِنْهَا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ أَفْعَلُهُ».

وَ فِي ثَلَاثٍ مِنْهَا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلُ» ثُمَّ ضَعَهَا تَحْتَ مُصَلَّاكَ، ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ فَاسْجُدْ سَجْدَةً وَ قُلْ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ».

ثُمَّ اسْتَوِ جَالِسًا وَ قُلْ: «اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَ اخْتِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ» ثُمَّ اضْرِبْ بِيَدِكَ إِلَى الرَّقَاعِ فَشَوِّشْهَا وَ أَخْرِجْ وَاحِدَةً، فَإِنْ خَرَجَ ثَلَاثُ مُتَوَالِيَاتٍ أَفْعَلْ فَافْعَلِ الْأَمْرَ الَّذِي تُرِيدُهُ وَ إِنْ خَرَجَ ثَلَاثُ مُتَوَالِيَاتٍ لَا تَفْعَلْ فَلَا تَفْعَلُهُ، وَ إِنْ خَرَجَتْ وَاحِدَةٌ أَفْعَلْ وَ الْأُخْرَى لَا تَفْعَلْ فَأَخْرِجْ مِنَ الرَّقَاعِ إِلَى خَمْسٍ فَانظُرْ أَكْثَرَهَا فَاعْمَلْ بِهِ وَ دَعِ السَّادِسَةَ لَا تَحْتَاجُ إِلَيْهَا.

هر گاه تصمیم به کاری گرفتی، شش تکه کاغذ بردار و در سه کاغذ آن بنویس: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ أَفْعَلُهُ». و در سه کاغذ دیگر: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلُ».

سپس آن‌ها را در زیر مصلاهی خود قرار ده و دو رکعت نماز بگذار. پس از پایان نماز سر به سجده بگذار و صد مرتبه بگو: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ».

سپس بنشین و بگو: «اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَ اخْتِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ». آن گاه کاغذها را مخلوط کن و یکی یکی بیرون آور. پس هر گاه سه کاغذ پشت سر هم «افعل» بیرون آمد، آن کار را انجام بده، و اگر سه کاغذ پشت سر هم «لا تفعل» بیرون آمد، آن کار را رهاکن، و اگر یکی «افعل» و دیگری «لا تفعل» بیرون آمد تا پنج کاغذ را بیرون آوری و به بیشترین آن‌ها عمل کن و کاغذ ششم را واگذار؛ زیرا دیگر مورد نیاز تو نیست.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ قَالَ: سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام لِابْنِ أَسْبَاطٍ.
 فَقَالَ: مَا تَرَى لَهُ وَابْنَ أَسْبَاطٍ حَاضِرٌ وَنَحْنُ جَمِيعًا يَرْكَبُ الْبَرَّ أَوْ الْبَحْرَ إِلَى مِصْرَ فَأَخْبَرَهُ بِخَيْرِ طَرِيقِ الْبَرِّ؟
 فَقَالَ: الْبَرُّ وَ أَنْتِ الْمَسْجِدَ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ اسْتَخْرِ اللَّهَ مِائَةً مَرَّةً ثُمَّ أَنْظِرْ أَيُّ شَيْءٍ يَقَعُ فِي قَلْبِكَ فَاعْمَلْ بِهِ.
 وَ قَالَ لَهُ: الْحَسَنُ الْبَرُّ أَحَبُّ إِلَيَّ لَهُ.
 قَالَ: وَ إِلَيَّ.
 ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَرَى أَخْذُ بَرًّا أَوْ بَحْرًا، فَإِنَّ طَرِيقَنَا مَخُوفٌ شَدِيدٌ الْخَطَرِ؟!

۴ - ابن فضال گوید: با علی بن اسباط در حضور امام رضا عليه السلام بودیم، حسن بن جهم عرض کرد: نظر شما درباره (مسافرت) علی بن اسباط چیست؟ از راه خشکی یا دریایی به سوی مصر حرکت کند و به آن حضرت از بهتر بودن راه خشکی خبر داد.
 حضرتش فرمود: راه خشکی بهتر است، ولی تو در غیر وقت نماز فریضه به مسجد برو و دو رکعت نماز بگزار و صد مرتبه از خداوند طلب خیر کن (و بگو: استخیر الله). سپس بین چه چیزی در دل تو می افتد، به همان عمل کن.
 حسن به آن حضرت عرض کرد: راه خشکی نزد من بهتر است.
 امام عليه السلام فرمود: نزد من نیز بهتر است.
 ۵ - علی بن اسباط گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: قربانت گردم! نظر شما (درباره مسافرت) چیست؟ آیا از راه خشکی یا از راه دریایی روانه سفر شوم؛ زیرا راه ما ترسناک است و خطر بسیار دارد؟

فَقَالَ: اُخْرُجْ بَرًّا وَلَا عَلَيَّ أَنْ تَأْتِيَّ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ فِي غَيْرِ وَقْتِ فَرِيضَةٍ ثُمَّ لَتَسْتَخِيرُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَرَّةً ثُمَّ تَنْظُرُ، فَإِنْ عَزَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى الْبَحْرِ فَقُلِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

فَإِنْ اضْطَرَبَ بِكَ الْبَحْرُ فَاتَّكِ عَلَى جَانِبِكَ الْأَيْمَنِ وَقُلِ:

«بِسْمِ اللَّهِ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَ قَرِّ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ اهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

قُلْنَا: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! مَا السَّكِينَةُ رِيحٌ تَخْرُجُ مِنَ الْجَنَّةِ لَهَا صُورَةٌ كَصُورَةِ الْإِنْسَانِ وَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ وَ هِيَ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَأَقْبَلَتْ تَدُورُ حَوْلَ أَرْكَانِ الْبَيْتِ وَ هُوَ يَضَعُ الْأَسَاطِينَ.

قِيلَ لَهُ: هِيَ مِنَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ﴾؟

فرمود: از راه خشکی بیرون رو، و ایرادی ندارد که به مسجد رسول خدا ﷺ بروی و دو رکعت نماز در غیر وقت نماز فریضه بگزارى، سپس صد و یک مرتبه از خداوند خیر خود را بخواهی (یعنی بگویی: استخیر الله). پس از آن بیندیش اگر اراده تو به راه دریایی تعلق گرفت (از آن راه برو) و کلام خداوند ﷻ را (که به نوح ﷺ در هنگام سوار شدن بر کشتی فرمود) بخوان: ﴿وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾، و اگر تلاطم دریا تو را نگران و پریشان ساخت، بر جانب راست خود تکیه کن و این دعا را بخوان: «بِسْمِ اللَّهِ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَ قَرِّ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ اهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

عرض کردیم: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! سکینه چیست؟

فرمود: نسیمی است که از بهشت می‌وزد، چهره‌ای مانند چهره انسان دارد و دارای بوی خوشی است و این همان چیزی است که بر ابراهیم ﷺ نازل شد و بر دور پایه‌های کعبه می‌گردید و ابراهیم ستون‌های آن را می‌گذاشت.

به آن حضرت عرض شد: آیا این سکینه از همان سکینه‌ای است که خداوند ﷻ فرموده است: ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ﴾؟

قَالَ: تِلْكَ السَّكِينَةُ فِي التَّابُوتِ وَكَانَتْ فِيهِ طَشْتُ نُعَسَلُ فِيهَا قُلُوبُ الْأَنْبِيَاءِ
وَكَانَ التَّابُوتُ يَدُورُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا.
فَقَالَ: مَا تَأْبُوْتُكُمْ؟

قُلْنَا: السَّلَاحُ.

قَالَ: صَدَقْتُمْ هُوَ تَأْبُوْتُكُمْ وَإِنْ خَرَجْتَ بَرًّا فَقُلِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:
﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ
يَقُولُهَا عِنْدَ رُكُوبِهِ فَيَقَعُ مِنْ بَعِيرٍ أَوْ دَابَّةٍ فَيُصِيبُهُ شَيْءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ.
ثُمَّ قَالَ: فَإِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ:

«بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَضْرِبُ
وُجُوهَ الشَّيَاطِينِ وَيَقُولُونَ، قَدْ سَمَى اللَّهُ وَآمَنَ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَالَ: لَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

فرمود: آن سکینه در تابوت بود و در آن تشتی بود که دل‌های انبیا (به هنگام برانگیخته شدن) در آن شست و شو می‌شد. آن تابوت به همراه پیامبران می‌گردید (یعنی هر جا که آن‌ها بودند، تابوت نیز بود).

سپس حضرتش رو به ما کرد و فرمود: تابوت شما (شیعیان) چیست؟
عرض کردیم: سلاح (رسول خدا ﷺ).

فرمود: راست گفتید، این همان تابوت شماسست، و هر گاه به راه خشکی رفتی، کلام خداوند ﷻ را بخوان: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾.
به راستی هر بنده‌ای که به هنگام سوار شدن به مرکب این آیات را بخواند و از شتر یا چهار پا (و هر مرکب سواری) بر زمین افتد، هر چه به او برسد به اجازه و رخصت خداوند خواهد بود.

آن گاه فرمود: هر گاه از خانه‌ات بیرون آمدی، بگو: «بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ چرا که فرشتگان به صورت شیاطین می‌زنند و می‌گویند: او نام خدا را برد، به او ایمان آورد و بر او توکل کرد و گفت: هیچ قوت و نیرویی نیست مگر از جانب خداوند متعال.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ قَالَ:
 لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ شَيْئًا فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهَ وَ لِيُثْنِ عَلَيْهِ وَ لِيُصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ
 اقْدِرْهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي».
 فَسَأَلْتُهُ أَيَّ شَيْءٍ أَقْرَأُ فِيهِمَا .
 فَقَالَ: أَقْرَأُ فِيهِمَا مَا شِئْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَرَأْتَ فِيهِمَا ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا
 الْكَافِرُونَ﴾.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ
 عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قُلْتُ لَهُ: رَبِّمَا أَرَدْتُ الْأَمْرَ يَفْرُقُ مِنِّي فَرِيقَانِ أَحَدُهُمَا يَأْمُرُنِي وَ الْآخَرَ يَنْهَانِي.

۶- مرآزم گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

هرگاه یکی از شما بخواهد کاری انجام دهد، باید دو رکعت نماز بگزارد، آن گاه حمد و
 ثنای خداوند را به جا آورد و بر محمد و اهل بیت او صلوات فرستد. سپس این دعا را
 بخواند: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ اقْدِرْهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ
 فَاصْرِفْهُ عَنِّي».

از آن حضرت پرسیدم: در آن دو رکعت کدام سوره را بخوانم؟

فرمود: هر سوره‌ای که می‌خواهی بخوان، و اگر خواستی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ يَا
 أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را بخوان.

۷- اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی تصمیم به انجام کاری
 دارم و در درون من دو فکر و دو رأی به وجود می‌آید که یک رأی مرا به انجام آن وامی‌دارد
 و رأی دیگر مرا از آن باز می‌دارد (چه تصمیم بگیرم؟)

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَاسْتَخِرِ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَرَّةً ثُمَّ انْظُرْ أَحْزَمَ الْأَمْرَيْنِ لَكَ فافعله، فَإِنَّ الْخَيْرَةَ فِيهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَ لَتَكُنَّ اسْتِخَارَتُكَ فِي عَافِيَةٍ، فَإِنَّهُ رَبُّمَا خَيْرٌ لِلرَّجُلِ فِي قَطْعِ يَدِهِ وَ مَوْتِ وَلَدِهِ وَ ذَهَابِ مَالِهِ.

۸- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ قَدْ سَأَلَهُ عَنِ الْأَمْرِ يَمْضِي فِيهِ وَ لَا يَجِدُ أَحَدًا يُشَاوِرُهُ فَكَيْفَ يَصْنَعُ؟
قَالَ: شَاوِرُ رَبِّكَ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ؟

قَالَ لَهُ: أَنْوَ الْحَاجَّةَ فِي نَفْسِكَ، ثُمَّ اكْتُبْ رُفْعَتَيْنِ فِي وَاحِدَةٍ «لَا»، وَ فِي وَاحِدَةٍ «نَعَمْ» وَ اجْعَلْهُمَا فِي بُنْدُ قَتَيْنِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ اجْعَلْهُمَا تَحْتَ ذَيْلِكَ وَ قُلْ: «يَا اللَّهُ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَمْرِي هَذَا وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَشَارٍ وَ مُشِيرٍ فَأَثِرْ عَلَيَّ بِمَا فِيهِ صَلَاحٌ وَ حُسْنٌ عَاقِبَةٌ». ثُمَّ ادْخُلْ يَدَكَ، فَإِنْ كَانَ فِيهَا «نَعَمْ» فَافْعَلْ، وَ إِنْ كَانَ فِيهَا «لَا» لَا تَفْعَلْ، هَكَذَا شَاوِرُ رَبِّكَ.

حضرت فرمود: هر گاه چنین بودی، دو رکعت نماز بگذار و صد و یک بار از خداوند طلب خیر کن (یعنی بگو: استخیر الله) سپس بین کدام طرف به احتیاط نزدیک تر است، همان را انجام بده؛ زیرا خیر تو - ان شاء الله - در آن است، و بایستی خیر تو در عافیت باشد؛ زیرا بسا ممکن است خیر شخصی در بریدن دستش، مردن فرزندش و از بین رفتن مالش باشد.

۸- علی بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: یکی از ائمه عَلَيْهِ السَّلَامُ به یکی از اصحاب خود - که در مورد کار مهمی کسی را نمی‌یافت با او مشورت کند، از حضرتش در این زمینه پرسید - فرمود: با پروردگار خود مشورت کن.

عرض کرد: چگونه؟

فرمود: مطلب خود را در دلت تیت کن و دو پاره کاغذ بردار و در یکی از آن‌ها بنویس: نه و در دیگری: آری. آن‌ها را در دو گلوله گلی بگذار، سپس دو رکعت نماز به جا آور و آن‌ها را در زیر دامن (لباس) خود قرار ده و بگو: «يَا اللَّهُ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَمْرِي هَذَا وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَشَارٍ وَ مُشِيرٍ فَأَثِرْ عَلَيَّ بِمَا فِيهِ صَلَاحٌ وَ حُسْنٌ عَاقِبَةٌ». آن گاه یکی از آن‌ها را بیرون آور، اگر در آن «آری» بود، آن کار را انجام بده و اگر «نه» بود، آن کار را انجام مده. این گونه با پروردگار خود مشورت کن.

(۹۴)

بَابُ الصَّلَاةِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ قَالَ:
 شَكَأَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْفَاقَةَ وَالْحُرْفَةَ فِي التِّجَارَةِ بَعْدَ يَسَارٍ قَدْ كَانَ فِيهِ مَا يَتَوَجَّهُ فِي حَاجَةٍ إِلَّا ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْمَعِيشَةُ.
 فَأَمَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْ يَأْتِيَ مَقَامَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمِنْبَرِ فَيُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَيَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَبِعِزَّتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُنَيِّسَ لِي مِنَ التِّجَارَةِ أَوْسَعَهَا رِزْقًا وَأَعْمَهَا فَضْلًا وَخَيْرَهَا عَاقِبَةً».
 قَالَ الرَّجُلُ: فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي بِهِ فَمَا تَوَجَّهْتُ بَعْدَ ذَلِكَ فِي وَجْهِ إِلَّا رَزَقَنِي اللَّهُ.

بخش نود و چهارم**نماز برای درخواست روزی**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ حَلَبِيٌّ كَوَيْدٌ: شَخْصِيٌّ بِهٖ اِمَامٌ صَادِقٌ عليه السلام اَز نِيَاظْمَنْدِي وَ بِي بَرَكْتِي دَر سُوْد تِجَارَتِ شَكُوهُ كَرْد كِه وَسَعْتِي كِه دَر اَن دَاشْتِه اَكْنُون كَسَاد شُدِه وَبِه هِيچ كَارِي رُو نَمِي كَنْد، مَگر اَن كِه مِعَاش بَر او تَنگ مِي شُوْد.
 اِمَام صَادِق عليه السلام بِه او دَسْتور دَاد كِه بِه حَرَمِ رَسُوْلِ خُدَا صلى الله عليه وآله شَرَف يَاب شُوْد وَ بَيْنِ قَبْرِ وَ مَنْبَرِ دُو رَكَعَتِ نِمَاز بَگَزَارْد وَ صَدِ مَرْتَبِه بَگُوِيْد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَبِعِزَّتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُنَيِّسَ لِي مِنَ التِّجَارَةِ أَوْسَعَهَا رِزْقًا وَأَعْمَهَا فَضْلًا وَخَيْرَهَا عَاقِبَةً».
 اَن شَخْصِ كُوِيْد: طَبَقِ دَسْتورِ اِمَامِ عليه السلام اَنجَام دَادَم. پَس اَز اَن بِه هِيچ رَاهِي رُوِي نِيَاوَرْدَم، مَگر اَن كِه خُدَاوَنْد بِه مَن رِزْقِ وَ رُوْزِي عِنَايَتِ فَرْمُوْد.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي ذُو عِيَالٍ وَ عَلَيَّ دَيْنٌ وَ قَدْ اشْتَدَّتْ حَالِي فَعَلِّمْنِي دُعَاءً إِذَا دَعَوْتُ بِهِ رَزَقَنِي اللَّهُ مَا أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ اسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي .

فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! تَوَضَّأْ وَ اسْبِغْ وَ ضُوءَكَ، ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ تُتِمُّ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ فِيهِمَا. ثُمَّ قُلْ: «يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي اتَّوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ وَ فَتْحًا يَسِيرًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا أَلُمُّ بِهِ شَعْنِي وَ أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ اسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي».

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ ابْنِ الطَّيَّارِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ كَانَ فِي يَدِي شَيْءٌ تَفَرَّقَ وَ ضِغْتُ ضَيْقًا شَدِيدًا.

۲- امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

شخصی خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من عیالمندم و بدهکارم و زندگی برای من سخت شده است، دعایی به من بیاموز که با آن به درگاه خداوند دعا کنم تا به من روزی دهد به مقداری که با آن بدهکاریم را ادا و مخارج خانوادهام را تأمین کنم.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای بنده خدا! وضوی خوب و کاملی بساز، سپس دو رکعت نماز بگزار و رکوع و سجودش را کامل به جای آور، پس از آن بگو: «يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي اتَّوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ وَ فَتْحًا يَسِيرًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا أَلُمُّ بِهِ شَعْنِي وَ أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ اسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي».

۳- ابن طیار گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: در دست من اموالی بود که پراکنده شدند. اینک به شدت تنگدست شده‌ام.

فَقَالَ لِي: أَلَك حَانُوتٌ فِي السُّوقِ؟
قُلْتُ: نَعَمْ وَ قَدْ تَرَكَتُهُ.

فَقَالَ: إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَافْعُدْ فِي حَانُوتِكَ، وَ اكْنُسْهُ، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى سُوقِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ قُلْ فِي دُبْرِ صَلَاتِكَ:
«تَوَجَّهْتُ بِلَا حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ فَأَنْتَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا كَثِيرًا طَيِّبًا وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ».

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ، وَ كُنْتُ أَخْرُجُ إِلَى دُكَانِي حَتَّى خِفْتُ أَنْ يَأْخُذَنِي الْجَبَابِي بِأُجْرَةِ دُكَانِي وَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ.
قَالَ: فَجَاءَ جَالِبٌ بِمَتَاعٍ، فَقَالَ لِي: تُكْرِمُنِي نِصْفَ بَيْتِكَ؟
فَأَكْرَمْتُهُ نِصْفَ بَيْتِي بِكَرَى الْبَيْتِ كُلِّهِ.
قَالَ: وَ عَرَضَ مَتَاعَهُ، فَأَعْطَيْتُهُ بِهِ شَيْئًا لَمْ يَبِعْهُ.

فرمود: آیا در بازار دکان و مغازه‌ای داری؟

عرض کردم: آری، ولی آن را رها کرده‌ام.

فرمود: چون به کوفه بازگشتی، در مغازه خود بنشین و آن را جاروب کن، و چون خواستی به بازار بروی دو - یا چهار - رکعت نماز بگزار و پس نماز این دعا را بخوان:

«تَوَجَّهْتُ بِلَا حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ فَأَنْتَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا كَثِيرًا طَيِّبًا وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ».

راوی گوید: دستور حضرتش را انجام دادم، هر گاه به مغازه خویش می‌رفتم، می‌ترسیدم مأمور مالیات سر رسد و از من مالیات مغازه را بخواهد و من چیزی نداشتم که به او بدهم.

روزی تاجری آمد که کالایی به همراه داشت، به من گفت: نصف این مغازه را به من اجاره بده.

من نصف مغازه را به اجاره کامل به او اجاره دادم. تاجر، کالای خود را در معرض مردم قرار داد و مقداری از آن را بابت اجاره خانه به من داد.

فَقُلْتُ لَهُ: هَلْ لَكَ إِلَيَّ خَيْرٌ تَبِيعُنِي عَدْلًا مِنْ مَتَاعِكَ هَذَا أَبِيعُهُ وَ آخُذْ فَضْلَهُ وَ
أَدْفَعْ إِلَيْكَ تَمَنَّهُ؟

قَالَ: وَ كَيْفَ لِي بِذَلِكَ؟

قَالَ: قُلْتُ: وَ لَكَ اللَّهُ عَلَيَّ بِذَلِكَ.

قَالَ: فَخُذْ عَدْلًا مِنْهَا فَأَخِذْهُ وَ رَقْمَتُهُ وَ جَاءَ بَرْدٌ شَدِيدٌ، فَبِعْتُ الْمَتَاعَ مِنْ
يَوْمِي وَ دَفَعْتُ إِلَيْهِ التَّمَنَ وَ أَخَذْتُ الْفَضْلَ، فَمَا زِلْتُ آخُذُ عَدْلًا عَدْلًا فَأَبِيعُهُ وَ
آخُذُ فَضْلَهُ وَ أَرُدُّ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِ الْمَالِ حَتَّى رَكِبْتُ الدَّوَابَّ وَ اشْتَرَيْتُ الرِّقِيقَ
وَ بَنَيْتُ الدُّورَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ بْنِ
صَبِيحٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا وَلِيدُ! أَيُّنَ حَانُوتِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟
فَقُلْتُ: عَلَيَّ يَا بَاهٍ.

فَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْتِيَ حَانُوتَكَ فَايْتِدَأْ بِالْمَسْجِدِ فَصَلِّ فِيهِ رَكَعَيْنِ أَوْ أَرْبَعًا ثُمَّ قُلْ.

به او گفتم: آیا میل داری که به من خیری برسانی و یک لنگه بار از این کالا را به من
بفروشی تا آن را بفروشم و زیادی آن را بردارم و قیمت آن را به تو باز گردانم؟
گفت: چه کسی کفیل و ضامن تو می شود؟
گفتم: خداوند ضامن و کفیل من است.
گفت: یک لنگه از آن را بردار.

من یک لنگه از بار را برداشتم و یادداشت کردم، سرمای شدیدی آمد، همان روز تمام
آن کالا را فروختم و قیمت آن را به او دادم و زیادی آن را برداشتم. همین طور یکی پس از
دیگری از آن لنگه بارها را برمی داشتم و می فروختم و سود آن را برداشته و قیمت سرمایه
را به او باز می گرداندم، تا این که سرمایه ای فراهم کردم و چهارپا خریدم و بر آن سوار شدم،
برده هایی خریداری کردم و خانه ها ساختم.

۴ - ولید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ای ولید مغازه ات کدام قسمت مسجد (کوفه) است؟

عرض کردم: کنار درب مسجد است.

فرمود: هر گاه خواستی به مغازه ات بروی، ابتدا به مسجد برو و دو - یا چهار - رکعت

نماز بگزار، سپس بگو:

«عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ وَغَدَوْتُ بِأَحْوَالِ مَنِّي وَ لَا قُوَّةَ بَلِّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَطَّارِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي: يَا فَلَانُ! أَمَا تَعْدُو فِي الْحَاجَةِ أَمَا تَمُرُّ بِالْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ عِنْدَكُمْ بِالْكَوْفَةِ؟ قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَصَلِّ فِيهِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ قُلْ فِيهِنَّ:

«عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلِ مَنِّي وَ لَا قُوَّةَ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ حَلَالًا طَيِّبًا تَسْوِقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُرْوَةَ ابْنِ أُخْتِ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ عَنْ خَالِهِ شُعَيْبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

«عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ وَ غَدَوْتُ بِأَحْوَالِ مَنِّي وَ لَا قُوَّةَ بَلِّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

۵ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: ای فلانی! آیا بامدادان به دنبال حاجت خود نمی روی؟ آیا از مسجد بزرگ کوفه - که نزد شماست - نمی گذری؟ عرض کردم: آری.

فرمود: پس در آن جا چهار رکعت نماز بگزار و بگو:

«عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلِ مَنِّي وَ لَا قُوَّةَ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ حَلَالًا طَيِّبًا تَسْوِقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

۶ - شعيب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ جَاعَ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لِيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ: «يَا رَبِّ! إِنِّي جَائِعٌ فَأَطْعِمْنِي»، فَإِنَّهُ يُطْعَمُ مِنْ سَاعَتِهِ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا غَدَوْتَ فِي حَاجَتِكَ بَعْدَ أَنْ تَجِبَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ التَّشَهُدِ قُلْتَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَرْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ أَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ».

تُعِيدُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ أُخْرَاوَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشَهُدِ قُلْتَ: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ وَ أُبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا طَيِّبًا حَلَالًا تَسْوِقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ». تَعْمَلُهَا ثَلَاثًا.

هر که گرسنه شود و وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد، سپس بگوید: «یا رَبِّ! إِنِّي جَائِعٌ فَأَطْعِمْنِي» در همان ساعت به او طعام می‌رسد.

۷- ولید بن صبیح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چون بامدادان بعد از انجام فریضه صبح در پی حاجت خویش می‌روی، دو رکعت نماز بگذار و چون از تشهد فارغ شدی، بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَرْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ أَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ».

این دعا را سه بار تکرار می‌کنی، و پس از آن دو رکعت دیگر می‌خوانی و چون از تشهد فارغ شدی، سه بار می‌گویی:

«بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ وَ أُبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا طَيِّبًا حَلَالًا تَسْوِقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

(۹۵)

بَابُ صَلَاةِ الْحَوَائِجِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي اخْتَرَعْتُ دُعَاءً.

قَالَ: دَعْنِي مِنَ اخْتِرَاعِكَ، إِذَا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ فَافْزَعْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ نُهْدِي بِهِمَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
قُلْتُ: كَيْفَ أَصْنَعُ؟

قَالَ: تَعْتَسِلُ وَتُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ تَسْتَفْتِحُ بِهِمَا افْتِتَاحَ الْفَرِيضَةِ وَتَشْهَدُ تَشْهَدَ الْفَرِيضَةِ، فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ التَّشْهَدِ وَسَلَّمْتَ قُلْتَ:

بخش نود و پنجم

نماز حاجت

۱ - عبدالرحیم قصیر گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرفیاب شدم و عرض کردم: فدایتان کردم! من دعایی از خود ساخته‌ام.

فرمود: دعایت را رها کن! هر گاه مشکلی برایت پیش آمد به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پناه ببر. بدین صورت که دو رکعت نماز بگزار و آن را به پیشگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدیه کن.

عرض کردم: چگونه این کار را انجام دهم؟

فرمود: نخست غسل می‌کنی، آن گاه دو رکعت نماز می‌خوانی، بدین گونه که تکبیرات افتتاح آن را همانند افتتاح نماز واجب می‌گویی، و همانند تشهد نماز فریضه می‌خوانی، و چون از تشهد فارغ گشتی و سلام نماز را گفتی، چنین دعا می‌کنی:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ وَ أَرْوَاحَ الْأَنْبِيَاءِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي وَ ارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَتَّبِنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِدًا وَ تَقُولُ: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ فَتَقُولُهَا أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ فَتَقُولُهَا أَرْبَعِينَ مَرَّةً. ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَ تَمُدُّ يَدَكَ وَ تَقُولُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرُدُّ يَدَكَ إِلَى رَقَبَتِكَ وَ تَلُوذُ بِسَبَابَتِكَ وَ تَقُولُ ذَلِكَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ خُذْ لِحْيَتَكَ بِيَدِكَ الْيُسْرَى وَ ابْكِ أَوْ تَبَاكِ وَ قُلْ:

«يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اشْكُو إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ حَاجَتِي وَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَ بِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي».

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ وَ أَرْوَاحَ الْأَنْبِيَاءِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي وَ ارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَتَّبِنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

آن گاه به سجده می روی و چهل بار این دعا را می خوانی:

«يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

آن گاه گونه راستت را بر خاک می گذاری و چهل مرتبه دیگر همان دعا را تکرار می کنی، و بعد گونه چپت را بر خاک نهاده و همان دعا را چهل مرتبه دیگر می خوانی. آن گاه سر خود را بلند می کنی و دست هایت را بر می داری و باز همان دعا را چهل بار می خوانی.

آن گاه دست خود را برگردنت نهاده و انگشت سبابه خود را حرکت می دهی و چهل مرتبه همان دعا را می خوانی. سپس محاسنت را با دست چپ بگیر و گریه کن و اگر نتوانستی خود را به حال گریه بزنی و این دعا را بخوان:

«يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اشْكُو إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ حَاجَتِي وَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَ بِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي».

ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ: «يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ» حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُكَ «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا».

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَأَنَا الضَّامِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَبْرَحَ حَتَّى تُفْضَى حَاجَتُهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي الرَّجُلِ يَحْزُنُهُ الْأَمْرُ أَوْ يُرِيدُ الْحَاجَةَ.

قَالَ: يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ يَفْرَأُ فِي إِحْدَاهُمَا ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي الْأُخْرَى مَرَّةً، ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَتَهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ دُوَيْلٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ مُقَاتِلٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ! عَلَّمَنِي دُعَاءً لِقَضَاءِ الْحَوَائِجِ.

آن گاه سر به سجده می گذاری و می گویی: «یا الله یا الله» - آن قدر تکرار می کنی تا نفست تمام شود- «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا» (به جای چنین و چنان دعا و حاجت را می گویی).

امام صادق عليه السلام فرمود: من نزد خداوند تعالی ضامنم که چنین فردی از جای خود حرکت نکرده باشد مگر آن که حاجتش برآورده شود.

۲- راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که مشکلی او را اندوهگین ساخته و یا حاجتی می خواهد، فرمود:

دو رکعت نماز می گزارد؛ به این ترتیب که در رکعت اول (پس از حمد) هزار بار سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را می خواند، و در رکعت دوم یک مرتبه همان سوره را می خواند، آن گاه حاجت خود را درخواست می نماید.

۳- مقاتل بن مقاتل گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: قربانت گردم! دعایی برای برآورده شدن حوائج به من تعلیم فرمایید.

فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُهِمَّةٌ فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ وَ شَمَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ، ثُمَّ ابْرُزْ تَحْتَ السَّمَاءِ، فَصَلِّ رَكَعَيْنِ نَفْتَحُ الصَّلَاةَ فَتَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَزَكُّعُ فَتَقْرَأُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تُتِمُّهَا عَلَى مِثَالِ صَلَاةِ التَّسْبِيحِ غَيْرَ أَنَّ الْقِرَاءَةَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، فَإِذَا سَلَّمْتَ فَاقْرَأْهَا خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ.

«اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ سِوَاكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ أَقْضَى لِي حَاجَةً كَذَا وَ كَذَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ». وَ تُلِحُّ فِيمَا أَرَدْتَ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْخَرَّازِ قَالَ:

حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَاهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخِي بِهِ بَلِيَّةٌ اسْتَحْيِي أَنْ أَذْكَرَهَا.

فرمود: هرگاه حاجت مهمی داشتی، غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و بوی خوش کن، سپس به زیر آسمان برو و دو رکعت نماز بگزار. تکبیره الاحرام را بگو، سپس حمد و ﴿قل هو الله احد﴾ را پانزده مرتبه می‌خوانی. آن گاه به رکوع می‌روی و پانزده بار ﴿قل هو الله احد﴾ را می‌خوانی، و نماز را مانند نماز جعفر (که پیشتر گذشت) تمام می‌کنی. (فرقش با نماز جعفر این است که در آن تسبیح ده بار است)، و در این نماز قرائت سوره پانزده مرتبه، و چون نماز را سلام دادی، پانزده بار آن را بخوان. آن گاه به سجده می‌روی و در سجده می‌گویی:

«اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ سِوَاكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ أَقْضَى لِي حَاجَةً كَذَا وَ كَذَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ».

۴ - ابو علی خزاز گوید: خدمت امام صادق علیه السلام شرف‌یاب شدم، مردی نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: قربانت گردم! برادرم به بلایی دچار شده که شرم دارم آن را بیان کنم.

فَقَالَ لَهُ: اسْتُرْ ذَلِكَ، وَقُلْ لَهُ يَصُومُ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَالْحَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ وَيَخْرُجُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَيَلْبَسُ ثَوْبَيْنِ، إِمَّا جَدِيدَيْنِ وَإِمَّا عَسِيلَيْنِ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ، فَيُصَلِّي وَيَكْشِفُ عَنْ رُكْبَتَيْهِ وَيَتَمَطَّى بِرَاحَتَيْهِ الْأَرْضِ وَجَنَبِيهِ وَيَقْرَأُ فِي صَلَاتِهِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا رَكَعَ قَرَأَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فَإِذَا سَجَدَ قَرَأَهَا عَشْرًا، فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْجُدَ قَرَأَهَا عِشْرِينَ مَرَّةً يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَإِذَا فَرَغَ مِنَ التَّشَهُدِ قَالَ:

«يَا مَعْرُوفًا بِالْمَعْرُوفِ يَا أَوَّلَ الْأُولِينَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَازِقَ الْمَسَاكِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي اسْتَرَيْتُ نَفْسِي مِنْكَ بِثُلُثِ مَا أَمْلِكُ فَاصْرِفْ عَنِّي شَرًّا مَا ابْتَلَيْتُ بِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۵- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

به او فرمود: آن را پنهان دار و بازگو مکن و به او بگو: روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد و به هنگام زوال آفتاب بیرون رود و دو لباس نو یا شسته شده و پاکیزه بپوشد و در جایی که کسی او را نبیند زانوان خود را برهنه کند، و دو کف دست خود را بر زمین زند و دو پهلوی خود را به زمین برساند، و در نماز خویش ده مرتبه حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند و چون به رکوع می‌رود، پانزده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، و چون به سجده می‌رود، ده مرتبه، و هنگامی که سر از سجده بر می‌دارد، پیش از آن که به سجده رود، بیست مرتبه آن را بخواند و چهار رکعت نماز این گونه به جا آورد و چون از تشهد فارغ می‌شود، بگوید:

«يَا مَعْرُوفًا بِالْمَعْرُوفِ يَا أَوَّلَ الْأُولِينَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَازِقَ الْمَسَاكِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي اسْتَرَيْتُ نَفْسِي مِنْكَ بِثُلُثِ مَا أَمْلِكُ فَاصْرِفْ عَنِّي شَرًّا مَا ابْتَلَيْتُ بِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۵- حسن بن صالح گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَأَتَمَّ رُكُوعَهُمَا وَ سُجُودَهُمَا ثُمَّ جَلَسَ فَأَتَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَتَهُ، فَقَدْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَظَانِهِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَظَانِهِ لَمْ يَخِبْ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَصَّاحٍ وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْأَرْقَطِ وَ أُمِّهِ أُمِّ سَلَمَةَ أُخْتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَرَضْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَضًا شَدِيدًا حَتَّى ثَقُلْتُ وَ اجْتَمَعَتْ بَنُو هَاشِمٍ لَيْلًا لِلْجَنَازَةِ وَ هُمْ يَرَوْنَ أَنِّي مَيِّتٌ.

فَجَزَعَتْ أُمِّي عَلَيَّ، فَقَالَ لَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَالِي: اضْعِدِي إِلَيَّ فَوْقَ الْبَيْتِ فَابْرُزِي إِلَيَّ السَّمَاءِ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَإِذَا سَلَمْتِ فَقُولِي: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا، اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَسْتَوْهَبُكَ مُبْتَدئًا فَأَعِزَّنِي».

قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَأَفَقْتُ وَ قَعَدْتُ وَ دَعَوْتُ بِسُحُورٍ لَهُمْ هَرِيَسَةَ، فَتَسَحَّرُوا بِهَا وَ تَسَحَّرْتُ مَعَهُمْ.

هر کس وضو سازد و وضوی خود را نیکو انجام دهد و دو رکعت نماز گزارد و رکوع و سجود آن را به درستی انجام دهد، سپس بنشیند و خدا را ستایش کند و بر رسول خدا ﷺ درود فرستد، و آن گاه حاجت خود را بطلبد، به راستی که خیر خود را از جایی که گمان می رود خواسته و هر که خیر را از چنین جایی بخواهد، ناامید نمی شود.

۶ - اسماعیل بن ارقط، خواهرزاده امام صادق علیه السلام گوید: در ماه رمضان سخت بیمار شدم تا آن جا که شبی بر اثر شدت بیماری بنی هاشم برای حمل جنازه ام حاضر شدند و ایشان می پنداشتند که من مُرده ام. مادرم بی تاب می کرد.

دایی ام امام صادق علیه السلام به او فرمود: بر بالای بام خانه برو و در زیر آسمان دو رکعت نماز بگزار و چون سلام دادی بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا، اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَسْتَوْهَبُكَ مُبْتَدئًا فَأَعِزَّنِي».

اسماعیل گوید: مادرم این کار را انجام داد، من بهبود یافته و برخاستم و نشستم. وقتی خانواده را برای خوردن سحری - که هریسه (۱) بود - فرا خواندند، آن ها سحری خوردند، من نیز با آنان غذا خوردم.

۱ - غذایی که از گوشت و حبوبات می پزند.

۷- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ شَرْحِبِيلِ الْكِنْدِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 إِذَا أَرَدْتَ أَمْرًا تَسْأَلُهُ رَبَّكَ فَتَوَضَّأْ وَأَحْسِنِ الْوُضُوءَ، ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ عَظِّمِ اللَّهَ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ قُلْ بَعْدَ التَّسْلِيمِ.
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُفْتَدِرٌ وَ بِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ.
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجِّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ﷺ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتُوجِّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ».
 ثُمَّ سَلَّ حَاجَتَكَ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي الْأَمْرِ يَطْلُبُهُ الطَّالِبُ مِنْ رَبِّهِ.

۷- شرح حبیله کندی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هر گاه خواستی چیزی از پروردگار خود بخواهی، وضو ساز و آن را نیکو انجام ده، سپس دو رکعت نماز بگزار و خداوند را به بزرگی یاد کن و بر پیامبر ﷺ درود فرست و پس از سلام نماز بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُفْتَدِرٌ وَ بِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجِّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ﷺ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتُوجِّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ».

سپس حاجت خویش را در خواست کن.

۸- زراره گوید: امام صادق علیه السلام در مورد حاجتی که طالب حاجت از پروردگار خود

طلب می‌کند، فرمود:

قَالَ: تَصَدَّقْ فِي يَوْمِكَ عَلَى سِتِّينَ مِسْكِينًا عَلَى كُلِّ مِسْكِينٍ صَاعٌ بِصَاعِ النَّبِيِّ ﷺ، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ اغْتَسَلْتَ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي وَ لَبِسْتَ أَدْنَى مَا يَلْبَسُ مَنْ تَعْمَلُ مِنَ الثِّيَابِ إِلَّا أَنْ عَلَيْكَ فِي تِلْكَ الثِّيَابِ إِزَارًا ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا وَضَعْتَ جَبْهَتَكَ فِي الرُّكْعَةِ الْأَخِيرِ لِلسُّجُودِ هَلَلْتَ اللَّهَ وَ عَظَّمْتَهُ وَ قَدَّسْتَهُ وَ مَجَّدْتَهُ وَ ذَكَرْتَ ذُنُوبَكَ فَأَقْرَزْتَ بِمَا تَعْرِفُ مِنْهَا مُسَمًى، ثُمَّ رَفَعْتَ رَأْسَكَ ثُمَّ إِذَا وَضَعْتَ رَأْسَكَ لِلسُّجُودِ الثَّانِيَةِ اسْتَحْرَزْتَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ».

ثُمَّ تَدْعُو اللَّهَ بِمَا شِئْتَ وَ تَسْأَلُهُ إِيَّاهُ وَ كُلَّمَا سَجَدْتَ فَأَفْضِ بِرُكْبَتِكَ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ تَرْفَعِ الْإِزَارَ حَتَّى تَكْشِفَهُمَا وَ اجْعَلِ الْإِزَارَ مِنْ خَلْفِكَ بَيْنَ أَلْيَتَيْكَ وَ بَاطِنِ سَاقَيْكَ.

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ أَبَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

در آن روز به شصت مستمند و بینوا صدقه بده، بدین گونه که به هر بینوایی یک صاع به اندازه صاع پیامبر ﷺ^(۱) صدقه بده، و چون شب فرا رسید، در یک سوم پایانی آن شب غسل می کنی و کم ارزش ترین لباسی را که خانواده ات به طور معمول می پوشند، می پوشی با این تفاوت که باید لنگی هم (با آن لباس به میان ببندی). آن گاه دو رکعت نماز می خوانی و چون در رکعت آخر پیشانی بر خاک نهادی، خداوند را به یگانگی یاد می کنی و تعظیم، تقدیس، تمجید می نمایی و گناهانت را یادآور می شوی و آن چه را که به یاد داری یکایک نام میبری. سپس سر از سجده برمی داری، وقتی پیشانی بر خاک نهادی، در سجده دوم صد بار از خداوند برای خود طلب خیر می کنی، بدین گونه که می گویی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ» آن گاه خداوند را به آن چه که خواهی فرا می خوانی و از او درخواست می کنی، و هر بار که به سجده می روی زانوهایت را به زمین برسان و لنگ را از روی آن ها بردار تا برهنه شوند و آن را از پشت پا بین زانوها و داخل ساق هایت بینداز.

۹- حارث بن مغیره گوید: امام صادق ع فرمود:

۱- هر صاع پنج مد و هر مد به اندازه دو کف دست پر از خرما یا خشک یا گندم یا جو است.

إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَتَوَضَّأْ وَ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ احْمَدِ اللَّهَ وَ أَنْتِنِ عَلَيْهِ وَ اذْكُرْ مِنْ
الآيَةِ ثُمَّ ادْعُ تُجِبْ.

۱۰ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ
عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ حَاجَةً فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّ تَعْطُهُ.
۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلٍ
قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَتْ عَلَيْهِ امْرَأَةٌ وَ ذَكَرَتْ أَنَّهَا تَرَكَتِ ابْنَهَا وَ قَدْ
قَالَتْ بِالْمَلْحَفَةِ عَلَى وَجْهِهِ مَيْتًا.

فَقَالَ لَهَا: لَعَلَّهُ لَمْ يَمُتْ، فَقُومِي فَادْهَبِي إِلَى بَيْتِكِ فَاغْتَسِلِي وَ صَلِّي رَكَعَتَيْنِ
وَ ادْعِي وَ قُولِي: «يَا مَنْ وَهَبَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا جَدِّ هِبْتَهُ لِي» ثُمَّ حَرِّكِيهِ وَ لَا تُخْبِرِي
بِذَلِكَ أَحَدًا.

قَالَتْ: فَفَعَلْتُ فَحَرَّكْتُهُ، فَإِذَا هُوَ قَدْ بَكَى.

هرگاه حاجتی داشتی، وضو ساز و دو رکعت نماز بخوان، سپس خدا را حمد کن و او را
ستایش نما و نشانه‌های او را به یاد آور و آن گاه دعا کن که به اجابت می‌رسد.

۱۰ - حارث بن مغیره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه حاجتی داشتی، دو رکعت نماز بگزار و بر محمد و آل او درود فرست و حاجت
خود را بخواه که عطا خواهد شد.

۱۱ - جمیل گوید: در حضور امام صادق عليه السلام بودم، زنی خدمت حضرتش شرف‌یاب
شد و گفت که فرزند خود را در حالی ترک کرده که مرده و ملافه‌ای بر او کشیده است.

حضرتش فرمود: شاید نمرده باشد، برخیز و به خانه‌ات برو و غسل کن و دو رکعت نماز
بخوان و دعا کن و بگو: «یا مَنْ وَهَبَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا جَدِّ هِبْتَهُ لِي».

سپس او را حرکت بده و کسی را از این ماجرا خبردار مکن.

آن زن گوید: طبق دستور حضرتش انجام دادم و او را حرکت دادم که ناگاه به گریه در آمد.

(۹۶)

بَابُ صَلَاةٍ مَنْ خَافَ مَكْرُوهًا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُونِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا هَالَهُ شَيْءٌ فَرَزَعَ إِلَى الصَّلَاةِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اتَّخَذَ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ، فَإِذَا خِفْتَ شَيْئًا فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ عَلِيَّيْنِ مِنْ أَعْلَاطِ ثِيَابِكَ وَصَلِّ فِيهِمَا، ثُمَّ اجْتُ عَلَيَّ رُكْبَتَيْكَ فَاصْرُخْ إِلَى اللَّهِ وَ سَلِّهِ الْجَنَّةَ وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الَّذِي تَخَافُهُ، وَإِيَّاكَ أَنْ يَسْمَعَ اللَّهُ مِنْكَ كَلِمَةً بَغْيِي، وَإِنْ أَعْجَبَتْكَ نَفْسُكَ وَ عَشِيرَتُكَ.

بخش نود و ششم**نماز کسی که از چیزی بترسد**

- ۱ - ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ همواره و هر گاه چیزی او را می ترسانید، به نماز روی می آورد. سپس این آیه را تلاوت می فرمود: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾.
- ۲ - حریر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در خانه خود مسجدی انتخاب کن و هر گاه از چیزی ترسیدی، دو لباس خشن از خشن ترین لباس هایت را بپوش و در آن دو لباس نماز بگذار، سپس به دو زانو بنشین و به سوی خداوند ناله و زاری کن و از او بهشت بخواه و به او از شر چیزی که از آن می ترسی پناه جوی و بپرهیز از این که خداوند کلمه ستمگرانه ای از تو بشنود، هر چند که مقام خود و خاندانت، تو را مغرور کرده باشد.

(۹۷)

بَابُ صَلَاةٍ مَنْ أَرَادَ سَفْرًا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

مَا اسْتَحْلَفَ عَبْدٌ عَلَى أَهْلِهِ بِخِلَافَةٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكَعَتَيْنِ يَزُكُّهُمَا إِذَا أَرَادَ سَفْرًا
يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ
عَمَلِي» إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ.»

بخش نود و هفتم

نماز کسی که اراده سفر دارد

۱ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
هیچ بنده ای به هنگام مسافرت برای سرپرستی خانواده خود جانشینی بهتر از آن به
جای نگذاشته که دو رکعت نماز بگزارد و بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي»
(و در این صورت) خداوند خواسته اش را، به او عطا فرماید.

(۹۸)

بَابُ صَلَاةِ الشُّكْرِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ فِي صَلَاةِ الشُّكْرِ: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ تَقْرَأُ فِي الثَّانِيَةِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ وَ تَقُولُ فِي الرَّكَعَةِ الْأُولَى فِي رُكُوعِكَ وَ سُجُودِكَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَ حَمْدًا» وَ تَقُولُ فِي الرَّكَعَةِ الثَّانِيَةِ فِي رُكُوعِكَ وَ سُجُودِكَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي».

بخش نود و هشتم

نماز شکر و سپاسگزاری

۱ - هارون بن خارجه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره نماز شکر فرمود: هر گاه خداوند نعمتی به تو عنایت کرد، دو رکعت نماز بگزار، بدین گونه که در رکعت اول حمد و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و در رکعت دوم حمد و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را می خوانی. و در رکعت اول در رکوع و سجود خود می گویی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَ حَمْدًا» و در رکعت دوم در رکوع و سجود خویش می گویی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي».

(۹۹)

بَابُ صَلَاةٍ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ رَجُلًا وَ هُوَ يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي رَجُلٌ قَدْ أَسْنَنْتُ وَ قَدْ تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً بَكْرًا صَغِيرَةً وَ لَمْ أَدْخُلْ بِهَا وَ أَنَا أَخَافُ إِذَا أَدْخُلْتُ بِهَا عَلَيَّ فِرَاشِي أَنْ تَكْرَهَنِي لِخِضَابِي وَ كِبَرِي .

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ فَمَرْهُمُ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ إِلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مُتَوَضِّئَةً ثُمَّ أَنْتَ لَا تَصِلُ إِلَيْهَا حَتَّى تَتَوَضَّأَ وَ تُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ مَجِدِ اللَّهَ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ وَ مَرُّ مَنْ مَعَهَا أَنْ يُؤْمِنُوا عَلَيَّ دُعَائِكَ وَ قُلِ:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا وَ رِضْنِي بِهَا ثُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَ أَسْرَرِ اثْتِلَافِي، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَ تَكْرَهُ الْحَرَامَ».

بخش نود و نهم

نماز کسی که بخواهد عروسی کند و کسی که اراده ازدواج دارد

۱- ابو بصیر گوید: (در خدمت) امام باقر عليه السلام (بودم که) شنیدم مردی به حضرتش عرض می‌کرد: قربانت گردم! مردی هستم که سنی از من گذشته است و به تازگی دختر باکره‌ای را به عقد خویش درآورده‌ام و هنوز عروسی نکرده‌ام و می‌ترسم به هنگام عروسی به سبب پیری و خضاب کردن ریشم از من خوشش نیاید، چه باید بکنم؟

امام باقر عليه السلام فرمود: وقتی خواستی عروسی کنی، پیش از آن که همسرت نزد تو بیاید، به او دستور ده تا وضو سازد، خودت نیز پیش از رسیدن به او وضو می‌سازی و دو رکعت نماز می‌خوانی، سپس خداوند را به بزرگی یاد کن و بر محمد و آل او درود فرست، و آن‌گاه دعا کن و به کسانی که همراه او هستند فرمان ده تا آمین بگویند، و بگو: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا وَ رِضْنِي بِهَا ثُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَ أَسْرَرِ اثْتِلَافِي، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَ تَكْرَهُ الْحَرَامَ».

ثُمَّ قَالَ: وَاعْلَمَ! أَنَّ الْإِلْفَ مِنَ اللَّهِ وَالْفِرْكَ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَكْرَهُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ.
 ۲- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ
 رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا تَزَوَّجَ أَحَدُكُمْ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 قُلْتُ: لَا أُدْرِي.

قَالَ: إِذَا هَمَّ بِذَلِكَ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ يَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَقُولُ:
 اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَهْنَ فَرْجاً وَ أَحْفَظْهُنَّ لِي فِي
 نَفْسِيهَا وَ فِي مَالِي وَ أَوْسَعُهُنَّ رِزْقاً وَ أَعْظَمَهُنَّ بَرَكَهً، وَ قَدِّرْ لِي وَلِداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ
 خَلِيفاً صَالِحاً فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَمَاتِي.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْبَلَ لَهُ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ
 وَ السُّجُودَ ثُمَّ يَقُولُ:

آن گاه امام عليه السلام فرمود: بدان که الفت میان مرد و زن از جانب خداست و دشمنی میان
 آن‌ها از شیطان است، تا آن چه را که خداوند حلال کرده ناخوش شمارند.

۲- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: هر گاه یکی از شما تزویج کرد، چه می‌کند؟
 گفتم: نمی‌دانم.

فرمود: چون تصمیم به آن گرفت، باید دو رکعت نماز به جای آورد و خداوند را سپاس
 گوید، سپس بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَهْنَ فَرْجاً وَ أَحْفَظْهُنَّ لِي فِي نَفْسِيهَا وَ فِي مَالِي وَ
 أَوْسَعُهُنَّ رِزْقاً وَ أَعْظَمَهُنَّ بَرَكَهً، وَ قَدِّرْ لِي وَلِداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلِيفاً صَالِحاً فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَمَاتِي.

۳- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر که می‌خواهد بچه‌دار شود، دو رکعت نماز بعد از (نماز روز) جمعه بخواند و رکوع
 و سجود آن را طولانی انجام دهد. آن گاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَك بِهِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ هَبْ لِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَ لَا شِرْكَاءَ».

(۱۰۰)

بَابُ النَّوَادِرِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ مَا تَرَوِي هَذِهِ النَّاصِبَةَ؟
فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فِيمَا ذَا؟
فَقَالَ: فِي أَذَانِهِمْ وَ رُكُوعِهِمْ وَ سُجُودِهِمْ.
فَقُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّ أَبِي بَنَ كَعْبٍ رَأَاهُ فِي النَّوْمِ.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَك بِهِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ هَبْ لِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَ لَا شِرْكَاءَ».

بخش صدم

چند حدیث نکته دار

۱ - عمر بن اذینه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: این ناصبی‌ها (دشمنان اهل بیت علیهم السلام) چه روایت می‌کنند؟
عرض کردم: قربانت گردم! در مورد چه چیزی؟
فرمود: در مورد اذان، رکوع و سجودشان.
عرض کردم: آن‌ها می‌گویند: ابی بن کعب آن‌ها را در خواب دیده است (یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب او به اذان، رکوع و سجود حکم فرمود).

فَقَالَ: كَذَّبُوا، فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ.
 قَالَ: فَقَالَ لَهُ سَدِيرُ الصَّيْرِفِيِّ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَحْدِثْ لَنَا مِنْ ذَلِكَ ذِكْرًا.
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا عَرَجَ بِنَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله إِلَى سَمَاوَاتِهِ السَّبْعِ أُمَّا
 أَوْلَاهُنَّ فَبَارَكَ عَلَيْهِ، وَالثَّانِيَةَ عَلَّمَهُ فَرَضَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ مَحْمِلًا مِنْ نُورٍ فِيهِ أَرْبَعُونَ
 نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الثُّورِ، كَانَتْ مُحَدِّقَةً بِعَرْشِ اللَّهِ تَعَشَى أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ أُمَّا وَاحِدٌ
 مِنْهَا فَأَصْفَرُّ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَصْفَرَّتِ الصُّفْرَةُ، وَوَاحِدٌ مِنْهَا أَحْمَرٌ، فَمِنْ أَجْلِ
 ذَلِكَ أَحْمَرَّتِ الْحُمْرَةُ، وَوَاحِدٌ مِنْهَا أَبْيَضٌ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَبْيَضَّ السَّبْيَاضُ،
 وَالْبَاقِي عَلَى سَائِرِ عَدَدِ الْخَلْقِ مِنَ الثُّورِ وَالْأَلْوَانِ، فِي ذَلِكَ الْمَحْمِلِ حَلَقٌ
 وَ سَلَاسِلٌ مِنْ فِضَّةٍ.
 ثُمَّ عَرَجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَانْفَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى أَطْرَافِ السَّمَاءِ وَ حَرَّتْ سُجْدًا
 وَ قَالَتْ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ مَا أَشْبَهَ هَذَا الثُّورَ بِنُورِ رَبِّنَا.

آن حضرت فرمود: دروغ می‌گویند؛ زیرا دین خدا گرامی‌تر از آن است که در خواب دیده شود.

راوی گوید: سدیر صیرفی به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! درباره آن برای ما سخنی بفرما.

امام صادق عليه السلام فرمود: وقتی که خداوند تبارک و تعالی پیامبر خود را به آسمان‌های هفتگانه برد، در نخستین معراج بر آن حضرت (به واسطه تعیین جانشینان و اوصیای گرامش عليه السلام) برکت داد، و در معراج دوم واجبات آن را به او تعلیم داد. خداوند، محملی از نور نازل فرمود که در آن چهل نوع از انواع و اقسام نور بود که پیرامون عرش خداوند را احاطه کرده بودند و دیدگان بینندگان با آن نوازش می‌شد. یکی از آنها نور زرد بود و به همین دلیل رنگ زرد، زرد شد. دیگری سرخ بود و به همین سبب رنگ سرخ، سرخ شد، سومی سفید بود و به همین جهت رنگ سفید، سفید شد و بقیه رنگ‌ها بر طبق انواع دیگر نورها، و آن رنگ‌ها در آن محمل، مانند حلقه‌ها و زنجیرهای سیمین بودند.

سپس آن حضرت به آسمان اول برده شد. فرشتگان در اطراف آسمان پراکنده شده و به سجده افتادند و گفتند: پاک و منزّه است خداوند! چقدر این نور (پیامبر صلى الله عليه وآله) شبیه نور پروردگار ماست!

فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ.
 ثُمَّ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَاجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ، فَسَلَّمَتْ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْوَجًا
 وَقَالَتْ: يَا مُحَمَّدُ! كَيْفَ أَخُوكَ؟ إِذَا نَزَلْتَ فَأَقْرِئْهُ السَّلَامَ.
 قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْتَعْرِفُونَهُ؟
 قَالُوا: وَكَيْفَ لَا نَعْرِفُهُ؟ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقُكَ وَ مِيثَاقُهُ مِنَّا وَ مِيثَاقُ شِيعَتِهِ إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ عَلَيْنَا، وَ إِنَّا لَنَتَصَفَّحُ وَ جُوهَ شِيعَتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ حَمْسًا - يَعْنُونَ فِي كُلِّ
 وَقْتِ صَلَاةٍ - وَ إِنَّا لَنُصَلِّي عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِ.
 قَالَ: ثُمَّ زَادَنِي رَبِّي أَرْبَعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ لَا يُشْبِهُهُ النُّورَ الْأَوَّلَ، وَ زَادَنِي
 حَلَقًا وَ سَلَابِلَ وَ عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ، فَلَمَّا قَرَبْتُ مِنْ بَابِ السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ
 نَفَرَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى أَطْرَافِ السَّمَاءِ وَ خَرَّتْ سُجَّدًا وَ قَالَتْ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ
 الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ مَا أَشْبَهَ هَذَا النُّورَ بِنُورِ رَبِّنَا؟!

جبرئیل علیہ السلام گفت: الله أكبر الله أكبر.

آن گاه درهای آسمان گشوده شد و فرشتگان گرد آمدند و گروه گروه بر پیامبر ﷺ سلام می کردند و می گفتند: ای محمد! برادرت (علی علی السلام) چگونه است؟ چون به زمین بازگشتی سلام ما را به او برسان.

پیامبر ﷺ فرمود: آیا او را می شناسید؟

گفتند: چگونه او را نمی شناسیم؟ با این که برای تو، او و شیعیان او تا روز رستاخیز از ما پیمان گرفته شده است، ما هر روز پنج مرتبه - در اوقات نماز - به چهره شیعیان می نگریم و بر تو و علی علی السلام درود می فرستیم.

حضرتش فرمود: آن گاه خداوند چهل نور دیگر که هیچ نور دیگر، هیچ شباهتی به آن چهل نور نخستین نداشت، به من عطا فرمود و به همان مقدار نیز به حلقه ها و زنجیرها افزود، و مرا به آسمان دوم عروج داد. وقتی نزدیک دروازه آسمان شدم، فرشتگان به اطراف آسمان متفرق شده و به سجده افتادند و گفتند: پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح القدس! چقدر این نور شبیه نور پروردگار ماست؟!!

فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.
فَاجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ وَقَالَتْ: يَا جَبْرَائِيلُ! مَنْ هَذَا مَعَكَ؟
قَالَ: هَذَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
قَالُوا: وَ قَدْ بُعِثَ؟
قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَخَرَجُوا إِلَيَّ شِبْهَ الْمَعَانِيْقِ فَسَلَّمُوا عَلَيَّ وَقَالُوا: أَفَرِي أَخَاكَ
السَّلَامَ قُلْتَ أ تَعْرِفُونَهُ قَالُوا: وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُهُ؟ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكَ وَ مِيثَاقَهُ وَ مِيثَاقُ
شِيعَتِهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْنَا، وَ إِنَّا لَنَتَصَفَّحُ وَ جُوهَ شِيعَتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْسًا
- يَعْنُونَ فِي كُلِّ وَقْتِ صَلَاةٍ -.

قَالَ: ثُمَّ زَادَنِي رَبِّي أَرْبَعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ لَا تُشْبِهُهُ الْأَنْوَارُ الْأُولَى ثُمَّ عَرَجَ
بِي إِلَى السَّمَاءِ الثَّلَاثَةِ فَتَفَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ وَ خَرَّتْ سُجَّدًا وَقَالَتْ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ
الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» مَا هَذَا النُّورُ الَّذِي يُشْبِهُ نُورَ رَبِّنَا؟

جبرئیل علیه السلام گفت: شهادت می‌دهم که هیچ معبودی جز خدا نیست، شهادت می‌دهم
که هیچ معبودی جز خدا نیست.
فرشتگان جمع شده و گفتند: ای جبرئیل! این شخص که همراه توست کیست؟
گفت: محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.
گفتند: آیا به پیامبری مبعوث شده است؟
گفت: آری.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: فرشتگان، همانند کوه‌های ریگ به سوی من سرازیر شدند و بر من
سلام کردند و گفتند: برادر خود را از جانب ما سلام برسان.
گفتم: آیا او را می‌شناسید؟

گفتند: چگونه او را نمی‌شناسیم در حالی که در مورد تو او و شیعیانش تا روز قیامت از
ما پیمان گرفته شده است و ما، در هر شبانه روز پنج مرتبه - به هنگام نماز - به چهره شیعیان
او می‌نگریم.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سپس خداوند چهل نوع دیگر از انواع نور به من عنایت فرمود که
هیچ شباهتی به نورهای پیشین نداشتند.
آن‌گاه مرا به آسمان سوم بردند. فرشتگان متفرق شده و به سجده افتادند و گفتند: پاک و
منزه است پروردگار فرشتگان و روح القدس! این چه نوری است که مانند نور پروردگار ماست؟

فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.
 فَاجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ وَقَالَتْ: مَرْحَبًا بِالْأَوَّلِ وَ مَرْحَبًا بِالْآخِرِ وَ مَرْحَبًا بِالْحَاشِرِ
 وَ مَرْحَبًا بِالنَّاشِرِ مُحَمَّدٌ خَيْرُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيُّ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ.
 قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: ثُمَّ سَلَّمُوا عَلَيَّ وَ سَأَلُونِي عَنْ أَخِي.
 قُلْتُ: هُوَ فِي الْأَرْضِ أَ فَتَعْرِفُونَهُ؟
 قَالُوا: وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُهُ؟ وَ قَدْ نَحَجُّ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ كُلَّ سَنَةٍ، وَ عَلَيْهِ رَقٌّ أَبْيَضُ
 فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ اسْمُ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَيْمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شِيعَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ، وَ إِنَّا لَنُبَارِكُ عَلَيْهِمْ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْسًا - يَعْنُونَ فِي وَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ - وَ
 يَمْسَحُونَ رُءُوسَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ.

جبرئیل علیہ السلام گفت: گواهی می‌دهم که محمد ﷺ رسول خداست، گواهی می‌دهم که
 محمد ﷺ رسول خداست.
 پس فرشتگان جمع شده و گفتند: خوش آمدی ای اولین مخلوق و آخرین پیامبر و
 خوش آمدی ای جمع کننده کمالات و ای نشر دهنده آن (در اوصیا و جانشینان خویش)
 محمد ﷺ بهترین پیامبران و علی علیہ السلام بهترین اوصیا و جانشینان است.
 پیامبر ﷺ فرمود: آن گاه فرشتگان بر من سلام کرده و از حال برادرم (علی علیہ السلام)
 پرسیدند.

گفتم: او در زمین است، آیا او را می‌شناسید؟
 گفتند: چگونه او را نمی‌شناسیم در حالی که هر سال حج بیت المعمور را به جا
 می‌آوریم و بر آن صحیفه سفیدی است که تا روز قیامت در آن، نام محمد، علی، حسن،
 حسین و ائمه علیهم السلام و شیعیان آنها است و ما، در هر شبانه روز پنج بار - به هنگام نماز - بر
 آنها برکت فرود می‌آوریم، و دست‌های خود را به سرهایشان می‌کشند.

قَالَ: ثُمَّ زَادَنِي رَبِّي أَرْبَعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ، لَا تُشْبِهُ تِلْكَ الْأَنْوَارَ الْأُولَى، ثُمَّ عَرَجَ بِي حَتَّى أَنْتَهَيْتُ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ، فَلَمْ تُقَلِّ الْمَلَائِكَةُ شَيْئًا وَ سَمِعْتُ دَوِيًّا كَأَنَّهُ فِي الصُّدُورِ، فَاجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ فَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ خَرَجَتْ إِلَيَّ شِبْهَ الْمَعَانِيْقِ .

فَقَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ».

فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: صَوْتَانِ مَعْرُوفَانِ مَعْرُوفَانِ.

فَقَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ».

فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: هِيَ لِشِيعَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ثُمَّ اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ قَالَتْ: كَيْفَ تَرَكْتَ أَخَاكَ؟
فَقُلْتُ لَهُمْ: وَ نَعْرِفُوهُ؟

پیامبر ﷺ فرمود: آن گاه پروردگارم چهل نوع دیگر از انواع نور به من عطا فرمود که هیچ شباهتی به نورهای پیشین نداشتند. پس از آن مرا به آسمان چهارم بردند و فرشتگان سخنی نمی گفتند و فقط صداهایی می شنیدم که گویی در سینه ها بود. فرشتگان گرد آمدند و درهای آسمان گشوده شد و مانند توده های ریگ به سوی من سرازیر شدند.

جبرئیل علیه السلام گفت: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ».

فرشتگان گفتند: دو صدای معروفند که به هم نزدیکند.

جبرئیل علیه السلام گفت: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ».

فرشتگان گفتند: این تاروز قیامت برای شیعیان اوست.

آن گاه فرشتگان جمع شده و گفتند: برادر خود را در چه حال گذاردی؟

به آن ها گفتم: او را می شناسید؟

قَالُوا: نَعْرِفُهُ وَ شِيعَتَهُ، وَ هُمْ نُورٌ حَوْلَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ إِنَّ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لَرَقًّا
 مِنْ نُورٍ فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَ شِيعَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ وَ إِنَّهُ
 لَمِثَاقُنَا وَ إِنَّهُ لَيُفْرَأُ عَلَيْنَا كُلَّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ.
 ثُمَّ قِيلَ لِي: اذْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ!
 فَرَفَعْتُ رَأْسِي، فَإِذَا أَطْبَاقُ السَّمَاءِ قَدْ خُرِقَتْ وَ الْحُجُبُ قَدْ رُفِعَتْ.
 ثُمَّ قَالَ لِي: طَاطِي رَأْسَكَ أَنْظُرْ مَا تَرَى؟
 فَطَاطَتُ رَأْسِي، فَنَظَرْتُ إِلَى بَيْتٍ مِثْلِ بَيْتِكُمْ هَذَا وَ حَرَمٍ مِثْلِ حَرَمِ هَذَا الْبَيْتِ
 لَوْ أَلْقَيْتُ شَيْئًا مِنْ يَدِي لَمْ يَقَعْ إِلَّا عَلَيْهِ.
 فَقِيلَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ هَذَا الْحَرَمُ وَ أَنْتَ الْحَرَامُ وَ لِكُلِّ مِثْلٍ مِثَالٌ.
 ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ! اذْنُ مِنْ صَادٍ، فَاعْسِلْ مَسَاجِدَكَ وَ طَهِّرْهَا وَ صَلِّ
 لِرَبِّكَ.

گفتند: او و شیعیانش را می شناسیم. آن ها نورهایی در گرد عرش خدا هستند، و همانا در
 بیت المعمور صحیفه ای از نور است که در آن صحیفه، نوشته ای از نور می باشد و تاروز
 قیامت در آن نام محمد، علی، حسن، حسین و ائمه علیهم السلام و شیعیان ایشان مکتوب است و
 شخصی از آن کم و زیاد نخواهد شد و آن نوشته پیمان ماست که در هر روز جمعه برای ما
 خوانده می شود.

آن گاه به من گفتند: ای محمد! سر خود را بالا کن.

سر خود را بالا بردم، دیدم که همه طبقات آسمان ها شکافته شده و تمام حجاب ها
 برداشته شده است.

سپس به من گفت: سر خود را فرود آور و نگاه کن که چه می بینی؟

سر خود را فرود آوردم خانه ای مانند خانه شما و حرمی مانند حرم این خانه دیدم که
 اگر چیزی را از دست خود می افکندم، نمی افتاد مگر بر آن.

به من گفتند: ای محمد! این، حرم است و تویی محترم و برای هر چیز نمونه ای است.
 آن گاه خداوند به سوی من وحی فرمود که ای محمد! به چشمه صاد نزدیک شو و
 مواضع (هفت گانه) سجده خود را بشوی و پاکیزه کن و برای پروردگار خویش نماز بخوان.

فَدَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ صَادٍ، وَهُوَ مَاءٌ يَسِيلُ مِنْ سَاقِ الْعَرْشِ الْأَيْمَنِ، فَتَلَقَّى
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَاءَ بِيَدِهِ الْأَيْمَنِ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الْوُضُوءُ بِالْيَمِينِ .
 ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ اغْسِلْ وَجْهَكَ، فَإِنَّكَ تَنْظُرُ إِلَى عَظْمَتِي، ثُمَّ
 اغْسِلْ ذِرَاعَيْكَ الْأَيْمَنِ وَالْيُسْرَى، فَإِنَّكَ تَلَقَّى بِيَدِكَ كَلَامِي، ثُمَّ امْسَحْ رَأْسَكَ بِفَضْلِ
 مَا بَقِيَ فِي يَدَيْكَ مِنَ الْمَاءِ وَرِجْلَيْكَ إِلَى كَعْبَيْكَ، فَإِنِّي أَبَارِكُ عَلَيْكَ وَ أَوْطِئُكَ
 مَوْطِئًا لَمْ يَطَّأهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ، فَهَذَا عِلَّةُ الْأَذَانِ وَالْوُضُوءِ .
 ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا مُحَمَّدُ! اسْتَقْبِلِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَكَبِّرْني عَلَى عَدَدِ
 حُجْبِي. فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ التَّكْبِيرُ سَبْعًا، لِأَنَّ الْحُجْبَ سَبْعٌ، فَافْتَتِحْ عِنْدَ انْقِطَاعِ
 الْحُجْبِ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الْإِفْتِتَاحُ سُنَّةً وَ الْحُجْبُ مُتَطَابِقَةٌ بَيْنَهُنَّ بِحَارِ النُّورِ،

رسول خدا ﷺ به چشمه صاد - که آبی است که از پایین عرش جاری می شود - نزدیک
 شد و آن حضرت آب را با دست راست برگرفت و به همین دلیل آب برداشتن برای وضو
 به دست راست سنت شد.

پس از آن خدای عزوجل وحی فرمود که صورت خود را بشوی؛ زیرا تو به بزرگی آثار قدرت
 من نگاه می کنی، سپس دو دست راست و چپ خویش را شست و شو ده؛ زیرا که تو با
 دست خود کلام مرا برمی گیری، و آن گاه با تری مانده در دو دستت، سر خود و دو پای
 خویش را تا برآمدگی پا مسح کن، که من برکتی را بر تو فرود می آورم و تو را به مقامی
 می رسانم که کسی جز تو به آن جاگام ننهاده است.

بنابر این، علت و سبب اذان و وضو این است (نه آن چه که مخالفان می گویند).
 سپس خداوند به آن حضرت وحی فرمود که ای محمد! رو به حجر الأسود کن و مرا به
 عدد آسمان هایم به بزرگی یاد کن.

و به همین سبب، هفت تکبیر سنت شد؛ زیرا که شمار آسمان ها هفت است. و پس
 از تمام شدن هفت تکبیر، تکبیر افتتاح را گوی، و به همین علت تکبیر افتتاح
 سنت شد، و آسمان ها به یکدیگر متصلند و در میان آن ها دریا های نور است،

وَ ذَلِكَ النُّورُ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الْإِفْتِتَاحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، لِإِفْتِتَاحِ الْحُجُبِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَصَارَ التَّكْبِيرُ سَبْعاً وَ الْإِفْتِتَاحُ ثَلَاثاً، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنَ التَّكْبِيرِ وَ الْإِفْتِتَاحِ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ سَمَّ بِاسْمِي، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ أَحْمَدَنِي، فَلَمَّا قَالَ: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِي نَفْسِهِ: «شُكْرًا».

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: قَطَعْتَ حَمْدِي، فَسَمَّ بِاسْمِي.

فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ فِي الْحَمْدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَرَّتَيْنِ، فَلَمَّا بَلَغَ ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا».

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمَّ بِاسْمِي.

فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: أَقْرَأْ يَا مُحَمَّدُ! نِسْبَةَ رَبِّكَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾.

و این همان نوری است که خداوند (چهار بار، هم چنان که بیان شد) آن را بر محمد ﷺ نازل فرمود، و به همین دلیل افتتاح سه مرتبه شد، برای این که سه بار درهای آسمان برای نازل شدن نور بر آن حضرت گشوده شد، پس تکبیر هفت بار و افتتاح سه بار تشریح شد، و چون از تکبیر و افتتاح فارغ شد، خداوند به آن حضرت وحی فرمود که مرا به نامم بخوان. به همین سبب ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در آغاز سوره قرار داده شد. سپس وحی فرمود که مرا حمد و سپاس گوی، و چون آن حضرت گفت: ﴿الحمد لله رب العالمين﴾، در دل خود گفت: «شکراً».

خداوند به آن حضرت وحی فرمود که حمد مرا بریدی پس مرا به نامم بخوان، و به همین سبب در سوره حمد، دوبار: ﴿الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ﴾ قرار داده شد، و چون به ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ رسید، پیامبر ﷺ فرمود: «الحمد لله رب العالمين شكراً».

خداوند به او وحی فرمود که ذکر و یاد مرا بریدی. پس مرا به نامم بخوان، و به همین سبب ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در آغاز سوره نیز قرار داده شد.

آن گاه خداوند ﷻ وحی فرمود که ای محمد! نسبت پروردگار تبارک و تعالی خود را (که سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ است) بخوان.

ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهُ الْوَحْيَ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ».
 فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾.
 ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهُ الْوَحْيَ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كَذَلِكَ اللَّهُ، كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».
 فَلَمَّا قَالَ ذَلِكَ، أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: اِرْكَعْ لِرَبِّكَ يَا مُحَمَّدُ!
 فَارْكَعَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ وَهُوَ رَاكِعٌ قُلْ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ».
 فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا، ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ اِرْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ!
 فَفَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَامَ مُنْتَصِبًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ اسْجُدْ لِرَبِّكَ يَا
 مُحَمَّدُ!
 فَخَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَاجِدًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ قُلْ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»
 فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا.
 ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: اسْتَوِ جَالِسًا يَا مُحَمَّدُ!

سپس خداوند وحی را از او باز داشت تا این که آن سوره را تا پایان خواند، پس رسول
 خدا ﷺ فرمود: «الواحد الأحد الصمد».
 خداوند به او وحی فرمود: ﴿لم يلد ولم يولد، ولم يكن له كفواً أحد﴾.
 سپس وحی را از او باز داشت. رسول خدا ﷺ فرمود: «كذلك الله كذلك الله ربنا».
 چون این کلام را گفت، خداوند به سوی او وحی فرمود که ای محمد! برای پروردگار
 خویش رکوع کن.
 وقتی رکوع کرد، در حال رکوع به او وحی فرمود که بگو: «سبحان ربِّي العظيم»، حضرتش
 سه بار آن را گفت.
 سپس خداوند وحی فرمود که ای محمد! سر خود را بلند کن!
 رسول خدا ﷺ راست ایستاد و خداوند به او وحی فرمود که ای محمد! برای پروردگار
 خویش سجده کن.
 رسول خدا ﷺ به سجده افتاد، و خداوند ﷻ به او وحی فرمود که بگو: «سبحان ربِّي
 الأعلى» و آن را نیز سه بار گفت.
 پس از آن خداوند به او وحی فرمود که ای محمد! راست بنشین.

فَفَعَلَ، فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ وَاسْتَوَى جَالِسًا نَظَرَ إِلَى عَظَمَتِهِ تَجَلَّتْ لَهُ، فَخَرَّ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لَا لِأَمْرِ أَمْرٍ بِهِ، فَسَبَّحَ أَيْضًا ثَلَاثًا. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْتَصِبْ قَائِمًا، فَفَعَلَ فَلَمْ يَرَ مَا كَانَ رَأَى مِنَ الْعَظَمَةِ. فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَتِ الصَّلَاةُ رَكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ. ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: بِالْحَمْدِ لِلَّهِ. فَقَرَأَهَا مِثْلَ مَا قَرَأَ أَوَّلًا ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ اقْرَأْ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ فَإِنَّهَا نِسْبَتُكَ وَ نِسْبَةُ أَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَ فَعَلَ فِي الرُّكُوعِ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ تَجَلَّتْ لَهُ الْعَظَمَةُ فَخَرَّ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لَا لِأَمْرِ أَمْرٍ بِهِ فَسَبَّحَ أَيْضًا. ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: اذْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ! تَبَّتْكَ رَبُّكَ. فَلَمَّا ذَهَبَ لِيُقِيمَ قِيلَ: يَا مُحَمَّدُ! اجْلِسْ.

او نیز چنین کرد، و چون سر از سجده برداشت و راست نشست، به عظمت پروردگار - که برای او آشکار شد - نظر کرد و باز از پیش خود - نه به امر و فرمانی - به سجده افتاد و سه بار تسبیح گفت. پس خداوند به او وحی فرمود که راست بایست. چون چنین کرد، آن عظمت را ندید و به همین سبب در نماز (در هر رکعت) یک رکوع و دو سجده مقرر شد. آن گاه خدای عز و جل وحی فرمود که سوره حمد را بخوان! حضرتش همان طوری که بار اول خوانده بود آن را خواند. سپس وحی فرمود که سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ را بخوان، زیرا این سوره نسبت تو و اهل بیت تو تا روز قیامت است (یعنی تشخیص امام حق از باطل به تصدیق مضمون این سوره می شود). و در رکوع همان کاری انجام داد که بار اول انجام داده بود، و آن گاه یک سجده کرد و چون سر از سجده برداشت، همان عظمت برای او آشکار شد و باز از پیش خود - نه به امری که به او شده باشد - به سجده افتاد و تسبیح گفت. سپس خداوند وحی فرمود که ای محمد! سر خود را بالا کن، پروردگارت تو را ثابت قدم کرد. چون خواست برخیزد، گفته شد: ای محمد! بنشین.

فَجَلَسَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: يَا مُحَمَّدُ! إِذَا مَا أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ فَسَمِّ بِاسْمِي، فَأَلْهِمْ أَنْ
 قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ».
 ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: يَا مُحَمَّدُ! صَلِّ عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ .
 فَقَالَ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي .
 وَ قَدْ فَعَلَ ثُمَّ انْتَفَت، فَإِذَا بِصُفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ فَقِيلَ: يَا
 مُحَمَّدُ! سَلِّمْ عَلَيْهِمْ.
 فَقَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».
 فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّ السَّلَامَ وَ التَّحِيَّةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الْبَرَكَاتِ أَنْتَ وَ ذُرِّيَّتُكَ.
 ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَلْتَفِتَ يَسَارًا وَ أَوَّلَ آيَةٍ سَمِعَهَا بَعْدَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ
 ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ آيَةُ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَ أَصْحَابِ الشُّمَالِ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَانَ السَّلَامُ
 وَاحِدَةً تُجَاهَ الْقِبْلَةِ وَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَانَ التَّكْبِيرُ فِي السُّجُودِ شُكْرًا.

حضرتش نشست. خداوند به او وحی فرمود که ای محمد! هرگاه نعمتی به تو دادم، نام
 مرا بخوان، و به آن حضرت الهام شد تا این که گفت: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْأَسْمَاءُ
 الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ» .

آن گاه خداوند وحی فرمود که ای محمد! بر خود و اهل بیت خود درود فرست.
 پیامبر ﷺ چنین کرد و گفت خداوند درود فرستد بر من و بر اهل بیت من.
 این کار را انجام داد، سپس (به جانب راست خویش) نگاه کرد و صف‌هایی از
 فرشتگان، پیامبران و رسولان را دید. به او گفته شد: ای محمد! بر ایشان سلام کن.
 فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» خداوند وحی فرمود که سلام، تحیت، رحمت
 و برکات، تو و ذریه تو می‌باشند.

پس از آن وحی فرمود که به جانب چپ خویش نظر مکن، و نخستین آیه‌ای که بعد از
 ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ شنید، آیه اصحاب یمن و اصحاب شمال بود و به همین
 سبب یک سلام به جانب قبله می‌باشد و تکبیر (بعد از سلام نماز) در سجده برای شکر آن
 نعمت است.

وَ قَوْلُهُ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، لِأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَمِعَ ضَجَّةَ الْمَلَائِكَةِ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّهْلِيلِ. فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» وَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَتِ الرَّكْعَتَانِ الْأُولَيَانِ كُلَّمَا أَحْدَثَ فِيهِمَا حَدَثًا كَانَ عَلَيَّ صَاحِبِهِمَا إِعَادَتُهُمَا. فَهَذَا الْفَرَضُ الْأَوَّلُ. فِي صَلَاةِ الزَّوَالِ يَعْنِي صَلَاةَ الظُّهْرِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسَلِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْعَامِرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا عَرَجَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَزَلَ بِالصَّلَاةِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ. فَلَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام زَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَبْعَ رَكَعَاتٍ شُكْرًا لِلَّهِ، فَأَجَازَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَ تَرَكَ الْفَجْرَ لَمْ يَزِدْ فِيهَا لِضَيْقِ وَفْتِهَا، لِأَنَّهُ تَحَضَّرَهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ، فَلَمَّا أَمَرَهُ اللَّهُ بِالتَّقْصِيرِ فِي السَّفَرِ وَضَعَ عَنْ أُمَّتِهِ سِتَّ رَكَعَاتٍ وَ تَرَكَ الْمَغْرِبَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهَا شَيْئًا وَ إِنَّمَا يَجِبُ السَّهُوُ فِيمَا زَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَمَنْ شَكَّ فِي أَصْلِ الْفَرَضِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ اسْتَقْبَلَ صَلَاتَهُ.

و این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سمع الله لمن حمده» چون آن حضرت ناله و فریاد فرشتگان را به گفتن «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله» شنیده بود، به همین دلیل فرمود: «سمع الله لمن حمده» و به همین جهت اگر در دو رکعت اول نماز مشکل (و شک) واقع شود، بر نمازگزار لازم است که آن را اعاده کند.

از این رو این نخستین فرض در نماز زوال بوده است. که مقصود آن حضرت نماز ظهر است.

۲ - عبدالله بن سلیمان عامری گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به معراج برده شد، ده رکعت نماز با خود آورد که هر نمازی دو رکعت بود، و چون حسن و حسین علیهما السلام متولد شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به شکرانه و سپاس خداوند، هفت رکعت بر آنها افزود و خداوند نیز اجازه داد، و فقط نماز صبح را به حال خود گذارد و به علت تنگی وقت آن، چیزی به آن اضافه نفرمود؛ زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز به هنگام فریضه صبح حاضر می شوند، و هنگامی که خداوند به نماز قصر در سفر امر فرمود، شش رکعت را از امت ساقط کرد و نماز مغرب را واگذارد و از آن چیزی کم نکرد. شک و سهو در آن چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله افزوده است. پس کسی که در اصل فرض نماز - که دو رکعت اول هر نماز است - شک کند، باید نماز خود را از سر گیرد.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ عَائِدِ الْأَحْمَسِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ!

فَقَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ إِي وَ اللَّهِ! إِنَّا لَوُلْدُهُ وَ مَا نَحْنُ بِذَوِي قَرَابَتِهِ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَهَا .

ثُمَّ قَالَ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ: إِذَا لَقِيتَ اللَّهَ بِالصَّلَوَاتِ الْأَحْمَسِ الْمَفْرُوضَاتِ لَمْ يَسْأَلْكَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَأَحْسَنَتْ عَلَيْهِ الثَّنَاءَ .
فَقَالَ لِي: كَيْفَ صَلَاتُهُ؟

۳ - عائد احمدسی گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدم می خواستم از آن حضرت درباره نماز شب بپرسم. عرض کردم: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا! فرمود: و سلام بر تو باد، بلی به خدا سوگند! اما فرزندان او هستیم، خویشان او نیستیم. حضرتش سه بار این سخن را تکرار فرمود. آن گاه پیش از آن که پرسشی کنم، فرمود: هنگامی که خدا را با نمازهای پنج گانه ملاقات کنی، خدای متعال از تو درباره احکام دیگر سؤال نخواهد فرمود.

۴ - هارون بن خارجه گوید: خدمت امام صادق عليه السلام در مورد یکی از دوستانم یاد کرده و خوبی های او را گفتم.
فرمود: نماز او چگونه است؟

- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْخَمْسِينَ وَالْوَاحِدِ رَكْعَةً .
فَقَالَ: إِنَّ سَاعَاتِ النَّهَارِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً وَ سَاعَاتِ اللَّيْلِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً
وَمِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ سَاعَةٌ، وَ مِنْ غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِ
الشَّفَقِ غَسَقٌ، وَ لِكُلِّ سَاعَةٍ رَكْعَتَانِ وَ لِلْغَسَقِ رَكْعَةٌ.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِمَ صَارَ الرَّجُلُ يَنْحَرِفُ فِي
الصَّلَاةِ إِلَى الْيَسَارِ .
فَقَالَ: لِأَنَّ لِلْكَعْبَةِ سِتَّةَ حُدُودٍ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا عَنْ يَسَارِكَ، وَ اثْنَانِ مِنْهَا عَلَى يَمِينِكَ،
فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ وَقَعَ التَّحْرِيفُ إِلَى الْيَسَارِ .
- ۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ تَنَقَّلَ مَا بَيْنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسِمِائَةَ رَكْعَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَا شَاءَ إِلَّا أَنْ
يَتَمَنَّى مُحَرَّمًا.

- ۵ - فضل بن ابی قره در روایت مرفوعه ای گوید: از امام صادق عليه السلام درباره علت پنجاه و
یک رکعت شدن نمازها پرسیدند.
فرمود: ساعت‌های روز، دوازده ساعت و ساعت‌های شب نیز دوازده ساعت است، و
از طلوع فجر صادق تا طلوع آفتاب یک ساعت، و از غروب آفتاب تا غروب سرخی
مغرب، تاریکی اول شب است. پس برای هر ساعتی، دو رکعت نماز است و برای تاریکی
اول شب نیز یک رکعت نماز است.
- ۶ - علی بن محمد در روایت مرفوعه ای گوید: به امام صادق عليه السلام گفتند: چرا انسان در
نماز به جانب چپ منحرف می‌شود؟
فرمود: برای این که کعبه شش جهت دارد: چهار جهت آن در طرف چپ تو دو جهت آن
در طرف راست توست و به همین سبب منحرف شدن به جانب چپ است.
- ۷ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هر که میان دو جمعه پانصد رکعت نماز نافله بخواند، هر چه بخواهد، نزد خداوند برای
او مهیا است، مگر آن که آرزوی چیزی حرام بنماید.

- ۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ يَقُومُ فَيَقْضِي النَّافِلَةَ فَيَعْجَبُ الرَّبُّ مَلَأَتْكَ مِنْهُ فَيَقُولُ: يَا مَلَأْتِكُنِي! عَبْدِي يَقْضِي مَا لَمْ أَفْتَرِضْ عَلَيْهِ.
- ۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: شَرَفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ، وَ عَزَّ الْمُؤْمِنِ كَفُّهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ.
- ۱۰ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الصَّلَاةُ وَكُلُّ بِهَا مَلَكٌ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ غَيْرُهَا، فَإِذَا فُرِغَ مِنْهَا قَبَضَهَا ثُمَّ صَعِدَ بِهَا، فَإِنْ كَانَتْ مِمَّا تُقْبَلُ قَبِلَتْ وَإِنْ كَانَتْ مِمَّا لَا تُقْبَلُ قِيلَ لَهُ: رُدَّهَا عَلَيَّ عَبْدِي. فَيَنْزِلُ بِهَا حَتَّى يَضْرِبَ بِهَا وَجْهَهُ. ثُمَّ يَقُولُ: أَفِّ لَكَ! مَا يَزَالُ لَكَ عَمَلٌ يَعْنِينِي.

۸ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که وقتی بنده بر می خیزد و نماز نافله خود را قضا می کند؛ پروردگار، فرشتگان خود را از عمل او به شگفت می آورد و می فرماید: ای فرشتگان من! بنده ام چیزی را قضا می کند که بر او فرض و واجب نکرده ام.

۹ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شرافت مؤمن نماز خواندن او به هنگام شب است و عزت و شکوه او خودداری از (بین بردن) آبروی مردم است.

۱۰ - هارون بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

فرشته ای بر نماز گماشته شده که کاری جز آن ندارد، و آن گاه که نماز گزار نمازش را به پایان رساند، فرشته نماز را برمی گیرد و به بالا می برد. اگر از اعمالی باشد که قبول می شود، پذیرفته خواهد شد، ولی اگر از اعمالی باشد که قبول نمی شود، به آن فرشته گفته می شود: آن را به بنده ام باز گردان.

فرشته آن را فرود می آورد تا این که آن را به صورت او می زند و می گوید: وای بر تو! همیشه عملی داری که مرا آزار می دهد.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي .

فَقَالَ: لَا تَدْعِ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا، فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ .

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ﴾ .
قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ .

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ بَعْضِ الطَّالِبِيِّينَ - يُلَقَّبُ بِرَأْسِ الْمَدْرِيِّ - قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
أَفْضَلُ مَوْضِعِ الْقَدَمَيْنِ لِلصَّلَاةِ النَّعْلَانِ .

۱۱ - قَدَّاحِ گويد: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مردی خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرف یاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی بفرماید.

فرمود: هیچ گاه نماز را از روی عمد ترک مکن؛ زیرا هر که نماز را از روی عمد ترک نماید، دین اسلام از او دور می شود.

۱۲ - مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ گويد: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد تفسیر این آیه که خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: ﴿رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ﴾ فرمود:
منظور از رهبانیت و رضای خدای، نماز شب است.

۱۳ - رأس المدري گويد: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

بهترین جای دو قدم برای نماز، نعلین (عربی) است.

۱۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَبْرَائِيلُ! أَيُّ السِّقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟

قَالَ: الْمَسَاجِدُ، وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَا مِنْ يَوْمٍ سَحَابٍ يَخْفَى فِيهِ عَلَى النَّاسِ وَقْتُ الزَّوَالِ إِلَّا كَانَ مِنَ الْإِمَامِ لِلشَّمْسِ زَجْرَةٌ حَتَّى تَبْدُو فَيُحْتَجَّ عَلَى أَهْلِ كُلِّ قَرْيَةٍ مَنْ اهْتَمَّ بِصَلَاتِهِ وَ مَنْ ضَيَّعَهَا.

۱۴ - جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل علیه السلام فرمود: ای جبرئیل! کدام مکان‌ها نزد خدا محبوب‌تر است؟ عرض کرد: مساجد و محبوب‌ترین اهل مساجد در پیش‌گاه خداوند، کسانی هستند که پیش از همه وارد آن می‌شوند و آخرین افرادی هستند که از آن خارج می‌شوند.

۱۵ - ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ روز ابری نیست که وقت زوال بر مردم منخفی می‌شود، مگر آن که برای امام معرفتی دقیق برای آفتاب است (که حتی در روز ابری نیز به الهام الهی وقت زوال را می‌داند) تا آن که آفتاب ظاهر شود. پس امام بر اهل هر قریه‌ای (که امام در آن جاست) احتجاج می‌کند، خواه کسی که نماز خود را در وقت انجام داده باشد و خواه کسی که آن را ضایع کرده باشد.

(۱۰۱)

بَابُ مَسَاجِدِ الْكُوفَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُدَايِرٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ أَوْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ بِالْكُوفَةِ مَسَاجِدَ مَلْعُونَةً وَمَسَاجِدَ مُبَارَكَةً. فَأَمَّا الْمُبَارَكَةُ، فَمَسْجِدُ غَنِيٍّ، وَاللَّهُ! إِنَّ قِبْلَتَهُ لِقَاسِطَةٌ وَإِنَّ طِينَتَهُ لَطَيِّبَةٌ، وَ لَقَدْ وَضَعَهُ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ، وَلَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى تَفْجَرَ مِنْهُ عَيْنَانِ وَ تَكُونَ عِنْدَهُ جَنَّتَانِ، وَأَهْلُهُ مَلْعُونُونَ وَ هُوَ مَسْلُوبٌ مِنْهُمْ. وَ مَسْجِدُ بَنِي ظَفَرٍ وَ هُوَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَسْجِدُ بِالْخَمْرَاءِ، وَ مَسْجِدُ جُعْفِيِّ وَ لَيْسَ هُوَ الْيَوْمَ مَسْجِدَهُمْ. قَالَ: دَرَسَ.

بخش صد و یکم
مساجد کوفه

۱ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در کوفه، مساجدی ملعون و مساجدی مبارک است. مساجد مبارک عبارتند از: مسجد غنی. به خدا سوگند که قبله آن راست و برابر (کعبه) است و سرشت آن پاکیزه که مردی مؤمن آن را بنا کرده است، و دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که دو چشمه از آن بجوشد و در کنار آن، دو باغ به وجود خواهد آمد، و اهل آن مسجد (که امروز در آن نماز می‌گزارند) ملعونند و شرف و مبارکی آن مسجد از آنان گرفته شده است. مسجد بنی ظفر، که همان مسجد سهله است. مسجدی که در خمراء ^(۱) است. مسجد جعفری (که جعفری طائفه‌ای از اهل یمن هستند که در کوفه ساکنند) و امروز دیگر مسجد آنان نیست. و آثار آن بر طرف شده است.

۱ - خمراء: محله‌ای از کوفه می‌باشد.

فَأَمَّا الْمَسَاجِدُ الْمَلْعُونَةُ، فَمَسْجِدُ ثَقِيفٍ وَ مَسْجِدُ الْأَشْعَثِ، وَ مَسْجِدُ جَرِيرٍ وَ مَسْجِدُ سِمَاكٍ، وَ مَسْجِدُ بِالْخَمْرَاءِ بُنِي عَلِيٍّ قَبْرِ فِرْعَوْنَ مِنَ الْفِرَاعِنَةِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

جُدِّدَتْ أَرْبَعَةُ مَسَاجِدَ بِالْكَوْفَةِ فَرَحًا لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَسْجِدُ الْأَشْعَثِ وَ مَسْجِدُ جَرِيرٍ وَ مَسْجِدُ سِمَاكٍ وَ مَسْجِدُ شَبِّثِ بْنِ رَبِيعٍ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهَى بِالْكَوْفَةِ عَنِ الصَّلَاةِ فِي خَمْسَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسٍ وَ مَسْجِدِ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ وَ مَسْجِدِ سِمَاكِ بْنِ مَخْرَمَةَ وَ مَسْجِدِ شَبِّثِ بْنِ رَبِيعٍ وَ مَسْجِدِ التِّيمِّ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أَبِي بَصِيرٍ: مَسْجِدِ بَنِي السَّيِّدِ وَ مَسْجِدِ بَنِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دَارِمٍ وَ مَسْجِدِ غَنِيِّ وَ مَسْجِدِ سِمَاكٍ وَ مَسْجِدِ ثَقِيفٍ وَ مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ.

و اما مساجدی که ملعون هستند عبارتند از: مسجد ثقیف، مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک، و مسجدی در خمراء، که بر قبر فرعون بنا شده است.

۲ - سالم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

به شکرانه شهادت و قتل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ چهار مسجد در کوفه تجدید بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شبث بن ربیع.

۳ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه از نماز خواندن در پنج مسجد کوفه نهی فرمود: مسجد اشعث بن قیس، مسجد جریر بن عبدالله بجلی، مسجد سماک بن مخرمه، مسجد شبث بن ربیع و مسجد تیم.

و در روایت ابوبصیر آمده است: مسجد بنی سید، مسجد بنی عبدالله بن دارم، مسجد غنی، مسجد سماک، مسجد ثقیف و مسجد اشعث.

(۱۰۲)

بَابُ فَضْلِ الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ بِالْكُوفَةِ وَ فَضْلِ الصَّلَاةِ فِيهِ وَ الْمَوَاضِعِ الْمُحَبُّوبَةِ فِيهِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَزَّازِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ لِي: يَا هَارُونَ بْنَ خَارِجَةَ! كَمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؟ يَكُونُ مِيلاً؟
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَتَصَلِّي فِيهِ الصَّلَوَاتِ كُلَّهَا؟
قُلْتُ: لَا.

فَقَالَ: أَمَا لَوْ كُنْتُ بِحَضْرَتِهِ لَرَجَوْتُ أَلَّا تَقُوْتَنِي فِيهِ صَلَاةً وَ تَدْرِي مَا فَضْلُ
ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ كُوفَانَ حَتَّى إِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ اللَّهُ بِهِ قَالَ لَهُ: جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
السَّاعَةَ؟ أَنْتَ مُقَابِلُ مَسْجِدِ كُوفَانَ.

بخش صد و دوم

فضیلت مسجد بزرگ کوفه، فضیلت نماز در آن و مکان های محبوبی که در آن مسجد است

۱ - هارون بن خارجه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

ای هارون بن خارجه! میان تو و مسجد کوفه چه مقدار مسافت است؟ آیا یک میل می شود؟
عرض کردم: نه.

فرمود: آیا همه نمازهای خود را در آن جا می خوانی؟

عرض کردم: نه.

فرمود: اگر من نزدیک آن مسجد بودم، امید داشتم که یک نماز در آن، از من فوت نشود،
آیا می دانی فضیلت آن مکان چقدر است؟ هیچ بنده صالحی و هیچ پیامبری نبوده است
مگر آن که در مسجد کوفه نماز گزارده است، حتی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در شبی که او را به
معراج بردند، جبرئیل به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! آیا می دانی اکنون، در
کجایی؟ اکنون مقابل مسجد کوفه هستی.

قَالَ: فَاسْتَأْذِنُ لِي رَبِّي حَتَّى آتِيَهُ فَأُصَلِّيَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ.
 فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَأَذِنَ لَهُ، وَإِنَّ مَيْمَنَتَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ
 وَسَطَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ مُوْخَرَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ
 الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ، وَإِنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ خَمْسِمِائَةَ صَلَاةٍ،
 وَإِنَّ الْجُلُوسَ فِيهِ بِغَيْرِ تِلَاوَةٍ وَلَا ذِكْرِ لِعِبَادَةٍ وَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ لَأَنُوهَ وَ لَوْ حَبُوءًا.
 قَالَ سَهْلٌ: وَ رَوَى لِي عَيْرٌ عَمْرٍو: أَنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ بِحَجَّةٍ وَأَنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ
 لَتَعْدِلُ بِعُمْرَةٍ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يُوسُفَ يَعْقُوبَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 مِنْ وُلْدِ أَبِي فَاطِمَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْدٍ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ هُوَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ. فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ!

فرمود: از پروردگارم رخصت و اجازه بنخواه تا بروم و در آن دو رکعت نماز بگزارم.
 جبرئیل از خداوند تعالی اجازه خواست و به او اجازه داد. به راستی که در جانب راست
 آن باغی از باغ‌های بهشت و در وسط و در پشت آن هر کدام گلشنی از گلشن‌های بهشت است.
 و به راستی که نماز واجب در آن، برابر هزار رکعت نماز و نافله در آن برابر با پانصد
 رکعت نماز است و نشستن در آن مسجد، بدون تلاوت (قرآن) و ذکر عبادت است، و اگر
 مردم می‌دانستند که آن مکان دارای چه فضیلتی است به سوی آن به راه می‌افتادند، گرچه
 به صورت سینه خیز باشد.

سهل گوید: راوی دیگری غیر از عمرو برای من روایت کرد که نماز واجب در آن، برابر
 انجام یک حج و نماز نافله برابر انجام یک عمره است.

۲ - اسماعیل بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 مردی خدمت امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه آمد، آن حضرت در مسجد کوفه بود،
 عرض کرد: السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله و بركاته.

فَرَدَّ عَلَيْهِ فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَرَدْتُ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَى، فَأَرَدْتُ أَنْ أَسْلَمَ
عَلَيْكَ وَأُودِّعَكَ.

فَقَالَ لَهُ: وَ أَيِّ شَيْءٍ أَرَدْتَ بِذَلِكَ؟

فَقَالَ: الْفَضْلُ، جُعِلْتُ فِدَاكَ!

قَالَ: فَبِعَ رَاحِلَتِكَ وَ كُلِّ زَادِكَ وَ صَلِّ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ
فِيهِ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ وَ النَّافِلَةَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ، وَ الْبَرَكَاةُ فِيهِ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلاً يَمِينُهُ
يُمْنٌ وَ يَسَارُهُ مَكْرٌ وَ فِي وَسْطِهِ عَيْنٌ مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنٌ مِنْ لَبَنٍ وَ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ شَرَابٍ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ طَهْرٍ لِلْمُؤْمِنِينَ.

مِنْهُ سَارَتْ سَفِينَةُ نُوحٍ، وَ كَانَ فِيهِ نَسْرٌ وَ يَعْوْتُ وَ يَعْوُقُ وَ صَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا
وَ سَبْعُونَ وَصِيًّا أَنَا أَحَدُهُمْ - وَ قَالَ بِيَدِهِ فِي صَدْرِهِ - مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي
حَاجَةٍ مِنَ الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ، وَ فَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ.

حضرتش پاسخ فرمود. مرد عرض کرد: قربانت کردم! می‌خواستم به مسجد اقصی بروم، آمدم بر شما سلامی کرده و خداحافظی کنم.
حضرتش به او فرمود: برای چه به آن جا می‌روی؟
عرض کرد: فدایت کردم! به خاطر فضیلت آن.

فرمود: مرکب خود را بفروش، توشه خود را بخور و در این مسجد کوفه نماز بخوان،
زیرا نماز واجب در آن برابر یک حج پذیرفته شده و نماز نافله برابر یک عمره قبول شده
است، و تا دوازده میل آن، دارای برکت است. سمت راست آن مبارک است و سمت چپ
آن مکر^(۱)، و در وسط آن، چشمه‌ای از روغن، چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آب است که
نوشیدنی مؤمنان است، و چشمه‌ای دیگر از آب برای پاکیزگی آنان.

کشتی نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ از همان مسجد حرکت کرد، و در آن نسر، یغوث و یعوق بودند، و در آن
جا هفتاد پیامبر و هفتاد وصی نماز گزارده‌اند و من یکی از آنها هستم. - و با دست مبارک
به سینه‌اش اشاره فرمود- هیچ اندوهگینی در آن جا حاجتی نطلبد، مگر آن که خداوند
حاجت او را اجابت کند و اندوه او را برطرف سازد.

۱ - در «کتاب وافی» در شرح این فراز آمده است: در سمت چپ مسجد کوفه بازاری بود، که مکر و خدعه در بازار
روی می‌دهد. به حدیث بعدی نیز توجه نمایید.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
 نِعْمَ الْمَسْجِدُ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ أَلْفُ وَصِيٍّ وَ مِنْهُ فَارَ التَّنُورُ
 وَ فِيهِ نُجْرَتِ السَّفِينَةِ، مَيْمَنَتُهُ رِضْوَانُ اللَّهِ وَ وَسَطُهُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ
 وَ مَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ.
 فَقُلْتُ لِأَبِي بَصِيرٍ: مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ مَكْرٌ؟
 قَالَ: يَعْنِي مَنَازِلَ السُّلْطَانِ، وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُومُ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ،
 ثُمَّ يَرْمِي بِسَهْمِهِ فَيَقَعُ فِي مَوْضِعِ التَّمَارِينِ فَيَقُولُ: ذَلِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَ كَانَ يَقُولُ:
 قَدْ نُقِصَ مِنْ أَسَاسِ الْمَسْجِدِ مِثْلُ مَا نُقِصَ فِي تَرْبِيعِهِ.
 ۴- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجْرَةَ عَنْ
 بَعْضِ وُلْدِ مِيثَمٍ قَالَ:

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:
 چه خوب مسجدی است مسجد کوفه! در آن جا هزار پیامبر و هزار وصی نماز
 خوانده اند، و از آن جا تنور (در زمان نوح علیه السلام ابتدای طوفان) فوران کرد و در همین
 مسجد، کشتی معروف نوح علیه السلام ساخته شد، و سمت راست آن رضا و خشنودی الهی است
 (جای گاه خانه امیر مؤمنان علی و فرزندان آن حضرت علیهم السلام)، وسط آن روضه ای از
 روضه های بهشت و سمت چپ آن مکر قرار گرفته است.
 راوی گوید: به ابوبصیر گفتم: مقصود آن حضرت از مکر چیست؟
 گفت: خانه های سلطان و پادشاه است و امیر مؤمنان علی علیه السلام همواره کنار در مسجد
 می ایستاد و تیری رها می کرد که در محل خرما فروشان می افتاد.
 سپس می فرمود: تا آن جا جزو مسجد است.
 هم چنین می فرمود: از اساس و بنیان مسجد کم شده، آن سان که از چهار گوشه آن کم
 شده است.

۴- یکی از فرزندان میثم (تمار) گوید:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي إِلَى الْأُسْطُوَانَةِ السَّابِعَةِ مِمَّا يَلِي أَبْوَابَ كِنْدَةَ
وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّابِعَةِ مِقْدَارُ مَمَرٍ عَنَزٍ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ اسْبَاطٍ قَالَ: وَحَدَّثَنِي غَيْرُهُ:
أَنَّهُ كَانَ يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سِتُّونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عِنْدَ السَّابِعَةِ، ثُمَّ لَا يَعُودُ
مِنْهُمْ مَلَكٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
الْحَكَمِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
إِذَا دَخَلْتَ مِنَ الْبَابِ الثَّانِي فِي مَيْمَنَةِ الْمَسْجِدِ فَعُدَّ خَمْسَ أَسَاطِينِ ثِنْتَيْنِ مِنْهَا
فِي الظَّلَالِ وَ ثَلَاثَةَ فِي الصَّحْنِ، فَعِنْدَ الثَّلَاثَةِ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هِيَ الْخَامِسَةُ مِنَ
الْحَائِطِ.

قَالَ: فَلَمَّا كَانَ أَيَّامُ أَبِي الْعَبَّاسِ دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ بَابِ الْفِيلِ فَتَيَسَّرَ حِينَ
دَخَلَ مِنَ الْبَابِ فَصَلَّى عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الرَّابِعَةِ وَ هِيَ بِجِذَاءِ الْخَامِسَةِ.

همواره امیر مؤمنان علی علیه السلام در نزدیکی ستون هفتم - که نزدیک درهای کنده است -
نماز می‌گزارد، در حالی که فاصله میان آن حضرت و ستون هفتم به اندازه عبور یک بز بود.

۵ - ابن اسباط گوید: فردی دیگری این‌گونه روایت کرد.
هر شب شصت هزار فرشته فرود می‌آیند و در کنار ستون هفتم نماز می‌گزارند و تا روز
قیامت هیچ کدام از آن فرشتگان باز نمی‌گردند.

۶ - سفیان بن سمط گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
هر گاه از در دوم در سمت راست مسجد وارد شدی، پنج ستون بشمار، دو ستون در
سایه و سه ستون در حیاط مسجد، سومین ستون - که پنجمین ستون از سمت راست
مسجد است - محل نماز ابراهیم علیه السلام است.

راوی گوید: در ایام خلافت ابوالعباس (سفاح، اولین خلیفه عباسی) امام صادق علیه السلام از
باب الفیل وارد مسجد شد و به جانب چپ روانه گشت و در کنار چهارمین ستون - که در
برابر پنجمین ستون است - نماز گزارد.

فَقُلْتُ: أَفَتِلْكَ أَسْطُوَانَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

فَقَالَ لِي: نَعَمْ.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
الْأَسْطُوَانَةُ السَّابِعَةُ مِمَّا يَلِي أَبْوَابَ كِنْدَةَ فِي الصَّحْنِ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَالْخَامِسَةُ مَقَامُ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ
أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ قَالَ: قَالَ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ - وَ أَخَذَ بِيَدِي - وَقَالَ: قَالَ لِي أَبُو
حَمْزَةَ - وَ أَخَذَ بِيَدِي - قَالَ: وَقَالَ لِي الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ، وَ أَخَذَ بِيَدِي، فَأَرَانِي
الْأَسْطُوَانَةَ السَّابِعَةَ فَقَالَ:

هَذَا مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ: وَ كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي عِنْدَ الْخَامِسَةِ، فَإِذَا غَابَ
الْأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى فِيهَا الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هِيَ مِنْ بَابِ كِنْدَةَ.

عرض کردم: آیا آن ستون، ستون ابراهیم علیه السلام است؟
فرمود: آری.

۷- ابن اسباط در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
ستون هفتم که در نزدیکی درهای کنده در حیاط مسجد است، مقام ابراهیم علیه السلام
و پنجمین ستون، مقام جبرئیل علیه السلام است.

۸- ابو اسماعیل سراج گوید: معاویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت: ابو حمزه دست
مرا گرفت و گفت: اصبع بن نباته دست مرا گرفت و هفتمین ستون را به من نشان داد و
گفت: این مقام امیر مؤمنان علی علیه السلام است.

راوی گوید: امام حسن مجتبی علیه السلام همواره در کنار پنجمین ستون نماز می‌گزارد، و هر
گاه امیر مؤمنان علیه السلام حضور نداشت، در کنار هفتمین ستون - که از در کنده است - نماز
می‌گزارد (یعنی میان این هفتمین ستون و دری که در کنار کوچه کنده است، شش ستون
فاصله است).

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَسْجِدُ كُوفَانَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ سَبْعُونَ نَبِيًّا وَ مِئْمَتُهُ رَحْمَةٌ وَ مَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ، فِيهِ عَصَا مُوسَى وَ شَجَرَةُ يُفْطِينِ وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ، وَ مِنْهُ فَارَ التَّنُورُ وَ نُجِرَتِ السَّفِينَةُ، وَ هِيَ صُرَّةُ بَابِلَ وَ مَجْمَعُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

(۱۰۳)

بَابُ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْنَا أَيْكُمْ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ عَمِّي زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ؟

۹ - ابو عبیده گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مسجد کوفه، باغی از باغ‌های بهشت است که در آن جا هزار و هفتاد پیامبر نماز خوانده‌اند. سمت راست آن رحمت، سمت چپ آن مکر است. عصای موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، گیاه کدو^(۱) و انگشتر سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ در آن مسجد است. و از آن جا تنور (در زمان نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ ابتدای طوفان) فوران کرد و در همین مسجد کشتی معروف نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ ساخته شد و همان بلندترین مکان بابل و محل اجتماع پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده است.

بخش صد و سوم

فضیلت مسجد سهله

۱ - عبدالله بن ابان گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف یاب شدیم. حضرتش از ما پرسید: آیا در میان شما کسی هست که از عمویم زید بن علی (که در کوفه کشته شد) خبری دهد؟

۱ - که در سوره صافات آیه ۱۴۶ ذکر آن شده است.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَنَا عِنْدِي عِلْمٌ مِنْ عِلْمِ عَمِّكَ، كُنَّا عِنْدَهُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي دَارِ مُعَاوِيَةَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَنْصَارِيِّ إِذْ قَالَ: أَنْطَلِقُوا بِنَا نُصَلِّي فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ .
فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَعَلَ .

فَقَالَ: لَا جَاءَهُ أَمْرٌ فَشَعَلَهُ عَنِ الذَّهَابِ .

فَقَالَ: أَمَا وَ اللَّهِ! لَوْ أَعَادَ اللَّهُ بِهِ حَوْلًا لِأَعَاذَهُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مَوْضِعُ بَيْتِ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَ الَّذِي كَانَ يَخِيطُ فِيهِ، وَ مِنْهُ سَارَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْيَمَنِ بِالْعَمَالِقَةِ، وَ مِنْهُ سَارَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى جَالُوتَ، وَ إِنَّ فِيهِ لَصَخْرَةَ خَضْرَاءَ، فِيهَا مِثَالُ كُلِّ نَبِيٍّ وَ مِنْ تَحْتِ تِلْكَ الصَّخْرَةِ أُخِذَتْ طِينَةٌ كُلُّ نَبِيٍّ، وَ إِنَّهُ لَمُنَاحُ الرَّاِكِبِ .

قِيلَ: وَ مَنْ الرَّاِكِبُ؟

قَالَ: الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَكَرَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَقَالَ:

مردی عرض کرد: من خبری از عمویت دارم. شبی در خانه معاویة بن اسحاق انصاری در کنار او بودیم که به ما گفت: ببینید به مسجد سهله برویم و در آن جا نماز بگزاریم.

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا این کار را انجام داد؟

عرض کرد: نه، چون کاری پیش آمد و از رفتن باز ماند.

فرمود: به خدا سوگند! اگر او برای مدت یک سال به آن مسجد پناه برده بود، خداوند او را در پناه خود می گرفت. آیا نمی دانی که آنجا خانه ادريس پیامبر علیه السلام بوده است که در آن خیاطی می کرد، و از همان جا که ابراهیم علیه السلام به سوی عمالقه (که در یمن می زیستند و کافر بودند) خروج کرد، و از آن جا داوود علیه السلام بر جالوت قیام کرد. در آن مسجد سنگ سبز رنگی است که صورت هر پیامبری بر آن نقش بسته است، و از زیر آن سنگ سرشت هر پیامبری برداشته شده است. این مسجد جای خوابانیدن شتر آن مرد سوار است.

پرسیدند: آن مرد سوار کیست؟

فرمود: خضر علیه السلام است.

۲ - صالح بن ابی الأسود گوید: امام صادق علیه السلام سخن از مسجد سهله به میان آورد و فرمود:

أَمَّا إِنَّهُ مَنْزِلٌ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ.

۳ - عَنْهُ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ بَكْرِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ سَعِيدِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

بِالْكُوفَةِ مَسْجِدٌ يُقَالُ لَهُ: مَسْجِدُ السَّهْلَةِ، لَوْ أَنَّ عَمِّي زَيْدًا أَتَاهُ فَصَلَّى فِيهِ وَاسْتَجَارَ اللَّهُ لَأَجَارَهُ عَشْرِينَ سَنَةً فِيهِ مُنَاحُ الرَّاِكِبِ وَبَيْتُ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ عليه السلام، وَ مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ، فَصَلَّى فِيهِ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ. وَ رُوِيَ: أَنَّ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ حُدُّهُ إِلَى الرَّوْحَاءِ.

هَذَا آخِرُ كِتَابِ الصَّلَاةِ مِنْ كِتَابِ «الْكَافِي» لِلشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الزَّكَاةِ.

آن مسجد، جای فرود آمدن صاحب ما (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) و خاندان اوست آن گاه که قیام کند.

۳ - عبدالرحمان بن سعید خزاز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در کوفه مسجدی است که به آن مسجد سهله گویند. اگر عمویم زید به آن مسجد می آمد و نماز می گزارد و از خداوند پناه و امان می خواست، خداوند او را بیست سال در پناه خود می گرفت و امان می داد.

آن مسجد، جای خوابانیدن شتر آن سوار (خضر عليه السلام) و خانه ادريس پیامبر عليه السلام است. هیچ اندوهگینی به آن مسجد نیاید که بین نماز مغرب و عشا نماز گزارد و خدا را فراخواند، مگر آن که خداوند اندوه او را بر طرف سازد.

و روایت شده است: حد مسجد سهله تا روهاء بوده است ^(۱).

این پایان کتاب نماز از کتاب شریف «کافی» شیخ ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله علیه می باشد. کتاب بعدی، کتاب زکات است.

۱ - یعنی مسجد سهله در گذشته از حال وسیع تر بوده است.

كِتَابُ
الزَّكَاةِ

كتاب
زكّات

(۱)

بَابُ فَرَضِ الزَّكَاةِ وَ مَا يَجِبُ فِي الْمَالِ مِنَ الْحُقُوقِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ﴾ أَكُلُّ هَؤُلَاءِ يُعْطَى وَ إِنْ كَانَ لَا يَعْرِفُ؟

فَقَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ يُعْطَى هَؤُلَاءِ جَمِيعًا، لِأَنَّهُمْ يُقَرُّونَ لَهُ بِالطَّاعَةِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَ.

فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ! لَوْ كَانَ يُعْطَى مَنْ يَعْرِفُ دُونَ مَنْ لَا يَعْرِفُ لَمْ يُوجَدْ لَهَا مَوْضِعٌ، وَ إِنَّمَا يُعْطَى مَنْ لَا يَعْرِفُ لِيَرْغَبَ فِي الدِّينِ فَيَثْبُتَ عَلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا تُعْطَى أَنْتَ وَ أَصْحَابُكَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُ، فَمَنْ وَجَدَتْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمِينَ عَارِفًا فَأَعْطِهِ دُونَ النَّاسِ.

بخش یکم**وجوب زکات و حقوق واجب اموال**

۱- زراره و محمد بن مسلم گویند: به امام صادق عليه السلام گفتیم: نظر شما در مورد این آیه شریفه که می فرماید: «زکات فقط از آن تنگدستان، مستمندان و مأموران آن و برای الفت دلها و آزادی بردگان و مصرف در راه خدا، درماندگان در سفر می باشد، فرمان واجبی از جانب خداوند است» چیست؟ آیا باید به تمام این طبقات نامبرده زکات بپردازند، گرچه مقام شما را نمی شناسند؟
فرمود: ای زراره! امام زمان همه این طبقات را بهره مند می سازد، زیرا به طاعت او التزام دارند.

گفتم: با آن که مقام او را به رسمیت نمی شناسند؟

فرمود: اگر به شیعیان مُعْتَرَف بپردازد و از منکران امامت دریغ کند، زکات فریضه بی محل می ماند. باید به منکران امامت بدهد تا به اصل امامت دلگرم شوند و ثابت قدم بمانند. اما امروز، تو و یارانت فقط کسانی را از زکات فریضه بهره مند بسازید که عارف و آشنا باشند.

نَمْ قَالَ: سَهْمُ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ سَهْمُ الرِّقَابِ عَامٌّ وَ الْبَاقِي خَاصٌّ .

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يُوجَدُوا؟

قَالَ: لَا تَكُونُ فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يُوجَدُ لَهَا أَهْلٌ .

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ تَسَعُهُمُ الصَّدَقَاتُ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا

يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قِبَلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ، وَ لَكِنْ أُتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ

حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ، وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ .

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ

مُحَبُّوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

آن‌گاه حضرت فرمود: سهمی که برای اُلفت دل‌ها و آزادی بردگان معین گشته، مردم نامسلمان را نیز شامل می‌شود، اما سایر سهام نامبرده ویژه مسلمانان است.

گفتم: اگر سهام مسلمانان بی محل بماند و کسی یافت نشود، تکلیف زکات فریضه چه می‌شود؟

فرمود: خداوند تعالی فریضه‌ای را بدون مورد و بدون مصرف واجب نمی‌کند.

گفتم: پس اگر سهام مسلمانان نارسا درآید و زکات فریضه جواب‌گوی مصارف آنان نباشد، تکلیف امام زمان چه خواهد بود؟

فرمود: خداوند تعالی زکات فریضه را در اموال دولتمندان به میزان حاجت مستمندان مقرر کرد. اگر خدا می‌دانست که میزان فریضه، حاجت مستمندان را کفایت نمی‌کند، بر آن می‌افزود. این بی‌نوایی که در طبقات مستمندان می‌بینی از خیانت دولتمندان است که زکات فریضه را نمی‌پردازند، نه از نارسایی میزان زکات. اگر مردم حق زکات را پردازند، مستمندان از خیر دنیا بهره‌مند می‌شوند.

۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَمَّا أَنْزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ وَأَنْزَلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ، كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ.

فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَفَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ، وَمِنَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالَّتَمْرِ وَالزَّبِيبِ، فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَعَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

قَالَ: ثُمَّ لَمْ يَفْرِضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَأَفْطَرُوا، فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ.

قَالَ: ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَعُمَّالَ الطُّسُوقِ.

هنگامی این آیه در ماه مبارک رمضان نازل شد و به رسول خدا ﷺ فرمان داد که: «از اموال مردم زکات فریضه دریافت کن که آنان را پاک و وارسته سازی». رسول خدا ﷺ ندا دهنده خود را فراخواند و فرمود تا در مجامع مردم فریاد زند: «ای مردم! خداوند زکات را مانند نماز، فرض و واجب کرد. پس خداوند مقرر کرد که از طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش، زکات بپردازند.

رسول خدا ﷺ فرائض نه‌گانه زکات را در ماه مبارک رمضان اعلام کرد و سایر خواسته‌ها را از پرداخت زکات فریضه معاف دانست. رسول خدا ﷺ در آن سال، از اموال مردم چیزی نخواست و چون یک سال گذشت و سال بعد را روزه گرفتند و افطار کردند، رسول خدا ﷺ منادی خود را فراخواند تا در میان مردم فریاد بزند: ای مسلمانان! اموال خود را با پرداخت زکات فریضه پیراسته سازید تا نماز شما مورد پذیرش قرار بگیرد. حضرتش فرمود: در این هنگام رسول خدا ﷺ مأمورین زکات را به مراتع و آبادی‌ها گسیل فرمود.

- ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ، وَفِيهَا تَهْلِكُ عَامَتُهُمْ.
- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ وَغَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ جَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِيهِمْ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَرَادَهُمْ، وَإِنَّمَا يُؤْتُونَ مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدٍ وَ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَا: فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ مُبَارَكِ الْعَقْرُقُوفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

- ۳ - رفاعه گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: خداوند بر این اُمت فریضه‌ای را سخت‌تر از زکات واجب نکرده است، و به خاطر همین حکم عموم آن‌ها هلاک خواهند شد.
- ۴ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ برای مستمندان، حقی در اموال دولتمندان مقرر کرد که نیاز آنان را برآورده سازد. اگر این حق مقرر، در حد کفایت نبود، بی تردید بر آن می‌افزود. تیره روزی مستمندان فقط از عدم پرداخت زکات دولتمندان است.
- ۵ - محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید و فضیل گویند: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:
- خداوند، زکات را در کنار نماز، فرض و واجب کرد.
- ۶ - مبارک عقرقوفی گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

- إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِكُمْ.
- ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
- إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا عَلَانِيَةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ عَيْبٌ.
- وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ الْفُقَرَاءُ، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ، وَ إِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءُ فِيمَا أُتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حُقُوقَهُمْ لَا مِنَ الْفَرِيضَةِ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

خداوند تعالی زکات فریضه را مقرر کرد تا زاد و توشه مستمندان و برکت اموال شما باشد.

۷- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند تعالی زکات را فرض و لازم کرد، همان گونه که نماز را فرض و لازم کرد. اگر کسی زکات فریضه را بر دوش بگیرد تا به صورت آشکار به امام زمان بپردازد، عیب و ملامتی بر او وارد نیست، زیرا خداوند تعالی در اموال دولتمندان نصابی مقرر کرد که نیازمندان را کفایت کند و اگر می دانست که این نصاب مقرر، در حد کفایت آنان نیست، بر آن می افزود. از این رو، بی نوایی مستمندان از عدم پرداخت زکات به وسیله دولتمندان است نه از نارسایی میزان زکات.

۸- سماعة بن مهران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يُحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ بِهَا حَقُّنَا دِمَاءَهُمْ وَ بِهَا سُمُّوا مُسْلِمِينَ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حُقُوقًا غَيْرَ الزَّكَاةِ.
 فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ﴾.
 فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ وَ هُوَ شَيْءٌ يُفْرَضُهُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يُفْرَضَهُ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ وَ سَعَةِ مَالِهِ، فَيُؤَدِّي الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ.
 وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْضًا: ﴿أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾ وَ هَذَا غَيْرُ الزَّكَاةِ.
 وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْضًا: ﴿يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً﴾.
 وَ الْمَاعُونَ أَيْضًا، وَ هُوَ الْقَرْضُ يُفْرَضُهُ وَ الْمَتَاعُ يُعِيرُهُ، وَ الْمَعْرُوفُ يَصْنَعُهُ، وَ مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْضًا فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ، قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾.

به راستی خداوند متعال برای فقیران در دارایی ثروتمندان حق واجبی قرار داده که فقط با پرداخت آن مورد ستایش قرار می‌گیرند و آن زکات است، که به وسیله آن خونشان محفوظ و مسلمان نامیده می‌شوند؛ ولی خداوند متعال در دارایی ثروتمندان حقوقی دیگر - جز زکات - واجب نموده است، آن‌جا که می‌فرماید: «و کسانی که در اموالشان حق معینی برای دريوزگان و محرومان اجتماع است».

بنابر این، حق معین غیر از زکات است و آن چیزی است که انسان بر خود لازم می‌نماید که از دارایی خود به اندازه توان و وسعت مالش به محرومان و فقیران جامعه به دلخواه خود هر روز، هر هفته و هر ماه بپردازد.

خداوند ﷻ در آیه دیگری می‌فرماید: «به خداوند قرض نیکویی بدهند».

این غیر از زکات است. هم چنین خداوند ﷻ می‌فرماید: «آنان از آن‌چه خداوند به آنان روزی کرده در نهان و آشکار انفاق می‌کنند».

هم چنین است «ماعون» و آن پرداخت قرض، امانت دادن کالا و کار نیکی است که انسان در حق کسی انجام می‌دهد.

هم چنین از آن‌چه خداوند - غیر از زکات - فرض کرده است. در این آیه است که می‌فرماید: «کسانی پیوند می‌دهند به آن‌چه خداوند دستور به پیوند آن داده است».

وَمَنْ أَدَّى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ، وَأَدَّى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمِيدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَلِمَا وَفَّقَهُ لِأَدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَمَعَنَا بَعْضُ أَصْحَابِ الْأَمْوَالِ فَذَكَرُوا الزَّكَاةَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ الزَّكَاةَ لَيْسَ يُحْمَدُ بِهَا صَاحِبُهَا، وَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ ظَاهِرٌ، إِنَّمَا حَقَّنَ بِهَا دَمَهُ وَسَمِّيَ بِهَا مُسْلِمًا، وَلَوْ لَمْ يُؤَدِّهَا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ، وَإِنَّ عَلَيْكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ غَيْرَ الزَّكَاةِ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! وَمَا عَلَيْنَا فِي أَمْوَالِنَا غَيْرَ الزَّكَاةِ؟

و هرکه فرض خدا را ادا کند به واقع آن چه بر عهده او بوده انجام داده است و نعمت‌هایی را که خداوند در اموالش بر او ارزانی داشته شکر و سپاسگزاری کرده است؛ آن‌گاه که خدا را در نعمت‌هایی که بر او ارزانی داشته، او را با وسعت روزی بر دیگران برتری داده و به ادای فرض خدا توفیق داده و از او یاری نموده؛ سپاس گفته است.

۹ - ابوبصیر گوید: با عده‌ای از ثروتمندان در حضور امام صادق عليه السلام شرف حضور داشتیم، سخن از زکات به میان آمد.

امام صادق عليه السلام فرمود: پرداخت کننده زکات مورد ستایش قرار نمی‌گیرد، چرا که حکم آشکاری است که با پرداخت آن خون او حفظ و مسلمان نامیده می‌شود و اگر کسی نپردازد، نماز او پذیرفته نمی‌شود. همانا در دارایی شما حقوق دیگری غیر از زکات است. عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! جز زکات چه حقوقی در دارایی

ماست؟

فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾؟

قَالَ: قُلْتُ: مَاذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ الَّذِي عَلَيْنَا؟

قَالَ: هُوَ الشَّيْءُ يَعْمَلُهُ الرَّجُلُ فِي مَالِهِ يُعْطِيهِ فِي الْيَوْمِ، أَوْ فِي الْجُمُعَةِ، أَوْ فِي الشَّهْرِ، قَلَّ أَوْ كَثُرَ غَيْرَ أَنَّهُ يَدُومُ عَلَيْهِ.

وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾.

قَالَ: هُوَ الْقَرْضُ يُقْرَضُ، وَ الْمَعْرُوفُ يَصْطَنَعُهُ، وَ مَتَاعُ الْبَيْتِ يُعْبِرُهُ، وَ مِنْهُ الزَّكَاةُ.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ لَنَا جِيرَانًا إِذَا أَعْرَضْنَا مَتَاعًا كَسَرُوهُ وَ أَفْسَدُوهُ فَعَلَيْنَا جُنَاحٌ إِنْ

نَمْنَعُهُمْ؟

فَقَالَ: لَا، لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ إِنْ تَمْنَعُوهُمْ إِذَا كَانُوا كَذَلِكَ .

حضرتش با شگفتی فرمود: سبحان الله! مگر نشنیده‌ای که خداوند ﷻ در قرآنش می‌فرماید: «وکسانی که در دارایی آنان حقی معین برای در یوزگان و محرومان جامعه است».

عرض کردم: این حق معین چیست؟

فرمود: انسان از دارایی خود مقداری را در نظر می‌گیرد و هر روز یا هر هفته یا هر ماه به محرومان و فقرا می‌پردازد، کم باشد یا بیشتر، مهم آن است که ادامه داشته باشد.

و خداوند ﷻ می‌فرماید: «و از دادن ماعون خودداری می‌کنند».

حضرتش فرمود: منظور از «ماعون» همان قرضی است که می‌پردازند، کار نیکی است

که انجام می‌دهند و وسایل زندگی است که عاریه می‌دهند و زکات از این است.

عرض کردم: ما همسایه‌هایی داریم که وقتی وسیله‌ای به آنان عاریه می‌دهیم می‌شکنند

و خراب می‌کنند، در این صورت اگر از عاریه دادن خودداری کنیم، مرتکب گناه شده‌ایم؟

فرمود: اگر این‌گونه باشند و شما به آن‌ها عاریه ندهید، گناهی بر شما نیست.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾.

قَالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ.

قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾.

قَالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ.

قَالَ: فَقُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ

فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾.

قَالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ، وَصِلَّتْكَ قَرَابَتِكَ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ

عِيْسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالَّذِينَ فِي

أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ أَهْوَى سِوَى الزَّكَاةِ؟

عرض کردم: این گفتار خدا نیز از موارد زکات است که می فرماید: «و به بی نوا، یتیم و اسیر با دوست داشتن آن غذا می دهند».

فرمود: این شامل زکات نمی شود.

عرض کردم: این آیه چطور که می فرماید: «کسانی که دارایی خود را شب هنگام و روز، در نهان و آشکار انفاق می کنند».

فرمود: شامل زکات نیست.

عرض کردم: این آیه چطور که می فرماید: «اگر صدقه هایتان را آشکارا بپردازید چه بهتر و اگر مخفیانه به فقرا بپردازید، این برای شما بهتر خواهد بود».

فرمود: این نیز شامل زکات نیست. هم چنین صله و پیوند خویشاوندی نیز از زکات به شمار نمی آید.

۱۰ - اسماعیل بن جابر گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: این حقی که خداوند تَعَالَى یاد می کند و می فرماید: «... و کسانی که در اموالشان حقی معین برای دریوزگان و محرومان اجتماع است». آیا این حق غیر از حق زکات است؟

فَقَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يُؤْتِيهِ اللَّهُ الثَّرْوَةَ مِنَ الْمَالِ، فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْأَلْفَ وَالْأَلْفَيْنِ
وَالثَّلَاثَةَ الْأَلْفَ وَالْأَقْلَ وَالْأَكْثَرَ فَيَصِلُ بِهِ رَحْمَهُ وَيَحْمِلُ بِهِ الْكُلَّ عَنْ قَوْمِهِ.

۱۱ - عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ
الْحَجَّاجِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَبِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلنَّسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ مَا هَذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ؟
فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: الْحَقُّ الْمَعْلُومُ: الشَّيْءُ يُخْرِجُهُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ
لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ، وَلَا مِنَ الصَّدَقَةِ الْمَفْرُوضَتَيْنِ.

قَالَ: فَإِذَا لَمْ يَكُنْ مِنَ الزَّكَاةِ وَلَا مِنَ الصَّدَقَةِ فَمَا هُوَ؟

فَقَالَ: هُوَ الشَّيْءُ يُخْرِجُهُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ، إِنْ شَاءَ أَكْثَرَ وَإِنْ شَاءَ أَقْلَ عَلَى قَدْرِ
مَا يَمْلِكُ.

فرمود: آری، این حقی است که وقتی خداوند تعالی به کسی ثروت و نعمت می بخشد، بر
اوست که هزار اردرهم، دوهزار اردرهم، سه هزار اردرهم، کمتر و بیشتر، به حساب در یوزگان و
محرومان اجتماع بگذارد و از همین حساب به زندگی خویشاوندان خود کمک کند و تاوان
و غرامتی که بر عهده فامیل و عشیره او قرار می گیرد بپردازد.

۱۱ - قاسم بن عبدالرحمان انصاری گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:
مردی خدمت پدرم علی بن الحسین عليه السلام آمد و گفت: این حقی که خداوند تعالی یاد کرده
و می فرماید: «مگر نمازگزاران که در اموال آنان حقی معین برای در یوزگان و محرومان
است». چه حقی است؟

پدرم علی بن الحسین عليه السلام به او فرمود: این حق معلوم، یک حقی است که انسان از مال
خود جدا می کند. این حق، مربوط به زکات فریضه و صدقه فریضه نیست.

آن مرد گفت: پس این چه گونه حقی است که از زکات و صدقات محسوب نمی شود؟
فرمود: این یک کار افتخاری است که انسان از ثروت خود، کم یا زیاد، به حد توانش
متعهد می شود.

فَقَالَ لَهُ: الرَّجُلُ فَمَا يَصْنَعُ بِهِ؟

قَالَ: يَصِلُ بِهِ رَحْمًا، وَ يَقْرِي بِهِ ضَيْفًا، وَ يَحْمِلُ بِهِ كَلًّا، أَوْ يَصِلُ بِهِ أَخًا لَهُ فِي اللَّهِ، أَوْ لِنَائِبَةٍ تَنْوِبُهُ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: اللَّهُ يَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتِهِ.

۱۲ - وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾.

قَالَ: الْمَحْرُومُ: الْمُحَارَفُ الَّذِي قَدْ حُرِمَ كَدَّ يَدِهِ فِي الشِّرَاءِ وَ الْبَيْعِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا قَالَا:

الْمَحْرُومُ الرَّجُلُ الَّذِي لَيْسَ بِعَقْلِهِ بَأْسٌ، وَ لَمْ يُبْسَطْ لَهُ فِي الرِّزْقِ وَ هُوَ مُحَارَفٌ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ

الْمُفْضَلِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فِي كَمْ تَجِبُ الزَّكَاةُ مِنَ الْمَالِ؟

فَقَالَ لَهُ: الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ؟

آن مرد پرسید: مصرف این حق، در چه راهی است؟

فرمود: صلهٔ رحم، پذیرایی از مهمان، برداشتن بار تاوان و غرامت از دوش مردم ناتوان، رسیدگی به حال برادران دینی و رفع گرفتاری‌ها و پیش‌آمدهای ناگوار.

آن مرد گفت: خدا خوب می‌داند که مقام رسالات خود را در کدام خانواده قرار دهد.

۱۲ - صفوان جمال گوید: امام صادق عليه السلام در تفسیر «سائل و محروم» فرمود:

محروم: صاحب حرفه است که تلاش او در خرید و فروش بی نتیجه می‌ماند.

در روایت دیگری آمده است: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

محروم صاحب حرفه خردمندی است که روزی او وسعت ندارد.

۱۳ - مفضل گوید: در حضور امام صادق عليه السلام بودم که شخصی پرسید: به چه میزان از

دارایی زکات تعلق می‌گیرد؟

فرمود: منظور تو زکات ظاهری است یا باطنی؟

فَقَالَ: أُرِيدُهُمَا جَمِيعًا.
 فَقَالَ: أَمَّا الظَّاهِرَةُ، فَفِي كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ، وَ أَمَّا البَّاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْتِرُ
 عَلَيَّ أَخِيكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ.
 ۱۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ
 مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَامِرِ بْنِ جَدَاعَةَ قَالَ:
 جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! قَرِضْتُ إِلَيَّ مَيْسِرَةً.
 فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِلَى غَلَّةٍ تُدْرِكُ؟
 فَقَالَ الرَّجُلُ: لَا، وَاللَّهِ؟
 قَالَ: فَإِلَى تِجَارَةٍ تُؤَبُّ؟
 قَالَ: لَا، وَاللَّهِ.
 قَالَ: فَإِلَى عُقْدَةٍ تُبَاعُ؟

عرض کرد: هر دو مورد را می‌خواهم بدانم.

فرمود: زکات ظاهری در هر بیست و پنج هزار تعلق می‌گیرد، ولی زکات باطنی آن است
 که برای برادر دینی خود آن چه را که نیازش از تو بیشتر است دریغ نورزی.

۱۴ - عامر بن جداعه گوید: مردی خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شد و گفت: ای
 اباعبدالله! به من قرض بدهید. هرگاه مالی به دست آوردم قرض خود را می‌پردازم.

حضرت فرمود: یعنی تا محصولت را جمع آوری کنی؟

آن مرد گفت: نه به خدا سوگند! محصولی ندارم.

حضرت فرمود: تا مال التجارهات برسد؟

آن مرد گفت: نه به خدا سوگند! مال التجاره ندارم.

حضرتش فرمود: تا ملک خود را بفروشی؟

فَقَالَ: لَا، وَ اللَّهُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَأَنْتَ مِمَّنْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ فِي أَمْوَالِنَا حَقًّا. ثُمَّ دَعَا بِكَيْسٍ فِيهِ دَرَاهِمٌ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهِ فَنَاولَهُ مِنْهُ قَبْضَةً ثُمَّ قَالَ لَهُ: اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُسْرِفْ وَ لَا تَقْتُرْ، وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا، إِنَّ التَّبَذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾.

الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَ ذَلِكَ.
 ۱۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ سَابَاطٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِعَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ: يَا عَمَّارُ! أَنْتَ رَبُّ مَالٍ كَثِيرٍ؟
 قَالَ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ .

قَالَ: فَتَوَدَّيْ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

آن مرد گفت: نه، به خدا سوگند! ملکی ندارم.

حضرتش فرمود: پس تو از افرادی هستی که خداوند برای آنان حقی در اموال ما مقرر کرده است.

بعد کیسه پولی خواست، آوردند، و یک مشت سکه به آن مرد داد و فرمود: ای مرد! تقوا پیشه کن! اسراف مکن و خست موز و حد وسط را از دست مده تا کارت قوام بگیرد. ریخت و پاش هم مکن که ریخت و پاش، عین اسراف است. خداوند عز و جل می فرماید: «ریخت و پاش مکن».

۱۵- یکی از اهالی ساباط گوید: امام صادق عليه السلام به عمّار ساباطی فرمود:

ای عمّار! آیا دارایی تو بسیار است؟

عرض کرد: آری، قربانت گردم!

فرمود: آیا زکاتی را که خداوند بر تو واجب نموده، می پردازی؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَتُخْرِجُ الْحَقَّ الْمَعْلُومَ مِنْ مَالِكَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَتَصِلُ قَرَابَتَكَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: وَ تَصِلُ إِخْوَانَكَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا عَمَّارُ! إِنَّ الْمَالَ يَفْنَى وَ الْبَدَنَ يَبْلَى وَ الْعَمَلَ يَبْقَى، وَ الدِّيَانَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ. يَا عَمَّارُ! إِنَّهُ مَا قَدَّمْتَ فَلَنْ يَسْبِقَكَ وَ مَا أَخَّرْتَ فَلَنْ يَلْحَقَكَ.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ﴾.

عرض کرد: آری.

فرمود: آیا حق معینی را از دارایی خود خارج می‌نمایی؟

عرض کرد: آری.

فرمود: آیا صله رحم و پیوند خویشاوندی داری؟

عرض کرد: آری.

فرمود: آیا به برادران دینی خود نیز صله می‌دهی؟

عرض کرد: آری.

فرمود: ای عَمَّار! بهر استی که مال و دارایی فنامی یابد، بدن می‌پوسد و عمل و کردار می‌ماند و خداوند حسابگر زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد. ای عَمَّار! آن چه را که پیشتر فرستاده‌ای هرگز از تو پیشی نخواهد گرفت و آن چه به تأخیر انداختی هرگز به تو نخواهد پیوست.

۱۶ - ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: معنای فقیر و مسکین در این آیه چیست که خداوند تعالی می‌فرماید: «زکات فریضه، ویژه فقرا و مساکین است.»

قَالَ: الْفَقِيرُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ النَّاسَ وَ الْمَسْكِينُ أَجْهَدُ مِنْهُ وَ الْبَائِسُ أَجْهَدُهُمْ، فَكُلُّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ فَإِعْلَانُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِسْرَارِهِ، وَ كُلُّ مَا كَانَ تَطَوُّعًا فَإِسْرَارُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِعْلَانِهِ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا يَحْمِلُ زَكَاةَ مَالِهِ عَلَى عَاتِقِهِ، فَفَقَسَمَهَا عِلَانِيَةً كَانَ ذَلِكَ حَسَنًا جَمِيلًا.

۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ إِنْ تُخْفُوها وَ تُؤْتُوها الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ». فَقَالَ: هِيَ سِوَى الزَّكَاةِ، إِنَّ الزَّكَاةَ عِلَانِيَةٌ غَيْرُ سِرٍّ.

۱۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْفَقِيرِ وَ الْمَسْكِينِ. فَقَالَ: الْفَقِيرُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ، وَ الْمَسْكِينُ الَّذِي هُوَ أَجْهَدُ مِنْهُ الَّذِي يَسْأَلُ.

فرمود: فقیر، یعنی مستمندی که کار می‌کند و به در یوزگی نمی‌رود. مسکین، یعنی بی‌کار است و فقیر بی‌نوا تر است. و فقیر بائس، از آنها بی‌نوا تر است که هر چه داشته از دست داده. هر فریضه‌ای که خداوند واجب می‌کند، آشکار آن بهتر از پنهان است و هر طاعتی که مردم با اختیار پیش قدم شوند، پنهان آن بهتر از آشکار است. اگر کسی زکات خود را بردوش بگذارد و آشکارا میان حاجتمندان تقسیم کند، کار بسیار شایسته و خوبی کرده است.

۱۷ - اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد این آیه پرسیدم که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و اگر پنهان کنید و به فقرا و بی‌نویان برسانید، برای شما بهتر است». فرمود: این آیه، شامل زکات فریضه نیست. زکات فریضه را باید آشکارا پرداخت شود.

۱۸ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: فرق فقیر و مسکین چیست؟

فرمود: فقیر مستمندی که در حدّ ضرورت برگ و نوایی دارد و اجباری به در یوزگی ندارد. مسکین از بی‌نویایی چاره‌ای جز در یوزگی ندارد.

۱۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: ذَكَرْتُ لِلرَّضَا عليه السلام شَيْئاً.
 فَقَالَ: اضْبِرِّ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَصْنَعَ اللَّهُ لَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
 ثُمَّ قَالَ: فَوَ اللَّهُ! مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُ مِمَّا عَجَّلَ لَهُ فِيهَا
 ثُمَّ صَغَرَ الدُّنْيَا وَ قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ هِيَ؟
 ثُمَّ قَالَ: إِنَّ صَاحِبَ النِّعْمَةِ عَلَى خَطَرٍ، إِنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ حُقُوقُ اللَّهِ فِيهَا وَ اللَّهُ! إِنَّهُ
 لَتَكُونُ عَلَيْهِ النِّعْمُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا أَزَالَ مِنْهَا عَلَى وَ جَلٍ - وَ حَرَكَ يَدَهُ - حَتَّى
 أَخْرَجَ مِنَ الْحُقُوقِ الَّتِي تَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ فِيهَا.
 فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنْتَ فِي قَدْرِكَ تَخَافُ هَذَا؟
 قَالَ: نَعَمْ، فَأَحْمَدُ رَبِّي عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيَّ.

۱۹ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: دیر هنگامی است که از خداوند تعالی حاجتی خواسته‌ام و هنوز دعایم به اجابت نرسیده است.
 فرمود: صبر کن! من امیدوارم که خداوند - ان شاء الله - حاجت تو را برآورده سازد.
 آن‌گاه حضرتش فرمود: به خدا سوگند! نعمتی که خداوند دریغ می‌کند و برای آخرت انسان ذخیره می‌نماید، از نعمتی که در دنیا به او می‌دهد، بهتر است. مگر دنیا چه ارزشی دارد؟
 سپس فرمود: صاحبان نعمت بر لب پرتگاه قرار می‌گیرند، زیرا در اثر نعمت، حقوقی بر انسان واجب می‌شود، که بسا در پرداخت آن کوتاهی شود. به خدا سوگند! من نسبت به نعمت‌های الهی همواره در هول و هراسم - حضرت دستش را تکان داد - تا موقعی که فرصت بیابم و حقوق الهی را بپردازم.

گفتم: قربانت شوم! تو با این مقام و منزلت، تا حقوق الهی را نپردازی، در هول و هراسی؟
 فرمود: آری. من باید خدا را سپاس بگویم که بر من مَنّت نهاد و نعمت ارزانی داشت.

(۲)

بَابُ مَنْعِ الزَّكَاةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَا مِنْ أَحَدٍ يَمْنَعُ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ شَيْئًا إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُعْبَانًا مِنْ نَارٍ مُطَوَّقًا فِي عُنُقِهِ يَنْهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ. ثُمَّ قَالَ: هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» يَعْنِي مَا بَخَلُوا بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ يَرْفَعُهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَائِلًا قَالَ:

بخش دوم

عدم پرداخت زکات

۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق ع درباره گفتار خداوند ع فرسیدم که می فرماید: «به زودی آن چه را که در پرداخت آن بخل می ورزند در روز رستاخیز به گردن آن ها خواهند پیچید».

فرمود: ای محمد! هر که چیزی از زکات دارایی خود را نپردازد، خداوند ع آن را در روز رستاخیز از دهنی آتشی قرار خواهد داد که بر گردن او می پیچد و از گوشت او نیش زند، تا از حساب رسی فارغ شود.

آن گاه فرمود: و این معنای گفتار خداوند ع است که «به زودی آن چه را که در پرداخت آن بخل می ورزند در روز رستاخیز به گردن آن ها خواهند پیچید». یعنی از پرداخت زکات بخل می ورزیدند.

۲ - راوی گوید: امام باقر ع فرمود:

بَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ قَالَ: قُمْ يَا فُلَانُ! قُمْ يَا فُلَانُ، قُمْ يَا فُلَانُ! حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ.

فَقَالَ: أَخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَا تُصَلُّوا فِيهِ وَ أَنْتُمْ لَا تُزَكُّونَ.

۳- يُونُسُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ مَنَعَ قَيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُسْلِمٍ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ».

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: وَ لَا تُقْبَلُ لَهُ صَلَاةٌ.

۴- يُونُسُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ ذِي زَكَاةٍ مَالٍ نَخَلَ أَوْ زَرَعَ أَوْ كَرَّمٍ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا قَلَدَهُ اللَّهُ تُرْبَةً أَرْضِهِ يُطَوَّقُ بِهَا مِنْ سَبْعِ أَرْضِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع:

پیامبر خدا ﷺ در مسجد حضور داشت، به ناگاه فرمود: فلانی برخیز! فلانی برخیز! فلانی برخیز! حضرتش پنج تن را نام برد و فرمود: از مسجد ما بیرون روید، در آن نماز نگزارید، چرا که شما زکات اموالتان را نمی‌پردازید.

۳- ابو بصیر گوید: امام صادق ع فرمود:

هر که قیراطی از پرداخت زکات خودداری کند، نه مؤمن است نه مسلمان. و معنای گفتار خداوند ع همان است که می‌فرماید: «پروردگارا! مرا باز گردان. شاید عمل شایسته‌ای انجام دهم چنانچه ترک کرده‌ام».

در روایت دیگری آمده است: نماز چنین فردی پذیرفته نمی‌شود.

۴- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق ع می‌فرماید:

پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر صاحب نخلستانی یا کشاورزی یا باغبانی که انگور دارد و زکات مال خود را نمی‌پردازد، خداوند در روز رستاخیز خاک زمینش را از طبقه هفتم آن بر گردش آویزان خواهد کرد.

۵- ابان بن تغلب گوید: امام صادق ع به من فرمود:

دَمَانٍ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يُفْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ
عَلَيْهِمَا بَيْنَهُ الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَا نِعَ الزَّكَاةَ يَضْرِبُ عُنُقَهُ.

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ مُوسَى
بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَحْوَهُ.

۶ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ
جَمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ رَجُلٍ أَدَّى الزَّكَاةَ فَتَقَصَّتْ مِنْ مَالِهِ وَلَا مَنَعَهَا أَحَدٌ فَزَادَتْ فِي مَالِهِ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ
قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

در اسلام دو نوع خون است که از جانب خداوند حلال است. کسی نمی تواند در آن دو
مورد حکم کند تا آن خداوند قائم ما اهل بیت را برانگیزد، آن گاه که خداوند قائم با اهل
بیت برانگیخت، در آن دو مورد بدون بینه به حکم خدا داوری خواهد کرد: (یکی) زناکار
همسر داری است که سنگسار خواهد شد. دیگری نپردازنده زکات است که گردنش زده
خواهد شد.

۶- عمرو بن جمیع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر انسانی که زکات مال و دارایی خود را بپردازد و از پرداخت حق کسی خودداری
نکند و از ثروتش کاسته شود؛ به ثروت و دارایی او افزوده خواهد شد.

۷- زراره گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

- مَا مِنْ عَبْدٍ يَمْنَعُ دِرْهَمًا فِي حَقِّهِ إِلَّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، وَ مَا رَجُلٌ يَمْنَعُ حَقًّا مِنْ مَالِهِ إِلَّا طَوَّقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ حَيَّةً مِنْ نَارِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
- ۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لَا يُزَكَّى.
- ۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام - يَعْنِي الْأَوَّلَ - قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَخْرَجَ زَكَةَ مَالِهِ تَامَةً فَوَضَعَهَا فِي مَوْضِعِهَا لَمْ يُسْأَلْ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَ مَالَهُ.
- ۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ مِهْرَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿سَيَطُوفُونَ مَا بِحُلُوبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾.

- هر کس یک درهم از حق زکات را نپردازد، دو درهم در راه ناحق تلف خواهد کرد. کسی که زکات فریضه را نپردازد، خداوند عز و جل در روز قیامت حلقه آتشی را چون مار، بر گردن او می پیچد.
- ۸ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مال و دارایی که زکات آن پرداخت نشود، مورد لعنت است، مورد لعنت است.
- ۹ - علی بن عقبه گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می فرمود: هر که زکات مال و دارایی خود را به طور کامل نپردازد و در موارد آن مصرف کند، (روز رستاخیز) مورد بازجویی قرار نمی گیرد که از کجا مال و دارایی خود را به دست آورده است.
- ۱۰ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند عز و جل پرسیدم که می فرماید: «به زودی آن چه را که در پرداخت آن بخل می ورزند در روز رستاخیز به گردن آن ها خواهد پیچید».

قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَعَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ شَيْئًا إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُعْبَانًا مِنْ نَارٍ، يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ يَنْهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾.

قَالَ: مَا بَخَلُوا بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۱۱- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ سَأَلَ الرَّجْعَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾.

۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: هرکه چیزی از زکات دارایی خود را نپردازد، خداوند تعالی آن را در روز رستاخیز اژدهایی آتشین قرار خواهد داد که بر گردن او می پیچد و از گوشت او نیش زند، تا از حساب رسی فارغ شود. و این معنای گفتار خداوند تعالی است که «به زودی آنچه را که در پرداخت آن بخل می ورزند در روز رستاخیز به گردن آن ها خواهد پیچید».

فرمود: یعنی از پرداخت زکات بخل ورزیدند.

۱۱- ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هرکس زکات فریضه را نپردازد، به هنگام مرگ، آرزو می کند که او را باز گردانند تا خود را از عذاب دوزخ برهاند، دلیل آن، کلام خداوند متعال است که می فرماید: «پروردگارا مرا بازگردانید تا عمل صالحی را که ترک کرده ام به جا آورم».

۱۲- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

صَلَاةً مَكْتُوبَةً خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً، وَ حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يُنْفِقُهُ فِي بَرٍّ حَتَّى يُنْفَدَ .

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: وَلَا أَفْلَحَ مَنْ ضَيَّعَ عِشْرِينَ بَيْتًا مِنْ ذَهَبٍ بِخَمْسَةِ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا. فَقُلْتُ: وَمَا مَعْنَى خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا؟ قَالَ: مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ وَقَفَّتْ صَلَاتُهُ حَتَّى يُزَكِّيَ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لَا يُزَكِّيَ.

۱۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ مَنَعَ قَبْرًا طَائِفًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

انجام نماز واجب بهتر از بیت حج است و انجام یک حج بهتر از خانه مملو از طلائی است که در راه نیکوکاری انفاق کنی تا پایان یابد.

آن‌گاه حضرتش فرمود: کسی که بیست خانه از طلا را به بیست و پنج درهم تباه ساخت، رستگار نگشت.

عرض کردم: منظور از بیست و پنج درهم چیست؟

فرمود: هر که زکات مال خود را نپردازد، نمازش بازداشت می‌شود (و پذیرفته نمی‌شود) تا زکات مالش را بپردازد.

۱۳ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: مال و دارایی که زکاتش پرداخت نشود مورد لعن است، مورد لعن است .

۱۴ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که قبراطی از زکات مالش را نپردازد، یهودی یا نصرانی خواهد مرد.

۱۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ قَالَ:
حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ، وَلَا يُصَادُ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا مَا ضَيَّعَ
تَسْبِيحَهُ.

۱۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ
أَيُّوبَ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

مَانِعُ الزَّكَاةِ يُطَوَّقُ بِحَيَّةٍ قَرَعَاءَ وَتَأْكُلُ مِنْ دِمَاعِهِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ:
﴿سَيَطُوفُونَ مَا حَجَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾.

۱۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ
عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا.

۱۵- اسحاق گوید: راوی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنید که حضرتش می فرمود:

هیچ مال و دارایی در خشکی و دریا تباه نشد، مگر به تباه ساختن و نپرداختن زکات و
هیچ پرنده‌ای شکار نمی شود، مگر پرنده‌ای که تسبیح خود را تباه سازد.

۱۶- ابو حمزه گوید: ایوب بن راشد گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

کسی که زکات مالش را نپردازد مار سمی مهلکی به گردن او خواهد پیچید که از مغز
سرش تغذیه کند، و این معنای آیه شریفه است که می فرماید: «به زودی آن چه را که در
پرداخت آن بخل می ورزند در روز رستاخیز به گردنشان خواهد پیچید».

۱۷- ابو حمزه گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مادر کتاب حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ یافتیم که آمده است: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه زکات
پرداخت نشود زمین برکاتش را باز خواهد داشت.

۱۸- أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سَالِمٍ مَوْلَى أَبَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَا مِنْ طَيْرٍ يُصَادُ إِلَّا بَتْرِكِهِ التَّسْبِيحَ، وَ مَا مِنْ مَالٍ يُصَابُ إِلَّا بَتْرِكِ الزَّكَاةِ.

۱۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَا مِنْ ذِي مَالٍ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا حَبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَاعٍ قَرَّزٍ، وَ سَلَطَ عَلَيْهِ شُجَاعًا أَقْرَعَ يُرِيدُهُ وَ هُوَ يَحِيدُ عَنْهُ، فَإِذَا رَأَى أَنَّهُ لَا مَخْلَصَ لَهُ مِنْهُ أَمَكَّنَهُ مِنْ يَدِهِ فَقَضَمَهَا كَمَا يُقَضَمُ الْفُجْلُ ثُمَّ يَصِيرُ طَوْقًا فِي عُنُقِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَجَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾.

۱۸ - سالم گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هیچ پرنده‌ای به دام صیاد نمی‌افتد، جز با غفلت کردن از تسبیح خدا و هیچ مالی دچار آفت نمی‌شود، جز در اثر عدم پرداخت زکات.

۱۹ - حریز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر صاحب طلا و نقره‌ای که زکات مالش را نپردازد، خداوند متعال در روز رستاخیز او را در زمین هموار باز داشت خواهد کرد و ماری را بر او مسلط خواهد نمود که از او فرار می‌کند، چون گریزی از دست او نیابد، او را همانند ترب به دست گرفته و به دندان خواهد گرفت، آن‌گاه گردنبندی به او خواهد بود و این همان گفتار خداوند تعالی است که «به زودی به جهت بخل‌ورزی آن‌ها در روز رستاخیز از گردن‌های آن‌ها خواهد پیچید».

وَمَا مِنْ ذِي مَالٍ إِلَّا أَوْ غَنَمٍ أَوْ بَقَرٍ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا حَبَسَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَاعِ قَرْقَرٍ يَطْوُهُ كُلُّ ذَاتِ ظَلْفٍ بِظُلْفِهَا وَ يَنْهَشُهُ كُلُّ ذَاتِ نَابٍ بِنَابِهَا، وَ مَا مِنْ ذِي مَالٍ نَخْلٍ أَوْ كَرْمٍ أَوْ زَرْعٍ يَمْنَعُ زَكَاةَهَا إِلَّا طَوَّقَهُ اللَّهُ رِيعَةً أَرْضِهِ إِلَى سَبْعِ أَرْضِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

۲۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

مَا حَبَسَ عَبْدٌ زَكَاةً فَزَادَتْ فِي مَالِهِ.

۲۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ مَنَعَ حَقًّا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِثْلِيهِ.

۲۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

و هر شتردار یا گوسفنددار یا گاوداری که زکات مالش را نپردازد، خداوند در روز رستاخیز او را در زمین هموار بازداشت خواهد کرد که هر حیوان سم‌داری او را لگدمال نماید و هر خزنده نیشداری او را نیش بزند، و هر صاحب نخلستان، تاکستان و کشت‌زاری که زکاتش را نپردازد خداوند از اصل زمین آن تا زمین هفتم تا روز رستاخیز به گردن او خواهد پیچید.

۲۰ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که حضرتش فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر بنده‌ای که از پرداخت زکات خودداری کند، در مالش افزوده شود.

۲۱ - هشام بن حکم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس از پرداخت حق خدا دریغ کند، دو برابر آن را در راه باطل خرج خواهد کرد.

۲۲ - ابو جارود گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَاسًا مِنْ قُبُورِهِمْ مَشْدُودَةً أَيْدِيهِمْ إِلَى أَعْدَائِهِمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَتَنَاوَلُوا بِهَا قَيْسَ أُنْمَلَةٍ مَعَهُمْ مَلَائِكَةٌ يُعَيِّرُونَهُمْ تَعْيِيرًا شَدِيدًا يَقُولُونَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ مَنَعُوا خَيْرًا قَلِيلًا مِنْ خَيْرٍ كَثِيرٍ، هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَمَنَعُوا حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِهِمْ.

۲۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمَهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرَّبُودٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ. فَقَالَ: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ.

(۳)

بَابُ الْعِلَّةِ فِي وَضْعِ الزَّكَاةِ عَلَى مَا هِيَ لَمْ تُرَدَّ وَ لَمْ تُنْقَضْ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ:

به راستی در روز رستاخیز خداوند متعال گروهی از مردم را در حالی از قبرهایشان محشور می‌نماید که دستان آنها به گردن‌هایشان بسته شده است. آنان توان برداشتن به اندازه مورچه را ندارند، فرشتگانی آنها را همراهی می‌کنند که به شدت به آنها عیب و خرده می‌گیرند و می‌گویند: اینان همان مانعان خیر اندک از خیر بسیار بودند، اینان افرادی بودند که خداوند به آنها عطا فرمود، ولی آنها از پرداخت حق خود در اموالشان خودداری کردند.

۲۳ - معروف خربوذ گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند متعال (در قرآن) زکات را قرین و همراه نماز قرار داد و فرمود: «نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید».

پس هر که نماز را برپا دارد و زکات را نپردازد، به واقع نماز را برپا نکرده است.

بخش سوم

عَلَّتْ وَضْعَ زَكَاتٍ بَدُونِ كَمٍّ وَ زِيَادِي

۱ - حسن بن علی و شاء گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لِأَيِّ شَيْءٍ جَعَلَ اللَّهُ الزَّكَاةَ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ فِي كُلِّ أَلْفٍ
وَلَمْ يَجْعَلَهَا ثَلَاثِينَ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا خَمْسَةً وَعِشْرِينَ أَخْرَجَ مِنْ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ بِقَدْرِ
مَا يَكْتَفِي بِهِ الْفُقَرَاءُ، وَلَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتَاجَ أَحَدٌ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِسْمَاعِيلَ الْمِثْمِيِّ عَنْ حَبِيبِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ:

كَتَبَ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَكَانَ عَامِلَهُ عَلَى الْمَدِينَةِ أَنْ
يَسْأَلَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ عَنِ الْخَمْسَةِ فِي الزَّكَاةِ مِنَ الْمِائَتَيْنِ كَيْفَ صَارَتْ وَزْنَ سَبْعَةٍ وَ
لَمْ يَكُنْ هَذَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ أَمْرُهُ أَنْ يَسْأَلَ فِيمَنْ يَسْأَلُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ
الْحَسَنِ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

از امام صادق عليه السلام پرسیدند: چرا خداوند زکات را در هر هزار بیست و پنج قرار داد نه در
سی؟

فرمود: خداوند متعال بیست و پنج قرار داد و از اموال ثروتمندان به اندازه نیاز فقرا
بیرون آورد، اگر مردم زکات دارایی خود را پردازند، حتی یک نیازمند پیدا نمی شود.

۲ - حبیب خثعمی گوید: ابو جعفر منصور توسط والی خود در مدینه محمد بن خالد
خواست که از مردم مدینه درباره پنج در دو بیست زکات بپرسد که چگونه بر وزن هفت شد
در حالی که در زمان پیامبر خدا صلى الله عليه وآله چنین نبود، او دستور داد این سؤال را از عبدالله بن
حسن و امام صادق عليه السلام نیز بپرسد.

قَالَ: فَسَأَلَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ، فَقَالُوا: أَذْرَكُنَا مَنْ كَانَ قَبْلَنَا عَلَى هَذَا.
 فَبَعَثَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.
 فَسَأَلَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَسَنِ، فَقَالَ كَمَا قَالَ الْمُسْتَفْتُونَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ .
 قَالَ: فَقَالَ: مَا تَقُولُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟
 فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَعَلَ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ أُوقِيَةً أُوقِيَةً، فَإِذَا حَسَبْتَ ذَلِكَ كَانَ
 عَلَى وَزْنِ سَبْعَةٍ وَ قَدْ كَانَتْ وَزْنَ سِتَّةٍ وَ كَانَتْ الدَّرَاهِمُ خَمْسَةَ دَوَانِيقَ .
 قَالَ حَبِيبٌ: فَحَسَبْنَاهُ فَوَجَدْنَاهُ كَمَا قَالَ، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ .
 فَقَالَ: مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ هَذَا؟
 قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أُمِّكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.
 قَالَ: ثُمَّ انْصَرَفَ فَبَعَثَ إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ: ابْعَثْ إِلَيَّ بِكِتَابِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.
 فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنِّي إِنَّمَا أَخْبَرْتُكَ أَنِّي قَرَأْتُهُ وَ لَمْ أُخْبِرْكَ أَنَّهُ عِنْدِي .
 قَالَ حَبِيبٌ: فَجَعَلَ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ يَقُولُ لِي: مَا رَأَيْتُ مِثْلَ هَذَا قَطُّ.

راوی گوید: حاکم از مردم مدینه پرسید، پاسخ دادند: پیش از ما نیز چنین بود. حاکم
 شخصی را نزد عبدالله بن حسن و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فرستاد تا از آنها نیز این سؤال را بپرسد.
 عبدالله بن حسن پاسخ داد، حکم همان است که اهل مدینه گفته‌اند.
 مأمور به امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عرض کرد: نظر شما چیست؟ ای اباعبدالله!
 امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هر چهل اوقیه، یک اوقیه زکات قرار داد،
 وقتی آن را محاسبه کردند به وزن هفت درهم بود، البته بیشتر به وزن شش درهم بود و هر
 درهم پنج دانق بود.

حبيب گوید: ما محاسبه کردیم و همان گونه که حضرتش فرموده بود، یافتیم.
 راوی گوید: عبدالله بن حسن نزد امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ آمد و گفت: این حکم را از کجا می‌گویی؟
 فرمود: در کتاب مادرت حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خواندم.
 وقتی مأمور حاکم برگشت، محمد بن خالد شخصی را فرستاد که کتاب فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را به
 ما بدهید.
 امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ پاسخ داد: من گفتم: این حکم را در کتاب فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خوانده‌ام، نگفتم
 که آن کتاب نزد من است.
 حبيب گوید: محمد بن خالد همواره به من می‌گفت: هرگز چنین حکمی ندیده‌ام.

۳- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصِ بْنِ حَفْصِ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ قُتَيْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخْبِرْنِي عَنِ الزَّكَاةِ كَيْفَ صَارَتْ مِنْ كُلِّ أَلْفِ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ لَمْ تَكُنْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ مَا وَجْهَهَا؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ، فَعَلِمَ صَغِيرَهُمْ وَكَبِيرَهُمْ وَغَنِيَّهُمْ وَفَقِيرَهُمْ، فَجَعَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفِ إِنْسَانٍ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ مَسْكِينًا، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسْعُوهُمْ لَزَادَهُمْ، لِأَنَّهُ خَالِقُهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ قَالَ: سَأَلَنِي رَجُلٌ مِنَ الزَّنَادِقَةِ فَقَالَ: كَيْفَ صَارَتْ الزَّكَاةُ مِنْ كُلِّ أَلْفِ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا؟

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّمَا ذَلِكَ مِثْلُ الصَّلَاةِ ثَلَاثٌ وَثِنْتَانِ وَأَرْبَعٌ.

۳- قتم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: قربانت گردم! چگونه زکات از هر هزار، بیست و پنج مقرر شد، نه کمتر و نه زیادتتر؟ دلیلش چیست؟

فرمود: خداوند تعالی همه مردم را آفرید و از کوچک و بزرگ و ثروتمند و فقیر آنان آگاهی داشت. از این رو برای هر هزار انسانی بیست و پنج مسکین قرار داد. اگر می دانست که این اندازه زکات کفایت نمی کند، به آن می افزود، چرا که او آفریدگار آنها بود و از آنان آگاهی داشت.

۴- ابو جعفر احوال گوید: یکی از زنادقه از من پرسید: چگونه زکات از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم مقرر شد؟

گفتم: این حکم به سان حکم نماز است که سه، دو و چهار رکعت است.

قَالَ: فَقَبِلَ مِنِّي، ثُمَّ لَقِيتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ.
 فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَسَبَ الْأَمْوَالِ وَالْمَسَاكِينَ، فَوَجَدَ مَا يَكْفِيهِمْ مِنْ كُلِّ
 أَلْفٍ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ، وَ لَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ لَزَادَهُمْ.
 قَالَ: فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ.
 فَقَالَ: جَاءَتْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةُ عَلَى الْإِبِلِ مِنَ الْحِجَازِ.
 ثُمَّ قَالَ: لَوْ أَنِّي أُعْطِيتُ أَحَدًا طَاعَةً، لَأَعْطَيْتُ صَاحِبَ هَذَا الْكَلَامِ.

(۴)

بَابُ مَا وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الزَّكَاةَ عَلَيْهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ
 وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ وَ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَا:

او از من پذیرفت. بعد از آن حضور امام صادق عليه السلام شرفیاب شدم و این سؤال را پرسیدم.
 حضرتش فرمود: خداوند تعالی اموال و بی‌نویان را محاسبه فرمود، و این گونه یافت که از
 هر هزار درهم بیست و پنج درهم کافی است و اگر کفایت نمی‌کرد، می‌افزود.
 من نزد او رفتم و این پاسخ را دادم.
 گفت: این پاسخ به وسیله شتر از حجاز آمده است.
 آن‌گاه گفت: اگر من از کسی فرمان ببرم، از صاحب این سخن فرمان خواهم برد.

بخش چهارم

آن چه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عنوان زکات مقرر کرده‌اند

۱ - زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجللی و فضیل بن یسار گویند: امام باقر عليه السلام و
 امام صادق عليه السلام فرمودند:

فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ، وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْأَبْلِ وَ الْبَقْرِ وَ الْعَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ، وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْأَبْلِ وَ الْبَقْرِ وَ الْعَنَمِ، وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

قَالَ يُونُسُ: مَعْنَى قَوْلِهِ: «إِنَّ الزَّكَاةَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ»،

إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ النُّبُوَّةِ كَمَا كَانَتِ الصَّلَاةُ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِيهَا سَبْعَ رَكْعَاتٍ، وَ كَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَ ضَعَهَا وَ سَنَّهَا فِي أَوَّلِ نُبُوَّتِهِ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى جَمِيعِ الْحُبُوبِ.

خداوند زکات اموال را در کنار نماز، فرض و واجب کرد و رسول خدا ﷺ زکات را در نه ماده سنت نهاد و از سایر مواد صرف نظر کرد. از این رو، زکات فریضه به طلا و نقره، شتر، گاو و گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش اختصاص یافت و سایر اموال از پرداخت زکات معاف گردید.

۲ - ابوبکر خضرمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ زکات را در نه ماده مقرر کرد: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، و سایر مواد را معاف داشت.

یونس گوید: این که در نه چیز زکات مقرر شده و سایر مواد معاف شده‌اند؛ این امر در آغاز نبوت بود، آن سان که نماز دو رکعت بود. سپس پیامبر خدا ﷺ هفت رکعت به آن افزود، زکات نیز همین گونه بود که در آغاز نبوت در نه چیز مقرر شده بود، آن گاه حضرتش در همه حبوبات قرار داد.

(۵)

بَابُ مَا يُزَكَّى مِنَ الْحُبُوبِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحُبُوبِ مَا يُزَكَّى مِنْهَا. قَالَ: الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالذُّرَّةُ وَالذُّخْنُ وَالْأَرْزُ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالسَّمْسِمُ، كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَاشْبَاهُهُ.
- ۲ - حَرِيْزٌ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ. وَ قَالَ: كُلُّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.
- وَ قَالَ: جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخُضْرِ وَ الْبُقُولِ وَ كُلِّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ.

بخش پنجم**زکات حبوبات و غلات**

- ۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره زکات حبوبات و غلات پرسیدم. فرمود: گندم، جو، ذرت، ارزن، برنج، سلت (گونه‌ای از جو)، عدس و کنجد؛ زکات همه این‌ها و مانند این‌ها پرداخت می‌شود.
- ۲ - نظیر این روایت را زرارہ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ را نقل کرده و می‌افزاید که حضرتش فرمود: هر چیزی که با صاع ^(۱) پیمانه شود و به اندازه دوهزار و هفتصد رطل عراقی برسد، زکات دارد.
- و فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هر چیزی که از زمین می‌روید مگر آن که از سبزیجات و تره‌بار و هر چیزی که در همان روز و به سرعت فاسد می‌شود، زکات قرار داد.

۱ - پیمانه‌ای معادل چهار مد.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:
 قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
 وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْجِنِّطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالَّتَمْرِ وَالزَّبِيبِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْغَنَمِ وَالْبَقَرِ وَالْإِبِلِ، وَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.
 فَقَالَ لَهُ الْقَائِلُ: عِنْدَنَا شَيْءٌ كَثِيرٌ يَكُونُ أضعافَ ذَلِكَ.
 فَقَالَ: وَمَا هُوَ؟
 فَقَالَ لَهُ: الْأُرْزُ.
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَقُولُ لَكَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَتَقُولُ: عِنْدَنَا أُرْزٌ وَعِنْدَنَا ذُرَّةٌ وَقَدْ كَانَتْ الذَّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

۳- علی بن مهزیار گوید: در نوشته عبدالله بن محمد برای ابوالحسن عليه السلام خواندم این گونه آمده بود: فدایت شوم! از امام صادق عليه السلام روایت شده که فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله بر نه چیز زکات قرار داد: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر، و حضرتش دیگر چیزها را مشمول حکم زکات قرار نداد. شخصی به پدر بزرگوارتان امام صادق عليه السلام گفت: مواردی نزد ما هست که خیلی بیشتر از چیزهایی است که نام بردید.
 امام عليه السلام فرمود: چه چیزی؟
 گفت: برنج.

امام عليه السلام فرمود: من به تو می گویم که رسول خدا صلى الله عليه وآله بر نه چیز زکات قرار داد و چیزها دیگر را بخشید، آن گاه تو می گویی: ما برنج داریم، ما ذرت داریم، به راستی که در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله نیز ذرت بود (حال آن که پیامبر صلى الله عليه وآله بر ذرت زکات قرار نداد).

فَوَقَّعَ عَلَيْهِ: كَذَلِكَ هُوَ وَ الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ.
 وَ كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ: وَ رَوَى غَيْرُهُ هَذَا الرَّجُلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْحُبُوبِ.
 فَقَالَ: وَ مَا هِيَ؟

فَقَالَ: السُّمْسِيمُ وَ الْأَرْزُ وَ الدُّخْنُ، وَ كُلُّ هَذَا غَلَّةٌ كَالْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ.
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: فِي الْحُبُوبِ كُلِّهَا زَكَاةٌ.
 ۴- وَ رَوَى أَيْضاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ:

كُلُّ مَا دَخَلَ الْقَفِيزَ فَهُوَ يَجْرِي مَجْرَى الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ.
 قَالَ: فَأَخْبِرْنِي جُعِلَتْ فِدَاكَ! هَلْ عَلَى هَذَا الْأَرْزِ وَ مَا أَشْبَهَهُ مِنَ الْحُبُوبِ
 الْجَمِّصِ وَ الْعَدْسِ زَكَاةٌ؟

فَوَقَّعَ: صَدَقُوا الزَّكَاةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ كَيْلَ.
 ۵- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ
 لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ: إِنْ لَنَا رَطْبَةٌ وَ أَرْزًا فَمَا الَّذِي عَلَيْنَا فِيهَا؟

پس امام علیه سخن پدرشان را تأیید کرده و نوشته را امضاء فرمودند و در ادامه نوشتند:
 زکات بر هر چیزی که با صاع، پیمانه شود واجب است.
 عبدالله نوشت: شخصی غیر از این مرد روایت کرد که از امام صادق علیه درباره حبوبات
 غلات پرسید.

فرمود: حبوبات غلات چیست؟
 گفت: کنجد، برنج، و ارزن؛ همه این‌ها مانند گندم و جواز غلات هستند.
 امام صادق علیه فرمود: در همه حبوبات غلات زکات واجب است.
 ۴- هم چنین از امام صادق علیه روایت شده که حضرتش فرمود:
 هر چیزی که با قفیز (نوعی پیمانه عراقی است) پیمانه شود، داخل در حکم گندم، جو،
 خرما و کشمش است.

راوی گفت: فدایت شوم! به من خبر ده که آیا برنج و مانند آن مثل نخود و عدس نیز
 زکات دارد؟

امام علیه مرقوم فرمود: راست گفته‌اند، زکات در هر چیزی که پیمانه می‌شود واجب است.
 ۵- محمد بن اسماعیل گوید: به امام ابوالحسن علیه گفتم: ما یونجه و برنج داریم. پس
 چیزی در آن‌ها برعهده ماست؟

فَقَالَ: عَلَيْهِ أَمَّا الرِّطْبَةُ، فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ، وَأَمَّا الأَرُزُّ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ بِالأَعْشِرِ وَ مَا سُقِيَ بِالدَّلْوِ فَنِصْفُ العُشْرِ مِنْ كُلِّ مَا كِلْتَا الصَّاعِ، أَوْ قَالَ: وَ كَيْلَ بِالمَكْيَالِ.

۶ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَمَاعَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الحَرِّثِ مَا يُزَكَّى مِنْهُ؟
فَقَالَ: البُرُّ وَ الشَّعِيرُ وَ الذُّرَّةُ وَ الأَرُزُّ وَ السُّلْتُ وَ العَدَسُ، كُلُّ هَذَا مِنْهَا يُزَكَّى.
وَ قَالَ: كُلُّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ، فَبَلَغَ الأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.

(۶)

بَابُ مَا لَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ مِمَّا تُنْبِتُ الأَرْضُ مِنَ الخَضِرِ وَ غَيْرِهَا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ:

امام عَلَيْهِ فرمود: اما در یونجه چیزی بر عهده شما نیست؛ ولی در برنج، آن چه که آسمان آن را آب داده (کشت دیمی) یک دهم هر پیمانهای، که با صاع پیمانه و آن چه با سطل و به صورت دستی آب خورده، نصف یک دهم، زکات دارد.
یا این که فرمود: و هر چیزی که با پیمان، پیمان شود.

۶ - ابو مریم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ پرسیدم: چه چیزی از کشت زکات دارد؟
فرمود: گندم، جو، ذرّ، ت، برنج، سلت (نوعی جو) و عدس همه اینها زکاتشان داده می شود.
و فرمود: هر چیزی که با صاع پیمان شود و به او ساق (۲۷۰۰ رطل عراقی) برسد، زکات دارد.

بخش ششم

سبزیجات و گیاهانی که زکات واجب ندارند

۱ - سماعه گوید: امام صادق عَلَيْهِ فرمود:

لَيْسَ عَلَى الْبُقُولِ وَلَا عَلَى الْبَطِيخِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ إِلَّا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ غَلَّتِهِ
فَبَقِيَ عِنْدَكَ سَنَةً.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ
رَزِينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْخَضْرِ فِيهَا زَكَاةٌ وَإِنْ
بِيعَتْ بِالْمَالِ الْعَظِيمِ؟
فَقَالَ: لَا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا فِي الْخَضْرِ؟
قَالَ: وَ مَا هِيَ؟

قُلْتُ: الْقَضْبُ وَ الْبَطِيخُ وَ مِثْلُهُ مِنَ الْخَضْرِ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يُبَاعَ مِثْلُهُ بِمَالٍ، وَ يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، فَفِيهِ الصَّدَقَةُ.
وَ عَنِ الْعَصَاةِ مِنَ الْفَرَسِيكِ وَ أَشْبَاهِهِ فِيهِ زَكَاةٌ؟

محصول سبزی و خربزه و امثال آن زکات ندارد. اگر سبزیجات و تره بار فروخته شود
و در آمد آن (طلا و نقره) یک سال ذخیره شود، در پایان سال، زکات آن واجب می گردد.
۲- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: اگر میوه تازه فراوان باشد و به مبلغ
گزافی فروخته شود، زکات دارد؟
فرمود: نه. (اگر تبدیل به طلا و نقره ای گردد و) و یک سال ذخیره شود، زکات خواهد
داشت.

۳- حلبی می گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: حکم زکات در سبزیجات (صیفی جات) چیست؟
فرمود: مانند چه؟
گفتم: چیزهایی که بریده می شوند و به صورت تازه و آب دار خورده می شوند
(چیدنی ها، مثل سیب) و خربزه و مانند آن از سبزی جات (صیفی جات).
فرمود: اینها زکات ندارند، مگر آن که به مالی فروخته شوند و یک سال از آن بگذرد که
در آن صورت زکات دارند.
از حضرتش درباره چیزهای تازه و آب دار مانند هلو و مانند آن پرسیدم که آیا آنها
زکات دارند؟

قال: لا.

قلت: فثمنه؟

قال: ما حال عليه الحول من ثمنه فزكه.

۴ - علي بن إبراهيم عن أبيه عن إسماعيل بن مرارٍ وغيره عن يونس قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن الأشنان فيه زكاة؟
فقال: لا.

۵ - محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن مهزيار عن عبد العزيز بن المهدي قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن القطن و الزعفران عليهما زكاة؟
قال: لا.

۶ - علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد بن عيسى عن حريز عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام في البستان تكون فيه من الثمار ما لو بيع كان مالا هل فيه صدقة؟
قال: لا.

فرمود: نه.

گفتم: اگر تبدیل به پول شد چه؟

فرمود: از پولش آن چه که سال به آن گذشته زکات بده.

۴ - یونس گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: محصول چوبک زکات دارد؟

فرمود: نه.

۵ - عبدالعزیز گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: محصول پنبه و زعفران زکات دارد؟

فرمود: نه.

۶ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر و امام صادق عليهما السلام پرسیدم: محصول میوه اگر به

قیمت زیادی فروخته شود، آیا زکات دارد؟

فرمودند: نه، زکات ندارد.

(۷)

بَابُ أَقَلِّ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْحَرْثِ

- ۱- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الزَّكَاةِ فِي الزَّيْبِ وَ التَّمْرِ. فَقَالَ: فِي كُلِّ خَمْسَةِ أَوْسَاقٍ وَسُقٍّ، وَ الْوَسْقُ سِتُّونَ صَاعًا، وَ الزَّكَاةُ فِيهِمَا سِوَاءٌ، فَأَمَّا الطَّعَامُ فَالْعُشْرُ فِيمَا سَقَّتِ السَّمَاءُ، وَ أَمَّا مَا سَقِيَ بِالْغَرْبِ وَ الدَّوَالِي، فَأَيُّمَا عَلَيْهِ نِصْفُ الْعُشْرِ.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْتِيمَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَا: ذَكَرْنَا لَهُ الْكُوفَةَ وَ مَا وُضِعَ عَلَيْهَا مِنَ الْخَرَاجِ وَ مَا سَارَ فِيهَا أَهْلُ بَيْتِهِ.

بخش هفتم**کمتربن نصاب زکات محصولات**

- ۱- سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زکات کشمش و خرما از چه قرار است؟ فرمود: از پنج بار شتر، یک بار آن حق زکات است - یک بار شتر را برابر با شصت من می باشد - زکات کشمش و خرما از یک قرار است؛ اما گندم و جو، اگر با آب آسمان آبیاری شود، ده یک آن، حق زکات است و اگر با گردونه و سطل، آبیاری شود، بیست یک آن حق زکات است.
- ۲- صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر گویند: به حضرتش در مورد مالیات کوفه و مردم آن سخن گفتیم.

فَقَالَ: مَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا تَرِكْتُ أَرْضَهُ فِي يَدِهِ، وَأُخِذَ مِنْهُ الْعُشْرُ مِمَّا سَقَتِ السَّمَاءُ
وَالْأَنْهَارُ وَنِصْفُ الْعُشْرِ مِمَّا كَانَ بِالرِّشَاءِ فِيمَا عَمَرُوهُ مِنْهَا، وَ مَا لَمْ يَعْمُرُوهُ مِنْهَا
أَخَذَهُ الْإِمَامُ فَقَبَلَهُ مِمَّنْ يَعْمُرُهُ وَ كَانَ لِلْمُسْلِمِينَ، وَ عَلَى الْمُتَقَبِّلِينَ فِي حِصَصِهِمْ
الْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ، وَ لَيْسَ فِي أَقَلِّ مِنْ خَمْسَةِ أَوْسَاقٍ شَيْءٌ مِنَ الزَّكَاةِ.
وَ مَا أُخِذَ بِالسَّيْفِ فَذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ يُقَبَّلُهُ بِالَّذِي يَرَى، كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
بِخَيْبَرَ، قَبْلَ سَوَادِهَا وَ بِيَاضِهَا - يَعْنِي أَرْضَهَا وَ نَخْلَهَا - وَ النَّاسُ يَقُولُونَ: لَا يَصْلُحُ
قَبَالَةَ الْأَرْضِ وَ النَّخْلِ.

وَ قَدْ قَبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْبَرَ، وَ عَلَى الْمُتَقَبِّلِينَ سِوَى قَبَالَةِ الْأَرْضِ الْعُشْرُ وَ
نِصْفُ الْعُشْرِ فِي حِصَصِهِمْ.
وَ قَالَ: إِنَّ أَهْلَ الطَّائِفِ أَسْلَمُوا وَ جَعَلُوا عَلَيْهِمُ الْعُشْرَ وَ نِصْفَ الْعُشْرِ، وَ إِنَّ أَهْلَ
مَكَّةَ دَخَلَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنُوءَ، فَكَانُوا أُسْرَاءَ فِي يَدِهِ فَأَعْتَقَهُمْ وَ قَالَ: اذْهَبُوا
فَأَنْتُمْ الطُّلَقَاءُ.

فرمود: هر که با میل خود مسلمان شده، زمینش از آن خود اوست که اگر به صورت
دیمی آبیاری می شود، یک دهم به عنوان مالیات گرفته می شود و اگر با سطل آبیاری
می شود، نصف یک دهم. و این در صورتی است که زمین آباد باشد و اگر آباد نباشد، زمین
از آن امام است و آن را از آبادگران می پذیرد و از آن مسلمانان است و پذیرندگان در سهم،
یک دهم و نصف یک دهم خواهد بود. و زمانی که کمتر از پنج اوساق باشد، زکات ندارد.
و زمین هایی که با شمشیر گرفته شده از آن امام است. به هر که صلاح دانست می دهد.
آن سان که پیامبر خدا ﷺ در جنگ خیبر چنین کرد که سرزمین و نخلستان آن ها را پذیرفت
و مردم می گفتند: پذیرفتن از زمین نخلستان شایسته نیست.

ولی پیامبر خدا ﷺ از خیبر پذیرفت و و بر پذیرندگان علاوه بر پذیرش زمین، یک دهم
و نصف یک دهم در اموال آن ها است.

حضرتش فرمود: هنگامی که مردم طائف مسلمان شدند، یک دهم و نصف یک دهم را
به عنوان خراج قرار دادند.

و آن گاه که پیامبر خدا ﷺ با قدرت وارد مکه شد، مردم مکه در دست حضرتش اسیر
شدند، پیامبر خدا ﷺ آن ها را آزاد کرد و فرمود: بروید که شما آزاد شدگانید.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الصَّدَقَةِ فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْأَنْهَارُ: إِذَا كَانَ سَيْحاً أَوْ كَانَ بَعلاً الْعُشْرُ وَ مَا سَقَتِ السَّوَابِي وَ الدَّوَالِي أَوْ سُقِيَ بِالْغَرْبِ فَنِصْفُ الْعُشْرِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُمَا قَالَا لَهُ: هَذِهِ الْأَرْضُ الَّتِي يُزَارِعُ أَهْلُهَا مَا تَرَى فِيهَا. فَقَالَ: كُلُّ أَرْضٍ دَفَعَهَا إِلَيْكَ السُّلْطَانُ فَمَا حَرَّتَهُ فِيهَا، فَعَلَيْكَ فِيمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا الَّذِي قَاطَعَكَ عَلَيْهِ، وَ لَيْسَ عَلَيَّ جَمِيعَ مَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا الْعُشْرُ إِنَّمَا عَلَيْكَ الْعُشْرُ فِيمَا يَحْصُلُ فِي يَدِكَ بَعْدَ مُقَاسَمَتِهِ لَكَ.

۳ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره زکات زمین کشاورزی فرمود:

آن چه را که آسمان و نهرهای جاری آبیاری می کند، یا خودش از زمین آب می گیرد و احتیاجی به آبیاری ندارد یک دهم آن زکات دارد؛ و آن چه که با شتر و ظرف آبکشی یا با سطل بزرگ آبیاری می شود، نصف یک بیستم آن زکات دارد.

۴ - ابو بصیر و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر عليه السلام گفتیم: در زمین های واگذاری، حق

زکات از چه قرار است؟

فرمود: هر زمینی که از جانب حکومت به تو واگذار شود، بعد از آن که حق حکومت را

بدهی، یک دهم آن حق زکات است. این یک دهم پس از تقسیم آن از محصولی خارج

می شود که به طور خالص به دست تو می آید.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرَقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ أَقَلِّ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْبُرِّ وَالشَّعِيرِ وَالْتَمْرِ وَالزَّيْبِ.

فَقَالَ: خَمْسَةٌ أَوْ سَاقٍ بَوْسُقِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله.

فَقُلْتُ: كَمْ الْوَسْقُ؟

قَالَ: سِتُّونَ صَاعًا.

قُلْتُ: فَهَلْ عَلَى الْعِنَبِ زَكَاةٌ، أَوْ إِنَّمَا تَجِبُ عَلَيْهِ إِذَا صَيَّرَهُ زَبِيبًا؟

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا حَرَصَهُ أَخْرَجَ زَكَاةً.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي مَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْأَنْهَارُ، أَوْ كَانَ بَعْلًا الْعُشْرُ، وَأَمَّا مَا سَقَتِ السَّوَانِي

وَالدَّوَالِي فَيُصْفُ الْعُشْرُ.

۵ - سعد بن سعد اشعری گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: کمترین محصول گندم، جو،

کشمش و خرما که زکات دارند، چه مقدار است؟

فرمود: کمترین نصاب آن با معیاری که رسول خدا صلى الله عليه وآله مقرر کرده بود، پنج بار شتر است.

پرسیدم: با معیار رسول خدا صلى الله عليه وآله یک بار شتر، چقدر می شود؟

فرمود: شصت صاع.

گفتم: وقتی که محصول انگور به دست آید، باید زکات آن را بدهند؟ یا بعد از آن که به

صورت کشمش درآید؟

فرمود: آری، موقعی که تخمین بزنند، می توانند زکات آن را بپردازند.

۶ - معاویه بن شریح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

محصولی که با آب باران و رودخانه، یا به صورت دیم به دست آید، ده یک آن حق

زکات است، و محصولی که با شتر، یا گاو آبکش آبیاری شود، بیست یک آن حق زکات است.

فَقُلْتُ لَهُ: فَالْأَرْضُ تَكُونُ عِنْدَنَا تُسْقَى بِالِدَّوَالِي، ثُمَّ يَزِيدُ الْمَاءُ فَتُسْقَى سَيِّحًا.
فَقَالَ: وَإِنَّ ذَا لَيَكُونُ عِنْدَكُمْ كَذَلِكَ؟
قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: النُّصْفُ وَ النُّصْفُ نِصْفُ بِنِصْفِ الْعُشْرِ وَ نِصْفُ بِالْعُشْرِ.
فَقُلْتُ: الْأَرْضُ تُسْقَى بِالِدَّوَالِي، ثُمَّ يَزِيدُ الْمَاءُ فَتُسْقَى السَّقِيَّةَ وَ السَّقِيَّتَيْنِ
سَيِّحًا.

قَالَ: وَ فِي كَمْ تُسْقَى السَّقِيَّةَ وَ السَّقِيَّتَيْنِ سَيِّحًا؟
قُلْتُ: فِي ثَلَاثِينَ لَيْلَةً أَوْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَدْ مَضَتْ قَبْلَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ
سَبْعَةَ أَشْهُرٍ.
قَالَ: نِصْفُ الْعُشْرِ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ
قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ مَا أَقَلُّ مَا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ.

گفتم: زمینی که در اوائل کشت، با گاو آبکش آبیاری می شود و در پایان کشت با آب
جاری آبیاری می گردد، حق زکات آن چگونه است؟
فرمود: در بلاد شما چنین اتفاقی رخ می دهد؟
گفتم: آری.

فرمود: حق زکات آن نصف و نصف است. از نصف محصول، یک دهم؛ و از نصف
دیگر بیست دهم بپردازند.

گفتم: زمینی که با گاو آبکش آبیاری می شود، اگر با زیاد شدن آب، فرصتی پیش آید و
یک نوبت یا دو نوبت با آب جاری آبیاری شود. حق زکات آن از چه قرار است؟
فرمود: این یک نوبت و دو نوبت در چه فاصله زمانی صورت می گیرد؟
گفتم: با فاصله سی شب یا چهل شب، در حالی که شش - یا هفت - ماه با گاو آبکش
آبیاری شده است.

فرمود: زکاتش همان بیست یک می باشد.

۷- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کمترین محصول خرما و کشمش
که حق زکات به آن تعلق بگیرد، چه مقدار است؟

فَقَالَ: حَمْسَةُ أَوْسَاقٍ وَ يُتْرَكُ مَعِيَ فَأَرَّةٌ وَأُمُّ جُعْرُورٍ لَا يُزَكِّيَانِ وَإِنْ كَثُرَا وَ يُتْرَكُ
لِلْحَارِسِ الْعَدْقُ وَ الْعَدْقَانِ وَ الْحَارِسُ يَكُونُ فِي النَّخْلِ يَنْظُرُهُ فَيُتْرَكُ ذَلِكَ لِإِعْيَالِهِ.

(۸)

بَابُ أَنَّ الصَّدَقَةَ فِي التَّمْرِ مَرَّةً وَاحِدَةً

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ عُبَيْدِ بْنِ
زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَ لَهُ حَرْثٌ أَوْ تَمْرَةٌ فَصَدَّقَهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ شَيْءٌ، وَإِنْ حَالَ عَلَيْهِ
الْحَوْلُ عِنْدَهُ إِلَّا أَنْ يُحَوَّلَهُ مَالًا، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَهُ فَعَلَيْهِ أَنْ
يُزَكِّيَهُ وَ إِلَّا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ إِنْ نَبَتَ ذَلِكَ أَلْفَ عَامٍ إِذَا كَانَ بِعَيْنِهِ، فَإِنَّمَا عَلَيْهِ فِيهِ
صَدَقَةُ الْعُشْرِ، فَإِذَا أَذَاهَا مَرَّةً وَاحِدَةً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهَا حَتَّى يُحَوَّلَهُ مَالًا وَ يُحَوَّلَ
عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ هُوَ عِنْدَهُ.

فرمود: پنج بار شتر. البته خرماى آفت زده (روده موشى) و خرماى پشکلى را به حساب
نمى آورند. گرچه فراوان باشد. براى نگهبان باغ هم بايد يك شاخه و دو شاخه جدا شود كه
حق نظاره دارد تا براى عيالش ببرد.

بخش هشتم

زکات خرما در یک سال یک مرتبه است

۱- زراره و عبید گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس صاحب کشت و زراعت باشد، یا صاحب خرما باشد و زکات محصول خود را
بپردازد، دیگر هیچ گونه حقی بر عهده او نیست، گرچه محصول او تا یک سال دیگر باقی
بماند. فقط در صورتی که گندم و یا خرماى خود را بفروشد و طلا و نقره آن، دست نخورده،
یک سال ذخیره بماند، باید زکات آن نقره و طلا را بپردازد، وگرنه زکاتی بر عهده او نیست،
گرچه هزار سال بتواند محصول خود را سالم نگهدارد. حق زکات محصول، فقط برای یک
نوبت است که باید ده یک آن پرداخته شود، و اگر یک نوبت بپردازند، دیگر حقی به آن
محصول تعلق نخواهد گرفت، مگر آن که محصول را بفروشد و طلا و نقره آن یک سال،
دست نخورده، ذخیره بماند.

(۹)

بَابُ زَكَاةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: فِي كُلِّ مِائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَةُ دَرَاهِمٍ مِنَ الْفِضَّةِ وَإِنْ نَقَصَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ زَكَاةٌ وَ مِنَ الذَّهَبِ مِنْ كُلِّ عِشْرِينَ دِينَارًا نِصْفُ دِينَارٍ وَإِنْ نَقَصَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ النَّخَّاسِ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنِّي رَجُلٌ صَائِعٌ أَعْمَلُ بِيَدِي، وَإِنَّهُ يَجْتَمِعُ عِنْدِي الْخَمْسَةُ وَالْعَشْرَةُ فَفِيهَا زَكَاةٌ؟ فَقَالَ: إِذَا اجْتَمَعَ مِائَتَا دِرْهَمٍ فَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَإِنَّ عَلَيْهَا الزَّكَاةَ.

بخش نهم**زکات طلا و نقره**

- ۱ - سماعه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر دویست درهم نقره، پنج درهم آن حق زکات است. کمتر از دویست درهم زکات ندارد. و هر بیست دینار طلا، نیم دینار آن حق زکات است، کمتر از آن زکات ندارد.
- ۲ - رفاعه گوید: شخصی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: من زرگر و طلا ساز هستم، گاهی موجودی نقره‌ام به پنج و یا ده درهم می‌رسد، آیا باید از این مبلغ زکات بپردازم؟ فرمود: هرگاه دویست درهم جمع شود و یک سال، دست نخورده، ذخیره بماند، حق زکات به آن تعلق می‌گیرد.

- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام قَالَا:
لَيْسَ فِيمَا دُونَ الْعِشْرِينَ مِثْقَالًا مِنَ الذَّهَبِ شَيْءٌ، فَإِذَا كَمَلْتَ عِشْرِينَ مِثْقَالًا
فَفِيهَا نِصْفُ مِثْقَالٍ إِلَى أَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِينَ فَإِذَا كَمَلْتَ أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ فَفِيهَا ثَلَاثَةُ
أَحْمَاسٍ دِينَارٍ إِلَى ثَمَانِيَةٍ وَ عِشْرِينَ، فَعَلَى هَذَا الْحِسَابِ كُلَّمَا زَادَ أَرْبَعَةً.
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ ابْنِ
عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا جَازَتْ الزَّكَاةُ الْعِشْرِينَ دِينَارًا فَفِي كُلِّ أَرْبَعَةٍ دَنَانِيرَ عَشْرٍ دِينَارٍ.
- ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الذَّهَبِ كَمْ فِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ؟
فَقَالَ: إِذَا بَلَغَ قِيمَتُهُ مِائَتِي دِرْهَمٍ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.

- ۳- عده‌ای از اصحاب ما گویند: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:
کمتر از بیست مثقال طلا زکات ندارد؛ بیست مثقال کامل، نیم مثقال آن حق زکات است
تا برسد به بیست و چهار مثقال؛ بیست و چهار مثقال کامل سه پنجم آن حق زکات است تا
برسد به بیست و هشت مثقال. و بر طبق همین حساب، هرگاه چهار دینار اضافه شود، حق
زکات آن بر اساس یک چهلم بالا می‌رود.
- ۴- ابن عیینة گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
اگر زکات مال از ۲۰ دینار طلا گذشت، پس در هر ۴ دینار، یک دهم دینار، زکات است.
- ۵- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: در طلا چقدر زکات است؟
فرمود: اگر قیمت طلا ۲۰۰ درهم شود، زکات دارد.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام فِي كَمْ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الزَّكَاةَ؟ فَقَالَ: فِي كُلِّ مِائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ، فَإِنْ نَقَصَتْ فَلَا زَكَاةَ فِيهَا، وَ فِي الذَّهَبِ فِي كُلِّ عِشْرِينَ دِينَارًا نِصْفَ دِينَارٍ، فَإِنْ نَقَصَتْ فَلَا زَكَاةَ فِيهَا.

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ مَا أَقَلُّ مَا يَكُونُ فِيهِ الزَّكَاةُ؟ قَالَ: مِائَتَا دِرْهَمٍ وَ عِدْلُهَا مِنَ الذَّهَبِ . قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ النَّيْفِ وَ الْخَمْسَةِ وَ الْعَشْرَةِ . قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ حَتَّى يَبْلُغَ أَرْبَعِينَ فَيُعْطَى مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمًا.

۶ - حسین بن بشَّار گوید: از ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: رسول خدا صلى الله عليه وآله نصاب زکات را بر چه میزانی مقرر نمود؟

فرمود: هر دوست درهم نقره، پنج درهم آن حق زکات است، اگر کمتر باشد از پرداخت زکات معاف است. و در هر بیست دینار طلا، نیم دینار آن حق زکات است، اگر کمتر باشد، از پرداخت زکات معاف است.

۷ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره کمترین مقدار از طلا و نقره که زکات آن واجب می شود، سؤال شد؟

فرمود: ۲۰۰ درهم نقره و معادل آن ۲۰ دینار طلا

گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: اگر مقدار نقره به پنج و ده درهم و اندی برسد چه؟ فرمود: چیزی از زکات به آن تعلق نمی گیرد تا این که به چهل درهم برسد که در این صورت از هر چهل درهم، یک درهم می پردازد.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: تَسْعُونَ وَ مِائَةٌ دِرْهَمٍ وَ تِسْعَةَ عَشَرَ دِينَارًا أَعْلَيْهَا فِي الزَّكَاةِ شَيْءٌ؟
فَقَالَ: إِذَا اجْتَمَعَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ فَبَلَغَ ذَلِكَ مِائَتَيْ دِرْهَمٍ، فَفِيهَا الزَّكَاةُ، لِأَنَّ عَيْنَ
الْمَالِ الدَّرَاهِمَ، وَ كُلُّ مَا خَلَا الدَّرَاهِمَ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ مَتَاعٍ فَهُوَ عَرَضٌ مَرْدُودٌ ذَلِكَ
إِلَى الدَّرَاهِمِ فِي الزَّكَاةِ وَ الدِّيَاتِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ
الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ زَيْدِ الصَّائِغِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي كُنْتُ فِي قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى خُرَاسَانَ يُقَالُ لَهَا: بُخَارَى،
فَرَأَيْتُ فِيهَا دَرَاهِمَ تُعْمَلُ ثَلَاثُ فِضَّةٍ وَ ثَلَاثُ مِسٍّ وَ ثَلَاثُ رِصَاصٍ، وَ كَانَتْ تَجُوزُ
عِنْدَهُمْ وَ كُنْتُ أَعْمَلُهَا وَ أُنْفِقُهَا.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا كَانَتْ تَجُوزُ عِنْدَهُمْ.

۸- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: آیا ۱۹۰ درهم نقره و ۱۹ دینار طلا،

زکات دارد؟

فرمود: اگر طلا و نقره جمع شدند و به مقدار ۲۰۰ درهم نقره رسیدند، زکات دارد؛ زیرا
عین مال درهمها هستند. و هرگاه درهمهای نقره از طلا یا کالایی خالی شدند، حکم آن در
زکات و دیات به درهمهای خالی از طلا و کالا برمیگردد.

۹- زید صائغ گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من در روستایی از روستاهای خراسان بودم
که به آن «بخارا» میگفتند، در آنجا سکههای درهمی را دیدم که از یک سوم نقره، یک سوم
مس و یک سوم سرب میسازند و آن درهمها نزد آنها رایج بود و من هم با آن درهمها
دادوستد می کردم و انفاق هم می نمودم، حکم آن چیست؟

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر آن سکهها نزد آنها رایج بوده، اشکالی ندارد.

فَقُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ هِيَ عِنْدِي وَ فِيهَا مَا يَجِبُ عَلَيَّ فِيهِ
الزَّكَاةُ أَزَكِّيْهَا؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا هُوَ مَالُكَ.

قُلْتُ: فَإِنْ أَخْرَجْتُهَا إِلَى بَلَدَةٍ لَا يُنْفَقُ فِيهَا مِثْلَهَا فَبَقِيَتْ عِنْدِي حَتَّى يَحُولَ
عَلَيْهَا الْحَوْلُ أَزَكِّيْهَا.

قَالَ: إِنْ كُنْتَ تَعْرِفُ أَنَّ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فِيهَا الزَّكَاةُ فَزَكِّ
مَا كَانَ لَكَ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ وَ دَعْ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْخَبِيثِ.

قُلْتُ: وَإِنْ كُنْتُ لَا أَعْلَمُ مَا فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ إِلَّا أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ فِيهَا مَا يَجِبُ
فِيهِ الزَّكَاةُ.

قَالَ: فَاسْبِكْهَا حَتَّى تَخْلُصَ الْفِضَّةُ وَ يَحْتَرِقَ الْخَبِيثُ، ثُمَّ يَزَكِّ مَا خَلَصَ مِنَ
الْفِضَّةِ لِسَنَةِ وَاحِدَةٍ.

گفتم: اگر از آن دو سکه‌ها نزد من باشد و یک سال از آن گذشته باشد و در آن درهم‌ها
درهمی باشد که زکات آن واجب شود، آیا باید زکات آن را بدهم؟
فرمودند: آری، زیرا مال توست.

گفتم: اگر آن درهم‌ها را به شهری دیگر ببرم که با آن‌ها در آن شهر داد و ستد نمی‌شود و
رایج نیست و نزد من بماند و سال بر آن بگذرد، آیا باید زکاتش را بدهم؟
فرمود: اگر می‌دانی که در آن‌ها نقره خالصی است که به حد زکات می‌رسد، زکات نقره
خالص آن درهم را بده و ناخالصی‌های آن را رها کن.

گفتم: اگر من نمی‌دانم چقدر در آن‌ها نقره به کار رفته، اما می‌دانم که در آن چیزی به کار
رفته که زکات در آن واجب است، در این صورت وظیفه من چیست؟
فرمود: آن درهم‌ها را ذوب کن تا نقره آن خالص شود و از ناخالصی‌ها جدا شود، و نقره
خالصی که یک سال بر آن گذشته، زکات بده.

(۱۰)

بَابُ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْحَلِيِّ وَ سَبَائِكِ الذَّهَبِ وَ نُقْرِ الْفِضَّةِ وَ الْجَوْهَرِ زَكَاةٌ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَلِيِّ فِيهِ زَكَاةٌ؟
قَالَ: لَا.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَلِيِّ فِيهِ زَكَاةٌ؟
قَالَ: لَا.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَلِيِّ أَيْزَكِّي؟
فَقَالَ: إِذَا لَا يَبْقَى مِنْهُ شَيْءٌ.

بخش دهم**زیور آلات، سکه‌های غیر رایج طلا، نقره و جواهرات زکات ندارند**

۱ - محمد حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زیور آلات زکات دارند؟
فرمود: نه.

۲ - محمد حلبی نظیر این روایت را دوباره با سند دیگر از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ - یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا آلات زینتی زکات دارند؟
فرمود: اگر از وسایل زینتی زکات بدهند، زینتی نمی‌ماند.

- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ سَأَلَهُ بَعْضُهُمْ عَنِ الْحَلِيِّ فِيهِ زَكَاةٌ؟
فَقَالَ: لَا، وَ لَوْ بَلَغَ مِائَةَ أَلْفٍ.
- ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَفْطِينَ عَنِ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ يَفْطِينَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمَالِ الَّذِي لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ لَا يُقَلَّبُ .
قَالَ: يَلْزَمُهُ الزَّكَاةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَّا أَنْ يُسَبِّكَ.
- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
زَكَاةُ الْحَلِيِّ عَارِيَّتُهُ.
- ۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ حَرِيزِ عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ:

- ۴ - رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فردی از حضرتش پرسید: آیا زیور آلات طلا و نقره زکات دارند؟
فرمود: نه، گرچه معادل صد هزار درهم باشد، زکات ندارد.
- ۵ - علی بن یفطین گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: اگر سکه طلا و نقره از مبادله بازار خارج شود و دست نخورده بماند، زکات دارد؟
فرمود: هر ساله زکات دارد، مگر این که سکه را آب کنند و به صورت شمش درآورند.
- ۶ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
زکات زیور آلات، همان عاریه دادن آنهاست.
- ۷ - هارون بن خارجه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم:

إِنَّ أَحِيَّ يُوسُفَ وُلِّيَ لَهُؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَعْمَالًا أَصَابَ فِيهَا أَمْوَالًا كَثِيرَةً، وَإِنَّهُ جَعَلَ تِلْكَ الْأَمْوَالَ حُلِيًّا أَرَادَ أَنْ يَفْرِبَهَا مِنَ الزَّكَاةِ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ؟
 قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْحُلِيِّ زَكَاةٌ وَ مَا أَدْخَلَ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ النُّقْصَانِ فِي وَضْعِهِ وَ مَنْعِهِ نَفْسَهُ فَضْلُهُ أَكْثَرُ مِمَّا يَخَافُ مِنَ الزَّكَاةِ.

۸- حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُ يَجْتَمِعُ عِنْدِي الشَّيْءُ فَيَبْقَى نَحْوًا مِنْ سَنَةٍ أَنْزَكِيهِ؟
 قَالَ: لَا، كُلُّ مَا لَمْ يَحُلْ عَلَيْهِ عِنْدَكَ الْحَوْلُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ زَكَاةٌ، وَ كُلُّ مَا لَمْ يَكُنْ رِكَازًا فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهِ شَيْءٌ .
 قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الرِّكَازُ؟
 قَالَ: الصَّامِتُ الْمَنْقُوشُ .
 ثُمَّ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَاسْبِكْهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي سَبَائِكِ الذَّهَبِ وَ نِقَارِ الْفِضَّةِ شَيْءٌ مِنَ الزَّكَاةِ.

برادرم یوسف به سرپرستی کارهای حکومتی این گروه پرداخت و طلا و نقره زیادی به دست آورد و برای فرار از پرداخت زکات سگه‌های خود را به صورت آلات زینتی درآورده است. آیا باید زکات آن‌ها را بپردازد؟
 فرمود: آلات زینتی زکات ندارد. ولی برادرت با خارج کردن سگه‌ها از بازار تجارت و محروم ماندن از سود کلان آن، به خسارتی دچار شده است که از خسارتی که از بیم زکات فریضه دچار شده به مراتب بیشتر است.

۸- علی بن یقین گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: گاهی مقداری نقدینه نزد من جمع می‌شود و در حدود یک سال، دست نخورده بر جا می‌ماند، آیا زکات دارد؟
 فرمود: نه. آن نقدینه‌ای که یک سال نزد تو بر جا نمانده باشد، زکات ندارد. و هر چه ریکاز نباشد زکات ندارد.
 گفتم: ریکاز چیست؟
 فرمود: مسکوک رایج.
 آن‌گاه فرمود: اگر خواستی از پرداخت زکات معاف بمانی، نقدینهات را آب کن، زیرا شمش طلا و نقره زکات ندارد.

- ۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ قَالَ:
لَيْسَ فِي التُّبْرِ زَكَاةٌ، إِنَّمَا هِيَ عَلَى الدَّنَانِيرِ وَالدَّرَاهِمِ.
- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَيْسَ فِي الْجَوْهَرِ وَاشْتَبَاهِهِ زَكَاةٌ وَإِنْ كَثُرَ.

(۱۱)

بَابُ زَكَاةِ الْمَالِ الْغَائِبِ وَالدَّيْنِ وَالْوَدِيْعَةِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۹ - یکی از اصحاب ما گوید: حضرتش فرمود:
گاه زکات ندارد، زکات فقط بر دینار و درهم تعلق می‌گیرد.
۱۰ - زراره و بکیر گویند: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
جواهر قیمتی و سنگ‌های گرانبها زکات ندارند، گر چه مقدار آن بسیار باشد.

بخش یازدهم

زکات مال غایب، قرض و ودیعه

- ۱ - سدير صيرفي مي‌گويد: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم:

مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَنْطَلَقَ بِهِ فَدَفَنَهُ فِي مَوْضِعٍ فَلَمَّا حَالَ عَلَيْهِ
الْحَوْلُ ذَهَبَ لِيُخْرِجَهُ مِنْ مَوْضِعِهِ فَاحْتَفَرَ الْمَوْضِعَ الَّذِي ظَنَّ أَنَّ الْمَالَ فِيهِ
مَدْفُونٌ، فَلَمْ يُصِبْهُ فَمَكَتَ بَعْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَ سِنِينَ، ثُمَّ إِنَّهُ احْتَفَرَ الْمَوْضِعَ الَّذِي مِنْ
جَوَانِبِهِ كُلِّهِ فَوَقَعَ عَلَى الْمَالِ بِعَيْنِهِ كَيْفَ يُزَكِّيهِ؟

قال: يُزَكِّيهِ لِسَنَةِ وَاحِدَةٍ، لِأَنَّهُ كَانَ غَائِبًا عَنْهُ، وَإِنْ كَانَ احْتَبَسَهُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَغِيبُ عَنْهُ مَالُهُ حَمْسَ سِنِينَ، ثُمَّ يَأْتِيهِ فَلَا يُرَدُّ
رَأْسَ الْمَالِ كَمْ يُزَكِّيهِ؟
قال: سَنَةً وَاحِدَةً.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ
عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

نظر شما در مورد شخصی که نقدینه خود را در محلی دفن می‌کند و بعد از یک سال به
سراخ آن می‌رود، اما هر چه می‌جوید، دفينه را پیدا نمی‌کند و بعد از سه سال که به فکر
می‌افتد و جوانب آن محل را می‌کاود، دفينه خود می‌یابد، زکات این دفينه از چه قرار
خواهد بود؟

فرمود: فقط زکات سال اول را می‌پردازد، زیرا دفينه از دسترس او خارج بوده است،
گرچه در جایی دفن شده بود.

۲ - رفاعة بن موسى گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی پنج سال است که مالش را
گم کرده و به آن دسترسی نداشته، سپس به آن دست یافته و از سرمایه سودی نبرده و زیان
دیده، چقدر باید زکات بدهد؟

فرمود: باید زکات یک سال را بپردازد.

۳ - عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَيْسَ فِي الدَّيْنِ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ صَاحِبُ الدَّيْنِ هُوَ الَّذِي يُؤَخِّرُهُ، فَإِذَا كَانَ لَا يُقَدِّرُ عَلَى أَخْذِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَقْبِضَهُ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الدَّيْنُ عَلَى النَّاسِ يَحْتَسِبُ فِيهِ الزَّكَاةَ؟
 قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَقْبِضَهُ، فَإِذَا قَبِضَهُ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَإِنْ هُوَ طَالَ حَبْسُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَنِمَّ لِذَلِكَ سِنُونَ، فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَخْرُجَ، فَإِذَا هُوَ خَرَجَ زَكَاةٌ لِعَامِهِ ذَلِكَ وَإِنْ هُوَ كَانَ يَأْخُذُ مِنْهُ قَلِيلًا قَلِيلًا فَلَيْزِكَ مَا خَرَجَ مِنْهُ أَوْلًا فَأَوْلًا، فَإِنْ كَانَ مَتَاعُهُ وَدَيْنُهُ وَ مَالُهُ فِي تِجَارَتِهِ الَّتِي يَتَقَلَّبُ فِيهَا يَوْمًا بِيَوْمٍ يَأْخُذُ وَ يُعْطِي وَ يَبِيعُ وَ يَشْتَرِي، فَهُوَ يُشْبِهُ الْعَيْنَ فِي يَدِهِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُعَيِّرَ ذَلِكَ إِذَا كَانَ حَالٌ مَتَاعِهِ وَ مَالِهِ عَلَى مَا وَصَفْتُ لَكَ فَيُؤَخَّرَ الزَّكَاةَ.

در قرض و بدهکاری زکاتی نیست؛ مگر آن که طلبکار خودش باعث تأخیر پرداخت بدهی شود، ولی اگر نتواند بدهی را پس بگیرد، زکاتی بر او نیست تا قرض خود را بستاند.
 ۴ - سماعه گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی که به مردم بدهکار است در عین حال از پرداخت زکات آن خودداری می‌کند چه حکمی دارد؟

فرمود: در آن مال بر عهده او زکاتی نیست تا این که آن مال را به دست آورد، وقتی به دست آورد، بایستی زکات آن را بپردازد. و اگر مدت طولانی در دست مردم باشد و چند سال بگذرد، زکاتی بر او نیست تا این که به دست آورد، وقتی به دست آورد برای همان سال زکات آن را می‌پردازد و اگر اندک اندک از مردم بگیرد، بایستی همان اندازه که به دست می‌آورد، زکاتش را بپردازد و اگر کالا، بدهی و دارایی او سرمایه تجارتي باشد که روز به روز در گردش است که روزانه می‌گیرد، می‌فروشد و می‌خرد، این همانند عین مالی است که در اختیار دارد، بایستی زکات آن را بپردازد و شایسته نیست این کالا و مال را از حالی که ذکر شد، تغییر دهد تا زکاتش را به تأخیر اندازد.

- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 فِي رَجُلٍ اسْتَقْرَضَ مَالًا فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَهُوَ عِنْدَهُ .
 قَالَ: إِنْ كَانَ الَّذِي أَقْرَضَهُ يُؤَدِّي زَكَاتَهُ، فَلَا زَكَاةَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ لَا يُؤَدِّي أَدَى الْمُسْتَقْرِضِ .
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 رَجُلٌ دَفَعَ إِلَى رَجُلٍ مَالًا قَرْضًا عَلَى مَنْ زَكَاتُهُ عَلَى الْمُقْرِضِ أَوْ عَلَى الْمُقْتَرِضِ؟
 قَالَ: لَا، بَلْ زَكَاتُهَا إِنْ كَانَتْ مَوْضُوعَةً عِنْدَهُ حَوْلًا عَلَى الْمُقْتَرِضِ .
 قَالَ: قُلْتُ: فَلَيْسَ عَلَى الْمُقْرِضِ زَكَاتُهَا؟

- ۵ - منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که پول و مالی را قرض گرفته و سال بر آن گذشته و آن مال نزد اوست، فرمود:
 اگر بدهکار زکات آن مال را ادا می‌کند، دیگر بر او زکاتی نیست و اگر قرض دهنده ادا نمی‌کند بر عهده قرض گیرنده است.
- ۶ - زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فردی به فرد دیگر قرض داده است، زکات مال بر عهده کیست؟ قرض دهنده یا قرض گیرنده؟
 فرمود: نه، اگر مال یک سال نزد قرض گیرنده باشد، زکاتش بر عهده اوست.
 عرض کردم: بر عهده قرض دهنده، زکات تعلق نمی‌گیرد؟

قَالَ: لَا، يُزَكَّى الْمَالُ مِنْ وَجْهَيْنِ فِي عَامٍ وَاحِدٍ، وَ لَيْسَ عَلَى الدَّافِعِ شَيْءٌ، لِأَنَّهُ لَيْسَ فِي يَدِهِ شَيْءٌ، إِنَّمَا الْمَالُ فِي يَدِ الْأَخِيذِ فَمَنْ كَانَ الْمَالُ فِي يَدِهِ زَكَاةً .
 قَالَ: قُلْتُ: أَمْ فَيُزَكَّى مَالٌ غَيْرِهِ مِنْ مَالِهِ؟
 فَقَالَ: إِنَّهُ مَالُهُ مَا دَامَ فِي يَدِهِ، وَ لَيْسَ ذَلِكَ الْمَالُ لِأَحَدٍ غَيْرِهِ .
 ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ! أَرَأَيْتَ وَ ضَيْعَةَ ذَلِكَ الْمَالِ وَ رِبْحَهُ لِمَنْ هُوَ؟ وَ عَلَى مَنْ؟
 قُلْتُ: لِلْمُقْتَرِضِ .
 قَالَ: فَلَهُ الْفَضْلُ وَ عَلَيْهِ التُّقْصَانُ، وَ لَهُ أَنْ يَنْكِحَ وَ يَلْبَسَ مِنْهُ وَ يَأْكُلَ مِنْهُ، وَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُزَكِّيَهُ بَلْ يُزَكِّيهِ، فَإِنَّهُ عَلَيْهِ .
 ۷ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ فِي يَدِهِ مَالٌ لِغَيْرِهِ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ .
 فَقَالَ: إِذَا كَانَ قَرْضًا فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَزَكَاةٌ .

فرمود: مال از دو جهت در یک سال زکات داده نمی‌شود و آن که مال را داده چیزی بر عهده او نیست، چون در دست او چیزی نیست، بلکه مال فقط در دست گیرنده است. پس مال دست هر که باشد باید زکات آن را بپردازد.

گفتم: آیا می‌تواند زکات مال دیگری را از مال خودش بپردازد؟
 فرمود: تا آن مال در اختیار اوست، زکات آن فقط بر عهده اوست.
 آن‌گاه فرمود: ای زراره! آیا می‌دانی که ضرر و زیان این مال از آن کیست؟
 گفتم: بر عهده قرض گیرنده.

فرمود: فزونی و کاستی از آن اوست، او می‌تواند با آن ازدواج کند، از آن لباس بپوشد و از آن بخورد، ولی شایسته نیست زکاتش را بدهد بلکه زکاتش را می‌دهد، چرا که بر عهده اوست.

۷ - عبدالرحمان بن ابوعبدالله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: انسان مقداری قرض دارد، و مقداری هم از دیگران طلب دارد، آیا باید زکات بپردازد؟
 فرمود: اگر مال دیگران به صورت قرض در اختیار او باشد و یک سال دست نخورده بماند باید زکات آن بپردازد.

- ۸- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ
الْحَمِيدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَاعَ بَيْعًا إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ مِنْ رَجُلٍ مَلِيٍّ بِحَقِّهِ
وَمَالِهِ فِي ثِقَةٍ يُزَكِّي ذَلِكَ الْمَالَ فِي كُلِّ سَنَةٍ تَمْرُ بِهِ أَوْ يُزَكِّيهِ إِذَا أَخَذَهُ؟
فَقَالَ: لَا، بَلْ يُزَكِّيهِ إِذَا أَخَذَهُ.
قُلْتُ لَهُ: لَكُمْ يُزَكِّيهِ؟
قَالَ: قَالَ: لثَلَاثِ سِنِينَ.
۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ
أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَانٍ بْنِ عَثْمَانَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ قَالَ:
سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليه السلام عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَفِي يَدِهِ مَالٌ وَفِي بَدَنِهِ وَ الْمَالُ لِغَيْرِهِ
هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ.
فَقَالَ: إِذَا اسْتَفْرَضَ فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَزَكَاتُهُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ فِيهِ فَضْلٌ

۸- عبد الحمید بن سعد می گوید: از امام کاظم عليه السلام درباره مردی که کالایی را سه ساله به
مرد مورد اعتماد ثروتمندی که به حق خود قانع است فروخته، آیا هر سالی که به آن مال
می گذرد باید زکات آن را بدهد یا این که هر وقت آن را گرفت زکات آن را بدهد؟
فرمود: نه، بلکه هر وقت آن مال را گرفت زکات آن را پرداخت می کند.
گفتم: برای چند سال (به قیمت چند سال) پرداخت کند؟
فرمود: برای سه سال.

۹- راوی گوید: از یکی از آن دو بزرگوار (امام باقر یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: مردی
که به عهده اش قرضی است و مالی که برای دیگری است در اختیار دارد و دینش را از آن
مال ادا کرده، آیا به او زکاتی تعلق می گیرد؟
فرمود: اگر قرض کرده و یک سال بر آن گذشته، زکاتش بر عهده اوست. اگر در آن زیادی
باشد.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنْ كَانَ عِنْدَكَ وَدِيعَةٌ تُحَرِّكُهَا فَعَلَيْكَ الزَّكَاةُ، فَإِنْ لَمْ تُحَرِّكْهَا فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ.

۱۱ - غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ مَهْرٌ امْرَأَتِهِ لَا تَطْلُبُهُ مِنْهُ إِمَّا لِرَفْقٍ بِزَوْجِهَا وَإِمَّا حَيَاءً، فَمَكَتْ بِذَلِكَ عَلَى الرَّجُلِ عُمُرُهُ وَ عُمُرُهَا يَجِبُ عَلَيْهِ زَكَاةُ ذَلِكَ الْمَهْرِ أَمْ لَا؟

فَكَتَبَ: لَا يَجِبُ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ إِلَّا فِي مَالِهِ.

۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ

النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي الرَّجُلِ يَنْسَى أَوْ يُعِينُ فَلَا يَزَالُ مَالُهُ دَيْنًا كَيْفَ يَصْنَعُ فِي زَكَاتِهِ؟

قَالَ: يُزَكِّيهِ وَلَا يُزَكِّي مَا عَلَيْهِ مِنَ الدَّيْنِ، إِنْ مَا الزَّكَاةُ عَلَى صَاحِبِ الْمَالِ.

۱۰ - علی بن ابی حمزه گوید امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر نزد تو ودیعه‌ای است و آن را به کار زدی، زکات آن با توست و اگر از آن استفاده نکردی چیزی از زکات بر تو نیست.

۱۱ - علی بن مهزیار گوید: طی نامه‌ای به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشتم و از مردی که بر عهده او مهر زنش است، پرسیدم که آن زن یا برای مراعات حال شوهرش و یا از شرم و حیایش مهر خود را طلب نکرده است و سال‌ها این چنین گذشته، آیا به مرد زکات آن مهر واجب است یا نه؟

حضرتش نوشت: به او زکاتی واجب نیست مگر در اموال خودش.

۱۲ - ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که کالایی را نسیه یا به صورت

عینه (نوعی داد و ستد) می‌فروشد و از این جهت همیشه مالش به صورت دین است، درباره زکات این گونه مال چه کند؟

فرمود: زکات آن مال را می‌دهد و آن چه را که به صورت قرض بر عهده اوست، زکاتی

ندارد. همانا زکات بر عهده صاحب مال است.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ ضَرِيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُمَا قَالَا:
 أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ مَوْضُوعٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، فَإِنَّهُ يُزَكِّيهِ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الدِّينِ مِثْلُهُ وَ أَكْثَرُ مِنْهُ فَلْيُزَكِّ مَا فِي يَدِهِ.

(۱۲)

بَابُ أَوْقَاتِ الزَّكَاةِ

۱ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْكَرْخِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الزَّكَاةِ.
 فَقَالَ: أَنْظِرْ شَهْرًا مِنَ السَّنَةِ فَأَنْوِ أَنْ تُؤَدِّيَ زَكَاتَكَ فِيهِ فَإِذَا دَخَلَ ذَلِكَ الشَّهْرُ فَأَنْظِرْ مَا نَصَّ - يَعْنِي مَا حَصَلَ - فِي يَدِكَ مِنْ مَالِكَ فَزَكَّهُ، فَإِذَا حَالَ الْحَوْلُ مِنْ الشَّهْرِ الَّذِي زَكَّيْتَ فِيهِ فَاسْتَعْبِلْ بِمِثْلِ مَا صَنَعْتَ لَيْسَ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْهُ.

۱۳ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام و ضریس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 هر کس تقدینه‌ای داشته باشد و یک سال دست نخورده بماند، باید زکات آن را
 بپردازد، گر چه به همان مقدار و یا بیشتر از آن، بدهکار باشد. دارد، باید زکاتش را بپردازد.

بخش دوازدهم

زمان پرداخت زکات

۱ - خالد بن حجاج کرخی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره زکات پرسیدم.
 فرمود: یک ماه را در سال در نظر بگیر و تبت کن که زکاتت را در آن ماه بدهی؛ پس زمانی
 که آن ماه فرا رسید، ببین چه چیزی از اموال را در دست داری و به دست آورده‌ای، پس
 زکات آن را بپرداز. پس هر گاه که یک سال از ماهی که در آن ماه زکات داده‌ای گذشت،
 دوباره همان کار را در سال جدید انجام بده، و بیش از این چیزی بر عهده تو نیست.

- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: هَلْ لِلزَّكَاةِ وَقْتُ مَعْلُومٌ تُعْطَى فِيهِ؟
فَقَالَ: إِنَّ ذَلِكَ لَيَخْتَلِفُ فِي إِصَابَةِ الرَّجُلِ الْمَالِ، وَ أَمَّا الْفِطْرَةُ فَإِنَّهَا مَعْلُومَةٌ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
زَكَاتِي تَجُلُّ عَلَيَّ فِي شَهْرٍ أَوْ يَصْلُحُ لِي أَنْ أَحْبِسَ مِنْهَا شَيْئًا مَخَافَةَ أَنْ يَجِئَنِي مَنْ يَسْأَلُنِي؟
فَقَالَ: إِذَا حَالَ الْحَوْلُ فَأَخْرِجْهَا مِنْ مَالِكَ لَا تَخْلُطْهَا بِشَيْءٍ، ثُمَّ أَعْطِهَا كَيْفَ شِئْتَ .
قَالَ: قُلْتُ: فَإِنِ أَنَا كَتَبْتُهَا وَ أَتَيْتُهَا يَسْتَقِيمُ لِي؟
قَالَ: لَا يَضُرُّكَ.

- ۲ - ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا برای پرداخت زکات زمان معینی وجود دارد که در آن زمان پرداخت می شود؟
فرمود: زمان پرداخت زکات بستگی به زمان به دست آوردن مال دارد؛ ولی زمان پرداخت زکات فطره معلوم است.
- ۳ - یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: زکات اموال من، در ماه معینی واجب و تسجیل می شود که باید بپردازم. آیا می توانم بخشی را نپردازم و نزد خودم نگهدارم تا اگر بعدها صاحبان حاجت به سراغ من بیایند و مطالبه کنند، دست خالی نباشم؟
فرمود: موقعی که یک سال از مال تو بگذرد و وقت زکات برسد، زکات مالت را جدا کن و مجزاً نگهدار، بعد از آن به هر صورت یک جا و یا پراکنده به هر کس بخواهی پرداخت کن.
گفتم: اگر عوض این زکات را محاسبه کنم و در دفتری بنویسم، کار درستی کرده ام؟
فرمود: اشکالی ندارد.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ الرَّجُلِ تَجَلُّ عَلَيْهِ الزُّكَاةُ فِي السَّنَةِ فِي ثَلَاثِ أَوْقَاتٍ أَوْ خَرُّهَا حَتَّى يَدْفَعَهَا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ؟ فَقَالَ: مَتَى حَلَّتْ أَخْرَجَهَا. وَعَنِ الزُّكَاةِ فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ مَتَى تَجِبُ عَلَيَّ صَاحِبِهَا؟ قَالَ: إِذَا مَا صَرَمَ، وَإِذَا مَا خَرَصَ. ۵- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ عَنِ الْأَصْفَهَانِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَكُونُ لِي عَلَى الرَّجُلِ مَالٌ فَأَقْبِضُهُ مِنْهُ مَتَى أُرْكَئُهُ؟ قَالَ: إِذَا قَبَضْتَهُ فَزَكَّهُ. قُلْتُ: فَإِنِّي أَقْبِضُ بَعْضَهُ فِي صَدْرِ السَّنَةِ وَبَعْضَهُ بَعْدَ ذَلِكَ. قَالَ: فَتَبَسَّمْ. ثُمَّ قَالَ: مَا أَحْسَنَ مَا دَخَلْتَ فِيهَا؟

۴- سعد بن سعد اشعری گوید: به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: کسی که زکات اموالش در سه نوبت واجب و تسجیل می‌شود، آیا می‌تواند پرداخت اول و دوم را تأخیر بیندازد و همه را در نوبت سوم پردازد؟

فرمود: هر موقعی که حق زکات تسجیل شود، باید پردازد.

گفتم: زکات گندم، جو، خرما و کشمش در چه وقتی تسجیل می‌شود؟

فرمود: موقعی که محصول را بچینند و تخمین بزنند.

۵- اصفهانی گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: پولی را از کسی می‌خواهم، وقتی به

دستم رسید چه وقت زکات آن را بدهم؟

فرمود: وقتی به دستت رسید، زکات آن را بده.

گفتم: مقداری از آن را در ابتدای سال و مقداری دیگر را بعد از آن می‌گیرم؟

حضرتش تبسمی کرد و فرمود: چه خوب سؤالی کردی!؟

ثُمَّ قَالَ: مَا قَبَضْتَهُ مِنْهُ فِي السَّنَةِ الْأَشْهُرِ الْأُولَى فَرَكَهُ لِسَنَّتِهِ، وَ مَا قَبَضْتَهُ بَعْدَ فِي السَّنَةِ الْأَشْهُرِ الْأَخِيرَةِ فَاسْتَقْبِلْ بِهِ فِي السَّنَةِ الْمُسْتَقْبَلَةِ، وَ كَذَلِكَ إِذَا اسْتَفَدْتَ مَالاً مُنْقَطِعاً فِي السَّنَةِ كُلِّهَا، فَمَا اسْتَفَدْتَ مِنْهُ فِي أَوَّلِ السَّنَةِ إِلَى سِنْتِهِ أَشْهُرٍ فَرَكَهُ فِي عَامِكَ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ مَا اسْتَفَدْتَ بَعْدَ ذَلِكَ فَاسْتَقْبِلْ بِهِ السَّنَةَ الْمُسْتَقْبَلَةَ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ نِصْفُ مَالِهِ عَيْنًا وَ نِصْفُهُ دَيْنًا فَتَجَلُّ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ؟

قَالَ: يُزَكِّي الْعَيْنَ وَ يَدَعُ الدَّيْنَ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ اقْتِضَاءُ بَعْدَ سِنْتِهِ أَشْهُرٍ.

قَالَ: يُزَكِّيهِ حِينَ اقْتِضَاءِهِ.

قُلْتُ: فَإِنْ هُوَ حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ حَلَّ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ يُزَكِّي فِيهِ وَ قَدْ أَتَى لِنِصْفِ مَالِهِ سَنَةً وَ لِنِصْفِهِ الْآخِرِ سِنْتُهُ أَشْهُرٍ.

آن‌گاه فرمود: آن‌چه را در شش ماه اول گرفتی زکات آن را برای سالی که آن شش ماه در آن است بده، و آن‌چه را در شش ماه آخر گرفتی آن را به سال آینده ملحق کن. هم چنین اگر مالی را خرده خرده به دست آوردی، آن مقدار را که در شش ماهه اول سال استفاده برده‌ای در همان سال تمام زکاتش را پرداخت کن و آن‌چه را که پس از آن پس از ۶ ماه نخست سال به دست آوردی به سال بعد ملحق کن. یعنی کسری سال را با سال بعد جبران کن.

۶- ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم: شخصی نیمی از مالش عین نقدی است و نیمی دیگر از آن را قرض داده، آیا زکات به آن تعلق می‌گیرد؟ فرمود: زکات مال عین نقدی را می‌پردازد و بدهی را وامی‌گذارد.

گفتم: پس از شش ماه طلب قرض می‌کند و آن را در اختیار می‌گیرد، آن وقت چه؟

فرمود: هر گاه بدهیش را دریافت کرد، زکات آن را می‌دهد.

گفتم: اگر به آن مال یک سال گذشت و ماهی که در آن زکات پرداخت می‌کند، سر رسید چه؟ به این صورت که بر نیمی از مالش که عین نقدی است یک سال گذشت و بر نیمی دیگر که بدهی است شش ماه؟

قال: يُزَكِّي الَّذِي مَرَّتْ عَلَيْهِ سَنَةٌ وَ يَدَعُ الْآخَرَ حَتَّى تَمُرَّ عَلَيْهِ سَنَتُهُ.
 قُلْتُ: فَإِنْ اشْتَهَى أَنْ يُزَكِّيَ ذَلِكَ .
 قال: مَا أَحْسَنَ ذَلِكَ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
 فِي الرَّجُلِ يُخْرِجُ زَكَاتَهُ فَيَقْسِمُ بَعْضَهَا وَ يُبْقِي بَعْضَهَا يَلْتَمِسُ بِهَا الْمَوْضِعَ،
 فَيَكُونُ مِنْ أَوْلَاهِ إِلَى آخِرِهِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ .
 قال: لَا بَأْسَ .

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَالُ أَيْزَكِيهِ إِذَا مَضَى نِصْفُ السَّنَةِ؟
 قال: لَا، وَ لَكِنْ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، وَ يَجَلَّ عَلَيْهِ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ
 صَلَاةً إِلَّا لَوْ قَتَبَهَا وَ كَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَ لَا يَصُومُ أَحَدٌ شَهْرَ رَمَضَانَ إِلَّا فِي شَهْرِهِ إِلَّا
 قِضَاءً، وَ كُلُّ فَرِيضَةٍ إِنَّمَا تُؤَدَّى إِذَا حَلَّتْ.

فرمود: آن مالی را که یک سال بر آن گذشت، زکاتش را می‌پردازد و نیمی دیگر را
 وامی‌گذارد تا به آن نیز سال بگذرد و زکاتش را می‌دهد.
 گفتم: حال اگر دوست داشت زکات آن را هم بدهد چه؟
 فرمود: این کار چه کار خوبی است!

۷ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که زکات اموالش را جدا کند.
 قسمتی را بپردازد و قسمتی را نگه بدارد تا مستحق آن را بجوید و روی هم رفته پرداخت
 همه زکات تا سه ماه به طول انجامد، فرمود: اشکالی ندارد.

۸ - عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی صاحب مال باشد، می‌تواند در
 نیمه سال مالی، زکات آن را بپردازد؟

فرمود: نه. بلکه باید صبر کند تا سال مالی بگذرد و حق زکات مسجل شود، آن‌گاه زکات
 را بپردازد. هیچ کس نمی‌تواند نماز فریضه بخواند مگر موقعی که وقت ادای آن برسد.
 زکات هم مانند نماز است. هیچ کس نمی‌تواند روزه ماه رمضان را پیش از وقت بگیرد، مگر
 این که روزه قضایی باشد. هر فریضه‌ای باید بعد از فرا رسیدن وقت آن ادا گردد.

۹ - حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع: أَيْزَكِّي الرَّجُلُ مَالَهُ إِذَا مَضَى ثُلُثُ السَّنَةِ؟
 قَالَ: لَا، أَيْصَلِّي الْأُولَى قَبْلَ الزَّوَالِ؟
 وَ قَدْ رُوِيَ أَيْضًا: أَنَّهُ يَجُوزُ إِذَا أَتَاهُ مَنْ يَصْلُحُ لَهُ الزَّكَاةُ أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ قَبْلَ وَقْتِ الزَّكَاةِ إِلَّا أَنَّهُ يَضْمَنُهَا إِذَا جَاءَ وَقْتُ الزَّكَاةِ، وَ قَدْ أَيْسَرَ الْمُعْطَى أَوْ ارْتَدَّ أَعَادَ الزَّكَاةَ.

(۱۳)

بَابُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:
 بَاعَ أَبِي أَرْضًا مِنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بِمَالٍ فَاشْتَرَطَ فِي بَيْعِهِ أَنْ يُزَكِّيَ هَذَا الْمَالَ مِنْ عِنْدِهِ لِسِتِّ سِنِينَ.

۹ - زراره گوید: به امام باقر ع گفتم: بعد از آن که چهار ماه از اول سال مالی بگذرد، انسان می تواند زکات مالش را بدهد؟
 فرمود: نه. آیا انسان می تواند نماز ظهر را پیش از ظهر بخواند؟
 هم چنین روایت شده است: هرگاه کسی که شایستگی دریافت زکات را دارد پیش از وقت پرداخت زکات بیاید، جایز است به او زکات داده شود با این شرط که او تا هنگام پرداخت زکات آن را ضمانت کند که اگر ثروتمند شود یا مرتد گردد زکات را باز پس دهد.

بخش سیزدهم

[شرط پرداخت زکات در ضمن معامله]

۱ - حلبی گوید: از امام صادق ع فرمود:
 پدرم امام باقر ع زمینی را از سلیمان بن عبدالملک خرید و در ضمن معامله شرط کرد که به مدت شش سال زکات آن مال را پرداخت کند.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
 بَاعَ أَبِي مِنْ هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ أَرْضًا لَهُ بِكَذَا وَكَذَا أَلْفَ دِينَارٍ وَ اشْتَرَطَ عَلَيْهِ زَكَاةَ ذَلِكَ الْمَالِ عَشْرَ سِنِينَ، وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ، لِأَنَّ هِشَامًا كَانَ هُوَ الْوَالِي.

(۱۴)

بَابُ الْمَالِ الَّذِي لَا يَحُولُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فِي يَدِ صَاحِبِهِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ ابْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الْوَلَدُ فَيَغِيبُ بَعْضُ وُلْدِهِ فَلَا يَدْرِي أَيْنَ هُوَ، وَ مَاتَ الرَّجُلُ فَكَيْفَ يُصْنَعُ بِمِيرَاثِ الْعَائِبِ مِنْ أَبِيهِ؟
 قَالَ: يُعْزَلُ حَتَّى يَجِيءَ.

۲- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
 پدرم امام باقر عليه السلام زمینی را از هشام بن عبدالملک به هزار دینار طلا خرید و شرط کرد که هشام به مدت ۱۰ سال زکات آن مال را بپردازد و ایشان این کار را به این جهت انجام داد که هشام والی بود.

بخش چهاردهم

حکم مالی که در دست صاحبش یک سال دست نخورده می ماند

۱- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: پدری صاحب چند فرزند است. یکی از فرزندانش ناپدید می شود و از مکان او بی خبر می مانند، بعد پدر فوت می کند. با میراث آن فرزند غایب چه باید کرد؟
 فرمود: میراث او را جدا می کنند و به کناری می گذارند تا باز گردد.

قُلْتُ: فَعَلَى مَالِهِ زَكَاةٌ؟

فَقَالَ: لَا، حَتَّى يَجِيءَ.

قُلْتُ: فَإِذَا هُوَ جَاءَ أَيْزَكِّيهِ؟

فَقَالَ: لَا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فِي يَدِهِ.

۲- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُفِيدُ الْمَالَ؟

قَالَ: لَا يُزَكِّيهِ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ مَوْضُوعٌ حَتَّى إِذَا كَانَ قَرِيبًا مِنْ رَأْسِ

الْحَوْلِ أَنْفَقَهُ قَبْلَ أَنْ يَحُولَ عَلَيْهِ أَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ؟

قَالَ: لَا.

گفتم: به میراث او حق زکات تعلق می‌گیرد؟

فرمود: نه، زکاتی به میراث او تعلق نمی‌گیرد، مگر بعد از مراجعت.

فرمود: بعد از مراجعت باید زکات نقدینه‌اش را بدهد؟

گفتم: نه، بعد از آن که یک سال در اختیار خودش بماند، باید زکات بدهد.

۲- محمد حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان نقدینه‌ای به دست آورد، باید

زکات آن را بدهد؟

فرمود: نه، بعد از آن که یک سال در دست او بماند، باید زکات آن را بپردازد.

۳- عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی نقدینه خود را کنار بگذارد و

چون به آخر سال نزدیک شود، آن را به کار اندازد، باز هم باید زکات آن را بدهد؟

فرمود: نه.

۴- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

رَجُلٌ كَانَ عِنْدَهُ مِائَتَا دِرْهَمٍ غَيْرَ دِرْهَمٍ أَحَدَ عَشَرَ شَهْرًا ثُمَّ أَصَابَ دِرْهَمًا بَعْدَ ذَلِكَ فِي الشَّهْرِ الثَّانِي عَشَرَ، فَكَمَلَتْ عِنْدَهُ مِائَتَا دِرْهَمٍ أَعْلَيْهِ زَكَاتُهَا؟
قَالَ: لَا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، وَ هِيَ مِائَتَا دِرْهَمٍ، فَإِنْ كَانَتْ مِائَةً وَ خَمْسِينَ دِرْهَمًا فَأَصَابَ خَمْسِينَ بَعْدَ أَنْ يَمْضِيَ شَهْرٌ فَلَا زَكَاءَ عَلَيْهِ حَتَّى يَحُولَ عَلَيَّ الْمِائَتَيْنِ الْحَوْلُ.

قُلْتُ: فَإِنْ كَانَتْ عِنْدَهُ مِائَتَا دِرْهَمٍ غَيْرَ دِرْهَمٍ فَمَضَى عَلَيْهَا أَيَّامٌ قَبْلَ أَنْ يَنْقَضِيَ الشَّهْرُ ثُمَّ أَصَابَ دِرْهَمًا، فَأَتَى عَلَيَّ الدَّرَاهِمُ مَعَ الدَّرْهَمِ حَوْلٌ أَعْلَيْهِ زَكَاءُ؟
قَالَ: نَعَمْ، وَإِنْ لَمْ يَمْضِ عَلَيْهَا جَمِيعًا الْحَوْلُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهَا.
قَالَ: وَقَالَ زُرَّارَةُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ وَ حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، فَإِنَّهُ يَزَكِّيهِ.

۴- زراره گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: اگر کسی صد و نود و نه درهم داشته باشد و یازده ماه، در دست او بماند و بعد، در ماه دوازدهم، یک درهم به دست آورد و نصاب دویست درهم نقره کامل شود، آیا باید زکات آن را بپردازد؟
فرمود: نه، بعد از آن که یک سال بر آن بگذرد و آن دویست درهم بشود، باید زکات آن را بپردازد، چنان که اگر صد و پنجاه درهم داشته باشد و پس از یک ماه پنجاه درهم دیگر به دست آورد، زکاتی به آن تعلق نمی‌گیرد، مگر بعد از آن که یک سال بر این دویست درهم بگذرد.
گفتم: اگر صد و نود و نه درهم داشته باشد و بعد از چند روز که هنوز ماه اول تمام نشده، یک درهم دیگر نیز به دست آورد و بعد، بر مجموع این دویست درهم یک سال بگذرد، آیا باید زکات آن را بپردازد؟

فرمود: آری، اگر بر تمام دویست درهم، یک سال نگذرد، زکات ندارد.

راوی گوید: زراره و محمد بن مسلم گویند: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس صاحب نقدینه باشد، و بر نقدینه او یک سال شرعی بگذرد، باید زکات آن را بپردازد.

قُلْتُ لَهُ: فَإِنْ هُوَ وَهَبَهُ قَبْلَ حَلِّهِ بِشَهْرٍ أَوْ بِيَوْمٍ .

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ أَبَدًا .

قَالَ: وَقَالَ زُرَّارَةُ: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

إِنَّمَا هَذَا بِمَنْزِلَةِ رَجُلٍ أَفْطَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَوْمًا فِي إِقَامَتِهِ ثُمَّ خَرَجَ فِي آخِرِ النَّهَارِ فِي سَفَرٍ فَأَرَادَ بِسَفَرِهِ ذَلِكَ إِبْطَالَ الْكُفَّارَةِ الَّتِي وَجَبَتْ عَلَيْهِ .

وَقَالَ: إِنَّهُ حِينَ رَأَى الْهِلَالَ الثَّانِي عَشَرَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ لَكِنَّهُ لَوْ كَانَ وَهَبَهَا قَبْلَ ذَلِكَ لَجَازَ وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ شَيْءٌ بِمَنْزِلَةِ مَنْ خَرَجَ ثُمَّ أَفْطَرَ، إِنَّمَا لَا يَمْنَعُ مَا حَالَ عَلَيْهِ، فَأَمَّا مَا لَمْ يَحُلْ فَلَهُ مَنَعُهُ وَ لَا يَحُلُّ لَهُ مَنَعُ مَالٍ غَيْرِهِ فِيمَا قَدْ حَلَّ عَلَيْهِ .

گفتم: اگر نقدینه خود را یک ماه پیش از آخر سال، یا یک روز پیش آخر سال به دیگران ببخشد، باز هم زکات دارد؟
فرمود: نه. ابتدا زکات ندارد.
زراره گوید: حضرتش فرمود:

این مانند کسی است که صبح ماه مبارک رمضان روزه خود را افطار کند و در پایان روز به عزم سفر از شهر خارج شود تا کفاره روزه خواری خود را ابطال کند.
حضرتش فرمود: موقعی که صاحب نقدینه، هلال ماه دوازدهم را مشاهده کند، حق زکات در نقدینه او مسجل می شود، و اگر پس از هلال ماه دوازدهم نقدینه خود را بخشیده باشد، اشکالی ندارد و زکاتی بر عهده او مسجل نمی گردد، مانند کسی که در ماه مبارک رمضان به قصد سفر از شهر خارج شود و بعد افطار کند. هیچ کس نمی تواند از زکات تسجیل شده فرار کند، اما از زکات تسجیل نشده می تواند فرار کند.

قَالَ زُرَّارَةُ: وَ قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ مِائَتَا دِرْهَمٍ فَوَهَبَهَا لِبَعْضِ إِخْوَانِهِ أَوْ وُلْدِهِ أَوْ أَهْلِهِ فِرَارًا بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ فَعَلَ ذَلِكَ قَبْلَ حُلِّهَا بِشَهْرٍ.
فَقَالَ: إِذَا دَخَلَ الشَّهْرُ الثَّانِي عَشَرَ فَقَدْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ وَجِبَتْ عَلَيْهِ فِيهَا الزَّكَاةُ.

قُلْتُ لَهُ: فَإِنْ أَحْدَثَ فِيهَا قَبْلَ الْحَوْلِ.

قَالَ: جَائِزٌ ذَلِكَ لَهُ.

قُلْتُ: إِنَّهُ فَرَّ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ.

قَالَ: مَا أَدْخَلَ عَلَى نَفْسِهِ أَعْظَمَ مِمَّا مَنَعَ مِنْ زَكَاتِهَا.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّهُ يَغْدِرُ عَلَيْهَا.

فَقَالَ: وَ مَا عِلْمُهُ أَنَّهُ يَغْدِرُ عَلَيْهَا وَ قَدْ حَرَجَتْ مِنْ مِلْكِهِ؟

قُلْتُ: فَإِنَّهُ دَفَعَهَا إِلَيْهِ عَلَى شَرْطٍ.

زراره گوید: به حضرتش گفتم: اگر کسی دو بیست درهم داشته باشد و یک ماه پیش از پایان سال، این دو بیست درهم را به یکی از برادران یا فرزندان یا خاندان خود ببخشد، بدین منظور که از پرداخت زکات فرار کند، آیا از پرداخت زکات معاف می‌شود؟ فرمود: بعد از آن که ماه دوازدهم فرا رسد، سال زکات به آخر می‌رسد و حق زکات تسجیل می‌شود.

گفتم: پس اگر پیش از ماه دوازدهم، نقدینه خود را مبادله کند، اشکالی ندارد؟ فرمود: نه، این جایز است.

گفتم: اگر منظور او فرار از زکات باشد، باز هم اشکالی ندارد؟

فرمود: خسارتی که در اثر مبادله و بخشش به او وارد می‌شود، بیش از خسارتی است که از پرداخت زکات متحمل می‌شود. پس منظور او فرار از زکات نخواهد بود. گفتم: خسارتی به او وارد نمی‌شود، زیرا می‌تواند هبه خود را پس بگیرد. حضرتش فرمود: از کجا می‌تواند چنین اطمینانی داشته باشد با آن که نقدینه را بخشیده است؟

گفتم: موقع هبه و بخشش شرط می‌کند که هر گاه بخواهد، هبه را فسخ کند و نقدینه‌اش را پس بگیرد.

فَقَالَ: إِنَّهُ إِذَا سَمَّاهَا هِبَةً جَازَتْ هِبَةُ وَ سَقَطَ الشَّرْطُ وَ ضَمِنَ الزَّكَاةَ.
 قُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يَسْقُطُ الشَّرْطُ وَ تَمْضِي الهِبَةُ وَ يَضْمَنُ الزَّكَاةَ.
 فَقَالَ: هَذَا شَرْطٌ فَاسِدٌ، وَ الهِبَةُ الْمَضْمُونَةُ مَاضِيَةٌ، وَ الزَّكَاةُ لَهُ لَازِمَةٌ عُقُوبَةٌ لَهُ.
 ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا ذَلِكَ لَهُ إِذَا اشْتَرَى بِهَا دَارًا أَوْ أَرْضًا أَوْ مَتَاعًا.
 ثُمَّ قَالَ زُرَّارَةُ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَبَاكَ قَالَ لِي: مَنْ فَرَبَهَا مِنَ الزَّكَاةِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَهَا.
 قَالَ: صَدَقَ أَبِي، عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَ مَا وَجَبَ عَلَيْهِ، وَ مَا لَمْ يَجِبْ عَلَيْهِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهِ.
 ثُمَّ قَالَ: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَعْمِيَ عَلَيْهِ يَوْمًا ثُمَّ مَاتَ فَذَهَبَتْ صَلَاتُهُ أَكَانَ عَلَيْهِ
 وَ قَدْ مَاتَ أَنْ يُؤَدِّيَهَا؟
 قُلْتُ: لَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَفَاقَ مِنْ يَوْمِهِ.

فرمود: اگر نقدینه را بخشش کرده باشد، فسخ نمی شود، بلکه شرط فسخ فاسد و ساقط می گردد و حق زکات هم تسجیل می شود.
 گفتم: چگونه شرط فسخ، ساقط می شود و هبه قطعی می گردد و حق زکات تسجیل می شود؟
 فرمود: شرط پس گرفتن هبه، فاسد است، زیرا هبه برگشت ندارد. و پرداخت حق زکات به جهت عقوبت بر او لازم است.
 آن گاه فرمود: اگر نقدینه را بدهد و در برابر آن، خانه، یا عرصه، یا متاعی بخرد، مبادله جایز و قطعی می شود و از زکات فریضه معاف می گردد.
 آن گاه زراره گوید: من به حضرتش گفتم: پدر بزرگوارت امام باقر علیه السلام به من فرمود: هر کس به منظور فرار از زکات، نقدینه خود را مبادله کند، باید زکاتش را بپردازد.
 فرمود: پدرم راست گفته است، باید زکاتش را بپردازد، ولی موقعی که تسجیل نشود، زکاتی وجود ندارد.
 آن گاه حضرتش فرمود: مگر نمی دانی اگر کسی یک روز تمام بی هوش بیفتد و شبانگاه بمیرد، آیا باید نمازهای آن روزش را که نخوانده، قضا کنند؟
 گفتم: نه، موقعی باید قضای نماز مرده را بخوانند که در آخر روز به هوش آمده باشد.

ثُمَّ قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا مَرِضَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ مَاتَ فِيهِ أَكَانَ يُصَامُ عَنْهُ؟
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَكَذَلِكَ الرَّجُلُ لَا يُؤَدِّي عَنْ مَالِهِ إِلَّا مَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وَرِثَ مَالًا وَ الرَّجُلُ غَائِبٌ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟
قَالَ: لَا، حَتَّى يَقْدَمَ.

قُلْتُ: أَيْ زَكَاةً حِينَ يَقْدَمُ؟

قَالَ: لَا، حَتَّى يَحْوَلَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ هُوَ عِنْدَهُ.

فرمود: اگر کسی در ماه مبارک رمضان بیمار شود و در آخر همان ماه بمیرد، آیا باید
قضای روزه‌اش را بگیرند؟
گفتم: نه.

فرمود: تکلیف این مرد هم، از این قرار است: زکات آن مالی را می‌پردازد که سال شرعی
آن گذشته باشد و وجوب آن تسجیل شده باشد.

۵ - اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر کسی در سفر باشد و از پدرش
میراث ببرد، آیا به نقدینه میراثش حق زکات تعلق می‌گیرد؟
فرمود: نه. تا از سفر باز نیاید، نقدینه او زکات ندارد.

گفتم: موقع مراجعت زکات آن را بپردازد؟

فرمود: نه. تا نقدینه را تحویل نگیرد و یک سال، دست نخورده بر آن نگذرد، زکات
ندارد.

(۱۵)

بَابُ مَا يَسْتَفِيدُ الرَّجُلُ مِنَ الْمَالِ بَعْدَ أَنْ يُزَكِّيَ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْمَالِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ شُعَيْبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

كُلُّ شَيْءٍ جَرَّ عَلَيْكَ الْمَالَ فَزَكِّهِ، وَ كُلُّ شَيْءٍ وَرِثْتَهُ أَوْ وَهَبَ لَكَ فَاسْتَقْبَلْ بِهِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهِورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَوَاضٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَالُ فَيَحْوُلُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ ثُمَّ يُصِيبُ مَالاً آخَرَ قَبْلَ أَنْ يَحْوُلَ عَلَى الْمَالِ الْحَوْلُ.

قَالَ: إِذَا حَالَ عَلَى الْمَالِ الْأَوَّلِ الْحَوْلُ زَكَّاهُمَا جَمِيعاً.

بخش پانزدهم**مالی را انسان پس از پرداخت زکات آن استفاده می کند**

۱ - شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام فرمود:

هر چیزی که مالی را عاید تو کند، زکاتش را بده و هر چیزی را که به تو ارث رسید یا این که به تو بخشیده شد (هبه) مصرف کن (و زکاتی ندارد).

۲ - عبد الحمید بن عواض گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که مالی دارد و سال به آن می گذرد، پس قبل از این که به آن مال اول سال بگذرد، مال دیگری را به دست می آورد؛ فرمود:

اگر به آن مال اولی سال گذشت، باید زکات هر دو مال را بدهد.

(۱۶)

بَابُ الرَّجُلِ يَشْتَرِي الْمَتَاعَ فَيَكْسُدُ عَلَيْهِ وَ الْمُضَارَبَةَ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
فِي رَجُلٍ اشْتَرَى مَتَاعًا فَكَسَدَ عَلَيْهِ مَتَاعُهُ وَ قَدْ كَانَ زَكَّى مَالَهُ قَبْلَ أَنْ يَشْتَرِيَ بِهِ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ أَوْ حَتَّى يَبِيعَهُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ أَمْسَكَهُ لِيَلْتَمِسَ الْفَضْلَ عَلَى رَأْسِ الْمَالِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى مَتَاعًا وَ كَسَدَ عَلَيْهِ وَ قَدْ كَانَ زَكَّى مَالَهُ قَبْلَ أَنْ يَشْتَرِيَ الْمَتَاعَ مَتَى يُزَكِّيهِ؟

بخش شانزدهم**حکم کسی که کالایی را می خرد و ضرر می کند و حکم مضاربه**

۱ - ابو ربیع شامی می گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره شخصی که کالایی را می خرد، ولی کالایش به فروش نمی رسد، حال آن که قبل از آن که آن کالا بخرد زکات مالش را پرداخت کرده، آیا لازم است زکات کالای کساد شده اش را پرداخت کند، یا این که صبر کند و پس از فروش کالا، زکات آن را بدهد؟

فرمود: اگر آن کالا به خاطر سودش خوب است، بر آن زکات تعلق می گیرد.

۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی کالایی را می خرد، ولی کالایش به زودی به فروش نمی رسد - البته زکات مالی را که با آن کالا خریده، قبلاً پرداخت کرده است - اکنون زکات چنین کالایی را کی پرداخت کند؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ أُمْسَكَ مَتَاعَهُ يَبْتَغِي بِهِ رَأْسَ مَالِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ، وَإِنْ كَانَ حَبْسَهُ بَعْدَ مَا يَجِدُ رَأْسَ مَالِهِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ بَعْدَ مَا أُمْسَكَهُ بَعْدَ رَأْسِ الْمَالِ .

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُوَضِعُ عِنْدَهُ الْأَمْوَالَ يَعْمَلُ بِهَا.

فَقَالَ: إِذَا حَالَ الْحَوْلُ فَلْيُزَكَّهَا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَتَاعُ مَوْضُوعًا فَيَمْكُثُ عِنْدَهُ السَّنَةَ وَالسَّنَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ .

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَبِيعَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ أُعْطِيَ بِهِ رَأْسَ مَالِهِ فَيَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ الْتِمَاسُ الْفَضْلِ، فَإِذَا هُوَ فَعَلَ ذَلِكَ وَجَبَتْ فِيهِ الزَّكَاةُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أُعْطِيَ بِهِ رَأْسَ مَالِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَبِيعَهُ وَإِنْ حَبْسَهُ بِمَا حَبْسَهُ فَإِذَا هُوَ بَاعَهُ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ زَكَاةُ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

فرمود: اگر کالا را خریده که فقط به اندازه سرمایه به او برگردد، زکاتی به آن نیست و اگر چیزی فراتر از سرمایه اش کسب کرد و آن را نگه داشت، آن چیزی را که بیشتر از سرمایه به دست آورده باید زکاتش را پرداخت کند.

محمد بن مسلم گوید: هم چنین از امام علیه السلام پرسیدم: اموالی در اختیار کسی قرار می گیرد تا با آن کار کند، (زکات آن چه می شود)؟

فرمود: اگر سال به آن گذشت، باید زکاتش را بپردازد.

۳- سماعه گوید: از حضرتش سؤال کردم: شخصی کالایی دارد که آن را کنار گذاشته به گونه ای که یک یا دو سال به آن می گذرد.

فرمود: زکاتی به آن تعلق نمی گیرد تا این که آن را بفروشد، مگر آن که بتواند به وسیله آن سرمایه اولیه خود را زنده کند؛ ولی برای این که قیمت آن بیشتر شود از فروش آن خودداری کند که در این صورت زکات به آن واجب می شود و اما اگر چنین نباشد و سرمایه را برنگرداند، زکاتی به آن نیست و در هر صورت اگر آن را به هر دلیلی نگه داشت، هرگاه آن را فروخت فقط زکات یک سال بر آن خواهد بود.

۴ - سَمَاعَةُ قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَهُ الْمَالُ مُضَارِبَةً هَلْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْمَالِ زَكَاةٌ إِذَا كَانَ يَتَجَرَّبُهُ؟
 فَقَالَ: يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقُولَ لِأَصْحَابِ الْمَالِ زَكُوهُ، فَإِنْ قَالُوا: إِنَّا نَزَكِّيهِ، فَلَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُ ذَلِكَ، وَإِنْ هُمْ أَمَرُوهُ أَنْ يُزَكِّيَهُ فَلْيَفْعَلْ.
 قُلْتُ: أَرَأَيْتَ لَوْ قَالُوا: إِنَّا نَزَكِّيهِ وَ الرَّجُلُ يَعْلَمُ أَنَّهُمْ لَا يُزَكُّونَهُ.
 فَقَالَ: إِذَا هُمْ أَقْرَبُوا بِأَنْهُمْ يُزَكُّونَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُ ذَلِكَ، وَإِنْ هُمْ قَالُوا: إِنَّا لَا نُزَكِّيهِ فَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقْبَلَ ذَلِكَ الْمَالَ، وَ لَا يَعْمَلَ بِهِ حَتَّى يُزَكُّوه
 وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ: إِلَّا أَنْ تَطِيبَ نَفْسَكَ أَنْ تُزَكِّيَهُ مِنْ رِبْحِكَ .
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرِيبُ فِي السَّنَةِ حَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ وَ سِتِّمِائَةَ وَ سَبْعِمِائَةَ هِيَ نَفَقَتُهُ وَ أَصْلُ الْمَالِ مُضَارِبَةٌ .

۴ - سماعه می گوید: از حضرتش سؤال کردم: شخصی مال مضاربه‌ای در اختیار دارد، آیا اگر با آن مال، تجارت کرد، زکاتی به آن مال تعلق می‌گیرد؟
 فرمود: شایسته است که به صاحبان آن مال بگوید که زکات آن را بدهند.
 اگر صاحبان مال گفتند: ما زکات آن را می‌دهیم، دیگر چیزی بر عهده او نیست، و اگر صاحبان مال به او گفتند: تو خود زکات آن را بده؛ باید بدهد.
 سماعه گوید: گفتم: اگر صاحبان مال گفتند: ما زکات آن را می‌دهیم؛ ولی آن شخص می‌داند که آن‌ها زکات را نخواهند داد، چه؟
 فرمود: اگر صاحبان مال اقرار کنند که زکاتش را خواهند داد، چیزی دیگر بر عهده او نیست، ولی اگر صاحبان مال گفتند: ما زکاتش را نمی‌دهیم، شایسته نیست بر او که آن مال را برای مضاربه قبول کند و با آن کار کند، تا این که زکات آن را صاحبان مال بپردازند.
 و در روایت دیگر، سماعه گوید: حضرتش فرمود: مگر راضی شوی که خودت از سودی که می‌بری، زکات پول خود را بدهی.
 سماعه گوید: و از حضرتش پرسیدم: مردی در سال پانصد درهم نقره سود می‌کند و حال این که ۶۰۰ و ۷۰۰ درهم نقره هزینه زندگی اوست و اصل پولی را هم که با آن سود کرده، مضاربه‌ای بوده است (زکات آن چه می‌شود؟)

قال: لَيْسَ عَلَيْهِ فِي الرَّبْحِ زَكَاةٌ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ قَالَ:

كُلُّ مَالٍ عَمِلْتَ بِهِ فَعَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةُ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

قال يونس: تَفْسِيرُ ذَلِكَ أَنَّهُ كُلُّ مَا عَمِلَ لِلتَّجَارَةِ مِنْ حَيَوَانٍ وَغَيْرِهِ فَعَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ

حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام:

الرَّجُلُ يَشْتَرِي الْوَصِيفَةَ يُثَبِّتُهَا عِنْدَهُ لِتَزِيدَ وَهُوَ يُرِيدُ بَيْعَهَا أَعَلَى تَمَنِّيَّهَا زَكَاةٌ؟
قال: لا، حَتَّى يَبِيعَهَا.

قُلْتُ: فَإِذَا بَاعَهَا يُزَكِّي تَمَنِّيَّهَا؟

قال: لا، حَتَّى يَحْوَلَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَهُوَ فِي يَدِهِ

فرمود: در سودی که کرده است زکاتی نیست.

۵- محمد بن مسلم گوید: حضرتش فرمود:

هر مالی را که به کار زده‌ای، اگر سال به آن بگذرد، زکات دارد.

یونس گوید: منظور این است که هر گاه کسی با حیوان یا غیر آن تجارت کرد، پس بر عهده او در آن، زکات است.

۶- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: شخصی کنیزی می‌خرد و آن را ننگه

می‌دارد تا رشد کند و بعد او را بفروشد، آیا به پولی که از فروش آن کنیز عایدش می‌شود، زکات است؟

فرمود: نه، تا این که او را بفروشد.

گفتم: همین که او را فروخت باید زکاتش را بدهد؟

فرمود: نه، تا این که یک سال به آن بگذرد و آن پول هنوز در دست او باشد.

۷- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْكَرْخِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الزَّكَاةِ.

فَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ تِجَارَةٍ فِي يَدِكَ فِيهَا فَضْلٌ لَيْسَ يَمْنَعُكَ مِنْ بَيْعِهَا إِلَّا لَتَزِدَادَ فَضْلًا عَلَى فَضْلِكَ فَزَكِّهِ، وَ مَا كَانَتْ مِنْ تِجَارَةٍ فِي يَدِكَ فِيهَا نُقْصَانٌ، فَذَلِكَ شَيْءٌ آخَرٌ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَأْخُذَنَّ مَالًا مُضَارَبَةً إِلَّا مَالًا تُزَكِّيهِ أَوْ يُزَكِّيهِ صَاحِبُهُ. وَ قَالَ: إِنْ كَانَ عِنْدَكَ مَتَاعٌ فِي الْبَيْتِ مَوْضُوعٌ فَأَعْطَيْتَ بِهِ رَأْسَ مَالِكَ فَرَغِبْتَ عَنْهُ، فَعَلَيْكَ زَكَاةُهُ.

۷- خالد بن حججاج کرخی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره زکات پرسیدم؟

فرمود: آن چه از تجارت در دست توست و در آن سود است، و چیزی تو را از فروختن آن باز نمی دارد مگر این که گران تر شود و سود بیشتری ببری، زکات آن را بده؛ اما آن چه که از تجارت در اختیار داری و در آن ضرر و نقصان است، آن چیز دیگر است و حکمش فرق می کند.

۸- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مالی را برای مضاربه قبول مکن مگر این که یا خودت زکاتش را بدهی، یا صاحب آن مال زکاتش را بدهد.

فرمود: اگر در خانه کالایی داری که نگاه داشته ای. پس اگر به وسیله آن کالا سرمایه ات را دادی و دیگر از آن کالا روی گردان شده ای، پس زکات آن بر عهده توست.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَأَلَهُ سَعِيدُ الْأَعْرَجِ وَ أَنَا أَسْمَعُ فَقَالَ:
 إِنَّا نَكْبِسُ الزَّيْتِ وَ السَّمْنَ نَطْلُبُ بِهِ التِّجَارَةَ، فَرُبَّمَا مَكَثَ عِنْدَنَا السَّنَةَ وَ السَّنَتَيْنِ
 هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

قَالَ: فَقَالَ: إِنْ كُنْتَ تَرَبِّحُ فِيهِ شَيْئاً أَوْ تَجِدُ رَأْسَ مَالِكَ فَعَلَيْكَ زَكَاتُهُ، وَإِنْ كُنْتَ
 إِنَّمَا تَرَبِّصُ بِهِ لِأَنَّكَ لَا تَجِدُ إِلَّا وَ ضَيْعَةً، فَلَيْسَ عَلَيْكَ زَكَاتُهُ حَتَّى يَصِيرَ ذَهَباً أَوْ
 فِضَّةً، فَإِذَا صَارَ ذَهَباً أَوْ فِضَّةً فَزَكَّهُ لِّلسَّنَةِ الَّتِي أَنْجَرْتَ فِيهَا.

(۱۷)

بَابُ مَا يَجِبُ عَلَيْهِ الصَّدَقَةُ مِنَ الْحَيَوَانِ وَ مَا لَا يَجِبُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ
 وَ زُرَّارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَا:

۹- اسماعیل بن عبد الخالق گوید: من در حضور امام علیه السلام بود، شنیدم که عبد الحمید اعرج
 از حضرتش امام صادق علیه السلام پرسید: ما روغن گیاهی و حیوانی را برای تجارت ذخیره می‌کنیم،
 و گاهی ممکن است آن روغن یک یا دو سال نزد ما بماند؛ آیا به آن زکاتی تعلق می‌گیرد؟
 فرمود: اگر از آن سودی می‌رسد یا این که سرمایه‌ای به تو برمی‌گردد، زکات آن بر عهده
 توست، و اما اگر تو آن را به این خاطر ذخیره کرده‌ای که جز خسارت و ضرر در آن نیست از
 این رو در انتظار هستی که در زمان مناسب آن را بفروشی، زکات آن بر تو واجب نیست تا
 این که به طلا و نقره تبدیل شود، پس اگر به طلا و نقره تبدیل شد، زکات آن سالی را که در
 آن سال تجارت کرده‌ای، پرداخت کن.

بخش هفدهم

حیواناتی که زکات واجب بر آنها تعلق می‌گیرد

۱- محمد بن مسلم و زراره گویند: امام صادق و باقر علیهما السلام فرمودند:

وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْخَيْلِ الْعِتَاقِ الرَّاعِيَةِ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ، وَجَعَلَ عَلَى الْبَرَاذِينِ دِينَارًا.

۲ - حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ فِي الْبُعَالِ شَيْءٌ؟
فَقَالَ: لَا.

فَقُلْتُ: فَكَيْفَ صَارَ عَلَى الْخَيْلِ وَ لَمْ يَصِرْ عَلَى الْبُعَالِ؟
فَقَالَ: لِأَنَّ الْبُعَالَ لَا تَلْفَحُ، وَالْخَيْلُ الْإِنَاثُ يُتْتَجَنُّ، وَ لَيْسَ عَلَى الْخَيْلِ الذُّكُورِ شَيْءٌ.

قال: فقلت: فما في الحمير؟

فقال: ليس فيها شيء.

قال: قلت: هل على الفرس أو البعير يكون للرجل يزكبهما شيء؟

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه بر گله اسب‌های اصیل و نجیب، بر هر اسبی در هر سال دو دینار طلا و بر غیر اصیل (اسب عجمی یا اسب تاتاری یا گونه‌ای که از اسب پایین‌تر که از الاغ قوی‌تر است) یک دینار طلا زکات قرار داد.

۲- زراره گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا بر استر زکاتی است؟

فرمود: نه.

گفتم: چگونه بر گله اسب‌ها زکات معین شد، ولی بر استر نه؟

فرمود: زیرا استرها آبستن نمی‌شوند، ولی اسب‌های ماده کره به دنیا می‌آورند و تکثیر می‌شوند، و بر این اساس بر اسب‌های نر زکاتی نیست.

گفتم: در الاغ چه؟

فرمود: در آن زکاتی نیست.

گفتم: آیا اسب یا شتری که انسان به آن سوار می‌شود، زکاتی هست؟

فَقَالَ: لَا، لَيْسَ عَلَيَّ مَا يُعْلَفُ شَيْءٌ، إِنَّمَا الصَّدَقَةُ عَلَى السَّائِمَةِ الْمُرْسَلَةِ فِي مَرْجِهَا عَامَهَا الَّذِي يُقْتَنِيهَا فِيهِ الرَّجُلُ، فَأَمَّا مَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَيْسَ عَلَيَّ الرَّقِيقُ زَكَاةٌ إِلَّا رَقِيقٌ يُبْتَعَى بِهِ التَّجَارَةَ، فَإِنَّهُ مِنَ الْمَالِ الَّذِي يُزَكَّى.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُمَا سُئِلَا عَمَّا فِي الرَّقِيقِ.

فَقَالَ: أَلَيْسَ فِي الرَّأْسِ شَيْءٌ أَكْثَرُ مِنْ صَاعٍ مِنْ تَمْرٍ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ لَيْسَ فِي تَمْنِهِ شَيْءٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

۵ - حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ لَمْ يُزَكَّ إِبْلَهُ أَوْ شَاتَهُ عَامَيْنِ فَبَاعَهَا عَلَى مَنْ اشْتَرَاهَا أَنْ يُزَكِّيَهَا لِمَا مَضَى؟

فرمود: نه، بر حیوانی که علف خوار است که صاحبش به او علف می دهد، زکاتی نیست. همانا زکات بر اسب و شتری است که در چراگاهش می چرد، در آغل علف داده نمی شود و انسان آن را به خود ذخیره می کند (تا از آن استفاده کند، نه تجارت نماید) ولی غیر این مواردی که ذکر شد، زکاتی نیست.

۳ - سماعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

برای برده (غلام یا کنیز) زکاتی نیست، مگر برده ای که برای تجارت باشد که در آن صورت مال به حساب می آید و زکات آن پرداخت می شود.

۴ - زراره و محمد بن مسلم گویند: از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پرسیدیم: آیا برده زکات دارد؟

فرمود: برده زکات ندارد، جز زکات فطره، و اگر برده را بفروشد و در برابر آن نقدینه طلا و نقره دریافت کنند، این نقدینه هم زکات ندارد، مگر آن که یک سال نزد صاحب آن بماند.

۵ - عبدالرحمان ابی عبدالله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر کسی دو سال زکات شتران یا گوسفندان را نپرداخته باشد و بعد از دو سال آن ها را بفروشد، آیا زکات عقب افتاده بر عهده خریدار است؟

قَالَ: نَعَمْ، تُؤْخَذُ مِنْهُ زَكَاتُهَا وَ يَتَّبَعُ بِهَا الْبَائِعُ، أَوْ يُؤَدِّي زَكَاتَهَا الْبَائِعُ.
 ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ إِبِلٌ أَوْ بَقَرٌ أَوْ غَنَمٌ أَوْ مَتَاعٌ فَيَحْوُلُ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَيَمُوتُ
 الْإِبِلُ وَ الْبَقَرُ وَ الْغَنَمُ وَ يَحْتَرِقُ الْمَتَاعُ .
 قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ:
 كَانَ عَلِيُّ عليه السلام لَا يَأْخُذُ مِنْ صِعَارِ الْإِبِلِ شَيْئًا حَتَّى يَحْوَلَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ لَا يَأْخُذُ
 مِنْ جِمَالِ الْعَمَلِ صَدَقَةً، وَ كَأَنَّهُ لَمْ يَجِبْ أَنْ يُؤْخَذَ مِنَ الذُّكُورِ شَيْءٌ، لِأَنَّهُ ظَهَرَ
 يُحْمَلُ عَلَيْهَا.

فرمود: آری. زکات رمه را از خریدار می‌گیرند و خریدار می‌تواند فروشنده را تعقیب کند
 و مبلغ پرداختی را مطالبه نماید یا خود خریدار حاضر شود و زکات رمه را بپردازد.
 ۶- ابن ابی عمیر از برخی از اصحاب ما نقل می‌کند و گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی
 که شتر، گاو و گوسفند یا کالایی دیگر دارد و یک سال می‌گذرد. اما آن شتر یا گاو یا گوسفند
 می‌میرند و آن کالا می‌سوزد و از بین می‌رود، فرمود:
 به چنین اموالی زکات تعلق نمی‌گیرد.

۷- ابن ابی عمیر گوید:

علی عليه السلام از بچه شترها زکات نمی‌گرفت تا این سال به آن‌ها می‌گذشت و از شترهای نر
 کاری صدقه زکات نمی‌گرفت، و گویا ایشان واجب نمی‌دیدند که از شترهای نر چیزی
 گرفته شود، زیرا که آنها پستی بودند که به آن‌ها بار حمل می‌شد.

(۱۸)

بَابُ صَدَقَةِ الْإِبِلِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ وَ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا فِي صَدَقَةِ الْإِبِلِ:

فِي كُلِّ خَمْسِ شَاةٍ إِلَى أَنْ تَبْلُغَ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ ذَلِكَ فَفِيهَا ابْنَةٌ مَخَاضٍ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ فَفِيهَا ابْنَةٌ لَبُونٍ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ فَفِيهَا حِقَّةٌ طَرُوقَةٌ الْفَحْلِ ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ سِتِّينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ سِتِّينَ فَفِيهَا جَذَعَةٌ.

بخش هیجدهم

زکات شتر

۱- زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجلی و فضیل گویند: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مورد زکات شتر فرمودند:

در هر پنج شتر، باید یک گوسفند به عنوان زکات پرداخت شود تا برسد به بیست و پنج شتر که زکات آن پنج گوسفند است و بعد از بیست و پنج شتر تا سی و پنج شتر، یک ماده شتر دو ساله، و بعد از سی و پنج شتر تا چهل و پنج شتر، یک ماده شتر دو ساله، و بعد از سی و پنج شتر تا چهل و پنج شتر، یک ماده شتر سه ساله. و بعد از چهل و پنج شتر تا شصت شتر یک ماده شتر چهار ساله؛ و بعد از شصت شتر تا هفتاد و پنج شتر، یک ماده شتر پنج ساله به عنوان زکات پرداخت شود.

ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ خَمْسًا وَ سَبْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا وَ سَبْعِينَ،
فَفِيهَا ابْنَتَا لُبُونٍ ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ تِسْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ تِسْعِينَ فَفِيهَا
حِقَّتَانِ طَرُوقَتَا الْفَحْلِ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ عِشْرِينَ وَ مِائَةً فَإِذَا بَلَغَتْ
عِشْرِينَ وَ مِائَةً فَفِيهَا حِقَّتَانِ طَرُوقَتَا الْفَحْلِ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً عَلَى عِشْرِينَ وَ
مِائَةٍ فَفِي كُلِّ خَمْسِينَ حِقَّةٌ وَ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ ابْنَةٌ لُبُونٍ.

ثُمَّ تَرْجِعُ الْأَيْلَ عَلَى أَسْنَانِهَا، وَ لَيْسَ عَلَى النَّيْفِ شَيْءٌ وَ لَا عَلَى الْكُسُورِ شَيْءٌ
وَ لَيْسَ عَلَى الْعَوَامِلِ شَيْءٌ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى السَّائِمَةِ الرَّاعِيَةِ.

قَالَ: قُلْتُ: مَا فِي الْبُخْتِ السَّائِمَةِ شَيْءٌ؟

قَالَ: مِثْلُ مَا فِي الْأَيْلِ الْعَرَبِيَّةِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

و بعد از هفتاد و پنج شتر، دو ماده شتر سه ساله و بعد از نود شتر تا صد و بیست شتر،
دو ماده شتر چهار ساله آستن؛ و بعد از صد و بیست شتر، هر چند که نفرات آن‌ها زیاد
شود. بر اساس هر پنجاه شتر، یک ماده، شتر چهار ساله، و هر چهل شتر یک ماده شتر سه
ساله پردازند و در صورت لزوم، سن شترها را به قیاس بگیرند و کم و زیاد آن را باز گردانند،
چند نفر بالاتر از نصاب و چند نفر کمتر از نصاب، زکات ندارد. شتر بارکش و شتر آبکش
زکات ندارد. فقط شتری زکات دارد که در مرتع به چرا می‌رود.

گفتم: اگر شتر خراسانی در صحرا بچرد، زکات دارد؟

فرمود: شتر خراسانی هم مانند شتر عربی است.

۲ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

فِي خَمْسٍ قَلَائِصَ شَاةٍ وَ لَيْسَ فِيمَا دُونَ الْخَمْسِ شَيْءٌ وَ فِي عَشْرِ شَاتَانِ وَ فِي خَمْسِ عَشْرَةَ ثَلَاثُ شِيَاهِ، وَ فِي عَشْرِينَ أَرْبَعٌ وَ فِي خَمْسِ وَ عَشْرِينَ خَمْسٌ وَ فِي سِتَّةٍ وَ عَشْرِينَ بِنْتُ مَخَاضٍ إِلَى خَمْسِ وَ ثَلَاثِينَ.

وَ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَانِ: هَذَا فَرْقٌ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ النَّاسِ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا بِنْتُ لُبُونٍ إِلَى خَمْسِ وَ أَرْبَعِينَ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا حِقَّةٌ إِلَى سِتِّينَ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا جَدَعَةٌ إِلَى خَمْسِ وَ سَبْعِينَ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا بِنْتُ لُبُونٍ إِلَى تِسْعِينَ، فَإِذَا كَثُرَتِ الْإِبِلُ فَفِي كُلِّ خَمْسِينَ حِقَّةٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

لَيْسَ فِي صِغَارِ الْإِبِلِ شَيْءٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ مِنْ يَوْمِ تُنْتَجُ.

زکات پنج شتر، یک گوسفند است. کمتر از پنج شتر، زکات ندارد. ده شتر، دو گوسفند، پانزده شتر، سه گوسفند؛ بیست و پنج شتر، پنج گوسفند. از بیست و شش تا سی و پنج شتر، یک ماده شتر دو ساله، از سی و شش تا چهل و پنج شتر، یک ماده شتر سه ساله، از چهل و شش تا شصت شتر، یک ماده شتر چهار ساله. و از شصت و یک تا هفتاد و پنج شتر، یک ماده شتر پنج ساله شتر، و از هفتاد و شش تا نود شتر، دو ماده شتر سه ساله. و موقعی که شمار شتر افزون شود، بابت هر پنجاه شتر یک ماده شتر چهار ساله به عنوان زکات پردازند.

۳- زراره گوید: امام باقر ع فرمود:

بچه شتر زکات ندارد، مگر موقعی که یک سال از ولادت آن بگذرد.

(۱۹)

بَابُ [أَسْنَانِ الْإِبْلِ]

أَسْنَانُ الْإِبْلِ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ تَطْرَحُهُ أُمُّهُ إِلَى تَمَامِ السَّنَةِ حُورًا، فَإِذَا دَخَلَ فِي الثَّانِيَةِ
 سُمِّيَ ابْنَ مَحَاضٍ، لِأَنَّ أُمَّهُ قَدْ حَمَلَتْ، فَإِذَا دَخَلَتْ فِي السَّنَةِ الثَّلَاثَةِ يُسَمَّى ابْنَ
 لَبُونٍ، وَذَلِكَ أَنَّ أُمَّهُ قَدْ وَضَعَتْ وَصَارَ لَهَا لَبْنٌ.
 فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ يُسَمَّى الذَّكَرُ حِقًّا وَ الْأُنْثَى حِقَّةً، لِأَنَّهُ قَدْ اسْتَحَقَّ أَنْ
 يُحْمَلَ عَلَيْهِ، فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ يُسَمَّى جَذَعًا، فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّادِسَةِ
 يُسَمَّى ثَنِيًّا، لِأَنَّهُ قَدْ أَلْقَى ثَنِيَّتَهُ.
 فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّابِعَةِ أَلْقَى رَبَاعِيَّتَهُ وَ يُسَمَّى رَبَاعِيًّا.

بخش نوزدهم (۱)**[نامگذاری شتر از روی دندانهایش]**

شتر را از روزی که مادرش او را به دنیا می آورد تا یک سال تمام «حُور» گویند. پس زمانی که وارد سال دوم زندگی شد نامش «ابن فحاض» می شود، زیرا مادرش باردار شده است (محاض درد زایمان است)، و زمانی که وارد سال سوم زندگی شد، نامش «ابن لبون» (فرزند ناقه شیرده) می شود، زیرا مادرش وضع حمل کرده و دارای شیر شده است. و زمانی وارد سال چهارم شد، شتر نر را «حَقٌّ» و ماده را «حِقَّةً» گویند، زیرا استحقاق پیدا کرده که به او بار بنهند. وقتی وارد سال پنجم شد «جذع» نامیده می شود. وقتی وارد سال ششم شود «ثنی» نامیده می شود، زیرا دندانهای پیش خود را انداخته است. زمانی که وارد سال هفتم می شود دندانهای رباعی خود را انداخته لذا «رباعی» نامیده می شود (هر یک از دندانها که میان دندانهای پیش و نیش است).

۱ - نام این باب در کتاب ارزشمند «مرآة العقول» «أسنان الابل» (یعنی نامگذاری شتر برای هر سن و سال از طریق رشد دندانهایش) آمده است.

فَإِذَا دَخَلَ فِي الثَّامِنَةِ أَلْقَى السِّنَّ الَّذِي بَعْدَ الرَّبَاعِيَّةِ وَ سُمِّيَ سَدِيسًا.
 فَإِذَا دَخَلَ فِي التَّاسِعَةِ وَ طَرَحَ نَابَهُ سُمِّيَ بَازِلًا.
 فَإِذَا دَخَلَ فِي الْعَاشِرَةِ فَهُوَ مُخْلِفٌ وَ لَيْسَ لَهُ بَعْدَ هَذَا اسْمٌ، وَ الْأَسْنَانُ الَّتِي
 تُؤْخَذُ مِنْهَا فِي الصَّدَقَةِ مِنْ بِنْتِ مَخَاضٍ إِلَى الْجَذَعِ.

(۲۰)

بَابُ صَدَقَةِ الْبَقَرِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ
 مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ وَ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا
 فِي الْبَقَرِ:

زمانی که وارد هشت سالگی می شود دندان بعد از رباعی را می اندازد و «سدیس» نامیده
 می شود. (سدیس، نام دندان هشت سالگی شتر است).
 زمانی که وارد نه سالگی می شود و دندان نیش را می اندازد «بازل» نامیده می شود.
 پس هرگاه که وارد ده سالگی شد آن را «مخلف» گویند و پس از آن دیگر اسمی ندارد. و
 سال هایی که در آن سن و سال زکات شتر گرفته می شود از سالی است که «بنت مخاض» ۲
 سالگی تا «جذع» ۵ سالگی است.

بخش بیستم

زکات گاو

۱- زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجلی و فضیل گویند: امام باقر عليه السلام و امام
 صادق عليه السلام در مورد زکات گاو فرمودند:

فِي كُلِّ ثَلَاثِينَ بَقْرَةً تَبِيعَ حَوْلِيَّ وَ لَيْسَ فِي أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَ فِي أَرْبَعِينَ بَقْرَةً
بَقْرَةً مُسِنَّةً، وَ لَيْسَ فِيهَا بَيْنَ الثَّلَاثِينَ إِلَى الْأَرْبَعِينَ شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعِينَ، فَإِذَا
بَلَغَتْ أَرْبَعِينَ فَفِيهَا مُسِنَّةٌ وَ لَيْسَ فِيهَا بَيْنَ الْأَرْبَعِينَ إِلَى السِّتِّينَ شَيْءٌ، فَإِذَا بَلَغَتْ
السِّتِّينَ فَفِيهَا تَبِيعَانِ إِلَى سَبْعِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ سَبْعِينَ، فَفِيهَا تَبِيعٌ وَ مُسِنَّةٌ إِلَى ثَمَانِينَ
فَإِذَا بَلَغَتْ ثَمَانِينَ.

فَفِي كُلِّ أَرْبَعِينَ مُسِنَّةٌ إِلَى تِسْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ تِسْعِينَ فَفِيهَا ثَلَاثُ تَبَاعٍ
حَوْلِيَّاتٍ، فَإِذَا بَلَغَتْ عِشْرِينَ وَ مِائَةً، فَفِي كُلِّ أَرْبَعِينَ مُسِنَّةٌ.
ثُمَّ تَرْجِعُ الْبَقْرُ عَلَى أَسْنَانِهَا وَ لَيْسَ عَلَى النَّيْفِ شَيْءٌ، وَ لَا عَلَى الْكُسُورِ شَيْءٌ
وَ لَا عَلَى الْعَوَامِلِ شَيْءٌ، إِنَّمَا الصَّدَقَةُ عَلَى السَّائِمَةِ الرَّاعِيَةِ.
وَ كُلُّ مَا لَمْ يَحُلْ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَ رَبِّهِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ
فَإِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ جَبَّ عَلَيْهِ.

در هر سی رأس گاو، یک گوساله سیزده ماهه به عنوان زکات پرداخت می شود و کمتر از
سی رأس گاو، زکات ندارد. چهل رأس گاو، یک گوساله سه ساله زکات دارد. از سی رأس
گاو تا سی و نه رأس گاو، همان گوساله سیزده ماهه و از چهل رأس گاو تا پنجاه و نه رأس
گاو، همان یک گوساله سه ساله کافی است.

از رقم شصت تا شصت و نه، دو گوساله سیزده ماهه و از رقم هفتاد تا هفتاد و نه، یک
گوساله سیزده ماهه و یک گوساله سه ساله. و از رقم هشتاد تا هشتاد و نه، دو گوساله سه
ساله. و از رقم نود تا نود و نه، سه گوساله سیزده ماهه. و از رقم صد تا صد و نه، دو گوساله
سیزده ماهه و یک گوساله سه ساله. و از رقم صد و یک تا صد و دو، یک گوساله سیزده
ماهه و دو گوساله سه ساله. و از رقم صد و بیست تا صد و بیست و نه، چهار گوساله سه ساله.
هر چهل رأس گاو، یک گوساله سه ساله و هر سی رأس گاو یک گوساله سیزده ماهه،
زکات دارد. و در صورت لزوم، سن گوساله‌ها را قیاس بگیرند و کم و زیاد آن را باز گردانند،
چند رأس بالاتر از نصاب و چند رأس زیر نصاب زکات ندارد.

گاو بارکش و گاو آبکش و گاو شخمی زکات ندارد. فقط گاوی زکات دارد که در مراتع به
چرا می رود. هر گاوی که یک سال در ملک صاحبش نماند، زکات ندارد، هر گاوی که یک
سال در ملک صاحبش بماند، زکات دارد.

۲- زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فِي الْجَوَامِيسِ شَيْءٌ؟
قَالَ: مِثْلُ مَا فِي الْبَقَرِ.

(۲۱)

بَابُ صَدَقَةِ الْغَنَمِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدٍ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الشَّاةِ. فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ شَاةً شَاةً، وَ لَيْسَ فِيهَا دُونَ الْأَرْبَعِينَ شَيْءٌ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ عَشْرِينَ وَ مِائَةً فَإِذَا بَلَغَتْ عَشْرِينَ وَ مِائَةً فَفِيهَا مِثْلُ ذَلِكَ شَاةً وَاحِدَةً، فَإِذَا زَادَتْ عَلَى مِائَةٍ وَ عَشْرِينَ فَفِيهَا شَاتَانِ، وَ لَيْسَ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ شَاتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَ مِائَتَيْنِ.

۲- زراره گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: گاومیش، زکات دارد؟
فرمود: گاومیش همانند گاو زکات دارد.

بخش بیست و یکم

زکات گوسفند

۱- زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر و برید و فضیل گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام در مورد زکات گوسفند فرمودند:
در هر چهل رأس گوسفند، باید یک گوسفند به عنوان زکات پردازند. کمتر از چهل رأس گوسفند، زکات ندارد، و بیشتر از چهل رأس گوسفند تا برسد به صد و بیست رأس گوسفند، همان یک گوسفند کافی است. از صد و بیست و یک تا دویست رأس گوسفند، فقط دو رأس گوسفند به عنوان زکات می پردازند.

فَإِذَا بَلَغَتِ الْمِائَتَيْنِ فِيهَا مِثْلُ ذَلِكَ فَإِذَا زَادَتْ عَلَى الْمِائَتَيْنِ شَاةً وَاحِدَةً فِيهَا ثَلَاثُ شِيَاهٍ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ حَتَّى تَبْلُغَ ثَلَاثِمِائَةٍ، فَإِذَا بَلَغَتْ ثَلَاثِمِائَةٍ فِيهَا مِثْلُ ذَلِكَ ثَلَاثُ شِيَاهٍ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فِيهَا أَرْبَعُ شِيَاهٍ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعِمِائَةٍ فَإِذَا تَمَّتْ أَرْبَعِمِائَةٍ كَانَ عَلَى كُلِّ مِائَةٍ شَاةٌ وَ سَقَطَ الْأَمْرُ الْأَوَّلُ.

وَ لَيْسَ عَلَى مَا دُونَ الْمِائَةِ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ، وَ لَيْسَ فِي النَّيْفِ شَيْءٌ. وَ قَالَا: كُلُّ مَا لَمْ يَحُلْ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَ رَبِّهِ، فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، فَإِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ جَبَّ عَلَيْهِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَيْسَ فِي الْأَكِيلَةِ وَ لَا فِي الرَّبِيِّ، وَ الرَّبِيُّ الَّذِي تُرَبَّى اثْنَيْنِ، وَ لَا شَاةَ لَبَنِ، وَ لَا فَحْلٍ الْغَنَمِ صَدَقَةٌ.

و از دویست و یک رأس گوسفند تا سیصد رأس گوسفند، فقط سه رأس گوسفند و از سیصد و یک رأس گوسفند تا چهار صد رأس گوسفند، فقط چهار رأس گوسفند و بعد به ترتیب، زکات هر صد رأس گوسفند، یک گوسفند است و دیگر به نصاب اول باز نمی‌گردد. ارقام کمتر از صد و بیشتر از صد، زکات ندارد.

فرمودند: هر گوسفندی که یک سال در ملک صاحبش نماند، زکات ندارد. گوسفندی زکات دارد که یک سال در ملک صاحبش بماند.

۲ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

حق زکات، از نژاد تک و نمونه، مادر برّه، میش شیرده، قوچ تخم کشی پرداخت نمی‌شود.

- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تُؤْخَذُ أَكْوَلَةٌ، وَ الْأَكْوَلَةُ الْكَبِيرَةُ مِنَ الشَّاةِ تَكُونُ فِي الْعَنَمِ، وَ لَا وَالِدُهُ وَ لَا الْكَبْشُ الْفَحْلُ.
- ۴- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: السَّخْلُ مَتَى تَجِبُ فِيهِ الصَّدَقَةُ؟ قَالَ: إِذَا أَجْذَع.

(۲۲)

بَابُ آدَبِ الْمُصَدِّقِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

- ۳- سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
گوسفند درشت اندام، گوسفند زائو، قوچ گله را به عنوان زکات نمی گیرند.
- ۴- اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: بزه گوسفند، زکات دارد؟ فرمود: بعد از آن که یک ساله شود، زکات دارد.

بخش بیست و دوم

آدابی که مأمور دریافت زکات باید مراعات کند

- ۱- برید بن معاویه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

بَعَثَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُصَدِّقًا مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى بَادِيَتِهَا.
فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! انْطَلِقْ، وَ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ حُدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ لَا تُؤَثِّرَنَّ
دُنْيَاكَ عَلَى آخِرَتِكَ، وَ كُنْ حَافِظًا لِمَا ائْتَمَنْتَكَ عَلَيْهِ رَاعِيًا لِحَقِّ اللَّهِ فِيهِ حَتَّى تَأْتِيَ
نَادِيَّ بَنِي فُلَانٍ، فَإِذَا قَدِمْتَ فَانْزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ أَبْيَانَهُمْ.
ثُمَّ امْضِ إِلَيْهِمْ بِسَكِينَةٍ وَ وَقَارٍ حَتَّى تَقُومَ بَيْنَهُمْ وَ تُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قُلْ لَهُمْ: يَا
عِبَادَ اللَّهِ! أَرْسَلَنِي إِلَيْكُمْ وَ لِيَّ اللَّهُ لِأَخَذِ مِنْكُمْ حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ، فَهَلْ لِلَّهِ فِي
أَمْوَالِكُمْ مِنْ حَقٍّ فَتَوَدُّونَ إِلَيَّ وَ لِيَّهِ؟
فَإِنْ قَالَ لَكَ قَائِلٌ: لَا، فَلَا تُرَاجِعْهُ، وَإِنْ أَنْعَمَ لَكَ مِنْهُمْ مُنْعِمٌ فَانْطَلِقْ مَعَهُ مِنْ غَيْرِ
أَنْ تُخَيِّفَهُ أَوْ تَعِدَّهُ إِلَّا خَيْرًا.

امیرمؤمنان علی علیه السلام مأمور زکاتی را از کوفه به بادیه‌ها و روستاهای اطراف کوفه گسیل داشت و به او فرمود:

ای بنده خدا! حرکت کن و بر تو باد به تقوای الهی، خدایی که یکتاست و شریکی برای او نیست، و دنیای خود را به جهان آخرت ترجیح مده و آن چیزی را که تو را امین به آن قرار دادم، محافظت کن و نگاهبان باش. و حق خداوند را در آن رعایت بنما، تا به قبیله فلانی برسی، وقتی که به آن‌ها رسیدی در کنار چاه و آبگیری آن‌ها فرود آی، بدون این که در میان خانه‌های آن‌ها گشت بزنی. آن‌گاه با آرامش و وقار به سوی آن‌ها رو، تا در میان آن‌ها قرار بگیری، به آن‌ها سلام کن.

آن‌گاه به آن‌ها بگو: ای بندگان خدا! دوست و ولی خداوند مرا به سوی شما گسیل داشته تا حق خداوند در دارایی‌هایتان را از شما اخذ کنم، آیا در اموال شما حقی از خداوند هست تا آن را به ولی او بپردازید و ادا کنید؟

اگر کسی از آن‌ها گفت: نه، دوباره سخن خود را برای او تکرار مکن (و منصرف شو)، و اگر کسی از آن‌ها پاسخ داد: آری، پس با او برو، بی آن که او را بترسانی یا او را جز به خیر وعده دهی.

فَإِذَا أَتَيْتَ مَالَهُ فَلَا تَدْخُلْهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ أَكْثَرَهُ لَهُ فَقُلْ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! أَتَأْذُنُ لِي فِي دُخُولِ مَالِكَ.

فَإِنْ أَدِنَ لَكَ فَلَا تَدْخُلْهُ دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ فِيهِ، وَلَا عُنْفٍ بِهِ فَاصْدَعْ الْمَالَ صَدْعَيْنِ، ثُمَّ خَيْرُهُ، أَيَّ الصَّدْعَيْنِ شَاءَ، فَأَيُّهُمَا اخْتَارَ فَلَا تَعْرِضْ لَهُ، ثُمَّ اصْدَعْ الْبَاقِيَ صَدْعَيْنِ، ثُمَّ خَيْرُهُ فَأَيُّهُمَا اخْتَارَ فَلَا تَعْرِضْ لَهُ، وَلَا تَزَالْ كَذَلِكَ حَتَّى يَبْقَى مَا فِيهِ وَفَاءً لِحَقِّ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ مَالِهِ.

فَإِذَا بَقِيَ ذَلِكَ فَاقْبِضْ حَقَّ اللَّهِ مِنْهُ، وَإِنْ اسْتَعَالَكَ فَأَقِلَّهُ. ثُمَّ اخْلِطْهَا وَاصْنَعْ مِثْلَ الَّذِي صَنَعْتَ أَوَّلًا حَتَّى تَأْخُذَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ.

فَإِذَا قَبِضْتَهُ فَلَا تُؤْكَلُ بِهِ إِلَّا نَاصِحًا شَفِيقًا أَمِينًا حَفِيزًا غَيْرَ مُعْنِفٍ لِشَيْءٍ مِنْهَا.

هنگامی که به اموال و دارایی او وارد شدی به آن‌ها دست مزین مگر به اذن و اجازه او، زیرا بیشتر آن مال، برای اوست. به او بگو: ای بنده خدا! آیا اجازه می‌دهی که به دارایی تو دست بزنم؟ اگر به تو اجازه داد، مانند انسانی که به او سلطه و قدرت دارد، وارد مشو، و با عنف و زور به او وارد مشو، پس مال او را به دو قسمت تقسیم کن، آن‌گاه به او اختیار بده که هر کدام از دو بخش را که خواست برگزیند و بردارد، و باقی مال را نیز دو قسم کن و دوباره اختیار را به او بده، پس هر بخش را که او برداشت متعرض او مشو، و همین کار را ادامه بده تا آن جا که از مال او آن چه که در آن وفای به عهد حق الهی است (زکات دارد) بماند.

هنگامی که آن مقدار مانند، حق خداوند را از آن بردار و اگر خواست چیزی را از تو پس بگیرد، به او بازگردان، آن اموال و زکات را که از او گرفتی با هم درآمیز و همان کاری را که دربار اول انجام دادی، انجام بده (یعنی دوباره اموالش را به دو قسمت تقسیم کن..). تا حق خداوند را که در مال اوست بگیری.

پس وقتی گرفتی، کسی را بر آن وکیل قرار مده، مگر انسان خیر خواه، دلسوز، امین و نگاهبان را که به چیزی از آن دست درازی نکنند و آن را از بین نبرد.

ثُمَّ اخْدُرْ كُلَّ مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ كُلِّ نَادٍ إِلَيْنَا نُصَيِّرُهُ حَيْثُ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ .
فَإِذَا انْحَدَرَ بِهَا رَسُولُكَ فَأَوْعِزْ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَحُولَ بَيْنَ نَاقَةٍ وَبَيْنَ فَصِيلِهَا وَلَا يُفَرِّقَ
بَيْنَهُمَا وَلَا يَمْصُرَنَّ لَبَنَهَا فَيُضِرَّ ذَلِكَ بِفَصِيلِهَا وَلَا يَجْهَدَ بِهَا رُكُوبًا وَلَا يَعْدِلُ بَيْنَهُنَّ
فِي ذَلِكَ وَ لِيُورِدَهُنَّ كُلَّ مَاءٍ يَمُرُّ بِهِ وَلَا يَعْدِلُ بِهِنَّ عَنْ تَبَتِ الْأَرْضِ إِلَى جَوَادِّ
الطَّرِيقِ فِي السَّاعَةِ الَّتِي فِيهَا تُرِيحُ وَ تَعْبُقُ وَ لِيُرْفُقَ بِهِنَّ جُهْدَهُ حَتَّى يَأْتِينَا بِإِذْنِ اللَّهِ
سِحَاحًا سِمَانًا غَيْرَ مُتَعَبَاتٍ وَ لَا مُجْهَدَاتٍ .

فَيُقَسِّمَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَعْظَمُ
لِالْجُرْحِ وَ أَقْرَبُ لِرُشْدِكَ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى جُهِدِكَ وَ نَصِيحَتِكَ لِمَنْ
بَعَثَكَ وَ بُعِثْتَ فِي حَاجَتِهِ .

فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى وَ لِيٍّ لَهُ يَجْهَدُ نَفْسَهُ بِالطَّاعَةِ وَ النَّصِيحَةِ
لَهُ وَ لِإِمَامِهِ إِلَّا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى .

سپس اموال را از هر مکانی که نزد تو جمع شده است، به سوی ما بفرست تا ما نیز آن را
به آن جایی که خداوند ﷻ امر فرموده بفرستیم .

و به فرستاده‌ات سفارش کن که بین بچه شتر و مادرش جدایی نیفکند و شیر ماده شتر را
بیش از حد نگیرد که به بچه شتر شیرخوار ضرر برسد. و زیادی به آن‌ها بار ننهد و در این کار
عدالت را بین آن‌ها رعایت کند و از هر آب گاهی که گذشتند آب را به آن‌ها عرضه کند (تا
آب بیاشامند). و در ساعاتی که در آن استراحت می‌شود، از چریدن آن‌ها و استفاده آن‌ها از
گیاهان زمین جلوگیری نشود، به این صورت که آن‌ها را به میان راه و شاهراه بیاورند که
گیاهی ندارد.

و تا آنجا که می‌تواند با آن حیوان‌ها به مدارا رفتار کند تا این که چاق و فربه به ما برسند،
نه خسته و کوفته. تا این که به اذن پروردگار و به طبق کتاب خداوند و سنت پیامبر ﷺ
بین اولیای خداوند تقسیم شوند. چرا که انجام این سفارش‌ها موجب زیاد شدن اجر و
پاداش تو خواهد شد و به هدایت تو نزدیکتر است، در این صورت خداوند به تو و آن‌ها و
به سعی و تلاش که کردی و خیرخواهی تو نسبت به کسی که کسی که تو را فرستاد و کسی که برای
رفع حاجت او فرستاده شدی، نظر رحمت خواهد نمود. چرا که پیامبر خدا ﷺ فرمود:
خداوند به دوستش که با اطاعت و خیرخواهی برای خداوند و امامش، تلاش می‌کند،
نگاه رحمت نمی‌کند مگر آن که در رفیق اعلا با ما خواهد بود.

قال: ثُمَّ بَكَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

ثُمَّ قَالَ: يَا بُرَيْدُ! لَا وَاللَّهِ، مَا بَقِيَتْ لِلَّهِ حُرْمَةٌ إِلَّا أَنْتَهِكْتُ، وَلَا عُمَلٌ بِكِتَابِ اللَّهِ وَلَا سُنَّةِ نَبِيِّهِ فِي هَذَا الْعَالَمِ، وَلَا أُقِيمَ فِي هَذَا الْخَلْقِ حَدٌّ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ، وَلَا عُمَلٌ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ إِلَى يَوْمِ النَّاسِ هَذَا .

ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ، لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى، وَ يُمِيتَ الْأَحْيَاءَ، وَ يَرُدَّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، وَ يُقِيمَ دِينَهُ الَّذِي أَرْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ نَبِيِّهِ، فَأَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا فَوَ اللَّهُ، مَا الْحَقُّ إِلَّا فِي أَيْدِيكُمْ .

۲ - حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ أَيْجَمَعُ النَّاسُ الْمُصَدِّقُ أَمْ يَأْتِيهِمْ عَلَى مَنَاهِلِهِمْ؟
قال: لا، بَلْ يَأْتِيهِمْ عَلَى مَنَاهِلِهِمْ فَيَصِدُّ قُهُمْ .

برید بن معاویه گوید: سپس امام صادق علیه السلام گریست، آن گاه فرمود:

ای برید! نه به خدا! حرمت و حریمی برای خداوند باقی نماند مگر آن که شکسته شد و به کتاب خداوند و سنت پیامبرش در این عالم عمل نشد و حدی از حدود الهی به این مردم جاری نشد از زمانی که آن امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه به شهادت رسید. و تا به امروز به حق عمل نشد.

آن گاه فرمود: به خدا سوگند! دنیا به پایان نمی رسد مگر آن که خداوند مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و خداوند حق را به اهلش بازگرداند و آن آیینی را که مورد رضایت اوست و آن را برای خود و پیامبرش پسندیده، اقامه کند، پس بشارت باد، بشارت باد و بشارت باد شمارا، به خدا قسم که حق، همان چیزی است که در دست شماست.

۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: مأمور زکات می تواند صاحبان دام را دعوت کند، یا باید به آبشخور دامها برود؟

فرمود: نه، بلکه باید به آبشخور دامها برود و زکات فریضه را دریافت کند.

- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا تُبَاعُ الصَّدَقَةُ حَتَّى تُعْقَلَ.
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بَعَثَ مُصَدِّقَهُ قَالَ لَهُ: إِذَا أَتَيْتَ عَلَى رَبِّ الْمَالِ فَقُلْ لَهُ: تَصَدَّقْ - رَحِمَكَ اللَّهُ - مِمَّا أَعْطَاكَ اللَّهُ، فَإِنْ وَلَّى عَنْكَ فَلَا تُرَاجِعْهُ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّدَقَةِ. فَقَالَ: إِنَّ ذَلِكَ لَا يُقْبَلُ مِنْكَ. فَقَالَ: إِنِّي أُحْمَلُ ذَلِكَ فِي مَالِي.

۳ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرد که حضرتش فرمود:

مأمور زکات نمی تواند، شتر صدقه را بفروشد، مگر بعد از آن که زانوی شتر را ببندد.

۴ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرد که حضرتش فرمود:

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ همواره به مأمور زکات سفارش می کرد: هرگاه بر صاحب دام وارد شدی، بگو: خدایت رحمت کند! زکات دام هایت را ادا کن. اگر صاحب دام، به راه خود رفت و چیزی نگفت؛ متعرض مشو.

۵ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: محمد بن خالد از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره صدقه زکات پرسید؟ فرمود: آن از تو پذیرفته نمی شود.

محمد بن خالد گفت: من آن را از مال خودم می پردازم؟

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَرُّ مُصَدِّقِكَ أَنْ لَا يَحْشُرَ مِنْ مَاءٍ إِلَى مَاءٍ وَلَا يَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَلَا يُفَرِّقَ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ، وَإِذَا دَخَلَ الْمَالَ فَلْيَقْسِمِ الْغَنَمَ نِصْفَيْنِ، ثُمَّ يُخَيِّرُ صَاحِبَهَا أَيَّ الْقِسْمَيْنِ شَاءَ، فَإِذَا اخْتَارَ فَلْيَدْفَعْهُ إِلَيْهِ.

فَإِنْ تَبَعَتْ نَفْسُ صَاحِبِ الْغَنَمِ مِنَ النُّصْفِ الْآخَرَ مِنْهَا شَاءَ أَوْ شَاتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا فَلْيَدْفَعْهَا إِلَيْهِ ثُمَّ لِيَأْخُذْ صَدَقَتَهُ، فَإِذَا أَخْرَجَهَا فَلْيَقْسِمِهَا فِيمَنْ يُرِيدُ، فَإِذَا قَامَتْ عَلَى ثَمَنِ فَإِنْ أَرَادَهَا صَاحِبُهَا فَهِيَ أَحَقُّ بِهَا وَإِنْ لَمْ يُرِدْهَا فَلْيَبِعْهَا.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أُخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَمَّنْ يَلِي صَدَقَةَ الْعُشْرِ عَلَى مَنْ لَا بَأْسَ بِهِ.

امام صادق عليه السلام فرمود: به مأمور زکات دستور بده که از منزلگاهی به منزلگاه دیگر سرزده نرود و مردم پراکنده را جمع نکند و آنهایی را که جمع هستند، پراکنده نسازد و از کار و زندگی باز نشان ندارد^(۱) و اگر داخل مالی شد برای دریافت زکات آن دارایی را به دو بخش مساوی تقسیم کند و به صاحب آن مال اختیار دهد تا هر کدام از دو بخش را که خواست بپردازد، اگر قسمتی را انتخاب کرد، آن قسمت را به او بدهد، و اگر صاحب مال، در نصف دیگری که تو می خواهی برداری، چیزی را دید و خواست - مثلاً یک یا دو سه گوسفند را - زکات گیرنده آن گوسفندها را به او بدهد آن گاه زکات آن را بگیرد، وقتی که زکات آن مالها را بیرون آورد، در بین کسانی که می خواهد و مستحق زکات هستند، تقسیم کند. و اگر مأمور زکات بر کالایی نفیس و گرانبها دست یافت، اگر صاحبش آن را خواست، او به آن کالا سزاوارتر است، و اگر آن را نخواست، مأمور زکات آن را بفروشد و زکاتش را بردارد.

۶ - علی بن یقطين گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که در مناطقی مأمور زکات می شود، چه تکلیفی دارد؟

۱ - در «مرآة العقول» احتمال دیگری نیز داده که مراد این است که بین زکات پراکنده را جمع نکند و آنها را قاطی نمایند تا مشخص شود چه مقدار زکات از چه کسی جمع شده است و زکاتی را که جمع شده از هم تمایز نکند؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ ثِقَةً فَمَرُّهُ يَضَعُهَا فِي مَوَاضِعِهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ ثِقَةً فَخُذْهَا مِنْهُ
وَضَعُهَا فِي مَوَاضِعِهَا.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُقَرَّنِ
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَمْعَةَ بْنِ سُبَيْعٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ جَدِّ أَبِيهِ:
أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا كَتَبَ لَهُ فِي كِتَابِهِ الَّذِي كَتَبَ لَهُ بِخَطِّهِ حِينَ بَعَثَهُ عَلَى
الصَّدَقَاتِ:

مَنْ بَلَغَتْ عِنْدَهُ مِنَ الْإِبِلِ صَدَقَةٌ الْجَذَعَةِ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ جَذَعَةٌ وَ عِنْدَهُ حِقَّةٌ،
فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْهُ الْحِقَّةُ وَ يَجْعَلُ مَعَهَا شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرِينَ دِرْهَمًا، وَ مَنْ بَلَغَتْ عِنْدَهُ
صَدَقَةُ الْحِقَّةِ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ حِقَّةٌ وَ عِنْدَهُ جَذَعَةٌ، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْهُ الْجَذَعَةُ وَ يُعْطِيهِ
الْمُصَدِّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرِينَ دِرْهَمًا، وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَتُهُ حِقَّةٌ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ حِقَّةٌ وَ
عِنْدَهُ ابْنَةٌ لُبُونٍ، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْهُ ابْنَةٌ لُبُونٍ وَ يُعْطِي مَعَهَا شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرِينَ دِرْهَمًا.

فرمود: اگر مورد وثوق و اطمینان است، بگو زکات وصولی را به مستحق آن برساند و اگر
مورد وثوق و اطمینان نیست، زکات وصولی را تحویل بگیر و شخصاً به مستحق آن برسان.
۷- محمد بن مقرن از اجدادش نقل می‌کند: امیرمؤمنان علی عَلِيًّا به هنگام فرستادن جد
پدري او برای جمع آوری زکات به دست خط خودش نامه‌ای این‌گونه مرقوم فرمود:
اگر به صاحب شترانی زکات جذعه (ماده شتری که چهار سالش تمام شده و وارد سال
پنجم شده) واجب شد، ولی جذعه نداشت، و حقه (ماده شتری که وارد سال چهارم
زندگی شده) داشت، عامل دریافت زکات، حقه را قبول می‌کند و کسی که باید زکات بدهد
ما به التفاوت را ۲ گوسفند یا ۲۰ درهم را می‌دهد. و اگر کسی باید زکات حقه را بدهد، ولی
حقه ندارد و جذعه دارد، جذعه را می‌دهد، و عامل زکات نیز به جای آن، دو رأس
گوسفند یا ۲۰ درهم به او می‌دهد. و اگر کسی باید یک حقه زکات بدهد، ولی حقه ندارد و
«ابنة لبون» (ماده شتری که وارد سال سوم زندگی شده) دارد، آن را می‌دهد و باید به عامل
زکات دو رأس گوسفند یا ۲۰ درهم ما به التفاوت بدهد.

وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَّتُهُ ابْنَةَ لُبُونٍ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ لُبُونٍ وَ عِنْدَهُ حِقَّةٌ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ الْحِقَّةُ، وَ يُعْطِيهِ الْمُصَدِّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرِينَ دِرْهَمًا، وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَّتُهُ ابْنَةَ لُبُونٍ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ لُبُونٍ وَ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ وَ يُعْطِي مَعَهَا شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرِينَ دِرْهَمًا، وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَّتُهُ ابْنَةَ مَخَاضٍ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ وَ عِنْدَهُ ابْنَةُ لُبُونٍ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ ابْنَةُ لُبُونٍ وَ يُعْطِيهِ الْمُصَدِّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرِينَ دِرْهَمًا، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ عَلَيَّ وَ جِهَهَا وَ عِنْدَهُ ابْنُ لُبُونٍ ذَكَرًا، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ ابْنُ لُبُونٍ، وَ لَيْسَ مَعَهُ شَيْءٌ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ شَيْءٌ إِلَّا أَرْبَعَةٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ لَيْسَ لَهُ مَالٌ غَيْرُهَا فَلَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبُّهَا، فَإِذَا بَلَغَ مَالُهُ حَمْسًا مِنَ الْإِبِلِ فَفِيهَا شَاءَةٌ.

۸- عِدَّةٌ مِنَ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ الْعُرَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُهَاجِرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ ثَقِيفٍ قَالَ:

و اگر کسی زکات ابنه لبون به عهده اوست، ولی ابنه لبون ندارد و حقه دارد، حقه را می دهد و عامل زکات نیز باید ۲ رأس گوسفند یا ۲۰ درهم به او ما به التفاوت بدهد. و کسی که زکاتش به حد ابنه لبون رسید، ولی «ابنه مخاض»؛ (ماده شتری که وارد ۲ سالگی شده) دارد، همان از او پذیرفته می شود و باید به عامل زکات ۲ رأس گوسفند یا ۲۰ درهم ما به التفاوت بدهد. و کسی که باید ابنة مخاض صدقه دهد، ولی ندارد و ابنة لبون دارد، همان را بدهد و به جای آن عامل زکات به او ۲ رأس گوسفند یا ۲۰ درهم نقره می دهد. و کسی که باید ابنة لبون زکات بدهد، ولی ابنة لبون ندارد و به جای آن ابن لبون (شتر نری که وارد ۳ سالگی شده) دارد، همان ابن لبون (نر) از او پذیرفته می شود و دیگر نباید چیزی به عامل زکات بدهد.

و کسی که جز ۴ نفر شتر چیز دیگر ندارد و مال دیگری هم ندارد، چیزی از زکات بر عهده او نیست و هرگاه شترانش به ۵ نفر برسند، در آن صورت یک رأس گوسفند به عنوان زکات می پردازد.

۸- مردی از تیره ثقیف گوید:

اسْتَعْمَلَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَلَيَّ بَانِقِيَا وَ سَوَادٍ مِنْ سَوَادِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لِي
وَ النَّاسُ حُضُورٌ:
اَنْظُرْ خَرَجَكَ فَجَدَّ فِيهِ وَ لَا تَتْرُكْ مِنْهُ دِرْهَمًا، فَاِذَا اَرَدْتَ اَنْ تَتَوَجَّهَ اِلَى عَمَلِكَ
فَمُرَّ بِي.
قَالَ: فَاتَيْتُهُ فَقَالَ لِي: اِنَّ الَّذِي سَمِعْتَ مِنِّي خُدْعَةٌ، اِيَّاكَ اَنْ تَضْرِبَ مُسْلِمًا اَوْ
يَهُودِيًّا اَوْ نَصْرَانِيًّا فِي دِرْهَمِ خَرَجٍ، اَوْ تَبِيعَ دَابَّةَ عَمَلٍ فِي دِرْهَمٍ، فَاِنَّمَا اَمْرُنَا اَنْ
نَأْخُذَ مِنْهُمْ الْعَفْوُ.

(۲۳)

بَابُ زَكَاةِ مَالِ الْيَتِيمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ اَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ اَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ
ابنِ اَبِي عَمِيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي مَالِ الْيَتِيمِ
عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

علی بن ابی طالب عليه السلام مرا مأمور دریافت زکات از منطقه «بانقیاء» و باغستانهای اطراف
کوفه نمود و به من در حضور مردم فرمود:
خراج (زکات) را خوب زیر نظر بگیر و در دریافت آن جدیت به خرج بده و درهمی از
آن را ترک مکن، و زمانی که خواستی راهی مأموریت خود شوی به نزد من آی.
راوی گوید: وقتی خدمت حضرتش شرفیاب شدم به من فرمود:
آنچه که از من شنیدی بر سبیل خدعه و تقیّه بود (برای این که مردم اهمّیت زکات را
بدانند و آن را ادا کنند) پس مبادا برای دریافت درهمی از زکات، مسلمان یا یهودی و یا
مسیحی را بزنی و یا این که حیوانی را که برای کار در نظر گرفته شده بفروشی (و زکات آن را
خارج کنی) ما فقط مأموریم که با گذشت و مهربانی، حد وسط زکات را از آنان بگیریم.

بخش بیست و سوم

زکات مال یتیمان

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مال یتیم سؤال شد که آیا بر آن زکاتی تعلق می‌گیرد؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ مَوْضُوعًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ، وَإِذَا عَمِلْتَ بِهِ فَأَنْتَ لَهُ ضَامِنٌ وَ الرَّيْحُ لِلْيَتِيمِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْعَطَّارِ دِ الْخَيَّاطِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَالُ الْيَتِيمِ يَكُونُ عِنْدِي فَأَتَجَرُّ بِهِ.

فَقَالَ: إِذَا حَرَّكَتَهُ فَعَلَيْكَ زَكَاةُهُ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنِّي أُحَرِّكُهُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَ أَدَعُهُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ.

قَالَ: عَلَيْكَ زَكَاةُهُ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يُتَجَرَّ بِهِ أَوْ يُعْمَلَ بِهِ.

فرمود: اگر مال یتیم کنار گذاشته شده و با آن کار نمی شود، زکاتی بر آن نیست؛ ولی اگر با آن کار می کنی تو ضامن زکات آن هستی و سودش نیز از آن یتیم است.

۲ - ابوالعطار دخیاط گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اموال کودکی یتیم نزد من است (آیا زکات دارد؟)

فرمود: اگر آن را به کار ببندی زکاتش بر عهده توست.

گفتم: هشت ماه با آن کار می کنم و چهار ماه کار نمی کنم؟

فرمود: زکاتش بر عهده توست.

۳ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا بر مال یتیم زکاتی تعلق می گیرد؟

فرمود: نه مگر آن که با آن تجارت یا کار شود.

۴- حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي بَصِيْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ عَلَى مَالِ الْيَتِيْمِ زَكَاةٌ، وَإِنْ بَلَغَ الْيَتِيْمُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ لِمَا مَضَى زَكَاةٌ، وَلَا عَلَيْهِ فِيمَا بَقِيَ حَتَّى يُدْرِكَ، فَإِذَا أَدْرَكَ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ زَكَاةٌ وَاحِدَةٌ، ثُمَّ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَى غَيْرِهِ مِنَ النَّاسِ.

۵- حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَا: لَيْسَ عَلَى مَالِ الْيَتِيْمِ فِي الدِّيْنِ وَ الْمَالِ الصَّامِتِ شَيْءٌ، فَأَمَّا الْغَلَاتُ فَفَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيْمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيْلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَعِيْدِ السَّمَّانِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ فِي مَالِ الْيَتِيْمِ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ، فَإِنْ أُتَّجَرَ بِهِ فَالرِّبْحُ لِلْيَتِيْمِ، فَإِنْ وُضِعَ فَعَلَى الَّذِي يُتَّجَرُ بِهِ.

۴- ابو بصير گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

بر مال یتیم زکاتی نیست و اگر زمانی یتیم به سن بلوغ رسید و از یتیم بودن خارج شد، نسبت به آن چه که گذشته زکاتی بر عهده او نیست و نسبت به آنچه که باقی مانده نیز چیزی بر او نیست تا این که درک کند (یعنی صاحب کشاورزی و میوه و کشت شود) پس زمانی که درک کرد، یک زکات بیشتر به او نیست، سپس حکمش (در زکات دادن) مانند افراد دیگر است.

۵- زراره و محمد بن مسلم گویند: آن دو بزرگوار (امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فرمودند: اموال یتیم، خواه به صورت قرض در اختیار کسی باشد و خواه در صندوق ذخیره باشد، زکات ندارد. ولی اگر مال یتیم، غلات باشد، زکات دارد.

۶- سعید سمّان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

در مال یتیم زکاتی نیست مگر آن که با آن تجارت شود، پس اگر با آن تجارت شد و سود داد، سود آن برای یتیم است و اگر ضرر داد بر عهده کسی است که با آن مال تجارت کرده است.

۷- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:
أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَلَيْسَ لِي إِخْوَةٌ صِغَارًا فَمَتَى تَجِبُ عَلَيَّ أَمْوَالُهُمْ
الزَّكَاةُ؟

قَالَ: إِذَا وَجِبَتْ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَجِبَتْ الزَّكَاةُ.

قُلْتُ: فَمَا لَمْ تَجِبْ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ؟

قَالَ: إِذَا أُتْجِرَ بِهِ فَزَكَّهُ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضِيلِ
قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْوَصِيِّ أَيْزَكِّي زَكَاةَ الْفِطْرَةِ عَنِ
الْيَتَامَى إِذَا كَانَ لَهُمْ مَالٌ؟
قَالَ: فَكَتَبَ عليه السلام: لَا زَكَاةَ عَلَى يَتِيمٍ.

۷- یونس بن یعقوب گوید: برای امام صادق عليه السلام نوشتم: برادران صغیر دارم، کی بر
دارایی آنان زکات واجب می شود؟

فرمود: هرگاه نماز به آنان واجب شد، زکات نیز واجب می شود.

گفتم: تا زمانی که نماز به آنها واجب نشده چه؟

فرمود: اگر با آن اموال تجارت شده، زکات آن را بده.

۸- محمد بن قاسم بن فضیل گوید: طی نامه ای به امام رضا عليه السلام نوشتم: سرپرست یتام،

باید زکات فطره آنان را بپردازد؟

در پاسخ من نوشت: بر یتیم، زکات واجب نیست.

(۲۴)

بَابُ زَكَاةِ مَالِ الْمَمْلُوكِ وَ الْمَكَاتِبِ وَ الْمَجْنُونِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَيْسَ فِي مَالِ الْمَمْلُوكِ شَيْءٌ، وَ لَوْ كَانَ لَهُ أَلْفُ أَلْفٍ، وَ لَوْ احتَاجَ لَمْ يُعْطَ مِنْ الزَّكَاةِ شَيْئاً.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِنَا مُخْتَلِطَةٌ أَعْلَيْهَا زَكَاةٌ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ عَمَلٌ بِهِ فَعَلَيْهَا زَكَاةٌ، وَإِنْ لَمْ يُعْمَلْ بِهِ فَلَا.

بخش بیست و چهارم

زکات اموال برده، مکاتب^(۱) و دیوانه

۱ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در اموال برده، زکاتی مقرر نیست، گرچه یک میلیون داشته باشد، و اگر نیازمند و فقیر گردد، از حق زکات، چیزی به او پرداخت نمی‌شود.

۲ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: زنی از فامیل ما دیوانه شده، آیا بر او زکات است؟

فرمود: اگر با اموال آن زن کار می‌شود، پس بر عهده آن زن زکات است و گرنه، نه.

۱ - مکاتب: بنده‌ای است که با مولای خود شرط می‌کند که پولی به او بدهد و خودش را آزاد کند و اگر کم آورد از زکات به مولای او می‌دهند تا او را آزاد کند.

- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ مُصَابِيَةٍ وَ لَهَا مَالٌ فِي يَدِ أَخِيهَا هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ أَخُوهَا يَتَجَرَّبُهُ فَعَلَيْهِ زَكَاةٌ.
- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ عَبْدِ صَالِحٍ عليه السلام مِثْلَهُ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ فِي مَالِ الْمَكَاتِبِ زَكَاةٌ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَمْلُوكٌ فِي يَدِهِ مَالٌ أَعْلَيْهِ زَكَاةٌ؟

- ۳- موسی بن بکر گوید: از ابوالحسن عليه السلام درباره زنی که دیوانه شده و اموالش در دست برادرش است سؤال کردم که آیا به آن زکاتی تعلق می‌گیرد؟ فرمود: اگر برادرش با آن مال تجارت می‌کند، آری.
- ۴- ابوالبختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: در مال مکاتب زکاتی نیست.
- ۵- عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: بنده‌ای مالی در دست دارد؛ آیا به آن زکاتی تعلق می‌گیرد؟

قال: لا.

قلت: ولا على سيده؟

قال: لا، إنه لم يصل إلى سيده، وليس هو للمملوك.

(۲۵)

بَابُ فِيمَا يَأْخُذُ السُّلْطَانُ مِنَ الْخَرَاجِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي اتَّوَّهُ فَسَأَلُوهُ عَمَّا يَأْخُذُ السُّلْطَانُ، فَرَقَّ لَهُمْ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ الزَّكَاةَ لَا تَجَلُّ إِلَّا لِأَهْلِهَا، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَحْتَسِبُوا بِهِ. فَجَالَ فِكْرِي - وَ اللَّهُ - لَهُمْ فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَتِ! إِنَّهُمْ إِنْ سَمِعُوا إِذَا لَمْ يُزَكَّ أَحَدٌ. فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! حَقُّ أَحَبِّ اللَّهُ أَنْ يُظْهَرَهُ.

فرمود: نه.

گفتم: حتی بر مولای او نیز زکاتی نیست؟

فرمود: نه. زیرا آن مال به دست آقای آن بنده نرسیده و از طرفی از آن بنده نیز نیست.

بخش بیست و پنجم

حکم آن چه که سلطان به عنوان خراج می گیرد

۱ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: یاران پدرم امام باقر عليه السلام خدمت حضرتش شرف یاب شده و درباره آن چه که سلطان از آنها به عنوان خراج می گیرد سؤال کردند. پدرم با آنان همدردی کرده و دلش به حالشان سوخت، زیرا می دانست که زکات جز برای اهلش حلال نیست. پس به آنها دستور داد که به همان بسنده کنند (یعنی همان را به عنوان زکات حساب کنند و دیگر زکاتی به اهلش ندهند). به خدا سوگند! این حکم فکر مرا مشغول کرد، به پدرم گفتم: پدر جان! اگر آنها (سایر اصحاب) این حکم را بشنوند، دیگر احدی زکات نخواهد داد؟! فرمود: پسرم! این حقی بود که خداوند دوست داشت که ظاهرش کند.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْعُشُورِ الَّتِي تُؤْخَذُ مِنَ الرَّجُلِ أَيْحْتَسِبُ بِهَا مِنْ زَكَاتِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنْ شَاءَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرِثُ الْأَرْضَ أَوْ يَشْتَرِيهَا فَيُؤَدِّي خَرَجَهَا إِلَى السُّلْطَانِ هَلْ عَلَيْهِ عَشْرٌ؟

قَالَ: لَا.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الزَّكَاةِ فَقَالَ:

۲- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ عشور (یک دهم اموال که سلطان به عنوان خراج و مالیات از رعیت می‌گیرد و بیشتر از محصولات کشاورزی است) که از شخصی گرفته می‌شود سؤال کردم که آیا می‌تواند آن را به عنوان زکات حساب کند؟ فرمود: اگر بخواهد، آری.

۳- رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که زمینی را به ارث می‌برد یا می‌خرد و خراج و مالیات آن را به سلطان می‌دهد، سؤال کردم که آیا یک دهم زکات برگردن اوست؟ فرمود: نه.

۴- عیص بن قاسم گوید: امام صادق عليه السلام در مورد زکات فرمود:

مَا أَخَذَ مِنْكُمْ بُنُو أُمِّيَّةَ فَاخْتَسِبُوا بِهِ، وَلَا تُعْطُوهُمْ شَيْئًا مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّ الْمَالَ لَا يَبْقَى عَلَى هَذَا أَنْ تُزَكِّيَهُ مَرَّتَيْنِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْيَسَعِ أَنَّهُ حَيْثُ أَنْشَأَ سَهْلٌ أَبَادَ وَ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا يُخْرَجُ مِنْهَا مَا عَلَيْهِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ السُّلْطَانُ يَأْخُذُ خَرَجَهَا فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ، وَإِنْ لَمْ يَأْخُذِ السُّلْطَانُ مِنْهَا شَيْئًا فَعَلَيْكَ إِخْرَاجُ عَشْرِ مَا يَكُونُ فِيهَا.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَخَذَهُ مِنْكَ الْعَاشِرُ فَطَرَحَهُ فِي كُوْزَةٍ فَهُوَ مِنْ زَكَاتِكَ، وَمَا لَمْ يَطْرَحْ فِي الْكُوْزِ فَلَا تَحْتَسِبُهُ مِنْ زَكَاتِكَ.

آن چه را که بنوامیه از شما (به عنوان خراج و مالیات) گرفته اند، به همان بسنده کنید (به عنوان زکات حساب کنید) و دیگر تا آن جا که می توانید چیزی (به عنوان زکات) به آن ها ندهید، چرا که اگر زکات مال دو بار داده شود، (چیزی ته آن) باقی نمی ماند.

۵ - سهل بن یسع - زمانی که داشت دهات سهل آباد را بنا می کرد - از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره خراج آن سؤال کرد که آیا چه چیزی (از زکات) به آن تعلق می گیرد؟
فرمود: اگر سلطان خراج آن را از تو گرفته، چیزی به عهده تو نیست و اگر (به عنوان مالیات) از تو نگرفته، پس برتوست که ده یک آن را بدهی.

۶ - سکونی گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت می کند که حضرتش فرمود: آن چه را که خراج گیرنده از تو می گیرد و در کوزه می ریزد، پس همان را زکات حساب کن و اگر در کوزه نمی ریزد آن را از زکات حساب مکن.

(۲۶)

بَابُ الرَّجُلِ يُخَلِّفُ عِنْدَ أَهْلِهِ مِنَ النَّفَقَةِ مَا يَكُونُ فِي مِثْلِهَا الزَّكَاةُ

- ۱- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ خَلَّفَ عِنْدَ أَهْلِهِ نَفَقَةً أَلْفَيْنِ لِسِتَّتَيْنِ عَلَيْهَا زَكَاةٌ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ شَاهِدًا فَعَلَيْهِ زَكَاةٌ، وَإِنْ كَانَ غَائِبًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي رَجُلٍ وَضَعَ لِعِيَالِهِ أَلْفَ دِرْهَمٍ نَفَقَةً فَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ. قَالَ: إِنْ كَانَ مُقِيمًا زَكَاةً، وَإِنْ كَانَ غَائِبًا لَمْ يُزَكَّهْ.

بخش بیست و ششم

حکم کسی که مخارج خانواده برعهده اوست و همان مقدار نزد او زکات است

- ۱- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: اگر کسی دو هزار درهم برای هزینه دو سال زندگی، به خانواده اش بسپارد، بعد از گذشت یک سال زکات دارد؟ فرمود: اگر او در کنار خانواده اش حاضر باشد، زکات دارد، اگر در سفر باشد، زکات ندارد.
- ۲- ابن ابی عمیر از یکی از اصحابش نقل می کند که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که ۱۰۰۰ درهم نقره برای نفقه خانواده اش قرار می دهد و سال بر آن می گذرد، فرمود: اگر آن مرد مقیم است (و با خانواده اش زندگی می کند و به مسافرت نرفته) زکات آن را می دهد و اگر غایب است، زکات آن را نمی دهد.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:
 قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُخَلِّفُ لِأَهْلِهِ ثَلَاثَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ نَفَقَةَ سَنَتَيْنِ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟
 قَالَ: إِنْ كَانَ شَاهِدًا فَعَلَيْهَا زَكَاةٌ، وَإِنْ كَانَ غَائِبًا فَلَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ.

(۲۷)

بَابُ الرَّجُلِ يُعْطِي مِنْ زَكَاةٍ مَنْ يَظُنُّ أَنَّهُ مُعْسِرٌ ثُمَّ يَجِدُهُ مُوسِرًا

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ:
 فِي رَجُلٍ يُعْطِي زَكَاةَ مَالِهِ رَجُلًا وَهُوَ يَرَى أَنَّهُ مُعْسِرٌ فَوَجَدَهُ مُوسِرًا.
 قَالَ: لَا يُجْزَى عَنْهُ.

۳ - ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر کسی سه هزار درهم برای هزینۀ دو سال زندگی خانوادۀ اش کنار بگذارد، آیا باید زکات آن را پردازد؟
 فرمود: اگر در وطن بماند و با خانوادۀ اش زندگی کند، زکات دارد، و اگر به سفر برود، زکات ندارد.

بخش بیست و هفتم

حکم شخصی که به گمان خود به تنگدستی زکات می پردازد، آن گاه معلوم می شود که ثروتمند بود

۱ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام درباره شخصی که زکات مالش را به فردی که به پندارش تنگدست است می دهد، ولی بعداً می فهمد که ثروتمند بوده، فرمود:
 از زکات کفایت نمی کند (باید زکات آن مال را به مستمند و فقیر مستحق زکات بدهد).

- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
فِي رَجُلٍ عَجَلَ زَكَاةَ مَالِهِ ثُمَّ أَيْسَرَ الْمُعْطَى قَبْلَ رَأْسِ السَّنَةِ .
قَالَ: يُعِيدُ الْمُعْطَى الزَّكَاةَ.
- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ
أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَ الْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ، فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ
يَضْرِبُوا إِلَى غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ.

-
- ۲- احوال گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر کسی زکات اموالش را پیش از وقت،
به مستحق فقیری بپردازد تا در پایان سال و موعد تسجیل، بابت زکات فریضه محسوب
کند، ولی در آخر سال ببیند که آن فقیر، مستغنی و بی نیاز گشته تکلیف او چیست؟
فرمود: باید زکات اموالش را از سر بپردازد.
- ۳- ابی المغراء گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
خداوند تبارک و تعالی با مقررات زکات، بین ثروتمندان و مستمندان شرکتی مقرر کرده
است، از این رو، ثروتمندان نمی توانند حق شرکت را به سوی دیگران سوق دهند.

(۲۸)

بَابُ الزَّكَاةِ لَا تُعْطَى غَيْرَ أَهْلِ الْوَلَايَةِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ وَالفُضَيْلِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بَرِيدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُمَا قَالَا: فِي الرَّجُلِ يَكُونُ فِي بَعْضِ هَذِهِ الْأَهْوَاءِ الْحَرُورِيَّةِ وَ الْمُرْجِنَةِ وَ الْعُثْمَانِيَّةِ وَ الْقَدْرِيَّةِ، ثُمَّ يَتُوبُ وَ يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ وَ يُحْسِنُ رَأْيَهُ أَتُعِيدُ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَّاهَا أَوْ صَوْمٍ أَوْ زَكَاةٍ أَوْ حَجٍّ أَوْ لَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ؟
- قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ غَيْرَ الزَّكَاةِ لَا بَدَأَ أَنْ يُؤَدِّيَهَا، لِأَنَّهُ وَضَعَ الزَّكَاةَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهَا وَ إِنَّمَا مَوْضِعُهَا، أَهْلُ الْوَلَايَةِ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

بخش بیست و هشتم

زکات را فقط باید به اهل ولایت پرداخت

- ۱- زراره، بکیر، فضیل، محمد بن مسلم و برید عجللی گویند: به امام باقر و امام صادق علیهما السلام گفتیم: اگر کسی به مذهب خوارج، مرجئه، عثمانیه، قدریه ملحق شود و بعد توبه کند و امر امامت را با اعتقاد کامل بشناسد، آیا بعد از پذیرش ولایت، باید نمازها، روزهها، زکات و حجی که به جا آورده، همه را تجدید کند؟
- فرمودند: هیچ یک از عبادت‌های گذشته را تجدید نمی‌کند مگر زکات فریضه که باید مجدداً پرداخت کند، زیرا زکات را به کسی پرداخته که اهلیت آن را نداشته است. زکات فریضه فقط به اهل ولایت پرداخت می‌شود.
- ۲- عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَا مِنْ رَجُلٍ يَمْنَعُ دِرْهَمًا مِنْ حَقِّ إِلَّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ مَنَعَ حَقًّا فِي مَالِهِ إِلَّا طَوَّفَهُ اللَّهُ بِهِ حَيَّةً مِنْ نَارٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
 قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ عَارِفٌ أَدَّى زَكَاتَهُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا زَمَانًا هَلْ عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَهَا ثَانِيًا إِلَى أَهْلِهَا إِذَا عَلِمَهُمْ؟
 قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ لَهَا أَهْلًا فَلَمْ يُؤَدِّهَا أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهَا عَلَيْهِ فَعَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ.
 قَالَ: يُؤَدِّيَهَا إِلَى أَهْلِهَا لِمَا مَضَى.
 قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنَّهُ لَمْ يَعْلَمْ أَهْلِهَا فَدَفَعَهَا إِلَى مَنْ لَيْسَ هُوَ لَهَا بِأَهْلٍ، وَ قَدْ كَانَ طَلَبَ وَ اجْتَهَدَ ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ سُوءَ مَا صَنَعَ.
 قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَهَا مَرَّةً أُخْرَى.
 وَ عَنْ زُرَّارَةَ مِثْلَهُ غَيْرَ أَنَّهُ قَالَ: إِنْ اجْتَهَدَ فَقَدْ بَرِيءٌ، وَإِنْ قَصَرَ فِي الْاجْتِهَادِ فِي الطَّلَبِ فَلَا.

هر کس یک درهم از حق زکات را نپردازد، دو درهم را در راه ناحق تلف خواهد کرد. کسی که زکات فریضه را نپردازد، خداوند سزاکند در روز رستاخیز حلقه آتشی چون مار، برگردن او می پیچد.

گفتم: اگر کسی از شیعیان و عارفان به شما، مدت ها زکات اموالش را به سایرین پرداخته باشد، آیا باید زکات پرداخته را تجدید کند و به اهل ولایت بپردازد؟
 فرمود: آری.

گفتم: اگر افراد ولایت را نشناخته باشد و در نتیجه زکات اموالش را نگه داشته باشد و یا از تعلق زکات بی خبر بوده و اینک متوجه شده باشد، تکلیف او چیست؟
 فرمود: هم اینک زکات عقب افتاده را به افراد ولایی بپردازد.

گفتم: اگر به جست و جوی افراد ولایی برخاسته باشد، ولی چون افراد ولایی را نمی شناسد از روی اشتباه زکات خود را به سایرین پرداخته باشد، تکلیف او چیست؟
 فرمود: اگر در جست و جوی افراد ولایی تلاش کرده لازم نیست که یک نوبت دیگر زکات بدهد، و اگر تلاش نکرده باید زکات اموالش را مجدداً بپردازد.

زراره نظیر این روایت را نقل می کند و می افزاید: حضرتش فرمود: اگر تلاش کرده، لازم نیست و اگر در تلاش در جست و جو کوتاهی کرده باید زکات را بپردازد.

۳- حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ الصَّدَقَةَ وَالزَّكَاةَ لَا يُحَابَى بِهَا قَرِيبٌ وَ لَمْ يُمْنَعَهَا بَعِيدٌ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ:

قَالَ لِي شَهَابُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ: أَقْرَأُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِّي السَّلَامَ وَ أَعْلِمُهُ أَنَّهُ يُصِيبُنِي فَرْعٌ فِي مَنَامِي .

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ شِهَابًا يُقْرَأُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِنَّهُ يُصِيبُنِي فَرْعٌ فِي مَنَامِي .

قَالَ: قُلْ لَهُ: فَلْيَزَكِّ مَالَهُ .

قَالَ: فَأَبْلَعْتُ شِهَابًا ذَلِكَ .

فَقَالَ لِي: فَتَبْلُغُهُ عَنِّي؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ.

۳- محمد بن مسلم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در پرداخت زکات، نباید به انتظار خویشان و نزدیکان نشست و از بیگانگان دریغ کرد.

۴- ولید بن صبیح گوید: شهاب بن عبدربه به من گفت: سلام مرا به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ

برسان و به ایشان بگو که من دچار پریشان خوابی و آشفته خوابی شده‌ام (و در خواب کابوس می‌بینم).

ولید گوید: به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ پیام شهاب را رساندم.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به شهاب بگو که زکات مالش را بدهد.

ولید گوید: پیام امام عَلَيْهِ السَّلَامُ را به شهاب رساندم.

شهاب گفت: آیا جواب مرا به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌رسانی؟

گفتم: آری.

فَقَالَ: قُلْ لَهُ: إِنَّ الصَّبِيَّانَ - فَضْلًا عَنِ الرَّجَالِ - لَيَعْلَمُونَ أَنِّي أَرْكِي مَالِي .
قَالَ: فَأَبْلَغْتُهُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قُلْ لَهُ: إِنَّكَ تُخْرِجُهَا وَلَا تَضَعُهَا فِي مَوْضِعِهَا.
۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَهُ النَّاصِبُ فِي حَالِ ضَلَالِهِ أَوْ حَالِ نَصْبِهِ ثُمَّ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَرَفَهُ
هَذَا الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ يُوجِرُ عَلَيْهِ وَيُكْتَبُ لَهُ إِلَّا الزَّكَاةَ، فَإِنَّهُ يُعِيدُهَا، لِأَنَّهُ وَضَعَهَا فِي غَيْرِ
مَوْضِعِهَا، وَإِنَّمَا مَوْضِعُهَا أَهْلُ الْوِلَايَةِ، وَأَمَّا الصَّلَاةُ وَ الصَّوْمُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُمَا.
۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ
الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّكَاةِ هَلْ تُوَضَعُ فِيْمَنْ لَا يَعْرِفُ؟
قَالَ: لَا، وَلَا زَكَاةَ الْفِطْرَةِ.

گفت: پس به امام عليه السلام بگو: بچه‌ها - چه رسد به مردها - می دانند که من زکات مالم را می دهم.
ولید گوید: من پیام شهاب را به امام عليه السلام رساندم.
امام عليه السلام فرمود: به شهاب بگو: درست است که تو زکات مالت را می پردازی، ولی آن را
به اهلش نمی پردازی.

۵ - ابن اذینه گوید: امام صادق عليه السلام طی نامه‌ای به من نوشت:
هر عبادتی را ناصبی در حال ضلالت و گمراهی یا در حال عناد با مکتب حق به جا
آورده باشند، بعد از شناخت و معرفت، به اجر و پاداش آن می رسد، جز زکات فریضه که
باید مجدداً پردازد، زیرا زکات فریضه را به نااهلان پرداخته است. اهل زکات، فقط عارفان
به مقام ولایت می باشند. ولی نماز و روزه قضا ندارند.
۶ - اسماعیل بن سعد اشعری گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: از زکات فریضه می توانم به
افراد غیر ولایی پردازم؟
فرمود: نه و نه از زکات فطره.

(۲۹)

بَابُ قَضَاءِ الزَّكَاةِ عَنِ الْمَيِّتِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عِبَادِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ فَرَّطَ فِي إِخْرَاجِ زَكَاتِهِ فِي حَيَاتِهِ، فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ حَسَبَ جَمِيعَ مَا كَانَ فَرَّطَ فِيهِ مِمَّا لَزِمَهُ مِنَ الزَّكَاةِ، ثُمَّ أَوْصَى بِهِ أَنْ يُخْرَجَ ذَلِكَ فَيُدْفَعُ إِلَى مَنْ يَجِبُ لَهُ .

قَالَ: جَائِزٌ يُخْرَجُ ذَلِكَ مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ، إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ دَيْنٍ لَوْ كَانَ عَلَيْهِ لَيْسَ لِلْوَرَثَةِ شَيْءٌ حَتَّى يُؤَدُّوا مَا أَوْصَى بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ لَمْ يُزَكِّ مَالَهُ فَأَخْرَجَ زَكَاتَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ، فَأَدَّاهَا كَانَ ذَلِكَ يُجْزَى عَنْهُ؟

بخش بیست و نهم

پرداخت زکات از جانب مرده

۱ - عباد بن صهیب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی در پرداخت زکات فریضه کوتاهی کرده باشد، آیا می‌تواند به هنگام مرگ، زکات عقب افتاده را محاسبه کند و به وصی خود دستور بدهد تا بدهی زکات را از ماترک او جدا کنند و به اهل آن برسانند؟ فرمود: آری، جایز است؛ زکات‌های عقب افتاده از مجموع اموال او خارج می‌گردد. زکات فریضه مانند قرض است که اگر مقروض باشد، باید از مجموع اموال او پرداخته شود. ورثه به اموال او حقی ندارند، مگر موقعی که حق زکات را از ماترک او پرداخته باشند.

۲ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: کسی که در پرداخت زکات کوتاهی کرده باشد و در هنگام مرگ، مقدار زکات را محاسبه کند و بپردازد، کفایت خواهد کرد؟

قال: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِنْ أَوْصَى بِوَصِيَّةٍ مِنْ ثُلُثِهِ وَ لَمْ يَكُنْ زَكَاةً مِنْ زَكَاتِهِ؟
قال: نَعَمْ، يُحْسَبُ لَهُ زَكَاةٌ وَ لَا تَكُونُ لَهُ نَافِلَةٌ وَ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ جَمِيعاً
عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ شُعَيْبٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ أَخِي زَكَاةً كَثِيرَةً فَأَقْضِيهَا أَوْ أُودِّبُهَا عَنْهُ.
فَقَالَ لِي: وَ كَيْفَ لَكَ بِذَلِكَ؟
قُلْتُ: أَسْتَطِيعُ.

قال: نَعَمْ، إِذَا تُفْرَجَ عَنْهُ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ خَمْسُ مِائَةِ دِرْهَمٍ مِنَ الزَّكَاةِ وَ عَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ
وَ تَرَكَ ثَلَاثِمِائَةَ دِرْهَمٍ فَأَوْصَى بِحَجَّةِ الْإِسْلَامِ وَ أَنْ يُقْضَى عَنْهُ دَيْنُ الزَّكَاةِ.
قال: يُحَجُّ عَنْهُ مِنْ أَقْرَبِ مَا يَكُونُ وَ يُخْرَجُ الْبَقِيَّةُ فِي الزَّكَاةِ.

فرمود: آری، کفایت خواهد کرد.

گفتم: اگر وصیت کند که قسمتی از ثلث اموالش را به فقرا بدهند، آیا در عوض زکات او محسوب خواهد شد؟

فرمود: آری، برای او زکات محسوب می شود و با وجود بدهکاری زکات واجب، پرداختی او را به حساب مستحبی نمی گذارند.

۳ - شعیب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مقدار زیادی زکات فریضه بر عهده برادرم باقی است. آیا می توانم بدهی او را بپردازم؟

فرمود: چه گونه مقدار آن را مشخص می کنی؟

گفتم: احتیاط می کنم.

فرمود: آری. این کار را بکن که او را از گرفتاری عذاب رها خواهی ساخت.

۴ - معاویه بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی بمیرد و پانصد درهم زکات فریضه بر گردن او باشد و حج فریضه را هم به جا نیاورده باشد و با این که ماترک او سیصد درهم می شود، وصیت کرده باشد تا به نیابت او حج بروند و بدهی زکات او را بپردازند. تکلیف چه خواهد بود؟

فرمود: از نزدیک ترین میقات، برای او نایب بگیرند و بقیه ماترک را بابت زکات به مصرف برسانند.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَظِينٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام:
 رَجُلٌ مَاتَ وَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ وَ أَوْصَى أَنْ تُقْضَى عَنْهُ الزَّكَاةُ وَ وُلْدُهُ مَحَاوِرٌ إِنْ
 دَفَعُوهَا أَضْرَّ ذَلِكَ بِهِمْ ضَرَرًا شَدِيدًا.
 فَقَالَ: يُخْرِجُونَهَا فَيَعُودُونَ بِهَا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ يُخْرِجُونَ مِنْهَا شَيْئًا فَيُدْفَعُ إِلَى
 غَيْرِهِمْ.

(۳۰)

بَابُ أَقَلِّ مَا يُعْطَى مِنَ الزَّكَاةِ وَ أَكْثَرَ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ
 الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

۵ - علی بن یقین گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: پدر خانواده می میرد و مقداری حق
 زکات برگردن او باقی است، وصیت می کند که حق زکات را از اموال او بپردازند. اما
 فرزندان او فقیر و محتاجند و اگر حق زکات را از ماترک پدر بپردازند، از نظر زندگی تحت
 فشار واقع می شوند، تکلیف آنان چیست؟
 فرمود: حق زکات را از مال او خارج می کنند و به عنوان زکات بین خود تقسیم می کنند و
 قسمتی را به سایر فقرا می دهند.

بخش سی ام

کمترین و بیشترین مبلغ پرداختی از زکات

۱ - ابو ولاد حنّاد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

لَا يُعْطَى أَحَدٌ مِنَ الزَّكَاةِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ دَرَاهِمَ وَهُوَ أَقَلُّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الزَّكَاةِ فِي أَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَا يُعْطَوْنَ أَحَدًا مِنَ الزَّكَاةِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ دَرَاهِمَ فَصَاعِدًا.

۲ - وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُثْبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ ثَمَانِينَ دِرْهَمًا؟

قَالَ: نَعَمْ وَ زِدْهُ.

قُلْتُ: أُعْطِيهِ مِائَةً؟

قَالَ: نَعَمْ، وَ أَغْنِيهِ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ تُغْنِيَهُ.

۳ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ كَمْ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ؟

از بابت زکات فریضه به هیچ فقیری نباید کمتر از پنج درهم پرداخت شود. پنج درهم، کمترین مبلغی است که خداوند تَعَالَى به عنوان زکات فریضه مقرر کرده است. از این رو به هیچ مستمندی کمتر از پنج درهم بابت زکات فریضه ندهید، بیشتر از پنج درهم مانعی ندارد.

۲ - اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: بابت زکات می‌توانم، به یک نفر هشتاد درهم بدهم؟

فرمود: آری، و زیادتش بده.

گفتم: صددرهم بدهم؟

فرمود: آری و اگر می‌توانی چندان بده که او را بی‌نیاز کنی.

۳ - عمار بن موسی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد: انسان چقدر زکات بدهد؟

قال: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا أُعْطِيتَ فَأَغْنِهِ.
 ٤ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 تُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ حَتَّى تُغْنِيَهُ.

(۳۱)

بَابُ أَنَّهُ يُعْطَى عِيَالُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الزَّكَاةِ إِذَا كَانُوا صِغَارًا وَ يُقْضَى عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الدُّيُونُ مِنَ الزَّكَاةِ

١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَمُوتُ وَ يَتْرُكُ الْعِيَالَ أ يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ؟
 قَالَ: نَعَمْ، حَتَّى يَنْشُوا وَ يَبْلُغُوا وَ يَسْأَلُوا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِمْ إِذَا قُطِعَ ذَلِكَ عَنْهُمْ.
 فَقُلْتُ: إِنَّهُمْ لَا يَعْرِفُونَ.

امام باقر عليه السلام فرمود: زمانی که زکات به فقیر می دهی، آنقدر بده که او را بی نیاز سازی.
 ٤ - سعید بن غزوان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 از بابت زکات می توانی چندان بدهی که فقیر مستمند را مستغنی و بی نیاز کنی.

بخش سی و یکم

پرداخت هزینه خانواده صغیر مؤمن و بدهی مؤمنان از زکات

١ - ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر یکی از شیعیان بمیرد و فرزندان فقیر و
 مستمند باقی بگذارد، آیا می توان از زکات به آنان چیزی داد؟
 فرمود: آری، تا موقعی که فرزندان رشد کنند و به حد بلوغ برسند و بپرسند: تاکنون از
 چه راهی مخارج آنان تأمین بوده است؟
 گفتم: فرزندان او شیعه نیستند که مقام امامت را بشناسند.

قَالَ: يُحْفَظُ فِيهِمْ مَبِيتُهُمْ وَ يُحَبَّبُ إِلَيْهِمْ دِينُ أَبِيهِمْ فَلَا يَلْبَثُوا أَنْ يَهْتَمُّوا بِدِينِ أَبِيهِمْ، فَإِذَا بَلَغُوا وَ عَدَلُوا إِلَى غَيْرِكُمْ فَلَا تُعْطَوُهُمْ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ عَارِفٍ فَاضِلٍ تُؤْفَى وَ تَرَكَ عَلَيْهِ دِيناً قَدْ ابْتَلَى بِهِ لَمْ يَكُنْ بِمُفْسِدٍ وَ لَا بِمُسْرِفٍ وَ لَا مَعْرُوفٍ بِالْمَسْأَلَةِ، هَلْ يُقْضَى عَنْهُ مِنَ الزَّكَاةِ الْأَلْفِ وَ الْأَلْفَانِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ أَبِي خَدِيجَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ذُرِّيَّةُ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ إِذَا مَاتَ يُعْطُونَ مِنَ الزَّكَاةِ وَ الْفِطْرَةِ كَمَا كَانَ يُعْطَى أَبُوهُمْ حَتَّى يَبْلُغُوا، فَإِذَا بَلَغُوا وَ عَرَفُوا مَا كَانَ أَبُوهُمْ يَعْرِفُ أُعْطُوا، وَإِنْ نَصَبُوا لَمْ يُعْطُوا.

فرمود: با تأمین مخارج آنان، حق پدرشان رعایت می شود و مذهب پدرشان محبوب و متین جلوه گر می شود، و چه بسا دیری نپایند که به مذهب پدر اهتمام ورزند. اگر بعد از بلوغ شرعی به سایر مذاهب گرویدند، دیگر از بابت زکات به آنان چیزی مدهید.

۲ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: به ابوالحسن امام کاظم عليه السلام گفتم: مردی شیعه و عارف و فاضل به رحمت خدا پیوسته و قرض کلانی به گردن او مانده؛ او اهل فساد و اسراف نبوده و گدایی نمی کرده، آیا می توانیم یک هزار و دو هزار، قرض او را از بابت زکات بپردازیم؟ فرمود: آری.

۳ - ابو خدیجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر مرد مسلمان (شیعه و موالی اهل بیت عليه السلام) بمیرد، به فرزندانش از زکات و فطره پرداخت می شود؛ همان گونه که به پدرشان پرداخت می شد، تا این که بالغ شوند و بفهمند و بدانند آن چه را که پدرشان می دانست (از ولایت اهل بیت عليه السلام) که باز پرداخت می شود، ولی اگر ناصبی شدند (ولایت اهل بیت عليه السلام را نپذیرفتند و دشمن اهل بیت و یاران ایشان شدند) دیگر زکات و فطره به آنها تعلق نمی گیرد و پرداخت نمی شود.

(۳۲)

بَابُ تَفْضِيلِ أَهْلِ الزَّكَاةِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عْتَبَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ السَّكُونِيِّ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع: إِنِّي رُبَّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِي أَصْلُهُمْ بِهِ فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ؟
 فَقَالَ: أُعْطِيهِمْ عَلَى الْهَجْرَةِ فِي الدِّينِ وَالْعَقْلِ وَالْفَقْهِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الزَّكَاةِ أَيُفْضَلُ بَعْضٌ مَنْ يُعْطَى مِمَّنْ لَا يَسْأَلُ عَلَى غَيْرِهِ؟
 قَالَ: نَعَمْ، يُفْضَلُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ عَلَى الَّذِي يَسْأَلُ.

بخش سی و دوم**اولویت برخی از زکات دریافت کنندگان بر دیگران**

- ۱ - عبدالله بن عجلان سکونی گوید: به امام باقر ع گفتم: گاهی من چیزی (پول، جنس، طعام) را بین دوستان تقسیم می‌کنم و با این کار به آنها رسیدگی می‌نمایم، بفرمایید طبق چه ملاکی این را تقسیم بکنم؟
 فرمود: به ایشان بر اساس هجرت در راه دین خداوند و نیز بر اساس عقل و فقه (علم حلال و حرام) عطا کن.
- ۲ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از ابوالحسن امام کاظم ع درباره زکات سؤال کردم که آیا (هنگام تقسیم و پرداخت آن) کسانی که درخواست دریافت زکات نکرده‌اند بر دیگران مقدم هستند؟
 فرمود: آری، کسی که درخواست نکرده بر کسی که درخواست کرده مقدم است.

۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِنَّ صَدَقَةَ الْحُفِّ وَالظُّلْفِ تُدْفَعُ إِلَى الْمُتَجَمِّلِينَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَأَمَّا صَدَقَةُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَمَا كَيْلَ بِالْقَفِيزِ مِمَّا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ فَلِلْفُقَرَاءِ الْمُدْقَعِينَ .

قَالَ ابْنُ سِنَانَ: قُلْتُ: وَكَيْفَ صَارَ هَذَا كَذَا؟

فَقَالَ: لِأَنَّ هَؤُلَاءِ مُتَجَمِّلُونَ يَسْتَحْيُونَ مِنَ النَّاسِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهِمْ أَجْمَلُ الْأَمْرَيْنِ عِنْدَ النَّاسِ وَكُلُّ صَدَقَةٍ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُعْطِي الْأَلْفَ الدَّرْهَمِ مِنَ الزَّكَاةِ فَيَقْسِمُهَا فَيُحَدِّثُ نَفْسَهُ أَنْ يُعْطِيَ الرَّجُلَ مِنْهَا ثُمَّ يَبْدُو لَهُ وَيَعزِلُهُ وَ يُعْطِي غَيْرَهُ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۳- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

صدقه (زکات) شتر و گاو (چهارپایان) به آراستگان از مسلمانان پرداخت می شود و صدقه زکات طلا و نقره و هر آن چه که از زمین می روید و آن چه با قفیز (نوعی پیمانۀ عراقی) پیمانه می شود برای مستمندان و بیچارگان که دچار فقر شدید هستند در نظر گرفته می شود.

عبدالله گوید: گفتم: چگونه و به چه علت این چنین می شود؟

فرمود: زیرا آراستگان آبرومندان از مردم خجالت و شرم دارند. پس زیباترین آن دو (زکات چهارپایان و زکات طلا و نقره و محصولات کشاورزی) در نزد مردم به آنها پرداخت می شود، حال آن همه این ها صدقه (زکات) هستند.

۴- علی ابن ابی حمزه گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: به شخصی ۱۰۰۰ درهم زکات داده می شود تا آنها را تقسیم کند، او در دل خود می گوید که مقداری از آن را به فلان شخصی بدهم، پس برای او روشن می شود که او مستحق زکات نیست. از دادن زکات به او منصرف شده و به کسی دیگر می دهد (حکم این مسئله چیست؟)
فرمود: اشکالی در آن نیست.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَنبَسَةَ بِنِ مُضْعَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَيْءٍ فَقَسَمَهُ فَلَمْ يَسْعَ أَهْلَ الصُّفَّةِ جَمِيعاً فَخَصَّ بِهِ أَنْاساً مِنْهُمْ، فَخَافَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَكُونَ قَدْ دَخَلَ قُلُوبَ الْآخَرِينَ شَيْءٌ فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ.

فَقَالَ: مَعَذِرَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ - يَا أَهْلَ الصُّفَّةِ! - إِنَّا أُوتِينَا بِشَيْءٍ فَأَرَدْنَا أَنْ نَقْسِمَهُ بَيْنَكُمْ، فَلَمْ يَسْعَكُمْ فَخَصَّصْتُ بِهِ أَنْاساً مِنْكُمْ خَشِينَا جَزَعَهُمْ وَهَلَعَهُمْ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَوْ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ -

فِي الرَّجُلِ يَأْخُذُ الشَّيْءَ لِلرَّجُلِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فَيَجْعَلُهُ لِغَيْرِهِ .
قَالَ: لَا بَأْسَ .

۵ - عنبسة بن مصعب گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

چیزی (مال، طعام، لباس...) برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده شد، حضرتش آن‌ها را تقسیم کرد و به همه اهل صفة نرسید، بلکه به برخی از آن‌ها عنایت فرمود، پس نگران شد که دیگران به دل بگیرند و ناراحت شوند، از این رو به صفة رفت و به آنان فرمود: ای اهل صفة! از خدا و شما عذر می‌خواهم، چیزی برای ما آوردند که باید تقسیم می‌شد، ولی به همه شما نمی‌رسید، از این رو به برخی از شما از آن دادم، زیرا از جزع، فزع و ناشکیبایی آن‌ها بیمناک بودیم.

۶ - راوی گوید: امام صادق - یا امام کاظم عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - درباره شخصی که چیزی (از زکات) را برای شخصی در نظر می‌گیرد، ولی پس از آن برای او آشکار می‌شود (که به جهت فقیر نبودن، عدم ولایت و یا نصب عداوت و...) مستحق زکات نیست و آن چیز را برای شخصی دیگر قرار می‌دهد، فرمود:

اشکالی ندارد.

(۳۳)

بَابُ تَفْضِيلِ الْقَرَابَةِ فِي الزَّكَاةِ وَ مَنْ لَا يَجُوزُ مِنْهُمْ أَنْ يُعْطُوا مِنَ الزَّكَاةِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عْتَبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: لِي قَرَابَةٌ أَنْفِقُ عَلَى بَعْضِهِمْ وَأَفْضَلُ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٍ، فَيَأْتِينِي إِبَانُ الزَّكَاةِ أَفَأَعْطِيهِمْ مِنْهَا؟
 قَالَ: مُسْتَحِقُّونَ لَهَا؟
 قُلْتُ: نَعَمْ.
 قَالَ: هُمْ أَفْضَلُ مِنْ غَيْرِهِمْ أَعْطِيهِمْ.
 قُلْتُ: فَمَنْ ذَا الَّذِي يَلْزَمُنِي مِنْ ذَوِي قَرَابَتِي حَتَّى لَا أَحْسِبَ الزَّكَاةَ عَلَيْهِمْ.
 فَقَالَ: أَبُوكَ وَأُمُّكَ؟
 قُلْتُ: أَبِي وَأُمِّي.
 قَالَ: الْوَالِدَانِ وَالْوَالِدُ.

بخش سی و سوم**رجحان خویشاوندان در پرداخت زکات و...**

۱- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: خویشانی دارم که به آنان کمک می‌کنم و برخی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهم؛ اگر وقت زکات برسد، می‌توانم از بابت زکات به آنان بپردازم؟
 فرمود: آیا مستحق زکات هستند؟
 گفتم: آری.
 فرمود: از بابت زکات به آنان نیز عطا کن. آنان از دیگران اولی‌ترند.
 گفتم: پس کسانی هستند که خرجی آنان بر من واجب است و نمی‌توانم از بابت زکات چیزی به آنان بدهم؟
 فرمود: پدرت و مادرت؟
 گفتم: فقط پدرم و مادرم؟
 فرمود: پدر و مادر و فرزندان.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُثَنَّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ
وَأَنَا أَسْمَعُ قَالَ: أُعْطِيَ قَرَاتِي زَكَاةَ مَالِي وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَ .
قَالَ: فَقَالَ: لَا تُعْطِ الزَّكَاةَ إِلَّا مُسْلِمًا وَأَعْطِهِمْ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ .
ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَتَرُونَ أَنَّمَا فِي الْمَالِ الزَّكَاةُ وَحَدَّهَا مَا فَرَضَ اللَّهُ فِي
الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ أَكْثَرُ تُعْطِي مِنْهُ الْقَرَابَةَ وَ الْمُعْتَرِضَ لَكَ مِمَّنْ يَسْأَلُكَ فَتُعْطِيهِ
مَا لَمْ تَعْرِفْهُ بِالنَّضْبِ، فَإِذَا عَرَفْتَهُ بِالنَّضْبِ فَلَا تُعْطِيهِ إِلَّا أَنْ تَخَافَ لِسَانَهُ فَتَشْتَرِي
دِينَكَ وَ عِرْضَكَ مِنْهُ .

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ
بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:
سَأَلْتُ الرَّضَا عليه السلام: عَنِ الرَّجُلِ لَهُ قَرَابَةٌ وَ مَوَالِي وَ أَتْبَاعٌ يُحِبُّونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام
وَ لَيْسَ يَعْرِفُونَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَيُعْطُونَ مِنَ الزَّكَاةِ؟
قَالَ: لَا .

۲- ابوبصیر گوید: شخصی از حضرتش سؤال کرد- در حالی که من می شنیدم- و گفت:
زکات مالم را به بستگانم می دهی، حال آن که آنها نسبت به ولایت شما معرفت ندارند .
فرمود: زکات مالت را جز به مسلمان (که ولایت ما را پذیرفته) مده و به بستگان چیز
دیگری غیر از زکات بده.

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: مگر نمی بینید که فرض در مال فقط زکات است، بیشترین
مورد را به خویشان و درخواست کنندگان پرداخت می شود پس به او تا زمانی که دشمنی با
ما را از او نفهمیدی می دهی، پس اگر دشمنی او با ما را فهمیدی دیگر به او مده، مگر آن که
از زبانش بترسی، که در آن صورت با آن (با مال زکات) دین و عرض و آبروی خود را می خری .

۳- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: ممکن است که خویشان،
وابستگان و خدمتکاران ما از دوستان امیرالمؤمنین عليه السلام باشند، ولی امام زمان خود را
نشناسند، آیا زکات فریضه به آنان می رسد؟
فرمود: نه .

- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الزَّكَاةُ وَ لَهُ قَرَابَةٌ مُحْتَاجُونَ غَيْرَ عَارِفِينَ أ يُعْطِيهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: لَا، وَ لَا كَرَامَةً، لَا يَجْعَلُ الزَّكَاةَ وَقَايَةً لِمَالِهِ يُعْطِيهِمْ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ إِنْ أَرَادَ.
- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا: الْأَبُ وَ الْأُمُّ وَ الْوَالِدُ وَ الْمَمْلُوكُ وَ الْمَرْأَةُ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لَزِمُونَ لَهُ.
- ۶ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي الزَّكَاةِ يُعْطَى مِنْهَا الْأَخُ وَ الْأُخْتُ وَ الْعَمُّ وَ الْعَمَّةُ وَ الْخَالَ وَ الْخَالَةُ وَ لَا يُعْطَى الْجَدُّ وَ لَا الْجَدَّةُ.

۴ - ابو بصير گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که زکات فریضه برعهده دارد و خویشان فقیری دارد که امام خود را نمی شناسند، آیا می تواند از بابت زکات فریضه چیزی به آنان بدهد؟

فرمود: نه. و هیچ کرامتی ندارند. نمی تواند زکات فریضه را سپر اموال خود قرار دهد. اگر دلش می خواهد از بابت دیگری به آنان انفاق کند.

۵ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پنج طایفه از زکات انسان سهمی نمی برند: پدر، مادر، فرزند، برده، همسر. اینان در زمره عیال انسانند و واجب النفقه محسوب می شوند.

۶ - زید شحام گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: از زکات به برادر، خواهر، عمو، دایی و خاله داده می شود، ولی به پدر بزرگ و مادر بزرگ داده نمی شود.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمْزَةَ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ لَهُ قَرَابَةٌ كُتِبَتْ لَهُ زَكَاةٌ أ
يَجُوزُ لَهُ أَنْ يُعْطِيَهُمْ جَمِيعَ زَكَاتِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ
أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَضَعُ زَكَاتَهُ كُلَّهَا فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُمْ يَتَوَلَّوْنَكَ؟
فَقَالَ: نَعَمْ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِمْرَانَ
الْقُمِّيِّ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام: أَنَّ لِي وُلْدًا رِجَالًا وَ نِسَاءً أ فَيَجُوزُ لِي أَنْ
أُعْطِيَهُمْ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا؟
فَكَتَبَ عليه السلام: أَنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ لَكُمْ.

۷- احمد بن حمزه گوید: به ابوالحسن الرضا عليه السلام گفتم: مردی از وابستگان شما، زکاتی بر
عهده دارد، آیا می‌تواند به خویشان خود - که همه از شیعیان شما هستند - بپردازد؟
فرمود: آری.

۸- علی بن مهزیار گوید: از ابوالحسن عليه السلام سؤال کردم: شخصی زکات دارایی خود را
برای خانواده‌اش که همگی از موالیان شما هستند قرار می‌دهد (می‌تواند؟)
فرمود: آری (اشکالی ندارد).

۹- اسماعیل بن عمران قمی گوید: برای امام هادی عليه السلام طی نامه‌ای نوشتم: من فرزندان
دختر و پسر دارم، آیا جایز است از زکات مقداری به آنها بدهم؟
مرقوم فرمود: همانا این کار برای شما جایز است.

۱۰- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَزَّكَ قَالَ:
سَأَلْتُ الصَّادِقَ عليه السلام أَذْفَعُ عَشْرَ مَالِي إِلَى وُلْدِ ابْنَتِي؟
قَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ.

(۳۴)

بَابُ نَادِرٍ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْوَابِشِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى أَبَاهُ مِنَ الزَّكَاةِ زَكَاةَ مَالِهِ .
قَالَ: اشْتَرَى خَيْرَ رَقَبَةٍ، لَا بَأْسَ بِذَلِكَ.
۲- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

۱۰- محمد بن جزک گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا می توانم یک دهم مالم را (زکات) به فرزندان دخترم پرداخت کنم؟
فرمود: آری، اشکالی ندارد.

بخش سی و چهارم

چند حدیث نکته دار

۱- ابو محمد وابشی گوید: یکی از اصحاب ما از امام صادق عليه السلام پرسید: شخصی از زکات اموال خود، پدرش را خریده است تا از قید بردگی رها شود، آیا این عمل صحیح است؟
فرمود: این مرد بهترین برده ای که ممکن بوده، خریداری کرده است، اشکالی ندارد.
۲- اسحاق بن عمار گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ عَلَى أَبِيهِ دَيْنٌ وَ لِأَبِيهِ مَثُونَةٌ أ يُعْطِي أَبَاهُ مِنْ زَكَاتِهِ
يَقْضِي دَيْنَهُ؟

قَالَ: نَعَمْ، وَ مَنْ أَحَقُّ مِنْ أَبِيهِ؟!

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ حَلَّتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ مَاتَ أَبُوهُ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ أ يُؤَدِّي
زَكَاتَهُ فِي دَيْنِ أَبِيهِ وَ لِلْإِبْنِ مَالٌ كَثِيرٌ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ أَبُوهُ أَوْرَثَهُ مَالاً ثُمَّ ظَهَرَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ يَوْمَئِذٍ، فَيَقْضِيهِ عَنْهُ
قَضَاءً مِنْ جَمِيعِ الْمِيرَاثِ وَ لَمْ يَقْضِهِ مِنْ زَكَاتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَوْرَثَهُ مَالاً لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ
أَحَقُّ بِزَكَاتِهِ مِنْ دَيْنِ أَبِيهِ، فَإِذَا آدَاهَا فِي دَيْنِ أَبِيهِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ أَجْزَأَتْ عَنْهُ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: پدری قرض دارد و هزینه زندگی او به حدی است که
نمی‌تواند قرض خود را بپردازد. آیا پسرش می‌تواند قرض او را از زکات ادا کند؟
فرمود: آری می‌تواند، و چه کسی از پدر انسان شایسته‌تر است؟!

۳- زراره گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردی زکات فریضه بر عهده دارد، و پدرش که
مرحوم شده، قرضدار بوده، آیا می‌تواند زکات خود را بابت قرض پدر بپردازد با این که
ثروت زیادی دارد؟

فرمود: اگر پدرش میراثی به جا نهاده و بعداً قرض او آشکار شده، نمی‌تواند از بابت
زکات فریضه قرض او را بپردازد، بلکه باید قرض او را از مجموعه میراث او بپردازد. ولی
اگر از پدرش میراثی به جا نمانده باشد، هیچ کس به زکات او شایسته‌تر از پدر نخواهد بود.
اگر از راه زکات، قرض پدر را بپردازد، کفایت خواهد کرد.

(۳۵)

بَابُ الزَّكَاةِ تُبْعَثُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ أَوْ تُدْفَعُ إِلَى مَنْ يَقْسِمُهَا فَتَضِيعُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

رَجُلٌ بَعَثَ بِزَكَاةٍ مَالِهِ لِيُقَسِّمَ فَضَاعَتْ هَلْ عَلَيْهِ ضَمَانُهَا حَتَّى تُقَسِّمَ؟
فَقَالَ: إِذَا وَجَدَ لَهَا مَوْضِعًا فَلَمْ يَدْفَعْهَا فَهُوَ لَهَا ضَامِنٌ حَتَّى يَدْفَعَهَا، وَإِنْ لَمْ يَجِدْ لَهَا مَنْ يَدْفَعُهَا إِلَيْهِ فَبَعَثَ بِهَا إِلَى أَهْلِهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ، لِأَنَّهَا قَدْ خَرَجَتْ مِنْ يَدِهِ. وَكَذَلِكَ الْوَصِيُّ الَّذِي يُوصَى إِلَيْهِ يَكُونُ ضَامِنًا لِمَا دُفِعَ إِلَيْهِ إِذَا وَجَدَ رَبَّهُ الَّذِي أُمِرَ بِدَفْعِهِ إِلَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ.

بخش سی و پنجم**حکم زکاتی که از شهری به شهر دیگر ارسال می شود یا فردی****تقسیم می کند و ضایع می گردد**

۱- محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی زکات اموالش را به محل دیگری بفرستد تا به اشخاص معینی برسانند. ولی وجه زکات، در نیمه راه تلف شود، آیا ضمانت آن بر عهده صاحب مال باقی است که باید مجدداً بپردازد؟
فرمود: اگر در محل خودش مستحق بوده و زکات را به او نپرداخته، صاحب زکات ضمانت دارد و مجدداً باید بپردازد، ولی اگر مستحق نبوده و از این جهت به محل دیگری فرستاده، ضمانت ندارد، زیرا صاحب مال، طبق وظیفه شرعی زکات خود را به محل دیگری فرستاده است؛ و آن کسی که از طرف صاحب زکات مأمور شده تا زکات را به اهل آن برساند، اگر اشخاص مستحق را دیده و در پرداخت آن تأخیر کرده، ضمانت پرداخت زکات به عهده او خواهد بود و اگر آن اشخاص را ندیده و در اثنای جست و جو، وجه زکات تلف شده، ضمانتی نخواهد داشت.

۲ - حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ أَبِي بَصِيْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَخْرَجَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ ثُمَّ سَمَّاهَا لِقَوْمٍ فَضَاعَتْ، أَوْ أَرْسَلَ بِهَا إِلَيْهِمْ فَضَاعَتْ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۳ - حَرِيْزٌ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فَذَهَبَتْ وَ لَمْ يُسَمِّهَا لِأَحَدٍ فَقَدْ بَرِيَتْ مِنْهَا.

۴ - حَرِيْزٌ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَعَثَ إِلَيْهِ أَخًا لَهُ زَكَاتَهُ لِيُقْسِمَهَا فَضَاعَتْ.

فَقَالَ: لَيْسَ عَلَى الرَّسُولِ وَ لَا عَلَى الْمُؤَدِّي ضَمَانٌ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمْ يَجِدْ لَهَا أَهْلًا فَفَسَدَتْ وَ تَغَيَّرَتْ أَيْضًا؟

قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ إِنْ عَرَفَ لَهَا أَهْلًا فَعَطِبَتْ، أَوْ فَسَدَتْ فَهُوَ لَهَا ضَامِنٌ حَتَّى

يُخْرِجَهَا.

۲ - ابوبصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اگر کسی حق زکات را از اموالش جدا کند و به نام اشخاص معینی کنار بگذارد و یا برای آنان ارسال کند، و بعداً تلف شود، ضمانتی بر عهده صاحب مال نخواهد بود.

۳ - عبید بن زرارہ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: بعد از آن که صاحب مال، حق زکات را جدا کند و کنار بگذارد، گرچه اشخاص معینی را نامزد نکند، باز هم از عهده پرداخت زکات خارج شده و ضمانتی ندارد.

۴ - زرارہ گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی از جانب صاحب مال، مأمور شود که زکات او را تقسیم کند، ولی وجه زکات در دست او تلف گردد، تکلیف او چیست؟ فرمود: مأمور و صاحب زکات، هیچ یک ضمانت ندارند.

گفتم اگر مستحق نیابد و با گذشت زمان، گندمها فاسد شوند، آیا ضمانت دارد؟ فرمود: نه. ولی اگر مستحق زکات را بشناسد و در پرداخت آن تأخیر کند و بعداً گوسفندان بمیرند و گندمها فاسد بشوند، ضمانت دارد تا این که از عهده آن برآید.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِزَكَاتِهِ فَتُسْرِقُ أَوْ تَضِيعُ .

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ رَجُلٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الزَّكَاةِ يَبْعَثُ بِهَا الرَّجُلُ إِلَى بَلَدٍ غَيْرِ بَلَدِهِ . قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَبْعَثَ الثُّلُثَ، أَوِ الرَّبْعَ - شَكَ أَبُو أَحْمَدَ - .

۷- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الزَّكَاةَ يَفْسِمُهَا أَلَّهُ أَنْ يُخْرِجَ الشَّيْءَ مِنْهَا مِنَ الْبَلَدَةِ الَّتِي هُوَ فِيهَا إِلَى غَيْرِهَا . قَالَ: لَا بَأْسَ .

۵- بکیر گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: اگر انسان زکات اموالش را برای کسی بفرستد و در نیمه راه سرقت شود، یا گم شود، تکلیف او چیست؟
فرمود: چیزی بر عهده اوست.

۶- راوی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد مردی که زکات را می پردازد که تقسیم شود آیا می تواند بخشی از آن را از شهر خود به شهر دیگری ببرد؟
فرمود: اشکالی ندارد که یک سوم یا یک چهارم آن را - تردید از ابو احمد است - (به شهر دیگری) ببرد.

۷- هشام بن حکم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی مأمور می شود که زکات دیگران را تقسیم کند، آیا می تواند قسمتی را به شهر دیگری ارسال کند؟
فرمود: مانعی ندارد.

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُتْبَةَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْسِمُ صَدَقَةَ أَهْلِ الْبُؤَادِي فِي أَهْلِ الْبُؤَادِي، وَصَدَقَةَ أَهْلِ الْحَضْرِ فِي أَهْلِ الْحَضْرِ، وَ لَا يَفْسِمُهَا بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ، إِنَّمَا يَفْسِمُهَا عَلَى قَدْرِ مَا يَحْضُرُهُ مِنْهُمْ، وَ مَا يَرَى لَيْسَ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوقَّتٌ.

۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ

حَفْصِ قَالَ:

كُنَّا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَأَتَاهُ عَمْرُو بْنُ الْيَاسِ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ أَخِي بِحَلَبَ بَعَثَ إِلَيَّ بِمَالٍ مِنَ الزَّكَاةِ أَفْسِمُهُ بِالْكَوْفَةِ، فَقُطِعَ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ فَهَلْ عِنْدَكَ فِيهِ رِوَايَةٌ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ وَ لَمْ أَظُنْ أَنَّ أَحَدًا يَسْأَلُنِي عَنْهَا أَبَدًا.

۸ - عبدالکریم هاشمی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زکات بادیه نشینان را میان فقرای بادیه نشین تقسیم می کرد و زکات شهرنشینان را میان فقرای شهرنشین تقسیم می کرد. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، زکات را به سهام مساوی تقسیم نمی کرد، آن چه صلاح می دانست به هر طبقه ای که حاضر بودند می پرداخت؛ در تقسیم زکات، سهام ویژه ای برای طبقات مختلف مقرر نشده است.

۹ - وهیب بن حفص گوید: در خدمت ابوبصیر بودیم، عمرو بن الیاس آمد و گفت: برادر من که در شهر حلب تجارت می کند، مبلغی را از بابت زکات برای من فرستاده تا در شهر کوفه میان شیعیان تقسیم کنم، ولی راهزنان وجه زکات را ربوده اند، آیا نزد تو راجع به این مسأله روایتی هست؟

گفت: آری. من این مسأله را از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیده ام، و گمان نمی کردم کسی مبتلا شود و از این مقوله سؤالی مطرح کند.

فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الرَّجُلُ يَبْعَثُ بِزَكَاتِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ فَيَقْطَعُ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ.

فَقَالَ: قَدْ أَجْرَأْتُ عَنْهُ، وَ لَوْ كُنْتُ أَنَا لَأَعَدْتُهَا.

۱۰- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تَحِلُّ صَدَقَةُ الْمُهَاجِرِينَ لِلْأَعْرَابِ، وَلَا صَدَقَةُ الْأَعْرَابِ لِلْمُهَاجِرِينَ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ

سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ ضُرَيْسٍ قَالَ:

سَأَلَ الْمَدَائِنِيَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لَنَا زَكَاتَ نُخْرِجُهَا مِنْ أَمْوَالِنَا فِيهِ مَنْ نَصَعُهَا؟

فَقَالَ: فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ.

فَقَالَ: إِنِّي فِي بِلَادٍ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

فَقَالَ: ابْعَثْ بِهَا إِلَى بِلَدِهِمْ تُدْفَعُ إِلَيْهِمْ، وَلَا تَدْفَعُهَا إِلَى قَوْمٍ إِنْ دَعَوْتَهُمْ غَدًا

إِلَى أَمْرِكَ لَمْ يُجِيبُوكَ وَكَانَ - وَاللَّهِ - الذَّبْحُ.

من به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: قربانت شوم! اگر کسی زکات اموالش را از شهری به شهر دیگری بفرستد و راهزنان راه را بر فرستاده بگیرند و مال زکات را ببرند، تکلیف صاحب زکات چه خواهد بود؟ فرمود: تکلیف زکات از عهده او ساقط است. اگر من باشم، زکات اموالم را مجدداً می پردازم. ۱۰- حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زکات مهاجرین شهرنشین برای مردم بادیه نشین روا نیست و زکات مردم بادیه نشین برای مهاجرین شهرنشین روا نخواهد بود.

۱۱- ضریس گوید: یک نفر از اهل مدائن به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: مقداری زکات به اموال ما تعلق می گیرد، موقعی که آن را جدا می کنیم، به چه افرادی تسلیم کنیم؟

فرمود: در میان شیعیانی که مانند خودت به ولایت معتقد باشند تقسیم کن.

آن مرد گفت: من در سرزمینی زندگی می کنم که غیر از ما، یک تن از اولیای شما زندگی نمی کند؟

فرمود: زکات اموال را به شهر شیعیان ارسال کن تا در آنجا میان مستمندان شیعه تقسیم شود. زکات اموال را به کسانی مده که اگر فردای آن روز، آنان را به مذهب خود، فراعوانی، اجابت نمی کنند، بلکه - به خدا سوگند! - چون از مذهب باخبر شوند، سرت را نیز از تنت جدا می کنند.

(۳۶)

بَابُ الرَّجُلِ يُدْفَعُ إِلَيْهِ الشَّيْءُ يُفَرِّقُهُ وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ يَأْخُذُ لِنَفْسِهِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يُعْطَى الزَّكَاةَ يَفْسِمُهَا فِي أَصْحَابِهِ أَيَأْخُذُ مِنْهَا شَيْئاً؟
قَالَ: نَعَمْ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام:
فِي رَجُلٍ أُعْطِيَ مَالاً يُفَرِّقُهُ فِيمَنْ يَجِلُّ لَهُ أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ شَيْئاً لِنَفْسِهِ وَإِنْ لَمْ يُسَمِّ لَهُ؟
قَالَ: يَأْخُذُ مِنْهُ لِنَفْسِهِ مِثْلَ مَا يُعْطَى غَيْرَهُ.

بخش سی و ششم

حکم مأمور بخش زکاتی که مستحق است، و برای خود برمی دارد

- ۱ - سعید بن یسار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی را مأمور کنند تا وجه زکات را در میان یاران فقیرش تقسیم کند، آیا می تواند سهمی برای خودش بردارد؟
فرمود: آری.
- ۲ - حسین بن عثمان گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: اگر وجه زکات را به کسی تسلیم کنند تا به افراد مستحق برساند، آیا می تواند سهمی برای خودش بردارد، با آن که نام خودش در میان نبوده است؟
فرمود: می تواند به اندازه سهم یک نفر برای خودش بردارد.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُعْطِي الرَّجُلَ الدَّرَاهِمَ يُقْسِمُهَا وَيَضَعُهَا فِي مَوَاضِعِهَا وَهُوَ مِمَّنْ يَجُلُّ لَهُ الصَّدَقَةُ .

قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَأْخُذَ لِنَفْسِهِ كَمَا يُعْطِي غَيْرَهُ .

قَالَ: وَلَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ إِذَا أَمَرَهُ أَنْ يَضَعَهَا فِي مَوَاضِعَ مُسَمَّاةٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ .

(۳۷)

بَابُ الرَّجُلِ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْهِ الزَّكَاةُ فَهِيَ كَسَبِيلِ مَالِهِ يَفْعَلُ بِهَا مَا يَشَاءُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَخَذَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ فَهِيَ كَمَا لَهُ يَصْنَعُ بِهَا مَا يَشَاءُ .

۳ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام کاظم عليه السلام سؤال کردم: شخصی به شخص دیگری مقداری درهم می دهد تا آنها را در جای خود تقسیم کند و خود مقسم، مستحق زکات است (آیا می تواند برای خودش بردارد؟)

فرمود: مانعی ندارد به همان نسبت که به دیگران می دهد برای خودش نیز بردارد. و نیز فرمود: و جایز نیست مقسم از آنها بردارد، اگر صاحب درهمها به او امر کرده باشد که آنها را در محل و مورد مخصوصی که با اسم مشخص کرده، تقسیم کند، مگر به اجازه صاحب درهمها (که در آن صورت می تواند بردارد).

بخش سی و هفتم

وقتی به کسی زکات پرداخت شد می تواند مثل مال خودش هر طور خواهد مصرف کند

۱ - سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بعد از آن که فقیر و مستمند، از بابت زکات فریضه، وجهی دریافت کند، آن زکات، ملک و مال او خواهد بود و می تواند مطابق میل و دلخواهش خرج کند.

قَالَ: وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يُحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَهِيَ الزَّكَاةُ، فَإِذَا هِيَ وَصَلَتْ إِلَى الْفَقِيرِ فَهِيَ بِمَنْزِلَةِ مَالِهِ يَصْنَعُ بِهَا مَا يَشَاءُ.

فَقُلْتُ: يَتَزَوَّجُ بِهَا وَ يَحُجُّ مِنْهَا؟

قَالَ: نَعَمْ، هِيَ مَالُهُ.

قُلْتُ: فَهَلْ يُؤْجَرُ الْفَقِيرُ إِذَا حَجَّ مِنَ الزَّكَاةِ كَمَا يُؤْجَرُ الْغَنِيُّ صَاحِبُ الْمَالِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ شَيْخًا مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ: عُمَرُ، سَأَلَ عَيْسَى بْنَ أَعْيَنَ وَهُوَ مُحْتَاجٌ.

فَقَالَ لَهُ عَيْسَى بْنُ أَعْيَنَ: أَمَا إِنَّ عِنْدِي مِنَ الزَّكَاةِ، وَ لَكِنْ لَا أُعْطِيكَ مِنْهَا.

فَقَالَ لَهُ: وَ لِمَ؟

حضرتش فرمود: خداوند تعالی در اموال ثروتمندان برای مستمندان فرض و واجب کرده است. اگر ثروتمندان این حق مالی را که همان زکات است، به مستمندان نپردازند، مورد ستایش واقع نخواهند شد، و موقعی که حق زکات به دست مستمندان برسد، ملک و مال آنان خواهد بود و می توانند مانند ثروتمندان به میل خود خرج کنند.

گفتم: می تواند از راه زکات، زن بگیرد و به مکه برود؟

فرمود: آری، مال خود اوست.

گفتم: اگر به حج برود، مثل ثروتمندان که به حج می روند، اجر و پاداش اخروی خواهد داشت؟

فرمود: آری.

۲ - ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: پیرمردی از اصحاب ما که محتاج است به نام عمر از عیسی بن اعین درخواست کمک کرد.

گفت: اتفاقاً وجهی از بابت زکات نزد من حاضر است، اما به تو نخواهم داد.

پیرمرد پرسید: چرا؟

فَقَالَ: لِأَنِّي رَأَيْتُكَ اشْتَرَيْتَ لِحْمًا وَ تَمْرًا.
فَقَالَ: إِنَّمَا رَبِحْتُ دِرْهَمًا فَاشْتَرَيْتُ بَدَانِقَيْنِ لِحْمًا وَ بَدَانِقَيْنِ تَمْرًا ثُمَّ وَ رَجَعْتُ
بَدَانِقَيْنِ لِحَاجَةٍ .

قَالَ: فَوَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ سَاعَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ. ثُمَّ قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَظَرَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ ثُمَّ نَظَرَ فِي الْفُقَرَاءِ، فَجَعَلَ فِي
أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ وَ لَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ لَزَادَهُمْ بَلْ يُعْطِيهِ مَا يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ
يَكْتَسِبِي وَ يَنْزَوِجُ وَ يَنْصَدُقُ وَ يَحُجُّ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:
سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ أَنَا جَالِسٌ فَقَالَ: إِنِّي أُعْطَى مِنَ الزَّكَاةِ فَأَجْمَعُهُ حَتَّى
أَحُجَّ بِهِ؟
قَالَ: نَعَمْ، يَا جُرُّ اللَّهِ مَنْ يُعْطِيكَ.

گفت: زیرا من دیدم که تو هم گوشت خریدی و هم خرما خریدی
پیرمرد گفت: من یک درهم سود برده بودم، با دو دانگ آن گوشت خریدم و با دو دانگ
دیگرش خرما خریدم و دو دانگ آن را برای حاجت دیگری به خانه بردم.
موقعی که من این گزارش را خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم، حضرتش دست خود
را بر پیشانی نهاد و بعد از چند لحظه سر خود را بلند کرد و فرمود: خداوند تبارک و تعالی به
اموال ثروتمندان نظری افکند، سپس به جمع فقرا و نیازمندان نظر کرد، و به اندازه حاجت
نیازمندان در مال ثروتمندان حقی معین نمود، این حق مالی، تمام حوائج نیازمندان را کفایت
خواهد کرد، اگر در حد کفایت نبود، بر میزان زکات می افزود. باید به مستحق زکات، چندان
بدهد که بخورد، بیاشامد، پوشاک خود را تهیه کند، زن بگیرد، صدقه بدهد و حج برود.
۳- محمد بن مسلم گوید: من در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم، مردی پرسید که
من از بابت زکات، وجوهی دریافت می کنم، می توانم آن را جمع کنم و به حج بروم؟
فرمود: آری. خداوند به کسانی که زکات می دهند و تورا به فریضه حج موفق می کند،
اجر و پاداش بدهد.

(۳۸)

بَابُ الرَّجُلِ يَحُجُّ مِنَ الزَّكَاةِ أَوْ يُعْتِقُ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الشَّعِيرِيِّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ يُعْطِي الرَّجُلَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ يَحُجُّ بِهَا؟
قَالَ: مَالُ الزَّكَاةِ يُحُجُّ بِهِ.
فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّهُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ أَعْطَى رَجُلًا مُسْلِمًا.
فَقَالَ: إِنْ كَانَ مُحْتَاجًا فَلْيُعْطِهِ لِحَاجَتِهِ وَفَقْرِهِ وَ لَا يَقُولُ لَهُ: حُجَّ بِهَا يَصْنَعُ بِهَا
بَعْدُ مَا يَشَاءُ.
- ۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَمْرٍو عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجْتَمِعُ عِنْدَهُ مِنَ الزَّكَاةِ الْخُمْسُمِائَةِ وَ السُّتُمِائَةِ يَشْتَرِي بِهَا
نَسَمَةً وَ يُعْتِقُهَا.

بخش سی و هشتم**انسان از زکات حج انجام می دهد یا برده آزاد می کند**

- ۱- حکیم بن عتیبه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان زکات اموالش را در اختیار کسی بگذارد و بگوید: با این نقدینه به حج برو، اشکالی دارد؟
فرمود: با زکات فریضه می توان به حج رفت؟
گفتم: زکات دهنده و گیرنده هر دو مسلمانند.
فرمود: اگر گیرنده وجه، نیازمند باشد، باید از بابت سهم فقرا و نیازمندان به او بپردازد و نگوید: با این نقدینه به حج برو. گیرنده می تواند مال زکات را به دلخواه خود خرج کند.
- ۲- ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان زکات اموالش را جمع کند تا پانصد درهم و یا ششصد درهم فراهم شود و با آن مبلغ یک برده بخرد و آزاد کند، چه صورت دارد؟

فَقَالَ: إِذَا يَظْلِمَ قَوْمًا آخَرِينَ حُقُوقَهُمْ.
 ثُمَّ مَكَتَ مَلِيًّا. ثُمَّ قَالَ: إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَبْدًا مُسْلِمًا فِي ضَرُورَةٍ فَيَشْتَرِيَهُ وَ يُعْتَقَهُ.
 ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ
 عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَخْرَجَ زَكَاتَهُ مَالَهُ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَلَمْ يَجِدْ مَوْضِعًا
 يَدْفَعُ ذَلِكَ إِلَيْهِ فَنَظَرَ إِلَى مَمْلُوكٍ يُبَاعُ فِيمَنْ يُرِيدُهُ فَاشْتَرَاهُ بِتِلْكَ الْأَلْفِ الدَّرْهَمِ
 الَّتِي أَخْرَجَهَا مِنْ زَكَاتِهِ فَأَعْتَقَهُ هَلْ يَجُوزُ لَهُ ذَلِكَ؟
 قَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ بِذَلِكَ.
 قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمَّا أَنْ أُعْتِقَ وَ صَارَ حُرًّا أَتَجَرَ وَ احْتَرَفَ وَ أَصَابَ مَالًا ثُمَّ مَاتَ وَ لَيْسَ
 لَهُ وَارِثٌ فَمَنْ يَرِثُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَارِثٌ؟
 قَالَ: يَرِثُهُ الْعُقَرَاءُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَسْتَحِقُّونَ الزَّكَاةَ، لِأَنَّهُ إِنَّمَا اشْتَرِيَ بِمَالِهِمْ.

فرمود: در این صورت به فقرا و بیکاران ستم کرده است.
 حضرتش قدری تأمل کرد، سپس فرمود: اگر برده مسلمان در فشار و سختی باشد،
 مانعی ندارد که از بابت زکات فریضه او را بخرند و آزاد کنند.
 ۳- عبید بن زراره گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: شخصی محاسبه می‌کند و هزار درهم
 زکات اموالش را جدا می‌کند، ولی مستحقی پیدا نمی‌کند که وجه زکات را در اختیار او
 بگذارد، بعداً برده‌ای را می‌بیند که در بازار مزایده می‌فروشند. با همان هزار درهم آن برده
 را می‌خرد و آزاد می‌کند. آیا کار او صحیح است؟
 فرمود: آری، مانعی ندارد.
 گفتم: آن برده آزاد شده به کار و تجارت می‌پردازد و ثروتی به دست می‌آورد، و بعد
 می‌میرد، در حالی که وارث رسمی ندارد، چه کسی می‌تواند ارث او را تصاحب کند؟
 فرمود: ارث او به فقرا و مؤمن می‌رسد که مستحق زکات می‌باشند، زیرا این برده از مال
 فقرا خریداری شده است.

(۳۹)

بَابُ الْقَرْضِ أَنَّهُ حِمَى الزَّكَاةِ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ وَ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَةٌ وَ تَعْجِيلُ أَجْرٍ، إِنْ أَيْسَرَ قَضَاكَ، وَإِنْ مَاتَ قَبْلَ ذَلِكَ اخْتَسَبْتَ بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.
- ۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ: قَرْضُ الْمَالِ حِمَى الزَّكَاةِ.
- ۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَقْرَضَ رَجُلًا قَرْضًا إِلَى مَيْسَرَةٍ كَانَ مَالُهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُفْضِيَهُ.

بخش سی و نهم

قرض، به جای زکات

- ۱- یونس بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: قرض دادن به افراد مؤمن، غنیمتی است کامل با اجر و پاداش شتابان، اگر گیرنده قرض به ثروت برسد، قرض تو را می پردازد، و اگر بمیرد، مبلغ قرض را از بابت زکات فریضه محسوب می کنی.
- ۲- موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: علی عليه السلام همواره می فرمود: قرض دادن اموال، باعث می شود که از پرداخت زکات آن اموال جلوگیری نشود.
- ۳- جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: کسی که به شخص قرض دهد و آسان بگیرد، مالش در زکات است و خودش در حال نمازگزاردن با فرشتگان است تا این که قرض گیرنده قرضش را ادا کند.

(۴۰)

بَابُ قِصَاصِ الزَّكَاةِ بِالذَّيْنِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْ دَيْنٍ لِي عَلَى قَوْمٍ قَدْ طَالَ حَبْسُهُ عِنْدَهُمْ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى قَضَائِهِ وَ هُمْ مُسْتَوْجِبُونَ لِلزَّكَاةِ هَلْ لِي أَنْ أَدَعَهُ وَ أَحْتَسِبَ بِهِ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ؟
 قَالَ: نَعَمْ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الدَّيْنُ عَلَى رَجُلٍ فَقِيرٍ يُرِيدُ أَنْ يُعْطِيَهُ مِنَ الزَّكَاةِ؟

بخش چهلّم**قصاص زکات با قرض**

۱ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: به ابوالحسن امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: بدهکاران من مدّت‌ها است که از پرداخت دین خود ناتوان مانده‌اند. در صورتی که مستحق زکات باشند، آیا می‌توانم بدهی خود را به آنان واگذار کنم و بابت زکات اموالم به حساب آورم؟
 فرمود: آری.

۲ - سماعه گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: اگر انسان از مرد فقیری طلبکار باشد و بخواهد از بابت زکات فریضه، مبلغی به او بپردازد، و بدهی خود را وصول کند؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ الْفَقِيرُ عِنْدَهُ وَفَاءٌ بِمَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ دَيْنٍ مِنْ عَرْضٍ مِنْ دَارٍ أَوْ مَتَاعٍ مِنْ مَتَاعِ الْبَيْتِ، أَوْ يُعَالِجُ عَمَلًا يَتَقَلَّبُ فِيهَا بَوَجْهِهِ فَهُوَ يَرْجُو أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ مَالَهُ عِنْدَهُ مِنْ دَيْنِهِ فَلَا بَأْسَ أَنْ يُقَاصَّهُ بِمَا أَرَادَ أَنْ يُعْطِيَهُ مِنَ الزَّكَاةِ أَوْ يَحْتَسِبَ بِهَا، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ الْفَقِيرِ وَفَاءٌ وَلَا يَرْجُو أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ شَيْئًا فَلْيُعْطِهِ مِنْ زَكَاتِهِ وَلَا يُقَاصَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الزَّكَاةِ.

(۴۱)

بَابُ مَنْ فَرَّ بِمَالِهِ مِنَ الزَّكَاةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ فَرَّ بِمَالِهِ مِنَ الزَّكَاةِ فَاشْتَرَى بِهِ أَرْضًا أَوْ دَارًا أَعْلَيْهِ فِيهِ شَيْءٌ؟

فَقَالَ: لَا، وَ لَوْ جَعَلَهُ حُلِيًّا أَوْ نُقْرًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهِ، وَ مَا مَنَعَ نَفْسَهُ مِنْ فَضْلِهِ أَكْثَرَ مِمَّا مَنَعَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ بِأَنْ يَكُونَ فِيهِ.

فرمود: اگر مرد فقیر به اندازه بدهی که بر عهده دارد، از مال دنیا بهره‌مند باشد که اجناسی برای فروش دارد، خانه و اثاث منزل دارد یا صنعتی دارد که مشغول کار است امید می‌برد که بتواند طلب خود را وصول کند، در این صورت مانعی ندارد که بدهی خود را از حق زکاتی که همین مرد، در اموال او دارد، قصاص کند، بدهی خود را به او واگذار کند و از بابت زکات اموالش به حساب آورد. اما اگر مرد فقیر، از مال دنیا بی‌بهره است و امید نمی‌برد که بتواند بدهی خود را وصول کند، باید از زکات اموالش به او سهمی بدهد و از بابت زکات فریضه به حساب نیاورد.

بخش چهل و یکم

حکم کسی که از پرداخت زکات فرار می‌کند

۱ - عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: شخصی به منظور فرار از زکات، نقدینه خود را داده و زمینی یا خانه‌ای خریداری کرده است. آیا حق زکات بر عهده او می‌ماند؟ فرمود: نه. حتی اگر نقدینه را به صورت زیورآلات و یا شمش درآورد، باز هم زکات ندارد. اما خسارتی که این مرد، از بابت تبدیل طلا و نقره متحمل می‌شود، بیشتر از حق زکاتی است که به اموال او تعلق می‌گیرد.

(۴۲)

بَابُ الرَّجُلِ يُعْطِي عَنْ زَكَاتِهِ الْعِوَضَ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عليه السلام: هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُخْرَجَ عَمَّا يَجِبُ فِي الْحَرْثِ مِنَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَمَا يَجِبُ عَلَى الذَّهَبِ دَرَاهِمُ بِقِيمَةِ مَا يَسْوَى أَمْ لَا يَجُوزُ إِلَّا أَنْ يُخْرَجَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَا فِيهِ؟ فَأَجَابَ عليه السلام: أَيُّمَا تَيْسَرَ يُخْرَجُ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُعْطِي عَنْ زَكَاتِهِ مِنَ الدَّرَاهِمِ دَنَانِيرَ وَعَنِ الدَّنَانِيرِ دَرَاهِمَ بِالْقِيمَةِ أَوْ يَحِلُّ ذَلِكَ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

بخش چهل و دوم**کسی که از قیمت زکاتش می پردازد**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ بَرْقِيِّ گويد: طی نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشتم: در محصول گندم و جو و یا در نقدینه طلا می توانیم حق زکات را قیمت بگذاریم و در برابر آن درهم بپردازیم؟ یا این که باید سهم زکات را از خود آن محصول و عین طلا خارج کنیم؟ حضرتش در پاسخ من نوشت: هر نوع که آسانتر باشد، حق زکات را خارج کنید.
- ۲ - علی بن جعفر گويد: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی به جای درهم معادل آن را دینار طلا زکات می دهد و به جای دینار طلا معادل آن و به قیمت آن درهم نقره زکات می دهد آیا این کار حلال است؟ فرمودند: اشکالی در آن نیست.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَشْتَرِي الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ الثِّيَابَ وَ السُّوِيْقَ وَ الدَّقِيْقَ وَ الْبَطِيْحَ وَ الْعِنَبَ فَيُقْسِمُهُ. قَالَ: لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا الدَّرَاهِمَ، كَمَا أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

(۴۳)

بَابُ مَنْ يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ الزَّكَاةَ وَ مَنْ لَا يَحِلُّ لَهُ وَ مَنْ لَهُ الْمَالُ الْقَلِيلُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ أَبِي بَصِيْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: يَأْخُذُ الزَّكَاةَ صَاحِبُ السَّبْعِمِائَةِ إِذَا لَمْ يَجِدْ غَيْرَهُ. قُلْتُ: فَإِنَّ صَاحِبَ السَّبْعِمِائَةِ تَجِبُ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ؟

۳- سعید بن عمرو گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: فردی با پول زکات، لباس و سويق (آرد سفید و الک شده گندم و جو)، آرد، خربزه و انگور می خرد و آن را بین مستحقین زکات تقسیم می کند (حکمش چیست؟) فرمود: آن گونه که خداوند تبارک و تعالی امر کرده، جز درهم به آنها ندهد.

بخش چهل و سوم

کسی که اخذ زکات بر او حلال است و کسی که اخذ زکات

بر او حلال نیست و کسی مال کمی دارد

۱- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: انسان با موجودی هفتصد درهم می تواند زکات بگیرد؛ در صورتی که نتواند مال دیگری بدست آورد. گفتم: با موجودی هفتصد درهم خودش باید زکات بدهد؟ چه گونه می تواند زکات بگیرد؟

قَالَ: زَكَاتُهُ صَدَقَةٌ عَلَى عِيَالِهِ، وَ لَا يَأْخُذُهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ إِذَا اعْتَمَدَ عَلَى السَّبْعِمِائَةِ أَنْفَدَهَا فِي أَقَلِّ مِنْ سَنَةٍ، فَهَذَا يَأْخُذُهَا وَ لَا تَحِلُّ الزَّكَاةُ لِمَنْ كَانَ مُحْتَرِفًا وَ عِنْدَهُ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ.

۲- حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِمُحْتَرِفٍ وَ لَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ قَوِيٍّ فَتَنْزَهُوا عَنْهَا.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا لَهُ ثَمَانُمِائَةٌ دِرْهَمٍ وَ هُوَ رَجُلٌ خَفَافٌ، وَ لَهُ عِيَالٌ كَثِيرَةٌ أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَيُرِيحُ فِي دَرَاهِمِهِ مَا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ وَ يَفْضُلُ؟
قُلْتُ: نَعَمْ.

فرمود: با چنین موجودی ناچیز، اگر قرار باشد که زکات بدهد، باید زکات خود را به أهل و عیال منزل بدهد با هفتصد درهم، موقعی می‌تواند زکات بگیرد که اگر از پا بنشیند و موجودی خود را به مصرف برساند، پیش از گذشت یک سال، همه را تمام کند. ولی اگر کار و پیشه دارد که مخارج او را تأمین می‌کند و به اندازه نصاب زکات، موجودی دارد، نمی‌تواند زکات بگیرد.

۲- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

پیشه‌وران و کارگران قوی بنیه، نمی‌توانند از بابت زکات فریضه حقی دریافت کنند پس با داشتن پیشه و کار، قداست و عفت خود را حفظ کنید و از گرفتن زکات خودداری نمایید.

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: مردی از یاران و دوستان ما ۸۰۰ درهم (نقره) دارد، در حالی که مردی بی‌چیز و تنگدست است و عیال زیادی دارد، آیا حق دارد که از زکات چیزی بگیرد؟

فرمودند: ای ابامحمد! آیا از درهم‌هایی که دارد سودی می‌برد که به وسیله آن، قوت عیالش را بدهد و چیزی هم زیاد بیاید؟
گفتم: آری.

قال: كَمْ يُفْضَلُ؟

قُلْتُ: لَا أَدْرِي .

قال: إِنَّ كَانَ يُفْضَلُ عَنِ الْقُوتِ مِقْدَارُ نِصْفِ الْقُوتِ فَلَا يَأْخُذُ الزَّكَاةَ، وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ نِصْفِ الْقُوتِ أَخَذَ الزَّكَاةَ.

قُلْتُ: فَعَلَيْهِ فِي مَالِهِ زَكَاةٌ تَلْزِمُهُ؟

قال: بَلَى .

قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قال: يُوسِّعُ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَ شَرَابِهِمْ وَ كِسْوَتِهِمْ، وَإِنْ بَقِيَ مِنْهَا شَيْءٌ يُنَاوِلُهُ غَيْرَهُمْ، وَ مَا أَخَذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَضَّهُ عَلَى عِيَالِهِ حَتَّى يُلْحِقَهُمْ بِالنَّاسِ .

٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الزَّكَاةِ هَلْ تَصْلُحُ لِصَاحِبِ الدَّارِ وَ الْخَادِمِ؟

فرمود: چقدر زیاد می آید؟

گفتم: نمی دانم.

فرمود: اگر از مقدار نصف قوت زیادی می آید، زکات نگیرد و اگر از نصف قوت کمتر

است می تواند زکات بگیرد.

گفتم: آیا در اموالش زکاتی است که شما او را ملزم به پرداخت آن می کنید؟

فرمود: آری.

گفتم: چگونه زکاتش را پرداخت کند؟

فرمود: این گونه که در غذا و نوشیدنی و لباس زن و بچه اش توسعه دهد و اگر چیزی

زیاد آمد به دیگران بدهد و آن چه را که از زکات می گیرد به عیالش توزیع کند تا آن ها را به

مردم ملحق کند.

٤ - سماعه گوید: از امام صادق ع پرسیدم: کسی که خانه و برده خدمتکار دارد،

می تواند زکات بگیرد؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ دَارُهُ دَارَ غَلَّةٍ فَيُخْرَجَ لَهُ مِنْ غَلَّتِهَا دَرَاهِمٌ مَا يَكْفِيهِ لِنَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ، فَإِنْ لَمْ تَكُنِ الْغَلَّةُ تَكْفِيهِ لِنَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَ كِسْوَتِهِمْ وَ حَاجَتِهِمْ مِنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ، فَقَدْ حَلَّتْ لَهُ الزَّكَاةُ، فَإِنْ كَانَتْ غَلَّتِهَا تَكْفِيهِمْ فَلَا.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ أَبُوهُ أَوْ عَمُّهُ أَوْ أَخُوهُ يَكْفِيهِ مُمُونَتَهُ أَيُّخَذُ مِنَ الزَّكَاةِ فَيَتَوَسَّعَ بِهِ إِنْ كَانُوا لَا يُوسَّعُونَ عَلَيْهِ فِي كُلِّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؟
فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

۶ - صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ ثَلَاثُمِائَةِ دِرْهَمٍ أَوْ أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ لَهُ عِيَالٌ، وَ هُوَ يَحْتَرِفُ فَلَا يُصِيبُ نَفَقَتَهُ فِيهَا أَيُّكِبُ فَيَأْكُلُهَا وَ لَا يَأْخُذُ الزَّكَاةَ أَوْ يَأْخُذُ الزَّكَاةَ؟

فرمود: آری، می تواند جز موقعی که خانه او در اجاره باشد و بتواند با مال الاجاره، زندگی خود و خانواده اش را تأمین کند. اگر درآمد خانه، نتواند نیاز او و خانواده اش را در حد اعتدال و بدون اسراف از حیث غذا و لباس و سایر حوائج زندگی اداره کند، زکات فریضه بر او حلال است و اگر درآمد خانه، بتواند همه نیازمندی های آنان را کفایت کند، زکات فریضه بر آنان حلال نیست.

۵ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از ابوالحسن امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر کسی تحت کفایت پدر یا عمو یا برادر خود باشد که حداقل مخارج او را تأمین کنند، آیا می تواند زکات بگیرد و به زندگی خود وسعت بدهد و به همه نیازمندی های زندگی برسد؟
فرمود: مانعی ندارد.

۶ - معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که سیصد و یا چهارصد درهم سرمایه دارد و با آن کار می کند، ولی نمی تواند مخارج خود و خانواده اش را تأمین کند. آیا باید کسری هزینه را از سرمایه خود برداشت کند، یا این که زکات بگیرد و کسری هزینه را تکمیل کند؟

قال: لا، بَلْ يَنْظُرُ إِلَى فَضْلِهَا فَيَقُوتُ بِهَا نَفْسَهُ، وَ مَنْ وَسِعَهُ ذَلِكَ مِنْ عِيَالِهِ
وَ يَأْخُذُ الْبَقِيَّةَ مِنَ الزَّكَاةِ وَ يَتَصَرَّفُ بِهَذِهِ لَا يُنْفِقُهَا.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام:

أَنْهُمَا سُئِلَا عَنِ الرَّجُلِ لَهُ دَارٌ وَ خَادِمٌ أَوْ عَبْدٌ أَيْقَبُ الزَّكَاةَ؟
قال: نَعَمْ، إِنَّ الدَّارَ وَ الخَادِمَ لَيْسَتَا بِمَالٍ.

۸- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ
إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قال:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ لَهُ ثَمَانِمِائَةٌ دِرْهَمٍ وَ لِابْنِ لَهُ مِائَتَا دِرْهَمٍ وَ لَهُ عَشْرٌ
مِنَ الْعِيَالِ وَ هُوَ يَقُوْتُهُمْ فِيهَا قُوْتًا شَدِيدًا وَ لَيْسَ لَهُ حِرْفَةٌ بِيَدِهِ، وَ إِنَّمَا يَسْتَبْضِعُهَا
فَتَغِيْبُ عَنْهُ الْأَشْهُرُ ثُمَّ يَأْكُلُ مِنْ فَضْلِهَا أَ تَرَى لَهُ إِذَا حَضَرَتِ الزَّكَاةُ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ
مَالِهِ فَيَعُوْدَ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ يُسْبِغُ عَلَيْهِمْ بِهَا النَّفَقَةَ؟
قال: نَعَمْ، وَ لَكِنْ يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّيْءَ الدَّرْهَمَ.

فرمود: نه. بلکه مخارج خود و برخی اعضای خانواده‌اش را از درآمد شخصی خود
اداره کند و مخارج بقیه عائله را از راه زکات تأمین کند؛ و با سرمایه خود، هر چه باشد، به
کسب و کار خود پردازد.

۷- راوی گوید: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام پرسیدند: کسی که خانه، نوکر و برده دارد،
آیا می‌تواند زکات بگیرد؟
فرمودند: آری. خانه و نوکر که سرمایه زندگی نمی‌باشند.

۸- اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی ۸۰۰ درهم نقره دارد و
پسری هم دارد که ۲۰۰ درهم نقره دارد و آن مرد ده نفر عیال دارد و به وسیله آن ۸۰۰
درهم به سختی خوراک آنها را می‌دهد، و کاری هم ندارد که انجام دهد، بلکه آن ۸۰۰
درهم را سرمایه می‌کند، به این صورت که چندین ماه آن ۸۰۰ درهم را در اختیار ندارد و از
زیادی سود آن می‌خورد، آیا درست است که اگر زکاتی به او تعلق گرفت که پردازد، از
مالش خارج کند و به عیالش برگرداند و این گونه به نفقه و خرج زندگی زن و بچه‌اش توسعه
دهد؟

فرمود: آری، ولی باید چیزی که خارج می‌کند درهم باشد.

- ۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَدْ تَجَلَّ الزَّكَاةُ لِصَاحِبِ السَّبْعِمِائَةِ وَ تَحْرُمُ عَلَى صَاحِبِ الْخَمْسِينَ دِرْهَمًا. فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يَكُونُ هَذَا؟
- فَقَالَ: إِذَا كَانَ صَاحِبُ السَّبْعِمِائَةِ لَهُ عِيَالٌ كَثِيرٌ، فَلَوْ قَسَمَهَا بَيْنَهُمْ لَمْ تَكْفِهِ فَلْيُعَفَّ عَنْهَا نَفْسُهُ وَ لِيَأْخُذَهَا لِعِيَالِهِ. وَ أَمَّا صَاحِبُ الْخَمْسِينَ، فَإِنَّهُ يَحْرُمُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ وَ حَدَهُ وَ هُوَ مُحْتَرِفٌ يَعْمَلُ بِهَا وَ هُوَ يُصِيبُ مِنْهَا مَا يَكْفِيهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبُو بَصِيرٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: إِنَّ لَنَا صَدِيقًا وَ هُوَ رَجُلٌ صَدُوقٌ يَدِينُ اللَّهَ بِمَا نَدِينُ بِهِ. فَقَالَ: مَنْ هَذَا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الَّذِي تُزَكِّيهِ؟ فَقَالَ: الْعَبَّاسُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ.

- ۹ - سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ممکن است با سرمایه هفتصد درهم، گرفتن زکات حلال باشد و با سرمایه پنجاه درهم گرفتن زکات حرام باشد. گفتیم: چه گونه ممکن است؟ فرمود: در صورتی که صاحب هفتصد درهم عائله زیادی داشته باشد، تا آن حد که اگر عایدی خود را بین عائله تقسیم کند، هزینه آنان را کفایت نکند. چنین شخصی برای مخارج شخص خودش از وجه زکات مصرف نکند، ولی برای عائله سنگین خود زکات بگیرد. ولی صاحب پنجاه درهم، در صورتی که تنها و بی عائله باشد و با کسب و کاری که دارد، بتواند مخارج خود را تأمین کند، نمی تواند زکات بگیرد.
- ۱۰ - عبدالعزیز گوید: من و ابوبصیر خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدیم، ابوبصیر به امام عليه السلام عرض کرد: ما را دوستی است راستگو که به آن چه ما به آن متدین هستیم، متدین است. امام عليه السلام فرمود: ای ابا محمد! این کسی که از او تعریف می کنی کیست؟ ابوبصیر گفت: عباس بن ولید بن صبیح است.

فَقَالَ: رَحِمَ اللهُ الْوَلِيدَ بْنَ صَبِيحٍ، مَا لَهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ!
 قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَهُ دَارٌ تَسْوَى أَرْبَعَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ، وَ لَهُ جَارِيَةٌ وَ لَهُ غُلامٌ
 يَسْتَقِي عَلَى الْجَمَلِ كُلِّ يَوْمٍ مَا بَيْنَ الدُّرْهَمَيْنِ إِلَى الْأَرْبَعَةِ سِوَى عَلفِ الْجَمَلِ،
 وَ لَهُ عِيَالٌ أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ؟
 قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: وَ لَهُ هَذِهِ الْعُرُوضُ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! فَتَأْمُرْنِي أَنْ أَمُرَهُ أَنْ يَبِيعَ دَارَهُ وَ هِيَ عِزُّهُ وَ مَسْقَطُ رَأْسِهِ، أَوْ
 يَبِيعَ جَارِيَتَهُ الَّتِي تَقِيهِ الْحَرَّ وَ الْبُرْدَ وَ تَصُونُ وَ جَهَّهُ وَ وَجَهَ عِيَالِهِ، أَوْ أَمُرَهُ أَنْ يَبِيعَ
 غُلامَهُ وَ جَمَلَهُ وَ هُوَ مَعِيشَتُهُ وَ قُوَّتُهُ، بَلْ يَأْخُذَ الزَّكَاةَ وَ هِيَ لَهُ حَلَالٌ وَ لَا يَبِيعُ دَارَهُ
 وَ لَا غُلامَهُ وَ لَا جَمَلَهُ.

امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمد! خداوند پدر ولید بن صبیح را رحمت کند، چه مطلبی
 درباره او می خواهی بگویی؟
 ابوبصیر گفت: فدایت شوم! او، خانه ای دارد که به ۴۰۰۰ درهم می ارزد، کنیزی نیز
 دارد، غلامی هم دارد که روزی بین ۲ تا ۴ درهم به شترش آب می دهد و این تازه به غیر از
 علف شتر است، و هم چنین عیال هم دارد، آیا حق دارد که از زکات چیزی بگیرد؟
 فرمود: آری.

ابوبصیر گفت: با این که همه این چیزها را دارد؟

حضرت فرمود: ای ابا محمد! آیا توقع داری که به او امر کنم که خانه اش را که عزت و
 محل تولدش هست بفروشد؟ یا این که کنیزش را که او را از سرما و گرما محافظت می کند و
 آبروی خودش و زن و بچه اش را نگه می دارد بفروشد، یا این که امر کنم که غلامش و
 شترش را که محل درآمد و قوت اوست بفروشد، (من چنین نمی کنم) بلکه او حق دارد که
 زکات بگیرد و زکات برای او حلال است، نباید خانه و غلام و شترش را بفروشد.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الدَّرَاهِمُ يَعْمَلُ بِهَا وَ قَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ فِيهَا الزَّكَاةُ، وَ يَكُونُ فَضْلُهُ الَّذِي يَكْسِبُ بِمَالِهِ كَفَافَ عِيَالِهِ لِطَعَامِهِمْ وَ كِسْوَتِهِمْ لَا يَسْعُهُ لِأُدْمِهِمْ، وَ إِنَّمَا هُوَ مَا يَقْوَتُهُمْ فِي الطَّعَامِ وَ الْكِسْوَةِ . قَالَ: فَلْيَنْظُرْ إِلَى زَكَاةِ مَالِهِ ذَلِكَ فَلْيُخْرِجْ مِنْهَا شَيْئًا قَلَّ أَوْ كَثُرَ، فَيُعْطِيهِ بَعْضَ مَنْ تَحِلُّ لَهُ الزَّكَاةُ وَ لِيُعَدَّ بِمَا بَقِيَ مِنَ الزَّكَاةِ عَلَى عِيَالِهِ وَ لِيَشْتَرِ بِذَلِكَ آدَامَهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ مِنْ طَعَامِهِمْ مِنْ غَيْرِ اسْرَافٍ، وَ لَا يَأْكُلُ هُوَ مِنْهُ، فَإِنَّهُ رَبُّ فَقِيرٍ اسْرَفَ مِنْ غَنِيِّ.

فَقُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ اسْرَفَ مِنَ الْغَنِيِّ؟
فَقَالَ: إِنَّ الْغَنِيَّ يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ، وَ الْفَقِيرُ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ.

۱۱ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:

مردی مقداری درهم نقره دارد که با آنها کار می‌کند در حالی که در آن درهم‌ها زکات بر عهده دارد، و درآمدی به وسیله اموالش درمی‌آورد برای غذا و لباس زن و بچه‌اش کفایت می‌کند، ولی برای خودش غذای چرب و نرم کفایت نمی‌کند، بلکه از آن درآمد برای غذا و لباس معمولی آنها خرج می‌کند (حکم او چیست؟)

فرمود: نظر کنید به زکات مالش و مقداری از آن را - کم باشد یا زیاد - خارج کند و به برخی افراد که زکات برای آنها حلال است بدهد و بقیه زکات مالش را برای زن و بچه‌اش خرج کند و با آن برای آنها خورش و غذای خوب بخرد و در این راه اسراف و زیاده روی نکند و خودش از آن خورش نخورد، زیرا که چه بسا فقیری که اسراف کارتر از غنی است.

گفتم: چگونه می‌شود که فقیری اسراف کارتر از غنی باشد؟

فرمود: همانا غنی، از آن چه که به او می‌رسد و مال اوست انفاق می‌کند و فقیر از آن چه که به او نمی‌رسد و مال او نیست، انفاق می‌کند.

۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَرُؤُونَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: أَنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيِّي وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سِوَيَّ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا تَصْلُحُ لِغَنِيِّي.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا يُعْطَى الْمُصَدَّقُ؟ قَالَ: مَا يَرَى الْإِمَامُ، وَلَا يُقَدَّرُ لَهُ شَيْءٌ.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: رَجُلٌ مُسْلِمٌ مَمْلُوكٌ وَ مَوْلَاهُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ وَ لَهُ مَالٌ يُزَكِّيهِ وَ لِلْمَمْلُوكِ وَ لَدَّ صَغِيرٌ حُرًّا يُجْزِي مَوْلَاهُ أَنْ يُعْطِيَ ابْنَ عَبْدِهِ مِنَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۲ - معاویة بن وهب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: روایت می‌کنند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: «زکات فریضه برای ثروتمندان روا نیست و نه برای نیرومندان سالم» آیا این روایت صحیح است؟

فرمود: پرداخت زکات به ثروتمندان روا نیست.

۱۳ - حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: به مصدق (کسی که مأمور دریافت زکات است) چقدر باید پرداخته شود؟

فرمود: آن مقدار که امام برای او در نظر بگیرد و مقدار مشخص معینی ندارد.

۱۴ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: به ابوالحسن امام کاظم عليه السلام گفتم: مرد ثروتمندی که برده مسلمان دارد و آن برده مسلمان فرزند خردسالی دارد که آزاد است. آیا این مرد می‌تواند از بابت زکات به آن کودک خردسال، خرجی بدهد؟
فرمود: مانعی ندارد.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَارِبِ الْخَمْرِ يُعْطَى مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا؟
قَالَ: لَا.

(۴۴)

بَابُ مَنْ تَحِلُّ لَهُ الزَّكَاةُ فَيَمْتَنِعُ مِنْ أَخْذِهَا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالِ بْنِ خَاقَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
تَارِكُ الزَّكَاةَ وَ قَدْ وَجَبَتْ لَهُ مِثْلُ مَا نَعَهَا وَ قَدْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ.
۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
تَارِكُ الزَّكَاةَ وَ قَدْ وَجَبَتْ لَهُ كَمَا نَعَهَا وَ قَدْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ.

۱۵ - داوود صرمی گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: آیا به شراب خوار چیزی از زکات داده می شود؟
فرمود: نه.

بخش چهل و چهارم

کسی که زکات بر او حلال است ، ولی از گرفتن آن خودداری می کند

۱ - عبد الله بن هلال بن خاقان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
کسی که دریافت زکات برای او واجب (و مستحق دریافت زکات) است و نمی گیرد
مانند کسی است که پرداخت زکات بر او واجب است و نمی دهد.
۲ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
کسی که زکات حق اوست و نمی گیرد مانند کسی است که زکات بر او واجب است و
نمی دهد (یعنی هر دو گنهکارند).

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ، فَأُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ وَلَا أُسْمِي لَهُ أَنَّهَا مِنَ الزَّكَاةِ. فَقَالَ: أَعْطِيهِ، وَلَا تُسَمِّ لَهُ وَلَا تُذِلَّ الْمُؤْمِنَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ مُحْتَاجًا فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بِالصَّدَقَةِ فَلَا يَقْبَلُهَا عَلَى وَجْهِ الصَّدَقَةِ يَأْخُذُهَا مِنْ ذَلِكَ ذِمَامًا وَاسْتِحْيَاءً وَانْقِبَاضًا أَوْ فَيُعْطِيهَا إِيَّاهُ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ الْوَجْهِ وَهِيَ مِنَّا صَدَقَةٌ؟ فَقَالَ: لَا، إِذَا كَانَتْ زَكَاةً فَلَهُ أَنْ يَقْبَلَهَا فَإِنْ لَمْ يَقْبَلْهَا عَلَى وَجْهِ الزَّكَاةِ، فَلَا تُعْطِيهَا إِيَّاهُ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَسْتَحْيِي مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، إِنَّمَا هِيَ فَرِيضَةٌ لِلَّهِ لَهُ فَلَا يَسْتَحْيِي مِنْهَا.

۳ - ابوبصیر گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: کسی از یاران ما که ولایت شما را قبول دارد به خاطر تعفف شرم دارد که زکات بگیرد، من به او زکات می‌دهم، ولی به او نمی‌گویم که این زکات است (آیا اشکالی دارد؟)

فرمود: به او زکات بده و نگو که زکات است و مؤمن را ذلیل و خوار مکن.

۴ - محمد بن مسلم گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: مردی نیازمند و محتاج است، موقعی که از بابت زکات وجهی برای او می‌فرستند، با حالت استنکاف و شرمزدگی، چهره‌اش درهم می‌رود که او را تحقیر کرده‌اند. آیا صاحب زکات، می‌تواند با نام و عنوان دیگری وجه زکات را به او برساند؟ فرمود: نه. در صورتی که زکات باشد باید بپذیرد. اگر به عنوان زکات نپذیرد، از بابت زکات چیزی به او مده. شایسته نیست که انسان از فریضه خدای عز و جل حیا کند. زکات فریضه، حقی است که خدا برای او مقرر کرده است، پس نباید از پذیرفتن حق مقرر الهی خودداری کنند.

(۴۵)

بَابُ الْحَصَادِ وَالْجَدَادِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ قَالَ: سَمِعْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

فِي الزَّرْعِ حَقَّانِ: حَقٌّ تُوْخَذُ بِهِ، وَ حَقٌّ تُعْطِيهِ.

قُلْتُ: وَمَا الَّذِي أُؤْخَذُ بِهِ؟ وَمَا الَّذِي أُعْطِيهِ؟

قَالَ: أَمَّا الَّذِي تُؤْخَذُ بِهِ؛ فَالْعُشْرُ وَنِصْفُ الْعُشْرِ. وَأَمَّا الَّذِي تُعْطِيهِ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ
وَ جَلَّ: «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» يَعْنِي مِنْ حَصْدِكَ الشَّيْءَ بَعْدَ الشَّيْءِ، وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا
قَالَ: الضُّعْثُ، ثُمَّ الضُّعْثُ حَتَّى يَفْرُغَ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ عَن زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ
مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ».
فَقَالُوا جَمِيعاً: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

بخش چهل و پنجم

خوشه چینی و برداشت محصول

۱- معاویه بن شریح گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

در مزرعه و کشتزار، دو حق بر عهده توست: حقی که از تو می گیرند، حقی که خود عطا
خواهی کرد.

پرسیدم: کدام حق است که باید بگیرند؟ و کدام حقی است که خود باید بدهم؟
فرمود: حقی که از تو می گیرند، ضریب ده یک و بیست یک محصول است. حقی که تو
خواهی پرداخت، گفتار خدای تعالی است که می فرماید: «حق برداشت را در روز چیدن
محصول بپردازید» یعنی از خوشه های گندم و جو، یک مشت یک مشت به فقیران حاضر
بدهید تا از برداشت محصول فارغ شوید.

۲- زراره، محمد بن مسلم و ابوبصیر گویند: امام باقر عليه السلام در مورد معنای آیه شریفه
«حق برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید» فرمود:

هَذَا مِنَ الصَّدَقَةِ يُعْطَى الْمَسْكِينِ الْقَبْضَةَ بَعْدَ الْقَبْضَةِ، وَ مِنَ الْجَدَادِ الْحَفْنَةَ بَعْدَ الْحَفْنَةِ حَتَّى يَفْرُغَ وَ يُعْطَى الْحَارِسَ أَجْرًا مَعْلُومًا، وَ يَتْرُكُ مِنَ النَّخْلِ مَعَى فَاوِرَةٍ وَ أُمَّ جُعْرُورٍ وَ يَتْرُكُ لِلْحَارِسِ يَكُونُ فِي الْحَائِطِ الْعَدْقُ وَ الْعَدْقَانِ وَ الثَّلَاثَةُ لِحِفْظِهِ إِيَّاهُ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تَصْرِمُ بِاللَّيْلِ وَ لَا تَحْصُدُ بِاللَّيْلِ وَ لَا تُصَحِّحُ بِاللَّيْلِ وَ لَا تَبْدُزُ بِاللَّيْلِ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ لَمْ يَأْتِكَ الْقَانِعُ وَ الْمُعْتَرُّ.
فَقُلْتُ: مَا الْقَانِعُ وَ الْمُعْتَرُّ؟

این حق مالی نیز، جزو صدقات است که روز برداشت محصول، یک مشت یک مشت از خوشه‌های گندم و جو به فقرا و مساکین بدهند و از محصول میوه یک مشت یک مشت، تا موقعی که از جمع آوری آن فارغ شوند. برای نگهداری باغ و مزرعه همان حقی که معین شده می‌پردازند، از میوه‌های فاسد و آفت زده چیزی نمی‌دهند برای باغبان، علاوه بر حق مقرر، یک شاخه، دو شاخه و سه شاخه جداکن تا برای خود بچینند، زیرا میوه باغ را از گزند آفات نگهداری کرده است.

۳- ابو بصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

میوه باغ را شبانه مچین. کشت خود را شبانه جمع مکن، قربانیت را نیز شبانه مکش و شبانه بذر افشانی نکن و گرنه قانع و معتزی نخواهی یافت که فرمان خدا را اطاعت کنی. پرسیدم: قانع و معتز کدام است؟

قَالَ: الْقَانِعُ الَّذِي يَقْنَعُ بِمَا أُعْطِيَتْهُ، وَ الْمُعْتَرِّ الَّذِي يَمُرُّ بِكَ فَيَسْأَلُكَ، وَإِنْ حَصَدْتَ بِاللَّيْلِ لَمْ يَأْتِكَ السُّؤَالُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ عِنْدَ الْحَصَادِ يَعْنِي الْقَبْضَةَ بَعْدَ الْقَبْضَةِ إِذَا حَصَدْتَهُ، وَإِذَا خَرَجَ فَالْحَفْنَةَ بَعْدَ الْحَفْنَةِ، وَ كَذَلِكَ عِنْدَ الصَّرَامِ وَ كَذَلِكَ عِنْدَ الْبَذْرِ وَ لَا تَبْذُرُ بِاللَّيْلِ، لِأَنَّكَ تُعْطِي مِنَ الْبَذْرِ كَمَا تُعْطِي مِنَ الْحَصَادِ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِي عَن أَبِي مَرْيَمَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾. قَالَ: تُعْطِي الْمَسْكِينِ يَوْمَ حَصَادِكَ الصُّغْتِ، ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الْبَيْدَرِ ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الصَّاعِ الْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنِ مُرَازِمَ عَنِ مُصَادِفٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَرْضٍ لَهُ، وَ هُمْ يَصْرِمُونَ فَجَاءَ سَائِلٌ يَسْأَلُ، فَقُلْتُ: اللَّهُ يَرْزُقُكَ.

فرمود: قانع کسی است که هر چه دریافت کند، تشکر می کند. معتز کسی است که به عنوان رهگذر می آید و با زبان حال، درخواست و مسألت دارد. اگر کشت خود را شبانه جمع کنی، سائلی نخواهی یافت که فرمان خدا را درباره او اطاعت کنی، آنجا که می فرماید: «حق برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید»

یعنی در روز درو، یک مشت یک مشت از خوشه ها و چون از پوست جدا شود، یک مشت یک مشت از دانه ها به فقیران و مساکین بدهید، و به همین کیفیت، موقع میوه چینی. تخم افشانی و زراعت را نیز شبانه انجام مده، چرا که باید یک مشت یک مشت از بذر زمین به گدایان و سائلان تقدیم کنی، همان طور که روز برداشت، از حاصل زمین می پردازی.

۴- ابو مریم گوید: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدا که می فرماید: «حق برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید» فرمود:

در روز چیدن به مسکین یک خوشه می دهی. آن گاه که در خرمنگاه باشد و اگر هنگام پیمانانه باشد یک دهم و نصف یک دهم را می دهی.

۵- مصادف گوید: به همراه امام صادق علیه السلام در باغ حضرتش بودم که کارگران مشغول چیدن میوه ها بودند، ناگاه سائلی آمد و درخواست کرد. من گفتم: خدا روزیت کند.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَهْ! لَيْسَ ذَلِكَ لَكُمْ حَتَّى تُعْطُوا ثَلَاثَةً، فَإِذَا أُعْطِيتُمْ ثَلَاثَةً فَإِنْ أُعْطِيتُمْ فَلَكُمْ، وَإِنْ أَمْسَكْتُمْ فَلَكُمْ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا». قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مِنَ الْإِسْرَافِ فِي الْحَصَادِ وَالْجَدَادِ أَنْ يَصَدَّقَ الرَّجُلُ بِكَفَّيْهِ جَمِيعًا، وَكَانَ أَبِي إِذَا حَضَرَ شَيْئًا مِنْ هَذَا فَرَأَى أَحَدًا مِنْ غِلْمَانِهِ يَتَصَدَّقُ بِكَفَّيْهِ صَاحَ بِهِ: أَعْطِ بِيَدٍ وَاحِدَةً الْقَبْضَةَ بَعْدَ الْقَبْضَةِ، وَالصُّغْتَ بَعْدَ الصُّغْتِ مِنَ السُّبُلِ.

حضرتش فرمود: آرام باش! این برعهده شما نیست تا این که سه مرتبه به او میوه دهید، اگر چنین کردید، بقیه از آن شماست و اگر دیگر ندادید باز از آن شماست.
۶- ابن ابی نصر گوید: از امام ابوالحسن علیه السلام درباره آیه شریفه «حق برداشت را در روز چیدن محصول پردازید» پرسیدم.

فرمود: پدر بزرگوارم همواره می فرمود: اسراف در هنگام برداشت آن است که انسان با دو دستش گندم و میوه بدهد. پدر بزرگوارم همواره به هنگام برداشت گندم وقتی می دید یکی از غلامانش با دو دستش گندم می داد، فریاد می زد: با یک دست یک مشت یک مشت بده و خوشه ای بعد از خوشه ای دیگر بده.

(۴۶)

بَابُ صَدَقَةِ أَهْلِ الْجَزِيَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا حَدُّ الْجَزِيَةِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ؟ وَ هَلْ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مَوْظَّفٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَجُوزُوا إِلَى غَيْرِهِ؟

فَقَالَ: ذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مَا شَاءَ عَلَى قَدْرِ مَالِهِ بِمَا يُطِيقُ، إِنَّمَا هُمْ قَوْمٌ قَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْ أَنْ يُسْتَعْبَدُوا أَوْ يُقْتَلُوا، فَالْجَزِيَةُ تُؤْخَذُ مِنْهُمْ عَلَى قَدْرِ مَا يُطِيقُونَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُمْ بِهِ حَتَّى يُسَلِّمُوا، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ: ﴿حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ وَ كَيْفَ يَكُونُ صَاغِرًا وَ هُوَ لَا يَكْتَرِبُ لِمَا يُؤْخَذُ مِنْهُ حَتَّى يَجِدَ دُلًّا لِمَا أُخِذَ مِنْهُ، فَيَأْلَمَ لِذَلِكَ فَيَسْلِمَ.

بخش چهل و ششم**زکات کسانی که باید جزیه دهند**

۱ - زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اهل کتاب چقدر باید جزیه (مالیاتی که بر اهل کتاب است) بدهند و آیا مقدار معینی مشخص شده که نباید از آن تجاوز بشود؟

فرمود: مقدار آن به نظر امام بستگی دارد، به این صورت که با توجه به مقدار دارایی و توان آن‌ها هر چقدر را که صلاح بداند بگیرد، چرا که آن‌ها جان‌هایشان را فدا کردند تا به بردگی (غلامی و کنیزی) کشیده نشوند و نیز کشته نگردند، پس جزیه هم به اندازه وسعت و دارایی آن‌ها (که طاقت فرسا نباشد) از آن‌ها اخذ می‌شود تا این که مسلمان شوند (یا به صلح و آشتی با مسلمانان زندگی کنند) همانا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «تا به دست خود جزیه دهند و کوچک باشند» پس چگونه می‌تواند کوچک (و در مقابل جامعه مسلمان ذلیل) باشد در حالی که او ابایی ندارد تا آن‌چه را که از او گرفته می‌شود، بپردازد و در خود هم به جهت دادن جزیه احساس ذلت هم نمی‌کند و دردمند نمی‌شود (یعنی برای او مهم نیست که دارد جزیه می‌دهد و اصلاً احساس کوچکی نمی‌کند) تا این که مسلمان شود (یعنی بر همان یهودیت و نصرانیتش می‌ماند و جزیه می‌دهد).

قال: وقال ابنُ مُسَلِّمٍ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ مَا يَأْخُذُ هَؤُلَاءِ مِنْ هَذَا الْخُمْسِ مِنْ أَرْضِ الْجَزِيَّةِ وَيَأْخُذُ مِنَ الدَّهَاقِينِ جَزِيَّةَ رُؤُوسِهِمْ أَمَا عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مَوْظَفٌ؟

فَقَالَ: كَانَ عَلَيْهِمْ مَا أَجَازُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَ لَيْسَ لِلْإِمَامِ أَكْثَرُ مِنَ الْجَزِيَّةِ، إِنْ شَاءَ الْإِمَامُ وَضَعَ ذَلِكَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ، وَ لَيْسَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ شَيْءٌ، وَإِنْ شَاءَ فَعَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ لَيْسَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ شَيْءٌ.

فَقُلْتُ: فَهَذَا الْخُمْسُ؟

فَقَالَ: إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ كَانَ صَدَّاحَهُمْ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.

راوی گوید: و (محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آن چه که اینها (نصارا) از این خمس زمین جزیه می گیرند، و جزیه ای که از مرکب های دهاقین گرفته می شود، آیا برای آنها چیزی مشخص و مقرری هست؟

فرمود: آن چه را که برای خود پسندیدند برای آنهاست، و به امام نیست که چیزی بیشتر از جزیه بگیرد، اگر امام بخواهد جزیه را به چهارپایان آنها می بندد و دیگر بر اموالشان چیزی (جزیه ای) نیست و اگر بخواهد جزیه را به اموالشان می بندد و دیگر بر چهارپایانشان جزیه ای نیست.

گفتم: خمس چه می شود؟

فرمود: این چیزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آنها مصالحه کرده است (آنها دیگر خمس ندارند و فقط باید جزیه دهند).

۲ - حَرِيْزٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ أَهْلِ الذَّمِّ مَاذَا عَلَيْهِمْ مِمَّا يَحْتَقُونَ بِهِ دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ؟
قَالَ: الْخَرَاجُ، فَإِنْ أُخِذَ مِنْ رُؤُوسِهِمْ الْجَزِيَّةُ فَلَا سَبِيلَ عَلَى أَرْضِهِمْ، وَإِنْ أُخِذَ
مِنْ أَرْضِهِمْ فَلَا سَبِيلَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
جَرَتِ السُّنَّةُ أَنْ لَا تُؤْخَذَ الْجَزِيَّةُ مِنَ الْمَعْتُوهِ، وَ لَا مِنَ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ
أَصْحَابِنَا قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَجُوسِ أَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ؟

۲ - محمد بن مسلم گوید: از حضرتش پرسیدم: چه چیزی به اهل ذمه (از جزیه) است
که با آن خود و دارایی خود را حفظ کنند؟
فرمود: بر آن‌ها خراج (مالیات و جزیه) است که اگر از حیواناتشان گرفته شد، دیگر از
زمین‌هایشان گرفته نمی‌شود و اگر از زمین‌هایشان خراج گرفته شد، دیگر از حیواناتشان
گرفته نمی‌شود.

۳ - طلحه بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
سنت این چنین جاری شده است که از کسی که دچار نقص در عقل (سبک مغز
و کودن) شده و کسی که دیوانه شده جزیه گرفته نشود.

۴ - یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مجوس (زرتشتیان) سؤال شد، که
آیا آن‌ها پیامبری داشتند؟

فَقَالَ: نَعَمْ، أَمَا بَلَّغَكَ كِتَابُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ أَنْ أَسْلِمُوا وَإِلَّا نَابَذُكُمْ بِحَرْبٍ، فَكَتَبُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنْ خُذْ مِنَّا الْجِزْيَةَ وَدَعْنَا عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ. فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ﷺ: أَنِّي لَسْتُ أَخُذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ. فَكَتَبُوا إِلَيْهِ يُرِيدُونَ بِذَلِكَ تَكْذِيبَهُ: زَعَمْتَ أَنَّكَ لَا تَأْخُذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، ثُمَّ أَخَذْتَ الْجِزْيَةَ مِنْ مَجُوسِ هَجَرَ. فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ﷺ: أَنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ وَكِتَابَ أَحْرَقُوهُ، أَنَّهُمْ نَبِيَّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ.

امام علیؑ فرمود: آری، مگر داستان نامه‌ای را که پیامبر خدا ﷺ برای اهل مکه نوشت نمی‌دانی؟ پیامبر خدا ﷺ در آن نامه نوشت: ای اهل مکه! یا مسلمان شوید و یا این که آماده جنگ باشید. سران مکه برای پیامبر خدا ﷺ نوشتند: از ما (مانند اهل کتاب) جزیه بگیر و ما را با بت‌هایمان رها کن (که آن‌ها را بپرستیم). پیامبر ﷺ به آن‌ها نوشت: من جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیرم. کافران مکه برای پیامبر خدا ﷺ نوشتند - و می‌خواستند با این کار پیامبر را دروغگو معرفی کنند -: تو خودت می‌گویی که جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیری، آن وقت از مجوس (هجر) ^(۱) جزیه می‌گیری؟ (مگر آن‌ها کافر نیستند؟) پیامبر خدا ﷺ برای آن‌ها نوشت: مجوس (زرتشتیان) را پیامبری بود که او را کشتند و کتابی داشت که آن را سوزاندند، پیامبرشان کتابشان را در دوازده هزار پوست گاو نر برای آن‌ها آورد.

۱ - شهری است نزدیک مدینه.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ صَدَقَاتِ أَهْلِ الْجَزِيَّةِ وَ مَا يُؤْخَذُ مِنْهُمْ مِنْ ثَمَنِ خُمُورِهِمْ وَ لَحْمِ خَنَازِيرِهِمْ وَ مَيْتَتِهِمْ .

قَالَ: عَلَيْهِمُ الْجَزِيَّةُ فِي أَمْوَالِهِمْ، يُؤْخَذُ مِنْهُمْ مِنْ ثَمَنِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ خَمْرٍ وَ كُلِّ مَا أُخِذُوا مِنْهُمْ مِنْ ذَلِكَ فَوَزُرُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ تَمَنَّهُ لِلْمُسْلِمِينَ حَلَالًا يَأْخُذُونَهُ فِي جَزِيَّتِهِمْ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ أَرْضَ الْجَزِيَّةِ لَا تُرْفَعُ عَنْهَا الْجَزِيَّةُ، وَإِنَّمَا الْجَزِيَّةُ عَطَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَ الصَّدَقَةُ لِأَهْلِهَا الَّذِينَ سَمَى اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ لَيْسَ لَهُمْ مِنَ الْجَزِيَّةِ شَيْءٌ .

۵- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام درباره آن چه که از اهل جزیه از درآمد خمر و گوشت خوک و مردارهایشان گرفته می شود سؤال کردم (که آیا این ها حلال اند)؟ فرمود: آن ها باید از اموالشان جزیه بدهند و این جزیه از پول گوشت خوک یا خمر و هر آن چه که از آن ها گرفته می شود، دریافت می شود. گناه این کارهایشان بر عهده خودشان است و بهاء و بهره و پول آن برای مسلمانان است که حلال است و به عنوان جزیه گرفته می شود.

۶- ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زمینی که باید جزیه آن از طرف اهل کتاب پرداخت شود، جزیه اش هرگز رفع نمی شود (و باید جزیه آن را داد) و این بخششی برای مهاجران و صدقه برای اهل آن (اهل آن زمین) همان کسانی که خداوند از آن ها در قرآن کریم یاد کرده و چیزی از جزیه برای آن ها نیست.

ثُمَّ قَالَ: مَا أَوْسَعَ اللَّهُ الْعَدْلَ!
 ثُمَّ قَالَ: إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنَزَّلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ
 الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.
 ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 فِي أَهْلِ الْجِزْيَةِ يُؤْخَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَ مَوَاشِيهِمْ شَيْءٌ سِوَى الْجِزْيَةِ؟
 قَالَ: لَا.

(۴۷)

بَابُ نَادِرٍ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

آن گاه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چقدر عدل الهی گسترده است!
 سپس فرمود: اگر عدل و داد در بین مردم رواج یابد، بی نیاز می شوند، به اذن خداوند
 آسمان روزیش را فرود می آورد و زمین برکاتش را بیرون می ریزد.
 ۷- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد که آیا از اموال و چهارپایان اهل
 جزیه، چیزی جز به عنوان جزیه گرفته می شود؟
 فرمود: نه.

بخش چهل و هفتم

چند روایت نکته دار

۱- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

لَا بَأْسَ بِالرَّجُلِ يَمُرُّ عَلَى الثَّمَرَةِ وَ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ لَا يُفْسِدُ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
أَنْ تُبْنَى الْحِيطَانُ بِالْمَدِينَةِ لِمَكَانِ الْمَارَةِ .

قَالَ: وَ كَانَ إِذَا بَلَغَ نَخْلَةٌ أَمْرًا بِالْحِيطَانِ فَخَرِقَتْ لِمَكَانِ الْمَارَةِ.
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ
جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ:
وَ لَا يُفْسِدُ وَ لَا يَحْمِلُ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
يُونُسَ أَوْ غَيْرِهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

اشکالی ندارد که شخص، از کنار درختان میوه بگذرد و از آن بخورد و از بین نبرد، زیاده
روی نکند و به راستی پیامبر خدا ﷺ نهی فرمود که در مدینه دیوارها را در سر راه مردم بسازند.
حضرتش فرمود: پیامبر ﷺ اگر هر گاه به یک درخت خرما می‌رسید امر می‌فرمود تا
دیوارها را برای گذر مردم، سوراخ کنند که بتوانند از میوه‌ها استفاده کنند.
در روایت دیگری آمده است: از بین نبرند و با خود نبرند.

۲- راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! بَلَّغْنِي أَنَّكَ كُنْتَ تَفْعَلُ فِي غَلَّةِ عَيْنٍ زِيَادٍ سَيِّئًا وَ أَنَا أَحِبُّ
أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ .

فَقَالَ لِي: نَعَمْ، كُنْتُ أَمُرُّ إِذَا أَدْرَكْتَ الثَّمْرَةَ أَنْ يُثْلَمَ فِي حَيْطَانِهَا التُّلْمَ لِيَدْخُلَ
النَّاسُ وَيَأْكُلُوا، وَ كُنْتُ أَمُرُّ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَنْ يُوَضَعَ عَشْرُ بُنْيَاتٍ يُقْعَدُ عَلَيَّ كُلُّ بُنْيَةٍ
عَشْرَةَ كَلِمًا أَكَلْ عَشْرَةَ جَاءَ عَشْرَةَ أُخْرَى يُلْقَى لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْهُمْ مَدٌّ مِنْ رُطَبٍ .
وَ كُنْتُ أَمُرُّ لِجِيرَانِ الضَّيْعَةِ كُلِّهِمُ الشَّيْخِ وَ الْعَجُوزِ وَ الصَّبِيِّ وَ الْمَرِيضِ
وَ الْمَرْأَةِ وَ مَنْ لَا يَقْدِرُ أَنْ يَجِيءَ فَيَأْكُلَ مِنْهَا لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مَدٌّ .

فدايت شوم! شنیده‌ام که شما با درآمد و عایدی و محصول زمین کشاورزی خود که در
«عین زیاد» قرار داشت کارهایی می‌کردید و من دوست دارم از خود شما بشنوم.
امام علی^{علیه السلام} به من فرمود: آری، زمانی که میوه‌ها می‌رسیدند به غلامانم امر می‌کردم که
نردبان‌هایی را در دیوار باغ جاسازی کنند تا مردم بتوانند وارد باغ شده و از میوه‌های آن
بخورند. و امر می‌کردم هر روز تخت‌هایی (بناهای کوچکی را برای نشستن) را - که هر
تخت ظرفیت نشستن ده نفر را داشت - در باغ قرار دهند، مردم ده نفر، ده نفر می‌آمدند و
می‌نشستند و می‌خوردند.
و هر کسی که می‌آمد امر می‌کردم همسایگان باغستان - از پیرمرد و پیرزن و کودک و
مریض و زن و حتی کسی که قادر به آمدن نبود - به جای هر یک از آن‌ها یک مد خرما توسط
کسانی که آمده بودند، داده شود.

فَإِذَا كَانَ الْجَدَاذُ أَوْفِيَتْ الْقُؤَامَ وَالْوُكْلَاءَ وَالرَّجَالَ أُجْرَتَهُمْ وَأَحْمِلُ الْبَاقِي إِلَى
 الْمَدِينَةِ فَفَرَّقْتُ فِي أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ وَالْمُسْتَحِقِّينَ الرَّاحِلَتَيْنِ وَالثَّلَاثَةَ وَالْأَقْلَّ
 وَالْأَكْثَرَ عَلَى قَدْرِ اسْتِحْقَاقِهِمْ، وَحَصَلَ لِي بَعْدَ ذَلِكَ أَرْبَعُمِائَةٍ دِينَارٍ، وَكَانَ غَلَّتْهَا
 أَرْبَعَةَ آلَافٍ دِينَارٍ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
 الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:
 كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا بَلَغَتِ الثَّمَارُ أَمْرًا بِالْحَيْطَانِ فَثَلِمَتْ.
 تَمَّ الْمَجْلَدُ الثَّلَاثُ مِنْ هَذَا الطَّبَعِ، وَيَلِيهِ الْمَجْلَدُ الرَّابِعُ أَوْلُهُ: أَبْوَابُ الصَّدَقَةِ.

و وقتی که وقت چیدن خرما می شد، اجرت دست اندرکاران و وکیلان و کارگران باغ را
 به طور کامل می دادم و آن چه که می ماند به مدینه می بردم و در میان خانواده های مستحق
 به اندازه ۲، ۳، کمتر و بیشتر - به اندازه استحقاقشان - خرما تقسیم می کردم.
 و بعد از همه این ها چهارصد دینار طلا عاید خودم می شد و این در حالی بود که درآمد
 کلی آن چهارهزار دینار طلا بود.

۳ - قاسم جعفری گوید:

زمانی که میوه ها می رسیدند، همواره پیامبر خدا ﷺ امر می کرد تا دیوارهای باغ را
 سوراخ کنند. (تا مردم بیایند و استفاده کنند).

پایان جلد سوم (متن عربی) از این چاپ، جلد چهارم (متن عربی) با «ابواب
 صدقه» آغاز می شود.